



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ساختن نام ساز

مجله - شماره ۱

مجله علمی و پژوهشی

جلد ۱-۲

تألیف

علیرضا زین العابدین

پژوهشگر

موسسه عالی پژوهش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناخت نامه نماز عربی - فارسی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۲۱ | شناخت نامه نماز عربی - فارسی |
| ۲۱ | مشخصات کتاب |
| ۲۲ | اشاره |
| ۲۸ | جلد اول |
| ۲۸ | پیش گفتار |
| ۲۸ | اشاره |
| ۲۸ | ویژگی های نماز |
| ۲۹ | نقش نماز در تکامل انسان |
| ۳۰ | عبادت، حکمتِ خلقت انسان |
| ۳۰ | یاد خدا، روح همه عبادات |
| ۳۱ | جامع ترین دستاورد یاد خدا |
| ۳۲ | نماز، کامل ترین جلوه یاد خدا |
| ۳۳ | حکمت اجمالی نماز |
| ۳۳ | حکمت تفصیلی نماز |
| ۳۴ | برترین برکات نماز |
| ۳۶ | بالتر از لذایذ مادی |
| ۳۷ | لذتبخش تر از بهشت! |
| ۳۸ | تصویری زیبا از اسرار نماز |
| ۳۹ | رمز خودسازی و سازندگی |
| ۴۰ | قدردانی و سپاس |
| ۴۲ | فصل یکم: تشریح نماز |
| ۴۲ | ۱/۱: نماز در امت های پیشین |
| ۵۲ | پژوهشی در باره نماز در امت های پیشین |

| | |
|-----|--|
| ۵۲ | اشاره |
| ۵۳ | نماز در روزگار آدم علیه السلام |
| ۵۳ | نماز در روزگار ادریس علیه السلام |
| ۵۳ | نماز در روزگار نوح علیه السلام |
| ۵۴ | نماز در روزگار ابراهیم علیه السلام |
| ۵۴ | نماز در روزگار فرزندان ابراهیم علیه السلام |
| ۵۴ | نماز در روزگار موسی علیه السلام |
| ۵۶ | نماز در روزگار پیامبران بنی اسرائیل |
| ۵۷ | نماز در روزگار عیسی علیه السلام |
| ۶۰ | ۲/۱: تشریح نماز در اسلام |
| ۷۷ | پژوهشی در باره چگونگی تشریح نماز در اسلام |
| ۷۷ | اشاره |
| ۷۹ | تشریح نمازهای پنجگانه |
| ۸۲ | ۳/۱: تبیین نماز به وسیله پیامبر(ص) |
| ۸۶ | ۴/۱: وجوب نماز |
| ۸۸ | ۵/۱: گونه های تشریح شده نماز |
| ۸۸ | اشاره |
| ۸۸ | نکته |
| ۹۰ | ۶/۱: نمازهای واجب در شبانه روز |
| ۹۲ | ۷/۱: حدود نماز |
| ۹۶ | ۸/۱: وقت های نماز |
| ۹۶ | اشاره |
| ۱۰۶ | سخنی در باره اوقات نمازهای پنجگانه |
| ۱۱۰ | فصل دوم: ویژگی های نماز |
| ۱۱۰ | ۱/۲: بهترین دستور |
| ۱۱۶ | ۲/۲: سفره مهمانی خدا |

| | |
|-----|---|
| ۱۱۶ | ۳/۲: روشنی چشم پیامبر(ص) و امتش |
| ۱۲۰ | ۴/۲: زیور اسلام |
| ۱۲۰ | ۵/۲: نشانه مسلمانان |
| ۱۲۶ | ۶/۲: نخستین فریضه خدا |
| ۱۲۶ | ۷/۲: نخستین آموزشی که بر هر مسلمان واجب است |
| ۱۲۸ | ۸/۲: نخستین مورد در محاسبه |
| ۱۳۱ | توضیحی در باره نخستین پرسش پس از مرگ |
| ۱۳۶ | ۹/۲: آخرین وصیت پیامبر(ص) |
| ۱۳۸ | ۱۰/۲: نور و دلیل |
| ۱۳۸ | ۱۱/۲: ترازو و پیمان |
| ۱۴۰ | ۱۲/۲: پیشوای کارها |
| ۱۴۰ | ۱۳/۲: نو این چند ویژگی |
| ۱۴۴ | فصل سوم: حکمت نماز |
| ۱۴۴ | ۱/۳: یاد خدا |
| ۱۴۶ | ۲/۳: بازداری از فساد |
| ۱۵۰ | ۳/۳: پیراستن از کبر |
| ۱۵۲ | ۴/۳: برپایی دین |
| ۱۵۸ | ۵/۳: زنده داشتن قرآن |
| ۱۶۰ | فصل چهارم: بر پا داشتن نماز |
| ۱۶۰ | ۱/۴: تأکید بر به پا داشتن نماز |
| ۱۶۶ | ۲/۴: پاسداری از حدود و وقت های نماز |
| ۱۸۴ | ۳/۴: فرمان دادن خانواده به نماز |
| ۱۸۴ | اشاره |
| ۱۸۷ | بیان |
| ۱۸۷ | اشاره |
| ۱۸۸ | نکته |

- ۱۹۰ ----- ۴/۴: فضیلت نمازگزار
- ۲۰۴ ----- فصل پنجم: آثار بر پا کردن نماز
- ۲۰۴ ----- ۱/۵: از میان رفتن بدی ها
- ۲۲۲ ----- ۲/۵: روشنی دل
- ۲۲۴ ----- ۳/۵: زاندن شیطان
- ۲۲۴ ----- ۴/۵: اقبال خداوند به نماز گزار
- ۲۲۶ ----- ۵/۵: تقرب به خدا
- ۲۲۸ ----- ۶/۵: دعای فرشتگان
- ۲۲۸ ----- ۷/۵: فرود آمدن رحمت
- ۲۳۲ ----- ۸/۵: اجابت دعا
- ۲۳۶ ----- ۹/۵: یاری رسانی در سختی ها
- ۲۳۸ ----- ۱۰/۵: خیر دنیا و آخرت
- ۲۴۶ ----- ۱۱/۵: و این چند برکت
- ۲۵۰ ----- فصل ششم: آداب نماز
- ۲۵۰ ----- ۱/۶: آداب پیش از نماز
- ۲۵۰ ----- ۱-۱/۶: توبه
- ۲۵۰ ----- ۲-۱/۶: مسواک زدن
- ۲۵۲ ----- ۳-۱/۶: زینت کردن
- ۲۵۶ ----- ۴-۱/۶: استفاده از بوی خوش
- ۲۵۶ ----- ۵-۱/۶: انگشتر به دست داشتن
- ۲۵۸ ----- ۶-۱/۶: اذان و اقامه گفتن
- ۲۶۲ ----- ۲/۶: آداب خواندن نماز
- ۲۶۲ ----- ۱-۲/۶: انجام نمازهای واجب در اول وقت
- ۲۶۸ ----- ۲-۲/۶: ادای نماز واجب در مسجد
- ۲۷۴ ----- ۳-۲/۶: خواندن نمازهای واجب به جماعت
- ۲۸۲ ----- ۴-۲/۶: نماز خواندن مانند کسی که آخرین نمازش را می خواند

- ۲۸۴ ----- ۲/۶-۵ دعای آغاز نماز
- ۲۹۰ ----- ۲/۶-۶ خشوع و حضور قلب
- ۳۰۳ ----- پژوهشی در باره خشوع و حضور قلب در نماز
- ۳۰۳ ----- اشاره
- ۳۰۳ ----- خشوع، در لغت
- ۳۰۳ ----- اشاره
- ۳۰۴ ----- خشوع، در قرآن و حدیث
- ۳۰۶ ----- خشوع مطلوب در نماز
- ۳۰۸ ----- نقش خشوع در قبولی نماز
- ۳۰۹ ----- ره نمودهایی برای تحصیل خشوع در نماز
- ۳۱۴ ----- ۲/۶-۷ گریستن یا حالت گریه داشتن
- ۳۱۴ ----- ۲/۶-۸ درنگ کردن
- ۳۱۶ ----- ۳/۶ ادب تکبیر گفتن
- ۳۱۶ ----- ۳/۶-۱ مواظبت بر تکبیر اول
- ۳۱۸ ----- ۳/۶-۲ استحباب سه یا هفت بار گفتن تکبیر اول
- ۳۲۰ ----- ۳/۶-۳ بالا بردن دست ها در تکبیر
- ۳۲۴ ----- ۴/۶ احکام و آداب قرائت
- ۳۲۴ ----- ۴/۶-۱ رعایت حدّ بلند و آهسته خواندن
- ۳۲۴ ----- اشاره
- ۳۲۵ ----- توضیح
- ۳۲۵ ----- اشاره
- ۳۲۶ ----- نکته
- ۳۲۷ ----- سخنی درباره احکام و آداب قرائت
- ۳۳۰ ----- ۴/۶-۲ پناه بردن به خدا
- ۳۳۰ ----- ۴/۶-۳ قرائت «بسم الله»
- ۳۳۴ ----- ۴/۶-۴ بلند گفتن «بسم الله»

- الف-بلند گفتن «بسم الله» در نماز به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۳۴
- ب-بلند گفتن «بسم الله» در نماز به وسیله اهل بیت علیهم السلام ۳۳۶
- ج-بلند گفتن «بسم الله» از نشانه های ایمان ۳۳۸
- ۴/۶-۵ قرائت سوره حمد و یک سوره دیگر ۳۴۲
- ۴/۶-۶ استحباب خواندن یکی از این سوره ها ۳۴۴
- ۴/۶-۷ نخواندن سوره های در بر دارنده سجده واجب ۳۵۶
- ۴/۶-۸ ترتیل در قرائت ۳۵۸
- ۴/۶-۹ تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم ۳۶۰
- ۵/۶:۵:۵ ادب رکوع و سجود ۳۶۲
- ۵/۶-۱ چگونگی رکوع ۳۶۲
- اشاره ۳۶۲
- سخنی در باره چگونگی رکوع ۳۶۵
- ۵/۶-۲ چگونگی سجود ۳۶۸
- اشاره ۳۶۸
- سخنی در باره چگونگی سجود ۳۷۶
- ۵/۶-۳ بینی به زمین رساندن ۳۸۰
- ۵/۶-۴ ذکر رکوع و سجود ۳۸۲
- ۵/۶-۵ دعا در رکوع و سجود ۳۸۶
- ۵/۶-۶ کامل آوردن و طول دادن رکوع و سجود ۳۹۰
- ۵/۶-۷ چگونگی سر بر داشتن از رکوع و سجده و نشستن و بلند شدن ۳۹۴
- ۶/۶:۶:۶ ادب قنوت ۴۰۰
- ۶/۶-۱ استحباب قنوت در همه نمازها ۴۰۰
- اشاره ۴۰۰
- سخنی در باره ادب قنوت ۴۰۵
- ۶/۶-۲ آنچه در قنوت گفته می شود ۴۰۸
- ۷/۶:۷:۶ ادب تشهد ۴۱۴

- ۴۱۴ ۷/۶-۱ چگونگی تشهّد
- ۴۱۸ ۷/۶-۲ وجوب صلوات فرستادن بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش در تشهّد
- ۴۲۰ ۸/۶:ادب سلام دادن
- ۴۲۰ ۸/۶-۱ پایان دادن نماز با سلام
- ۴۲۲ ۸/۶-۲ چگونگی سلام دادن
- ۴۲۶ ۹/۶:مجموعه آداب نماز
- ۴۳۴ فصل هفتم:رازهای نماز
- ۴۳۴ ۱/۷:اهمیت شناخت رازهای نماز
- ۴۳۴ ۲/۷:رازهای اذان
- ۴۴۸ ۳/۷:رازهای نماز از دیدگاه امیر مؤمنان(ع)
- ۴۵۲ ۴/۷:رازهای نماز از دیدگاه امام صادق(ع)
- ۴۵۵ جلد دوم
- ۴۵۵ اشاره
- ۴۵۶ فصل هشتم:آنچه شایسته نمازگزار نیست
- ۴۵۶ ۱/۸ بازی کردن
- ۴۵۸ ۲/۸ به این سو و آن سو روی گرداندن
- ۴۶۴ ۳/۸ خمیازه کشیدن
- ۴۶۶ ۴/۸ خواب آلودگی
- ۴۶۸ ۵/۸ بی حالی
- ۴۷۲ ۶/۸ شتاب کردن
- ۴۷۲ ۷/۸ بستن چشم
- ۴۷۴ ۸/۸ شکستن انگشتان
- ۴۷۴ ۹/۸ نگه داشتن ادرار و مدفوع
- ۴۷۸ ۱۰/۸ صدای بلند آزار دهنده
- ۴۸۰ ۱۱/۸ نماز گزاردن،بدون داشتن حریم پیش رو
- ۴۸۲ ۱۲/۸ نماز گزاردن در این چند جا

| | | |
|-----|-------|--|
| ۴۹۰ | ----- | ۱۳/۸ و این چند کار ----- |
| ۴۹۸ | ----- | فصل نهم: مهم ترین تعقیبات نماز ----- |
| ۴۹۸ | ----- | ۱/۹ سه بار تکبیر گفتن ----- |
| ۵۰۰ | ----- | ۲/۹ خواندن آیه الكرسی ----- |
| ۵۰۲ | ----- | ۳/۹ خواندن سوره توحید ----- |
| ۵۰۴ | ----- | ۴/۹ خواندن دو سوره فلق و ناس ----- |
| ۵۰۴ | ----- | ۵/۹ صلوات بر پیامبر(ص) و خاندانش ----- |
| ۵۰۶ | ----- | ۶/۹ تسبیح فاطمه زهرا(علیها السلام) ----- |
| ۵۰۶ | ----- | ۱-۶/۹ فضیلت تسبیح فاطمه علیها السلام ----- |
| ۵۰۸ | ----- | ۲-۶/۹ آغاز تشریح تسبیح فاطمه علیها السلام ----- |
| ۵۱۲ | ----- | ۳-۶/۹ چگونگی تسبیح فاطمه علیها السلام ----- |
| ۵۱۵ | ----- | پژوهشی درباره کیفیت تسبیح فاطمه زهرا ----- |
| ۵۱۵ | ----- | اشاره ----- |
| ۵۱۶ | ----- | نظریه مشهور: تقدیم تحمید بر تسبیح ----- |
| ۵۱۶ | ----- | اشاره ----- |
| ۵۱۷ | ----- | دلیل نظریه مشهور ----- |
| ۵۱۸ | ----- | نظریه دوم: تقدیم تسبیح بر تحمید ----- |
| ۵۱۹ | ----- | نظریه سوم: تفصیل ----- |
| ۵۲۰ | ----- | نظریه برگزیده ----- |
| ۵۲۲ | ----- | ۷/۹ دعا کردن ----- |
| ۵۲۴ | ----- | ۸/۹ استغفار کردن ----- |
| ۵۲۶ | ----- | ۹/۹ سجده شکر گزاردن ----- |
| ۵۳۰ | ----- | ۱۰/۹ گونه بر خاک نهادن ----- |
| ۵۳۲ | ----- | ۱۱/۹ دست کشیدن به سجده گاه و کشیدن آن به صورت یا جای درد ----- |
| ۵۳۴ | ----- | ۱۲/۹ نشستن در جایگاه نماز، پس از نماز صبح تا طلوع خورشید ----- |
| ۵۴۰ | ----- | ۱۳/۹ انتظار نماز را کشیدن ----- |

- فصل دهم: دعاهای روایت شده پس از نماز ۵۵۰
- ۱/۱۰ دعاهای روایت شده از پیامبر(ص) ۵۵۰
- ۲/۱۰ دعاهای روایت شده از امام علی(ع) ۵۶۶
- ۳/۱۰ دعای روایت شده از امام زین العابدین(ع) ۵۷۶
- ۴/۱۰ دعاهای روایت شده از امام باقر(ع) ۵۷۸
- ۵/۱۰ دعاهای روایت شده از امام صادق(ع) ۵۸۲
- ۶/۱۰ دعای روایت شده از امام رضا(ع) ۵۹۴
- ۷/۱۰ دعای روایت شده از امام جواد(ع) ۵۹۶
- ۸/۱۰ دعای روایت شده از امام عسکری(ع) ۵۹۶
- فصل یازدهم: قبول نماز ۶۰۲
- ۱/۱۱ نمازهای ناپذیرفته ۶۰۲
- ۲/۱۱ کسانی که بخشی از نمازشان پذیرفته می شود ۶۰۴
- ۳/۱۱ اسباب پذیرش نماز ۶۰۶
- ۳/۱۱-۱ ولایت اهل بیت علیهم السلام ۶۰۶
- ۳/۱۱-۲ پارسایی ۶۱۰
- ۳/۱۱-۳ نماز گزاردن پشت سر پارسا ۶۱۰
- ۳/۱۱-۴ پرداخت زکات ۶۱۰
- ۳/۱۱-۵ و این چند سبب ۶۱۲
- ۴/۱۱ موانع قبول نماز ۶۱۴
- ۴/۱۱-۱ دشمنی با اهل بیت علیهم السلام ۶۱۴
- ۴/۱۱-۲ ریا ۶۱۴
- ۴/۱۱-۳ زکات ندادن ۶۱۶
- ۴/۱۱-۴ ستم به مردم ۶۱۸
- ۴/۱۱-۵ باده نوشی ۶۱۸
- ۴/۱۱-۶ غیبت مسلمان ۶۲۴
- ۴/۱۱-۷ حرامخواری ۶۲۴

- ۶۲۶ ۴/۱۱-۸ آزار دادن همسر
- ۶۲۸ ۴/۱۱-۹ سرکشی از پدر و مادر
- ۶۲۸ ۴/۱۱-۱۰ خودآرایی زن برای غیر شوهر
- ۶۲۸ ۴/۱۱-۱۱ نگاه ناپاک
- ۶۳۰ ۴/۱۱-۱۲ و این چند کار
- ۶۳۴ فصل دوازدهم: سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(علیهم السلام) در نماز
- ۶۳۴ ۱/۱۲ ویژگی نماز پیامبر(ص)
- ۶۳۴ ۱/۱۲-۱ دل بستگی شدید پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز
- ۶۳۴ ۱/۱۲-۲ اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به اول وقت
- ۶۳۸ ۱/۱۲-۳ حضور قلب پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز
- ۶۳۸ ۱/۱۲-۴ گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز
- ۶۴۰ ۱/۱۲-۵ طولانی شدن نماز پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۶۴۲ ۱/۱۲-۶ چگونگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۶۵۰ ۱/۱۲-۷ سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازهای واجب و نافله
- ۶۵۳ پژوهشی در باره چگونگی نماز پیامبر(ص)
- ۶۵۳ اشاره
- ۶۵۳ ۱. وضو
- ۶۵۳ اشاره
- ۶۵۴ سمت و سوی شستن دست ها
- ۶۵۶ مسح پاها یا شستن آنها
- ۶۵۸ نگاهی به روایت عبد الله بن عمرو
- ۶۵۹ نقد استدلال به اعراب نصب «أرجلکم»
- ۶۶۰ ۲. اذان
- ۶۶۰ اشاره
- ۶۶۱ گفتن «الصلاة خیر من النوم» در اذان صبح
- ۶۶۴ گفتن «حی علی خیر العمل» در اذان و اقامه

۳. تکتّف (دست روی دست گذاشتن در حال قیام) - - - - - ۶۶۵
- اشاره - - - - - ۶۶۵
- نوپدید بودن تکتّف - - - - - ۶۶۵
- منشأ پیدایش تکتّف در نماز - - - - - ۶۶۶
- ضعف دلیل معتقدان به ستّ بودن تکتّف - - - - - ۶۶۷
۴. بلند خواندن بسم الله - - - - - ۶۶۸
- اشاره - - - - - ۶۶۸
- «چهر به بسمله» در ستّ نبوی صلی الله علیه و آله - - - - - ۶۶۸
- ستّ «چهر به بسمله» در عمل صحابه - - - - - ۶۶۹
- دگرگون کردن «ستّ چهر به بسمله» - - - - - ۶۷۱
- ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعت - - - - - ۶۷۲
۵. آمین گفتن - - - - - ۶۷۲
- اشاره - - - - - ۶۷۲
- مستند رأی شیعی - - - - - ۶۷۲
۶. قنوت - - - - - ۶۷۴
۷. نشستن پس از سجده دوم - - - - - ۶۷۵
۸. قصر نماز در سفر - - - - - ۶۷۵
- اشاره - - - - - ۶۷۵
- نماز قصر در قرآن - - - - - ۶۷۶
- قصر نماز، رخصت یا عزیمت؟ - - - - - ۶۷۷
- ادلّه معتقدان به رخصت - - - - - ۶۷۸
- قصر نماز در مذهب اهل بیت علیهم السلام - - - - - ۶۸۰
- پایه گذار اتمام نماز در سفر - - - - - ۶۸۱
۹. جمع میان دو نماز - - - - - ۶۸۲
- اشاره - - - - - ۶۸۲
- با هم خواندن دو نماز در ستّ پیامبر صلی الله علیه و آله - - - - - ۶۸۴

- ۶۹۰ ۲/۱۲ ویژگی نماز امام علی(ع)
- ۶۹۰ ۲/۱۲-۱ نمازش، نماز، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود
- ۶۹۰ ۲/۱۲-۲ اهتمامش به اول وقت
- ۶۹۲ ۲/۱۲-۳ حالتش در وقت نماز
- ۶۹۲ ۲/۱۲-۴ حضور قلبش در نماز
- ۶۹۶ ۲/۱۲-۵ حالتش در آستانه نماز
- ۶۹۶ ۲/۱۲-۶ حالتش در رکوع
- ۶۹۸ ۲/۱۲-۷ فراوانی نمازش
- ۶۹۸ ۳/۱۲ چگونگی نماز فاطمه زهرا(علیها السلام)
- ۷۰۰ ۴/۱۲ ویژگی نماز امام حسن(ع)
- ۷۰۰ ۵/۱۲ چگونگی نماز امام حسین(ع) در روز عاشورا
- ۷۰۲ ۶/۱۲ چگونگی نماز امام زین العابدین(ع)
- ۷۰۲ ۶/۱۲-۱ حالتش هنگام وضو
- ۷۰۴ ۶/۱۲-۲ حالتش در نماز
- ۷۰۶ ۶/۱۲-۳ حضور قلب امام علیه السلام در نماز
- ۷۰۸ ۶/۱۲-۴ فراوانی نماز امام علیه السلام
- ۷۱۲ ۷/۱۲ چگونگی نماز امام باقر(ع)
- ۷۱۲ ۸/۱۲ چگونگی نماز امام صادق(ع)
- ۷۱۶ ۹/۱۲ چگونگی نماز امام کاظم(ع)
- ۷۱۸ ۱۰/۱۲ چگونگی نماز امام رضا(ع)
- ۷۲۸ فصل سیزدهم: سبک شمردن نماز
- ۷۲۸ ۱/۱۳ به تأخیر انداختن نماز
- ۷۳۸ ۲/۱۳ تباہ کردن نماز
- ۷۴۵ پژوهشی در باره تضييع نماز
- ۷۴۵ اشاره
- ۷۴۶ مفهوم شناسی «تضييع»

- ۷۴۷ تضييع نماز از دیدگاه مفتشران
- ۷۵۰ ۳/۱۳ خوار شمردن نماز
- ۷۵۴ ۴/۱۳ دزدی از نماز
- ۷۵۸ ۵/۱۳ ترک نماز
- ۷۶۸ ۶/۱۳ مجازات اخروی ترک کننده نماز
- ۷۷۴ فصل چهاردهم: نافله های شبانه روز
- ۷۷۴ ۱/۱۴ ترغیب به نافله ها
- ۷۷۶ ۲/۱۴ حکمت نافله ها
- ۷۸۲ ۳/۱۴ تعداد نافله ها
- ۷۸۸ ۴/۱۴ نافله هایی که مستحب مؤکدند
- ۷۹۶ ۵/۱۴ استحباب خواندن نافله در خانه
- ۷۹۸ ۶/۱۴ آداب نافله خواندن
- ۸۰۲ فصل پانزدهم: برخی نمازهای مستحبتی
- ۸۰۲ ۱/۱۵ نماز پیامبر(ص)
- ۸۰۴ ۲/۱۵ نماز امیر مؤمنان(ع)
- ۸۰۶ ۳/۱۵ نماز فاطمه(علیها السلام)
- ۸۱۲ ۴/۱۵ نماز امام حسن(ع)
- ۸۱۴ ۵/۱۵ نماز امام حسین(ع)
- ۸۲۰ ۶/۱۵ نماز امام زین العابدین(ع)
- ۸۲۰ ۷/۱۵ نماز امام باقر(ع)
- ۸۲۲ ۸/۱۵ نماز امام صادق(ع)
- ۸۲۲ ۹/۱۵ نماز امام کاظم(ع)
- ۸۲۴ ۱۰/۱۵ نماز امام رضا(ع)
- ۸۲۶ ۱۱/۱۵ نماز امام جواد(ع)
- ۸۲۶ ۱۲/۱۵ نماز امام هادی(ع)
- ۸۲۸ ۱۳/۱۵ نماز امام عسکری(ع)

| | | |
|-----|-------|---|
| ۸۳۰ | ----- | نماز امام مهدی(ع) |
| ۸۳۴ | ----- | نماز جعفر بن ابی طالب (طیار) |
| ۸۴۲ | ----- | نماز اعرابی |
| ۸۴۴ | ----- | نماز طلب باران |
| ۸۴۶ | ----- | نماز حاجت |
| ۸۵۲ | ----- | نماز شب خاک سپاری |
| ۸۵۲ | ----- | نمازهای هدیه به پیامبر(ص) و اهل بیت(علیهم السلام) |
| ۸۶۲ | ----- | فهرست ها |
| ۸۶۲ | ----- | اشاره |
| ۸۶۴ | ----- | (۱) فهرست آیات |
| ۸۶۴ | ----- | حمد |
| ۸۶۴ | ----- | بقره |
| ۸۶۵ | ----- | آل عمران |
| ۸۶۵ | ----- | نساء |
| ۸۶۶ | ----- | مائده |
| ۸۶۷ | ----- | انعام |
| ۸۶۷ | ----- | اعراف |
| ۸۶۷ | ----- | توبه |
| ۸۶۷ | ----- | یونس |
| ۸۶۷ | ----- | هود |
| ۸۶۷ | ----- | یوسف |
| ۸۶۸ | ----- | ابراهیم |
| ۸۶۸ | ----- | اسرا |
| ۸۶۸ | ----- | کهف |
| ۸۶۸ | ----- | مریم |
| ۸۶۸ | ----- | طه |

| | | |
|-----|-------|--------|
| ٨٧٠ | | انبيا |
| ٨٧٠ | | مؤمنون |
| ٨٧٠ | | نور |
| ٨٧٠ | | عنكبوت |
| ٨٧٠ | | روم |
| ٨٧٢ | | لقمان |
| ٨٧٢ | | صافات |
| ٨٧٢ | | زمر |
| ٨٧٢ | | غافر |
| ٨٧٢ | | فاطر |
| ٨٧٢ | | فتح |
| ٨٧٢ | | ق |
| ٨٧٣ | | طور |
| ٨٧٣ | | حديد |
| ٨٧٣ | | حشر |
| ٨٧٣ | | قلم |
| ٨٧٣ | | معارج |
| ٨٧٣ | | جن |
| ٨٧٣ | | مزمل |
| ٨٧٣ | | مدثر |
| ٨٧٥ | | قيامت |
| ٨٧٥ | | مرسلات |
| ٨٧٥ | | اعلى |
| ٨٧٥ | | غاشيه |
| ٨٧٥ | | فجر |
| ٨٧٥ | | شرح |

| | |
|-----|-------------------------------|
| ۸۷۷ | قدر |
| ۸۷۷ | معاون |
| ۸۷۷ | کوثر |
| ۸۷۷ | اخلاص |
| ۸۷۹ | (۲) فهرست اعلام |
| ۸۹۵ | (۳) فهرست جمعیت ها و قبیله ها |
| ۹۰۲ | (۴) فهرست شهرها و مکان ها |
| ۹۰۵ | (۵) فهرست زمان ها |
| ۹۰۸ | (۶) فهرست غریب الحدیث |
| ۹۱۷ | فهرست منابع و مآخذ |
| ۹۵۰ | درباره مرکز |

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، 1325-1401.

عنوان و نام پدیدآور: شناخت نامه نماز عربی - فارسی / محمدی ری شهری، با همکاری مرتضی خوش نصیب؛ ترجمه عبدالهادی مسعودی؛ تحقیق پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1392.

مشخصات ظاهری: 2 ج.

شابک: 280000 ریال: دوره 2-685-493-964-978؛ ج 1. 9-686-493-964-978؛ ج 2. 6-687-493-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: عربی - فارسی.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: نماز

شناسه افزوده: خوش نصیب، مرتضی، 1342 -

شناسه افزوده: مسعودی، عبدالهادی، 1343 -، مترجم

شناسه افزوده: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. پژوهشکده علوم و معارف حدیث

شناسه افزوده: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره: BP186/م3735 ش9 1392

رده بندی دیویی: 297/353

شماره کتابشناسی ملی: 3221545

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

شناخت نامه نماز عربی - فارسی

محمدی ری شهری

با همکاری مرتضی خوش نصیب

ترجمه عبدالهادی مسعودی

تحقیق پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

ص: 5

نماز، به عنوان سرآمد عبادات، ویژگی‌هایی دارد که هیچ عبادت دیگری از آنها برخوردار نیست. این ویژگی‌ها، به تفصیل، در آیات قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آمده که در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

ویژگی‌های نماز

نماز، نخستین فریضه‌ای است که خداوند سبحان، انجام دادن آن را بر مردم، لازم شمرده، و نخستین کاری است که در اسلام، فراگرفتن آن واجب است، و نخستین عملی است که انسان در قیامت در باره‌ی آن، بازجویی می‌شود. اگر این عمل، مورد قبول خداوند قرار گرفت، سایر اعمال، پذیرفته می‌شود و اگر مردود شود، دیگر اعمال نیز مردود می‌گردد.

نماز، ستون دین است که بدون آن، ارزش‌ها و آرمان‌های دینی، فرو خواهند ریخت. از این رو، در اسلام، پس از اعتراف به مبانی عقیدتی، هیچ عملی بالاتر و والاتر از نماز نیست.

جایگاه نماز نسبت به دیگر ارزش‌های دینی، جایگاه سر در بدن است، و بدین جهت، حیات و پویایی ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی، وابسته به آن است.

نماز، بهترین برنامه‌ای است که خداوند سبحان برای رشد و شکوفایی انسان

وضع کرده، و از این رو، بهترین کار و محبوب ترین عمل، و برترین وسیله تقرب به آفریدگار جهان، و معراج اهل ایمان است.

نماز، شیطان را از انسان دور می گرداند، از سرمستی و طغیان پیشگیری می کند، خود بزرگ بینی و انواع رذایل اخلاقی و عملی را می زداید، گناهان را پاک می کند، و جان را پاکیزه می سازد.

نماز، چهره باطنی انسان را زیبا و دل را نورانی می کند، و موجب آسودگی بدن و آرامش جان، و نیز سبب فرود آمدن رحمت الهی می گردد.

نماز، چراغ اهل آسمان، مایه سنگین شدن ترازوی عمل، و وسیله جلب خشنودی آفریدگار جهان است.

نماز، کلید دستیابی به همه خوبی هاست. با نماز، هر دو جهاد اصغر و اکبر، به پیروزی می رسند، نگرانی ها از دل زدوده می شوند، و بدی ها به نیکی ها تبدیل می شود.

نماز، راه روشنی است که انبیای الهی برای رسیدن به بهشت جاوید، به انسان نشان داده اند، و سرانجام نماز، نور چشم خاتم پیامبران و آخرین سفارش ایشان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات زندگی، مکرر می فرمود: «نماز، نماز، نماز!» تا جان به جان آفرین تسلیم کرد. [\(1\)](#)

نقش نماز در تکامل انسان

ویژگی هایی که برای نماز برشمردیم، به روشنی نشان می دهند که این عبادت، بیش از هر عبادت دیگر، در تکامل انسان و سعادت دنیا و آخرت او، نقش دارد. برای توضیح این مطلب، ابتدا اشاره ای داریم به نقش عبادت خدا در تکامل انسان، و سپس بیان این مطلب که چگونه نماز، بیش از هر عبادتی دیگر، در این عرصه، نقش آفرین است.

ص: 8

1- ر.ک: ص 89 (فصل دوم: ویژگی های نماز) و ص 123 (فصل سوم: حکمت نماز).

از دیدگاه قرآن کریم، هدف از آفرینش انسان، عبادت خداست:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (1)»

جن و انس را نیافریدم مگر برای این که مرا عبادت کنند».

اما باید توجه داشت که عبادت، هدف نهایی خلقت انسان نیست؛ بلکه هدف متوسط است. هدف نهایی، سعادت دنیا و آخرت انسان و دستیابی او به خلافت الهی است، که انسان، برای رسیدن به این مقصد والا، راهی جز «عبادت (بندگی)» ندارد.

از این رو، قرآن کریم، عبادت را «راه مستقیم به سوی خدا» می داند و می فرماید:

«وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. (2)»

[آیا از شما پیمان نگرفتم که] مرا عبادت کنید، که این است راه راست؟».

این آیه به روشنی بیانگر این واقعیت است که عبادت، هدف نهایی نیست؛ بلکه راه مستقیم و درست زندگی است.

نکته قابل تأمل، این که قرآن نمی گوید: عبادت، راه راست زندگی را به انسان نشان می دهد؛ بلکه می فرماید: عبادت، خود، راه راست است!

این سخن بدین معناست که عبادت (بندگی) و اطاعت خداوند متعال و پیاده کردن برنامه های او در زندگی، دقیقاً راه درست تأمین همه نیازهای مادی و معنوی انسان است.

یاد خدا، روح همه عبادات

جان و جوهر همه عبادات، یاد خدا (ذکرُ الله) است. در واقع، یاد خدا رمز خودسازی و سازندگی، کلید ارتقا به سوی کمالات و مقامات انسانی، بهترین سرمایه تأمین رفاه فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی است.

ص: 9

1- ذاریات: آیه 52.

2- یس: آیه 61.

یاد خدا، در گام اول سلوک، آینه دل را از زنگارهای اخلاق و اعمال زشت، پاک می کند، و در گام دوم، با نورانی ساختن دل، زمینه انعکاس معارف شهودی در آن و دستیابی انسان به قلّه یقین را فراهم می سازد، و در يك جمله، می توان گفت که: «یاد خدا، یاد کردن از خویش است، و فراموشی او، فراموش کردن خود»! (1)

جامع ترین دستاورد یاد خدا

خداوند متعال، وعده قطعی داده است که هر کس او را یاد کند، او نیز متقابلاً وی را یاد نماید. (2) یاد کردن خدا از بنده خود، در حقیقت، جامع ترین دستاورد «ذکر» و مبدأ همه آثار مادی و معنوی، این کیمیای ارزشمند سعادت است.

بی تردید، همه آثار سازنده ذکر (یاد خدا)، در این تعبیر که: «خداوند، یادکننده خود را یاد می کند» خلاصه شده است؛ زیرا یاد کردن خداوند متعال از بنده خود، به معنای آگاهی داشتن از حال او نیست؛ چرا که او همواره، به همه چیز و همه کس، آگاه است؛ بلکه مقصود از یاد کردن، ارزانی داشتِ نعمت و احسان و رضوان به اوست.

البته مراتب چنین نعمت و رحمت متقابل الهی نسبت به یادکننده خود، متناسب با مراتب ذکر اوست. هر چه ذکر از سوی بنده، عمیق تر و آثار عملی آن گسترده تر باشد، احسان مادی و معنوی الهی، ذاکر را بیشتر فرا خواهد گرفت. آری! نظر به این پاداش مضاعف برای ذاکران است که خداوند متعال فرموده است:

«وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ». (3)

و البته یاد خدا بزرگ تر است».

سخن امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه نیز تأکیدی است بر این که یاد کردن خدا از

ص: 10

1- برای آشنایی بیشتر با موضوع «یاد خدا» و آثار و برکات آن از منظر آیات و روایات، ر.ک: نهج الذکر با ترجمه فارسی، محمد محمدی ری شهری.

2- «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» (بقره: آیه 152).

3- عنکبوت: آیه 45.

بنده اش، اساسی ترین دستاورد ذکر الهی است. ایشان می فرماید:

ذِكْرُ اللَّهِ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِثَاءً. أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ: «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ» (1). (2)

یاد کردن خدا از نمازگزاران، بزرگ تر است از یاد کردن آنها از خدا. آیا نمی بینی که او می فرماید: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» (3).

نماز، کامل ترین جلوه یاد خدا

در شرایطی که حکمت همه عبادات، یاد خداست، انگشت نهادن بر نماز به صورت خاص به عنوان عملی که حکمت آن، یاد خداست، اشاره به این است که نماز، بیش از هر عبادت دیگری، خدا را به انسان، یادآور می شود؛ یعنی نماز، کامل ترین جلوه یاد خدا (ذکر) است. از این رو، خداوند متعال، خطاب به موسی علیه السلام می فرماید:

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (4)

منم، من، خدایی که جز من خدایی نیست. پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد کردن از من به پا دار».

ص: 11

1- بقره: آیه 152.

2- ر.ك: ح 223.

3- بر پایه این تفسیر، کلمه «اللّه» در آیه «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»، فاعل «ذکر» است. در این صورت، معنای آیه چنین است: یاد کردن خدا [از ذاکر خویش]، بزرگ تر [از یاد شدن او] است توسط ذاکر. البته این آیه، تفسیر دیگری هم دارد که طبق آن، کلمه «اللّه» مفعول ذکر است؛ یعنی خدا را یاد کردن، [از دیگر کارها] بزرگ تر است. علامه طباطبایی در این باره ذیل آیه مذکور می فرماید: «جمله «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»، به منزله ترقی در تبیین آثار و برکات یاد خدا در نماز است. گویا می فرماید: نماز بگزار تا تو را نه تنها از کارهای زشت و ناپسند باز دارد، بلکه در نتیجه یاد کردن از خدا در این فریضه الهی، برکات بزرگی نصیب تو خواهد شد که بازدارندگی از کارهای زشت، نسبت به آن، کوچک و جزئی است. بنا بر این، ذکر خدا در نماز، بزرگ ترین خیر و برکتی است که ممکن است به يك انسان برسد». گفتنی است، هر چند این تفسیر هم قابل قبول است، لیکن تفسیر نخست، مناسب تر به نظر می رسد.

4- طه: آیه 14.

نمازی که بیش از هر عبادت دیگری مایه یادکرد خدای متعال است و متقابلاً زمینه ساز یادکرد خداوند از بنده اش، قطعاً بالاترین نقش را در تکامل انسان و ساختن جامعه آرمانی اسلام دارد؛ زیرا- چنان که پیش از این به اشارت گذشت- یاد کردن خدا از بنده اش، در قالب ارزانی داشتِ نعمت و احسان و رضوان به او جلوه گر می شود. پُر واضح است انسانی که مورد چنین عنایاتی از جانب پروردگار خود قرار گیرد، راه هدایت و تعالی و تکامل را یافته است. بنا بر این، اگر بخواهیم حکمت نماز را با عبارتی کوتاه بیان کنیم، باید از سخن نغز عارف واصل، مجاهد کبیر، امام خمینی -رضوان الله علیه- یاد کنیم که «نماز، کارخانه انسان سازی است». (1)

از این روست که صادق آل محمد علیهم السلام فرمود:

ما أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ؛ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (2). (3)

پس از معرفت، برتر از این نماز، چیزی نمی شناسم. نمی بینی که بنده شایسته خدا، عیسی بن مریم علیهما السلام، گفت: «خدا مرا تا زنده ام، به نماز و زکات، سفارش کرده است».

حکمت تفصیلی نماز

افزون بر آیات و روایاتی که در فصل سوم این کتاب، در تبیین حکمت نماز آمده اند، همه متون مرتبط با ویژگی های نماز و آثار و برکات آن، در واقع، اشاره است به حکمت تفصیلی این عبادت بزرگ. بر پایه این آموزه ها، نماز، اگر با آداب و شرایط آن

ص: 12

1- صحیفه امام: ج 12 ص 392.

2- مریم: آیه 31.

3- ر.ک: ح 68.

انجام شود، در اولین مرحله، انسان را از آلودگی های اخلاقی و عملی پاک می کند و شیطان را از انسان دور می گرداند.

نماز، انسان را در برابر سختی های زندگی، مقاوم می سازد، نگرانی و اضطراب و اندوه را از بین می برد، و جان را آرامش می بخشد و از این رو، پیشوایان دین، در سختی ها، به نماز، پناه می بردند.

فرشتگان الهی، نمازگزار را دعا می کنند، رحمت الهی او را فرا می گیرد، و دعای او به اجابت، نزدیک می گردد.

برترین برکات نماز

برتر از همه برکات، این که: نماز، آینه جان را نورانی و نورانی تر می کند، تا آن جا که دل، جلوه گاه انوار جمال و جلال خدای سبحان می گردد، و بدین سان، نمازگزار، به لقای معبود خود نایل می شود، در این باره، آیه الله محمدتقی بهجت رحمه الله فرمود:

نخستین مرتبه لقاء الله [برای عبد]، این است که در حال نماز، برای او انس و دل گرمی پیدا می شود و بالاترین مرتبه لقاء الله، حالتی است که در حدیث «قرب نوافل»، به آن اشاره شده است. (1)

و بدین سان، نماز، معراج عارفان است، و هنگام نماز، برای نمازگزاران راستین، هنگام دیدار آنها با خدای سبحان است، چنان که در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر «قد قامت الصلاة» آمده است:

أَي حَانَ وَقْتُ الزِّيَارَةِ وَالْمُنَاجَاةِ وَقَضَاءِ الْحَوَائِجِ وَدَرْكِ الْمُنَى وَالْوُصُولِ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ. (2)

[قد قامت الصلاة] یعنی وقت دیدار و مناجات و برآورده شدن حاجات و رسیدن به آرزو و وصول به خدای عز و جل فرا رسید.

از منظر آیه الله بهجت-رضوان الله علیه-، سالک می تواند با بهره گیری از نماز، به

ص: 13

1- ر.ك: زمزم عرفان: ص 132.

2- ر.ك: ص 422 ح 656.

تداوم ذکر، دست یابد و با تداوم ذکر، به شهود تام، نایل آید. ایشان در پاسخ این پرسش که راه تداوم ذکر چیست، فرمود:

توجه به نماز! اگر نماز درست شد، همه چیز درست می شود.

«وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ». (1) میزان الحارره، نماز است. (2)

و نیز فرمود:

راه رسیدن به شهود، مراقبت از یاد خدا و از دست ندادن اختیاری توجّهاتی است که احیاناً برای انسان حاصل می شود. غفلت غیراختیاری اهمیتی ندارد.

واضحات را از دست ندادن، موجب وصول به شهود تام است. (3)

امام خمینی -رضوان الله علیه- نیز نماز را راه پیروزی در جهاد اکبر می داند و خطاب به فرزندش، مرحوم سید احمد خمینی، می نویسد:

فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به در آی که این، ارث شیطان است که به واسطه خودبینی و خودخواهی، از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او -جل و علا- سر باز زد. و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم، از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است. و شاید آیه شریفه «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»، (4) در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه - که شیطان بزرگ و جنود آن است که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد- باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون خویش باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید، همه چیز و همه کس اصلاح می شود.

پسرم! سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست کم به بعض مراحل آن. همت».

ص: 14

1- یعنی: «بدان که همه کارهایت، تابع نماز توست» (ر.ک: ح 109).

2- زمزم عرفان: ص 131.

3- زمزم عرفان: ص 129.

4- بقره، آیه 193: «با آنان پیکار کنید تا فتنه ای نباشد و دین از آن خدا گردد».

کن و از هواهای نفسانیه که حدّ و حصر ندارد، بکاه و از خدای متعال -جلّ و علا- استمداد کن که بی مدد او کس به جایی نرسد.

و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقّق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمه ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نموده ایم، و دورنمایی از صلاّة معراج سیّد انبیا و عرفا-علیه و علیهم و علی آله الصلاّة والسلام- را مشاهده کرده ایم؛ که خداوند مئان، ما و شما را به این نعمت بزرگ، ممتّ نهد. (1)

کسانی که توفیق خواندن نماز-با توصیفی که در کلام امام رحمه الله بدان اشاره شده- را یافته اند، می دانند لذّتی که اهل معرفت از نماز می برند، قابل مقایسه با هیچ لذّتی نیست.

بالاتر از لذایذ مادی

آیه الله بهجت در باره لذّت بردن اولیای الهی از نماز، نقل کرده اند که:

استاد اخلاق ما در نجف (مرحوم آقای قاضی) می فرمود: «اگر لذّت نماز را بدانند، می دانند که در دنیا، لذّتی بالاتر از نماز نیست».

فرزند آیه الله بهجت، پس از نقل این مطلب از پدر بزرگوار خود برای این جانب، افزود که: ایشان به دلیل بسیاری نماز، دچار ضعف می شدند. به همین خاطر، در صدد برآمدیم از نمازهای [مستحبّی] ایشان بکاهیم؛ اما ایشان در مقابل می فرمود:

اگر سلاطین عالم می دانستند که انسان، در حال نماز، چه لذّت هایی می برد، هیچ گاه دنبال لذایذ مادی نمی رفتند.

ص: 15

مرحوم آیه الله سید احمد فهري (م 1385 ش) (1) برای این جانب نقل کردند که:

شخصاً از آقا سیدعلی قاضی شنیدم که فرمود: «مدتی است که فکر می کنم: اگر در بهشت، نگذارند ما نماز بخوانیم، چه کنیم؟!».

آیه الله فهري، اضافه کرد که ایشان جمله یاد شده را با لهجه ترکی شیرینی، ادا می فرمود.

همچنین آیه الله فهري نقل کردند که:

سید علی اکبر اعمی (2) می گفت: مدت ده روز برای من، حالتی دست داد که هر مشکلی داشتم، حل می شد. شبهه ای در حال نماز برایم پیش آمد و آن، این بود که: چگونه ممکن است افرادی همچون اویس قرن و...، يك شب تا صبح، سجده کنند...؟

با این ذهنیت به رکوع رفتم و گفتم: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ». خیلی لذت بردم. دو باره گفتم. لذت بیشتر شد. همچنان، هر چه بیشتر این ذکر را می گفتم، بیشتر لذت می بردم....

بدین سان، شبهه من برطرف شد که اهل معرفت که از انس با خدا خسته نمی شوند، به دلیل لذتی است که از نظر معنوی، احساس می کنند.

آیه الله بهجت نیز نقل کرده اند که:

آقا میرزا حسین میرزا خلیل تهرانی، (3) در سنّ نوزده سالگی می فرموده: «غذا خوردن برای من، مانند این است که انبان و کیسه ای را پر کنم. من از خوردن غذا

ص: 16

1- نماینده امام و رهبری در سوریه و امام جمعه زینبیه دمشق. گفتنی است که ایشان، این مطلب را در تاریخ 1377/8/16 در سوریه برای این جانب نقل کردند.

2- وی از دانش آموختگان حوزه علمیه قم بود که در مدرسه رضویه حجه داشت. این جانب در آغاز طلبگی (دهه چهل شمسی)، او را دیده بودم و گاه به حجه وی می رفتم.

3- مقصود، آیه الله میرزا حسین خلیلی تهرانی (م 1326 ق) است که از مراجع نامور نجف و از حامیان مشروطیت بود.

هیچ لذت نمی برم. آنچه از آن لذت می برم، نماز خواندن است».

شخصی می گفت: ایشان بعد از نماز صبح، در بالا سر حضرت امیر علیه السلام، در مصلاً می ایستاد و تا طلوع آفتاب، به نماز مشغول بود.

(1)

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

حُبِّتَ إِلَى النَّسَاءِ وَالطَّيِّبِ وَجُعِلَتْ فِي الصَّلَاةِ قُرَّةُ عَيْنِي. (2)

زنان و بوی خوش، مورد علاقه من اند؛ ولی، نور چشم من در نماز نهاده شده است.

آیه الله بهجت، در شرح این حدیث نبوی فرموده است:

هر کدام از اینها (زن، بوی خوش و نماز) محبوبیت و لذت تکوینی دارد؛ ولی لذتی که در نماز است، بیشتر از لذت آن دو است؛ اما چه کنیم که در ذائقه ما، شور و تلخ است! لذا هر چه زودتر می خواهیم نماز را به آخر برسانیم و از آن، فارغ شویم! بعضی از پروانه ها و زنبورها هم بوی خوش را طالب اند. بهره گرفتن از جنس مخالف هم مشترك بین حیوانات است؛ ولی این از مختصات و امتیازات انسان کامل است که از نماز، لذت می برد. (3)

آری! لذت بردن از نماز، اختصاص به انسان های کامل دارد و همین، رمز پایداری آنها در عبادت های طولانی است.

تصویری زیبا از اسرار نماز

آیه الله بهجت، نماز را بدین سان تصویر می نماید:

نماز، به منزله کعبه، و تکبیرة الاحرام، پشت سر انداختن همه چیز غیر خدا و داخل شدن در حرم الهی است، و قیام، به منزله صحبت دو دوست، و رکوع، خم شدن عبد در مقابل آقاست، و سجده، نهایت خضوع و خاک شدن در مقابل اوست. و وقتی

ص: 17

1- در محضر آیه الله العظمی بهجت: ج 1 ص 105.

2- الأمالی، طوسی: ص 528 ح 1162.

3- در محضر آیه الله العظمی بهجت: ج 1 ص 106.

عبد، در آخر نماز، از پیشگاهِ مقدّس الهی باز می‌گردد، اولین چیزی که سوغات می‌آورد، سلامی از ناحیهٔ اوست. (1)

آیهٔ الله بهجت، شخصاً آن قدر از انس با خدا لذّت می‌برد که طبق نقل نزدیکان ایشان، نیمی از شبانه روز را به عبادت مشغول بود. (2)

رمز خودسازی و سازندگی

چنان که گفتیم بر اساس آموزه های قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و تجربهٔ بزرگان اهل معرفت، نماز، بالا-ترین نقش را در رشد و شکوفایی انسان دارد و در يك جمله: نماز، رمز خودسازی و سازندگی است. از این رو، در نظام اسلامی، باید تقویت و تعمیق فرهنگ نماز، در صدر همهٔ اولویت ها باشد؛ اما با کمال تأسف باید گفت که غالب مردم و حتی بسیاری از نخبگان، این جان مایهٔ حرکت به سوی قلّهٔ تکامل را، چنان که باید نمی‌شناسند، و آن چنان که شاید، از آن، بهره نمی‌برند!

چه بسا، جویندگان کمال، عمری را در جستجوی راه نما و مُرشد و دستور العمل های سلوکی، به سر می‌آورند، در حالی که از این کیمیای بی‌بدیل خودسازی و سازندگی، غافل اند. در صورتی که اگر به آیات روح بخش قرآن و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام- که سرآمد راه نمایان بشرند- مراجعه کنند، به سادگی در می‌یابند که نماز، بهترین و نزدیک ترین راه رسیدن به مقصد اعلای انسانیت است.

با در نظر گرفتن آنچه در تبیین «حکمت نماز» بیان شد، حتی اگر شریعت نیز آن را واجب نمی‌دانست، عقل سلیم، پابندی به آن را ضروری می‌شمرد؛ زیرا هیچ عاقلی خود را از آن همه آثار و برکات این رمز رستگاری و کامیابی محروم نمی‌کند. از این رو، بر پایهٔ حدیث «جنود عقل و جهل»، امام صادق علیه السلام، نماز را در شمار سپاهیان عقل

ص: 18

1- زمزم عرفان: ص 90.

2- زمزم عرفان: ص 90.

و تضييع آن را در زمرة سپاهيان جهل آورده است. (1)

قدردانی و سپاس

کتابی که هم اکنون فراروی شما خوانندگان گرامی قرار دارد، محصول تلاشی جمعی در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» و در واقع، مدخل «الصلاة (نماز)» از دانش نامه قرآن و حدیث است که به صورت مستقل، منتشر می شود. (2)

متن آیات و احادیث این کتاب، با همکاری فاضل گران قدر جناب آقای مرتضی خوش نصیب، گردآوری و توسط این جانب تنظیم گردید. از ایشان و دیگر همکارانی که در ساماندهی این اثر سهیم اند، بویژه استاد ارجمند جناب آقای عبد الهادی مسعودی - که افزون بر همکاری در نگارش شماری از تحلیل ها، با ترجمه روان و زیبای خود، فهم آیات و احادیث این مجموعه را برای پارسی زبانان میسر ساخت -، صمیمانه سپاس گزارم و از خداوند سبحان، برای همه آنان، پاداشی فراوان و در خور فضل و کرامتش، مسئلت دارم.

رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمد محمدی ری شهری

1391/1/15

دهم جمادی اول 1433

ص: 19

1- ر.ك: ج 2/ح 1009.

2- گفتنی است که مدخل «اذان» نیز پیش از این، هم به صورت مستقل و هم در جلد دوم دانش نامه قرآن و حدیث، منتشر شده است.

الكتاب:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ». (1)

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ». (2)

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ». (3)

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ أَنْ يَقُولُوا ذُرِّيَّتِي خَالِدَةٌ فِي الْأَرْضِ وَالْبَرِّيَّةُ خَالِدَةٌ فِي الْأَرْضِ وَالْأُمَّةُ خَالِدَةٌ فِي الْأَرْضِ وَالْبَرِّيَّةُ خَالِدَةٌ فِي الْأَرْضِ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ». (4)

«وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا». (5) 1.

ص: 20

1- إبراهيم: 37.

2- الأنبياء: 73.

3- البقرة: 83.

4- يونس: 87.

5- مريم: 31.

قرآن

«پروردگارا! من [یکی] از فرزندانم را در درّه ای بی کشت و زرع، نزد خانه گرامی ات، سکونت دادم- پروردگارا- تا نماز را به پا دارند. پس دل های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی بده. باشد که سپاس بگزارند!».

«آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستشگر ما بودند».

«چون از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان احسان کنید و با مردم، نیکو سخن بگویید و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، آن گاه، جز اندکی از شما، [همگی] پشت کردید و روی برگردانید».

«به موسی و برادرش وحی کردیم که: برای قوم خود، خانه هایی در مصر فراهم کنید و سراهایتان را رو به روی هم [و یا قبله و عبادتگاه] قرار دهید و نماز بر پا دارید و [ای موسی!] مؤمنان را مژده بده».

«هر جا که باشم، مرا بابرکت ساخته و تا زنده ام، به نماز و زکات سفارشم کرده است».

«فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِحَيِّى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (1).

الحديث:

1. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا اهْبَطَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ، ظَهَرَتْ بِهِ شَامَةٌ (2) سَوْدَاءُ فِي وَجْهِهِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ، فَطَالَ حَزْنُهُ وَبُكَاءُهُ عَلَى مَا ظَهَرَ بِهِ؛ فَأَتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: مَا يُبْكِيكَ يَا آدَمُ؟ فَقَالَ: مِنْ هَذِهِ الشَّامَةِ الَّتِي ظَهَرَتْ بِي.

قَالَ: قُمْ يَا آدَمُ فَصَلِّ فَهَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ الْأُولَى، فَقَامَ فَصَلَّى، فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ إِلَى عُنُقِهِ. فَجَاءَهُ فِي الصَّلَاةِ الثَّانِيَةِ فَقَالَ: قُمْ فَصَلِّ يَا آدَمُ فَهَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ الثَّانِيَةِ، فَقَامَ فَصَلَّى، فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ إِلَى سُرْرَتِهِ. فَجَاءَهُ فِي الصَّلَاةِ الثَّلَاثَةِ فَقَالَ: يَا آدَمُ، قُمْ فَصَلِّ فَهَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ الثَّلَاثَةِ، فَقَامَ فَصَلَّى، فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ إِلَى رُكْبَتَيْهِ. فَجَاءَهُ فِي الصَّلَاةِ الرَّابِعَةِ فَقَالَ: يَا آدَمُ، قُمْ فَصَلِّ فَهَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ الرَّابِعَةِ، فَقَامَ فَصَلَّى، فَانْحَطَّتِ الشَّامَةُ إِلَى قَدَمَيْهِ. فَجَاءَهُ فِي الصَّلَاةِ الْخَامِسَةِ فَقَالَ: يَا آدَمُ، قُمْ فَصَلِّ فَهَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ الْخَامِسَةِ، فَقَامَ فَصَلَّى، فَخَرَجَ مِنْهَا، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ.

فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ، مِثْلُ وُلْدِكَ فِي هَذِهِ الصَّلَوَاتِ كَمِثْلِكَ فِي هَذِهِ الشَّامَةِ؛ مَنْ صَلَّى مِنْ وُلْدِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسَ صَلَوَاتٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَا خَرَجْتَ مِنْ هَذِهِ الشَّامَةِ. (3)

2. عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْكُوفَةَ فَانْتَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، فَصَلِّ فِيهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ لِديْنِكَ وَدُنْيَاكَ؛ فَإِنَّ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ بَيْتُ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي كَانَ يَخِيْطُ فِيهِ 1.

ص: 22

1- آل عمران: 39.

2- الشامة: هي الخال (الصحاح: ج 5 ص 1963 «شيم»).

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 214 ح 644، علل الشرائع: ص 338 ح 2، المحاسن: ج 2 ص 42 ح 1133، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 265 نحوه كلها عن الحسين بن أبي العلاء، جامع الأخبار: ص 169 ح 402 نحوه، بحار الأنوار: ج 11 ص 166 ح 11.

«پس در حالی که وی (زکریّا) در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان ندایش دادند که:

خداوند، تو را به [تولّد] یحیی مژده می دهد که تصدیق کننده کلمه خدا (عیسی) است و بزرگوار و خویشتندار [در برابر زنان] و پیامبری از شایستگان است».

حدیث

1. امام صادق علیه السلام: هنگامی که آدم علیه السلام از بهشت فرود آمد، لگه ای سیاه در صورتش پیدا شد و سر تا پایش را گرفت. گریه و اندوه آدم، از پدیدار شدن آن، طولانی شد. جبرئیل علیه السلام نزد آدم آمد و به او گفت: ای آدم! چرا می گریی؟

گفت: از این لگه سیاهی که در من پیدا شده است.

جبرئیل گفت: ای آدم! برخیز و نماز بخوان که این، وقت نماز اول است.

آدم برخاست و نماز خواند و آن لگه تا گردش از میان رفت. جبرئیل در وقت نماز دوم آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بخوان که این، وقت نماز دوم است.

آدم برخاست و نماز خواند و لگه تا ناف آدم از میان رفت. سپس جبرئیل در وقت سوم آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بخوان که این، وقت نماز سوم است.

آدم برخاست و نماز خواند و لگه تا زانوانش از میان رفت. آن گاه جبرئیل در وقت نماز چهارم آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بخوان که این، وقت نماز چهارم است.

آدم به نماز برخاست و لگه تا [روی] پاهایش از میان رفت. جبرئیل در وقت پنجم نیز آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بخوان که این، وقت نماز پنجم است.

او برخاست و نماز خواند و لگه از میان رفت و آدم نیز خدا را حمد و ثنا گفت.

جبرئیل گفت: ای آدم! فرزندان در این نمازها مانند تو و این لگه سیاه هستند. هر کس از فرزندان که پنج نماز در هر شبانه روز بخواند، از گناهانش بیرون می آید، همان گونه که تو از این لگه پیراسته شدی.

2. امام صادق علیه السلام: هنگامی که وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو و در آن نماز بخوان و حاجت دینی و دنیایی ات را از خدا بخواه که مسجد سهله، خانه ادريس علیه السلام است و

3. الإمام الباقر عليه السلام: كانت شريعة نوح عليه السلام أن يُعبدَ اللهَ بالتَّوْحِيدِ وَالْإِخْلَاصِ وَخَلَعَ الْأَنْدَادَ (2)، وَهِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي فُطِرَ النَّاسُ عَلَيْهَا، وَأَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ عَلَى نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً، وَأَمَرَ بِالصَّلَاةِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَالْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَلَمْ يَقْرَضْ عَلَيْهِ أَحْكَامَ حُدُودٍ وَلَا فَرَضَ مَوَارِيثَ، فَهَذِهِ شَرِيعَتُهُ. (3)

4. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ، وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ. (4)

5. الكافي عن علي بن عيسى رفعه، قال: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاةِهِ: ...عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ، الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا مِنِّي بِمَكَانٍ، وَلَهَا عِنْدِي عَهْدٌ وَثِيقٌ. (5)

6. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَانَ لِداوودَ نَبِيِّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ اللَّيْلِ سَاعَةً يُوقِفُ فِيهَا أَهْلَهُ، فَيَقُولُ: يَا آلَ داوودَ، قَوْمُوا فَصَلُّوا؛ فَإِنَّ هَذِهِ سَاعَةٌ يَسْتَجِيبُ اللَّهُ فِيهَا الدُّعَاءَ، إِلَّا لِسَاحِرٍ أَوْ عَشَّارٍ (6). (7)6.

ص: 24

1- قصص الأنبياء للراوندي: ص 80 ح 64 عن إسماعيل بن مهران، بحار الأنوار: ج 100 ص 434 ح 1.

2- البَدْءُ الْمِثْلُ وَالنَّظِيرُ، وَالْجَمْعُ أَنْدَادٌ (لسان العرب: ج 3 ص 420 «ندد»).

3- الكافي: ج 8 ص 282 ح 424، تفسير العياشي: ج 2 ص 144 ح 18 نحوه وكلاهما عن إسماعيل الجعفي، بحار الأنوار: ج 11 ص 331 ح 53.

4- علل الشرائع: ج 1 ص 35 ح 4 عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 74 ص 383 ح 95؛ تفسير القرطبي: ج 5 ص 401 عن جابر بن عبد الله.

5- الكافي: ج 8 ص 42 و 45 ح 8، تحف العقول: ص 492، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 43، أعلام الدين: ص 219، بحار الأنوار: ج 13 ص 334 ح 13.

6- العَشَّارُ: وَهُوَ مَنْ أَخَذَ الْعُشْرَ مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِأَمْرِ الظَّالِمِ (مجمع البحرين: ج 2 ص 1218 «عشر»).

7- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 492 ح 16281، المعجم الكبير: ج 9 ص 55 ح 8374، الإصابة: ج 5 ص 460 الرقم 7453، الأحاد والمثاني: ج 3 ص 198 ح 1544، تاريخ دمشق: ج 50 ص 273 ح 10667 كلَّها عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمال: ج 2 ص 112 ح 3396.

در آن خیاطی می کرد و نماز می خواند.

3. امام باقر علیه السلام: آیین نوح علیه السلام، پرستش خالصانه خدای یگانه بدون هیچ شریک و مانند بود و آن، همان فطرتی است که مردم بر آن سرشته شده اند و خداوند از نوح و دیگر پیامبران پیمان گرفت که خدای-تبارک و تعالی-را پرستند و چیزی را شریک او نکنند و به نماز و امر به معروف و نهی از منکر، و [انجام] کارهای روا و [ترك] کارهای ناروا، فرمان داد؛ ولی احکام جزایی و یا تقسیم ارث را بر نوح علیه السلام واجب نکرد. این است آیین او.

4. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، ابراهیم علیه السلام را دوست خود نگرفت، جز از آن رو که [مهمانان و بینوایان را] اطعام می کرد و شب هنگام که مردم در خواب بودند، نماز می خواند.

5. الکافی - به نقل از علی بن عیسی که حدیث را به یکی از امامان نسبت می دهد-:

خداوند-تبارک و تعالی- در مناجات موسی علیه السلام با او فرمود: «...همواره و همه جا نماز بخوان، که نزد من منزلتی دارد و آن را پیمانی ناگسستنی با خود می دانم».

6. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای داوود علیه السلام، پیامبر خدا، ساعتی از شب بود که در آن، خانواده اش را بیدار می کرد و می گفت: ای خاندان داوود! برخیزید و نماز بخوانید. همانا این ساعتی است که خداوند، دعا را در آن اجابت می کند، مگر از ساحر و باجگیر.

ص: 25

7. الإمام الباقر عليه السلام: إن داوود النبي عليه السلام كان ذات يوم في محرابه إذ مرّت به دودة حمراء صغيرة تدب، حتّى انتهت إلى موضع سجوده، فنظر إليها داوود وحده في نفسه: لم خلقت هذه الدودة؟ فأوحى الله إليها: تكلمي، فقالت له: يا داوود، هل سمعت حسيسي (1) أو استبنت على الصفا (2) أثيري؟

فقال لها داوود: لا.

قالت: فإن الله يسمع دبيبي ونفسي وحسيسي، ويرى أثر مشبي، فأخفيص من صوتك. (3)

8. الإمام الصادق عليه السلام: قال داوود النبي عليه السلام: لأعبدن الله اليوم عبادةً ولا قرآن قراءةً لم أعمل مثلها قط! فدخل محرابه ففعل، فلما فرغ من صلاته إذا هو بضفدع في المحراب، فقال له: يا داوود، أعجبك اليوم ما فعلت من عبادتك وقرائك؟ فقال:

نعم، فقال: لا يعجبك، فإنني استبح الله في كل ليلة ألف تسيحة، يتشعب لي مع كل تسيحة ثلاثة آلاف تحميدة، وإنني لأكون في قعر الماء فيصوت الطير في الهواء فأحسبه جاعاً، فأطفو له على الماء ليأكلني وما لي ذنب. (4)

9. عنه عليه السلام: ظهر إبليس ليحيى بن زكريا عليه السلام، وإذا عليه معاليق من كل شيء. فقال: 9.

ص: 26

1- في بحار الأنوار: «حسي». والجس والحسيس: الصوت الخفي (لسان العرب: ج 6 ص 49 «حسس»).

2- الصفا: العريض من الحجارة الأملس (لسان العرب: ج 14 ص 464 «صفا»).

3- الزهد للحسين بن سعيد: ص 132 ح 173 عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 14 ص 17 ح 29؛ شعب الإيمان: ج 4 ص 138 ح 4560، الشكر: ص 28 ح 35، تاريخ دمشق، ج 17 ص 94، حياة الحيوان: ج 1 ص 309 كلها عن صدقة بن يسار من دون اسناد إلى الإمام الباقر عليه السلام نحوه، الدر المنثور: ج 5 ص 293.

4- الزهد للحسين بن سعيد: ص 132 ح 172 عن زرارة، بحار الأنوار: ج 14 ص 16 ح 28؛ شعب الإيمان: ج 4 ص 138 ح 4581، الشكر: ص 29 ح 36، تاريخ دمشق: ج 17 ص 95 كلها عن انس بن مالك من دون اسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام نحوه، الدر المنثور: ج 5 ص 292 وراجع الاصول الستة عشر (كتاب عبد الملك بن حكيم): ص 305 ح 459.

7. امام باقر علیه السلام: داوود پیامبر- که درودهای خدا بر او باد- روزی در محرابش بود که کرم کوچک سرخ رنگی بر او گذشت و به سجده گاهش رسید. داوود علیه السلام به آن نگریست و با خود گفت: این کرم برای چه آفریده شده است؟ خداوند به آن [کرم] وحی کرد که: سخن بگو.

کرم به داوود گفت: آیا صدای مرا شنیدی و یا اثر مرا بر سنگ دیدی؟

داوود علیه السلام به او فرمود: نه.

کرم گفت: خداوند، حرکت و نفس و صدای مرا می شنود و جای پایم را می بیند.

پس صدایت را پایین بیاور.

8. امام صادق علیه السلام: داوود پیامبر علیه السلام [روزی] گفت: امروز، خدا را عبادتی کنم و [کتابش را] قرائتی نمایم که تا کنون مانند آن را نکرده ام! و داخل محرابش شد و چنین کرد.

هنگامی که از نمازش فارغ شد، متوجه قورباغه ای در محراب شد که به او گفت: ای داوود! عبادت و قرائت امروزت، تو را به شگفت آورد؟

او گفت: آری.

گفت: تو را به شگفت نیاورد، که من در هر شب، خدا را هزار بار تسبیح می گویم که با هر تسبیحش، سه هزار حمد است و من در عمق آب هستم و پرندۀ ای در هوا صدا می کند و می پندارم که گرسنه است. پس برایش روی آب می آیم تا مرا بخورد، با آن که گناهی ندارم.

9. امام صادق علیه السلام: ابلیس برای یحیی بن زکریا علیه السلام ظاهر شد و بر او آویزهایی بود. یحیی به او فرمود: «ای ابلیس! این آویزها چیست؟».

لَهُ يَحْيَى: مَا هَذِهِ الْمَعَالِيْقُ يَا إِبْلِيسُ؟ فَقَالَ: هَذِهِ الشَّهَوَاتُ الَّتِي أَصَبْتُهَا مِنْ ابْنِ آدَمَ.

قَالَ: فَهَلْ لِي مِنْهَا شَيْءٌ؟ قَالَ: رُبَّمَا شَبِعْتَ فَتَقَلَّتْكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ.

قَالَ يَحْيَى: لِلَّهِ عَلَيَّ إِلَّا أَمَلًا بَطْنِي مِنْ طَعَامٍ أَبَدًا. وَقَالَ إِبْلِيسُ: لِلَّهِ عَلَيَّ إِلَّا أَنْصَحَ مُسْلِمًا أَبَدًا. (1)

10. عنه عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: ... يَا بُنَيَّ، وَإِذَا جَاءَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَلَا تُؤَخِّرْهَا لِشَيْءٍ، وَصَلِّهَا وَاسْتَرِحْ مِنْهَا فَإِنَّهَا دِينٌ. (2)

راجع: ح 66-68 و 182 و 196 و 373 و 437 و ج 671/2.7.

ص: 28

-
- 1- .المحاسن: ج 2 ص 222 ح 1667 عن حفص بن غياث، جامع الأخبار: ص 515 ح 1454 نحوه عن المعصوم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 63 ص 216 ح 52؛ شعب الإيمان: ج 5 ص 41 ح 5700، تاريخ دمشق: ج 64 ص 204، مسند ابن الجعد: ص 210 ح 1386 كلُّها عن ثابت البناني من دون اسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام نحوه، الدر المنثور: ج 5 ص 491.
- 2- .الكافي: ج 8 ص 348 و 349 ح 547، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 297 ح 2505، المحاسن: ج 2 ص 126 ح 1348، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 538 ح 1869، مجمع البيان: ج 8 ص 496 كلُّها عن حمّاد وهو إمام ابن عثمان أو ابن عيسى على المرجوح وهما ثقتان، بحار الأنوار: ج 13 ص 423 ح 18 وراجع قاموس الكتاب المقدس: ص 547 و المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام: ج 6 ص 337.

ابلیس گفت: شهوت ها و خواسته هایی است که به سبب آنها به انسان ها دست یافته ام.

یحیی گفت: «از آنها چیزی هم برای من هست؟».

ابلیس گفت: گاه سیر و سنگین می شوی و از نماز و ذکر باز می مانی.

یحیی گفت: «برای خدا بر من است که دیگر هیچ گاه شکمم را از غذا پر نکنم».

و ابلیس گفت: برای خدا بر من است که دیگر هیچ مسلمانی را نصیحت نکنم.

10. امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش گفت: پسر عزیزم! هنگامی که وقت نماز رسید، آن را به خاطر هیچ چیز، به تأخیر مینداز و از انجامش آسوده خاطر شو؛ چرا که آن بدهی [بر عهده تو] است.

ر.ك: ح 66-68، 182، 196، 373، 437، ج 2/ح 671.

ص: 29

پژوهشی در باره نماز در امت های پیشین (1)

نماز به عنوان ستون دین اسلام، نماد دینداری و عبودیت است. این ستون استوار در همه ادیان آسمانی، مورد توجه بوده و تنها شکل و آداب و یا مقدار آن تفاوت داشته است. آیات و احادیث متعددی، تشریح نماز (وضع شدن قانون نماز) را در ادیان پیشین اثبات می کنند و نوشته های موجود در عهد عتیق و جدید (تورات و انجیل) نیز به روشنی از وجود آیین نماز در ادیان یهود و مسیحیت خبر می دهند. هر چند اسناد در دسترس، تصویر دقیق و کاملی از نماز در آیین های پیشین ارائه نمی دهند، اما نشان دهنده استمرار وجودی آن در آیین همه پیامبران اند. پیش از این، متن آیات و احادیثی که بر این موضوع دلالت دارند، ارائه شد و در این جا تنها به چکیده و نتیجه نهایی آنها اشاره می کنیم.

قرآن کریم در سوره مریم به روشنی وجود نماز را در امت های متعددی نشان می دهد. (2) همچنین روایت کلینی (3) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشان از نماز خواندن یهودیان و مسیحیان دارد. افزون بر این می توان احادیثی مانند «و هي من هاج الأنبیاء» (4) و «لا خیر

ص: 31

1- این پژوهش توسط استاد ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی نگارش یافته است.

2- مریم: آیه 58-59.

3- «نوروا بیوتکم بتلاوة القرآن و لا تتخذوها قبوراً كما فعلت اليهود و النصارى، صلوا فی الكنائس و البیوع و عطلوا بیوتهم؛ خانه هایتان را با تلاوت قرآن نورانی سازید و آنها را همچون یهود و نصارا گورستان نکنید. آنان [فقط] در کنیسه ها و کلیساها نماز می خواندند و خانه های خود را [از برکات نماز] بی بهره می ساختند» (الکافی: ج 2 ص 610 ح 1).

4- ر.ك: ح 111.

فی دین لا رُکوعَ فیهِ وَ لا سُجودَ» (1) را ناظر به این نکته دانست که همه دین های توحیدی، صاحب آیین نمازند.

نماز در روزگار آدم علیه السلام

آدم علیه السلام به عنوان نخستین انسان و اولین پیامبر خدا، از موهبت نماز به عنوان کلید پیوند با خدایش برخوردار بوده است. روایت امام صادق علیه السلام در باره اوقات نماز آدم علیه السلام (2) و نیز توبه وی در عصر روز عرفه پس از اقامه نماز عصر، (3) نشان دهنده آن است که نماز از زمان آدم ابو البشر علیه السلام مطرح بوده است.

نماز در روزگار ادريس عليه السلام

ادريس عليه السلام به عنوان سرسلسله عالمان و مدرّسان جهان بشریت، بخشی از دانش های مورد نیاز بشر را بنیان نهاد. او را به عنوان نخستین ستاره شناس و نیز مبتکر سال شماری و علم حساب می شناسند (4) و محتمل است که از این علوم برای محاسبه اوقات نماز و شاید قبله شناسی بهره می برده است. افزون بر این، امام صادق علیه السلام در بیان فضیلت مسجد سهله در کوفه، آن جا را خانه و محل نماز ادريس عليه السلام دانسته است. (5)

نماز در روزگار نوح عليه السلام

نوح علیه السلام قدیمی ترین پیامبر اولوالعزم است و دین او به عنوان شریعتی مستقل و با آموزه هایی پایدار و ماندگار شناخته می شود؛ آموزه هایی مانند توحید در عبادت و

ص: 32

1- ر.ك: ج 2/ح 1038.

2- ر.ك: ح 1.

3- ر.ك: تفسير القمی: ج 1 ص 44.

4- ر.ك: المیزان فی تفسیر القرآن: ج 14 ص 65.

5- ر.ك: ح 2.

اخلاص در ربوبیت و پرهیز از محرّمات و نیز ادای نماز که در حدیث امام باقر علیه السلام به آن تصریح شده است. (1)

نماز در روزگار ابراهیم علیه السلام

ابراهیم علیه السلام از بزرگ ترین پیامبران الهی است. او که در عصر خویش بت ها و معبودهای دروغین بشر را در هم شکست، خانواده اش را در حرم الهی سکنی می دهد تا برپا دارنده نماز باشند و خود، از خداوند، می خواهد تا او و نسلش را برپا کننده نماز قرار دهد. (2) خداوند نیز به او فرمان داده تا خانه اش را برای عبادت کنندگان و راکعان ساجد (نمازگزاران) پاکیزه کند. (3) نیز در حدیثی، یکی از دو علّت نیل ابراهیم علیه السلام به مقام والای «خلیل خدا بودن» را نماز شبانه وی دانسته است. (4)

نماز در روزگار فرزندان ابراهیم علیه السلام

برخی از فرزندان و نوادگان ابراهیم خلیل علیه السلام به پیامبری رسیدند که از جمله آنان می توان به اسماعیل علیه السلام، اسحاق علیه السلام، یعقوب علیه السلام و یوسف علیه السلام اشاره نمود. این پیامبران نیز مانند پدر و نیای بزرگشان ابراهیم علیه السلام به نماز فرمان داده شده و مأمور اقامه آن بوده اند. (5)

نماز در روزگار موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام، از بزرگ ترین پیامبران اولوالعزم الهی است و جوهره اصیل دینی که او برای یهودیان آورد، جان مایه دین های ابراهیمی پس از اوست. بسیاری از

ص: 33

1- ر.ك: ح 3.

2- ر.ك: ابراهیم: آیه 37-40.

3- ر.ك: بقره، آیه 125 و حج، آیه 26.

4- ر.ك: ح 4.

5- ر.ك: انبیا: آیه 73.

آیین ها و مراسم اصیل و تحریف ناشده یهود، در دین مسیحیت و اسلام پا بر جا ماند، هر چند شکل و آداب آن تکمیل شد. قرآن کریم به برخی آموزه های وحیانی موسی علیه السلام و پیمان گرفته شده از بنی اسرائیل اشاره کرده که از جمله آنها اقامه نماز است. (1)

در حدیثی نیز به دستور خداوند به موسی علیه السلام در باره نماز و درنگ در آن، اشاره شده است (2) و در حدیث دیگر در باره مناجات موسی و خدا، سخن از نماز به میان آمده است. (3) دو حدیث امام صادق علیه السلام نیز در توصیف ادب موسی علیه السلام در نماز است و علت نیل موسی به مقام کلیم الهی، همان دانسته شده است. (4)

افزون بر آیات و احادیث اسلامی، متون متعددی در تورات و تلمود، نشان دهنده وجود نماز و تشریح آن در دین یهود هستند. در تورات، به نماز سلیمان علیه السلام در حضور جمعی از بنی اسرائیل و تضرع او و طلب بخشش برای بنی اسرائیل که از سرزمین خود رانده شده بودند، اشاره شده (5) و در جایی دیگر از آن، (6) از پایان نماز سلیمان علیه السلام و بلند شدن وی از حالت رکوع و تبریک وی به حاضران برای نجات و آسودگی آنها یاد شده است.

در باره نماز جماعت یهودیان، در کتاب گنجینه تلمود آمده است که علاوه بر عبادت ها و نمازهای فردی و خصوصی که انسان به وسیله آن، حاجات خود را از خدا می طلبد، نمازهای جماعتی نیز هستند که افراد موظف اند در آن شرکت جویند و آن را در کنیسه بخوانند. (7)

ص: 34

-
- 1- ر.ك: یونس: آیه 87، بقره: آیه 83.
 - 2- ر.ك: ح: 441.
 - 3- ر.ك: ح: 5.
 - 4- ر.ك: ج 2/ح 780 و 781.
 - 5- تورات: سفر ملوك: فصل 8 آیه 22-53.
 - 6- تورات: سفر ملوك: فصل 8 آیه 54-61.
 - 7- ر.ك: براخوت 6 الف: «دعا و نماز انسان، فقط در صورتی مورد اجابت قرار می گیرد که در کنیسه خوانده شود.... هر آن کس که در شهر او کنیسه ای وجود دارد و برای خواندن نماز بدان جا نمی رود، همسایه بدی است».

گفتنی است که یهودیان نیز مانند مسلمانان، واژه خاصی برای نماز با لفظ «تقیلا» و اوقات معینی برای برگزاری آن دارند. (1)

نماز در روزگار پیامبران بنی اسرائیل

پیامبران متعددی پس از موسی علیه السلام و پیش از عیسی علیه السلام از سوی خداوند برانگیخته شده اند که از جمله آنان، اسماعیل صادق الوعد، (2) داوود، زکریا و یحیی علیهم السلام هستند.

آیات و احادیث متعددی به روشنی نشان می دهند که همه این بزرگان، مأمور به نماز بوده اند و پیدان امر کرده و آن را پاس می داشته اند. خداوند، فرمان اسماعیل (صادق الوعد) به خانواده اش را برای برپایی نماز، نقل نموده است. (3) دو حدیث نیز به محراب داوود علیه السلام و نماز خواندنش در آن، تصریح کرده اند. (4) حدیثی دیگر نیز گزارش می کند که خداوند متعال، برخی از موانع قبول نماز را به داوود علیه السلام وحی کرده است. (5) افزون بر این، آیه ای از سوره لقمان، (6) به ضمیمه حدیثی که معاصرت داوود علیه السلام با لقمان را نشان می دهد، (7) دلیل دیگری بر وجود آیین نماز در روزگار اوست.

احادیث متعددی نیز وصیت لقمان را به فرزندش در باره نماز نقل کرده اند. (8)

ص: 35

-
- 1- ر.ك: پایگاه اینترنتی انجمن کلیمیان ایران.
 - 2- اسماعیل صادق الوعد، اسماعیل بن حزقیل غیر از اسماعیل، فرزند ابراهیم علیه السلام است (ر.ك: میزان الحکمة: ش 3795/نبوت خاصه/اسماعیل).
 - 3- ر.ك: مریم: آیه 55.
 - 4- ر.ك: ح 7 و 8.
 - 5- ر.ك: ج 2/ح 905.
 - 6- لقمان: آیه 17.
 - 7- «و كان لقمان يُكثِرُ زيارةَ داوودَ عليه السلامَ وَ يَعِظُهُ بِمَوَاعِظِهِ وَ حِكْمَتِهِ؛ لقمان، زیاد به دیدن داوود علیه السلام می رفت و با موعظه ها و سخنان حکیمانه و دانش بسیار خود، او را اندرز می داد» (تفسیر القمّی: ج 2 ص 162).
 - 8- ر.ك: ح 10 و 69.

همچنین نماز خواندن زکریّا علیه السلام در سوره آل عمران به صراحت آمده (1) و آیه ای دیگر از همین سوره (2) نشان می دهد که نماز و جایگاه آن در میان بنی اسرائیل شناخته شده بوده و دو رکن اصلی یعنی سجده و رکوع را داشته است و مریم علیها السلام آن را انجام می داده است. در باره یحیی فرزند زکریّا نیز در کتاب المحاسن برقی، حدیثی است که بر نماز خواندن او دلالت دارد. (3) همچنین حدیثی هست که یحیی علیه السلام امر خداوند به نماز را به بنی اسرائیل ابلاغ کرده است. (4)

نماز در روزگار عیسی علیه السلام

به نقل قرآن کریم، عیسی بن مریم علیه السلام در دامان زنی پاک دامن متولد شد که در عبادتکده می زیست و به نماز می ایستاد و رزقش را از خداوند در محراب نمازش دریافت می کرد. عیسی علیه السلام همچنین در نخستین روزهای تولدش و در همان گهواره، با اعجاز الهی، زبان گشوده و وصیت الهی به نماز را بیان کرده است. (5) احادیث نیز به تشریح نماز در آیین او تصریح کرده و آن را وظیفه عمومی همه گروندگان به او شمرده اند. (6)

نماز و کیفیت و فواید آن در انجیل امروزمین نیز موجود است و برخی آن را همراه روزه از مهم ترین عبادت ها نزد مسیحیان می دانند. (7) در پایان و با مراجعه به متن گزارش هایی که به آنها اشاره شد، می توان نتیجه گرفت که نماز به عنوان يك آیین عبادی، در همه دین های توحیدی وجود داشته، بلکه یکی

ص: 36

1- ر.ك: آل عمران: آیه 39.

2- آل عمران: آیه 43.

3- ر.ك: ح 9.

4- ر.ك: ج 2/ح 671.

5- ر.ك: مریم: آیه 30-31.

6- ر.ك: تفسیر العیاشی: ج 1 ص 175 ح 52.

7- برای نمونه، ر.ك: انجیل متی: فصل 14 و 21، قاموس الكتاب المقدّس: ص 887، مقارنه الأديان، احمد شبلی: ص 202.

از مهم ترین اعمال و مناسک این آیین ها بوده است. نماز حتی در آیین هایی مانند آیین زرتشت و آیین صائبی نیز گزارش شده و در يك پژوهش گسترده تر می توان وجود آن را در آیین های غیر مشهور پی گرفت.

به طور خلاصه می توان گفت که نماز در میان همه پیروان آیین های الهی، از جایگاه ویژه و والایی برخوردار بوده و هست، و البته در دین اسلام- که کامل ترین و آخرین دین توحیدی است-، برترین جایگاه را میان عبادات و مناسک دینی دارد.

ص: 37

11. المناقب لابن شهر آشوب: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَتَى لَهُ سَبْعٌ وَثَلَاثُونَ سَنَةً، كَانَ يَرَى فِي نَوْمِهِ كَأَنَّ آتِيًا أَتَاهُ فَيَقُولُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ»، فَيُنْكِرُ ذَلِكَ، فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهِ الْأَمْرُ كَانَ يَوْمًا بَيْنَ الْجِبَالِ يَرعى غَنَمًا لِأَبِي طَالِبٍ، فَنَظَرَ إِلَى شَخْصٍ يَقُولُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ»، فَقَالَ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا جَبْرَائِيلُ، أُرْسَلَنِي اللَّهُ إِلَيْكَ لِيَتَّخِذَكَ رَسُولًا.

فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَدِيجَةَ بِذَلِكَ، فَقَالَتْ: يَا مُحَمَّدُ، أُرْجُو أَنْ يَكُونَ كَذَلِكَ.

فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ مَاءً مِنَ السَّمَاءِ عَلَّمَهُ الْوُضُوءَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، فَلَمَّا تَمَّ لَهُ أَرْبَعُونَ سَنَةً عَلَّمَهُ حُدُودَ الصَّلَاةِ وَلَمْ يَنْزِلْ عَلَيْهِ أَوْقَاتُهَا، فَكَانَ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ فِي كُلِّ وَقْتٍ. (1)

12. الكامل في التاريخ: كَانَ أَوَّلُ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ عَلَيْهِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالتَّوْحِيدِ وَالتَّبَرُّاءِ مِنَ الْأَوْثَانِ الصَّلَاةَ، وَإِنَّ الصَّلَاةَ لَمَّا فُرِضَتْ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ وَهُوَ بِأَعْلَى مَكَّةَ، فَهَمَزَ لَهُ بِعَقْبِهِ فِي نَاحِيَةِ الْوَادِي، فَانْفَجَرَتْ فِيهِ عَيْنٌ، فَتَوَضَّأَ جَبْرَائِيلُ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ الطَّهُّورُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَهُ، ثُمَّ قَامَ جَبْرَائِيلُ فَصَلَّى بِهِ، وَصَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِصَلَاتِهِ. (2)

13. المناقب لابن شهر آشوب: أَدَّى إِلَيْهِ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] جَبْرَائِيلُ الرِّسَالَةَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى... ثُمَّ كَانَ جَبْرَائِيلُ يَأْتِيهِ وَلَا يَدْنُو مِنْهُ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَسْتَأْذِنَ عَلَيْهِ، فَأَتَاهُ يَوْمًا وَهُوَ بِأَعْلَى مَكَّةَ، ه.

ص: 38

-
- 1- المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 44، قصص الأنبياء للراوندي: ص 317 ح 395، إعلام الوري: ج 1 ص 102، كشف الغمة: ج 1 ص 87 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 194 ح 30.
- 2- الكامل في التاريخ: ج 1 ص 479، تاريخ الطبري: ج 2 ص 307، السيرة النبوية لابن هشام: ج 1 ص 260، دلائل النبوة للبيهقي: ج 2 ص 160، البداية والنهاية: ج 3 ص 24 كلها نحوه.

11. المناقب، ابن شهر آشوب: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله سی و هفت ساله شد، خواب می دید که کسی او را فرستاده خدا خطاب می کند؛ اما نمی توانست بپذیرد. مدتی طولانی سپری شد تا روزی در میان کوه ها به هنگام شبانی گله ابو طالب، نگاهش به شخصی افتاد که به او می گفت: ای فرستاده خدا!

به او گفت: کیستی؟

گفت: من جبرئیل هستم، خداوند مرا به سویت روانه کرده تا تو را فرستاده خود قرار دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه را از موضوع آگاه کرد. خدیجه گفت: ای محمد! امیدوارم که این گونه باشد.

سپس جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و برای او آبی از آسمان آورد و به او وضو و رکوع و سجود را آموخت و آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله چهل ساله شد، چگونگی نماز را بدون وقت های آن به او یاد داد و پیامبر صلی الله علیه و آله همه وقت، نمازهای دو رکعتی می خواند.

12. الکامل فی التاریخ: نخستین دستور اسلام که خداوند، پس از اقرار به یگانگی خداوند و تبری از بت ها مقرر کرد، نماز بود. هنگامی که نماز بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب شد، جبرئیل در بالای شهر مکه نزد او آمد و پاشنه پایش را در گوشه ای از درّه بر زمین کوبید تا چشمه ای در آن جوشید. جبرئیل، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله ناظر او بود، وضو گرفت تا چگونگی وضو گرفتن (طهارت) برای نماز را نشانش بدهد. سپس پیامبر مانند او وضو گرفت. آن گاه جبرئیل برخاست و با آن [وضو] نماز خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله هم با او نماز گزارد.

13. المناقب، ابن شهر آشوب: جبرئیل، پیام خداوند متعال را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند.... سپس جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد و جز با اجازه اش به او نزدیک نمی شد. روزی در بالای

فَعَمَزَ بِعَقْبِهِ بِنَاحِيَةِ الْوَادِي، فَانْفَجَرَ عَيْنٌ، فَتَوَضَّأَ جَبْرَيْلُ وَتَطَهَّرَ الرَّسُولُ ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ، وَهِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ فَرَضَهَا اللَّهُ تَعَالَى. (1)

14. المناقب لابن شهر آشوب: العبادات لم يُشرع منها مُدَّةٌ مُقَامِهِ بِمَكَّةَ إِلَّا الظُّهْرَ وَالصَّلَاةَ، وَكَانَتْ فَرَضاً عَلَيْهِ وَسُدَّةً لِأُمَّتِهِ، ثُمَّ فَرَضَتْ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ بَعْدَ إِسْرَائِهِ وَذَلِكَ فِي السَّنَةِ التَّاسِعَةِ مِنْ نُبُوَّتِهِ، فَلَمَّا تَحَوَّلَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَرَضَ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي السَّنَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الْهَجْرَةِ فِي سَدِّ عِبَانَ، وَحَوَّلَتِ الْقِبْلَةَ، وَفَرَضَ زَكَاةَ الْفِطْرِ، وَفَرَضَتْ فِيهَا صَلَاةَ الْعِيدِ، وَكَانَ فَرَضُ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ الْهَجْرَةِ بَدَلًا مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ، ثُمَّ فَرَضَتْ زَكَاةَ الْأَمْوَالِ، ثُمَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَالتَّحْلِيلَ وَالتَّحْرِيمَ، وَالْحِظْرَ (2) وَالْإِبَاحَةَ، وَالْإِسْتِحْبَابَ وَالْكَرَاهَةَ، ثُمَّ فَرَضَ الْجِهَادَ، ثُمَّ وَلايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ. (3)

15. الإمام الصادق عليه السلام - فِي بَيَانِ كَيْفِيَّةِ تَشْرِيعِ الصَّلَاةِ فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ بَعْدَ أَنْ أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِالْوُضوءِ مِنْ مَاءٍ يَسِيلُ مِنْ سَاقِ عَرْشِهِ - : ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: «يَا مُحَمَّدُ، اسْتَقْبِلِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَكَبِّرْ نِي عَلَى عَدَدِ حُجْبِي»، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ التَّكْبِيرُ سَبْعًا؛ لِأَنَّ الْحُجْبَ سَبْعٌ «فَأَفْتِيحِ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْحُجْبِ»، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الْإِفْتِيحُ سَبْعَةً، وَالْحُجْبُ مُتَطَابِقَةٌ بَيْنَهُنَّ بِحَارِ النَّوْرِ، وَذَلِكَ النَّوْرُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الْإِفْتِيحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لِإِفْتِيحِ الْحُجْبِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَصَارَ التَّكْبِيرُ سَبْعًا وَالْإِفْتِيحُ ثَلَاثًا.

فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ التَّكْبِيرِ وَالْإِفْتِيحِ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «سَمِّ بِاسْمِي»، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ 9.

ص: 40

-
- 1- المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 45 و 46، إثبات الوصيَّة: ص 126 وليس فيه «الظهر»، روضة الواعظين: ص 62، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 83 ح 137 نحوه و بحار الأنوار: ج 18 ص 196 ح 30.
 - 2- الحظر: المنع (النهاية: ج 1 ص 404 «حظر»).
 - 3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 43، العدد القويَّة: ص 343 ح 17، الدر النظيم: ص 98 وفيهما صدره إلى «نبوِّته»، بحار الأنوار: ج 18 ص 194 ح 29.

مکه نزد پیامبر آمد و پاشنه پایش را در گوشه ای از درّه به زمین کوبید. چشمه ای جوشید. جبرئیل وضو ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله وضو گرفت و نماز ظهر را خواند و آن نخستین نمازی بود که خداوند متعال واجب کرد.

14. المناقب، ابن شهر آشوب: در مدتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بود، هیچ عبادتی تشریح نشد، مگر طهارت و نماز که بر او، واجب و برای امت، سنت (مستحب مؤکد) بود. پس از معراج و در سال نهم بعثت، نمازهای پنجگانه واجب شد. پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و در شعبان سال دوم هجرت، روزه واجب گشت، قبله تغییر کرد و زکات روزه (فطریه) و نماز عید، واجب شد. فریضه نماز جمعه در سال نخست هجرت نیز جای گزین نماز ظهر روز جمعه شده بود. سپس زکات دارایی ها واجب شد. پس از آن، حج و عمره و حلال و حرام و امور ممنوع و مجاز و استحباب و کراهت و نیز جهاد و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام مقرر شدند.

15. امام صادق علیه السلام - در بیان چگونگی تشریح نماز در شب معراج، پس از فرمان خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله تا از آب جاری شده از پایه عرشش وضو بگیرد -: سپس خداوند فرمود:

«ای محمّد! به حجر الأسود، رو کن و به تعداد حجاب های من، تکبیر بگو» و به همین دلیل، در آغاز نماز، هفت تکبیر می گویند؛ زیرا حجاب ها هفت عددند، «و چون حجاب ها کنار رفتند، قرائت را آغاز کن» و از همین جا بود که تکبیر آغازین، رسم شد و چون حجاب ها سه طبقه بودند، به تعداد نورهای نازل شده بر محمّد، تکبیر آغازین سه بار شد و به همین دلیل، هفت تکبیر [پیشین] و سه تکبیر آغازین داریم.

و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از تکبیر و آغاز نماز فارغ شد، خداوند عز و جل فرمود: «پس مرا با اسمم بخوان». از این رو، «بسم الله الرحمن الرحیم؛ به نام خدای بخشنده مهربان»

جُعِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي أَوَّلِ السُّورَةِ، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «أَحْمَدُ دُنِي، فَلَمَّا قَالَ: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» قَالَ النَّبِيُّ فِي نَفْسِهِ شُكْرًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ:

«قَطَعْتَ حَمْدِي فَسَمِّ بِاسْمِي»، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَرَّتَيْنِ، فَلَمَّا بَلَغَ «وَلَا الضَّالِّينَ» قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ شُكْرًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي»، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي أَوَّلِ السُّورَةِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: «اقْرَأْ- يَا مُحَمَّدٌ- نِسْبَةَ رَبِّكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»»، ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْوَحْيَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْوَحْيَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَذَلِكَ اللَّهُ، كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا، فَلَمَّا قَالَ ذَلِكَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «ارْكَعْ لِرَبِّكَ يَا مُحَمَّدٌ»، فَارْكَعَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ وَهُوَ رَاكِعٌ: «قُلْ:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنْ ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدٌ، فَفَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَامَ مُنْتَصِبًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: أَنْ اسْجُدْ لِرَبِّكَ يَا مُحَمَّدٌ، فَخَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَاجِدًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: «قُلْ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «اسْتَوْجَالِسًا يَا مُحَمَّدٌ»، فَفَعَلَ، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ وَاسْتَوَى جَالِسًا نَظَرَ إِلَى عَظْمَتِهِ تَجَلَّتْ لَهُ، فَخَرَّ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لِأَمْرِ أَمْرٍ بِهِ، فَسَبَّحَ- أَيْضًا- ثَلَاثًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «انْتَصِبْ قَائِمًا»، فَفَعَلَ، فَلَمَّ يَرَى مَا كَانَ رَأَى مِنَ الْعَظَمَةِ؛ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ

در آغاز سوره قرار داده شد. سپس خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مرا ستایش کن» و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش، ویژه خدای جهانیان است»، پیامبر صلی الله علیه و آله از پیش خود افزود و گفت: «سپاس، خدای را».

خداوند فرمود: «ستایش مراقطع کردی. دوباره مرا با اسمم بخوان» و از این رو «الرحمان الرحيم» دو بار در [سوره] «حمد» قرار داده شد. پیامبر صلی الله علیه و آله چون به «وَلَا الضَّالِّينَ؛ و نه گم راهان» رسید، گفت: «ستایش، ویژه پروردگار جهانیان است، او را سپاس».

خداوند به وی وحی کرد و فرمود: «ذکر مراقطع کردی. مرا با اسمم بخوان». به همین دلیل نیز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» [پس از حمد و] در آغاز سوره، قرار داده شد.

سپس خداوند عز و جل به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی فرمود که: «ای محمد! نسب نامۀ پروردگارت را بخوان: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ بگو: خداوند، یگانه است.

خداوند، بی نیاز است. نه زاده و نه زاییده است و هیچ کس همسان او نیست» و سپس از ارسال وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله خودداری نمود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: یکتای یگانه بی نیاز.

خداوند به او وحی فرمود: «نه زاده و نه زاییده شده است و هیچ کس همسان او نیست» و سپس وحی را از او قطع فرمود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: چنین است خداوند، چنین است خداوند، پروردگار ما. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین گفت، خداوند به او وحی کرد: ای محمد! به پروردگار رکوع کن. او رکوع کرد و خداوند به او، در همان حال که در رکوع بود، وحی کرد: «بگو: سبحان ربّي العظيم؛ پروردگار با شکوه من، منزّه است». [پیامبر] این ذکر را سه بار گفت.

سپس خداوند به او وحی کرد که: «ای محمد! سرت را بلند کن». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم سر از رکوع برداشت و راست ایستاد. خداوند عز و جل به او وحی کرد: «ای محمد! برای پروردگارت سجده کن». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سجده افتاد. خداوند به او وحی فرمود: «بگو:

سبحان ربّي الأعلى؛ پروردگار والای من، منزّه است». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این ذکر را سه بار گفت. سپس خداوند به او وحی کرد که: «ای محمد! برخیز و بنشین». پیامبر صلی الله علیه و آله از سجده برخاست. وقتی سرش را از سجده برداشت و نشست، به عظمت شکوهمند او نگریست و از جانب خود- و نه فرمان خدا- به سجده افتاد و سه بار تسبیح خداوند را گفت. آن گاه خداوند به او وحی کرد: «برخیز و بایست». او هم این کار را کرد؛ ولی عظمت پیشین را ندید. از این رو بود که نماز، يك ركعت با دو سجده شد.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: «اقْرَأْ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ»، فَقَرَأَهَا مِثْلَ مَا قَرَأَ أَوَّلًا، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: «اقْرَأْ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، فَإِنَّهَا نَسَبَتْكَ وَنَسَبَتْ أَهْلَ بَيْتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». وَفَعَلَ فِي الرُّكُوعِ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ تَجَلَّتْ لَهُ الْعِظَمَةُ فَخَرَّ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لِأَمْرِ امْرِئِهِ، فَسَبَّحَ أَيْضًا.

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ، بَيْتَكَ رَبُّكَ»، فَلَمَّا ذَهَبَ لِيَقُومَ قِيلَ: «يَا مُحَمَّدُ، اجْلِسْ»، فَجَلَسَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «يَا مُحَمَّدُ، إِذَا مَا أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ فَسَمِّ بِاسْمِي»، فَأَلْهَمَهُمْ أَنْ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «يَا مُحَمَّدُ، صَلِّ عَلَيَّ عَلَى نَفْسِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ»، فَقَالَ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي، وَقَدْ فَعَلَ.

ثُمَّ التَفَّتْ فَإِذَا بِصَفْوَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ، فَقِيلَ: «يَا مُحَمَّدُ، سَلِّمْ عَلَيْهِمْ»، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: «إِنَّ السَّلَامَ وَالتَّحِيَّةَ وَالرَّحْمَةَ وَالبَرَكَاتِ أَنْتَ وَذُرِّيَّتُكَ»، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَلَّا يَلْتَفِتَ يَسَارًا.

وَأَوَّلُ آيَةٍ سَمِعَهَا بَعْدَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» آيَةُ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَصْحَابِ الشَّمَالِ؛ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَانَ السَّلَامُ وَاحِدَةً تُجَاهَ الْقِبْلَةِ، وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَانَ التَّكْبِيرُ فِي السُّجُودِ شُكْرًا، وَقَوْلُهُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ؛ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَ صَوْتَةَ الْمَلَائِكَةِ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّهْلِيلِ؛ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَتِ الرُّكْعَتَانِ الْأُولَيَانِ كُلَّمَا أَحْدَثَ فِيهِمَا حَدَثًا كَانَ عَلَى صَاحِبِهِمَا إِعَادَتُهُمَا. فَهَذَا الْفَرَضُ الْأَوَّلُ فِي (1) صَلَاةِ الزَّوَالِ؛ يَعْنِي صَلَاةَ الظُّهْرِ. (2) 1.

1- في بعض نسخ الكافي وفي الوافي: «وهي» بدل «في».

2- الكافي: ج 3 ص 485 ح 1، علل الشرائع: ص 315 ح 1 نحوه، منتقى الجمان: ج 2 ص 350 كلها عن عمر بن اذينة، بحار الأنوار: ج 82 ص 240 ح 1.

سپس خداوند وحی فرمود: «ای محمّد! "حمد" را بخوان» و او همانند بار نخست، آن را خواند. سپس به او وحی فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخوان که نسب نامه تو و خاندانت تا روز قیامت است».

پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع مانند آنچه در بار اول کرده بود، انجام داد. سپس يك سجده کرد و زمانی که سر از سجده برداشت، عظمت خداوند بر او تجلی کرد و از جانب خود (و نه یه فرمان خداوند) به سجده افتاد و تسبیح خدا گفت. سپس خداوند به او وحی کرد که: «ای محمّد! سرت را بلند کن. پروردگارت تو را استوار ساخت». تا خواست برخیزد، به او گفته شد: «ای محمّد! بنشین» و او نشست.

خداوند به او وحی فرمود: «ای محمّد! به خاطر نعمتی که به تو دادم، نام مرا یاد کن». و به او الهام شد که بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا! هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست و نیکوترین نام ها همه، از آن خداست».

سپس به او وحی فرمود: «ای محمّد! بر خود و خاندانت درود بفرست». و او گفت:

«خدا بر من و خاندانم درود فرستد!». خدا هم چنین کرد.

او سپس به صفوف فرشتگان، پیامبران و فرستادگان الهی توجه کرد. به او گفته شد:

«ای محمّد! به آنها سلام بده». او گفت: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما!

خدا به او وحی فرمود: «ای محمّد! بی گمان، سلام و درود و رحمت و برکت ها، تو و فرزندان هستی». سپس خدا به او فرمان داد که به سمت چپ توجه نکند و نخستین آیه ای که پس از «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ...» شنید، آیه اصحاب یمین و اصحاب شمال بود. از آن رو، در نماز، يك بار سلام به سمت قبله قرار داده شد و نیز تکبیر برای رفتن به سجده به شکرانه [ی مشاهده نعمت های اصحاب یمین].

و «سمع الله لمن حمده؛ خداوند به هر کس که حمدش کند، گوش می دهد» از آن جا آمد که پیامبر صلی الله علیه و آله صدای ناله فرشتگان را به تسبیح و حمد و «لا إله إلا الله» شنید و این جا بود که گفت: «سمع الله لمن حمده». و از این رو دو رکعت اول به گونه ای اند که هر اتفاقی در آنها بیفتد، نمازگزار باید آنها را دوباره به جا بیاورد؛ زیرا آنها واجب نخستین الهی اند و این اولین فریضه الهی یا همان نماز نمیروز، یعنی نماز ظهر است.

16. علل الشرائع عن إسحاق بن عمّار: سألتُ أبا الحسنِ موسى بنَ جعفرٍ عليه السلام: كيف صارتِ الصَّلَاةُ ركعةً وسجدتين؟ وكيف إذا صارت سجدتين لم تكن ركعتين؟ فقال:

إذا سألت عن شيءٍ ففرِّغ قلبك لتفهم.

إنَّ أوَّلَ صَلاةٍ صَلاها رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله إنّما صَلاها في السَّماءِ بينَ يَدَيِ اللهِ تَبَارَكَ وتعالى، فُدامَ عَرشِهِ جَلَّ جَلالُهُ، وذلكَ أَنَّهُ لَمَّا اسرِيَ بِهِ وصارَ عِنْدَ عَرشِهِ تَبَارَكَ وتعالى، فَتَجَلَّى لَهُ عَن وَجهِهِ حَتَّى رَأاهُ بِعَيْنِهِ، قالَ: «يا مُحَمَّدُ! ادنُ مِن صَلاةٍ (1)، فأغسِلَ مَساجِدَكَ وطَهَّرَها وصَلِّ لِرَبِّكَ»، فَدَنَا رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله إلى حَيْثُ أَمَرَهُ اللهُ تَبَارَكَ وتعالى، فَتَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ وُضوءَهُ، ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الجَبَّارَ تَبَارَكَ وتعالى قائِماً، فَأَمَرَهُ بِافتِتاحِ الصَّلَاةِ، فَفَعَلَ.

فقالَ: «يا مُحَمَّدُ، اقرأ: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» - إلى آخِرِها-»، فَفَعَلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَقْرَأَ نِسْبَةَ رَبِّهِ تَبَارَكَ وتعالى: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اللهُ الصَّمَدُ» ثُمَّ أَمَسَكَ عَنهُ القَوْلَ، فَقالَ رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله: «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اللهُ الصَّمَدُ»، فَقالَ: «قُلْ: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»»، فَأَمَسَكَ عَنهُ القَوْلَ، فَقالَ رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله: «كذلكَ اللهُ رَبِّي، كذلكَ اللهُ رَبِّي، كذلكَ اللهُ رَبِّي».

فلَمَّا قالَ ذَلِكَ قالَ: «اركع يا مُحَمَّدُ لِرَبِّكَ»، فَركَعَ رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله، فَقالَ لَهُ وهو رَاكِعٌ: قُلْ: «سُبْحانَ رَبِّي العَظيمِ وبِحَمْدِهِ»، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا، ثُمَّ قالَ: «ارفع رأسَكَ يا مُحَمَّدُ»، فَفَعَلَ ذَلِكَ رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله، فَقامَ مُنْتَصِبًا بَينَ يَدَيِ اللهِ عزَّ وجلَّ، فَقالَ: «أسجد يا مُحَمَّدُ لِرَبِّكَ»، فَخَرَّ رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله ساجِدًا، فَقالَ: قُلْ: «سُبْحانَ رَبِّي الأعلى وبِحَمْدِهِ»، فَفَعَلَ ذَلِكَ رسولُ اللهِ صلى اللهُ عليه وآله وآله ثَلَاثًا، فَقالَ لَهُ: «استَوِ جالساً يا مُحَمَّدُ»، فَفَعَلَ.

ص: 46

1- ص: قيل: هو ماء يسيل من ساق العرش الأيمن (مجمع البحرين: ج 2 ص 1061 «صيد»).

16. علل الشرائع - به نقل از اسحاق بن عمار - از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: چگونه نماز، يك ركعت و دو سجده شد؟ و چگونه دو سجده و دو ركعت نشد؟

فرمود: «هنگامی که از چیزی پرسیدی، دلت را از چیزهای دیگر خالی کن تا بفهمی.»

نخستین نمازی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواند، در آسمان ها و در پیشگاه خدای -تبارك و تعالی - و جلوی عرش خدای عز و جل بود. این گونه بود که شبی او را به نزد عرش خدای -تبارك و تعالی - بردند و خدا خود را بر او تجلی داد تا محمد به او بنگرد. فرمود: "ای محمد! به آب جاری پایه عرش نزدیک شو و اعضای سجده ات را بشوی و آن را پاک کن و برای خدایت نماز بگزار." پیامبر خدا به همان جایی که خدای -تبارك و تعالی - فرمان داده بود، نزدیک شد و وضویش را کامل گرفت و رو به روی خدای خجسته متعال ایستاد و خداوند، او را به آغاز نماز فرمان داد و او چنین کرد.

خداوند فرمود: "ای محمد! «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را تا آخر بخوان." پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد. سپس خداوند به او فرمان داد که نسب نامه خدایش -تبارك و تعالی - : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. بگو:

خدا یگانه است. خدا بی نیاز است» را بخواند و دیگر چیزی نگفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ» و خداوند فرمود: "بگو: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ نه زاده و نه زاییده شده و نه کسی مانند و همتای اوست»." و دیگر سخن نگفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: چنین است خداوند یکتا، پروردگار من. چنین است خداوند یکتا، پروردگار من. چنین است خداوند یکتا، پروردگار من.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله را گفت، خدا فرمود: "ای محمد! برای پروردگارت رکوع کن." پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رکوع کرد و خدا در همان رکوع به او فرمود: "بگو: سبحان ربی العظیم و بحمده؛ پروردگار باشکوه من، منزّه است و او را می ستایم" و پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار گفت.

سپس خدا فرمود: "ای محمد! سرت را [از رکوع] بلند کن" و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین کرد و در برابر خدا، صاف ایستاد.

خداوند فرمود: "ای محمد! برای خدایت سجده کن" و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سجده افتاد.

خدا فرمود: "بگو: سبحان ربی الأعلی و بحمده؛ پروردگار والای من، منزّه است و او را می ستایم" و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه بار گفت.

فَلَمَّا اسْتَوَى جَالِسًا ذَكَرَ جَلَالَ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ، فَخَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لِأَمْرِ أَمْرِهِ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَسَبَّحَ
أَيْضًا ثَلَاثًا، فَقَالَ: «إِنْتَصِبَ قَائِمًا»، فَفَعَلَ، فَلَمْ يَرَ مَا كَانَ رَأَى مِنْ عَظَمَةِ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ. فَقَالَ لَهُ: «إِقْرَأْ يَا مُحَمَّدُ، وَافْعَلْ كَمَا فَعَلْتَ فِي الرُّكْعَةِ
الْأُولَى»، فَفَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ ذَكَرَ جَلَالَ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الثَّانِيَةَ، فَخَرَّ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَاجِدًا مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ لِأَمْرِ أَمْرِهِ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَسَبَّحَ أَيْضًا.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: «ارْفَعْ رَأْسَكَ تَبَتُّكَ اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
الْقُبُورِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَمَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ
حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ»، فَفَعَلَ، فَقَالَ: «سَلِّمْ يَا مُحَمَّدُ، اسْتَقْبِلْ (1)»، فَاسْتَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
رَبَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَتَقَدَّسَ وَجْهُهُ مُطْرِفًا، فَقَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ»، فَأَجَابَهُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مُحَمَّدُ، بِنِعْمَتِي قَوَّيْتُكَ عَلَى
طَاعَتِي، وَبِعِصْمَتِي إِيَّاكَ اتَّخَذْتُكَ نَبِيًّا وَحَبِيبًا».

ثُمَّ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَإِنَّمَا كَانَتْ الصَّلَاةُ الَّتِي أَمَرَ بِهَا رُكْعَتَيْنِ وَسَجْدَتَيْنِ، وَهُوَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِثْمًا سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ فِي كُلِّ
رُكْعَةٍ عَمَّا أَخْبَرْتُكَ مِنْ تَدْكُرِهِ لِعَظَمَةِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضًا. (2)

17. سنن الترمذي عن أنس: فُرِضَتْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةَ اسْرِي بِهِ الصَّلَوَاتُ خَمْسِينَ، ثُمَّ 5.

ص: 48

1- هكذا في المصدر، ولا توجد كلمة «استقبل» في بحار الأنوار.

2- علل الشرائع: ص 334 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 45 ح 1135 عن الحسين أبي العلاء نحوه وفيه صدره إلى «ففعّل ذلك رسول الله
صلى الله عليه وآله ثلاثاً»، بحار الأنوار: ج 82 ص 266 ح 15.

خداوند به او فرمود: "ای محمد! راست بنشین" و پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد و چون صاف نشست، جلالت و شکوه پروردگارش را یاد کرد و به اختیار خود و نه فرمان الهی، به سجده رفت و سه بار دیگر تسبیح گفت. خدا فرمود: "برخیز و راست بایست" و پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد و دیگر، آن عظمت و شکوه خدای جلیل را ندید.

خداوند به او فرمود: "ای محمد! بخوان و همان کارهای رکعت اول را بکن" و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین کرد و سپس يك سجده کرد و چون سر برداشت دوباره جلالت خدایش -تبارک و تعالی- را یاد کرد و به اختیار خود و نه فرمان الهی به سجده رفت و دوباره تسبیح گفت.

آن گاه خداوند به او فرمود: "سرت را بلند کن که خدا استوارت بداشت. گواهی ده که جز خداوند یکتا، معبودی نیست و محمد، فرستاده خداست و قیامت، بی هیچ تردیدی، آمدنی است و خداوند، همه خفتگان در قبرها را بر می انگیزد. [سپس بگو:] خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و بر محمد و خاندانش رحم کن، همان گونه که بر ابراهیم و خاندانش درود فرستادی و برکت دادی و رحم آوردی و منت نهادی، که تو ستوده و بزرگواری. خدایا! شفاعت پیامبر را در حق امتش بپذیر و در جاتش را بالا ببر".

او چنین کرد. و خداوند فرمود: "ای محمد! سلام بده، و رو به رو بایست".

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سر به زیر در برابر پروردگار متعال و مبارک و منزهش ایستاد و گفت: سلام بر تو!

خدای جبار باش کوه به او پاسخ داد و فرمود: "و بر تو سلام، ای محمد! به نعمت، تو را بر اطاعتم نیرو دادم و با محافظتم از تو، تو را پیامبر و دوست خودم کردم".

امام کاظم علیه السلام سپس فرمود: «نمازی که به آن فرمان داده شد، دو رکعت و دو سجده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از آن رو در هر رکعت، دو سجده کرد که به تو خبر دادم و آن یادآوری عظمت خدایش -تبارک و تعالی- بود و خدای عز و جل هم آن را واجب کرد».

17. سنن الترمذی - به نقل از انس - شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد، پنجاه نماز بر او

تُقَصِّتُ حَتَّى جُعِلَتْ خَمْسًا، ثُمَّ نُوْدِي: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّهُ لَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ بِأَنَّ لَكَ بِهِذِهِ الْخَمْسِ خَمْسِينَ. (1)

راجع: ح 208.

18. الإمام زين العابدين عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: مَتَى فُرِضَتِ الصَّلَاةُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَا هُمْ الْيَوْمَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: - بِالْمَدِينَةِ حِينَ ظَهَرَتْ الدَّعْوَةُ وَقَوِيَ الْإِسْلَامُ وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْجِهَادَ، وَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ فِي الظُّهْرِ رَكَعَتَيْنِ، وَفِي الْعَصْرِ رَكَعَتَيْنِ، وَفِي الْمَغْرِبِ رَكَعَةً، وَفِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكَعَتَيْنِ، وَأَقْرَبَ الْفَجْرِ عَلَى مَا فُرِضَتْ؛ لِتَعْجِيلِ نُزُولِ مَلَائِكَةِ النَّهَارِ مِنَ السَّمَاءِ، وَلِتَعْجِيلِ عُرُوجِ مَلَائِكَةِ اللَّيْلِ إِلَى السَّمَاءِ، وَكَانَ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ يَشْهَدُونَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةَ الْفَجْرِ، فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (2) يَشْهَدُهُ الْمُسْلِمُونَ، وَيَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ وَمَلَائِكَةُ اللَّيْلِ.

(3)

19. الإمام الباقر عليه السلام: عَشْرُ رَكَعَاتٍ: رَكَعَتَانِ مِنَ الظُّهْرِ، وَرَكَعَتَانِ مِنَ الْعَصْرِ، وَرَكَعَتَا الصُّبْحِ، وَرَكَعَتَا الْمَغْرِبِ، وَرَكَعَتَا الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، لَا يَجُوزُ الْوَهْمُ فِيهِنَّ، وَمَنْ وَهَمَ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ اسْتَقْبَلَ الصَّلَاةَ اسْتِقْبَالًا، وَهِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي الْقُرْآنِ، وَفَوَّضَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَزَادَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ، وَهِيَ سُنَّةٌ لَيْسَ فِيهَا قِرَاءَةٌ، إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَكْبِيرٌ وَدُعَاءٌ، فَالْوَهْمُ إِنَّمَا يَكُونُ فِيهِنَّ. 2.

ص: 50

1- سنن الترمذي: ج 1 ص 417 ح 213، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 322 ح 12641، المصنّف لعبد الرزاق: ج 1 ص 452 ح 1768، كنز العمال: ج 12 ص 413 ح 35451؛ الخصال: ص 269 ح 6 نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 408 ح 117.

2- الإسراء: 78.

3- الكافي: ج 8 ص 341 ح 536، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 455 ح 1319، علل الشرائع: ص 324 ح 1، كلاهما نحوه، مختصر بصائر الدرجات: ص 131 كلّها عن سعيد بن المسيّب، بحار الأنوار: ج 19 ص 117 ح 2.

واجب گردید و سپس کاسته و پنج نماز شد و آن گاه به او ندا شد: «ای محمد! چنین است که سخن نزد من تغییر نمی یابد. تو با همین پنج نماز، [پاداش] پنجاه [نماز] داری».

ر.ك: ح 208.

18. امام زین العابدین علیه السلام -خطاب به کسی که به ایشان گفت: نمازی که مسلمانان اکنون می خوانند، کی بر آنان واجب شد؟- در مدینه و هنگامی که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بالا گرفت و اسلام نیرومند شد و خداوند عز و جل جهاد را بر مسلمانان واجب کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت بر نماز افزود: دو رکعت در هر يك از نمازهای ظهر و عصر، يك رکعت در مغرب و دو رکعت در نماز عشا، و نماز صبح را بر همان حالت که خداوند واجب فرموده بود، باقی گذاشت؛ زیرا فرشتگان صبح و شب، در نماز صبح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حاضر می شدند و فرشتگان روز، شتاب می کردند که از آسمان فرود بیایند و فرشتگان شب، شتاب داشتند به آسمان بروند و این، همان سخن خدای متعال است: «و قرائت فجر را [به پا دار] که مشهود [همگان] است»، یعنی مشهود مسلمانان و فرشتگان روز و شب.

19. امام باقر علیه السلام: ده رکعت از نمازها: دو رکعت [اول] ظهر و عصر و مغرب و عشا و نماز صبح، با وهم و شك سازگار نیستند و هر کس در این ده رکعت شك کند، دوباره باید نمازش را بخواند و این، همان نمازی است که خداوند در قرآن بر مؤمنان واجب کرد و به محمد صلی الله علیه و آله واگذار نمود و پیامبر هفت رکعت بر آن افزود و این هفت رکعت، سنت نهاده شده پیامبر صلی الله علیه و آله است که قرائت [قرآن] در آن [واجب] نیست؛ بلکه تنها تسبیح و تهلیل و تکبیر و دعاست، و شك، در اینها راه می یابد [وراه

ص: 51

فَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي صَلَاةِ الْمُقِيمِ غَيْرِ الْمُسَافِرِ رَكَعَتَيْنِ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَرَكَعَةً فِي الْمَغْرِبِ لِلْمُقِيمِ
وَالْمُسَافِرِ. (1)

20. الإمام الرضا عليه السلام -فيما جَمَعَهُ الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ مِنْ كَلَامِهِ فِي عَدَلِ الْفَرَائِضِ-: فَإِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَلِمَ جُعِلَ أَصْلُ الصَّلَاةِ رَكَعَتَيْنِ، وَلِمَ زِيدَ عَلَى بَعْضِهَا رَكَعَةٌ وَعَلَى بَعْضِهَا رَكَعَتَانِ وَلَمْ يُزِدْ عَلَى بَعْضِهَا شَيْءٌ؟ قِيلَ: لِأَنَّ أَصْلَ الصَّلَاةِ إِنَّمَا هِيَ رَكَعَةٌ وَاحِدَةٌ، لِأَنَّ أَصْلَ الْعَدَدِ وَاحِدٌ، فَإِنْ نَقَصْتَ مِنْ وَاحِدَةٍ فَلَيْسَتْ هِيَ صَلَاةً، فَعَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ تِلْكَ الرَكَعَةَ الْوَاحِدَةَ الَّتِي لَا صَلَاةَ أَقَلُّ مِنْهَا بِكَمَالِهَا وَتَمَامِهَا وَالْإِقْبَالَ عَلَيْهَا، فَفَرَّغَ مِنْهَا رَكَعَةً أُخْرَى لِتَيْتَمَّ بِالثَّانِيَةِ مَا نَقَصَ مِنَ الْأُولَى، فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَصْلَ الصَّلَاةِ رَكَعَتَيْنِ.

ثُمَّ عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ هَاتَيْنِ الرَكَعَتَيْنِ بِتَمَامٍ مَا امْرَأٌ بِهِ وَكَمَالِهِ، فَضَمَّ إِلَى الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ، لِيَكُونَ فِيهَا تَمَامُ الرَكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ، ثُمَّ عَلِمَ أَنَّ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ يَكُونُ شِدْغُ النَّاسِ فِي وَقْتِهَا أَكْثَرَ؛ لِإِنْصِرَافِ إِلَى الْإِفْطَارِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالْوُضُوءِ وَالتَّهَيُّةِ لِلْمَبِيتِ، فَزَادَ فِيهَا رَكَعَةً وَاحِدَةً لِيَكُونَ أَحْفَ عَلَيْهِمْ، وَلِأَنَّ تَصْيِرَ رَكَعَاتِ الصَّلَاةِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ فَرْدًا، ثُمَّ تَرَكَ الْغَدَاةَ عَلَى حَالِهَا لِأَنَّ الْإِشْتِغَالَ فِي وَقْتِهَا أَكْثَرَ وَالْمُبَادَرَةَ إِلَى الْحَوَائِجِ فِيهَا أَعْمُ، وَلِأَنَّ الْقُلُوبَ فِيهَا أَخْلَى مِنَ الْفِكْرِ لِقَلَّةِ مُعَامَلَاتِ النَّاسِ بِاللَّيْلِ وَلِقَلَّةِ الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ، فَالْإِنْسَانُ فِيهَا أَقْبَلُ عَلَى صَلَاتِهِ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَوَاتِ، لِأَنَّ الْفِكْرَ أَقَلُّ لِعَدَمِ الْعَمَلِ مِنَ اللَّيْلِ..... 8.

ص: 52

جبران دارد]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز کسی که مسافر نیست، دو رکعت در ظهر و عصر و عشا افزود و یک رکعت هم به نماز مغرب برای مقیم و مسافر افزود.

20. امام رضا علیه السلام - در آنچه فضل بن شاذان از سخنان ایشان در حکمت تشریح واجبات گرد آورده است - : «اگر کسی بپرسد: «چرا اصل نماز، دو رکعت قرار داده شد و در برخی، یک و در برخی، دو رکعت افزوده شده است و برخی افزوده ای ندارند؟»، گفته می شود: اصل نماز، یک رکعت است؛ چون کمتر از یک، که عددی نیست و نماز شکل نمی گیرد؛ ولی خدا می دانست که مردم نمی توانند آن یک رکعت را [نیز] به تمام و کمال و با توجه کامل به جا بیاورند و از این رو، نمازی برایشان تحقق نمی یابد. پس، یک رکعت دیگر همراه آن کرد تا کاستی رکعت اول را با آن، جبران کنند و بدین گونه خداوند، نماز واجب را دو رکعت قرار داد.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز دانست که بندگان، این دو رکعت را به تمام و کمال، مطابق آنچه فرمان یافته اند، به جا نمی آورند. دو رکعت به هر یک از نمازهای ظهر و عصر و عشا افزود تا دو رکعت فریضه اصلی، کامل شود و چون می دانست که مردم در وقت مغرب گرفتارند و در پی افطار و خوردن و نوشیدن و شستن و تهیه و تدارک کارهای شبانه هستند، تنها یک رکعت بر نماز مغرب افزود تا بر آنان سبک آید و مجموع رکعات نماز در شبانه روز فرد شود، و نماز صبح را به حال خود نهاد؛ چون گرفتاری در وقت آن، بیشتر و در پی نیازها بودن عمومی تر است و نیز دل مشغولی ها در آن زمان، کمتر است؛ زیرا معامله ها و داد و ستد در شب کمتر است و انسان به نماز صبحش بیشتر از دیگر نمازها توجه دارد؛ زیرا چون در شب کمتر کار کرده، کمتر اندیشناک است.

فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ جُعِلَ صَلَاةُ السُّنَّةِ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ رَكْعَةً؟ قِيلَ: لِأَنَّ الْفَرِيضَةَ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً، فَجُعِلَتِ السُّنَّةُ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ كَمَا لَأَنَّ الْفَرِيضَةَ.

فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ جُعِلَ صَلَاةُ السُّنَّةِ فِي أَوْقَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَمْ تُجْعَلْ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ؟ قِيلَ: لِأَنَّ أَفْضَلَ الْأَوْقَاتِ ثَلَاثَةٌ: عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَبِالْأَسْحَارِ.

فَأَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ لَهُ فِي هَذِهِ الْأَوْقَاتِ الثَّلَاثَةِ؛ لِأَنَّهُ إِذَا فُرِّقَتِ السُّنَّةُ فِي أَوْقَاتٍ شَتَّى كَانَ أَدَاؤُهَا أَيْسَرَ وَأَخَفَّ مِنْ أَنْ تُجْمَعَ كُلُّهَا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

(1)

راجع: ح 338.1.

ص: 54

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 107 و 111 ح 1، علل الشرائع: ص 261 ح 9، بحار الأنوار: ج 6 ص 69 ح 1.

و اگر کسی بپرسد: «چرا نمازهای نافله، سی و چهار رکعت قرار داده شده اند؟»، پاسخ، آن است که نمازهای واجب هفده رکعت اند و نافله دو برابر آن وضع شد تا تکمیل فریضه باشند.

و اگر بپرسد: «چرا نمازهای نافله را در وقت های گوناگون و نه يك وقت قرار دادند؟»، گفته می شود: چون برترین وقت ها، سه وقت است: هنگام زوال خورشید و پس از مغرب و سحرها، و خداوند دوست داشت که در این وقت های سه گانه، برایش نماز بگذارند؛ زیرا اگر نمازهای نافله در وقت های پراکنده توزیع شوند، ادای آنها آسان تر و سبک بارتر از آن است که همه آنها در يك وقت گرد آورده شوند.

ر.ك: ح 338.

ص: 55

پژوهشی در باره چگونگی تشریح نماز در اسلام (1)

نماز، نماد عبادت و جلوه عبودیت مؤمنان در برابر خدای خویش است و در همه ادیان توحیدی (2) و حتی آیین های غیر توحیدی، (3) به شکل های گوناگونی وجود داشته است. نماز در حجاز و جزیره العرب نیز شناخته شده بوده و برگزار می شده است، اگر چه به تعبیر قرآن، برخی اعراب جاهلی به جای نماز، تنها دست افشانی می کرده و آواز می خوانده اند. (4)

افزون بر این، وجود ادیان ابراهیمی در عربستان و باقی ماندن نسل ابراهیم علیه السلام و فرزندان اسماعیل علیه السلام در مکه نیز می توانند این احتمال را تقویت کنند که برخی افراد معتقد به دین حنیف ابراهیم، نماز را می شناخته و چه بسا آن را بر پا می داشته اند. (5)

در این میان، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز که از آغاز زندگی از فیض همراهی فرشته بزرگ الهی و موهبت راه نمایی خداوند، برخوردار (6) و از نسل ابراهیم و اسماعیل و دارای

ص: 56

1- این پژوهش توسط استاد ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی نگارش یافته است.

2- ر.ک: ص 31 (پژوهشی درباره نماز در امت های پیشین).

3- ر.ک: المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام: ج 6 ص 337.

4- ر.ک: انفال: آیه 35.

5- برای آگاهی بیشتر، ر.ک: الکافی: ج 4 ص 210 ح 17 و ص 212 ح 19.

6- امام علی علیه السلام: «و لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ لُدُنٍ أَنْ كَانَ فَطِيمًا أَعْظَمَ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَرِمِ وَمَحَاسِنَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَةً وَنَهَارَةً؛ از دورانی که او (پیامبر صلی الله علیه و آله) از شیر گرفته شد، خداوند متعال، بزرگ ترین فرشته از فرشتگانش را همراهش کرد تا شب و روز به راه بزرگواری ها و خوی های نیکوی جهان ره نمونش گردد» (نهج البلاغه: خطبه 192).

فطرت حنیف و سرشستی پاک بوده، (1) بی تردید، بندگی خویش را به گونه ای به درگاه خدای یکتا ابراز می نموده است. اگر چه هیچ سندی، عبادت و یا حضور ایشان را در کنیسه و کلیسای گزارش نکرده است، اما امام علی علیه السلام حضور منظم و سالانه ایشان را در غار حرا خبر داده (2) که به احتمال فراوان، گونه ای ارتباط نهان با خدای رحمان و تقگر و ذکر و عبادت بوده است. این ارتباط، اندکی پیش از بعثت و در سی و هفت سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله به اوج رسید و رؤیاهای راستین و بشارت های جبرئیل، ایشان را آماده دریافت وحی و انجام فرائض الهی نمود. بنا به گزارش ابن شهر آشوب، پیامبر صلی الله علیه و آله در این دوره، وضو و رکوع و سجود را آموخت. همچنین در چهل سالگی و همزمان با بعثت، حدود نماز را فرا گرفته؛ از آن پس، آن را به صورت دو رکعتی و بی آن که محدود به وقت خاصی باشد، به جا می آورد. (3) دو یار وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و خدیجه کبرا علیها السلام - که از همان آغاز بعثت به او گرویده بودند - نیز نماز را از ایشان آموختند. برخی گزارش ها از همراهی مکرر آن دو در برپایی نماز به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و یا درّه ها و مخفیگاه های اطراف آن حکایت دارند، تا آن جا که مکیان و دیگران آنها را دیده و به تدریج، خبر آن در شهر پیچیده است. (4).

ص: 57

- 1- برای آگاهی از دین پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت، ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الأعظم: ج 2 ص 195.
- 2- امام علی علیه السلام: «لَقَدْ كَانَ يُجَاوِزُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحَرَاءِ فَأَرَاهُ وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي؛ او (پیامبر صلی الله علیه و آله) هر ساله در [غار] حرا سکنا می گزید و من وی را می دیدم و جز من کسی او را نمی دید» (نهج البلاغه: خطبه 192). به نقل علامه مجلسی از برخی منابع، این حضور، یک ماه در سال بوده است (ر.ک: بحار الأنوار: ج 15 ص 362).
- 3- ر.ک: ح 11.
- 4- ر.ک: المناقب، ابن شهر آشوب: ج 2 ص 14 (به نقل از تفسیر یعقوب بن سفیان).

مطابق شماری از احادیث این باب، (1) نماز به گونه کامل به همراه وضو در جریان عروج پیامبر خدا، به ایشان تعلیم داده شد که این معنا با سوره اسرا- که در مکه نازل شده و به موضوع سفر آسمانی پیامبر پرداخته- و مشخصاً با آیه 78 این سوره (مربوط به تشریح اوقات نماز)، قابل تأیید است.

البته با وجود تعدد اقوال در باره زمان وقوع معراج، آنچه مسلم است، این است که عروج پیامبر صلی الله علیه و آله به آسمان، در مکه و پیش از هجرت به مدینه روی داده است. (2)

بنا بر این، نماز در شکل کامل آن، بر اساس فرمان الهی، در همان مکه بر پیامبر واجب شده و به احتمال فراوان بر مسلمانان نیز در همان اوان، واجب گردیده است، هر چند دلیلی قطعی بر این، در اختیار نداریم.

تشریح نمازهای پنجگانه

ابن شهر آشوب، تشریح اصل نماز را- که دو رکعتی و فاقد وقت خاصی بوده- در همان مکه می داند که ابتدا تنها بر پیامبر صلی الله علیه و آله واجب و برای امت، سنت بوده است. به نقل او، واجب شدن نماز در قالب نمازهای پنجگانه، پس از معراج، در سال نهم بعثت، (3) صورت گرفته است. از سوی دیگر، يك روایت که با سندی معتبر به امام زین العابدین علیه السلام می رسد، وجوب نماز بر مسلمانان به صورت کنونی را در مدینه و پس از نیرومند شدن اسلام دانسته است. (4)

ص: 58

1- ر.ك: ح 14 و 15.

2- با وجود بیش از ده رأی در باره زمان وقوع معراج، اکثریت قریب به اتفاق مورخان مسلمان، وقوع آن را در مکه و پیش از هجرت می دانند، هر چند در سال وقوع آن، هم داستان نیستند. پژوهشگر معاصر سید جعفر مرتضی، این آرا را به صورت مستند گزارش کرده؛ ولی خود، برخی قرائن تاریخی را شاهد بر وقوع آن در سال سوم بعثت می داند (ر.ك: الصحيح من سيرة النبي الأعظم: ج 3 ص 8-14).

3- ر.ك: ح 14.

4- ر.ك: ح 18.

هر چند نقل ابن شهر آشوب، مستند و یا منسوب به معصوم نیست تا نیاز به حلّ تعارض ابتدایی آن با روایت نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام باشد، اما می توان گفت: سخن ابن شهر آشوب، ناظر به اصل تشریح نمازهای پنجگانه است که به تصریح بعضی احادیث، در پی تقویض حقّ قانون گذاری از سوی خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان با مشورت جبرئیل، پنج وقت را در هر شبانه روز برای آنها تعیین کرد و به مسلمانان آموخت؛ (1) ولی روایت امام زین العابدین علیه السلام ناظر به تعداد رکعات هر يك از نمازهای پنجگانه است که در آغاز تشریح الهی، همگی به صورت دورکعتی بوده و بعداً با تعیین پیامبر صلی الله علیه و آله و تأیید الهی بر شمار رکعات برخی از آنها افزوده شده است. (2) گفتنی است چرایی و چگونگی این رکعت افزایی نیز در برخی احادیث، بیان شده که شایسته مراجعه است. (3).

ص: 59

1- ر.ك: ح 21 و 24.

2- ر.ك: ح 23 و 25.

3- ر.ك: الكافی: ج 3 ص 271 (باب فرض الصلاة).

21. الإمام الباقر عليه السلام: كان الناس لا يدرون كيف يصلون، فنزل جبرئيل عليه السلام فقال: يا محمد، أخبرهم بمواقيت صلاتهم. (1)

22. عنه عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى أمر المؤمنين بالصلاة في كتابه، فلم يدروا ما الصلاة، ولا كيف يصلون، فأمر الله عز وجل محمداً نبيه صلى الله عليه وآله أن يبين لهم كيف يصلون، فأخبرهم بكل ما افترض الله عليهم من الصلاة مفسراً، وفرض الصلاة في القرآن جملة، ففسرها رسول الله صلى الله عليه وآله في سنته، وأعلمهم بالذي أمرهم به من الصلاة التي فرض الله عليهم. (2)

23. الإمام الصادق عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله نزلت عليه الصلاة ولم يسم الله لهم ثلاثاً ولا أربعاً، حتى كان رسول الله صلى الله عليه وآله هو الذي فسّر ذلك لهم. ونزلت عليه الزكاة ولم يسم لهم من كل أربعين درهماً درهم، حتى كان رسول الله صلى الله عليه وآله هو الذي فسّر ذلك لهم. (3)

24. الكافي عن زرارة: كنت قاعداً عند أبي عبد الله عليه السلام أنا وحمزان بن أعين، فقال له حمزان: ما تقول فيما يقول زرارة وقد خالفته فيه؟

فقال أبو عبد الله عليه السلام: ما هو؟

قال: يزعم أن مواقيت الصلاة كانت موقونة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، هو الذي وضعها. هـ.

ص: 60

1- الكافي: ج 1 ص 290 ح 6 عن أبي الجارود.

2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 14.

3- الكافي: ج 1 ص 286 ح 1 عن أبي بصير، تفسير العياشي: ج 1 ص 250 ح 169 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه وص 251 ح 170 عن أبي بصير، تفسير فرات: ص 110 ح 112 عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 35 ص 211 ح 12؛ شواهد التنزيل: ج 1 ص 119 ح 203 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.

21. امام باقر علیه السلام: مردم نمی دانستند چگونه نماز بخوانند. جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد! وقت نمازهایشان را به آنان خبر بده.

22. امام باقر علیه السلام: خداوند-تبارک و تعالی-، مؤمنان را در کتابش به نماز فرمان داد؛ ولی آنها نفهمیدند نماز چیست و چگونه آن را بخوانند. از این رو خدای عز و جل به محمد، پیامبرش، فرمان داد تا برایشان روشن کند که چگونه نماز بخوانند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نمازهایی را که خداوند بر مردم واجب کرده بود، برایشان تبیین کرد. خدا نماز را به اجمال در قرآن واجب کرد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را در سیره و عملش معلوم نمود و از نمازی که خداوند بر ایشان واجب کرده و به آن فرمان داده بود، آگاهشان ساخت.

23. امام صادق علیه السلام: نماز بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و خداوند، سه و چهار رکعت نماز را تعیین نکرد تا آن که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود که آن را برای مردم تفسیر کرد. زکات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و مقدار يك درهم از چهل درهم را معین نکرد تا آن که پیامبر صلی الله علیه و آله بود که آن را برایشان بیان کرد.

24. الکافی -به نقل از زراره-: من با حمران بن اعین نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم.

حمران به ایشان گفت: در باره سخن زراره که من با آن مخالفم، چه می فرمایید؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «کدام سخن؟».

حمران گفت: زراره می پندارد که تعیین وقت های نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله واگذار شد و او آنها را مقرر کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «تو [دقیقاً] چه می گویی؟».

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا تَقُولُ أَنْتَ؟ قُلْتُ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَاهُ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ وَفِي الْيَوْمِ الْآخِرِ بِالْوَقْتِ الْآخِرِ، ثُمَّ قَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَيْنَهُمَا وَقْتُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حُمْرَانُ، إِنَّ زُرَّارَةَ يَقُولُ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا جَاءَ مُشِيرًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَصَدَقَ زُرَّارَةُ، إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوَضَعَهُ وَأَشَارَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ عَلَيْهِ. (1)

25. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ، فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (2). ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيَسُوسَ عِبَادَةَ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (3)، وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ، لَا يَزِلُّ وَلَا يُخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ، فَتَأَدَّبَ بِآدَابِ اللَّهِ.

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الصَّلَاةَ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ، فَأَضَافَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الرُّكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ، وَإِلَى الْمَغْرِبِ رَكَعَةً، فَصَارَتْ عَدِيلَ الْفَرِيضَةِ، لَا يَجُوزُ تَرْكُهُنَّ إِلَّا فِي سَفَرٍ، وَأَفْرَدَ الرُّكَعَةَ فِي الْمَغْرِبِ فَتَرَكَهَا قَائِمَةً فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ، فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ، فَصَارَتْ الْفَرِيضَةُ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكَعَةً. ثُمَّ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ رَكَعَةً مِثْلِي الْفَرِيضَةِ، فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ. (4)

راجع: ح 18 و 20 و 31 و 531 و 540.3.

ص: 62

1- الكافي: ج 3 ص 273 ح 1، رجال الكشي: ج 1 ص 355 ح 227، منتقى الجمان: ج 1 ص 422، بحار الأنوار: ج 82 ص 359 ح 42، بحار الأنوار: ج 35 ص 211 ح 12.

2- القلم: 4.

3- الحشر: 7.

4- الكافي: ج 1 ص 266 ح 4، منتقى الجمان: ج 1 ص 376 كلاهما عن فضيل بن يسار، المحاسن: ج 2 ص 50 ح 1149 عن علي بن مهزيار نحوه وليس فيه صدره إلى «بآداب الله» وليس فيهما ذيله من «ثم سنَّ رسول الله صلى الله عليه وآله»، بحار الأنوار: ج 17 ص 4 ح 3.

گفتم: جبرئیل در روز اول، وقت [نماز] اول و در روز آخر، وقت [نماز] آخر را آورد و سپس گفت: میان این دو نیز وقت است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ای حمران! زراره می گوید: جبرئیل نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و [به وقت ها] اشاره کرد. زراره درست می گوید. خداوند، اینها را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و انهداد و پیامبر هم با اشاره جبرئیل، آنها را مقرر نمود».

25. امام صادق علیه السلام: خدای عز و جل پیامبرش را به نیکویی، ادب آموخت و چون ادب آموزی کامل شد، فرمود: «تو بر اخلاقی بزرگ هستی». سپس کار دین و امت را به او و انهداد تا بندگانش را مدیریت کند. آن گاه خداوند عز و جل فرمود: «آنچه را رسول خدا برایتان آورده، بگیریید و از آنچه شما را باز داشته، دست بکشید». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با روح القدس، استوار و تأیید شد و توفیق یافت. نه لغزید و نه در هیچ يك از سیاست هایش به خطا رفت و به آداب الهی، تأدب یافت. سپس خداوند، ده رکعت نماز به صورت دورکعتی واجب کرد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو رکعت به برخی و يك رکعت به مغرب افزود و همتای فریضه شدند، به گونه ای که جز در سفر، ترك آنها جایز نیست و تنها يك رکعت افزوده در مغرب را در سفر و حضر به حال خود گذاشت. خدای عز و جل نیز همه اینها را اجازه داد و نماز واجب، هفده رکعت شد. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سی و چهار رکعت نافله، دو برابر واجب، مقرر کرد و خداوند عز و جل همه اینها را نیز اجازه داد.

ر.ك: ح 18، 20، 31، 531 و 540.

ص: 63

الكتاب:

«إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا». (1)

الحديث:

26. الإمام الباقر عليه السلام -في قولِ اللَّهِ عز و جل: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» -: أي مَوْجُوبًا. (2)

27. عنه عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ. (3)

28. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَمْسَ فَرَائِضَ: الصَّلَاةَ، وَالزَّكَاةَ، وَالصِّيَامَ، وَالْحَجَّ، وَوَلَايَتَنَا. (4)4.

ص: 64

1- النساء: 103.

2- الكافي: ج 3 ص 272 ح 4، تفسير العياشي: ج 1 ص 273 ح 259 كلاهما عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 202 ح 606 عن زرارة والفضيل بن يسار، دعائم الإسلام: ج 1 ص 131 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «مفروضاً» بدل «موجباً»، بحار الأنوار: ج 82 ص 353 ح 25؛ تفسير الطبري: ج 4 الجزء 5 ص 261 عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيه «مفروضاً» بدل «موجباً».

3- الكافي: ج 2 ص 18 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 151 ح 418 فضائل الأشهر الثلاثة: ص 119 ح 117، تفسير العياشي: ج 1 ص 191 ح 101 كلُّها عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 74 ح 1770، بحار الأنوار: ج 68 ص 332 ح 10.

4- الكافي: ج 8 ص 271 ح 399 عن عبد الحميد بن أبي العلاء، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 82 ح 20 عن الحسن بن النضر عن الإمام الرضا عليه السلام، بشارة المصطفى: ص 108 عن حسين بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدِّه عليهم السلام، الصراط المستقيم: ج 3 ص 187 عن المعصوم عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 164 ح 466 من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 105 ح 4.

قرآن

«نماز بر مؤمنان، [در اوقات معین] مقرر شده است».

حدیث

26. امام باقر علیه السلام - در بیان واژه «موقت» در آیه «همانا نماز، بر مؤمنان، کتابی موقت، قرار داده شد» -: یعنی «موجب (واجب شده)»؟ (1)

27. امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

28. امام صادق علیه السلام: خداوند بر امت محمد صلی الله علیه و آله پنج کار را واجب کرده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت ما اهل بیت.

ص: 65

1- این حدیث مانند احادیث فراوان دیگری در مقام ردّ تفسیر «موقتاً» به زمان معین است (ر.ک: بحار الأنوار: ج 82 ص 340 ح 17 و ص 352 ح 24-32).

29. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرَائِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْهِ فِيهَا الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّيَامَ وَالْحَجَّ... (1).

30. عنه عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الدِّينِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ؟ - شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ... (2)

5/1 وُجُوهُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ

31. الإمام الباقر عليه السلام: فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ وَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَشْرَةَ أَوْجُهٍ: صَلَاةَ الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ، وَصَلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ، وَصَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَصَلَاةَ الْعِيدَيْنِ، وَصَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ. (3)

راجع: ح 25

نكتة

الصلوات الواجبة سنة: اليوميّة؛ ومنها الجمعة، والآيات، والطواف الواجب، والمُلتزم بنذر أو عهد أو يمين أو إجارة، وصلاة الوالدين على الولد الأكبر، وصلاة الأموات.

أما اليوميّة فخمسة فرائض: الظهر أربع ركعات، والعصر كذلك، والمغرب ثلاث ركعات، والعشاء أربع ركعات، والصبح ركعتان. وتسقط في السفر من الرباعيّات ركعتان، كما أنّ صلاة الجمعة أيضا ركعتان. (4)4.

ص: 66

1- الكافي: ج 2 ص 17 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 448 ح 1035، بحار الأنوار: ج 16 ص 330 ح 26.

2- الكافي: ج 2 ص 22 ح 11 عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 204 ح 612، المحاسن: ج 1 ص 452 ح 1041، منتقى الجمان: ج 1 ص 377 كلّها عن سليمان بن خالد وفيهما «الفرائض» بدل «الدين»، بحار الأنوار: ج 68 ص 386 ح 36؛ فتاوى السبكي: ج 1 ص 193 عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

3- الكافي: ج 3 ص 272 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 207 ح 620، الخصال: ص 444 ح 39، منتقى الجمان: ج 1 ص 373 كلّها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 82 ص 281 ح 1.

4- العروة الوثقى: ج 2 ص 244.

29. امام صادق علیه السلام: خداوند-تبارك و تعالی-آیین های دینی نوح، ابراهیم، موسی و عیسی را به محمد صلی الله علیه و آله عطا کرد... و سپس در این میان، نماز، زکات روزه و حج و... را بر او واجب کرد.

30. امام صادق علیه السلام-در پاسخ کسی که از دینی پرسید که خداوند بر بندگان واجب کرده است-: شهادت بر یگانگی خداوند و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و برپا داشتن نماز....

5/1: گونه های تشریح شده نماز

اشاره

31. امام باقر علیه السلام: خداوند، [اصل] نماز را واجب کرد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را بر ده گونه نهاد:

نماز حاضر و مسافر، نماز خوف که خود سه گونه است، دو نماز خورشید و ماه گرفتگی، نماز دو عید [فطر و قربان]، نماز باران و نماز بر مرده.

ر.ك: ح 25.

نکته

نمازهای واجب، شش نمازند: نمازهای شبانه روزی، نماز جمعه، نماز آیات، نماز طواف واجب، نمازی که کسی با نذر و عهد و سوگند و یا اجاره بر خود معین کرده، نماز پدر و مادر بر فرزند بزرگ و نماز میت. اما نمازهای شبانه روزی، پنج نماز است: ظهر چهار رکعت، عصر چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشا چهار رکعت و صبح دو رکعت. و در سفر از نمازهای چهار رکعتی، دو رکعت کم می شود. همان گونه که نماز جمعه نیز دو رکعت است.

ص: 67

32. رسول الله صلى الله عليه وآله -لِمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ لِدَعْوَةِ النَّاسِ-: فَأَعْلَمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ. (1)

33. عنه صلى الله عليه وآله -لِمَنْ قَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ؟-: فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ.... (2)

34. عنه صلى الله عليه وآله: انزَلَ عَلَيَّ وَعَلَى أُمَّتِي خَمْسَ صَلَوَاتٍ، لَمْ تَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ قَبْلِي وَلَا تَفْتَرِضُ عَلَيَّ أُمَّةً بَعْدِي؛ لِأَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. (3)

35. الإمام عليّ عليه السلام -في تفضيلِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ-: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْهِمْ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ خَمْسَ (4) صَلَوَاتٍ فِي خَمْسَةِ أَوْقَاتٍ؛ اثْنَتَانِ بِاللَّيْلِ وَثَلَاثٌ بِالنَّهَارِ. (5)

36. الكافي عن زُرَّارَةَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: خَمْسُ 8.

ص: 68

-
- 1- صحيح البخاري: ج 2 ص 505 ح 1331، صحيح مسلم: ج 1 ص 50 ح 19 كلاهما عن معاذ، سنن أبي داود: ج 2 ص 104 ح 1584، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 568 ح 1783، سنن النسائي: ج 5 ص 55 كلُّها عن ابن عبَّاس، كنز العمال: ج 7 ص 281 ح 18882.
 - 2- الكافي: ج 8 ص 336 ح 531 عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للطوسي: ص 650 ح 1348 عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عليه السلام من دون اسناد اليه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 22 ص 140 ح 122؛ صحيح البخاري: ج 2 ص 669 ح 1792، سنن النسائي: ج 4 ص 121، السنن الكبرى: ج 4 ص 338 ح 7903 كلُّها عن طلحة بن عبيد الله نحوه.
 - 3- الاختصاص: ص 46 عن ابن عبَّاس، بحار الأنوار: ج 9 ص 339 ح 20.
 - 4- في المصدر: «(في) بدل «خمس»، والتصويب من بحار الأنوار.
 - 5- إرشاد القلوب: ص 412 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 274 ح 22 وراجع الخصال: ص 278 ح 23 وكنز العمال: ج 3 ص 753 ح 8658.

32. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، پنج نماز در هر شبانه روز بر بندگان واجب کرد.

33. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ کسی که از واجبات الهی پرسیده بود: خداوند، بر تو هفده رکعت [نماز] در هر شبانه روز و... واجب کرده است.

34. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر من و امتم، پنج نماز نازل شده که بر امت های پیشین نازل نشده و بر امتی پس از من واجب نمی شود؛ زیرا پیامبری پس از من نمی آید.

35. امام علی علیه السلام: خدای عز و جل در شبانه روز، پنج نماز در پنج وقت بر ایشان [امت پیامبر صلی الله علیه و آله] واجب کرد: دو نماز در شب و سه نماز در روز.

36. الکافی - به نقل از زراره - نمازهای واجب را از امام باقر علیه السلام پرسیدم. فرمود: «پنج

37. الإمام الصادق عليه السلام: ما كَلَّفَ اللَّهُ الْعِبَادَ إِلَّا مَا يُطِيقُونَ، إِنَّمَا كَلَّفَهُمْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ. (2)

38. عنه عليه السلام: إِذَا جِئْتَ بِالْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ لَمْ تُسَأَلْ عَنْ صَلَاةٍ. (3)

7/1 حُدُودُ الصَّلَاةِ

39. الإمام عليّ عليه السلام - في حديثٍ طویلٍ يُبَيِّنُ فِيهِ دَعَائِمَ الْإِسْلَامِ وَفَرَائِضَهُ وَحُدُودَهُ، إِلَى أَنْ قَالَ: - فحُدُودُ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ: مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ، وَالتَّوَجُّهُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَالرُّكُوعُ، وَالسُّجُودُ، وَهَذِهِ عَوَامٌ فِي جَمِيعِ النَّاسِ الْعَالِمِ وَالْجَاهِلِ، وَمَا يَتَّصِلُ بِهَا مِنْ جَمِيعِ أفعالِ الصَّلَاةِ وَالْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَغَيْرِ ذَلِكَ، وَلَمَّا عَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُؤَدُّوا هَذِهِ الْحُدُودَ كُلَّهَا عَلَى حَقَائِقِهَا جَعَلَ فِيهَا فَرَائِضَ، وَهِيَ الْأَرْبَعَةُ الْمَذْكُورَةُ، وَجَعَلَ مَا فِيهَا مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ مِنَ الْقِرَاءَةِ وَالِدُعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ وَالتَّكْبِيرِ وَالْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَمَا شَاكَلَ ذَلِكَ سُنَّةً وَاجِبَةً، مَنْ أَحَبَّهَا يَعْمَلُ بِهَا أَعْمَالًا، فَهَذَا ذِكْرُ حُدُودِ الصَّلَاةِ. (4)

40. بحار الأنوار عن زرارة: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: سَبْعَةٌ: ي.

ص: 70

- 1- الكافي: ج 3 ص 271 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 241 ح 954، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 195 ح 600، معاني الأخبار: ص 332 ح 5، علل الشرائع: ص 354 ح 1، بحار الأنوار: ج 82 ص 282 ح 3.
- 2- المحاسن: ج 1 ص 461 ح 1069 عن هشام بن سالم، الخصال: ص 531 ح 9 عن إسماعيل بن مهران، الاعتقادات للصدوق: ص 28 كلاهما بزيادة «دون» قبل «ما يطيقون»، بحار الأنوار: ج 5 ص 41 ح 66.
- 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 205 ح 614، منتقى الجمان: ج 1 ص 372 كلاهما عن معمر بن يحيى، وسائل الشيعة: ج 3 ص 8 ح 4388.
- 4- بحار الأنوار: ج 93 ص 63 نقلاً عن رسالة النعماني.

نماز در شبانه روز».

37. امام صادق علیه السلام: خداوند، بیش از طاقت بندگان بر آنها تکلیف نمی کند. در هر شبانه روز، تنها پنج نماز بر آنان تکلیف کرده است.

38. امام صادق علیه السلام: هنگامی که پنج نماز [واجب] را آوردی، از نماز دیگری مؤاخذه نمی شوی.

7/1: حدود نماز

39. امام علی علیه السلام: حدود نماز، چهار چیز است: شناخت وقت، رو به قبله بودن، رکوع و سجده. اینها بر همه مردم لازم اند-عالم باشند یا جاهل- و نیز هر چه به نماز مربوط است، مانند افعال آن و اذان و اقامه و غیر اینها. چون خداوند دانست که بندگان نمی توانند حق همه این حدود را ادا کنند، تعدادی را واجب ساخت که همان چهار چیز پیش گفته است و آنچه در آن چهار چیز از قرائت و دعا و تسبیح و تکبیر و اذان و اقامه و شبیه اینهاست، سنتی مؤکد قرار داد. هر کس آنها را دوست دارد، به نیکویی انجام می دهد. این، بیان حدود نماز است.

40. بحار الأنوار - به نقل از زراره-: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: حدود بزرگ نماز کدام اند؟

ص: 71

الْوُضوءُ، وَالْوَقْتُ، وَالْقِبْلَةُ، وَتَكْبِيرَةُ الْاِفْتِتَاحِ، وَالرُّكُوعُ، وَالسُّجُودُ، وَالِدُّعَاءُ. (1)

41. الإمام الصادق عليه السلام: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٍ حَدٌّ. (2)

42. فلاح السائل عن رزام مولى خالد بن عبدالله عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: أَخْبِرْنِي عَنِ الصَّلَاةِ وَحُدُودِهَا، فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٍ حَدٌّ لَسْتَ تُؤَاخِذُ بِهَا.

فَقَالَ: أَخْبِرْنِي بِمَا لَا يَحِلُّ تَرْكُهُ وَلَا تَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهِ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا لِذِي طَهْرٍ سَابِغٍ (3)، وَتَمَامٍ بِالْبَيْتِ، غَيْرِ نَازِعٍ (4) وَلَا زَائِعٍ، عَرَفَ فَوْقَ، وَأَخْبَتَ فَتَبَّتْ، وَهُوَ وَاقْفُ بَيْنَ الْيَأْسِ وَالطَّمَعِ، وَالصَّبْرِ وَالْجَزَعِ، كَمَا أَنَّ الْوَعْدَ لَهُ صَبْرٌ، وَالْوَعْدَ بِهِ وَقَعٌ، بِذَلِكَ عَرَضُهُ وَتَمَثَّلَ غَرَضُهُ، وَبَدَلٌ فِي اللَّهِ الْمُهَجَّةَ، وَتَنَكَّبَ إِلَيْهِ الْمَحْجَبَةَ، غَيْرَ مُرْتَعِمٍ بِأَرْغَامٍ، يَقَطُّعُ عِلَاقَتَهُ الْإِهْتِمَامِ، بِعَيْنٍ مَن لَّهُ قَصْدٌ، وَإِلَيْهِ وَقَدٌ، وَمِنْهُ اسْتَرْفَادٌ، فَإِذَا أَتَى بِذَلِكَ كَانَتْ هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي بِهَا امْرُؤٌ، وَعَنْهَا اخْبِرُوا، إِنَّهَا هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (5)

43. الإمام الرضا عليه السلام: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٍ بَابٌ. (6) 1.

ص: 72

- 1- بحار الأنوار: ج 83 ص 163 ح 3 نقلاً عن كتاب العلل لمحمد بن علي بن إبراهيم، الإشراف للمفيد: ص 23 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 98 ح 3116.
- 2- الكافي: ج 3 ص 272 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 242 ح 956، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 249 كلها عن حماد بن عيسى، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 195 ح 599، الإشراف للمفيد: (المطبوعة في مصنفات شيخ المفيد ج 9): ص 22 عن الصادقين عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 47 ص 185 ح 33.
- 3- إسباغ الوضوء: إتمامه وإكماله (مجمع البحرين: ج 2 ص 810 «سبغ»).
- 4- هكذا في المصدر. قال الزبيدي: ومن المجاز: نَزَعَ الغريبُ إلى أهله؛ أي حنَّ واشتاق... يقال: نَزَعَ إليه نزاعاً، ونازعته نفسه إليه (تاج العروس: ج 11 ص 472 «نزع»). وفي بحار الأنوار: «غير نازع»، وقال المجلسي قدس سره: غير نازع: قال الفيروزآبادي: نزغ-كمنعه-: طعن فيه واغتابه. [نزغ] بينهم: أفسد، وأغرى، ووسوس (بحار الأنوار: ج 84 ص 251).
- 5- فلاح السائل: ص 64 ح 2، بحار الأنوار: ج 47 ص 185 ح 33 وراجع فقه الرضا: ص 110.
- 6- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 242 ح 957، الكافي: ج 3 ص 272 ح 956، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 249 كلاهما عن المعصوم عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 195 ح 598، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 255 ح 7 عن زكريا بن آدم، بحار الأنوار: ج 82 ص 303 ح 1.

فرمود: «هفت چیزند: وضو، وقت، قبله، تکبیر آغازین، رکوع، سجده و دعا».

41. امام صادق علیه السلام: نماز، چهار هزار حد دارد.

42. فلاح السائل - به نقل از رزام، از وابستگان خالد بن عبد الله - به امام صادق علیه السلام گفتم:

مرا از نماز و حدودش آگاه کن.

امام صادق فرمود: «نماز، چهار هزار حد دارد که همه آنها را از تو بازخواست نمی کنند».

گفتم: از آنچه نمی توان ترکش کرد و نماز جز به آن کامل نمی شود، باخبرم کن.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نماز کامل نمی شود، مگر برای کسی که طهارتی تمام و اهمتامی کامل دارد، بی وسوسه و انحراف؛ آن که شناخت و درنگ کرد و با خشوع و طمأنینه به نماز ایستاد. او میان امید و ناامیدی و شکیبایی و بی تابی ایستاده، گویی نویدش آماده و بیمش واقع گشته است. دارایی اش را بخشیده و به هدفش اندیشیده، در راه خدا خون داده، به راه او با رضا و بی ناراحتی در آمده، رشته های توجّه به غیر همو را که قصد نموده، گسسته، به سوی خدا شتافته و پاداش او را طلبیده است. پس اگر کسی چنین کرد، همان نمازی است که بدان فرمان یافته و از آن آگاه شده و این نماز است که از کار زشت و ناپسند باز می دارد».

43. امام رضا علیه السلام: نماز، چهار هزار باب (درگاه) (1) دارد. د.

ص: 73

1- به احتمال فراوان مقصود همان مرزها و حدود نماز است که در حدیث شماره 41 به آن اشاره شد.

الكتاب:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَفُرْآنِ الْقُرْآنِ الْفَجْرِ إِنَّ فُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا». (1)

الحديث:

44. الكافي عن زُرارة: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَقُلْتُ: فَهَلْ سَمَّاهُنَّ وَبَيَّنَّهِنَّ فِي كِتَابِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِتَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» وَذُلُوكُهَا زَوَالُهَا، فَفِيهَا بَيْنَ ذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ سَمَّاهُنَّ اللَّهُ وَبَيَّنَّهِنَّ وَوَقَّتَّهِنَّ، وَغَسَقُ اللَّيْلِ هُوَ انْتِصَافُهُ، ثُمَّ قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَ فُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ فُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ.

وقال الله تعالى في ذلك: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ» (2) وَطَرَفَاهُ الْمَغْرِبُ وَالْغَدَاةُ، «وَرُزُلَمًا مِنَ اللَّيْلِ» (3) وَهِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ. وَقَالَ تَعَالَى: «حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى» (4) وَهِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ، وَهِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهِيَ وَسَطُ النَّهَارِ وَوَسَطُ الصَّلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ؛ صَلَاةُ الْغَدَاةِ وَصَلَاةُ الْعَصْرِ. (5)

45. الإمام علي عليه السلام - في كتابه لِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ -: «إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَتَانِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَرَانِي وَقْتِ الصَّلَاةِ حِينَ 3.»

ص: 74

1- الإسراء: 78.

-2

3- 2 و. هود: 114. 4. البقرة: 238.

-4

5- الكافي: ج 3 ص 271 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 241 ح 954، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 195 ح 600، معاني الأخبار: ص 332 ح 5، تفسير العياشي: ج 2 ص 308 ح 136 وليس فيه ذيله من «وقال الله تعالى في ذلك»، بحار الأنوار: ج 82 ص 282 ح 3.

اشاره

قرآن

«نماز را از زوال خورشید تا تاریکی شب بر پا دار و نیز قرائت سپیده دم را، که قرائت سپیده دم مشهود [فرشتگان شب و روز] است».

حدیث

44. الکافی - به نقل از زراره - از امام باقر علیه السلام، نمازهایی را که خدای عز و جل واجب کرده است، پرسیدم.

فرمود: «پنج نماز در شبانه روز».

گفتم: آیا آنها را در قرآن نام برده، بیان کرده و وقتشان را معین نموده است؟

فرمود: «آری. خداوند متعال به پیامبرش فرمود: «نماز را از دَلُوك تا غَسَقِ لَیْلِ، بر پا دار» و "دَلُوك"، همان زوال خورشید (هنگام ظهر) است و "غسق اللیل" یعنی نیمه شب. پس میان این دو وقت، چهار نماز را نام برده، بیان کرده و وقت آنها را تعیین کرده است. سپس خدای -تبارک و تعالی- فرمود: «و نماز صبح، که نماز صبح، مشهود [فرشتگان] است». پس این هم پنجمین نماز. خداوند متعال فرمود: «نماز را در دو طرف روز بر پا دار» و دو طرف روز، همان مغرب و صبح است و فرمود: «نخستین ساعات شب» و آن، نماز عشا است و فرمود: «بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید» که نماز ظهر است؛ نخستین نمازی که پیامبر خدا خواند و آن، میانه روز و بین دو نمازی است که در روز خوانده می شود: نماز صبح و نماز عصر».

45. امام علی علیه السلام - در نامه اش به محمد بن ابی بکر - شخصی وقت های نماز را از پیامبر خدا پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «جبرئیل نزد من آمد و وقت نماز ظهر (زوال خورشید) را به من نشان داد. در این هنگام، آفتاب بر ابروی راستش می تابید، و

زَالَتِ الشَّمْسُ فَكَانَتْ عَلَى حَاجِبِهِ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ أَرَانِي وَقْتَ الْعَصْرِ فَكَانَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ، ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حِينَ غَابَ الشَّفَقُ، ثُمَّ صَلَّى الصُّبْحَ فَأَغْلَسَ (1) بِهَا وَالتُّجُومَ مُسْتَبَكَّةً، فَصَلَّ لَهُذِهِ الْأَوْقَاتِ، وَالرَّمِ الشَّنَّةَ الْمَعْرُوفَةَ وَالطَّرِيقَ الْوَاضِحَةَ. (2)

46. الإمام الحسن عليه السلام: جاء نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ أَعْلَمْتُمْ عَنْ مَسَائِلَ، فَكَانَ مِمَّا سَأَلَهُ أَنَّهُ قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، لِأَيِّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْخَمْسَ الصَّلَوَاتِ فِي خَمْسِ مَوَاقِيتَ عَلَى أُمَّتِكَ فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الشَّمْسَ عِنْدَ الزَّوَالِ لَهَا حَلَقَةٌ تَدْخُلُ فِيهَا، فَإِذَا دَخَلَتْ فِيهَا زَالَتِ الشَّمْسُ، فَيَسَدُّ بِحُكْمِ كُلِّ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ بِحَمْدِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ، وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُصَلِّي عَلَيَّ فِيهَا رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ، فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ وَعَلَى أُمَّتِي فِيهَا الصَّلَاةَ، وَقَالَ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ (3) الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»....

وَأَمَّا صَلَاةُ الْعَصْرِ فَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أَكَلَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا مِنَ الشَّجَرَةِ فَأَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُرِّيَّتَهُ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَاخْتَارَهَا لِأُمَّتِي فَهِيَ مِنْ أَحَبِّ الصَّلَوَاتِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَوْصَانِي أَنْ أَحْفَظَهَا مِنْ بَيْنِ الصَّلَوَاتِ.

وَأَمَّا صَلَاةُ الْمَغْرِبِ فَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَانَ بَيْنَ مَا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَبَيْنَ مَا تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ ثَلَاثُمِئَةِ سَنَةٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا، وَفِي أَيَّامِ الْآخِرَةِ يَوْمٌ كَأَلْفِ سَنَةٍ، مَا بَيْنَ الْعَصْرِ إِلَى الْعِشَاءِ، وَصَلَّى آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ: رَكَعَةً لِحَظِيئَتِهِ، وَرَكَعَةً لِحَظِيئَةِ حَوَاءَ، وَرَكَعَةً لِتَوْبَتِهِ، فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الثَّلَاثَ.

ص: 76

1- العَلْسُ: ظُلْمَةٌ آخِرَ اللَّيْلِ إِذَا اخْتَلَطَتْ بِضَوْءِ الصَّبَاحِ (النهاية: ج 2 ص 377 «غلس»).

2- الأَمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص 30 ح 31، الأَمَالِي لِلْمَفِيدِ: ص 267 ح 3 كلاهما عن أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ، الْغَارَاتِ: ج 1 ص 246 نحوه، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 77 ص 390 ح 11؛ شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ لِابْنِ مَيْثَمٍ: ج 4 ص 429 وَرَاجِعِ الْمَوْطَأِ: ج 1 ص 6 وَسِنَنِ النَّسَائِيِّ: ج 1 ص 255.

3- ذُلُوكُ الشَّمْسِ: مَيْلُهَا لِلْغُرُوبِ (مفردات الفاظ القرآن: ص 317 «دلك»).

وقت [نماز] عصر را نشان داد که سایه هر چیز به اندازه خودش بود، و نماز مغرب را هنگام غروب خورشید خواند. سپس هنگامی که شفق ناپدید شد، نماز عشا را گزارد و نماز صبح را در تاریکی پایان شب، در حالی که هنوز ستاره ها فراوان بودند، خواند. پس در این وقت ها نماز بخوان و پیوسته با سنت شناخته شده، همراه و در راه روشن [شریعت] باش.».

46. امام حسن علیه السلام: چند تن از یهودیان نزد پیامبر آمدند و داناترین آنها، پرسش هایی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید. یکی از پرسش ها این بود: به من بگو: چرا خداوند، این پنج نماز را در پنج وقت بر امت در ساعاتی از شب و روز، واجب کرده است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خورشید هنگام زوال، حلقه ای دارد که داخل آن می شود و چون وارد آن می شود، خورشید زوال می یابد و هر چیز که پایین تر از عرش است، با حمد به تسبیح پروردگار - که جلالش با شش کوه باد - می پردازد و آن، لحظه ای است که پروردگار جلیل و بزرگم بر من درود می فرستد. پس خداوند بر من و بر امتم، در این لحظه نماز را واجب کرد و فرمود: «نماز را از زوال خورشید تا فراگیر شدن شب به پا دار»....

اما نماز عصر، ساعتی است که آدم علیه السلام از درخت منع شده خورد و خدای عز و جل او را از بهشت بیرون کرد. خدای عز و جل به فرزندان آدم فرمان داد تا این نماز را تا روز قیامت بخوانند و آن را برای امتم برگزید، که آن از محبوب ترین نمازها نزد خداوند است و به من سفارش کرد که در میان نمازها، محافظت بیشتری از آن بکنم.

اما نماز مغرب، لحظه ای است که خداوند به آدم علیه السلام توجّهی دوباره کرد و میان خوردن آدم از درخت منع شده و توجّه دوباره خدا به او، سیصد سال دنیایی فاصله بود و بر مبنای روزهای آخرت که روزی دارد که فاصله عصر تا عشا، مانند هزار سال است، و آدم سه رکعت نماز خواند: يك رکعت برای خطایش، يك رکعت برای خطای حوّا و يك رکعت هم برای توبه اش. خداوند هم این سه رکعت را بر امتم

رَكَعَاتٍ عَلَى أُمَّتِي، وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ، فَوَعَدَنِي رَبِّي عِزُّ وَجَلُّ أَنْ يَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَا فِيهَا، وَهِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي أَمَرَنِي رَبِّي بِهَا فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

«فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ» (1).

وَأَمَّا صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنَّ لِلْقَبْرِ ظُلْمَةً وَلِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ظُلْمَةً، أَمَرَنِي رَبِّي عِزُّ وَجَلُّ وَأُمَّتِي بِهَذِهِ الصَّلَاةِ لِتُنَوِّرَ الْقَبْرَ، وَلِيُعْطِيَنِي وَأُمَّتِي النُّورَ عَلَى الصِّرَاطِ، وَمَا مِنْ قَدَمٍ مَشَتْ إِلَى صَلَاةِ الْعَتَمَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عِزُّ وَجَلُّ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ، وَهِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ تَعَالَى وَتَقَدَّسَ ذِكْرُهَا لِلْمُرْسَلِينَ قَبْلِي.

وَأَمَّا صَلَاةُ الْفَجْرِ فَإِنَّ الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَطْلُعُ عَلَى قَرْنِي الشَّيْطَانِ، فَأَمَرَنِي رَبِّي عِزُّ وَجَلُّ أَنْ أَصَلِّيَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ صَلَاةَ الْغَدَاةِ وَقَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ لَهَا الْكَافِرُ لِتَسْجُدَ أُمَّتِي لِلَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَسُرْعَتُهَا أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عِزُّ وَجَلُّ، وَهِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي تَشْهَدُهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ. (2)

47. الإمام الصادق عليه السلام: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَنْشَقُّ الْفَجْرُ إِلَى أَنْ يَتَجَلَّلَ الصَّبْحُ السَّمَاءَ، وَلَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمْدًا، لَكِنَّهُ وَقْتُ لِمَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ نَامَ. (3)

48. عنه عليه السلام: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَبْدُو حَتَّى يُضِيءَ. (4) 9.

ص: 78

1- الروم: 17.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 211 ح 643، علل الشرائع: ص 337 ح 1، فلاح السائل: ص 232 ح 131 كلاهما عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه، المحاسن: ج 2 ص 43 ح 1134 عن الحسين بن أبي العلاء عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، الاختصاص: ص 35 عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام الحسين عليهم السلام والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 9 ص 295 ح 5.

3- الكافي: ج 3 ص 283 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 38 ح 121، منتهى المطلب: ج 4 ص 91 كلّها عن الحلبي، منتقى الجمال: ج 1 ص 391 عن عبد الله بن سنان، وسائل الشيعة: ج 3 ص 151 ح 4931.

4- الكافي: ج 3 ص 283 ح 4 و ص 279 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 32 ح 95 و ص 36 ح 112 كلّها عن يزيد بن خليفة، وسائل الشيعة: ج 3 ص 114 ح 4789 وراجع دعائم الإسلام: ج 1 ص 139.

واجب کرد و آن ساعتی است که دعا در آن مستجاب می شود و پروردگرم به من وعده داده است که هر کس او را در آن ساعت بخواند، پاسخش می گوید و آن، همان نمازی است که پروردگرم-تبارک و تعالی- در این سخن به آن فرمان داده است: «خدا را تسبیح گوید هنگامی که به شب در می آید و هنگامی که صبح می کنید».

اما نماز عشا، قبر تاریکی دارد و روز قیامت نیز تاریک است. پروردگرم عز و جل، به این نماز فرمان داد تا قبر را روشن کند و به من و امتم در گذار از صراط، نور عطا فرماید. هیچ گامی به سوی نماز عشا برداشته نمی شود، مگر این که خداوند، آن قدم را بر آتش حرام می کند. نماز عشا، همان نمازی است که خداوند متعال و پاک، بر فرستادگان پیش از من برگزید.

اما نماز فجر، خورشید، هر گاه طلوع می کند، بر دو شاخ شیطان می تابد.

پروردگرم عز و جل به من فرمان داد تا پیش از تابیدن خورشید، نماز صبح بخوانم، و پیش از آن که کافر به خورشید سجده برد، امت من به خداوند عز و جل سجده کند، و شتاب به آن، برای خداوند عز و جل، محبوب تر است. این، همان نمازی است که فرشتگان شب و فرشتگان روز، شاهد آن هستند».

47. امام صادق علیه السلام: وقت [نماز] صبح، از دمیدن سپیده است تا آن که روشنی صبح، آسمان را فرا بگیرد و سزاوار نیست عمداً از این وقت به تأخیر انداخته شود؛ ولی پس از آن [تا دمیدن آفتاب]، وقت کسانی است که سرگرم چیزی شده یا فراموش کرده و یا خواب مانده اند.

48. امام صادق علیه السلام: وقت نماز صبح، از ظهور سپیده تا روشنی کامل [هوا] است.

49. الكافي عن إسحاق بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ؟

فَقَالَ: مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» يَعْنِي صَلَاةَ الْفَجْرِ، تَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ، فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ الصُّبْحَ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ اثْبَتَ لَهُ مَرَّتَيْنِ، أَثْبَتَهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ. (1)

50. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ حَتَّى يَمِضِيَ مِقْدَارُ مَا صَلَّى الْمُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَإِذَا مَضَى ذَلِكَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ حَتَّى يَبْقَى مِنَ الشَّمْسِ مِقْدَارُ مَا يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَإِذَا بَقِيَ مِقْدَارُ ذَلِكَ فَقَدْ خَرَجَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَبَقِيَ وَقْتُ الْعَصْرِ حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ. (2)

51. الكافي عن ذريح المَحَارِبِيِّ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَتَى أَصَلِّي الظُّهْرَ؟ فَقَالَ: صَلِّ الزَّوَالَ ثَمَانِيَةً ثُمَّ صَلِّ الظُّهْرَ، ثُمَّ صَلِّ سُبْحَتَكَ (3) طَالَتْ أَوْ قَصُرَتْ، ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ. (4)

52. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَلَيْسَ يَمْنَعُ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ إِلَّا قِضَاءُ النَّافِلَةِ السُّبْحَةِ الَّتِي أَتَتْ بَعْدَ الظُّهْرِ وَقَبْلَ الْعَصْرِ، فَإِنْ شَاءَ طَوَّلَ إِلَى أَنْ يَمِضِيَ قَدَمَانِ، وَإِنْ شَاءَ قَصَّرَ. (5) 2.

ص: 80

1- الكافي: ج 3 ص 283 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 37 ح 67، ثواب الأعمال: ص 57 ح 1، علل الشرائع: ص 336 ح 1، منتقى الجمان: ج 1 ص 438، بحار الأنوار: ج 5 ص 321 ح 2.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 25 ح 70، فقه الرضا: ص 74 عن المعصوم عليه السلام نحوه، عوالي اللآلي: ج 2 ص 25 ح 57، منتقى الجمان: ج 1 ص 407، السرائر: ج 1 ص 195 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 358.

3- سَدَّ بَحْتُ اللَّهُ: أَي نَزَّهُتَهُ عَمَّا يَقُولُ الْجَاهِدُونَ، وَيَكُونُ بِمَعْنَى الذِّكْرِ وَالصَّلَاةِ. يُقَالُ: ... هُوَ يُسَبِّحُ: أَي يَصَلِّي السُّبْحَةَ فَرِيضَةً كَانَتْ أَوْ نَافِلَةً (المصباح المنير: ص 262 «سبح»).

4- الكافي: ج 3 ص 276 ح 3، منتقى الجمان: ج 1 ص 423، وسائل الشيعة: ج 3 ص 96 ح 4715.

5- دعائم الإسلام: ج 1 ص 137، تفسير العياشي: ج 2 ص 308 ح 137 عن زرارة، فقه الرضا: ص 72 من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 45 ح 22.

49. الکافی - به نقل از اسحاق بن عمار - به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از بهترین وقت نماز صبح باخبر کن.

فرمود: «همزمان با سپیده دم. خدای عز و جل می فرماید: «و قرائت سپیده دم، که قرائت سپیده دم، مشهود [همگان] است». مقصود از "قرائت"، خواندن نماز صبح است که فرشتگان شب و روز، آن را مشاهده می کنند. و چون بنده، نماز صبح را هم زمان با سپیده دم بخواند، فرشتگان شب و فرشتگان روز، [هر دو دسته]، عمل او را می نویسند».

50. امام صادق علیه السلام: هنگامی که خورشید زوال می یابد، وقت [نماز] ظهر رسیده است تا این که به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد. پس از آن، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است تا به اندازه خواندن چهار رکعت نماز از خورشید بماند، که در این هنگام، وقت نماز ظهر پایان می پذیرد و وقت نماز عصر باقی می ماند تا خورشید ناپدید شود.

51. الکافی - به نقل از ذریح مُحاربی - به امام صادق علیه السلام گفتم: نماز ظهر را کی بخوانم؟

فرمود: «هنگام زوال خورشید، هشت رکعت نماز [نافله] بخوان و سپس ظهر را بخوان، و آن گاه نمازهایت را بخوان، طول بکشد یا کوتاه شود. سپس نماز عصر را بخوان».

52. امام صادق علیه السلام: هنگامی که خورشید زوال می یابد، وقت هر دو نماز ظهر و عصر، فرا رسیده است و پس از خواندن نماز ظهر، چیزی از نماز عصر باز نمی دارد، جز قضای نافله ای که بعد از ظهر و قبل از عصر می خوانی. اگر خواست این فاصله را طول دهد تا [سایه شاخص] به اندازه دو گام برسد، (1) و اگر خواست، کوتاه کند. د.

ص: 81

1- یعنی دو برابر شود.

53. الإمام الصادق عليه السلام: وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَغَابَ قُرْصُهَا. (1)

54. عنه عليه السلام: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ، إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ، وَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ، إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ. (2)

55. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ مِنَ الْأَشْيَاءِ أَشْيَاءَ مُوسَّعَةً وَأَشْيَاءَ مُضَيِّقَةً، فَالصَّلَاةُ مِمَّا وَسَّعَ فِيهِ؛ تُقَدَّمُ مَرَّةً وَتُؤَخَّرُ أُخْرَى، وَالْجُمُعَةُ مِمَّا ضَيَّقَ فِيهَا فَإِنَّ وَقْتُهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ تَزُولُ، وَوَقْتُ الْعَصْرِ فِيهَا وَقْتُ الظُّهْرِ فِي غَيْرِهَا. (3) 9.

ص: 82

1- الكافي: ج 3 ص 280 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 28 ح 81، منتقى الجمان: ج 1 ص 387 كلُّها عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 218 ح 655 عن الإمام الباقر عليه السلام، علل الشرائع: ص 349 ح 1 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 50 ح 5.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 27 ح 78، الكافي: ج 3 ص 276 ح 5 وفيه ذيله و ص 281 ح 12 وفيه صدره، مجمع البيان: ج 6 ص 670 نحوه، منتقى الجمان: ج 1 ص 415 كلُّها عن عبيد بن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 216 ح 648 عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، وسائل الشيعة: ج 3 ص 132 ح 4848.

3- الكافي: ج 3 ص 274 ح 2 عن فضيل بن يسار، وسائل الشيعة: ج 3 ص 100 ح 4729.

53. امام صادق علیه السلام: وقت نماز مغرب، هنگام غروب خورشید است؛ وقتی که قرص آن ناپیدا شود.

54. امام صادق علیه السلام: هنگامی که خورشید غروب می کند، وقت هر دو نماز فرا می رسد و تا نیمه شب می باید، جز آن که مغرب قبل از عشا است، و هنگامی که خورشید زوال می یابد، وقت هر دو نماز فرا می رسد، جز این که ظهر قبل از عصر است.

55. امام باقر علیه السلام: برخی چیزها، وقت فراخی دارند و برخی چیزها وقتشان تنگ است.

نماز از چیزهای فراخ است و گاه مقدم می شود و گاه مؤخر. و نماز جمعه از چیزهایی است که وقتشان تنگ است؛ زیرا وقت آن، لحظه زوال خورشید در روز جمعه است، و وقت نماز عصر در آن روز، همانند وقت نماز ظهر در روزهای دیگر است.

سخنی در باره اوقات نمازهای پنجگانه (1)

نمازهای پنجگانه شبانه روزی، اوقات خاصی دارند که در آن وقت خاص، به تیت ادا و خارج از آن، به تیت قضا انجام می شوند.

قرآن کریم به صورت اجمالی به این زمان ها اشاره نموده است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آنها را به تفصیل بیان کرده اند. این زمان ها بر پایه پدیده ها و وقایع طبیعی همیشگی و قابل مشاهده در هر شبانه روز (مانند طلوع و غروب خورشید) تنظیم شده و به جز ساعاتی از طلوع آفتاب تا ظهر که به طور ویژه فرصت کار و تلاش است، (2) در بقیه اوقات شبانه روز، توزیع شده اند.

از جمله آیات، آیه سوره اسراست که اشاره روشنی به نمازهای پنج گانه دارد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (3) از اول زوال خورشید (از نیمه آسمان) تا نهایت تاریکی شب (نیمه آن) نماز را برپا دار و بویژه نماز بامداد را، که خواندن نماز بامداد در دید و حضور [فرشتگان شب و روز] است».

آیه سوره هود: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ...» (4) نیز با عبارت «طرفی النهار

ص: 85

1- این بیان توسط استاد ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی نگارش یافته است.

2- ر.ك: علل الشرائع: ص 263.

3- اسرا: آیه 78.

4- هود: آیه 114.

(دو سوی روز)، به نماز صبح و مغرب و با عبارت «وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ (پاسی از شب)» به نماز عشا اشاره دارد.

افزون بر این، مطابق روایات، آیه «حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» (1) ناظر به نماز ظهر و یا عصر است که میان نمازهای روز در دو سوی آن، واقع شده اند و وقت آنها نیز میانه روز است. (2)

از سوی دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز به تعلیم الهی، آغاز و انجام وقت هر نماز را بیان و سپس با سیره و عمل خود، آن را بیشتر تبیین نمود. (3)

اهل بیت علیهم السلام نیز نشانه های گوناگونی مانند: روشن شدن و گسترده شدن نور سپیده دم و یا به حدّ اقل رسیدن سایه در نیم روز را ابراز داشته اند.

این زمان ها با بیان های گوناگونی ابراز شده اند تا رعایت آنها امکان پذیر و عملی باشد و همگی آنها متناسب با حرکت خورشید و ظهور و وقوع پدیده های طبیعی و شبانه روزی هستند و برای بیشتر مردم، قابل رؤیت و رعایت هستند. برای نمونه وقت نماز صبح، از طلوع سپیده تا طلوع خورشید است (4) و وقت نماز ظهر از نیم روز (هنگامی که خورشید به وسط آسمان و سایه هر چیز به حدّ اقل می رسد) آغاز می شود و تا غروب آفتاب امتداد می یابد (5) و بلافاصله وقت نماز مغرب آغاز می شود و تا نیمه شب ادامه می یابد. (6)

در این میان، اختلاف اساسی مهمی میان مسلمانان به چشم نمی آید. تنها در وقت نماز عصر و عشا، بیشتر شیعیان، وقت آن دو را با ظهر و مغرب مشترك می دانند؛ اما 0.

ص: 86

1- بقره: آیه 238.

2- ر.ك: ح 44.

3- ر.ك: ح 45.

4- ر.ك: جواهر الکلام: ج 7 ص 96 باب «بیان وقت صلاة الفجر».

5- ر.ك: جواهر الکلام: ج 7 ص 74 باب «تعیین وقت الظهر و العصر».

6- ر.ك: جواهر الکلام: ج 7 ص 160.

اهل سنت، آغاز وقت نماز عصر را پس از گذشت مدتی معین شده از وقت ظهر و آغاز وقت نماز عشا را پس از پایان یافتن سرخی مغرب می دانند. (1) شیعه، این دو وقت را وقت فضیلت و نه وقت اختصاصی دو نماز ظهر و مغرب می داند. (2)

گفتنی است در این اوقات بجز نماز عصر و عشا، وقت برتر، بخشی از زمان آغازین است که به آن، «وقت فضیلت» گفته می شود (3) و مستحب مؤکد است که نمازگزار، نمازش را در همین محدوده زمانی آغازین بخواند، هر چند مجاز است که آن را تا آخر وقتش به تأخیر اندازد. (4)

برای هر يك از نمازهای واجب پنجگانه، نمازهایی نافله هم سفارش شده است که وقت نافله صبح، از اندکی پیش از فجر تا پدیدار شدن سرخی طلوع آفتاب (5) و نافله ظهر و عصر، نیز پیش از آن دو و به گاه اشتغالات ضروری، تقریباً همه روز است. (6)

وقت نماز نافله مغرب، پس از ادای آن تا زمان از میان رفتن حُمرة مغربیه (سرخی غروب) (7) و نافله عشا نیز پس از آن، تا نیمه شب، امتداد دارد. (8) 0.

ص: 87

1- ر.ك: المجموع، نووی: ج 3 ص 24-43 و المحلّی، ابن حزم: ج 3 ص 163-170.

2- ر.ك: الدروس الشرعية: ج 1 ص 139.

3- وقت فضیلت نماز صبح تا روشن شدن هوا و پدیدار شدن سرخی آفتاب است و وقت فضیلت ظهر تا برابر شدن سایه هر چیزی با آن یا دو ذراع و یا چهار قدم شدن طول آن است و وقت فضیلت عصر تا دو برابر شدن سایه، نسبت به طول آن است و وقت فضیلت مغرب، ناپدید شدن سرخی آسمان در سمت مغرب است و فضیلت عشا تا گذشتن يك چهارم از شب است (الدروس الشرعية: ج 1 ص 139).

4- ر.ك: جواهر الكلام: ج 7 ص 167.

5- بنا به نظر بسیاری از فقیهان، افزون بر این مدت، کسی که نماز شب می خواند، می تواند پس از آن، نافله صبح را ادا کند، هر چند نیمه شب باشد (ر.ك: تحریر الوسيلة: ج 1 ص 136، منهاج الصالحین: ج 1 ص 133).

6- ر.ك: الدروس الشرعية: ج 1 ص 140.

7- ر.ك: جواهر الكلام: ج 7 ص 186.

8- ر.ك: جواهر الكلام: ج 7 ص 190.

56. الخصال عن أبي ذر: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ: خَيْرُ مَوْضُوعٍ، فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَمَنْ شَاءَ أَكْثَرَ. (1)

57. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْتَرِضُ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ التَّوْحِيدِ وَالصَّلَاةِ، وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَاقْتَرَضَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ؛ مِنْهُمْ رَاكِعٌ وَسَاجِدٌ. (2)

58. عنه صلى الله عليه وآله -في كلامه لبعض أصحابه-: عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْعِبَادِ؛ لِأَنَّ الصَّلَاةَ رَأْسُ الدِّينِ وَعَمُودُهُ، وَذِرْوَةٌ سَنَامِهِ (3). (4) 9.

ص: 88

-
- 1- الخصال: ص 523 ح 13، معاني الأخبار: ص 333 ح 1، الأمل للطوسي: ص 539 ح 1162، بحار الأنوار: ج 77 ص 70 ح 1؛ مسند ابن حنبل: ج 8 ص 130 ح 21602 نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 653 ح 4166، كنز العمال: ج 16 ص 131 ح 44158.
 - 2- الفردوس: ج 1 ص 165 ح 610 عن أبي سعيد، كنز العمال: ج 7 ص 313 ح 19038.
 - 3- ذرى الشيء: أعاليه، الواحدة ذروة؛ وهي أعلى السنام (الصحاح: ج 6 ص 2345 «ذرا»). وخصها بالذكر لأنها أطيب لحم الإبل عندهم.
 - 4- التحصين لابن فهد: ص 20 ح 39 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 92 ح 3099.

56. الخصال - به نقل از ابو ذر - : به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتم: شما مرا به نماز امر کردی. نماز چیست؟

فرمود: «بهترین دستور وضع شده است. هر که می خواهد، کم و هر که خواهد، زیاد بخواند».

57. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل چیزی برتر از توحید و نماز، واجب نکرده است و اگر چیزی برتر از آن بود، آن را بر فرشتگان واجب می کرد، که برخی از آنها به رکوع و برخی به سجودند.

58. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به یکی از یارانش - : مراقب نمازت باش که آن، برترین عمل بندگان است؛ زیرا نماز، اساس دین، ستون آن و تارک آن است.

59. عنه صلى الله عليه وآله: نَجَّوْا أَنْفُسَكُمْ، اِعْمَلُوا، وَخَيْرُ أَعْمَالِكُمُ الصَّلَاةُ. (1)

60. المعجم الكبير عن أبي امامة: جاء رجلٌ من الأنصارِ إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله... فَقَالَ:

زَرَعَ فَلَانٌ زَرْعًا فَأَضْعَفَ-أَوْ كَمَا قَالَ-فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمَا ذَاكَ! رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا. (2)

61. الزهد لابن المبارك عن أبي هريرة: مرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى قَبْرِ دُفْنٍ حَدِيثًا، فَقَالَ: رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ مِمَّا تُحَقَّرُونَ وَتَتَفَلَّوْنَ يَزِيدُهُمَا هَذَا فِي عَمَلِهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ بَقِيَّةِ دُنْيَاكُمْ. (3)

62. رسول الله صلى الله عليه وآله: الرِّبَاطُ أَفْضَلُ الرِّبَاطِ الصَّلَاةُ بَعْدَ الصَّلَاةِ، وَلِزُومِ مَجَالِسِ الذِّكْرِ مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي ثُمَّ يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهِ، إِلَّا صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُحْدِثَ. (4)

63. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو: إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ، ثُمَّ قَالَ: (ثُمَّ) مَه؟ قَالَ: الصَّلَاةُ، ثُمَّ قَالَ: (ثُمَّ) مَه؟ قَالَ: الصَّلَاةُ-ثَلَاثَ مَرَّاتٍ-.

قَالَ: فَلَمَّا غَلَبَ عَلَيْهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (5)4.

ص: 90

- 1- الجعفریات: ص 34 عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 133 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 7 ص 97؛ الموطأ: ج 1 ص 34 ح 36، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 323 ح 22441 عن ثوبان، الاستذكار: ج 1 ص 209 ح 58 وفيها ذيله، كنز العمال: ج 15 ص 869 ح 43458.
- 2- المعجم الكبير: ج 8 ص 209 ح 7843، مجمع الزوائد: ج 2 ص 529 ح 3546.
- 3- الزهد لابن المبارك: ص 10 ح 31، المعجم الأوسط: ج 1 ص 282 ح 920، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 196 الرقم 1445، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 279 ح 3 من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام كلّها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 775 ح 21357 وراجع المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 187 ح 4.
- 4- المصنّف لعبد الرزاق: ج 1 ص 521 ح 1994، مسند الطيالسي: ص 328 ح 2510 نحوه وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 286 ح 18902.
- 5- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 580 ح 6613، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 8 ح 1722، فتح الباري: ج 6 ص 141، موارد الظمآن: ص 87 ح 258 كلّها نحوه، سبل الهدى والرشاد: ج 9 ص 241، مجمع الزوائد: ج 2 ص 38 ح 1674.

59. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خود را نجات دهید! عمل کنید و بهترین عمل هایتان، نماز است.

60. المعجم الكبير - به نقل از ابو امامه -: مردی انصاری خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید... و گفت: فلانی زراعت کرده و محصولش دو برابر شده است یا شبیه چنین چیزی.

فرمود: «چه می گویی؟ دو رکعت نماز مختصر، از همه این و از دنیا و آنچه در آن است، برای تو، بهتر است».

61. الزهد، ابن مبارک - به نقل از ابو هریره -: پیامبر صلی الله علیه و آله بر قبر شخصی تازه دفن شده گذشت و فرمود: «اگر این شخص بتواند دو رکعت نماز مختصر از همانها که اندک و مستحب می شمرد، بر اعمالش بیفزاید، برایش محبوب تر از بقیه دنیایان است».

62. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین مرزداری، نماز پس از نماز است و نیز همراه شدن با مجلس های ذکر خدا. هیچ بنده ای نماز نمی خواند و پس از آن در جایش نمی نشیند، جز آن که فرشتگان بر او درود می فرستند تا آن گاه که خطایی کند.

63. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمرو -: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از برترین کارها پرسید؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نماز».

مرد گفت: دیگر چه؟

فرمود: «نماز».

باز گفت: دیگر چه؟

فرمود: «نماز» (تا سه بار).

پس از آن که وی بر پرسش خود پای فشرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پیکار در راه خدا».

64. الإمام علي عليه السلام: إن أفضَلَ ما يَتَوَسَّلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ: الْإِيْمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ؛ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ (1). (2)

65. عنه عليه السلام -في وصيَّته-: اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، إِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ. (3)

66. الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ الصَّلَاةِ، وَهِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (4)

67. عنه عليه السلام: إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ، وَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ يَعْدِلُ الصَّلَاةَ؛ فَمِنْ ثَمَّ نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ. (5)

68. الكافي عن معاوية بن وهب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ مَا هُوَ؟

فَقَالَ: مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ، أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (6). (7).

ص: 92

- 1- المِلَّةُ: الدين (النهاية: ج 4 ص 360 «ملل»).
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 205 ح 613، نهج البلاغة: الخطبة 110 نحوه، الزهد للحسين بن سعيد: ص 73 ح 27 بزيادة «إلى الله تعالى» بعد «المتوسلون»، بحار الأنوار: ج 69 ص 386 ح 51: البداية والنهاية: ج 7 ص 308 عن عيسى بن دآب، المعيار والموازنة: ص 281 كلاهما نحوه.
- 3- الكافي: ج 7 ص 52 ح 7 عن عبد الرحمن بن الحجّاج عن الإمام الكاظم عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 177 ح 714، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 190 ح 433 كلاهما عن سليم بن قيس الهلالي، تحف العقول: ص 198، روضة الواعظين: ص 152، بحار الأنوار: ج 42 ص 249 ح 51 وراجع المعجم الكبير: ج 1 ص 101 وتاريخ الطبري: ج 5 ص 148.
- 4- الكافي: ج 3 ص 264 ح 2 عن زيد الشحام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 210 ح 638، دعائم الإسلام: ج 1 ص 136، وسائل الشيعة: ج 3 ص 26 ح 4452 وراجع الخصال: ص 185 ح 256.
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 208 ح 623، تفسير العياشي: ج 1 ص 173 ح 46 عن حسين بن أحمد عن أبيه، بحار الأنوار: ج 14 ص 185 ح 35.
- 6- مريم: 31.
- 7- الكافي: ج 3 ص 264 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 236 ح 932 وفيه صدره إلى (من هذه الصلاة)، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 210 ح 634، الأربعون حديثاً للشهيد الأول: ص 80 ح 47، عوالي اللآلي: ج 1 ص 318 ح 46 وليس فيه ذيله من «الآ ترى»، بحار الأنوار: ج 82 ص 225 ح 50.

64. امام علی علیه السلام: برترین وسیله ای که متوسلان بدان چنگ می زنند، ایمان به خدا و پیامبرش، پیکار در راه خدا و کلمهٔ اخلاص است که در فطرت آدمی است، و خواندن نماز که [اساس] دین است.

65. امام علی علیه السلام - در وصیت خویش - : خدا را، خدا را، در بارهٔ نماز، که بهترین کار و ستون دین شماست!

66. امام صادق علیه السلام: محبوب ترین کارها نزد خدای عز و جل، نماز است و آن، آخرین سفارش همهٔ پیامبران است.

67. امام صادق علیه السلام: فرمان برداری خدای عز و جل، خدمت به او در زمین است و هیچ خدمتی برابر با نماز نیست. از این روست که فرشتگان، زکریا را در حالی ندا دادند که در محراب به نماز ایستاده بود.

68. الکافی - به نقل از معاویه بن وهب - : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: برترین وسیلهٔ تقرب بندگان به خدایشان و محبوب ترین آن نزد خدا چیست؟

فرمود: «پس از معرفت، برتر از این نماز، چیزی نمی شناسم. نمی بینی که بندهٔ شایستهٔ خدا، عیسی بن مریم علیه السلام، گفت: «خدا مرا تا زنده ام، به نماز و زکات سفارش کرده است»».

69. الإمام الصادق عليه السلام: وَعَظَ لِقَمَانُ لِابْنِهِ... لَا تَصُمْ صَوْمًا يَمْنَعُكَ مِنَ الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّ الصَّلَاةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الصِّيَامِ. (1)

70. عنه عليه السلام: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْحَجِّ إِلَّا الصَّلَاةُ. (2)

2/2 مَأْذِبَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

71. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ الصَّلَاةَ مَأْذِبَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، قَدْ هَنَّاها لِأَهْلِ رَحْمَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ. (3)

3/2 قُرَّةُ عَيْنِ النَّبِيِّ (ص) وَأُمَّتِهِ

72. رسول الله صلى الله عليه وآله: جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ. (4)

73. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبَّبَهَا إِلَيَّ كَمَا حُبَّبَ إِلَى الْجَائِعِيِّ.

ص: 94

1- تفسير القمي: ج 2 ص 163 عن حماد، قصص الأنبياء للراوندي: ص 190 ح 238 عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عليه

السلام وفيه «أعظم عند» بدل «أحب إلى»، بحار الأنوار: ج 13 ص 411 ح 2.

2- الكافي: ج 4 ص 253 ح 7، علل الشرائع: ص 457 ح 2 بزيادة «في الحج» بعد «الصلاة»، تفسير العياشي: ج 2 ص 254 ح 5، منتقى

الجمان: ج 3 ص 16 كلها عن عبد الله بن يحيى الكاهلي، بحار الأنوار: ج 99 ص 12 ح 36.

3- مستدرک الوسائل: ج 3 ص 16 ح 2899 و ص 91 ح 3094 وفيه «هياها» بدل «هنأها» وكلاهما نقلأعن الراوندي في لب اللباب.

4- الكافي: ج 5 ص 321 ح 7 عن بكار بن كردم عن الإمام الصادق عليه السلام و ح 9 عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام

عنه صلى الله عليه وآله، الخصال: ص 165 ح 218 عن أنس بن مالك، بحار الأنوار: ج 16 ص 249؛ سنن النسائي: ج 7 ص 61، مسند ابن

حنبل: ج 4 ص 256 ح 12295 كلاهما عن أنس بن مالك، كنز العمال: ج 7 ص 287 ح 18912 نقلأ عن المعجم الكبير للطبراني.

69. امام صادق علیه السلام: از سفارش های لقمان به پسرش این بود: روزه ای که تو را از نماز باز می دارد، نگیر؛ چون نزد خدا، نماز، محبوب تر از روزه است.

70. امام صادق علیه السلام: هان! چیزی برتر از حج نیست جز نماز.

2/2: سفره مهمانی خدا

71. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که نماز، سفره مهمانی خداوند در زمین است که آن را برای شایستگان رحمتش، پنج مرتبه در هر روز، پهن می کند.

3/2: روشنی چشم پیامبر (ص) و آتش

72. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روشنی چشم من، در نماز نهاده شده است.

73. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، روشنی چشم مرا در نماز نهاده و آن را محبوب من ساخته، همان گونه که خوراک برای گرسنه و آب برای تشنه گوارا گشته است. همانا

ص: 95

الطَّعَامُ، وَإِلَى الظَّمَانِ المَاءُ؛ فَإِنَّ الجَانِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَإِذَا شَرِبَ المَاءَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ. (1)

74. تاريخ بغداد عن أنس: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْدَةً يُصَدِّ لِي، فَإِذَا امْرَأَةٌ تُصَدِّ لِي بِصَلَاتِهِ، فَلَمَّا أَحَسَّ بِهَا التَّفَتَّ إِلَيْهَا فَقَالَ لَهَا: اضْطَجِعِي إِنْ شِئْتِ. فَقَالَتْ: إِنِّي أَجِدُ نَشَاطًا.

ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى، فَالتَفَتَتْ إِلَيْهَا الثَّانِيَةَ فَقَالَ لَهَا مِثْلَ ذَلِكَ. ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى فَالتَفَتَتْ إِلَيْهَا الثَّالِثَةَ فَقَالَ لَهَا: اضْطَجِعِي إِنْ شِئْتِ. فَقَالَتْ: إِنِّي أَجِدُ نَشَاطًا.

فَقَالَ: إِنَّكَ لَسْتِ مِثْلِي، إِنَّمَا جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ. (2)

75. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ لِي جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قَدْ حُبَّبَ إِلَيْكَ الصَّلَاةَ، فَخُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ. (3)

76. عنه صلى الله عليه وآله - لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الآيَةُ: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ» (4) - ما أَحَبُّ أَنْ لِي بِهَا مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ.

(5)

77. الإمام عليّ عليه السلام: المُوْمِنُ يَكُونُ... مُشْغُولًا بِعُيُوبِ نَفْسِهِ، فَارِغًا عَنِ عُيُوبِ غَيْرِهِ، الصَّلَاةُ قُرَّةُ عَيْنِهِ. (6) 5.

ص: 96

1- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص 528، مَكَارِمُ الأَخْلَاقِ: ج 2 ص 366، تَبْيِيهُ الخَوَاطِرِ: ج 2 ص 54، أَعْلَامُ الدِّينِ: ص 191 كُلُّهَا عَنِ أَبِي ذَرٍّ، بِحَارِ الأَنْوَارِ: ج 82 ص 233 ح 58.

2- تَارِيخُ بَغْدَادَ: ج 14 ص 190 الرِّقْمُ 7488.

3- مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ: ج 1 ص 528 ح 2205، المَعْجَمُ الكَبِيرُ: ج 12 ص 166 ح 12929، المُنْتَخَبُ مِنْ مَسْنَدِ عَبْدِ بَنِ حَمِيدٍ: ص 222 ح 666، البَدَايَةُ وَالنِّهَايَةُ: ج 6 ص 58، سَبِيلُ الهُدَى وَالرِّشَادِ: ج 8 ص 274 كُلُّهَا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، كَنْزُ العَمَّالِ: ج 7 ص 289 ح 18921.

4- هُودٌ: 114.

5- الزَّهْدُ لِابْنِ المَبَارِكِ: ص 317 ح 906 عَنِ زَيْدِ بَنِ أَسْلَمٍ.

6- جَامِعُ الأَخْبَارِ: ص 215 ح 532، مَسْتَدْرِكُ الوَسَائِلِ: ج 11 ص 174 ح 12675.

گرسنه پس از خوردن غذا، سیر، و تشنه پس از نوشیدن آب، سیراب می گردد؛ ولی من از نماز سیر نمی شوم.

74. تاریخ بغداد - به نقل از انس - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبی به نماز برخاست. زنی نیز پا به پای او نماز می خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که متوجه او شد، رو به سویش کرد و فرمود:

«اگر می خواهی، بخواب».

زن گفت: من در خود، نشاط [عبادت] می یابم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و نماز خواند و دوباره متوجه او شد و همان سخن را فرمود. سپس برخاست و نماز خواند و برای بار سوم به او توجه کرد و فرمود: «اگر می خواهی، بخواب».

زن گفت: من در خود، نشاط [عبادت] می یابم.

فرمود: «تو مانند من نیستی. من روشنی چشمم در نماز قرار داده شده است».

75. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل به من گفت: نماز را محبوب تو ساخته اند. پس هر اندازه می خواهی، از آن بگیر.

76. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که آیه «نماز را در دو سوی روز، به پا دار» نازل شد - دوست ندارم به جای نماز، آنچه را خورشید بر آن می تابد، داشته باشم.

77. امام علی علیه السلام: مؤمن... به عیب خود، مشغول و فارغ از عیوب دیگران است و نماز، روشنی چشم اوست.

78. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةً وَزِينَةُ الْإِسْلَامِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ رُكْنٌ وَرُكْنُ الْمُؤْمِنِ الصَّلَاةُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ سِرَاجٌ وَسِرَاجُ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ. (1)

79. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَ.... (2)

80. عنه صلى الله عليه وآله: لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالصِّيَامُ. (3)

81. عنه صلى الله عليه وآله -لِأَحَدِ أَصْحَابِهِ-: أَبَايُكَ عَلَى أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ.... (4) 7.

ص: 98

1- .جامع الأخبار:ص 183 ح 446.

2- .صحيح مسلم:ج 1 ص 37 ح 1، سنن النسائي:ج 8 ص 98، مسند ابن حنبل:ج 1 ص 67 ح 184 كلها عن عمر بن الخطاب، كنز العمال:ج 1 ص 27 ح 18؛ الأمالي للمفيد:ص 152 ح 2 نحوه عن ابن مسعود، بحار الأنوار:ج 27 ص 102 ح 67.

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه:ج 4 ص 361 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول:ص 10، مكارم الأخلاق:ج 2 ص 326، الجعفریات:ص 231 وفيه «للعابد» بدل «للمؤمن» وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار:ج 77 ص 53؛ السيرة النبوية لابن كثير:ج 4 ص 501 عن السري بن خلاد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.

4- .سنن النسائي:ج 7 ص 148، مسند ابن حنبل:ج 7 ص 70 ح 19253، المعجم الكبير:ج 2 ص 314 ح 2306 كلاهما نحوه، سنن الكبرى:ج 9 ص 22 ح 17750 وكلها عن جرير، المستدرک على الصحيحين:ج 3 ص 577 ح 6137 عن أبي اليسر كعب بن عمرو، كنز العمال:ج 1 ص 100 ح 447.

78. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیز را زینتی است و زینت اسلام، نمازهای پنجگانه است و هر چیز رکنی دارد و رکن مؤمن، نماز است و برای هر چیز، چراغی است و چراغ دل مؤمن، نمازهای پنجگانه است.

5/2: نشانه مسلمانان

79. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اسلام، گواهی دادن به یگانگی خدا، پیامبری محمد، برپا کردن نماز و دادن زکات... است.

80. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، سه نشانه دارد: نماز خواندن و زکات دادن و روزه گرفتن.

81. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به یکی از یارانش - : با تو بیعت می کنم بر این که خدا را بپرستی، نماز را بر پا داری و زکات بدهی و....

82. عنه صلى الله عليه وآله - في تفسير الإيمان بالله - شهادة أن لا إله إلا الله، وأني رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة.... (1)

83. عنه صلى الله عليه وآله: سبعة من كن فيه فقد استكمل حقيقة الإيمان، وأبواب الجنة مفتحة له: من أسبغ وضوءه، (2) وأحسن صلاته، وأدى زكاة ماله، وكف غضبه، وسجن لسانه، واستغفر لذنبه، وأدى النصيحة لأهل بيت نبيه. (3)

84. عنه صلى الله عليه وآله: جاءني جبرئيل فقال لي: يا أحمد، الإسلام عشرة أسهم، وقد خاب من لا سهم له فيها: أولها شهادة أن لا إله إلا الله؛ وهي الكلمة، والثانية الصلاة؛ وهي الطهر، والثالثة الزكاة؛ وهي الفطرة.... (4)

85. عنه صلى الله عليه وآله - لعلي عليه السلام -: عشرون خصلة في المؤمن، فإن لم تكن فيه لم يكمل إيمانه، إن من أخلاق المؤمنين - يا علي -: الحاضرون الصلاة، والمسايعون إلى الزكاة، والمطعمون المسكين.... (5) 4.

ص: 100

1- صحيح البخاري: ج 1 ص 195 ح 500، صحيح مسلم: ج 1 ص 46 ح 23، سنن أبي داود: ج 3 ص 330 ح 3692 كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 1 ص 24 ح 6؛ الخصال: ص 411 ح 14، معاني الأخبار: ص 381 ح 10 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 270 ح 26.

2- إسباغ الوضوء: إتمامه وإكماله (مجمع البحرين: ج 2 ص 810 «سبغ»).

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 359 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن: ج 1 ص 74 ح 32 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الجعفریات: ص 230، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 324 ح 2656 كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بشارة المصطفى: ص 190 عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 170 ح 12.

4- علل الشرائع: ص 249 ح 5 عن أنس، معدن الجواهر: ص 66 نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 109 ح 2؛ المصنّف لعبد الرزاق: ج 3 ص 125 ح 5011 عن حذيفة، المعجم الكبير: ج 11 ص 272 ح 11958، المعجم الأوسط: ج 8 ص 39 ح 7893 كلاهما عن ابن عباس وكلها نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 29 ح 31.

5- الكافي: ج 2 ص 232 ح 5 عن أحدهما عليهما السلام، الأمل للصدوق: ص 640 ح 866 عن الأصمغ بن نباتة عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز الفوائد: ج 1 ص 87، أعلام الدين: ص 117 عن أحدهم عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 67 ص 276 ح 4.

82. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -در تفسیر ایمان به خدا-: گواهی دادن به این که جز خدای یکتا معبودی نیست و این که من فرستاده خدا هستم و نیز بر پا کردن نماز و دادن زکات و... .

83. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هفت چیز است که در هر کس باشد، حقیقت ایمانش کامل و درهای بهشت برایش باز است: هر کس وضویش را کامل بگیرد و نمازش را به خوبی بخواند و زکات مالش را بدهد، خشمش را مهار و زبانش را حبس کند، از گناهش آمرزش بخواهد و برای اهل بیت پیامبرش خیرخواهی کند.

84. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام ده جزء است و آن که هیچ سهمی از آن ندارد، زیان دیده است. نخستین آنها، گواهی دادن به یگانگی خداوند است و این، همان کلمه [ای اخلاص] است. دوم، نماز است و آن همان طهارت است و سوم، زکات که همان فطرت و سرشت است....

85. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -خطاب به علی علیه السلام-: بیست ویژگی در مؤمن هست و اگر نباشد، ایمانش کامل نشده است. ای علی! از اخلاق مؤمنان، حضور در نماز، شتاب کردن به ادای زکات و اطعام بینوایان است.

86. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ: إِنَّ مَثَلَ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ، الْإِيمَانُ أَصْلُهَا، وَالصَّلَاةُ عُرْوَتُهَا، وَالزَّكَاةُ مَأْوَاهَا، وَالصَّوْمُ سَدُّهَا، وَحُسْنُ الخُلُقِ وَرَفْقُهَا، وَالكَفُّ عَنِ المَحَارِمِ ثَمَرُهَا، فَلَا تَكْمُلُ شَجَرَةٌ إِلَّا بِالثَّمَرِ، كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَكْمُلُ إِلَّا بِالْكَفِّ عَنِ المَحَارِمِ. (1)

87. الكافي عن عجلان أبي صالح: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْقَفْنِي عَلَى حُدُودِ الْإِيمَانِ.

فَقَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَصَلَاةُ الخَمْسِ، وَأَدَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ البَيْتِ، وَوَلَايَةُ وَلِيِّنَا، وَعَدَاوَةُ عَدُوِّنَا، وَالذَّخُولُ مَعَ الصَّادِقِينَ. (2)

88. الإمام الصادق عليه السلام: الْإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَحُجُّ البَيْتِ، وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ. فَهَذَا الْإِسْلَامُ. (3)

89. عنه عليه السلام - لِمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الدِّينِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَا لَا يَسْعَهُمْ جَهْلُهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ غَيْرُهُ -: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَ... (4) 6.

ص: 102

1- .علل الشرائع: ص 249 ح 5 عن أنس، جامع الأخبار: ص 506 ح 1401 عن ابن عباس، قصص الأنبياء للراوندي: ص 196 ح 245 عن الإمام الصادق عن لقمان عليهما السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 109 ح 2؛ الفردوس: ج 4 ص 145 ح 6447 عن أنس بن مالك نحوه.

2- .الكافي: ج 2 ص 18 ح 2، بحار الأنوار: ج 68 ص 330 ح 4 وراجع الدعوات: ص 135 ح 335 و مجمع البحرين: ج 1 ص 374.

3- .الكافي: ج 2 ص 24 ح 4 عن سفيان بن السمط، كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 613 عن الإمام علي عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 247 ح 6؛ سنن الترمذي: ج 5 ص 7 ح 2610، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 24 ح 63 كلاهما عن عمر بن الخطاب عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 270 ح 1355.

4- .الكافي: ج 2 ص 22 ح 11 عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 204 ح 612، المحاسن: ج 1 ص 452 ح 1041 كلاهما عن سليمان بن خالد، تفسير العياشي: ج 2 ص 117 ح 157 عن هشام بن عجلان وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 386 ح 36.

86. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوستم جبرئیل گفت: مثال این دین، مثال درختی استوار است که ایمان، اساس آن، نماز، ریشه های آن، زکات، آب آن، روزه، شاخه آن، خوش خویی، برگ آن و خویشنداری در برابر حرام ها، میوه آن است. همان گونه که درخت جز با میوه دادن، کامل نمی شود، ایمان هم جز با خویشنداری در برابر حرام ها کامل نمی شود.

87. الکافی - به نقل از عجلان ابو صالح - : به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از مرزهای ایمان آگاه کن.

فرمود: «گواهی دادن به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و گردن نهادن به آنچه از نزد خدا آورده است و نمازهای پنجگانه و دادن زکات، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا و [داشتن] ولایت ولی ما و دشمنی با دشمن ما و در زمره راستان در آمدن».

88. امام صادق علیه السلام: اسلام، همان ظاهری است که مردم بر آن هستند. گواهی دادن به یگانگی خدای یکتا و بدون شریک، و این که محمد، بنده و فرستاده خداوند است، برپا کردن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا و روزه ماه رمضان. این، اسلام است.

89. امام صادق علیه السلام - در پاسخ کسی که از ایشان پرسید: دینی که خدای عزیز و جلیل بر بندگانش واجب کرده است و ناگاهی از آن بر ایشان روا نیست و جز آن را از ایشان نمی پذیرند، کدام است؟ - : گواهی دادن به یگانگی خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و برپا کردن نماز و دادن زکات و....

90. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَوَّلَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ مِنْ دِينِهِمُ الصَّلَاةُ، وَأَخْرَجَ مَا يَبْقَى الصَّلَاةُ. (1)

91. عنه صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أُمَّتِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسُ. (2)

راجع: ص 38 (تشریح الصلاة في الإسلام).

7/2 أَوَّلُ مَا يَجِبُ تَعْلِيمُهُ لِلْمُسْلِمِ

92. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَمَّا بَعَثَ مُعَاذًا عَلَى الْيَمَنِ -: إِنَّكَ تَقْدُمُ عَلَى قَوْمِ أَهْلِ كِتَابٍ، فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ عِبَادَةَ اللَّهِ، فَإِذَا عَرَفُوا اللَّهَ فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي يَوْمِهِمْ وَلَيْلَتِهِمْ. (3)

93. صحيح مسلم عن أبي مالك الأشجعي عن أبيه: كَانَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ إِذَا أَسْلَمَ عَلَّمَهُ النَّبِيُّ الصَّلَاةَ. (4)6.

ص: 104

1- .مسند أبي يعلى: ج 4 ص 153 ح 4110 عن أنس، مجمع الزوائد: ج 2 ص 15 ح 1597؛ جامع الأخبار: ص 184 ح 450 نحوه وراجع المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 549 ح 8538 والسنن الكبرى: ج 6 ص 472 ح 12696 و المعجم الكبير: ج 9 ص 141 ح 8699.

2- .الأوائل للطبراني: ص 51، حلية الأولياء: ج 5 ص 233 كلاهما عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 276 ح 18859 نقلاً عن الحاكم في كتاب الكنى وراجع روضة الواعظين: ص 70.

3- .صحيح البخاري: ج 2 ص 529 ح 1389، صحيح مسلم: ج 1 ص 51 ح 31، سنن النسائي: ج 5 ص 3 نحوه، صحيح ابن حبان: ج 1 ص 370 ح 156، السنن الكبرى: ج 4 ص 169 ح 7303 وكلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 6 ص 295 ح 15773.

4- .صحيح مسلم: ج 4 ص 2073 ح 35، رياض الصالحين: ص 529 عن طارق بن اشيم، الدر المنثور: ج 1 ص 710 نقلاً عن البرار نحوه وراجع المعجم الكبير: ج 8 ص 317 ح 8186.

90. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی از دین که خدا بر مردم واجب کرد و آخرین چیزی که باقی می ماند، نماز است.

91. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی که خدا بر امتم واجب کرد، نمازهای پنجگانه است.

ر.ک: ص 39 (تشریح نماز در اسلام).

7/2: نخستین آموزشی که بر هر مسلمان واجب است

92. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگام فرستادن معاذ به یمن - تو بر کسانی وارد می شوی که اهل کتاب اند و نخستین چیزی که آنان را باید به آن فرا بخوانی، بندگی خداوند است و چون خدا را شناختند، آگاهشان کن که خداوند، پنج نماز در شبانه روز بر ایشان واجب کرده است.

93. صحیح مسلم - به نقل از ابو مالک اشجعی، از پدرش - وقتی کسی مسلمان می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به او می آموخت.

ص: 105

94. رسول الله صلى الله عليه وآله: أوَّل ما يُحاسَبُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ، فَمَنْ أَجَابَ فَقَدْ سَهَّلَ عَلَيْهِ ما بَعْدَهُ، وَمَنْ لَمْ يُجِبْ فَقَدْ اشْتَدَّ ما بَعْدَهُ. (1)

95. عنه صلى الله عليه وآله: إذا كان يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِالْعَبْدِ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يُسألُ عَنْهُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ جاءَ بِها تَامَّةً وإلا رُخَّ (2) بِهِ فِي النَّارِ. (3)

96. عنه صلى الله عليه وآله: إنَّ أوَّل ما يُحاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلاةٌ، فَإِنْ صَدَّ لَحَتْ فَقَدْ أفلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خابَ وَخَسِرَ. (4)

97. عنه صلى الله عليه وآله: إنَّ عَمودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ، وَهِيَ أوَّل ما يُنظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ، فَإِنْ صَحَّتْ نُظِرَ فِي عَمَلِهِ، وَإِنْ لَمْ تَصِحَّ لَمْ يُنظَرِ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ. (5) م.

ص: 106

1- .جامع الأخبار:ص 184 ح 450؛ سنن النسائي:ج 7 ص 83، مسند أبي يعلى:ج 5 ص 181 ح 5392، مسند الشهاب:ج 1 ص 154 ح 213 كلَّها عن عبد الله، المعجم الكبير:ج 2 ص 51 ح 1255 عن تميم الداري، فتح الباري:ج 12 ص 189 عن ابن مسعود وفيها كلَّها صدره فقط.

2- .في جامع الأخبار ومجمع البحرين:«رُخَّ» بدل «رُخَّ». ورُخَّ: أي دُفِعَ وَرُمِيَ (النهاية:ج 2 ص 298«زخخ»).

3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام:ج 2 ص 31 ح 45، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام:ص 151 ح 90 نحوه وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار:ص 186 ح 458، مجمع البحرين:ج 2 ص 767 عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار:ج 82 ص 202 ح 1.

4- .سنن الترمذي:ج 2 ص 270 ح 413، سنن النسائي:ج 1 ص 232، المصنَّف لابن أبي شيبة:ج 8 ص 361 ح 315، شعب الإيمان:ج 3 ص 182 ح 3286 نحوه وكلَّها عن أبي هريرة، المعجم الأوسط:ج 4 ص 127 ح 3782 عن أنس بن مالك، كنز العمال:ج 7 ص 280 ح 18877.

5- .تهذيب الأحكام:ج 2 ص 237 ح 936 عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدِّه عن الإمام عليِّ عليه السلام، دعائم الإسلام:ج 1 ص 133 عن الإمام عليِّ عليه السلام، عوالي اللآلي:ج 3 ص 65 ح 5 نحوه وليس فيه صدره، بحار الأنوار:ج 82 ص 227 ح 53؛ الموطأ:ج 1 ص 173 ح 89، الأوائل للطبراني:ص 51 وليس فيهما صدره وكلاهما عن يحيى بن سعيد من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

94. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی که در روز قیامت، بازخواست می شود، نماز است.

پس هر کس پاسخ دهد، مرحله های بعد بر او آسان می شود و هر کس پاسخ ندهد، بر او سخت می گردد.

95. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت که فرا برسد، بنده را می خوانند و نخستین چیزی که از او می خواهند، نماز است. اگر آن را درست بیاورد، [نجات یافته است] و گر نه در آتش انداخته می شود.

96. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین عمل انسان که در روز قیامت محاسبه می شود، نماز است.

پس اگر نیکو بود، رستگار و کامیاب می گردد و اگر باطل بود، محروم و زیانکار می شود.

97. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، ستون دین و نخستین عمل انسان است که در آن می نگرند. پس اگر صحیح بود، اعمالش را می بینند و اگر صحیح نبود، بقیه کارهایش دیده نمی شوند.

98. عنه صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ عَنِ الصَّلَاةِ، فَإِنْ زَكَتَ صَلَاتُهُ زَكَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَإِنْ لَمْ تَزُكْ صَلَاتُهُ لَمْ يَزُكْ عَمَلُهُ. (1)

99. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا. (2)3.

ص: 108

1- . ثواب الأعمال: ص 273، المحاسن: ج 1 ص 161 ح 230 كلاهما عن هشام الجواليقي عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص 328 ح 388 عن عمار بن موسى السابطي عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه ذيله من «فإن زكت صلواته»، بحار الأنوار: ج 83 ص 19 ح 32؛ المعجم الأوسط: ج 2 ص 240 ح 1859، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 106 ح 3963 كلاهما عن أنس بن مالك نحوه.

2- . الكافي: ج 3 ص 268 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 239 ح 946 كلاهما عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 208 ح 626 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 7 ص 267 ح 33.

98. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که بنده در پیشگاه خداوند می ایستد، نخستین چیزی که از او می خواهند، نماز است. پس اگر پاکیزه بود، بقیه اعمالش هم پاکیزه می گردد و اگر پاکیزه نبود، اعمال دیگرش هم پاکیزه نمی شود.

99. امام باقر علیه السلام: نخستین چیزی که از بنده بازخواست می شود، نماز است. پس اگر پذیرفته شد، بقیه [ی اعمال] هم پذیرفته می شود.

ص: 109

توضیحی در باره نخستین پرسش پس از مرگ (1)

چند حدیث، نماز را نخستین سؤال از انسان پس از مرگش دانسته اند. این نکته با توجه به اهمیت نماز و تأکیدات قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر آن، به خودی خود، پذیرفتنی است؛ زیرا اگر چیزی «سیمای دین» (2) شد و ترك كنده آن جزو کافران به شمار آمد، (3) انتظار می رود که نخستین مورد از موارد سؤال و مؤاخذه باشد؛ اما پرسش، این است که نماز از اعمال و عبادات است و بالطبع در رتبه ای متأخر از عقاید بنیادین دین (مانند توحید و نبوت) قرار دارد. باید ابتدا از آنها سؤال شود و نه از نماز.

آنچه پرسش را پیچیده می کند، روایاتی است که افزون بر باورهای بنیادی، مواردی دیگر غیر از نماز را نیز از نخستین پرسش ها دانسته اند.

به نظر می رسد که بتوان با گردآوری و دسته بندی احادیث ناظر به موضوع، به پاسخ مسئله دست یافت.

1. دسته نخست، توحید، نبوت و ولایت اهل بیت علیهم السلام را نخستین سؤال از انسان پس از مرگش می دانند. در حدیثی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام می فرماید:

يا عَلِيُّ! إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

ص: 110

1- این بیان توسط استاد ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی نگارش یافته است.

2- ر.ك: ح 138.

3- ر.ك: ج 2 ص 737 (ترك نماز).

رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنْتَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَجَعَلْتَهُ لَكَ، فَمَنْ أَقْرَبُ بِذَلِكَ وَكَانَ يَعْتَقِدُهُ صَارَ إِلَى النَّعِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ. (1)

ای علی! نخستین چیزی که پس از مرگ بنده از او پرسیده می شود، گواهی به یگانگی خداوند یکتاست و رسالت محمد، و این که تو ولی مؤمنانی، به دلیل آنچه خدا و من، برایت قرار داده ایم. پس هر کس به اینها اقرار کند و معتقد باشد، به سوی نعمتی که زوال ندارد، ره سپار می شود.

2. دسته دوم، تنها به محبت اهل بیت عليهم السلام اشاره کرده اند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (2)

نخستین چیزی که از آن سؤال می شود، محبت ما اهل بیت است.

3. دسته سوم، نماز و زکات و روزه را با هم، جزو نخستین سؤال ها دانسته است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ: الصَّلَاةُ الْمَفْرُوضَاتُ، وَعَنِ الزَّكَاةِ، وَعَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ. (3)

[در قیامت،] آن گاه که بنده در پیشگاه خداوند می ایستد، نخستین چیزی که از او می پرسند، نمازهای واجب، زکات و روزه واجب است.

4. دسته چهارم، افزون بر نماز و زکات و روزه و حج، ولایت اهل بیت عليهم السلام را نیز در کنار آنها آورده است. در حدیثی امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ -جَلَّ جَلَالُهُ- الصَّلَاةُ الْمَفْرُوضَاتُ، وَعَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ، وَعَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ، وَعَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ، وَعَنِ وِلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنْ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ. 2.

ص: 111

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 129 ح 8، بحار الأنوار: ج 7 ص 273 ح 41.

2- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 62 ح 258.

3- فضائل الأشهر الثلاثة: ص 110 ح 103، الأمالی، صدوق: ص 328 ح 388، بحار الأنوار: ج 27 ص 167 ح 2.

هنگامی که بنده در برابر خداوند عز و جل، می ایستد، نخستین پرسشی که از او می شود، در باره نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب، حجّ واجب و ولایت ما اهل بیت است. اگر با اعتراف به ولایت و دوستی ما از این دنیا برود، نماز و روزه و زکات و حجّش پذیرفته می شود.

5. دسته پنجم، تنها به نماز اشاره کرده که برخی روایات آن در همین باب آمده است و از تکرارشان خودداری می کنیم. (2)

چینش بالا، به روشنی نشان می دهد که نخستین سؤال در هر مجموعه، به تناسب همان مجموعه صورت می گیرد. در دایره عقاید و باورها، سه اصل بنیادین توحید، نبوت و ولایت، نخستین مورد بازخواست و پرسش هستند و اگر عقاید کسی در توحید و نبوت درست باشد، عدل و معاد را نیز باور دارد و تصدیق نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معجزه اش قرآن، به معنای تصدیق آیات دلالت کننده بر عدالت خدا و وجود انکارناپذیر معاد است.

محبت اهل بیت نیز که افزون بر این حدیث، در دسته دوم و چهارم نیز گوشزد شده است، در این دسته یعنی باورها و گرایش های بنیادین جای می گیرد، هر چند ولایت، رابط میان باورها و اعمال نیز هست و بدون راه نمایی اهل بیت و بهره گیری از پرتو هدایت آنها نه می توان به مفهوم حقیقی توحید و نبوت دست یافت و نه اعمال و عبادات و از جمله نماز را به صورت صحیح و مطلوب به جای آورد. بدین سان، روایات دسته دوم و چهارم، مؤید و همسو با روایات دسته اول می شوند.

ص: 112

1- الأُمّالی، صدوق: ص 328 ح 388.

2- گفتنی است روایتی، نخستین مورد سؤال را آب گوارا می داند که اساسا از دایره عقاید و باور و اعمال بیرون است و توجیهی ویژه خود دارد. متن حدیث چنین است: **أَوَّلُ مَا يَسْأَلُ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ الْعَبْدَ أَنْ يَقُولَ لَهُ: أَلَمْ أَرَوْكَ مِنْ عَذْبِ الْفُرَاتِ (الكافی: ج 6 ص 380 ح 3).**

دسته سوم و بخشی از روایات دسته چهارم، نخستین مورد سؤال را تنها در حوزه اعمال و کردار، معین نموده اند و به اصطلاح، قصر اضافی و حصر نسبی هستند. این نظر به وسیله روایات دسته پنجم و نیز روایاتی که در پی می آیند و به این نکته تصریح دارند، به سادگی قابل تصدیق است، مانند روایت:

«وَهِيَ أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ» (1) و حدیث:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ» (2) و یکی دو حدیث دیگر که در همین باب آورده شده اند.

گفتنی است شیخ صدوق در توصیف دین امامیه و در وصف نماز، چنین گفته است:

إِنَّهَا... أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ. (3)

نخستین چیزی که پس از معرفت و باورها، از آن سؤال می شود، نماز است.

این تصریح، به گونه ای تأیید برداشت حاضر از روایات باب است.

به سخن دیگر، باورها و عقاید، تقدّم رتبی دارند و میان آنها مهم ترین و اساسی ترین باورها، یعنی توحید و نبوت و ولایت، نخستین سؤال هستند و میان اعمال، مهم ترین آنها، نماز، زکات، روزه و حج هستند که نماز از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه برخوردار است و از این رو، اولین مورد سؤال و بازخواست الهی است. 9.

ص: 113

1- ر.ك: ح 97.

2- ر.ك: ح 96.

3- الأُمالي، صدوق: ص 739.

100. الطبقات الكبرى عن جابر بن عبد الله: إن كعب الأحمري قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: «ما كان آخر ما تكلم به رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فقال عمر: ما لم علياً، قال: أين هو؟ قال: هو هنا، فسأله، فقال علي: أسندته إلى صدري، فوضع رأسه على منكبي فقال: «الصلاة، الصلاة». (1)

101. الإمام علي عليه السلام: إن آخر ما قال النبي صلى الله عليه وآله: «الصلاة، الصلاة». إن النبي صلى الله عليه وآله كان واضحاً رأسه في حجري، فلم يزل يقول: «الصلاة، الصلاة»، حتى قبض. (2)

102. مسند ابن حنبل عن أم سلمة: كان من آخر وصية رسول الله صلى الله عليه وآله: «الصلاة الصلاة وما ملكت أيمانكم»، حتى جعل نبي الله صلى الله عليه وآله يلجلجها (3) في صدره، وما يقبض بها لسانه. (4)

103. شعب الإيمان عن أنس: كنا عند رسول الله صلى الله عليه وآله حيث حضرته الوفاة - قال: فقال لنا: اتقوا الله في الصلاة، اتقوا الله في الصلاة - ثلاثاً. (5)

104. قرب الإسناد عن بكر بن محمد الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سأله أبو بصير - وأنا جالس عنده - عن الحور العين فقال له: جعلت فداك، أخلق من خلق الدنيا.

ص: 114

- 1- الطبقات الكبرى: ج 2 ص 262، فتح الباري: ج 8 ص 139 نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 252 ح 18789.
- 2- خصائص الأئمة: ص 51؛ سنن ابن ماجه: ج 2 ص 901 ح 2698، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 170 ح 585 وليس فيهما ذيله من «إن النبي صلى الله عليه وآله»، الأدب المفرد: ص 59 ح 158 كلها عن أم موسى نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 6 ح 21625 نقلاً عن الطبراني في المعجم الكبير.
- 3- اللجلجة: ثقل اللسان ونقص الكلام، وأن لا يخرج بعضه في أثر بعض (لسان العرب: ج 2 ص 355 «لجج»).
- 4- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 172 ح 26545، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 258 ح 7098 نحوه، صحيح ابن حبان: ج 14 ص 571 ح 6605، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 59 ح 4388 كلاهما عن أنس بن مالك وليس فيهما ذيله من «حتى جعل»، كنز العمال: ج 8 ص 12 ح 21650 نقلاً عن ابن جرير؛ المجازات النبوية: ص 290 ح 244 عن أنس نحوه وراجع بحار الأنوار: ج 48 ص 147 ح 21.
- 5- شعب الإيمان: ج 7 ص 477 ح 11053، تاريخ بغداد: ج 10 ص 169 الرقم 5307 عن أم سلمة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 277 ح 18864.

100. الطبقات الكبرى - به نقل از جابر بن عبد الله - در روزگار عمر، ما نزد او نشستیم بودیم که کعب الأحبار برخاست و پرسید: آخرین سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چه بود؟

عمر گفت: از علی پرس.

گفت: او کجاست؟

عمر گفت: او این جاست.

کعب از او پرسید و علی علیه السلام پاسخ داد: «او را به سینه ام تکیه داده بودم که سرش را بر شانه ام نهاد و فرمود: نماز، نماز!». .

101. امام علی علیه السلام: آخرین حرفی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود، این بود: «نماز! نماز!». پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را بر دامانم نهاده بود و پیوسته می فرمود: «نماز! نماز!»، تا آن که قبض روح شد.

102. مسند ابن حنبل - به نقل از ام سلمه - پایان بخش وصیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، این بود: «نماز را، نماز را و نیز بردگانتان!». و آن را تکرار کرد، تا آن که زبانش از ادای آن، ناتوان و سخنش بریده بریده شد.

103. شعب الإيمان - به نقل از انس - ما هنگام جان دادن پیامبر خدا، نزدش بودیم. سه بار به ما فرمود: «در باره نماز از خدا پروا کنید. در باره نماز از خدا پروا کنید».

104. قرب الإسناد - به نقل از بکر بن محمد ازدی - نزد امام صادق علیه السلام نشستیم بودم که ابو بصیر از ایشان در باره حور العین پرسید و گفت: فدایت شوم! آنان از مخلوقات

فَقَالَ لَهُ: مَا أَنْتَ وَذَلِكَ؟! عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ، فَإِنَّ آخِرَ مَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَتَّى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ. (1)

10/2 نورٌ و بُرهانٌ

105. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ بُرهانٌ. (2)

106. عنه صلى الله عليه وآله -عِنْدَ ذِكْرِ الصَّلَاةِ-: مَنْ حَافِظٌ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلَا بُرْهَانٌ وَلَا نَجَاةً. (3)

راجع: ص 200 (نور القلب).

11/2 ميزانٌ ومِكيالٌ

107. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ ميزانٌ، مَنْ وَفَّى اسْتَوْفَى. (4) 2.

ص: 116

1- .قرب الإسناد: ص 36 ح 118، بحار الأنوار: ج 84 ص 236 ح 15.

2- .سنن الترمذي: ج 2 ص 513 ح 614، المعجم الكبير: ج 19 ص 106 ح 212 كلاهما عن كعب بن عجرة، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 451 ح 22972 عن عبدالرحمن الأشعري، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 141 ح 7162 عن عبدالرحمن بن سمرة، كنز العمال، ج 6 ص 71 ح 14892؛ مستدرک الوسائل: ج 7 ص 162 ح 36 نقلاً عن درر اللآلي عن جابر بن عبدالله الأنصاري.

3- .مسند ابن حنبل: ج 2 ص 574 ح 6587، سنن الدارمي: ج 2 ص 757 ح 2621، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 329 ح 1467، شعب الإيمان: ج 3 ص 46 ح 2823، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 139 ح 353 كلُّها عن عبدالله بن عمرو، كنز العمال: ج 7 ص 299 ح 18971.

4- .الكافي: ج 3 ص 267 ح 13 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 207 ح 622، الجعفریات: ص 32 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله بزيادة «أمتي» بعد «میزان»، بحار الأنوار: ج 82 ص 235 ح 62؛ شعب الإيمان: ج 3 ص 147 ح 3151 عن ابن عباس، الزهد لابن المبارك: ص 419 ح 1190 نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 284 ح 18892.

دنیایی اند، یا از مخلوقات بهشتی؟

فرمود: «تورا به اینها چه کار؟ بر نماز مواظبت کن. همانا آخرین چیزی که پیامبر صلی الله علیه و آله بدان سفارش و ترغیب کرد، نماز بود».

10/2: نور و دلیل

105. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، دلیلی روشن است.

106. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگام یاد کردن از نماز - هر کس بر نماز مواظبت ورزد، روز قیامت برایش نور و حجّت (دلیل) و نجات [از آتش] می شود و هر کس مواظبت نرزد، نه برایش نور است و نه نجات و حجّت.

ر.ك: ص 201 (روشنی دل).

11/2: ترازو و پیمانہ

107. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، ترازوست. هر کس تمام بیاورد، تمام می برد.

ص: 117

108. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ مِكيَالٌ، فَمَنْ وَفَى أَوْفَى لَهُ، وَمَنْ نَقَصَ فَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا قِيلَ لِلْمُطَفِّينَ. (1)

12/2 إمام الأعمال

109. الإمام عليّ عليه السلام -في رسالته إلى مُحَمَّد بن أبي بكرٍ-: صَلِّ الصَّلَاةَ لِقَوْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا، وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفِرَاقِ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَن وَقْتِهَا لِإِسْتِغَالِ، وَعَلِمَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِّنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ. (2)

13/2 هذه الخصائص

110. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، وَفِيهَا عَشْرُ خِصَالٍ: زَيْنُ الْوَجْهِ، وَنُورُ الْقَلْبِ، وَرَاحَةُ الْبَدَنِ، وَأَنْسُ الْقَبْرِ، وَمُنْزِلُ الرَّحْمَةِ، وَمِصْبَاحُ السَّمَاءِ، وَثِقَلُ الْمِيزَانِ، وَمَرْضَاةُ الرَّبِّ، وَثَمَنُ الْجَنَّةِ، وَحِجَابٌ مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَقَامَهَا فَقَدْ أَقَامَ الدِّينَ، وَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ. (3)

111. عنه صلى الله عليه وآله -لَمَّا سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ-: الصَّلَاةُ مِنَ شَرَائِعِ الدِّينِ، وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ، وَهُدَى وَإِيمَانٌ، وَنُورُ الْمَعْرِفَةِ، 7.

ص: 118

1- السنن الكبرى: ج 2 ص 413 ح 3586، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 373 ح 3750، المصنّف لابن ابى شيبة: ج 1 ص 324 ح 24، كلّها عن سلمان الفارسي نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 200 ح 22543؛ معاني الأخبار: ص 283 وليس فيه ذيله من «ومن نقص»، مجمع البيان: ج 10 ص 687 عن ابن مسعود نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 348 ذيل ح 12.

2- نهج البلاغة: الكتاب 27، الأمالي للمفيد: ص 267، الأمالي للطوسي: ص 29 ح 3 كلاهما عن أبي إسحاق الهمداني نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 582 ح 726.

3- الاثنا عشرية: ص 327.

108. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، پیمانۀ است. هر کس تمام بیاورد، تمامش می دهند و هر کس کم گذارد، می دانید که خداوند در بارۀ کم فروشان چه نازل کرده است. (1)

12/2: پیشوای کارها

109. امام علی علیه السلام - در نامه ایشان به محمد بن ابی بکر - نماز را در وقت مقرّرش بخوان و به دلیل بیکار بودن، آن را جلو نینداز، و به دلیل اشتغال به کاری، آن را به تأخیر نیفکن و بدان که همه کارهایت تابع نماز توست.

13/2: و این چند ویژگی

110. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، ستون دین است و ده ویژگی دارد: زینت چهره است و نور دل و آسایش تن و مونس در قبر و فرود آورنده رحمت و چراغ آسمان و سنگینی میزان و خشنودی پروردگار و بهای بهشت و مانعی در برابر آتش. هر کس آن را بر پا کند، دین را بر پا داشته و هر کس آن را رها کند، دین را نابود کرده است.

111. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که از ایشان در بارۀ نماز سؤال شد - نماز، از آیین های دین است و در آن، خشنودی پروردگار عز و جل است. نماز، راه و روش پیامبران است و نمازگزار، محبّت فرشتگان را همراه خود می کند. [آن،] هدایت و ایمان، نور

ص: 119

1- اشاره است به آیه «وَيُلِّمُ الْمُطَفِّفِينَ؛ وای بر کم فروشان!» (مطفّفين: آیه 1).

وَبِرَكَّةٍ فِي الرِّزْقِ، وَرَاحَةً لِلْبَدَنِ، وَكَرَاهَةً لِلشَّيْطَانِ، وَسِيْرَ اِلَاحٍ عَلَي الكَافِرِ، وَاجَابَةً لِلدَّعَاءِ، وَقَبُولٌ لِالأَعْمَالِ، وَزَادٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الآخِرَةِ، وَشَفِيعٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَلَكِ المَوْتِ، وَأُسْسٌ فِي قَبْرِهٖ، وَفِرَاشٌ تَحْتَ جَنبِهِ، وَجَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ.

وَتَكُونُ صَدَاقَةَ العَبْدِ عِنْدَ المَحْشَرِ تَاجًا عَلَي رَاسِهِ، وَنُورًا عَلَي وَجْهِهِ، وَلِبَاسًا عَلَي بَدَنِهِ، وَسِيْرًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ، وَحُجَّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ، وَنَجَاةً لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ، وَجَوَازًا عَلَي الصِّرَاطِ، وَمِفْتَاحًا لِلجَنَّةِ، وَمُهِورًا لِحُورِ العِينِ، وَثَمَنًا لِلجَنَّةِ.

بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ العَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ العُلْيَا؛ لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَحْمِيدٌ وَتَكْبِيرٌ وَتَمَجِيدٌ وَتَقْدِيسٌ وَقَوْلٌ وَدَعْوَةٌ. (1)6.

ص: 120

1- .الخصال:ص 522 ح 11 عن ضمرة بن حبيب، بحار الأنوار:ج 82 ص 231 ح 56.

معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناخشنودی شیطان، سلاحی برابر کافر، پذیرش دعا، قبولی اعمال، توشهٔ آخرت مؤمن از دنیا، شفیع میان او و فرشتهٔ مرگ، مونس در قبر او، بستر زیر او و پاسخ منکر و نکیر [در قبرش] است.

در محشر، نماز بنده تاج سرش، نوری بر چهره اش، پوشش تنش، مانع میان او و آتش، حجّتی میان او و پروردگار بزرگ و باشکوهش، رهایی پیکرش از آتش، برگهٔ عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مه‌ریهٔ حور العین و بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می آید؛ زیرا نماز، تسبیح و تهلیل (لا إله إلا الله گفتن و گواهی دادن به یکتایی خدا) و تحمید و تکبیر (سپاس و بزرگداشت) و گرامیداشت و پاک داشتن و سخن گفتن [با خدا] و دعا است.

ص: 121

الكتاب:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي». (1)

الحديث:

112. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ... لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ. (2)

113. علل الشرائع عن هشام بن الحكم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ عِلَّةِ الصَّلَاةِ فَإِنَّ فِيهَا مَشْغَلَةً لِلنَّاسِ عَنْ حَوَائِجِهِمْ وَمَتَعِبَةً لَهُمْ فِي أَسْبَابِهِمْ.

قال: فيها عِلَلٌ، وذلك أَنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكُوا بِغَيْرِ تَنْبِيهِ وَلَا تَذَكُّرٍ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَكْثَرِ مِنَ الْخَبَرِ الْأَوَّلِ وَبِقَاءِ الْكِتَابِ فِي أَيْدِيهِمْ فَقَطَّ لَكَانُوا عَلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ كَانُوا اتَّخَذُوا دِينًا وَوَضَعُوا كُتُبًا وَدَعَوْا نَاسًا إِلَى مَا هُمْ عَلَيْهِ وَقَتَلُوهُمْ عَلَى ذَلِكَ، فَدَرَسَ أَمْرُهُمْ وَذَهَبَ حِينَ ذَهَبُوا. 0.

ص: 122

1- طه: 14.

2- إحياء العلوم: ج 1 ص 228؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 323 ح 60.

قرآن

«نماز را برای یاد من، بر پا دار».

حدیث

112. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، واجب شده است... برای بر پا داشتن یاد خدا.

113. علل الشرائع - به نقل از هشام بن حکم - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: با این که نماز، مردم را از کار و زندگی باز می دارد و تن هایشان را خسته می کند، چرا واجب شده است؟

فرمود: «در آن، علّت هایی نهفته است و آن، به خاطر این است که اگر مردم، بدون هیچ آگاهی و یادی از پیامبر صلی الله علیه و آله رها می شدند، و به همان خبر نخستین رسالت و حضور قرآن در میانشان بسنده می شد، مانند امت های پیشین می گردید که به دینی گرویدند و کتاب هایی هم نوشتند و مردم را به دین خود فرا خواندند و حتی با مردم برای آن جنگیدند؛ اما با رفتنشان، دیشان هم رفت و اثری از آنان باقی نماند، حال آن که خداوند - تبارک و تعالی - نخواست که رسالت محمد صلی الله علیه و آله را از یاد آنها ببرد. از

ص: 123

وَأَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ لَا يُنْسِيَهُمْ أَمْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفَرَضَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةَ يَذْكُرُونَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ يُنَادُونَ بِاسْمِهِ، وَتَعَبَّدُوا بِالصَّلَاةِ وَذَكَرِ اللَّهُ لِكَيْ لَا يَغْفُلُوا عَنْهُ وَيَتَسَوَّهَ فَيَنْدَرِسَ (1) ذِكْرُهُ. (2)

114. الإمام الرضا عليه السلام - في بيان علة الصلاة -: طاعة أمرهم بها، وشدة رغبة حملهم عليها، وفي الصلاة توقيف له وتبجيل وخضوع من العبد إذا سجد، والإقرار بأن فوقه رباً يعبدُه ويسجد له. (3)

راجع: ح 123.

2/3 الوقاية عن الفساد

الكتاب:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ». (4)

الحديث:

115. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ، لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا. (5)

116. عنه صلى الله عليه وآله: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ، وَطَاعَةَ الصَّلَاةِ أَنْ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ. 8.

ص: 124

1- دَرَسَ: عفا وخفيت آثاره (المصباح المنير: ص 192 «درس»).

2- علل الشرائع: ص 317 ح 1، بحار الأنوار: ج 82 ص 261 ح 9.

3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 354، بحار الأنوار: ج 6 ص 113 ح 6.

4- العنكبوت: 45.

5- المعجم الكبير: ج 11 ص 46 ح 11025، مسند الشهاب: ج 1 ص 306 ح 509، تفسير ابن كثير: ج 6 ص 290 كلها عن ابن عباس، تفسير الطبري: ج 11 الجزء 20 ص 155 عن الحسن نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 525 ح 20083؛ مجمع البيان: ج 8 ص 447 عن أنس، بحار الأنوار: ج 82 ص 198.

این رو، نماز را بر آنان واجب کرد تا او را هر روز، پنج بار یاد کنند و نامش را بر زبان آورند و به نماز و یاد خدا فرمان داده شدند تا غافل نگردند و او را فراموش نکنند.

مبادا یادش از خاطرها برود».

114. امام رضا علیه السلام - در تبیین حکمت نماز - اطاعتی است که [خدا] آنان را بیدان فرمان داده و آیینی است که بر آن وادارشان ساخته است. در نماز، بزرگداشت و گرامیداشت خداوند، و فروتنی بنده به هنگام سجده است و اقرار به این که بالاتر از او، پروردگاری است که به عبادتش می پردازد و برایش سجده می کند.

ر.ك: ح 123.

2/3: بازداری از فساد

قرآن

«نماز را به پا دار که بی گمان، نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و یاد خدا بزرگ تر است».

حدیث

115. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، جز دوری از خدا نمی افزاید.

116. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که از نماز فرمان نبرد، نمازی ندارد و فرمان بردن از نماز،

ص: 125

117. تفسير ابن كثير عن عمران بن حصين: سئل النبي صلى الله عليه وآله عن قول الله: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، قال: مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (2)

118. مجمع البيان عن أنس: إِنَّ فَتَى مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَرْتَكِبُ الْفَوَاحِشَ، فَوُصِفَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا. (3)

119. مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِاللَّيْلِ فَإِذَا أَصْبَحَ سَرَقَ، قَالَ: إِنَّهُ سَيَنْهَاهُ مَا يَقُولُ. (4)

120. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ، فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ. (5)

121. عنه عليه السلام: الصَّلَاةُ حُجْرَةُ اللَّهِ؛ وَذَلِكَ أَنَّهَا تَحْجُزُ الْمُصَلِّيَ عَنِ الْمَعَاصِي مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». (6)

122. عنه عليه السلام: اعْلَمْ أَنَّ الصَّلَاةَ حُجْرَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا أَدْرَكَهُ.

ص: 126

- 1- تفسير الطبري: ج 11 الجزء 20 ص 155، تفسير ابن كثير: ج 6 ص 290 كلاهما عن ابن مسعود، تفسير ابن حاتم: ج 9 ص 3066 ح 17341، تفسير الثعلبي: ج 7 ص 281 ح 148؛ مجمع البيان: ج 8 ص 447 عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ج 82 ص 198.
- 2- تفسير ابن كثير: ج 6 ص 290، تفسير ابن حاتم: ج 9 ص 3066 ح 17339، الدر المنثور: ج 6 ص 465 نقلاً عن ابن مردويه، تفسير الألويسي: ج 20 ص 164.
- 3- مجمع البيان: ج 8 ص 447، بحار الأنوار: ج 82 ص 198؛ تفسير الثعلبي: ج 7 ص 281 ح 150، تفسير القرطبي: ج 13 ص 347، تفسير البغوي: ج 3 ص 469 كلاهما عن أنس بن مالك بزيادة «فلم يلبث أن تاب و حسن إسلامه» في آخره وكلها نحوه.
- 4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 457 ح 9785، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 300 ح 2560، موارد الظمآن: ص 167 ح 639، شعب الإيمان: ج 3 ص 174 ح 3261 نحوه؛ مجمع البيان: ج 8 ص 447 عن جابر.
- 5- مجمع البيان: ج 8 ص 447، بحار الأنوار: ج 16 ص 204.
- 6- التوحيد: ص 166 ح 4، بحار الأنوار: ج 4 ص 25 ح 4.

خودداری از کار زشت و ناپسند است.

117. تفسیر ابن کثیر - به نقل از عمران بن حصین - : در باره سخن خدا: «همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد» از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد. فرمود: «هر کس نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، نمازی ندارد».

118. مجمع البیان - به نقل از انس - : جوانی از انصار همراه پیامبر نماز می گزارد و کارهای زشت هم می کرد. این مطلب را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند. فرمود: «روزی، نمازش او را باز می دارد». (1)

119. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو هریره - : مردی نزد پیامبر آمد و گفت: همانا فلانی در شب، نماز می خواند و صبح، دزدی می کند. فرمود: «آنچه می گوید (نمازش)، به زودی او را باز خواهد داشت».

120. امام صادق علیه السلام: هر کس دوست دارد بداند آیا نمازش پذیرفته شده است یا نه، بنگرد آیا نمازش، او را از کار زشت و ناپسند باز داشته است یا نه؟ هر اندازه که او را باز داشته، از او پذیرفته شده است.

121. امام صادق علیه السلام: نماز، باز دارنده ای الهی است؛ زیرا نمازگزار را تا آن گاه که در نماز است، از گناهان باز می دارد. خدای عزیز و جلیل می فرماید: «همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد».

122. امام صادق علیه السلام: بدان که نماز، باز دارنده ای برای خدا در زمین است. هر کس دوست».

ص: 127

1- در تفسیر الثعلبی افزوده است: «طولی نکشید که توبه کرد و اسلامش نیکو شد».

مِنْ نَفْعِ صَلَاتِهِ فَلْيَنْظُرْ؛ فَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ حَجَزَتْهُ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَالْمُنْكَرِ، فَإِنَّمَا أُدْرِكَ مِنْ نَفْعِهَا بِقَدْرِ مَا احتَجَزَ. (1)

123. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ أَنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَخَلْعُ الْأُنْدَادِ، وَقِيَامٌ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ جَلِّ جَلَالُهُ بِالذُّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ وَالخُضُوعِ وَالْإِعْتِرَافِ وَالطَّلَبِ لِلْإِقَالَةِ مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ، وَوَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ جَلِّ جَلَالُهُ، وَأَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرَ نَاسٍ وَلَا بَطْرٍ، وَيَكُونَ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِيجَابِ وَالْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، لِنَلَا يَنْسَى الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَمُدْبِرَهُ وَخَالِقَهُ فَيَبْطِرَ وَيَطْغَى، وَيَكُونَ ذَلِكَ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ جَلِّ وَعَزِّ وَقِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا (2) لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَمَانِعًا لَهُ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ. (3)

3/3 التَّنْزِيهُ عَنِ الْكِبْرِ

124. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَكُونُ الْإِيمَانُ تَطْهِيرًا مِنَ الشَّرِكِ، وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهًا مِنَ الْكِبْرِ. (4)

125. الإمام علي عليه السلام - في بيان حِكْمَةِ الْفَرَائِضِ -: وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالرَّكَّوَاتِ، وَمُجَاهَدَةَ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ؛ تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ، هـ.

ص: 128

1- معاني الأخبار: ص 237 ح 1 عن يونس بن ظبيان، بحار الأنوار: ج 78 ص 199 ح 23.

2- رَجَزَ: أَي نَهَى عَنْهُ (النهاية: ج 2 ص 296 «زجر»).

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 214 ح 645، علل الشرائع: ص 317 ح 2 عن محمد بن سنان و ص 256 ح 9، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 103 ح 1 كلاهما عن الفضل بن شاذان وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 64 ح 1.

4- جامع الأخبار: ص 339 ح 948، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 568 ح 4940، علل الشرائع: ص 248 ح 2 كلاهما عن زينب بنت الإمام علي عليهما السلام عن فاطمة عليها السلام، نهج البلاغة: الحكمة 252 عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 107 ح 1؛ بلاغات النساء: ص 28 عن زينب بنت الإمام الحسين عليه السلام عن فاطمة عليها السلام نحوه.

دارد بداند که چه اندازه از نمازش سود برده، بنگرد. اگر نمازش او را از کارهای زشت و ناپسند باز داشته، به همان اندازه که او را باز داشته، از نمازش بهره برده است.

123. امام رضا علیه السلام: حکمت نماز، اقرار به ربوبیت خداوند عز و جل و نفی شریک از اوست. ایستادن در پیشگاه جبروت الهی عز و جل، با خواری و بیچارگی، افتادگی و اعتراف و درخواست بخشش گناهان گذشته است. صورت نهادن بر خاک در هر روز برای بزرگداشت خداوند بزرگ بشکوه است، تا به یاد او بدون فراموشی و سرمستی، و خاشع و خاکسار و راغب، خواهان فزونی دین و دنیای خود باشد. افزون بر اینها، نماز، تداوم ذکر خداوند عز و جل در شب و روز است تا بنده، مالک و مدبر و آفریدگارش را از یاد نبرد، و گرنه سرمستی و طغیان می کند و این، در یاد کردن او از پروردگارش عز و جل و ایستادن در پیشگاهش امکان پذیر است، که او را از گناهان و از انواع فساد باز می دارد.

3/3: پیراستن از کبر

124. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، ایمان را برای پاک کردن از شرک، و نماز را برای پیراستن از کبر واجب کرد.

125. امام علی علیه السلام - در بیان حکمت واجبات - از جمله، خداوند از بندگان مؤمنش با نمازها، زکات ها و جدیت در روزه داری در روزهای معین، محافظت می کند تا

وَتَخْشِعاً لِأَبْصَارِهِمْ، وَتَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ، وَتَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ، وَإِذْهَابًا لِلْخَيْلَاءِ عَنْهُمْ، وَلَمَّا فِي ذَلِكَ مِنْ تَعْفِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالتُّرَابِ تَوَاضِعًا، وَالتَّصَاقِ كَرَائِمِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَصَاغِرًا، وَلُحُوقِ الْبُطُونِ بِالْمُتُونِ مِنَ الصِّيَامِ تَدَلُّلًا. (1)

126. الإمام الباقر عليه السلام: الصَّلَاةُ تَثْبِيتٌ لِلْإِخْلَاصِ، وَتَنْزِيَةٌ عَنِ الْكِبَرِ. (2)

4/3 إِقَامَةُ الدِّينِ

127. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ. (3)

128. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ. (4)

129. الإمام علي عليه السلام: اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ. (5) 6.

ص: 130

1- نهج البلاغة: الخطبة 192، بحار الأنوار: ج 82 ص 275 ح 23.

2- الأُمالي للطوسي: ص 296 ح 582، بشارة المصطفى: ص 189 وفيه «تبرية» بدل «تنزية» وكلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج 78 ص 183 ح 8.

3- الكافي: ج 2 ص 19 ح 5 عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام وج 3 ص 99 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 1 ص 174 ح 496 كلاهما عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «الصلاة عماد دينكم» وج 2 ص 237 ح 936 عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه: «إن عمود الدين الصلاة» بحار الأنوار: ج 68 ص 332 ح 10؛ الفردوس: ج 2 ص 404 ح 3795 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «الصلاة عماد الدين».

4- الإفصاح: ص 201، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 366 عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج 77 ص 78؛ شعب الإيمان: ج 3 ص 39 ح 2807 عن عمر، تفسير الفخر الرازي: ج 2 ص 26، الكشاف: ج 1 ص 21، كنز العمال: ج 7 ص 284 ح 18891.

5- نهج البلاغة: الكتاب 47، الكافي: ج 7 ص 52 ح 7 عن عبد الرحمن بن الحجّاج عن الإمام الكاظم عنه عليهما السلام، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 177 ح 714 عن سليم بن قيس الهلالي وكلاهما بزيادة «فإنّها خير العمل» بعد «الصلاة»، بحار الأنوار: ج 42 ص 249 ح 51؛ المعجم الكبير: ج 1 ص 101 ح 168 عن إسماعيل بن راشد؛ سبيل الهدى والرشاد: ج 11 ص 306.

جوارح آنان را آرام کند، دیده هایشان را خاشع نماید، روحشان را رام گرداند، دل هایشان را خاضع کند و غرور را از آنان بزداید، و نیز به خاطر آنچه در آن است از: به خاک افتادن فروتنانه رخسارهای شریف و چسباندن خاشعانه عزیزترین اندام ها به زمین و نیز رسیدن شکم ها به پشت از روزه داری، برای اظهار خضوع.

126. امام باقر علیه السلام: نماز، استوار کننده اخلاص و دور کننده کبر است.

4/3: برپایی دین

127. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، ستون دین شماس است.

128. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، پایه دین است.

129. امام علی علیه السلام: خدا را، خدا را در باره نماز، که ستون دین شماس است!

ص: 131

130. عنه عليه السلام: اوصيكم بالصلاة، هي التي عمود الدين وقوام الإسلام، فلا تغفلوا عنها. (1)

131. عنه عليه السلام: اوصيكم بالصلاة وحفظها، فإنها خير العمل، وهي عمود دينكم. (2)

132. رسول الله صلى الله عليه وآله: قِيمُ (3) الدين الصلاة. (4)

133. عنه صلى الله عليه وآله: مثل الصلاة مثل عمود الفسطاط (5)؛ إذا ثبت العمود نفع الأطناب (6) والأوتاد والغشاء، وإذا انكسر العمود لم ينفع طنّب ولا وتد ولا غشاء. (7)

134. عنه صلى الله عليه وآله: إنّما موضع الصلاة من الدين، كموضع الرأس من الجسد. (8)

135. سنن الترمذي عن معاذ بن جبل عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا خيرك برأس الأمر كُله وعموده وذروة سنامه؟ (9) قلت: بلى يا رسول الله.

قال: رأس الأمر الإسلام، وعموده الصلاة، وذروة سنامه الجهاد. (10)

136. الإمام الصادق عليه السلام: جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، أخبرني عن الإسلام، أصله وفرعه وذروته وسنامه. 0.

ص: 132

- 1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 133 و ج 2 ص 350، بحار الأنوار: ج 82 ص 232 ح 57.
- 2- الأمامي للطوسي: ص 522 ح 1157، عن المجاشعي عن الإمام الرضا عن أبيه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 209 ح 20.
- 3- قِيم الشيء: الذي يقوم بحفظه ومراعاته (مجمع البحرين: ج 2 ص 1532 «قوم»).
- 4- الزهد لابن المبارك: ص 288 ح 839 عن وهب بن منبه، كنز العمال: ج 3 ص 351 ح 6888.
- 5- الفسطاط - بضم الفاء وكسرها - بيت من الشعر (المصباح المنير: ص 472 «فسط»).
- 6- الطنّب: الحبل تُشدُّ به الخيمة، والجمع أطناب (المصباح المنير: ص 378 «طنّب»).
- 7- الكافي: ج 3 ص 266 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 942 كلاهما عن عبيد بن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 211 ح 639، المحاسن: ج 1 ص 116 ح 117 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام اعلام الدين: ص 327 عن لقمان عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 218 ح 36.
- 8- المعجم الأوسط: ج 2 ص 383 ح 2292، المعجم الصغير: ج 1 ص 61، مسند الشهاب: ج 1 ص 182 ح 268، الفردوس: ج 4 ص 157 ح 6492 كلّها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 300 ح 18972.
- 9- ذروة كلّ شيء وذروته: أعلاه، وذروة السنام والرأس: أشرفهما (لسان العرب: ج 14 ص 284 «ذرا»).
- 10- سنن الترمذي: ج 5 ص 12 ح 2616، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 428 ح 11394، كنز العمال: ج 15 ص 915 ح 43579؛ المجازات النبوية: ص 375 ح 340.

130. امام علی علیه السلام: شما را به نماز سفارش می‌کنم که ستون دین و برپا دارنده اسلام است.

پس، از آن غفلت نکنید.

131. امام علی علیه السلام: شما را به نماز و محافظت از آن سفارش می‌کنم که آن، بهترین عمل و ستون دین شماست.

132. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برپا دارنده دین، نماز است.

133. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، مانند ستون خیمه است. اگر ستون برپا باشد، ریسمان‌ها و میخ‌ها و پرده به کار می‌آیند و هنگامی که ستون بشکند، نه ریسمان به کار می‌آید و نه میخ و پرده ای.

134. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جایگاه نماز در دین، مانند سر در کالبد است.

135. سنن الترمذی - به نقل از معاذ بن جبل - پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «آیا تو را از اساس کار و ستون و قلعه آن، خبر نکنم؟».

گفتم: آری، ای پیامبر خدا!

فرمود: «اساس کار، اسلام و ستون آن، نماز و قلعه اش جهاد است».

136. امام صادق علیه السلام: مردی به خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای پیامبر خدا! مرا از اسلام آگاه کن: از اصل و فرع و قلعه و اوج آن.

ص: 133

فَقَالَ: أَصْلُهُ الصَّلَاةُ، وَفَرَعُهُ الزَّكَاةُ، وَذِرْوَتُهُ وَسَنَامُهُ الجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى. (1)

137. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَّمَ الإِيمَانَ الصَّلَاةَ. (2)

138. عنه صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ، وَوَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةَ. (3)

139. الإمام علي عليه السلام: سِتُّ مِنْ قَوَاعِدِ الدِّينِ: إِخْلَاصُ اليَقِينِ، وَنُصْحُ المُسْلِمِينَ، وَإِقَامَةُ الصَّلَاةِ... (4)

140. الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِي بِالْوَلَايَةِ.

(5)

141. الكافي عن حريز بن عبدالله عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ.

قال زرارة: فَقُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟ 1.

ص: 134

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 242 ح 958 عن سليمان بن خالد، الكافي: ج 2 ص 23 ح 15 عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 75 ح 1775 عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 450 ح 1038 كلاهما عن علي بن عبدالعزيز عن الإمام الصادق عليه السلام وكلّهما نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 386 ح 35.

2- تاريخ أصبهان: ج 2 ص 241 الرقم 1565، تاريخ بغداد: ج 11 ص 109 الرقم 5803 وفيه «الإسلام» بدل «الإيمان»، مسند الشهاب: ج 1 ص 131 ح 165، الفردوس: ج 3 ص 41 ح 4102 كلّها عن أبي سعيد الخدري؛ جامع الأخبار: ص 184 ح 448.

3- الكافي: ج 3 ص 270 ح 16 عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 940 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، المجازات النبوية: ص 199 ح 169، الجعفریات: ص 39 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام: ج 1 ص 133 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 84 ص 373 ح 25.

4- غرر الحكم: ج 4 ص 150 ح 5638، عيون الحكم والمواعظ: ص 287 ح 5183.

5- الكافي: ج 2 ص 18 ح 1 عن أبي حمزة وح 3 عن فضيل بن يسار وح 5 عن زرارة وليس فيه ذيله وح 21 ح 8 عن فضيل بزيادة «يوم الغدير» في آخره، بحار الأنوار: ج 68 ص 329 ح 1.

پیامبر فرمود: «اصل آن، نماز و فرع آن، زکات و قلّه و اوجش، پیکار در راه خداوند متعال است».

137. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه ایمان، نماز است. (1)

138. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیز، چهره ای دارد و چهره دین شما، نماز است.

139. امام علی علیه السلام: شش چیز از پایه های دین است: یقین خالص، خیرخواهی برای مسلمانان، بر پا داشتن نماز....

140. امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، و به هیچ چیز چون ولایت تأکید نشده است.

141. الکافی - به نقل از حریر بن عبد الله، از زراره - امام باقر علیه السلام فرمود: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت».

گفتم: کدام يك، برتر از بقیه است؟

ص: 135

1- در نقل تاریخ بغداد، به جای «ایمان»، «اسلام» است.

فَقَالَ: الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ؛ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ، وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ.

قُلْتُ: ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ؟

فَقَالَ: الصَّلَاةُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ». (1)

142. الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى سَبْعِ دَعَائِمٍ: الْوَلَايَةُ؛ وَهِيَ أَفْضَلُ لِمَهْلِهَا، وَبِهَا وَبِ الْوَلِيِّ يُوَصَّلُ إِلَى مَعْرِفَتِهَا، وَالطَّهَارَةُ، وَالصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَالْحَجُّ، وَالْجِهَادُ. (2)

143. الإمام الصادق عليه السلام: أَتَانِي (3) الْإِسْلَامُ ثَلَاثَةَ ثَلَاثَةِ: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالْوَلَايَةُ، لَا تَصِحُّ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا. (4)

5/3 إحياء القرآن

144. الإمام الرضا عليه السلام: أَمَرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا، وَلِيَكُونَ (5) مَحْفُوظًا مَدْرُوسًا فَلَا يَضْمَحِلَّ وَلَا يُجْهَلَ. (6) 1.

ص: 136

- 1- الكافي: ج 2 ص 18 ح 5، المحاسن: ج 1 ص 446 ح 1034، تفسير العياشي: ج 1 ص 191 ح 109، بحار الأنوار: ج 68 ص 332 ح 10 وراجع صحيح البخاري: ج 1 ص 12 ح 8 وصحيح مسلم: ج 1 ص 45 ح 19 وكنز العمال: ج 11 ص 353 ح 31725.
- 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 2، شرح الأخبار: ج 1 ص 253 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، خاتمة مستدرک الوسائل: ج 1 ص 158.
- 3- الأثنية- بكسر الهمزة وفتحها-: الحجر الذي توضع عليه القدر، وجمعها أثافي (لسان العرب: ج 9 ص 3 «أثف»).
- 4- الكافي: ج 2 ص 18 ح 4 عن ابن العرزمي عن أبيه، المحاسن: ج 1 ص 445 ح 1032 عن أبي صادق عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 330 ح 5.
- 5- في المصدر: «وليكن»، والتصويب من بحار الأنوار؛ إذ هو الأنسب للسياق.
- 6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 310 ح 926، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 107 ح 1، علل الشرائع: ص 260 ح 9 كلها عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج 6 ص 68 ح 1.

فرمود: «ولایت، برتر است؛ چون کلید آنها و راه نمای به آنهاست».

گفتم: پس از آن، کدام یک برتر است؟

فرمود: «نماز. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز، پایه دین شماس».

142. امام باقر علیه السلام: اسلام بر هفت پایه بنا شده است: ولایت- که برترین آنهاست و به آن و به ولی، معرفت بقیّه آنها حاصل می شود-، طهارت، نماز، زکات، روزه، حج و جهاد.

143. امام صادق علیه السلام: سه چیز، سنگ بنای اسلام اند: نماز، زکات و ولایت، و هیچ یک جز به همراه بقیّه درست نیست.

5/3: زنده داشتن قرآن

144. امام رضا علیه السلام: مردم به قرائت قرآن در نماز فرمان یافتند تا قرآن، مهجور و تباه نشود و باید محفوظ باشد و تکرار شود تا از میان نرود و از آن ناآگاه نمانند.

ص: 137

الكتاب:

(1) «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ».

(2) «وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ».

(3) «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ».

(4) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

(5) «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

(6) «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

ص: 138

1- البقرة:43.

2- الأنعام:72.

3- إبراهيم:40.

4- الحج:77.

5- الحج:41.

6- النور:56.

قرآن

«نماز به پا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان، رکوع کنید».

«و این که نماز بر پا دارید و از او پروا کنید و هموست که به سویش محشور می شوید».

«پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز، پروردگارا! و دعایم را بپذیر».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب کنید. باشد که رستگار شوید».

«همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز به پا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده فرمان می دهند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست».

«نماز به پا دارید و زکات بدهید و از پیامبر [خدا] پیروی کنید، باشد که بر شما رحم شود».

«مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ». (1)

الحديث:

145. رسول الله صلى الله عليه وآله -لِأَمِّ أَنَسِ الْأَنْصَارِيَِّّةِ- عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ، وَاهْجُرِي الْمَعَاصِيَ؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْجِهَادِ. (2)

146. التاريخ الكبير عن أنس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَعْجَبَهُ نَحْوُ الرَّجُلِ أَمْرَهُ بِالصَّلَاةِ. (3)

147. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ هِمَّتُهُ فِي الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْعِبَادَةِ. (4)

148. عنه صلى الله عليه وآله: صَلَاةٌ فِي إِثْرِ صَلَاةٍ لَا لَعْوَ بَيْنَهُمَا، كِتَابٌ فِي عِلِّيِّينَ. (5)

149. عنه صلى الله عليه وآله: لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ؛ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالذِّينِ. (6)

150. عنه صلى الله عليه وآله: أَخْبَرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ، أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا وَقَّفَ الْخَلَائِقَ وَجَمَعَ الْأَوْلِيَيْنَ وَالْآخِرِينَ، أَتَى بِجَهَنَّمَ... 4.

ص: 140

1- الروم: 31.

2- الاستيعاب: ج 4 ص 478 الرقم 3555 المعجم الكبير: ج 25 ص 150 ح 359، الإصابة: ج 8 ص 357 الرقم 11896 كلَّها عن أمِّ أنسٍ وكلاهما نحوه، أسد الغابة: ج 7 ص 290 الرقم 7368 عن موسى بن عمران، كنز العمال: ج 7 ص 288 ح 18919 نقلاً عن المحاملي في أماليه عن أمِّ أنس.

3- التاريخ الكبير: ج 1 ص 180 الرقم 551، تهذيب الكمال: ج 1 ص 430 الرقم 92، حلية الأولياء: ج 1 ص 343، أسد الغابة: ج 4 ص 42 الرقم 3690، الإصابة: ج 4 ص 421 الرقم 5588 وفيهما «إذا رضي هدي الرجل» بدل «إذا أعجبه نحو الرجل» عن عطية بن عامر.

4- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 99.

5- سنن أبي داود: ج 2 ص 27 ح 1288، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 298 ح 22336، السنن الكبرى: ج 3 ص 70 ح 4910، المعجم الكبير: ج 8 ص 128 ح 7582، مسند الشاميين: ج 1 ص 338 ح 593 كلَّها عن أبي امامة، كنز العمال: ج 7 ص 288 ح 18914.

6- تحف العقول: ص 26، بحار الأنوار: ج 77 ص 127 ح 33؛ تاريخ جرجان: ص 262 الرقم 398، تاريخ دمشق: ج 58 ص 409 ح 12178 نحوه، الفردوس: ج 3 ص 460 ح 5425 كلَّها عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج 15 ص 871 ح 43464.

«به سويش توبه و از او پروا كنيد و نماز به پا داريد و از مشركان مباحيد».

حديث

145. پيامبر خدا صلى الله عليه و آله - خطاب به امّ انس انصاری-: مراقب نمازت باش و از معصيت ها دوری کن که آن برترین جهاد است.

146. التاريخ الكبير - به نقل از انس-: پيامبر صلى الله عليه و آله هر گاه از کسی خوشش می آمد، او را به نماز فرمان می داد.

147. پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: اهتمام مؤمن، به نماز و روزه و عبادت است.

148. پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: نماز پشت سر نماز که کار بيهوده در ميانشان نباشد، نوشته ای در علیین است.

149. پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: بیشتر همّ و غمت، نماز باشد که آن، سرِ اسلام پس از پذیرش دین است.

150. پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: روح الامین (جبرئیل) به من خبر داد که خدای یگانه، هنگامی که مردم را [در روز قیامت] متوقف می کند و اولی ها و آخری ها را گرد و دوزخ را می آورد....

ص: 141

ثُمَّ يَوْضَعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَاحِدٌ مِنَ السَّيْفِ، عَلَيْهِ ثَلَاثُ قَنَاظِرَ:

الأولى عَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَالرَّحْمَةُ، وَالثَّانِيَةُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ، وَالثَّلَاثَةُ عَلَيْهَا (عَدْلٌ) (1) رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، فَيُكَلِّفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهَا فَتَحْسِبُهُمْ الرَّحْمَةُ وَالْأَمَانَةُ، فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا حَبَسَتْ تَهُمُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ ذِكْرُهُ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلَمُرْصَادٍ» .

وَالنَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ، فَمُتَعَلِّقٌ تَزُلُّ قَدَمُهُ وَتَثْبُتُ قَدَمُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ حَوْلَهَا يُنَادُونَ:

يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ، اعْفُ وَاصْفَحْ وَعُدْ بِفَضْلِكَ وَسَلِّمْ، وَالنَّاسُ يَتَهَافَتُونَ فِيهَا كَالْفَرَاشِ، فَإِذَا نَجَّاجَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانِي مِنْكَ بَعْدَ يَأْسٍ بِفَضْلِهِ وَمَنْنِهِ، إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ. (2)

151. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ كَانَ يَقُولُ: ... يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ، صَلِّ قَبْلَ أَنْ لَا تَقْدِرَ عَلَى لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ تُصَلِّيَ فِيهِ. (3)

152. عنه عليه السلام: يَا فَضِيلُ، بَلَغَ مِنْ لَقِيَتَ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ، وَقُلْ لَهُمْ: إِنِّي أَقُولُ: إِنِّي لَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِيَوْعٍ؛ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ، وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ، إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (4) 6.

ص: 142

1- أثبتنا ما بين القوسين من الأمالي للصدوق.

2- الكافي: ج 8 ص 312 ح 486، الأمالي للصدوق: ص 241 ح 256، تفسير القمّي: ج 2 ص 421 كلّها عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، روضة الواعظين: ص 547 عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه ذيله من «ثم يوضع عليها صراط» وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج 8 ص 65 ح 2.

3- الأمالي للمفيد: ص 179 ح 1، الأمالي للطوسي: ص 544 ح 1166، الأصول الستة عشر: ص 175 ح 130 كلّها عن أبي بصير، عدّة الداعي: ص 142، دعائم الإسلام: ج 1 ص 134، بحار الأنوار: ج 82 ص 236 ح 65.

4- تفسير العياشي: ج 1 ص 68 ح 123، مستطرفات السرائر: ص 74 ح 17، مشكاة الأنوار: ص 97 ح 217 كلّها عن الفضيل، دعائم الإسلام: ج 1 ص 133، بحار الأنوار: ج 82 ص 232 ح 57 وراجع الخصال: ص 626.

سپس راهی باریک تر از مو و تیزتر از شمشیر بر آن نهاده می شود که سه پل دارد.

پل نخست، امانت و رحمت، و دومی، نماز، و سومی، عدالت پروردگار جهانیان است که جز او معبودی نیست، و مردم را وادار می کنند که از آن بگذرند. ابتدا رحمت و امانت، آنان را نگاه می دارد و اگر از آن رهایی یافتند، نماز، آنها را نگاه می دارد و اگر از آن رها شدند، در انتها به [عدالت] پروردگار جهانیان - که یادش بزرگ باد - بر می خورند و آن، همان سخن خداوند - تبارک و تعالی - است: «بی گمان، خدایت در کمین است».

مردم روی این راه باریک، افتان و خیزان و گاه از آن آویزان پیش می روند و فرشتگان پیرامون آن ندا می دهند: ای بزرگوار! ای بردبار! ببخش و در گذر و به فضلت توجهی دوباره کن و ما را به سلامت به در ببر. مردم مانند پشه ها بر گرد چراغ، به این راه چنگ می زنند، و چون کسی از آنها به رحمت خدای - تبارک و تعالی - نجات می یابد، به او نظر عنایت می کند و او می گوید: ستایش، خدایی راست که مرا به فضل و منتش در پی ناامیدی ام از تو [ای دوزخ] نجات داد. بی گمان، پروردگار ما آمرزشگر و قدردان است.

151. امام باقر علیه السلام: ابو ذر می گفت: ... ای طالب علم! نماز بخوان، پیش از آن که بر شب و روزی دست نیایی که در آن نماز بخوانی.

152. امام باقر علیه السلام: ای فضیل! به هر یک از دوستان ما که او را دیدی، سلام برسان و به آنان بگو: من می گویم: من نمی توانم برایتان در برابر خداوند، کاری کنم، جز با پارسایی تان. پس زبانتان را حفظ و دستانتان را مهار کنید و شکیبا و نمازخوان باشید که خداوند با صابران است.

153. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ وَالْعِبَادَةِ، عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ. (1)

154. عنه عليه السلام: كونوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ. (2)

155. الكافي عن هارون بن خارجة: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَأَحْسَنْتُ عَلَيْهِ الشَّنَاءَ، فَقَالَ لِي: كَيْفَ صَلَاتُهُ؟ (3)

2/4 الْمُحَافَظَةُ عَلَى حُدُودِ الصَّلَاةِ وَأَوْقَاتِهَا

الكتاب:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَفُؤِمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ». (4)

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ * أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ». (5)

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتُنذِيرٌ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ». (6)

الحديث:

156. الإمام الصادق عليه السلام -في قوله تعالى: «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»-: إِبْقَالُ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ 2.

ص: 144

- 1- الأُمَالِي لِلْمَفِيد: ص 270 ح 1، الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص 33 ح 33، بَشَارَةُ الْمَصْطَفَى: ص 46، شَرْحُ الْإِخْبَارِ: ج 2 ص 577 ح 1336، الدَّرُّ النَّظِيم: ص 641 كُلُّهَا عَنْ كَلِيبِ بْنِ مَعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 82 ص 208 ح 16.
- 2- الكافي: ج 2 ص 78 ح 14 عن ابن أبي يعفور، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 70 ص 303 ح 13.
- 3- الكافي: ج 3 ص 487 ح 4، وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ: ج 3 ص 21 ح 4434.
- 4- البقرة: 238.
- 5- المؤمنون: 9 و 10.
- 6- الأنعام: 92.

153. امام صادق علیه السلام: در پی نماز و پرستش و پارسایی باشید.

154. امام صادق علیه السلام: مردم را با غیر زبان هایتان دعوت کنید. آنان باید از شما پارسایی و تلاش و نماز و نیکی بینند. این، معنای دعوت حقیقی است.

155. الکافی - به نقل از هارون بن خارجه - یکی از یارانمان را نزد امام صادق علیه السلام یاد کردم و او را ستودم. به من فرمود: «نمازش چگونه است؟».

2/4: پاسداری از حدود و وقت های نماز

قرآن

«بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و فروتنانه برای خدا به پا خیزید».

«و آنان [مؤمنان، کسانی هستند] که بر نمازهایشان مواظبت می کنند، آنان اند که وارثان [بهشت] اند».

«و این، خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم؛ کتاب هایی را که پیش از آن آمده، تصدیق می کند، و برای این که [مردم] امّ القری (مکه) و کسانی را که پیرامون آن اند، هشدار دهی، و کسانی که به آخرت ایمان می آورند، به آن نیز ایمان می آورند و آنان بر نمازهای خود، مواظبت می کنند».

حدیث

156. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خدای متعال: «و برای خدا فروتنانه به پا خیزید» - توجّه

ص: 145

وَمُحَافَظَتُهُ حَتَّى لَا يُلْهِبَهُ وَلَا يَشْغَلَهُ عَنْهَا شَيْءٌ. (1)

157. عنه عليه السلام -في قولِ الله عز و جل: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (2) -: كانوا أصحابَ تِجَارَةٍ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةَ تَرَكُوا التِّجَارَةَ وَانْطَلَقُوا إِلَى الصَّلَاةِ، وَهُمْ أَعْظَمُ أَجْرًا مِمَّنْ لَمْ يَتَّجِرْ (3). (4)

158. الكافي عن أسباط بن سالم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْنَا عَنْ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ مَا فَعَلَ؟ فَقُلْتُ: صَالِحٌ، وَلَكِنَّهُ قَدْ تَرَكَ التِّجَارَةَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَمَلُ الشَّيْطَانِ -ثَلَاثًا-، أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اشْتَرَى عَيْرًا أَتَتْ مِنَ الشَّامِ فَاسْتَفْضَلَ فِيهَا مَا فَضِيَ دِينَهُ وَقَسَمَ فِي قَرَابَتِهِ؟! يَقُولُ اللَّهُ عز و جل:

«رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. يَقُولُ الْقُصَّاصُ: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَتَّجِرُونَ، كَذَبُوا! وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي مِيقَاتِهَا، وَهُوَ أَفْضَلُ مِمَّنْ حَضَرَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَتَّجِرْ. (5)

159. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلِمَ الْإِسْلَامُ الصَّلَاةَ، فَمَنْ فَرَّغَ لَهَا قَلْبَهُ بِحُدُودِهَا وَسُنَنِهَا فَهُوَ مُؤْمِنٌ. (6) 0.

ص: 146

1- تفسير القمي: ج 1 ص 79، تفسير العياشي: ج 1 ص 127 ح 418 كلاهما عن ابن سنان، بحار الأنوار: ج 82 ص 286 ح 4.

2- النور: 37.

3- في مجمع البيان: «يَتَّجِرُ» بدل «لم يَتَّجِرُ».

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 192 ح 3720 عن روح بن عبد الرحيم، مجمع البيان: ج 7 ص 227، الكافي: ج 5 ص 154 ح

21 عن المعصوم عليه السلام، فقه الرضا: ص 251 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 67 ص 274.

5- الكافي: ج 5 ص 75 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 326 ح 897، بحار الأنوار: ج 83 ص 4.

6- تاريخ بغداد: ج 11 ص 109 الرقم 5803، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 241 الرقم 1565 كلاهما عن أبي سعيد الخدري، النهاية: ج 1 ص

457، شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج 10 ص 206، الفردوس: ج 3 ص 41 ح 4102 عن أبي سعيد وكلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص

279 ح 18870.

انسان به نمازش و مراقبت از آن [را می گوید]، تا آن که چیزی او را از آن غافل نکند و به خود مشغول نسازد.

157. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خدای عز و جل: «مردانی که تجارت و داد و ستد، آنان را از ذکر خدا غافل نمی کند» - اینها تاجرانی بودند که چون وقت نماز فرا می رسید، تجارت را رها می کردند و به سوی نماز می رفتند. اینان از کسانی که تجارت نمی کنند، اجر بیشتری دارند.

158. الکافی - به نقل از اسباط بن سالم - بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. از ما پرسید: «عمر بن مسلم چه می کند؟».

گفتم: خوب است؛ اما تجارت را رها کرده است.

امام صادق علیه السلام سه بار فرمود: «کار شیطان است. آیا نمی داند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کالای قافله ای از شام آمده را خرید و با سود حاصل از فروش آن، بدهی اش را پرداخت و بخشی را میان نزدیکانش قسمت کرد. خداوند عز و جل می فرماید: «مردانی که تجارت و داد و ستد، آنان را از ذکر خدا غافل نمی کند» (تا پایان آیه).

قصه پردازان که می گویند: آنها تجارت نمی کردند، نادرست می گویند؛ بلکه آنان، تاجرانی بودند که نماز را در وقتش و نمی نهادند [و تجارت را بر آن مقدم نمی کردند] و این برتر از کسی است که تجارت نکند و به نماز حاضر شود».

159. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پرچم برافراشته اسلام، نماز است. پس هر کس به آن دل بسپارد و آن را با واجبات و مستحباتش انجام دهد، مؤمن است.

160. عنه صلى الله عليه وآله: حَسْبُ الرَّجُلِ مِنْ دِينِهِ كَثْرَةُ مُحَافَظَتِهِ عَلَى إِقَامَةِ الصَّلَاةِ. (1)

161. سنن النسائي عن عبد الله بن مسعود: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: إِقَامُ الصَّلَاةِ لَوَقْتِهَا وَ.... (2)

162. صحيح مسلم عن عبد الله بن مسعود: قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَقْرَبُ إِلَى الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى مَوَاقِيتِهَا. (3)

163. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا، وَأَسْبَغَ لَهَا وَضُوءَهَا، وَأَتَمَّ لَهَا قِيَامَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا، خَرَجَتْ وَهِيَ بَيْضَاءٌ مُسْفِرَةٌ تَقُولُ: حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي. (4)

164. عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ كَانَ لِأَحَدِكُمْ هَذِهِ السَّارِيَةُ (5) لَكَرِهَ أَنْ تُجَدَعَ (6)، كَيْفَ أَنْ يَعْهَدَ أَحَدُكُمْ فَيَجْدَعَ صَالَتَهُ الَّتِي هِيَ لِلَّهِ؟! فَأَتَمُّوا صَلَاتِكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا تَامًا. (7)

165. صحيح ابن خزيمة عن شرحبيل بن حسنة: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَصْحَابِهِ، ثُمَّ جَلَسَ 0.

ص: 148

- 1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 122.
- 2- سنن النسائي: ج 1 ص 293، صحيح البخاري: ج 6 ص 2740 ح 7096 نحوه، تاريخ بغداد: ج 3 ص 204 الرقم 1249، المعجم الاوسط: ج 3 ص 327 ح 3304 عن ام فروة، كنز العمال: ج 7 ص 285 ح 18897؛ الخصال: ص 163 ح 213، بحار الأنوار: ج 83 ص 13 ح 18.
- 3- صحيح مسلم: ج 1 ص 89 ح 138، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 288 الرقم 1755، سنن الترمذي: ج 1 ص 326 ح 173 وفيه «اي العمل افضل» بدل «اي الاعمال اقرب إلى الجنة».
- 4- المعجم الأوسط: ج 3 ص 263 ح 3095 عن أنس، تفسير الفخر الرازي: ج 23 ص 84، مسند الطيالسي: ص 80 ح 585 عن عبادة بن الصامت و كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 316 ح 19052؛ الأمالي للصدوق: ص 328 ح 388 عن عمّار بن موسى الساباطي عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 348 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 10 ح 7.
- 5- السارية: الأسطوانة (مجمع البحرين: ج 2 ص 843 «سرى»).
- 6- الجدع: القطع (لسان العرب: ج 8 ص 41 «جدع»).
- 7- المعجم الأوسط: ج 6 ص 241 ح 6296، عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 511 ح 20010.

160. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مواظبت بسیار شخص بر انجام نمازها، برای دیندار بودنش کفایت می کند.

161. سنن النسائی - به نقل از عبد الله بن مسعود-: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: کدام عمل را خدا بیشتر دوست دارد؟

فرمود: «خواندن نماز در وقتش و...».

162. صحیح مسلم - به نقل از عبد الله بن مسعود-: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: کدام عمل، بیشتر به بهشت نزدیک می کند؟

فرمود: «نماز در وقت خود».

163. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز را در وقتش بخواند و وضویش را کامل بگیرد و قیام و خشوع و رکوع و سجودش را

کامل به جا بیاورد، نمازش درخشان و تابناک در می آید و می گوید: خدا حفظت کند، آن گونه که مرا حفظ کردی!

164. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر این ستون از آن یکی از شما باشد، ناخوش می دارد که آن قطع شود. پس چگونه حاضر می شود

نمازش را که ستون دین خداست، قطع کند؟! نمازتان را تمام و کامل بخوانید که خداوند، جز کامل را نمی پذیرد.

165. صحیح ابن خزیمه - به نقل از شرحبیل بن حسنه-: پیامبر خدا با یارانش نماز خواند و

في طائفةٍ منهم، فَدَخَلَ رَجُلٌ فَمَقَامٌ يُصَلِّي، فَجَعَلَ يَرْكَعُ وَيَتَقَرُّ فِي سُجُودِهِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَرُونَ هَذَا؟ مَنْ مَاتَ عَلَى هَذَا مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّةٍ مُحَمَّدٍ؛ يَنْقُرُ صَدْرَهُ كَمَا يَنْقُرُ الْغُرَابُ الدَّمَ. إِنَّمَا مَثَلُ الَّذِي يَرْكَعُ وَيَتَقَرُّ فِي سُجُودِهِ كَالْجَائِعِ لَا يَأْكُلُ إِلَّا التَّمْرَةَ وَالتَّمْرَتَيْنِ، فَمَاذَا تُغْنِيَانِ عَنْهُ؟! فَاسْبِغُوا الوُضُوءَ، وَيَلُّ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ، أَتَمُّوا الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ. (1)

166. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَسْبَغَ وُضُوءَهُ، وَأَحْسَنَ صَدْرَهُ، وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ، وَكَفَّ غَضَبَهُ، وَسَدَّ جَنَ لِسَانَهُ، وَاسْتَغْفَرَ لِدُنْبِهِ، وَأَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ، وَأَبْوَابَ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةً لَهُ. (2)

167. عنه صلى الله عليه وآله: حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْعُو الْعَبْدَ، فَأَوَّلُ شَيْءٍ يُسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَّةً وَإِلَّا رُخِّحَ (3) بِهِ فِي النَّارِ. (4)

168. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاهَةً مِنْ السَّمَاءِ عَوْفِيٍّ مِنْهَا حَمَلَةٌ الْقُرْآنِ، وَرُعَاةُ الشَّمْسِ -أَيِ الْحَافِظُونَ لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ-، وَعُمَّارُ الْمَسَاجِدِ. (5) 7.

ص: 150

1- صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 332 ح 665، السنن الكبرى: ج 2 ص 127 ح 2573، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 360 ح 7148، الأحاد والمثاني: ج 1 ص 372 ح 62 كلُّها عن عمرو بن العاص نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 510 ح 20008؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 117 ح 39 نحوه، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 39 ح 2963.

2- ثواب الأعمال: ص 45 ح 1، بشارة المصطفى: ص 190 كلاهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، المحاسن: ج 1 ص 74 ح 32 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الجعفریات: ص 230 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص: ص 233 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 69 ص 168 ح 8.

3- رُخِّحَ: أَي دُفِعَ وَرُمِيَ (النهاية: ج 2 ص 298 «زخخ»). وفي جامع الأخبار ومجمع البحرين: «رُخِّحَ» بدل «رُخِّحَ».

4- صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 151 ح 90 عن أحمد بن عامر الطائفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 31 ح 45 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وليس فيه صدره، جامع الأخبار: ص 186 ح 458، بحار الأنوار: ج 82 ص 202 ح 1.

5- مستدرک الوسائل: ج 3 ص 149 ح 3235 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب وراجع شعب الإيمان: ج 3 ص 83 ح 2947.

سپس میان دسته ای از آنان نشست. مردی وارد شد و به نماز ایستاد و رکوع کرد؛ ولی سجودش، مانند نوك زدن پرنده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا او را می بینید؟ هر کس با این وضعیت بمیرد، به غیر دین محمد مرده است. در نمازش نوك می زند، همان گونه که کلاغ به خون نوك می زند.

کسی که رکوع می کند و سجده اش مانند نوك زدن است، مثال گرسنه ای است که تنها یکی دو خرما می خورد. چه فایده ای برای او دارد؟ وضو را کامل بگیرد. وای بر پشت پاها از آتش! (1) رکوع و سجود را کامل انجام دهید».

166. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وضویی کامل بگیرد و نمازش را نیکو بخواند و زکات مالش را بدهد و خشمش را مهار کند و زبانش را نگه دارد و از گناهش آمرزش بخواهد و برای اهل بیت پیامبرش خیرخواهی کند، حقایق ایمان را به کمال رسانده و درهای بهشت برایش گشوده است.

167. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر نمازهای پنجگانه مواظبت کنید که خدای عز و جل روز قیامت، بنده را فرا می خواند و نخستین چیزی که از آن می پرسد، نماز است. اگر آن را کامل آورده باشد، [مشکلی ندارد] و گرنه به خاطر آن به آتش افکنده می شود.

168. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که خداوند، آفتی از آسمان فرو فرستد، حاملان قرآن و مراقبان خورشید-یعنی مواظبت کنندگان بر وقت های نماز- و آبادگران مساجد، از آن در امان می مانند).

ص: 151

1- مقصود، آن است که به هنگام قضای حاجت، اگر پاشنه و قسمت عقب پا نجس شد، آن جا را پاک کنید و به وضو که در آن فقط روی پا را مسح می کنید، بسنده نکنید (ر.ک: منتهی المطلب، علامه حلی: ج 2 ص 68). (م).

169. عنه صلى الله عليه وآله: كُنَّا مَرَّةً رُعَاةَ الْإِبِلِ، فَصَبَرْنَا يَوْمَ رُعَاةِ الشَّمْسِ. (1)

170. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَالْأَظْلَمَةَ لِذِكْرِ اللَّهِ. (2)

171. الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ، فَقَالَ: يَا مَلِكُ الْمَوْتِ ارْفُقْ بِصَاحِبِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ. فَقَالَ: أَبْشِرْ يَا مُحَمَّدُ، فَإِنِّي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَفِيقٌ، وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنِّي أَقْبِضُ رُوحَ ابْنِ آدَمَ فَيَجْزَعُ أَهْلُهُ، فَأَقُومُ فِي نَاحِيَةِ دَارِهِمْ فَأَقُولُ: مَا هَذَا الْجَزَعُ؟! فَوَاللَّهِ مَا تَعَجَّلْنَاهُ قَبْلَ أَجَلِهِ... وَاعْلَمُوا أَنَّ لَنَا فِيكُمْ عَوْدَةً ثُمَّ عَوْدَةً، فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ، إِنَّهُ لَيْسَ فِي شَيْءٍ رَفِيقًا وَلَا فِي غَرْبِهَا أَهْلُ بَيْتِ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ (3) إِلَّا وَأَنَا أَنْصَفُهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، وَلَأَنَا أَعْلَمُ بِصَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ، وَلَوْ أَرَدْتُ قَبْضَ رُوحِ بَعُوضَةٍ مَا قَدَرْتُ عَلَيْهَا حَتَّى يَأْمُرَنِي رَبِّي بِهَا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا يَنْصَفُهُمْ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ، فَإِنْ كَانَ مِمَّنْ يُوَاطِبُ عَلَيْهَا عِنْدَ مَوَاقِيتِهَا، لَقَنَّهَ شَيْءٌ هَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَنَحَى عَنْهُ مَلَكُ الْمَوْتِ إِبْلِيسَ. (4) 0.

ص: 152

- 1- الأُمالي للمفيد: ص 136 ح 5 عن سويد بن غفلة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 9 ح 5.
- 2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 115 ح 163، السنن الكبرى: ج 1 ص 558 ح 1781، الدعاء للطبراني: ص 524 ح 1876، ذيل تاريخ بغداد: ج 1 ص 196 الرقم 199 كلها عن عبدالله بن أبي أوفى، كنز العمال: ج 7 ص 683 ح 20902؛ تنبيه الخواطر: ج 2 ص 123 نحوه.
- 3- أهل مَدْرٍ وَوَبَرٍ: أهل المَدْرِ أي أهل القرى والأمصار. وأهل الوبر: أهل البوادي (النهاية: ج 4 ص 309 «مدر») وح 5 ص 145 «وبر».
- 4- الكافي: ج 3 ص 136 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 137 ح 369 وليس فيه صدره إلى «يأمرني ربي بها» نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 169 ح 44؛ المعجم الكبير: ج 4 ص 220 ح 4188، الآحاد والمثاني: ج 4 ص 251 كلاهما عن عمرو بن شمر الجعفي عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن حارث بن خزرج عن أبيه عنه صلى الله عليه وآله وفيه: «قال جعفر: بلغني أنه» بدل «فقال رسول الله صلى الله عليه وآله»، تفسير ابن كثير: ج 6 ص 363 عن عمر بن سمرة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 705 ح 42810.

169. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ما روزگاری نگهبان شتران بودیم و اکنون نگهبان خورشیدیم [و مراقب وقتِ برپایی نمازها].

170. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بندگان برگزیده خداوند، کسانی هستند که خورشید و ماه و ستاره ها و سایه ها را برای ذکر خدا [در نماز و روزه]، نگاهبانی می کنند.

171. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا بر مردی از یارانش که در حال مرگ بود، وارد شد و فرمود:

«ای فرشته مرگ! با یارم مدارا کن که او باایمان است.»

فرشته گفت: ای محمد! خوش حال باش که من با هر مؤمنی مدارا می کنم. بدان- ای محمد- که من مؤمن را قبض روح می کنم و خانواده اش بی تابی می کنند و من در جایی از خانه شان می ایستم و می گویم: این بی تابی چیست؟! به خدا سوگند، ما پیش از فرا رسیدن اجلس، او را قبض روح نکردیم... بدانید که ما بارها به سوی شما باز می گردیم. پس مراقب باشید. مراقب باشید که در شرق و غرب زمین، خانواده ای در شهر و روستا نیست، جز آن که من پنج مرتبه در هر روز، آنان را از نظر می گذرانم و من به کوچک و بزرگ آنان از خودشان آگاه ترم و اگر بخواهم روح يك پشه را بگیرم، نمی توانم تا آن که پروردگارم به آن فرمان دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرشته مرگ در وقت های نماز به آنها سر می کشد.

پس اگر از کسانی باشد که در وقت نمازها بر آن مواظبت می کنند، شهادتین (گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد) را به او تلقین می کند و ابلیس را از او دور می کند.»

172. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَبَقَ إِلَى الصَّلَاةِ مَخَافَةً أَنْ تَسْبِقَهُ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ تَرَكَهَا مَأْثُرَةً عَلَيْهَا لَمْ يُدْرِكْهَا بِعَمَلٍ إِلَى الْحَوْلِ. (1)

173. عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ يُصَلِّيَ إِنَّمَا يَقُومُ يُنَاجِي رَبَّهُ، فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ يُنَاجِيهِ. (2)

174. عنه صلى الله عليه وآله: حَمْسٌ مَنْ جَاءَ بِهِنَّ مَعَ إِيْمَانٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ: مَنْ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَاةِ وَالْخَمْسِ؛ عَلَى وُضُوئِهِنَّ وَرُكُوعِهِنَّ وَسُجُودِهِنَّ وَمَوَاقِيْتِهِنَّ، وَصَامَ رَمَضَانَ، وَحَجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَأَعْطَى الزَّكَاةَ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ، وَأَدَّى الْأَمَانَةَ. (3)

175. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ ثَلَاثَةٌ ثَلَاثَةٌ: الْطَهُورُ ثُلُثٌ، وَالرُّكُوعُ ثُلُثٌ، وَالسُّجُودُ ثُلُثٌ؛ فَمَنْ أَدَاها بِحَقِّهَا قُبِلَتْ مِنْهُ وَقَبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَمَنْ رُدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ. (4)

176. الإمام عليّ عليه السلام: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فِي أَوْقَاتِهَا؛ فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ -جَلَّ وَعَزَّ- بِمَكَانٍ. (5)

177. عنه عليه السلام -فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَفَاةِ-: أَوْصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ 5.

ص: 154

- 1- حلية الأولياء: ج 6 ص 98 عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 7 ص 361 ح 19268.
- 2- صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 241 ح 474، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 361 ح 861 كلاهما عن أبي هريرة، السنن الكبرى للنسائي: ج 2 ص 265 ح 3364 عن البياضي، المعجم الكبير: ج 12 ص 327 ح 13572 عن ابن عمر كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 439 ح 19676.
- 3- سنن أبي داود: ج 1 ص 116 ح 429، شعب الإيمان: ج 3 ص 19 ح 2750 نحوه، المعجم الصغير: ج 2 ص 5 وليس فيه «ومواقيتهن» وكلها عن أبي الدرداء، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 372 ح 18373 عن حنظلة الكاتب نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 887 ح 43513؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 84 ح 9 عن أبي الدرداء.
- 4- تفسير الثعالبي: ج 1 ص 477، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 372 ح 3748 عن كعب من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، مجمع الزوائد: ج 2 ص 345 ح 2890 نقلاً عن البزار عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 454 ح 19751.
- 5- تحف العقول: ص 152، بحار الأنوار: ج 77 ص 293 ح 2 وراجع التبيان في تفسير القرآن: ج 10 ص 235 وتفسير الطبري: ج 14 الجزء 29 ص 245.

172. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به سوی نماز بشتابد، از بیم آن که بدان نرسد، خداوند، بهشت را برایش واجب می گرداند و هر کس آن را رها و کار دیگری را مقدم کند، تا يك سال با عمل دیگری بهشت را در نمی یابد.

173. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما به نماز برخیزد، به مناجات با پروردگارش برخاسته است. پس بنگرد که چگونه با او مناجات می کند.

174. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که هر کس همراه ایمان بیاورد، وارد بهشت می شود: آن که بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد، بر وضو و رکوع و سجود و وقت های آن، و رمضان را روزه بدارد و حجّ خانه خدا بگذارد، اگر راهی بدان یافت و با طیب خاطر [و رضایتمندانه] زکات پردازد و امانت را ادا کند.

175. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، سه بخش است: يك سوم، طهارت، يك سوم، رکوع و يك سوم، سجده. هر کس حق آنها را ادا کند، نمازش از او پذیرفته می شود و کارهای دیگرش نیز از او پذیرفته می شود و هر کس نمازش از او پذیرفته نشود، کارهای دیگرش نیز پذیرفته نمی شود.

176. امام علی علیه السلام: بر خواندن نمازهای پنجگانه در وقت هایشان مواظبت کنید که آن نزد خدای عز و جل جایگاهی ویژه دارد.

177. امام علی علیه السلام - در وصیت خویش به امام حسن علیه السلام هنگام وفات -: پسر من! تو را به نماز

178. عنه عليه السلام: شِيعَتُنَا رُعَاةُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالتُّجُومِ. (2)

179. عنه عليه السلام: سَبَّعَ مِنْ سَوَابِقِ الْأَعْمَالِ فَتَمَسَّكُوا بِهِنَّ: ... وإِسْبَاغُ الوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ (3)، وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ، وَالْحَجُّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ. (4)

180. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا (5). (6)

181. عنه عليه السلام - فِي دُعَائِهِ عِنْدَ دُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوُظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ. (7)

182. الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ مُوسَى: ... إلهي! فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ لِيُوقِتِهَا، لَمْ يَشْغَلْهَا (8) عَنْ وَقْتِهَا دُنْيَا؟ قَالَ: يَا مُوسَى، أَعْطِيهِ سُؤْلَهُ، وَأَبِيحُهُ جَنَّتِي. (9) 4.

ص: 156

- 1- الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ص 221 ح 1، الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص 7 ح 8 كلاهما عن الفجيج العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام، كَشَفَ الغَمَّةَ: ج 2 ص 162 عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ح 3.
- 2- دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ: ج 1 ص 56، مُسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ: ج 1 ص 128 ح 172.
- 3- السَّبْرَاتِ: جَمْعُ سَبْرَةٍ؛ وَهِيَ شِدَّةُ الْبُرْدِ (النَّهْيَةُ: ج 2 ص 333 «سبر»).
- 4- دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ: ج 1 ص 269، بحار الأنوار: ج 96 ص 257 ح 41.
- 5- قَالَ الْمَجْلِسِيُّ قَدَسَ سِرُّهُ: «لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا» أَي لَا يَعْتَنِي بِهَا وَلَا يَطْلُبُ كَمَالَهَا، بَلْ إِنَّمَا يَهْتَمُّ بِالصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا وَيَقْدِّمُهَا عَلَى سَائِرِ اللَّذَاتِ، أَوْ لَا يُمْكِنُهُ اسْتِكْمَالُهَا (مِرَاةُ الْعُقُولِ: ج 15 ص 30).
- 6- الْكَافِي: ج 3 ص 275 ح 9 عن الإمام الصادق عليه السلام، وسائل الشيعة: ج 3 ص 86 ح 9.
- 7- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ: ص 167 الدَّعَاءُ 44، مُصْبِحُ الْمُتَهَيِّجِ: ص 608 ح 695، الإِقْبَالُ: ج 1 ص 112 كلاهما نحوه، المُصْبِحُ لِلْكَفْعِيِّ: ص 808 وفيه «وَقَّفْنَا» بِدَلِّ «وَقَّفْنَا».
- 8- هَكَذَا فِي الْمَصْدَرِ، وَالظَّاهِرُ أَنَّ الصَّحِيحَ: «لَمْ يَشْغَلْهَا».
- 9- فَضَائِلُ الْأَشْهُرِ الثَّلَاثَةِ: ص 89 ح 68 عن زياد بن المنذر، الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 277 ح 307 عن عبد العظيم الحسيني عن الإمام الهادي عليه السلام، وليس فيه «لَمْ يَشْغَلْهَا عَنْ وَقْتِهَا دُنْيَا»، بحار الأنوار: ج 13 ص 328 ح 4.

در وقتش سفارش می کنم.

178. امام علی علیه السلام: پیروان ما، نگهبانان خورشید و ماه و ستارگان اند.

179. امام علی علیه السلام: هفت چیز از مقدّم ترین کارهاست. به آنها چنگ زنید:... وضوی کامل در سرما، و مواظبت بر نمازها و حجّ خانه خدا.

180. امام زین العابدین علیه السلام: هر کس به وقت های نماز اهمّیت دهد، از خوشی های دنیا، بهره کامل نمی گیرد. (1)

181. امام زین العابدین علیه السلام - در دعای خویش هنگام فرا رسیدن ماه مبارک رمضان - :خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در این ماه به اوقات نمازهای پنجگانه آگاه کن؛ به اجزا و شروطش که معین کرده ای و به واجباتش که مقرر داشته ای و وظیفه هایی که واجب ساخته ای و وقت هایش که محدود نموده ای.

182. امام باقر علیه السلام: موسی علیه السلام هنگام گفتگو با خداوند چنین گفت: خدای من! پاداش آن کس که نماز را در وقتش خوانده و دنیا او را به خود مشغول نساخته است، چیست؟

خداوند فرمود: «ای موسی! آنچه را خواست، به او می بخشم و بهشتم را بر او روا می سازم». د.

ص: 157

1- .علامه مجلسی می نویسد: یعنی به لذّت های دنیا اعتنا نمی کند و در پی کمال آنها نیست؛ بلکه تنها به نماز اوّل وقتش می اندیشد و آن را بر بقیه لذّت ها مقدّم می دارد، یا این که معنای حدیث، آن است که امکان [و فرصت] خوشی کامل را ندارد.

183. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ حَافَظَ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ، لَمْ يَكُتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ. (1)

184. الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ، مُحَافِظٌ عَلَى صَلَوَاتِهِ. (2)

185. تفسير العياشي عن إدريس القميّ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، فَقَالَ: هِيَ الصَّلَاةُ، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا. (3)

186. الكافي عن زيد بن الصائغ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُ اللَّهَ لَنَا، فَقَالَ: اللَّهُمَّ ارزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ، وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ. (4)

187. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَتَى أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّا نَتَّجِرُ إِلَى هَذِهِ الْجِبَالِ، فَتَأْتِي مِنْهَا عَلَى أَمَكِنَةٍ لَا تَقْدِرُ أَنْ نُصَلِّيَ إِلَّا عَلَى الثَّلْجِ.

فَقَالَ: أَلَا تَكُونُ مِثْلَ فُلَانٍ؛ يَرْضَى بِالذُّونِ وَلَا يَطْلُبُ تِجَارَةً لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُصَلِّيَ إِلَّا عَلَى الثَّلْجِ؟! (5)

188. عنه عليه السلام: امْتَحِنُوا شِعْرَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثِ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا؟ 6.

ص: 158

1- صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 180 ح 1142، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 452 ح 1160، شعب الايمان: ج 2 ص 400 ح 2192 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج 7 ص 315 ح 19047؛ الكافي: ج 3 ص 270 ح 14 عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، وسائل الشيعة: ج 3 ص 79 ح 3.

2- الأمالي للصدوق: ص 371 ح 467، الإختصاص: ص 242 كلاهما عن الحسين بن أبي العلاء، مشكاة الأنوار: ص 154 ح 380، روضة الواعظين: ص 408، بحار الأنوار: ج 75 ص 116 ح 13.

3- تفسير العياشي: ج 2 ص 327 ح 31، مجمع البيان: ج 6 ص 731 نحوه، التبيان في تفسير القرآن: ج 7 ص 53 نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 222 ح 44؛ تفسير الطبري: ج 9 الجزء 15 ص 254، تفسير ابن كثير: ج 5 ص 157 كلاهما عن ابن عباس نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

4- الكافي: ج 2 ص 580 ح 13، مصباح المتهجد: ص 271 ح 381، جمال الأسبوع: ص 134، البلد الأمين: ص 70 كلّها نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 297 ح 8.

5- الكافي: ج 5 ص 257 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 381 ح 1121 كلاهما عن الحسين بن أبي العلاء، مشكاة الأنوار: ص 233 ح 662، بحار الأنوار: ج 83 ص 314 ح 6.

183. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بر نمازهای واجب مواظبت ورزد و آنها را در وقتشان بخواند، از غافلان نخواهد بود. (1)

184. امام صادق علیه السلام: محبوب ترین بنده نزد خدای عز و جل، فردی است که در گفتارش راستگو و بر نمازهایش مواظب باشد.

185. تفسیر العیاشی - به نقل از ادریس قمی - از امام صادق علیه السلام در مورد نیکی های ماندگار پرسیدم. فرمود: «آن، نماز است. بر آن مواظبت ورزید».

186. الکافی - به نقل از زید بن صائغ - به امام صادق علیه السلام گفتم: برایمان به درگاه خدا دعایی کن.

فرمود: «خدایا! راستگویی، امانتداری و مواظبت بر نمازها را روزی شان کن».

187. امام صادق علیه السلام: مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و گفت: ما در پی تجارت به این کوه ها سفر می کنیم و به جاهایی می رویم که جز بر برف نمی توانیم نماز بگذاریم.

فرمود: «چرا مثل فلانی نیستی که به کم هم راضی است و در پی تجارتی نمی رود که نتواند جز بر برف نماز بخواند؟!».

188. امام صادق علیه السلام: پیروان ما را در وقت های نماز بیازمایید که مواظبت بر نمازشانند.

ص: 159

1- گویی ناظر به آیه های «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» باشد.

وعند أسرارهم كيف حفظهم لها عند عدونا؟ وإلى أموالهم كيف مواساتهم لإخوانهم فيها؟ (1)

189. الإمام الصادق عليه السلام: يُعْرَفُ مَنْ يَصِفُ الْحَقَّ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: يُنْظَرُ إِلَى أَصْحَابِهِ مَنْ هُمْ؟ وَإِلَى صَلَاتِهِ كَيْفَ هِيَ؟ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ يُصَلِّيهَا؟ (2)

190. عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ، وَحَزْمٌ فِي لَيْنٍ، وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ... وَحِرْصٌ فِي جِهَادٍ، وَصَلَاةٌ فِي شُغْلٍ.... (3)

191. عنه عليه السلام: اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصَلَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَتْمَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَاعْزُبْ (4) ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ: مُحَافَظَةٌ عَلَى الصَّدَاقَاتِ فِي مَوَاقِفِهَا، وَالْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ. (5)

192. عنه عليه السلام: تَعَلَّمُوا مِنَ الذِّكْرِ خَمْسَ خِصَالٍ: مُحَافَظَتَهُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ.... (6) 3.

ص: 160

- 1- الخصال: ص 103 ح 62 عن الليثي، قرب الإسناد: ص 78 ح 253 عن مسعدة بن صدقة، مشكاة الأنوار: ص 150 ح 361، روضة الواعظين: ص 321، أعلام الدين: ص 130، بحار الأنوار: ج 68 ص 149 ح 1.
- 2- المحاسن: ج 1 ص 396 ح 885، بحار الأنوار: ج 67 ص 302 ح 30.
- 3- الكافي: ج 2 ص 231 ح 4، الخصال: ص 571 ح 2، صفات الشيعة: ص 111 ح 54 كلاهما نحوه، أعلام الدين: ص 109، بحار الأنوار: ج 67 ص 271 ح 3.
- 4- عَزَبَ: أَي أَبْعَدَ (النهاية: ج 3 ص 227 «عزب»).
- 5- الكافي: ج 2 ص 672 ح 7، الخصال: ص 47 ح 50 كلاهما عن المفضل بن عمر ويونس بن ظبيان، مصادقة الإخوان: ص 138 ح 2 عن مفضل بن عمر، مشكاة الأنوار: ص 184 ح 477 عن يونس بن ظبيان، جامع الأخبار: ص 101 ح 166 عن محمد بن المفضل عن الإمام الكاظم عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 391 ح 7.
- 6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 482 ح 1393، الكافي: ج 6 ص 550 ح 5 عن أبي شعيب المحاملي عن الإمام الكاظم عليه السلام، الخصال: ص 298 ح 70، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 277 ح 15 كلاهما عن محمد بن عيسى اليقطيني عن الإمام الرضا عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 281 ح 870 عن الإمام الرضا عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 65 ص 3 ح 3.

چگونه است؟ و هنگام رازداری شان که چگونه راز ما را نزد دشمنانمان نگاه می دارند؟ و چگونه برادرانشان را در اموالشان سهیم می کنند؟

189. امام صادق علیه السلام: آن که حق را وصف می کند [و خود را پیرو آن می داند]، با سه ویژگی شناخته می شود: به یارانش نگریسته می شود که کیان اند؟ و به نمازش که چگونه است و کی آن را می خواند؟

190. امام صادق علیه السلام: مؤمن دارای قوت دین، دقت همراه نرمی و ایمان با یقین... و رغبت فراوان به جهاد و نماز میان کارهاست.

191. امام صادق علیه السلام: برادرانتان را با دو ویژگی بیازمایید. اگر هر دو ویژگی در آنها بود، [چه بهتر] و اگر نه دوری گزین [-ید]، دوری گزین [-ید]، دوری گزین [-ید]: مواظبت بر نمازها در وقت آن و نیکی به برادران در سختی و آسانی.

192. امام صادق علیه السلام: از خروس، پنج ویژگی را بیاموزید: مواظبتش بر وقت های نماز و....

193. صحيح البخاري عن ابن مسعود: إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ:

الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلْتَهَا، وَبُرِّ الوَالِدَيْنِ، ثُمَّ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (1)

194. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ وَقْتٍ، فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (2)

195. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَخَمَّمُ بِيَمِينِهِ؛ وَهُوَ عَلَامَةٌ لِشِيعَتِنَا يُعْرَفُونَ بِهِ، وَبِالمُحَافَظَةِ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ، وَإِيْتَاءِ الرِّزْقِ، وَمَوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ، وَالْأَمْرِ بِالمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِئَةِ عَنِ المُنْكَرِ. (3)

196. لقمان عليه السلام - لابنه -: يَا بَنِيَّ، لَا يَكُنِ الدِّيكُ أَكْبَسَ مِنْكَ وَأَكْثَرَ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ؛ أَلَا تَرَاهُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ يُؤَدِّنُ لَهَا، بِالأَسْحَارِ يُعْلِنُ بِصَوْتِهِ وَأَنْتَ نَائِمٌ؟! (4)

راجع: ص 228 (آداب الصلاة) وح 10 و 109.

3/4 أمر الأهل بالصلاة

الكتاب:

«وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطِبْرُ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى». (5) 2.

ص: 162

1- صحيح البخاري: ج 6 ص 2740 ح 7096، صحيح مسلم: ج 1 ص 89 ح 137 و 138، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 98 ح 3973، كنز العمال: ج 16 ص 237 ح 44295؛ الكافي: ج 2 ص 158 ح 4، المحاسن: ج 1 ص 455 ح 1049 كلاهما عن منصور بن حازم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 69 ص 392 ح 71.

2- الكافي: ج 3 ص 285 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 140 ح 547، عوالي اللآلي: ج 3 ص 71 ح 26 كلها عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 3 ص 123 ح 10.

3- علل الشرائع: ج 1 ص 158 ح 1 عن محمد بن أبي عمير، بحار الأنوار: ج 42 ص 69 ح 18.

4- إرشاد القلوب: ص 72؛ المصنّف لعبد الرزّاق: ج 10 ص 414 ح 19539، شعب الإيمان: ج 5 ص 41 ح 5698 كلاهما عن الحسن، تفسير القرطبي: ج 4 ص 40، تفسير الثعلبي: ج 3 ص 31 كلها نحوه، الدرّ المنثور: ج 6 ص 515.

5- طه: 132.

193. صحیح البخاری - به نقل از [عبد الله] بن مسعود - مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: کدام کار [نزد خدا] برتر است؟

فرمود: «نماز اول وقت، و نیکی به پدر و مادر، و جهاد در راه خدا».

194. امام صادق علیه السلام: هر کس در غیر وقت، نماز بخواند، نمازی ندارد.

195. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انگشتر را به دست راستش می کرد و این، نشانی برای شیعیان ماست که با آن شناخته می شوند و نیز به مواظبت بر وقت های نماز و پرداخت زکات، و همدردی با برادران و امر به معروف و نهی از منکر.

196. لقمان - خطاب به پسرش - ای پسر عزیزم! خروس، زیرک تر و مواظبتش بر نماز از تو بیشتر نباشد! آیا نمی بینی که هنگام نماز برای آن اذان می گوید و در سحرها صدایش را آشکار می کند، در حالی که تو در خوابی؟!

ر.ک: ص 229 (آداب نماز) وح 10 و 109.

3/4: فرمان دادن خانواده به نماز

اشاره

قرآن

«و خانواده ات را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش. ما از تو روزی نمی خواهیم. ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است».

ص: 163

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا* وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا». (1)

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءًا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ». (2)

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ». (3)

الحديث:

197. الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنْصَبًا لِنَفْسِهِ بَعْدَ الْبُشْرَى لَهُ بِالْجَنَّةِ مِنْ رَبِّهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»، فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَيَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ. (4)

198. صحيح مسلم عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ، فَإِذَا أَوْتَرَ قَالَ: قَوْمِي فَأَوْتِرِي يَا عَائِشَةُ. (5)

199. الإمام عليّ عليه السلام: عَلَّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ، وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانَ سِنِينَ. (6) هـ.

ص: 164

1- مريم: 54 و 55.

2- لقمان: 17.

3- إبراهيم: 37.

4- الكافي: ج 5 ص 37 ح 1 عن عقيل الخزاعي، نهج البلاغة: الخطبة 199 نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 449 ح 661.

5- صحيح مسلم: ج 1 ص 511 ح 134، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 491 ح 25239، مسند إسحاق بن راهويه: ج 2 ص 126 ح 605، المصنّف لعبد الرزاق: ج 3 ص 13 ح 4614، تفسير القرطبي: ج 18 ص 195 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 69 ح 21921.

6- الخصال: ص 626 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 115، غرر

الحكم: ج 4 ص 353 ح 6305 وفيه «الحلم» بدل «ثمان سنين»، بحار الأنوار: ج 10 ص 105؛ السنن الكبرى: ج 2 ص 324 ح 3236 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

«در این کتاب، از اسماعیل یاد کن؛ زیرا او درست وعده و فرستاده پیامبر بود و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده بود».

«ای پسر دلبندم! نماز بر پا دار و به کار پسندیده و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که به تو وارد آمده است، شکیبیا باش. این، [حاکمی] از عزم در امور است».

«پروردگارا! من [یکی از] فرزندانم را در درّه ای بی کشت و زرع، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم- پروردگارا- تا نماز به پا دارند. پس دل های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده. باشد که سپاس گزاری کنند».

حدیث

197. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود را با خواندن نماز به رنج می افکند، با آن که مژده بهشت شنیده بود. چون خداوند سبحان فرمود: «و خانواده ات را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبیا باش. ما از تو روزی نمی خواهیم. ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است»، پس خانواده اش را به آن فرمان می داد و خود بر آن، شکیب می ورزید.

198. صحیح مسلم - به نقل از عایشه -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [پاسی] از شب را نماز می خواند و هنگامی که به نماز وتر می رسید، به من می فرمود: «برخیز و نماز وتر بخوان».

199. امام علی علیه السلام: به پسرانتان، نماز را بیاموزید و هنگامی که به هشت سالگی رسیدند، بر آن، مؤاخذه شان کنید.

200. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صَبِيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ. (1)

201. دعائم الإسلام: عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ [الْبَاقِرِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يُؤْمَرُ الصَّبِيَانُ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلُوهَا، وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاقُوهُ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سِتِّ سِنِينَ. (2)

202. الإمام الصادق عليه السلام: يَتَغَرُّ الْغُلَامُ لِسَبْعِ سِنِينَ، وَيُؤْمَرُ بِالصَّلَاةِ لِتِسْعِ. (3)

راجع: ح 6.

بيان

إشارة

لا ريب أنه لا تكليف على الصبي قبل بلوغه سن التكليف، ولهذا فإن أمره بالإتيان بالصلاة هو بهدف التمرين والتعليم لا غير. وأما اختلاف الروايات في عمر الصبي الذي يؤمر بالصلاة فيكون بسبب اختلافهم في سن الرشد العقلي، وهذا ما يظهر من الرواية، حيث جاء فيها: «يُؤْمَرُ الصَّبِيَانُ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلُوهَا». وعلى هذا الأساس فإن الصبيان الذين يصيرون إلى النضوج العقلي اللازم قبل غيرهم، فإن أمرهم بالصلاة يكون قبل غيرهم أيضاً.

ص: 166

-
- 1- الكافي: ج 3 ص 409 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 380 ح 1584 كلاهما عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 280 ح 861 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 88 ص 132 ح 4 نقلاً عن النوادر للراوندي.
 - 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 194، بحار الأنوار: ج 88 ص 133 ح 5؛ المصنّف لعبد الرزاق: ج 4 ص 153 ح 7293، المحلّي: ج 7 ص 31، أحكام القرآن للجصاص: ج 3 ص 430 كلّها عن هشام بن عروة نحوه من دون اسناد إلى احد من أهل البيت عليهم السلام.
 - 3- الكافي: ج 6 ص 46 ح 1 و ج 7 ص 69 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 183 ح 738 كلاهما عن عيسى بن زيد عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 60 ص 360 ح 50.

200. امام باقر علیه السلام: ما پسرانمان را از پنج سالگی به نماز فرمان می دهیم و شما پسرانتان را از هفت سالگی به نماز خواندن فرمان دهید.

201. دعائم الإسلام: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «پسران به نماز فرمان داده می شوند، هنگامی که آن را دریابند و به روزه، هنگامی که طاقت آن را داشته باشند».

به ایشان گفته شد: و این در چه سنّی است؟

فرمود: «هنگامی که شش ساله می شوند».

202. امام صادق علیه السلام: پسر بچه در هفت سالگی مجدداً دندان در می آورد و در نه سالگی به نماز فرمان داده می شود.

ر.ك: ح 6

نکته

بی تردید، کودک، پیش از بلوغ، تکلیفی ندارد. از این رو، فرمان دادن وی به نماز تنها برای تمرین و آموزش اوست. اختلافی نیز که درباره سنّ واداشتن کودکان به نماز در روایات به چشم می خورد، ناظر به تفاوت کودکان در رسیدن به سنّ رشد عقلی است، چنان که در روایتی آمده است که: «کودکان، هر گاه نماز را درک کنند، بدان وا داشته می شوند». بر این پایه، کودکانی که در سال های پایین تر و زودتر از دیگر کودکان به قابلیت و رشد عقلی لازم می رسند، زودتر هم به نماز، وا داشته می شوند.

ص: 167

الكتاب:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (1).

«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (2).

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (3).

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» (4).

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» (5).

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ» (6).

الحديث:

203. الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام - في قوله تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ 8.

ص: 168

1- البقرة:3.

2- الأعراف:170.

3- النور:37.

4- فاطر:29.

5- الفتح:29.

6- الكهف:28.

قرآن

«آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز بر پا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم، انفاق می کنند».

«و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ در می زنند و نماز بر پا داشته اند، [بدانند که] ما اجر مصلحان را تباه نمی کنیم».

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستد، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود، می هراسند».

«بی گمان، کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز بر پا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم، نهان و آشکارا انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد».

«محمد، پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربان اند.

آنان را در رکوع و سجود می بینی و در پی فضل و خشنودی خداوندند».

«و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده ات را از آنان بر مگیر».

حدیث

203. امام باقر و امام صادق علیهما السلام - در باره سخن خدای - عزیز و جلیل - : «و با کسانی که

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ» -: إِنَّمَا عَنَى بِهَا الصَّلَاةَ. (1)

204. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى يُنَاجِي رَبَّهُ. (2)

205. المعجم الكبير عن ابن عباس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مُسْتَكْمِلٍ الْإِيمَانِ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي غَمٍّ، مَا لَمْ يَكُنْ فِي صَلَاةٍ.

قالوا: ولِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: لِأَنَّ الْمُصَلِّيَّ يُنَاجِي رَبَّهُ، وَإِذَا كَانَ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ إِنَّمَا يُنَاجِي ابْنَ آدَمَ. (3)

206. الإمام الحسن عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: الْمُصَلِّيَّ يُنَاجِينِي. (4)

207. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَّتِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِيءٌ نَفْسٌ يُشَدُّ بِهَوْنٍ بِالْأَنْبِيَاءِ، وَصِيءٌ نَفْسٌ يُشَدُّ بِهَوْنٍ بِالْمَلَائِكَةِ، وَصِيءٌ نَفْسٌ يُشَدُّ بِهَوْنٍ بِالْبَهَائِمِ. فَأَمَّا الَّذِينَ يُشَدُّ بِهَوْنٍ بِالْأَنْبِيَاءِ فَهَمَّتُهُمُ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ، وَأَمَّا الَّذِينَ يُشَدُّ بِهَوْنٍ بِالْمَلَائِكَةِ فَهَمَّتُهُمُ التَّسْبِيحُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ، وَأَمَّا الَّذِينَ يُشَدُّ بِهَوْنٍ بِالْبَهَائِمِ فَهَمَّتُهُمُ الْأَكْلُ وَالشَّرْبُ وَالتَّوْمٌ. (5)

208. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَى فِي السَّمَاءِ لَيْدَةً عُرِجَ بِهِ إِلَيْهَا مَلَائِكَةٌ قِيَاماً وَرُكُوعاً مُنْذُ خُلِقُوا، فَقَالَ: يَا جِبْرَائِيلُ، هَذِهِ هِيَ الْعِبَادَةُ! فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ، 3.

ص: 170

1- . تفسير العياشي: ج 2 ص 326 ح 25 عن زرارة وحرمان، التبيان في تفسير القرآن: ج 4 ص 155 عن الضحّاك من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، مجمع البيان: ج 6 ص 718 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 222 ح 43؛ تفسير الفخر الرازي: ج 12 ص 247 عن ابن عباس، تفسير الطبري: ج 5 الجزء 7 ص 203 عن مجاهد وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه.

2- . صحيح البخاري: ج 1 ص 198 ح 508 عن أنس، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 484 ح 6135، صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 351 ح 2237، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 372 ح 5 كلّها عن عبد الله بن عمر نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 439 ح 19676؛ عوالي اللآلي: ج 4 ص 39 ح 133، بحار الأنوار: ج 71 ص 216 ح 17.

3- . المعجم الكبير: ج 11 ص 27 ح 10949، كنز العمال: ج 1 ص 166 ح 829.

4- . إرشاد القلوب: ج 1 ص 78.

5- . جامع الأخبار: ص 270 ح 733.

پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خوشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن)»- مقصود خداوند از خواندن صبح و شام، نماز خواندن است.

204. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما به هنگام نماز، با پروردگارش مناجات می کند.

205. المعجم الكبير - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا فرمود: «مؤمنی که در غیر نماز، اندوهگین نیست، ایمانش کامل نیست». پرسیدند: چرا، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «زیرا نماز گزار با خدایش مناجات می کند و هنگامی که در نماز نیست، با آدمی زاده گفتگو می کند».

206. امام حسن علیه السلام: خداوند متعال می فرماید: نماز گزار، با من مناجات می کند.

207. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ائمت بر سه دسته اند: دسته ای شبیه پیامبران، دسته ای شبیه فرشتگان و دسته ای شبیه چارپایان هستند. اما آنان که شبیه پیامبران هستند، به نماز و زکات، اهتمام دارند. آنان که شبیه فرشتگان اند، به ذکر تسبیح و تهلیل و تکبیر، اهتمام دارند و کسانی که به چارپایان شباهت دارند، به خوردن و نوشیدن و خوابیدن می اندیشند.

208. امام علی علیه السلام: شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به آسمان بردند، فرشتگانی را دید که از آغاز خلقتشان، به قیام و رکوع مشغول بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: «عبادت یعنی این!».

فَاسْأَلِ اللَّهَ رَبَّكَ أَنْ يُعْطِيَكَ الْقُنُوتَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ فِي صَلَوَاتِهِمْ، فَأَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ ذَلِكَ. فَأَمَّا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقْتَدُونَ بِالْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ هُمْ فِي السَّمَاءِ. (1)

209. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الْمُصَلِّينَ؛ مَنْ يُقِيمُ الصَّلَاةَ الْخَمْسَ الَّتِي كُتِبَ عَلَيْهِ، وَيَصُومُ رَمَضَانَ.... (2)

210. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُصَلِّيَ لَيَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ، وَإِنَّهُ مَنْ يَدُمُّ قَرَعَ الْبَابِ يَوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ. (3)

211. عنه صلى الله عليه وآله -فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ-: إِنَّكَ مَا دُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّكَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ، وَمَنْ يُكْثِرُ قَرَعَ بَابِ الْمَلِكِ يُفْتَحَ لَهُ. (4)

(5)

212. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ أَوْلِيَائِي عِنْدِي رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ، ذَا حَظٍّ مِنْ صَلَاةٍ.... (6)

213. تهذيب الآثار عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَلَّ مَالُهُ، وَكَثُرَ عِيَالُهُ، 1.

ص: 172

1- إرشاد القلوب: ص 414 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 274 ح 22.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 288 ح 7666، السنن الكبرى: ج 3 ص 573 ح 6723، المعجم الكبير: ج 17 ص 48 ح 101 نحوه، تهذيب الكمال: ج 16 ص 439 الرقم 3718، تفسير ابن كثير: ج 2 ص 237 كلها عن عمير بن قتادة، كنز العمال: ج 3 ص 544 ح 7818.

3- مسند الشهاب: ج 2 ص 188 ح 1157 عن ابن عباس، المصنّف لعبد الرزاق: ج 3 ص 47 ح 4735، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 360 ح 10، المعجم الكبير: ج 9 ص 204 ح 8996 كلها عن ابن مسعود من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 299 ح 18970 نقلاً عن الديلمي في الفردوس عن عمر.

4- في المصادر الأخرى: «يُفْتَحُ لَهُ».

5- الأُمالي للطوسي: ص 529 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 366 كلاهما عن أبي ذرٍّ، عدّة الداعي: ص 142، أعلام الدّين: ص 192 عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: ج 77 ص 78؛ السنن الكبرى: ج 2 ص 684 ح 4569 عن عبد الله بن مسعود من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

6- الكافي: ج 2 ص 140 ح 1، الاصول الستة عشر (كتاب عاصم بن حميد): ص 158 ح 82 كلاهما عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 141 ح 28؛ سنن الترمذي: ج 4 ص 575 ح 2347، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1379 ح 4117، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 275 ح 22229 كلها عن أبي امامة نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 155 ح 5941.

جبرئیل گفت: درست گفتم، ای محمد! از پروردگارت بخواه که قنوت و رکوع و سجود در نمازهایشان را به تو نیز عطا فرماید.

خدای عز و جل نیز آنها را به آنان عطا کرد و امت محمد صلی الله علیه و آله به فرشتگانی که در آسمان ها هستند، اقتدا می کنند.

209. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همان که اولیای الهی، نمازگزاران اند؛ کسانی که نمازهای پنجگانه واجب شده بر آنان را می خوانند و ماه رمضان را روز می گیرند...!

210. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازگزار، درگاه فرمان روای هستی را می کوبد و هر کس دری را پیوسته بکوبد، به زودی برایش باز می شود.

211. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -در سفارش به ابو ذر-: تو تا آن گاه که در نماز هستی، درگاه فرمان روای هستی را می کوبی و هر کسی دری را فراوان بکوبد، برایش گشوده می شود.

212. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتنی ترین دوست من، مردی کم هزینه و بهره مند از نماز است....

213. تهذیب الآثار -به نقل از ابو سعید خدری-: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دارایی اش

وَحَسَنَتْ صَلَاتُهُ، وَلَمْ يَغْتَبِ الْمُسْلِمَ (1)، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مَعِيَ كَهَاتَيْنِ. (2)

214. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يتوضأ أحدٌ فيحسُّ وضوءه ويسبغُه، ثمَّ يأتي المسجدَ لا يريدُ إلا الصلاةَ فيه؛ إلا تَبَشَّشَ (3) اللهُ به كما يتَبَشَّشُ أهلُ الغائبِ بطلعته. (4)

215. عنه صلى الله عليه وآله: ما أتقاه! ما أتقاه! ما أتقاه! راعي غنمٍ على رأسِ جبلٍ يقيمُ فيها الصلاةَ. (5)

216. عنه صلى الله عليه وآله: ما من صباحٍ ولا رواحٍ (6) إلا وبقاعُ الأرضِ تُنادي بعضُها بعضاً: يا جارةُ، هل مرَّ بك اليومَ عبدٌ صالحٌ صلَّى عليكِ أو ذكرَ الله؟ فإنَّ قالت: نعم، رأتَ لها بذلكَ عليها فضلاً. (7)

217. سنن النسائي عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أخبركم بخيرِ النَّاسِ منزلاً؟ قلنا:

بلى يا رسولَ الله. قال: رَجُلٌ آخِذٌ بِرَأْسِ فَرْسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَمُوتَ أَوْ 4.

ص: 174

1- في المصادر الأخرى: «المسلمين» بدل «المسلم».

2- تهذيب الآثار: ج 1 ص 291 ح 488، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 463 ح 986، تاريخ بغداد: ج 11 ص 259 الرقم 6017، المطالب العالية: ج 3 ص 167 ح 3155، تاريخ دمشق: ج 56 ص 4 ح 11732، كنز العمال: ج 3 ص 400 ح 7142.

3- البش: فرح الصديق بالصدق، واللفظ في المسألة، والإقبال عليه (لسان العرب: ج 6 ص 267 «بشش»).

4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 175 ح 8071، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 374 ح 1491، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 262 ح 800، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 333 ح 771 صحيح ابن حبان: ج 4 ص 484 ح 1607 والثلاثة الاخيرة نحوه وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 575 ح 20319.

5- المعجم الكبير: ج 8 ص 168 ح 7707، سبل الهدى والرشاد: ج 7 ص 412 كلاهما عن أبي امامة، كنز العمال: ج 3 ص 90 ح 5639.

6- الرّواحُ: نقيضُ الصباح، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (مجمع البحرين: ج 2 ص 744 «روح»).

7- المعجم الأوسط: ج 1 ص 177 ح 562، حلية الأولياء: ج 6 ص 174، تفسير القرطبي: ج 10 ص 267 كلُّها عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 290 ح 18929؛ الأماي للطوسي: ص 534، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 373 كلاهما عن أبي ذرٍّ نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 84.

کم و نانخورانش فراوان و نمازش نیکو باشد و غیبت مسلمان را نکنند، روز قیامت در کنار من می آید و مانند این دو با من خواهد بود» و دو انگشت خویش را نشان داد.

214. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس وضویی کامل و نیکو نمی گیرد و سپس برای نماز به مسجد نمی آید، مگر این که خداوند با لطف و خوشی از او استقبال می کند؛ همچون خوش حالی خانواده شخص غائب، هنگام ورودش.

215. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه حفظ کرده، چه حفظ کرده، چه حفظ کرده، چوپانی بر قلّه کوه که نماز را در آن جا بر پا می دارد!

216. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بامداد و شامگاهی نیست جز آن که قطعه های زمین یکدیگر را ندا می دهند: «ای همسایه! آیا امروز، بنده شایسته ای بر تو گذشته است که بر روی تو نماز بخواند یا خدا را یاد کرده باشد؟» اگر آن قطعه زمین بگوید: آری، آن را برای آن، فضیلتی می بینند.

217. سنن النسائی - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را از کسی که بهترین جایگاه را دارد، با خبر نکنم؟».

ص: 175

يُقْتَلُ. وَأَخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَلِيهِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي شِعْبٍ (1)، يُقِيمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَيَعْتَزِلُ شُرُورَ النَّاسِ. (2)

218. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من بقعة يذكر الله عليها بصلاة أو بذكر، إلا استبشرت بذكر إلى منتهاتها من سبع أرضين، وفخرت على ما حولها من البقاع.

وما من عبد يقوم بفلاة من الأرض يريد الصلاة، إلا تزخرت له الأرض. (3)

219. عنه صلى الله عليه وآله: يعجب ربكم من راعي غنم في رأس شظية (4) يجبل يؤذن بالصلاة ويصلي، فيقول الله عز وجل: أنظروا إلى عبدي هذا، يؤذن ويقيم الصلاة يخاف مني، فقد غفرت لعبدي وأدخلته الجنة. (5)

220. الإمام علي عليه السلام: إن الإنسان إذا كان في الصلاة، فإن جسده وثيابه وكل شيء حوله يسبح. (6)

221. عنه عليه السلام: لو يعلم المصلي ما يغشاه من جلال الله، ما سره أن يرفع رأسه من 5.

ص: 176

1- الشَّعْبُ: الطريق في الجبل (مجمع البحرين: ج 2 ص 952 «شعب»).

2- سنن النسائي: ج 5 ص 83، سنن الدارمي: ج 2 ص 647 ح 2306، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 509 ح 2116، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1316 ح 3977 كلاهما عن أبي هريرة وكلها نحوه، كنز العمال: ج 4 ص 287 ح 10530؛ التحصين لابن فهد: ص 8 ح 11 نحوه.

3- مسند أبي يعلى: ج 4 ص 148 ح 4096، المعجم الكبير: ج 11 ص 155 ح 11470 عن ابن عباس، تفسير الثعالبي: ج 1 ص 335 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 423 ح 1817 نقلاً عن أبي الشيخ في العظمة وكلاهما عن أنس.

4- الشظية: قطعة مرتفعة في رأس الجبل (النهاية: ج 2 ص 476 «شظي»).

5- سنن أبي داود: ج 2 ص 4 ح 1203، سنن النسائي: ج 2 ص 20، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 147 ح 17447، السنن الكبرى: ج 1 ص 596 ح 1905، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 545 ح 1660 كلاهما عن عقبة بن عامر، كنز العمال: ج 7 ص 294 ح 18948.

6- علل الشرائع: ص 336 ح 2 عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 377، بحار الأنوار: ج 82 ص 213 ح 25.

گفتیم: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «سواری که عنان اسبش را گرفته و در راه خدا می جنگد تا بمیرد یا شهید شود. از فرد پس از او نیز آگاهتان کنم؟».

گفتیم: آری، ای پیامبر خدا!

فرمود: «مردی که گوشهٔ عزلت در درّه ای گزیده و نماز را بر پا می دارد و زکات می دهد و از بدکاری های مردم، کناره می گیرد».

218. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قطعه ای از زمین نیست که بر آن نماز بخوانند و یا خداوند یاد شود، جز آن که این خبر خوش را تا هفت طبقه زیرینش می برند و بر قطعه های مجاورش افتخار می کند. هیچ بنده ای نیست که در قطعه ای از بیابان به نماز ایستد، جز آن که زمین، خود را برای او می آراید.

219. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگارتان از چوپانی که بر تخته سنگی در قلّه کوه برای نماز اذان می گوید و نماز می خواند، خوشش می آید. سپس خدای عز و جل می فرماید: «به این بنده ام بنگرید. از بیم من، اذان می گوید و نماز می خواند. بنده ام را بخشیدم و او را به بهشت بردم».

220. امام علی علیه السلام: هنگامی که انسان در نماز است، کالبد و لباسش و هر چه در اطراف اوست، تسبیح می گویند.

221. امام علی علیه السلام: اگر نمازگزار می دانست که جلال و شکوه الهی چگونه او را فرا گرفته

222. الإمام زين العابدين عليه السلام: الْمُصَلِّي مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ، فَهُوَ واقِفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عز و جل. (2)

223. الإمام الباقر عليه السلام -في قوله تعالى: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (3) -: ذِكْرُ اللَّهِ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ: «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ» (4). (5)

224. عنه عليه السلام: إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمُصَلِّي الْقِبْلَةَ، اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ. (6)

225. عنه عليه السلام: يَا جَابِرُ، أَيَكْتَفِي مَنْ يَنْتَحِلُ التَّشْيِيعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ، وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالْتَوَاضُعِ وَالتَّخَشُّعِ وَالْأَمَانَةِ، وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ، وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ. (7)

226. عنه عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ، إِلَّا اكْتَفَنَهُ بِعَدَدِ مَنْ خَالَفَهُ مَلَائِكَةٌ يُصَدِّمُونَ خَلْفَهُ، وَيَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ. (8). 5.

ص: 178

- 1- الخصال: ص 632 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 122 نحوه، غرر الحكم: ح 7592، عيون الحكم والمواعظ: ص 417 ح 7079 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 207 ح 12.
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 199 ح 603، التوحيد: ص 177 ح 8، علل الشرائع: ص 133، الأمالي للصدوق: ص 544 ح 727، كلها عن زيد بن عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 3 ص 321 ح 17 وراجع تفسير القرطبي: ج 13 ص 348.
- 3- العنكبوت: 45.
- 4- البقرة: 152.
- 5- تفسير القمي: ج 2 ص 150 عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج 82 ص 199.
- 6- المحاسن: ج 1 ص 122 ح 132 عن جابر، بحار الأنوار: ج 82 ص 219 ح 37.
- 7- الكافي: ج 2 ص 74 ح 3، صفات الشيعة: ص 90 ح 22، الأمالي للطوسي: ص 735 ح 1535، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 185 كلها عن جابر الجعفي، تحف العقول: ص 295 وفيه ذيله من «ما شيعتنا»، بحار الأنوار: ج 70 ص 97 ح 4.
- 8- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 629، مشكاة الأنوار: ص 152 ح 371، الأمالي للطوسي: ص 723 ح 1522، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 90 كلاهما عن سليمان الديلمي عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، روضة الواعظين: ص 325، بحار الأنوار: ج 68 ص 147 ح 95.

است، راضی نمی شد که سرش را از سجده بر دارد.

222. امام زین العابدین علیه السلام: نمازگزار تا آن گاه که در نماز است، در پیشگاه خدای عز و جل ایستاده است.

223. امام باقر علیه السلام - در باره سخن خداوند متعال: «و یاد خدا بزرگ تر است» - یاد کردن خدا از اهل نماز، بزرگ تر از یاد کردن آنان از خداست. آیا نمی بینی که او خود می فرماید:

«مرا یاد کنید، شما را یاد می کنم»؟

224. امام باقر علیه السلام: هنگامی که نمازگزار به قبله رو می کند، به خداوند بخشنده که جز او خدایی نیست، رو کرده است.

225. امام باقر علیه السلام: ای جابر! آیا کافی است کسی خود را شیعه بداند؛ ولی تنها محبت ما اهل بیت را ادعا کند؟ به خدا سوگند، شیعیان ما، تنها کسانی هستند که از خدا پروا و اطاعت کنند و جز با تواضع و فروتنی و امانتداری و فراوانی یاد خدا و روزه و نماز شناخته نمی شوند.

226. امام باقر علیه السلام: هیچ بنده ای از شیعه ما به نماز نمی ایستد، جز آن که به عدد مخالفانش، فرشتگان، گرداگرد او را می گیرند و پشت سر او نماز می خوانند و خدای عز و جل را برایش می خوانند تا آن که از نمازش فارغ شود.

227. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» - : «الْمُتَّقُونَ شِيعَتُنَا «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» وَمِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَنْبُتُونَ. (1)

228. عنه عليه السلام: ما أحسن الرجل يغتسل أو يتوضأ فيسبغ الوضوء، ثم يتنحى حيث لا يراه أنيس، فيشرف عليه وهو راكع أو ساجد. (2)

229. الإمام الباقر عليه السلام: ان أبادر رحمة الله كان يقول: ...يا مُبتَغِي العِلْمِ، صلِّ قبل أن لا تقدِر على ليلٍ ولا نهارٍ تُصَلِّي فيه، إنَّما مثَلُ الصَّلَاةِ لِصَاحِبِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ، كَمَثَلِ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَى سُلْطَانٍ فَأَنْصَتَ لَهُ حَتَّى فَرَّغَ مِنْ حَاجَتِهِ، كَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ. (3) 5.

ص: 180

-
- 1- . تفسير العياشي: ج 1 ص 26 ح 1، معاني الأخبار: ص 23 ح 2 نحوه، تفسير القمي: ج 1 ص 30 كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 2 ص 21 ح 59.
 - 2- . الكافي: ج 3 ص 264 ح 2 عن زيد الشحام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 210 ح 638، دعائم الإسلام: ج 1 ص 136 نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 233 ح 57.
 - 3- . الأمالي للمفيد: ص 179 ح 1، الأمالي للطوسي: ص 544 ح 1166، الأصول الستة عشر (كتاب عاصم بن حميد): ص 175 ح 130 كلها عن أبي بصير، عدّة الداعي: ص 142، دعائم الإسلام: ج 1 ص 134 نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 236 ح 65.

227. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خدای متعال: «هدایتی برای پرهیزگاران است» - پرهیزگاران، شیعیان ما هستند؛ «کسانی که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم، انفاق می کنند» و از آنچه به آنان آموخته ایم، خبر می دهند.

228. امام صادق علیه السلام: چه نیک مردی است کسی که غسل می کند یا وضوی کامل می گیرد و سپس برای رکوع و سجود به جایی می رود که کسی او را نبیند تا بر کارش آگاه شود!

229. امام باقر علیه السلام: ابو ذر می گفت: ... ای طالب علم! نماز بخوان، پیش از آن که شب و روزی نداشته باشی که نماز بخوانی. نماز برای نمازگزار، به اذن الهی، همانند مردی است که بر فرمان روایی وارد شده و او به سخش گوش می دهد تا از بیان نیازش فارغ شود. همین گونه است انسان مسلمان. تا هنگامی که در نماز است، خداوند پیوسته به او می نگرد تا نمازش را به پایان برد.

الكتاب:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ» (1).

الحديث:

230. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَوَاتُ كَفَّارَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (2).

231. صحيح البخاري عن ابن مسعود: إِنَّ رَجُلًا أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، فَآتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ».

ص: 182

1- هود: 114.

2- المعجم الكبير: ج 3 ص 298 ح 3460، مسند الشاميين: ج 2 ص 450 ح 1682، تفسير الطبري: ج 7 الجزء 12 ص 133 كلها عن أبي مالك الأشعري، الزهد لابن المبارك: ص 317 ح 907 عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 720 ح 21088؛ مسند زيد: ص 111 عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام نحوه.

قرآن

«و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب، نماز بر پا دار. همانا خوبی ها، بدی ها را از میان می برند. این، پندی برای پندگیرندگان است».

حدیث

230. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازها، کفّاره چیزهایی (گناهانی) اند که در میان آنهاست. چون خداوند عز و جل فرموده است: «همانا خوبی ها، بدی ها را از میان می برند». (1)

231. صحیح البخاری - به نقل از ابن مسعود -: مردی زنی را بوسیده بود. آن مرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان ماجرا را باز گفت. در پی آن، خداوند، این آیه را فرو فرستاد: «و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب، نماز بر پا دار. همانا خوبی ها، بدی ها را از میان

ص: 183

1- در دعائم الإسلام چنین آمده است: «پوشاننده چیزهایی است که در میان آنهاست، تا آن گاه که از گناهان بزرگ، دوری گزیند...».

السِّيَّاتِ» ،فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَيْ هَذَا؟ قَالَ: لِجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ. (1)

232. سنن الدارمي عن أبي عثمان: كُنْتُ مَعَ سَلْمَانَ تَحْتَ شَجَرَةٍ، فَأَخَذَ مِنْهَا غُصْنًا يَابِسًا فَهَزَّهُ حَتَّى تَحَاتَّتْ (2) وَرَقُهُ، قَالَ: أَمَا تَسْأَلُنِي لِمَ أَفْعَلُ هَذَا؟ قُلْتُ لَهُ: لِمَ فَعَلْتَهُ؟ قَالَ:

هَكَذَا فَعَلَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ وَصَلَّى الْخَمْسَ تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُ كَمَا تَحَاتَّتْ هَذَا الْوَرَقُ، ثُمَّ قَالَ: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفَاءَ مِنَ اللَّيْلِ... ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ». (3)

233. مسند ابن حنبل عن سلمان: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ظِلِّ شَجَرَةٍ، فَأَخَذَ مِنْهَا غُصْنًا مِنْهَا فَتَفَضَّه فَتَسَاقَطَ وَرَقُهُ، فَقَالَ: أَلَا تَسْأَلُونِي عَمَّا صَنَعْتُ؟ فَقُلْنَا: أَخْبِرْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَحَاتَّتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ كَمَا تَحَاتَّتْ وَرَقُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ. (4)

234. مسند ابن حنبل عن أبي أيوب الأنصاري: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ كُلَّ صَلَاةٍ تَحُطُّ مَا بَيْنَ يَدَيْهَا مِنْ خَطِيئَةٍ. (5) 0.

ص: 184

1- صحيح البخاري: ج 1 ص 197 ح 503، صحيح مسلم: ج 4 ص 2115 ح 39، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1421 ح 4254، سنن الترمذي: ج 5 ص 291 ح 3114، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 122 ح 4094 كلها نحوه، الدر المنثور: ج 4 ص 481.

2- تَحَاتَّتْ: أَي تَسَاقَطَ (النهاية: ج 1 ص 337 «حت»).
3- سنن الدارمي: ج 1 ص 194 ح 720، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 178 ح 23768، المعجم الكبير: ج 6 ص 257 ح 6151، تفسير الطبري: ج 7 الجزء 12 ص 135 كلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 304 ح 18996؛ مجمع البيان: ج 5 ص 307 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 319.

4- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 180 ح 23777، المعجم الكبير: ج 6 ص 257 ح 6152 نحوه، ذيل تاريخ بغداد: ج 5 ص 47 الرقم 1159، كنز العمال: ج 7 ص 304 ح 18996؛ الأماشي للطوسي: ص 168 ح 281 نحوه، بحار الأنوار: ج 8 ص 208 ح 17.

5- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 132 ح 23562، المعجم الكبير: ج 4 ص 126 ح 3879 و ص 127 ح 3881، مسند الشاميين: ج 1 ص 132 ح 210، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 285، حلية الأولياء: ج 5 ص 190 الرقم 324، كنز العمال: ج 7 ص 287 ح 18910.

می برند». پس آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! آیا این مخصوص من است؟

فرمود: «برای همه ائمت است، تمام آنان».

232. سنن الدارمی - به نقل از ابو عثمان - با سلمان زیر درختی بودیم که شاخه خشکی را از آن گرفت و تکان داد، تا این که برگ هایش ریخت و گفت: آیا نمی پرسی: چرا این گونه می کنم؟

گفتم: چرا این گونه کردی؟

گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم این گونه کرد و سپس فرمود: «همانا مسلمان، هر گاه وضویی نیکو گرفت و نمازهای پنجگانه را خواند، گناهانش می ریزد، همان گونه که این برگ ها ریخت». سپس فرمود: «و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب، نماز بر پا دار.

همانا خوبی ها، بدی ها را از میان می برند. این، پندی برای پند گیرندگان است».

233. مسند ابن حنبل - به نقل از سلمان - با پیامبر خدا در سایه درختی بودیم که شاخه خشکی را از آن گرفت و تکان داد، تا این که برگ هایش ریخت و آن گاه فرمود: «آیا از من نمی پرسید: چرا این گونه کردم؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! آگاهمان کنید.

فرمود: «بنده مسلمان، هر گاه به نماز می ایستد، گناهانش فرو می ریزد، همان گونه که برگ های این درخت فرو ریخت».

234. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو ایوب انصاری - پیامبر همواره می فرمود: «هر نماز، خطاهای پیش از خود را می زداید».

235. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ الْخَمْسُ يَمْحُو اللَّهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا. (1)

236. الأمامي للطوسي عن أبي ذرٍّ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا تَوْبَةُ الرَّجُلِ الَّذِي يَكْذِبُ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: الْإِسْتِغْفَارُ وَالصَّلَاةُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ ذَلِكَ. (2)

237. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ (3) الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا لَمْ تَغْشِ الْكَبَائِرُ. (4)

238. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَوَضَّأَ كَمَا أَمَرَ وَصَلَّى كَمَا أَمَرَ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ عَمَلٍ. (5)

239. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَقُومُ فِي الصَّلَاةِ فَيَدْعُو الدَّعْوَةَ، فَيَغْفِرُ لَهُ وَلِمَنْ وَرَاءَهُ مِنَ النَّاسِ. (6)

240. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُسْلِمَ لَيُصَلِّي وَخَطَايَاهُ مَوْضُوعَةٌ عَلَى رَأْسِهِ، فَكُلَّمَا سَجَدَ تَحَاتَّتْ عَنْهُ، فَيَفْرُغُ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ صَلَاتِهِ وَقَدْ تَحَاتَّتْ خَطَايَاهُ. (7).

ص: 186

- 1- صحيح مسلم: ج 1 ص 463 ح 283، صحيح البخاري: ج 1 ص 197 ح 505، سنن الترمذي: ج 5 ص 151 ح 2868، سنن النسائي: ج 1 ص 231، سنن الدارمي: ج 1 ص 283 ح 1168 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 319 ح 19059.
- 2- الأمامي للطوسي: ص 537 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 378 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 64، أعلام الدين: ص 201، بحار الأنوار: ج 77 ص 89 ح 3.
- 3- في المصدر: «الصلاة»، وما أثبتناه من المصادر الأخرى.
- 4- صحيح مسلم: ج 1 ص 209 ح 14، سنن الترمذي: ج 1 ص 418 ح 214، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 534 ح 10289، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 162 ح 314، السنن الكبرى: ج 2 ص 656 ح 4449 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 284 ح 18894.
- 5- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 447 ح 1396، سنن النسائي: ج 1 ص 91، سنن الدارمي: ج 1 ص 193 ح 718، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 151 ح 23656، موارد الظمآن: ج 1 ص 69 ح 166 كلها عن أبي أيوب، كنز العمال: ج 9 ص 287 ح 26040.
- 6- المعجم الكبير: ج 8 ص 166 ح 7693 عن أبي امامة، كنز العمال: ج 2 ص 109 ح 3376.
- 7- المعجم الصغير: ج 2 ص 136، المعجم الكبير: ج 6 ص 250 ح 6125، شعب الإيمان: ج 3 ص 145 ح 3144 كلاهما نحوه، تاريخ بغداد: ج 14 ص 313 الرقم 7634 كلها عن سلمان، كنز العمال: ج 7 ص 299 ح 18969؛ جامع الأخبار: ص 184 ح 451 عن سلمان نحوه.

235. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، خطاها را به خاطر نمازهای پنجگانه پاک می کند.

236. الامالی، طوسی - به نقل از ابو ذر - گفتم: ای پیامبر خدا! توبه مردی که دروغ عمدی بگوید، چیست؟

فرمود: «استغفار و نمازهای پنجگانه، که آن را می شوید».

237. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازهای پنجگانه و [نماز] جمعه تا جمعه، پوشاننده چیزهایی اند که در میان آنهاست، البته وقتی که گناهان بزرگ را در بر نگیرد.

238. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آن گونه که فرمان داده شده، وضو بگیرد و آن گونه که فرمان یافته، نماز بخواند، هر چه پیش تر کرده، آمرزیده می شود.

239. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرد به نماز می ایستد و دعا می کند. پس او و مردم [یا مسلمانان] پشت سرش آمرزیده می شوند.

240. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا مسلمان نماز می گزارد، در حالی که خطاهایش بر سرش نهاده شده اند. پس هر گاه سجده می کند، فرو می ریزند و او از نماز فارغ می شود، در حالی که خطاهایش ریخته است.

241. عنه صلى الله عليه وآله: ما من حافظين يرفعان إلى الله بصلاة رجل مع صلاة، إلا قال الله تبارك وتعالى: أشهدكما أنني قد غفرت لعبدي ما بينتهما. (1)

242. عنه صلى الله عليه وآله: إن أحدكم إذا توضأ فأحسن، وأتى المسجد لا يريد إلا الصلاة، لم يخط خطوة إلا رفعه الله بها درجة وحط عنه خطيئة. (2)

243. عنه صلى الله عليه وآله: إن العبد المؤمن إذا قام في الصلاة، وضعت ذنوبه على رأسه، فتفرق عنه كما تفرق عذوق النخلة يميناً وشمالاً. (3)

244. عنه صلى الله عليه وآله: من توضأ وضوئي ثم قام فصلى صلاة الظهر؛ غفر له ما كان بينها وبين الصبح، ثم صلى العصر؛ غفر له ما بينها وبين صلاة الظهر، ثم صلى المغرب، غفر له ما بينها وبين صلاة العصر، ثم صلى العشاء؛ غفر له ما بينها وبين صلاة المغرب، ثم لعله أن يبيت يتمرغ ليلته، ثم إن قام فتوضأ وصلى الصبح؛ غفر له ما بينها وبين صلاة العشاء، وهن الحسنات يذهبن السيئات. (4)

245. عنه صلى الله عليه وآله: يبعث منادٍ عند حضرة كل صلاة فيقول: يا بني آدم، قوموا فأطفئوا عنكم ما أوقدتم على أنفسكم. فيقومون فيتطهرون وتسقط خطاياهم من أعينهم، ويصلون فيغفر لهم ما بينتهما. ثم يوقدون فيما بين ذلك، فإذا كان عند صلاة الأولى نادى: 2.

ص: 188

- 1- شعب الإيمان: ج 3 ص 45 ح 2821 عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 290 ح 18927.
- 2- صحيح البخاري: ج 1 ص 181 ح 465، صحيح مسلم: ج 1 ص 459 ح 272، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 254 ح 774، سنن الترمذي: ج 2 ص 499 ح 603، حلية الأولياء: ج 7 ص 202 كلها عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 553 ح 20217.
- 3- المعجم الكبير: ج 6 ص 236 ح 6088، المصنف لعبد الرزاق: ج 1 ص 47 ح 144 نحوه وكلاهما عن سلمان، كنز العمال: ج 7 ص 299 ح 18968.
- 4- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 154 ح 513، شعب الإيمان: ج 3 ص 43 ح 2817 نحوه، تفسير الطبري: ج 7 الجزء 12 ص 132، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 285 و ج 5 ص 158، تفسير ابن أبي حاتم: ج 6 ص 2092 ح 11272 نحوه وكلها عن عثمان، كنز العمال: ج 7 ص 313 ح 19042.

241. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گاه دو فرشته نگهبان، نماز انسان را با نماز دیگرش به سوی خدا نمی برند، جز این که خدای- تبارک و تعالی- [به آن دو فرشته] می گوید: «شما را گواه می گیرم که [گناهان] میان آن دو نماز را بر بنده ام آمرزیدم».

242. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما وضویی نیکو بگیرد و فقط برای نماز به مسجد بیاید، هیچ گامی بر نمی دارد، جز این که خداوند در برابر آن، او را يك درجه بالا می برد و خطایی را از او می زداید.

243. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده مؤمن، هنگامی که به نماز می ایستد، گناهایش بر سرش نهاده می شوند و از او به اطراف پراکنده می شوند، همان گونه که شاخه های درخت خرما به چپ و راست می روند.

244. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وضویی مانند من بگیرد و سپس به نماز ظهر بایستد، آنچه میان آن و نماز صبح کرده، آمرزیده می شود، و چون نماز عصر را بخواند، آنچه میان آن و نماز ظهر کرده، آمرزیده می شود، و چون نماز مغرب کرده، آمرزیده می شود، و سپس شاید شب را به آن و نماز عصر کرده، آمرزیده می شود، و چون نماز عشا بخواند، آنچه میان آن و نماز مغرب کرده، آمرزیده می شود، و سپس شاید شب را به ناز و نعمت [و خوش گذرانی] بگذراند. پس اگر برخیزد و وضو بگیرد و نماز صبح را بخواند، آنچه میان آن و نماز عشا کرده است، آمرزیده می شود و این نیکی ها، بدی ها را از میان می برند.

245. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در وقت هر نماز، منادی ای برانگیخته می شود و می گوید: «ای فرزندان آدم! برخیزید و آتشی را که بر جانتان افروخته اید، خاموش کنید». پس بر می خیزند و طهارت می سازند و خطاهای پیش رویشان فرو می ریزد و نماز می خوانند و آنچه در میان آن دو بوده، آمرزیده می شود. سپس در این میان، آتش می افروزند (گناه

يا بني آدم، قوموا فأطفئوا ما أوقدتم على أنفسكم. فيقومون فينظفون ويصومون فيغفروا لهم ما بينهما، فإذا حصدت العصر فمثل ذلك، فإذا حصدت المغرب فمثل ذلك، فإذا حصدت العتمة (1) فمثل ذلك، فينامون وقد غفروا لهم. (2)

246. عنه صلى الله عليه وآله: تحترقون فإذا صليتم الفجر غسلتها، ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم الظهر غسلتها، ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم العصر غسلتها، ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم المغرب غسلتها، ثم تحترقون تحترقون فإذا صليتم العشاء غسلتها، ثم تنامون فلا يكتب عليكم شيء حتى تستيقظوا. (3)

247. عنه صلى الله عليه وآله - في ذكر ثواب الصلاة -: فإذا فتمت إلى الصلاة وتوجهت وقرأت أم الكتاب وما تيسر لك من السور، ثم ركعت فأتممت ركوعها وسجدتها وتهدت وسدلت، غفر لك كل ذنب فيما بينك وبين الصلاة التي قدمتها إلى الصلاة المؤخرة، فهذا لك في صلاتك. (4)

248. مستدرک الوسائل: رأى (رسول الله) صلى الله عليه وآله رجلاً يقول: اللهم اغفر لي ولا أراك تفعل، فقال صلى الله عليه وآله له: لم تسوء ظنك؟ قال: لا، لأنني أذنبت في الجاهلية والإسلام. 6.

ص: 190

- 1- عتمة الليل: ظلمته، وصلاة العشاء تسمى صلاة العتمة (النهاية: ج 3 ص 180 «عتم»).
- 2- المعجم الكبير: ج 10 ص 141 ح 10252، عمدة القارى: ج 5 ص 72، حلية الأولياء: ج 4 ص 189 الرقم 274، تاريخ دمشق: ج 5 ص 76 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 7 ص 314 ح 19044؛ بحار الأنوار: ج 82 ص 224 ح 46.
- 3- تاريخ بغداد: ج 4 ص 305 الرقم 2091، المعجم الأوسط: ج 2 ص 358 ح 2224، المعجم الصغير: ج 1 ص 47 كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 7 ص 314 ح 19043؛ بحار الأنوار: ج 82 ص 223 ح 46 نقلاً عن فلاح السائل عن ابن مسعود وفيه «تغتسلوا» بدل «تستيقظوا».
- 4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 202 ح 2138، الأمالي للصدوق: ص 643 ح 872 كلاهما عن محمد بن قيس، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 515 ح 26 كلها عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 82 ص 205 ح 6.

می کنند). پس هنگام نماز نخستین، فریاد بر می آورد: «ای فرزندان آدم! برخیزید و آنچه بر جانتان افروخته اید، خاموش کنید». پس بر می خیزند و طهارت می سازند و نماز می خوانند و آنچه در میان آن دو بوده، آمرزیده می شود. هنگام نماز عصر نیز همین گونه است و نیز هنگام نماز مغرب و نماز عشا. پس در حالی که آمرزیده شده اند، به خواب می روند.

246. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: می سوزید، و چون نماز صبح می خوانید، بر آن آب می ریزید. سپس می سوزید و می سوزید، و چون نماز ظهر می خوانید، بر آن آب می ریزید. سپس می سوزید و می سوزید، و چون نماز عصر می خوانید، بر آن آب می ریزید. سپس می سوزید و می سوزید، و چون نماز مغرب می خوانید، بر آن آب می ریزید. سپس می سوزید و می سوزید، و چون نماز عشا می خوانید، بر آن آب می ریزید. سپس می خوابید و بر شما گناهی نوشته نمی شود، تا این که بیدار شوید.

247. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در بیان پاداش نماز - هنگامی که به نماز می ایستی و رو به قبله می کنی و [سوره] حمد را و هر سوره ای را که می توانی، می خوانی و سپس خم می شوی و رکوع و سجود را کامل به جا می آوری و تشهد و سلام می گویی، همه گناهان میان نمازی که آورده ای تا آخرین نماز پیش از آن، آمرزیده می شود. این است آنچه از نمازت به دست می آوری.

248. مستدرک الوسائل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که می گوید: «خدایا! مرا بیامرزد و نمی بینم که چنین کنی!».

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «چرا بدگمانی؟»

گفت: چون، من هم در دوران جاهلیت و هم در اسلام، گناه کرده ام.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا مَا أَذْنَبْتَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقَدْ مَحَاةَ الْإِيمَانَ، وَمَا فَعَلْتَ فِي الْإِسْلَامِ؛ الصَّلَاةُ إِلَى الصَّلَاةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا. (1)

249. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ أذنب ذنباً فقام وتوضأ وصلى واستغفر الله من ذنبه، إلا كان حقيقاً على الله أن يغفر له؛ لأنه يقول: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءاً أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً» (2). (3)

250. عنه صلى الله عليه وآله: إنَّ العبدَ المسلمَ ليُصَدَّ لِي الصَّلَاةِ يُرِيدُ بِهَا وَجَهَ اللَّهَ، فَتَهَافُتُ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يَتَهَافُتُ هَذَا الْوَرَقُ عَنِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ. (4)

251. عنه صلى الله عليه وآله: ما من امرئٍ مسلمٍ تحضره صلاة مكتوبة، فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها، إلا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب، ما لم يؤت كبيرة، وذلك الدهر كله. (5)

252. عنه صلى الله عليه وآله: إنَّ العبدَ إذا توضأ فاتمَّ وضوءه، ثمَّ دخل في صلاته فاتمَّ صلاته، خرَّج من صلاته كما خرَّج من بطن أمه من الذنوب. (6) 0.

ص: 192

1- . مستدرک الوسائل: ج 3 ص 16 ح 2900 و ص 91 ح 3094 كلاهما نقلاً عن لب اللباب.

2- النساء: 110.

3- . تنبيه الخواطر: ج 2 ص 223، إرشاد القلوب: ج 1 ص 46، عوالي اللآلي: ج 1 ص 97 ح 9 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله وكلاهما نحوه؛ وسائل الشيعة: ج 11 ص 363 ح 3؛ عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 129 ح 359 عن أبي بكر نحوه، كنز العمال: ج 4 ص 258 ح 10421.

4- . مسند ابن حنبل: ج 8 ص 133 ح 21612، سبل الهدى والرشاد: ج 7 ص 141 كلاهما عن أبي ذر، كنز العمال: ج 7 ص 300 ح 18974.

5- . صحيح مسلم: ج 1 ص 206 ح 7، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 319 ح 1044، شعب الإيمان: ج 3 ص 134 ح 3111، السنن الكبرى: ج 2 ص 412 ح 3582 كلها عن عثمان، الثقات لابن حبان: ج 4 ص 359 عن أبي امامة، كنز العمال: ج 7 ص 290 ح 18926.

6- . مسند ابن حنبل: ج 1 ص 134 ح 430، مسند البزار: ج 2 ص 83 ح 435 وليس فيه «من الذنوب»، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 50 ح 59، تاريخ دمشق: ج 59 ص 313 ح 12366 كلها عن عثمان بن عفان، كنز العمال: ج 7 ص 305 ح 19000.

فرمود: «اما گناهانی که در جاهلیت کرده ای، ایمان، آنها را زدود و آنچه در اسلام انجام داده ای، نماز تا نماز، کفّاره میان آن دو است».

249. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده ای نیست که گناهی بکند و سپس برخیزد و وضو بگیرد و نماز بخواند و آمرزش گناهِش را از خداوند بخواهد، جز آن که سزاوار است خداوند او را بیامرزد؛ زیرا خود می فرماید: «و هر کس کار زشتی کند یا به خود ستم کند، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزشگر و مهربان می یابد».

250. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده مسلمان نماز می خواند و از آن، خدا را قصد می کند. پس گناهان او فرو می ریزد، همان گونه که این برگ از این درخت فرو می ریزد.

251. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مرد مسلمانی نیست که چون وقت نماز واجبش فرارسد، وضو و رکوع و سجودش را نیک انجام دهد، جز آن که آن نماز، کفّاره گناهان قبلی او بجز گناهان کبیره است و این برای همیشه است.

252. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده هنگامی که وضوی کامل بگیرد و به نماز وارد شود و آن را نیز کامل بخواند، از نمازش پاک و بی گناه بیرون می آید، آن گونه که از شکم مادرش بیرون آمده است.

253. عنه صلى الله عليه وآله: ما من صلاة يحصه رُ وقتها إلا نادى ملكٌ بين يدي الله: أيها الناس! قوموا إلى نيرانكم التي أوقدتموها على ظهوركم فأطفئوها بصلاتكم. (1)

254. الإمام علي عليه السلام: من أتى الصلاة عارفاً بحقها غفر له. (2)

255. عنه عليه السلام: ما أهمني ذنبٌ امهلت بعده حتى أصلي ركعتين. (3)

256. عنه عليه السلام: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: أَرْجَى آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ» (4) وَقَالَ: يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا! إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَقُومُ مِنْ وُضُوئِهِ فَتَسَاقُطُ عَنْ جَوَارِحِهِ الذُّنُوبُ، فَإِذَا اسْتَقْبَلَ اللَّهُ بِوَجْهِهِ وَقَلْبِهِ لَمْ يَنْفَتِلْ وَعَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، فَإِنْ أَصَابَ شَيْئًا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، حَتَّى عَدَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ.

ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّمَا مَنَزَلَتْهُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ لِأُمَّتِي كَنَهْرٍ جَارٍ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ، فَمَا يَظُنُّ أَحَدُكُمْ لَوْ كَانَ فِي جَسَدِهِ دَرَنٌ ثُمَّ اغْتَسَلَ فِي ذَلِكَ النَّهْرِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، أَكَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ دَرَنٌ؟! فَكَذَلِكَ - وَاللَّهِ - الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ لِأُمَّتِي. (5) 1.

ص: 194

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 944، ثواب الأعمال: ص 57 ح 1 كلاهما عن عبدالله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 208 ح 624، الأمل للصدوق: ص 586 ح 806 عن عبدالله بن سنان عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 82 ص 209 ح 21؛ المعجم الأوسط: ج 9 ص 173 ح 9452 عن أنس نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 281 ح 18881.

2- الخصال: ص 628 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 117، بحار الأنوار: ج 82 ص 207 ح 12.

3- نهج البلاغة: الحكمة 299، غرر الحكم: ج 6 ص 97 ح 9662، الدعوات: ص 120 ح 287، عيون الحكم والمواعظ: ص 483 ح 8910، بحار الأنوار: ج 76 ص 323 ح 8؛ دستور معالم الحكم: ص 25.

4- هود: 114.

5- مجمع البيان: ج 5 ص 308، تفسير العياشي: ج 2 ص 161 ح 74، عوالي اللآلي: ج 2 ص 24 ح 54 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن أحدهما عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 220 ح 41.

253. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ نمازی نیست که وقتش فرا رسد، جز آن که فرشته ای پیش روی خدا ندا می دهد: ای مردم! به سوی آتش هایی که بر پشت خود افروخته اید، برخیزید و آنها را با نمازتان خاموش کنید.

254. امام علی علیه السلام: هر کس نماز را با آگاهی از حقیقتش به جا آورد، آمرزیده می شود.

255. امام علی علیه السلام: گناهی که مهلت یابم پس از آن، دو رکعت نماز بخوانم، مرا اندیشناک نمی کند.

256. امام علی علیه السلام: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «امیدبخش ترین آیه در کتاب خدا این است:» «و در دو سوی روز و پاسی از شب نماز بگزار» و فرمود: «ای علی! سوگند به آن که مرا به حق، نوید دهنده و بیم دهنده فرستاد، هر يك از شما که برای وضو برمی خیزد، گناهان از اعضای او فرو می ریزند و چون با چهره و دل خود به خدا روی می کند، هنوز نماز را به پایان نبرده، تمام گناهانش پاک می شوند، همچون روزی که از مادر متولد شده است و گناهانی که در فاصله دو نماز انجام داده نیز پاک می گردند».

پیامبر صلی الله علیه و آله به همین ترتیب، نمازهای پنجگانه را بر شمرد و سپس فرمود: «ای علی! نمازهای پنجگانه برای امت من، به منزله جوی آبی است که جلو خانه هر يك از شما جریان دارد. اگر کسی از شما بدنش کثیف باشد و خود را روزی پنج بار در آن جوی بشوید، آیا کثافت و چرکی در بدنش باقی می ماند؟ به خدا سوگند که نمازهای پنجگانه نیز برای امت من، چنین اند».

257. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ - وَهُوَ النَّهْرُ - عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ (1) مَعَ الْغَسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، وَلَمْ تَبْقَ الدُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ. (2)

258. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ دَارِ أَحَدِكُمْ نَهْرٌ فَاغْتَسَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ، أَكَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ؟ قُلْنَا (3): لَا.

قَالَ: فَإِنَّ مَثَلِ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ النَّهْرِ الْجَارِي، كُلَّمَا صَلَّى صَلَاةً كَفَّرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الدُّنُوبِ. (4)

259. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا، أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ مُغْتَسَلٌ بَيْنَ مَنْزِلِهِ وَمُعْتَمَلِهِ خَمْسَةَ أَنْهَارٍ، فَإِذَا انْطَلَقَ إِلَى مُعْتَمَلِهِ عَمِلَ فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَصَابَهُ الْوَسْخُ وَالْعَرَقُ، فَكُلَّمَا مَرَّ بِنَهْرٍ اغْتَسَلَ، مَا كَانَ ذَلِكَ يُبْقِي مِنْ دَرَنِهِ؟ وَكَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ، كُلَّمَا عَمِلَ خَطِيئَةً أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ صَلَّى وَدَعَا وَاسْتَغْفَرَ، غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِيهِ. (5)

260. الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: الصَّلَاةُ صَابُونُ الْخَطَايَا. (6) 8.

ص: 196

1- الدَّرَنُ: الْوَسْخُ (مجمع البحرين: ج 1 ص 591 «درن»).

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 211 ح 640، الأمامي للمفيد: ص 189 ح 16 عن جابر بن عبد الله نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 223 ح 45؛ صحيح مسلم: ج 1 ص 463 ح 284 عن جابر بن عبد الله، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 376 ح 1534 عن سعد بن أبي وقاص وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 309 ح 19022.

3- الظاهر أن الصحيح: «قالوا: لا».

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 237 ح 938 عن أبي بصير، الأصول الستة عشر: ص 237 ح 284 عن جابر الجعفي عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 236 ح 66؛ صحيح البخاري: ج 1 ص 197 ح 505، صحيح مسلم: ج 1 ص 462 ح 283 كلاهما عن أبي هريرة، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 447 ح 1397 عن عثمان وكلها نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 6 ح 21624.

5- المعجم الأوسط: ج 1 ص 71 ح 198، المعجم الكبير: ج 6 ص 37 ح 5444، نحوه وكلاهما عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 7 ص 310 ح 19027.

6- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 313 ح 598.

257. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مثال نماز در میان شما، مثال جوی آبی است که بر خانه یکی از شما روز و شب روان باشد و او پنج بار، خود را در آن بشوید. پس [همان گونه که] هیچ چرکی با پنج بار شستن باقی نمی ماند، گناهان نیز با پنج بار نماز خواندن، باقی نمی ماند.

258. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر بر در خانه یکی از شما، جوی آبی باشد و هر روز پنج بار، خود را در آن بشوید، در تن وی چرکی باقی می ماند؟». گفتیم: (1) نه.

فرمود: «پس همانا نماز، همانند همان جوی روان است که چون خوانده شود، گناهان میان آن نماز و نماز قبلی را پاک می کند».

259. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازهای پنجگانه، کفّاره [خطاهای] میان آنهایند. اگر مردی میان منزل و محلّ کارش، پنج جوی آب برای شست و شوی خویش داشته باشد و هر گاه به محلّ کارش می رود و در آن جا کار می کند و عرق می ریزد، به این جوی ها برود و خود را پاکیزه کند، آیا از چرک و کثیفی وی، چیزی می ماند؟ نمازهای پنجگانه نیز چنین اند. هر گاه خطایی از او سرزند یا آنچه خدا خواهد بشود، نماز بخواند و دعا کند و آمرزش بطلبد. هر چه در اوست، آمرزیده می گردد.

260. امام علی علیه السلام - در سخنان حکیمانه منسوب به ایشان - نماز، صابون خطاهاست.».

ص: 197

1- گویی درست، چنین باشد: «گفتند: نه».

261. عنه عليه السلام - في كلامٍ له يوصي فيه أصحابه بالصلاة -: «وإنها لتحت الذنوب حَتَّ الوَرَقِ، وتُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ (1)، وشبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَمَّةِ (2) تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ، فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ! (3)»

262. تفسير العياشي عن أبي حمزة الثمالي: سَمِعْتُ أَحَدَهُمَا يَقُولُ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: أَيُّ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ أُرْجَى عِنْدَكُمْ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (4)، قَالَ: حَسَنَةٌ وَلَيْسَتْ إِيَّاهَا، فَقَالَ بَعْضُهُمْ:

«يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (5)، قَالَ: حَسَنَةٌ وَلَيْسَتْ إِيَّاهَا، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: «الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» (6)، قَالَ: حَسَنَةٌ وَلَيْسَتْ إِيَّاهَا.

قَالَ: ثُمَّ أَحْجَمَ النَّاسُ، فَقَالَ: مَا لَكُمْ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ؟ قَالُوا: لَا وَاللَّهِ مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أُرْجَى آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ» (7)» وَقَرَأَ الْآيَةَ كُلَّهَا، وَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا! إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَقُومُ إِلَى وَضُوئِهِ فَتَسَاقُطُ عَنْ جَوَارِحِهِ الذُّنُوبُ، فَإِذَا اسْتَقْبَلَ اللَّهُ بِوَجْهِهِ وَقَلْبِهِ لَمْ يَنْفَتِلْ عَنْ صَلَاتِهِ وَعَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ كَمَا وَلَدَتْهُ

ص: 198

1- الرَّبْقُ: جمع ربقة؛ وهي في الأصل عروة في حبل تُجعل في عنق البهيمة أو يدها تُمسكُها (النهاية: ج 2 ص 190 «ربق»).

2- الحَمَّةُ: مفرد الحمَّامات؛ وهي العيون الحارَّة (مجمع البحرين: ج 1 ص 460 «حمم»).

3- نهج البلاغة: الخطبة 199، بحار الأنوار: ج 82 ص 224 ح 48.

4- النساء: 48 و 116.

5- الزمر: 53.

6- آل عمران: 135.

7- هود: 114.

261. امام علی علیه السلام - در گفتاری که در آن یارانش را به نماز سفارش می فرمود-: و همانا نماز، گناهان را چون برگ فرو می ریزد و آنها را می گشاید، آن گونه که بند از کسی بگشایند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نماز را به چشمه آب گرم که بر در خانه مرد روان باشد، تشبیه کرد که شبانه روز، پنج بار خود را در آن بشوید، دیگر چرکی بر تن وی نخواهد ماند.

262. تفسیر العیاشی - به نقل از ابو حمزه ثمالی - : از یکی از آن دو (امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) شنیدم که می فرماید: «علی علیه السلام رو به مردم کرد و فرمود: امیدوار کننده ترین آیه در کتاب خدا کدام است؟

برخی گفتند: آیه (بی گمان، خداوند، شرک ورزیدن به خود را نمی بخشد و کمتر از آن را برای هر که بخواهد، می بخشد).

فرمود: نیکوست؛ ولی آن نیست.

برخی گفتند: آیه (ای بندگان من که بر خویشان زیاده روی روا داشته اید! از رحمت خدا نومید مشوید).

فرمود: نیکوست؛ ولی آن نیست.

برخی گفتند: آیه (آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند).

فرمود: نیکوست؛ ولی آن نیست.

پس مردم، از سخن باز ایستادند و ایشان فرمود: ای مردم مسلمان! پاسخی دارید؟

گفتند: نه. به خدا سوگند، چیزی نمی دانیم.

فرمود: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: "امیدوار کننده ترین آیه در کتاب خدا این است: «در دو طرف روز و نخستین ساعات شب، نماز بر پا دار»" و همه آیه را قرائت کرد (1) و فرمود: "ای علی! سوگند به کسی که مرا به حق، نویدبخش و هشدار دهنده برانگیخت، همانا یکی از شما که به وضو بر می خیزد، گناهانش از اندامش فرو می ریزند و هنگامی که با برون و درون به خدا رو می کند، از نمازش باز نمی گردد، جز آن که از گناهانش چیزی بر او نمانده است، آن گونه که مادرش او را زاده بود. پس اگر به گناهی میان دو نماز رو آورد،».

ص: 199

1- ادامه آیه یعنی نوید بخش ترین جمله قرآنی، این است: «نیکی ها بدی ها را از بین می برند».

أُمَّهُ، فَإِنَّ أَصَابَ شَيْئًا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، حَتَّى عَدَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ».

ثُمَّ قَالَ: «يَا عَلِيُّ، إِنَّمَا مَنْزِلَةُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ لِأُمَّتِي كَنَهْرٍ جَارٍ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ، فَمَا ظَنُّ أَحَدِكُمْ لَوْ كَانَ فِي جَسَدِهِ دَرَنٌ ثُمَّ اغْتَسَلَ فِي ذَلِكَ النَّهْرِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فِي الْيَوْمِ، أَكَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ دَرَنٌ؟ فَكَذَلِكَ - وَاللَّهِ - الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ لِأُمَّتِي». (1)

263. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا بَيْنَ كُلِّ صَلَاةٍ، وَكَانَ كَمَنْ عَلَى بَابِهِ نَهْرٌ جَارٍ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، وَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْئًا إِلَّا الْمَوْبِقَاتِ الَّتِي هِيَ جَحْدُ (2) النَّبُوءَةِ أَوْ الْإِمَامَةِ، أَوْ ظَلَمَ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ، أَوْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ حَتَّى يَضُرَّ بِنَفْسِهِ وَيَاخُونَهُ الْمُؤْمِنِينَ. (3)

راجع: ح 1، 411، 413، 424 و 579.

2/5 نور القلب

264. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ نُورٌ. (4)

265. عنه صلى الله عليه وآله: صَلَاةُ الرَّجُلِ نُورٌ فِي قَلْبِهِ، فَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ فَلْيُنُورْ (5) قَلْبَهُ. (6) 3.

ص: 200

1- تفسير العياشي: ج 2 ص 161 ح 74، مجمع البيان: ج 5 ص 307، عوالي اللآلي: ج 2 ص 24 ح 54 و ليس فيه صدره إلى «ما عندنا شيء»، بحار الأنوار: ج 82 ص 220 ح 41.

2- جَحْدَةٌ: أَي أَنْكَرَهُ مَعَ عِلْمِهِ بِثَبُوتِهِ (مجمع البحرين: ج 1 ص 271 «جحد»).

3- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 231 ح 111، بحار الأنوار: ج 82 ص 219 ح 40.

4- صحيح مسلم: ج 1 ص 203 ح 1، سنن الترمذي: ج 5 ص 536 ح 3517 كلاهما عن أبي مالك الأشعري، السنن الكبرى: ج 1 ص 69 ح 186؛ ارشاد القلوب: ص 74 عن معاذ بن جبل، عوالي اللآلي: ج 1 ص 104 ح 36 عن أنس.

5- في المصدر: «أَنْ يُنُورَ»، والتصويب من كَنْزِ الْعَمَّالِ إِذْ هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْسِّيَاقِ.

6- الفردوس: ج 2 ص 388 ح 3723 عن أبي هريرة، كَنْزِ الْعَمَّالِ: ج 7 ص 300 ح 18973.

برایش چنین است، تا این که هر پنج نماز را شمرد و سپس فرمود: "ای علی! جایگاه نمازهای پنجگانه برای امتم، چون جویی است که بر درِ خانه یکی از شما روان باشد. پس چه گمان می برید اگر در تن وی چرکی باشد و خود را در آن جوی، پنج بار در روز بشوید؟ آیا در تن او چرکی می ماند؟ به خدا سوگند، نمازهای پنجگانه برای امتم نیز همین گونه اند".

263. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازهای پنجگانه را بخواند، خداوند، گناهان میان هر دو نماز او را می آمرزد و مانند کسی است که بر درِ خانه اش، جوی آبی جاری است و خود را هر روز پنج مرتبه در آن می شوید که دیگر آلودگی ای برای او باقی نمی گذارد، مگر گناهان بزرگی مانند انکار نبوت و امامت و یا ستم به برادران ایمانی و یا ترك تقیه تا آن جا که به خود و برادران ایمانی اش زیان برساند.

ر.ك: ح 1، 411، 413، 424 و 579.

2/5: روشنی دل

264. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، نور است.

265. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز انسان، نوری در دل اوست. پس هر کس می خواهد، [نماز بخواند و] دلش را نورانی کند.

ص: 201

266. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ نُورٌ الْمُؤْمِنِ. (1)

راجع: ص 116 (نور وبرهان) وح 111.

3/5 طَرَدُ الشَّيْطَانِ

267. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ تُسَوِّدُ وَجْهَ الشَّيْطَانِ. (2)

268. الإمام علي عليه السلام: الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ. (3)

269. عنه عليه السلام: الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ، وَمَدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ. (4)

270. الإمام الصادق عليه السلام: مَلَكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ، وَيُلْقِنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ. (5)

راجع: ح 374 و 388.

4/5 إقبال الله على المصلي

271. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا قَامَ يُصَلِّي، أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ، حَتَّى يَنْقَلِبَ أَوْ يُحْدِثَ حَدَثَ سَوْءٍ. (6) راجع: ح 433، 280، 223 و 434.5

ص: 202

1- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1408 ح 4210، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 5 ح 3643 و 3644، مسند الشهاب: ج 1 ص 118 ح 144، تاريخ دمشق: ج 36 ص 198 ح 7298 كلها عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 288 ح 18915؛ جامع الأخبار: ص 218 ح 549، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 92 ح 3098.

2- الفردوس: ج 2 ص 405 ح 3799 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 284 ح 18893.

3- غرر الحكم: ج 2 ص 166 ح 2212، عيون الحكم والمواعظ: ص 66 ح 1681.

4- غرر الحكم: ج 2 ص 166 ح 2213، عيون الحكم والمواعظ: ص 66 ح 1682.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 137 ح 369، وسائل الشيعة: ج 3 ص 19 ح 4427.

6- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 327 ح 1023، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 1 ص 432 ح 1689، تاريخ دمشق: ج 34 ص 158 الرقم 3739 كلها عن حذيفة و ج 64 ص 185 ح 13102، السنن الكبرى: ج 2 ص 400 ح 3533 كلاهما عن الأشعري وكلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 286 ح 18905.

266. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، نور مؤمن است.

ر.ك:ص 117 (نور و دلیل) وح 111.

3/5: راندن شیطان

267. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، چهره شیطان را سیاه می کند.

268. امام علی علیه السلام: نماز، پناهگاهی در برابر حمله های شیطان است.

269. امام علی علیه السلام: نماز، پناهگاه رحمان و وسیله راندن شیطان است.

270. امام صادق علیه السلام: فرشته مرگ، شیطان را از مواظبت کننده بر نماز، دور می کند و در آن حال سخت (جان کندن)، گواهی بر یکتایی خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله را به او تلقین می نماید.

ر.ك:ح 374 و 388.

4/5: اقبال خداوند به نماز گزار

271. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان هنگامی که به نماز می ایستد، خداوند به او رو می کند تا این که نماز گزار رو برگرداند و یا کار زشتی از او سرزند.

ر.ك:ح 433، 280، 223 و 434.

ص: 203

272. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ. (1)

273. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الزَّكَاةَ جُعِلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قُرْبَانًا لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ. (2)

274. عنه عليه السلام: الصَّلَاةُ أَفْضَلُ الْقُرْبَتَيْنِ. (3)

275. الإمام الباقر عليه السلام: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ. (4)

276. الإمام الصادق عليه السلام - لِأَبِي حَنِيفَةَ حِينَ قَالَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَا أَصْبَرَكَ عَلَى الصَّلَاةِ - : يَا نُعْمَانُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الصَّلَاةَ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ؟! (5)

277. التفسير الكبير: قال صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ (6). (7) 6.

ص: 204

1- .الجعفریات: ص 32 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج 3 ص 265 ح 6 عن محمد بن الفضيل عن الإمام الرضا عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 416 ح 5904 عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام، نهج البلاغة: الحكمة 136، بحار الأنوار: ج 78 ص 60 ح 138؛ مسند الشهاب: ج 1 ص 181 ح 265 عن الزبير عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 7 ص 288 ح 18917.

2- .الكافي: ج 5 ص 37 ح 1 عن عقيل الخزاعي، نهج البلاغة: الخطبة 199، بحار الأنوار: ج 33 ص 447 ح 659.

3- .غرر الحكم: ج 2 ص 27 ح 1682.

4- .دعائم الإسلام: ج 1 ص 134.

5- .نثر الدر: ج 1 ص 356، كشف الغمّة: ج 2 ص 419، بحار الأنوار: ج 78 ص 208 ح 77.

6- .تجدد الإشارة إلى أنّ عبارة «الصلاة معراج المؤمن» مع كثرة تداولها على لسان المعاصرين بحيث صارت من أشهر ما توصف به الصلاة، إلّا أنّنا لم نعثر على مصدر روائي لها مسند إلى النبي أو أهل بيته عليهم السلام. ثم استقصينا كلمات أصحاب الكتب في شتى العلوم من الشيعة وأهل السنة، فوجدنا هذه العبارة في مواضع من كتبهم؛ ومن أقدمها التفسير الكبير للفخر الرازي فإنه نسبها إلى النبي صلى الله عليه وآله، ثم بعض ما صدر من المؤلفين الشيعة في القرون المتأخرة؛ كروضة المتقين، وبحار الأنوار للمجلسيين، والرواشح السماوية للمحقق الداماد، فإنّها قد تضمّنتها ولكنها لم تسندها إلى المعصوم عليه السلام.

7- .تفسير الفخر الرازي: ج 1 ص 266.

272. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، وسیله تقرب هر شخص با تقواست.

273. امام علی علیه السلام: همانا زکات به همراه نماز، وسیله تقرب مسلمانان قرار داده شده است.

274. امام علی علیه السلام: نماز، نیمه برتر [عوامل] تقرب [به خدا] است.

275. امام باقر علیه السلام: نزدیک ترین حالت بنده به خدا، هنگامی است که در نماز است.

276. امام صادق علیه السلام - در پاسخ ابو حنیفه که به ایشان گفت: ای ابو عبد الله! چه قدر بر نماز شکیب می ورزی - ای نعمان! آیا نمی دانی که نماز، وسیله تقرب هر شخص با تقواست؟

277. التفسیر الکبیر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز، معراج مؤمن است. (1)

ص: 205

1- گفتنی است عبارت «نماز، معراج مؤمن است» - با همه شهرتش به گونه ای که در ردیف مشهورترین جملات توصیف گر نماز به شمار می آید - فاقد منبعی حدیثی است که آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت ایشان نسبت دهد. ما در گستره وسیعی از کتاب های متنوع شیعی و سنی جستجو کردیم و به نتایج زیر رسیدیم: الف - از کهن ترین منابع اهل سنت، تفسیر فخر رازی (التفسیر الکبیر) است که «الصلاة معراج المؤمن» را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می دهد. ب - در منابع شیعی، این عبارت نخستین بار در آثار عصر صفوی، مانند: روضة المتقین مجلسی اول، بحار الأنوار: علامه مجلسی، الرواشح السماویة ی میرداماد و... به چشم می خورد؛ ولی هیچ یک از این عالمان، این جمله را به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا امامان علیهم السلام نسبت نداده اند.

278. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ مَا لَمْ يُحْدِثْ، تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ اِرْحَمَهُ. (1)

279. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْكُمْ مِنْ رَجُلٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُتَطَهَّرًا، فَيُصَلِّي مَعَ الْمُسْلِمِينَ الصَّلَاةَ، ثُمَّ يَجْلِسُ فِي الْمَجْلِسِ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ الْآخَرَى إِلَّا أَنْ الْمَلَائِكَةَ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ اِرْحَمَهُ. (2)

راجع: ح 62.

7/5 نُزُولُ الرَّحْمَةِ

280. الكافي عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلَاتِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ - أَوْ قَالَ: أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ - حَتَّى يَنْصَدِرَ، وَأَظْلَلَتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ، وَالْمَلَائِكَةُ تَحْفُهُ مِنْ حَوْلِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ، وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا قَائِمًا عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ لَهُ: أَيُّهَا الْمُصَلِّي، لَوْ تَعَلَّمُ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَمَنْ تُتَاجَى مَا التَفَّتْ وَلَا زُلَّتْ مِنْ مَوْضِعِكَ أَبَدًا. (3) هـ.

ص: 206

1- صحيح البخاري: ج 1 ص 171 ح 434، صحيح مسلم: ج 1 ص 459 ح 272 نحوه، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 187 ح 8127، سنن أبي داود: ج 1 ص 127 ح 469، سنن الدارمي: ج 1 ص 348 ح 1379 وكلاهما بزيادة «يقم أو» قبل «يحدث» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 293 ح 18944.

2- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 7 ح 10994، صحيح ابن حبان: ج 2 ص 128 ح 402، السنن الكبرى: ج 2 ص 26 ح 2265 كلها عن أبي سعيد الخدري؛ الأماشي للصدوق: ص 400 ح 516، روضة الواعظين: ص 366 كلاهما عن أبي سعيد الخدري نحوه، بحار الأنوار: ج 80 ص 301 ح 2.

3- الكافي: ج 3 ص 265 ح 5، فلاح السائل: ص 288 ح 181، بحار الأنوار: ج 84 ص 260 ذيل ح 59 نقلاً عن كتاب أسرار الصلاة للشهيد الثاني عنه صلى الله عليه وآله.

278. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشتگان بر بنده ای که در نماز گاهش نماز می خواند، تا آن گاه که حَدَثی از او سر نزنده است، درود می فرستند و می گویند: «خدایا! او را بیامرزش. خدایا! بر او رحمت آور.».

279. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ يك از شما نیست که با طهارت از خانه اش بیرون آید و با جماعت مسلمانان نماز بگذارد و سپس به انتظار نمازی دیگر بنشیند، جز این که فرشتگان می گویند: «خدایا! او را بیامرزش. خدایا! بر او رحم کن.».

ر.ك: ح 62.

7/5: فرود آمدن رحمت

280. الکافی - به نقل از ابو حمزه، از امام باقر علیه السلام - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که بنده مؤمن در نمازش می ایستد، خداوند به او می نگرد» یا فرمود: «خدا به او رو می کند، تا آن گاه که باز گردد و سایه رحمت را از بالای سرش تا کرانه آسمان بر او می گسترد و فرشتگان، اطرافش را تا کرانه آسمان می گیرند و فرشته ای بر بالای سرش گمارده می شود که به او می گوید: ای نمازگزار! اگر می دانستی چه کسی به تو می نگرد و با چه کسی مناجات می کنی، روی نمی گرداندی و هرگز از این جا نمی رفتی.».

ص: 207

281. رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبا ذرٍّ، ما من مؤمنٍ يقومُ إلى الصلاةِ إلا تناثرَ عليه البرُّ ما بينَهُ وبينَ العرشِ، ووُكِّلَ بهِ ملكٌ يُنادي: يَا بَنَ آدَمَ، لَوْ تَعَلَّمُ مَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ وَمَنْ تُنَاجِي مَا سَمِيتَ وَلَا التَّقَتَّ. (1)

282. عنه صلى الله عليه وآله: إذا قامَ العبدُ في صلاتِهِ ذُرُّ البرِّ على رَأْسِهِ حَتَّى يَرِكَعَ، فَإِذَا رَكَعَ عَلَتْهُ رَحْمَةُ اللَّهِ حَتَّى يَسْجُدَ، وَالسَّاجِدُ يَسْجُدُ عَلَى قَدَمَيِ اللَّهِ تَعَالَى، فَلْيَسْأَلْ وَلْيَرْغَبْ. (2)

283. عنه صلى الله عليه وآله: لِلْمُصَلِّي ثَلَاثُ خِصَالٍ: تَتَنَاطَرُ الرَّحْمَةُ عَلَيْهِ مِنْ قَدَمَيْهِ إِلَى عِنَانِ السَّمَاءِ، وَتَحْفُ بِهِيَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ، وَيُنَادِي مُنَادٍ: لَوْ عَلِمَ الْمُتَنَاجِي مَنْ يُنَاجِي مَا انْفَتَلَ. (3)

284. الإمام عليّ عليه السلام: الصَّلَاةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ. (4)

285. عنه عليه السلام: إذا قامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ، أَقْبَلَ إبليسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسِداً لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ. (5)

286. عنه عليه السلام: لو يَعْلَمُ الْمُصَلِّي ما يَغْشَاهُ مِنْ جَلالِ اللَّهِ، ما سَرَّهُ أَنْ يَرَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ. (6) 2.

ص: 208

- 1- الأمامي للطوسي: ص 529 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 366 ح 2661 تنبيه الخواطر: ج 2 ص 54، أعلام الدين: ص 192 كلُّها عن أبي ذرٍّ، عدّة الداعي: ص 142، بحار الأنوار: ج 77 ص 78 ح 3.
- 2- كنز العمال: ج 7 ص 289 ح 18924 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور عن عمّار.
- 3- المصنّف لعبد الرزّاق: ج 1 ص 49 ح 150، كنز العمال: ج 7 ص 289 ح 18923؛ كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 210 ح 636 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، ثواب الأعمال: ص 57 ح 3 عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 122 ح 131 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 65 ح 2160 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 215 ح 30.
- 4- غرر الحكم: ج 2 ص 166 ح 2214.
- 5- الخصال: ص 632 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 122، عيون الحكم والمواعظ: ص 139 ح 3140، بحار الأنوار: ج 82 ص 207 ح 12.
- 6- الخصال: ص 632 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 122، غرر الحكم: ج 5 ص 116 ح 7592، عيون الحكم والمواعظ: ص 417 ح 7079 كلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 207 ح 12.

281. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابو ذر! هیچ مؤمنی به نماز نمی ایستد، جز این که از او تا عرش، نیکی نثارش می شود و فرشته ای بر او گمارده می گردد که ندا در می دهد: «ای پسر آدم! اگر می دانستی چه در نمازت به دست می آوری و با که مناجات می کنی، نه خسته می شدی و نه روی می گرداندی».

282. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که بنده در نماز می ایستد، نیکی و احسان بر سرش افشانده می شود، تا آن گاه که رکوع کند. پس هنگامی که رکوع کرد، رحمت الهی او را بالا می برد تا سجده کند و سجده کننده، بر درگاه خداوند متعال سجده می کند. پس [فرصت را غنیمت شمرد و] درخواست کند و رغبت ورزد.

283. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای نمازگزار سه ویژگی است: رحمت الهی، او را از کف پایش تا کرانه آسمان در بر می گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه های آسمان، گرداگرد او را می گیرند و فریاد کننده ای ندا در می دهد: «اگر مناجات کننده می دانست با که مناجات می کند، روی نمی گرداند».

284. امام علی علیه السلام: نماز، رحمت را فرود می آورد.

285. امام علی علیه السلام: هنگامی که انسان به نماز می ایستد، ابلیس پیش می آید و حسودانه به او می نگرَد؛ چون می بیند رحمت الهی او را در بر گرفته است.

286. امام علی علیه السلام: اگر نمازگزار می دانست چگونه شکوه الهی او را در بر گرفته است، سر برداشتن از سجده را خوش نمی داشت.

287. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... رَجُلٌ كَانَ فِي صَلَاتِهِ فَهُوَ فِي كَنْفِ (1) اللَّهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ. (2)

8/5 إجابة الدعاء

288. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ آدَى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. (3)

289. عنه صلى الله عليه وآله: تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ التَّقَاءِ الصُّفُوفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ، وَعِنْدَ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَعِنْدَ رُؤْيَةِ الْكَعْبَةِ. (4)

290. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَا يَعْزِضُ عَلَى قَلْبِهِ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا، لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ. (5)

291. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: حَمَدَنِي عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: هـ.

ص: 210

1- الكَنْفُ: الجَانِبُ والناحية، وهذا تمثيل لجعله تحت ظلِّ رحمته يوم القيامة (النهاية: ج 4 ص 205 «كنف»).

2- الخصال: ص 127 ح 127 عن عبّاد بن صهيب، بحار الأنوار: ج 74 ص 352 ح 23.

3- الأُمالي للمفيد: ص 118 ح 1 عن محمّد بن عبد الله بن عليّ العلوي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 28 ح 22، الأُمالي للطوسي: ص 597 ح 1238 كلاهما عن عبد الله بن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 82 ص 207 ح 13؛ المعجم الكبير: ج 18 ص 259 ح 647 عن العرياض بن سارية نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3327.

4- السنن الكبرى: ج 3 ص 502 ح 6460، المعجم الكبير: ج 8 ص 169 ح 7713 و ص 171 ح 7719 وفيه «دعاء المسلم» بدل «الدعاء في أربعة مواطن»، معرفة السنن: ج 3 ص 106 ذيل ح 2024 وليس فيه «في سبيل الله»، الأُمالي للشجري: ج 1 ص 224، كلّها عن أبي امامة، كنز العمال: ج 2 ص 101 ح 3334.

5- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 116؛ الزهد لابن المبارك: ص 402 ح 1143، اسد الغابة: ج 3 ص 36 الرقم 2533 كلاهما عن صلة بن أشيم نحوه.

287. امام صادق علیه السلام: همانا مهمان خداوند عز و جل...، انسان نمازگزار است. او در پناه رحمت خداست تا آن گاه که نمازش را به پایان برد.

8/5: اجابت دعا

288. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز واجبی بگزارد، نزد خداوند، يك دعای مستجاب دارد.

289. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار هنگام، درهای آسمان گشوده می شوند و دعا مستجاب می گردد: (1) هنگام صف آرایی مجاهدان راه خدا در برابر دشمن، هنگام باران آمدن، هنگام بر پا کردن نماز و هنگام دیدن کعبه.

290. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازی بخواند که در آن، چیزی از چاره اندیشی های دنیا را در دل نگذرانند، هیچ چیز از خدا نمی خواهد، جز این که به او می دهد.

291. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «نماز را بین خود و بنده ام دو نیمه کرده ام و آنچه بخواهد، به او می دهم». هنگامی که بنده بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، خداوند متعال می گوید: «بنده ام مرا ستود». و هنگامی که بگوید: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، خداوند

ص: 211

1- در نقل المعجم الكبير، «چهار هنگام» نیامده و به جای «دعا»، نیز «دعای مسلمان» آمده است.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَتَى عَلِيَّ عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» قَالَ: مَجَّدَنِي عَبْدِي (وَقَالَ مَرَّةً: فَوَضَّ إِلَيَّ عَبْدِي)، إِذَا قَالَ: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» قَالَ: هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، إِذَا قَالَ: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» قَالَ: هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ. (1)

292. عنه صلى الله عليه وآله: ساعتان تفتح فيهما أبواب السماء: عند حضور الصلاة، وعند الصف في سبيل الله. (2)

293. عنه صلى الله عليه وآله: سلوا الله حوائجكم البتة (3) في صلاة الصبح. (4)

294. عنه صلى الله عليه وآله: من كان طالبا إلى الله عز وجل حاجة في أمر دنياه وآخرته، فليطلبها في العشاء الآخرة؛ فإنها صلاة لم يصلها أحد من الأمم قبلكم. (5)

295. الإمام الصادق عليه السلام: إذا قام المؤمن في الصلاة، بعث الله الحور العين حتى 9.

ص: 212

1- صحيح مسلم: ج 1 ص 296 ح 38، سنن أبي داود: ج 1 ص 217 ح 821، سنن الترمذي: ج 5 ص 201 ح 2953 كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 288 ح 18920؛ التبيان في تفسير القرآن: ج 1 ص 46 عن جابر بن عبد الله وفيه صدره إلى «مجدي» عبدي»، مجمع البيان: ج 1 ص 87 نحوه.

2- صحيح ابن حبان: ج 5 ص 5 ح 1720 و ص 61 ح 1764، الدعاء للطبراني: ص 167 ح 489، المعجم الكبير: ج 6 ص 140 ح 5774، السنن الكبرى: ج 1 ص 605 ح 1939، موارد الظمان: ص 97 ح 297 كلها عن سهل بن سعد نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 101 ح 3331.

3- البتة: أي قطعاً (مجمع البحرين: ج 1 ص 111 «بت»).

4- مسند الروياني: ج 1 ص 480 ح 728، الفردوس: ج 2 ص 305 ح 3379 كلاهما عن أبي رافع، المطالب العالية: ج 1 ص 81 ح 283 وليس فيه «البتة»، تاريخ دمشق: ج 65 ص 205 ح 13240 عن أنس نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 101 ح 3332 نقلاً عن مسند أبي يعلى عن أبي رافع.

5- الفردوس: ج 3 ص 516 ح 5608 عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 2 ص 109 ح 3378؛ المجتبي: ص 48، عدّة الداعي: ص 39، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 282 ح 5858 نقلاً عن كتاب دفع الهموم والاحزان لأحمد بن داود النعماني وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 87 ص 167 ح 9.

متعال می گوید: «بنده ام مرا ستایش کرد» و هنگامی که بگوید: «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می گوید: «بنده ام مرا بزرگ داشت» (1) و هنگامی که بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، می گوید: «این، میان من و بنده ام است و آنچه خواست، به او می دهم». پس هنگامی که بگوید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، می گوید: «این از آن بنده ام است و آنچه خواست، به او می دهم».

292. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو هنگام، درهای آسمان باز می شوند: وقت نماز و هنگام صف کشیدن برای پیکار در راه خدا.

293. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حاجت های قطعی خود را هنگام نماز صبح از خدا بخواهید.

294. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حاجت دنیایی یا آخرتی از خدا می خواهد، آن را هنگام نماز عشا بطلبد که نمازی است که هیچ يك از امت های پیش از شما آن را نخوانده است.

295. امام صادق علیه السلام: هنگامی که مؤمن به نماز می ایستد، خداوند، حورهای بهشتی را بر می انگیزد تا گرد او را بگیرند و هنگامی که نماز را تمام می کند و می رود و هیچ یکت.

ص: 213

1- این عبارت، بدین گونه هم نقل شده است: «بنده ام [امرش را] به من واگذارد». گفتنی است در نقل جابر بن عبد الله حدیث تا همین جا ذکر شده است.

يَحْدِقْنَ (1) بِهِ، فَإِذَا انْصَرَفَ وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ مِنْهُنَّ شَيْئاً تَفَرَّقْنَ وَهُنَّ مُتَعَجِّبَاتٌ. (2)

296. عنه عليه السلام: مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ، وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَأَتَمَّ رُكُوعَهُمَا وَسُجُودَهُمَا، ثُمَّ جَلَسَ فَأَثْنَى عَلَى اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَتَهُ فَقَدْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَطَانِهِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَطَانِهِ لَمْ يَخِبْ. (3)

9/5 الإِعَانَةُ فِي الشَّدَّةِ

الكتاب:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». (4)

الحديث:

297. سنن أبي داود عن حذيفة: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا حَزَبَهُ (5) أَمْرٌ صَلَّى. (6)

298. مسكّن الفؤاد عن يوسف بن عبد الله بن سلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَزَلَ بِأَهْلِهِ شِدَّةً 2.

ص: 214

-
- 1- حَدِّقُوا بِهِ يَحْدِقُونَ: إِذَا أَطَافُوا بِهِ... كَأَحْدَقُوا بِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ اسْتَدَارَ بِشَيْءٍ وَأَحَاطَ بِهِ فَقَدْ أَحْدَقَ بِهِ (تاج العروس: ج 13 ص 68 «حدق»).
 - 2- فضائل الشيعة: ص 72 ح 35 عن أبي حمزة، عدة الداعي، ص 58، أعلام الدين: ص 457 كلاهما عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 18 ح 14.
 - 3- الكافي: ج 3 ص 478 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 969، المحاسن: ج 1 ص 124 ح 138، مشكاة الأنوار: ص 144 ح 347 وفيه «فأوسع» بدل «فأحسن» وكلّها عن الحسن بن صالح، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1994، بحار الأنوار: ج 5 ص 324 ح 16.
 - 4- البقرة: 153، وراجع الآية 45.
 - 5- في الحديث: «كان إذا حزبه أمر صلى»؛ أي إذا نزل به مهمّ أو أصابه غمّ (لسان العرب: ج 1 ص 309 «حزب»).
 - 6- سنن أبي داود: ج 2 ص 35 ح 1319، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 85 ح 23359، شعب الإيمان: ج 3 ص 154 ح 3181، تاريخ بغداد: ج 6 ص 274 الرقم 3303، كنز العمال: ج 7 ص 69 ح 18001؛ مجمع البيان: ج 6 ص 534 عن ابن عباس نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 192.

از آنان را از خدا نمی طلبد، شگفت زده پراکنده می شوند.

296. امام صادق علیه السلام: هر کس وضوی نیکو بگیرد و دو رکعت نماز با رکوع و سجود کامل بخواند و سپس بنشیند و خدا عز و جل را ثنا بگوید و بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود فرستد، سپس حاجتش را از خدا بخواهد، بی گمان، نیکی را از محلش طلبیده است و هر کس نیکی را از محلش بجوید، ناکام نمی ماند.

9/5: یاری رسانی در سختی ها

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از شکیبایی و نماز، یاری جوید، که خدا با شکیبایان است.»

حدیث

297. سنن أبی داوود - به نقل از حذیفه -: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه دچار مشکل [یا اندوهی] می شد، نماز می خواند.

298. مسکن الفؤاد - به نقل از یوسف بن عبد الله بن سلام -: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه خانواده اش دچار مشکلی می شد، آنان را به نماز فرمان می داد و سپس این آیه: «و خانواده ات را به

ص: 215

أَمَرَهُمْ بِالصَّلَاةِ، ثُمَّ قَرَأَ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (1). (2)

299. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا هَالَهُ شَيْءٌ فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». (3)

300. عنه عليه السلام: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا، أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟! أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؟ (4)

10/5 خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

301. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. (5)

302. عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابَّبُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ...، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ابْتَلُوا بِالسَّنِينِ (6) وَالْجَدْبِ. (7)

303. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَمَوَاضِعِ الشَّمْسِ، إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ 0.

ص: 216

1- طه: 132.

2- مسكن الفؤاد: ص 56، بحار الأنوار: ج 91 ص 383 ح 10؛ شعب الإيمان: ج 7 ص 121 ح 9705، المعجم الأوسط: ج 1 ص 272 ح 886، سير أعلام النبلاء: ج 8 ص 411 الرقم 112 كلاهما عن عبد الله بن سلام، تفسير القرطبي: ج 11 ص 263 وليس فيه ذيله وفي الثلاثة الأخيرة «الضيق» بدل «شدة».

3- الكافي: ج 3 ص 480 ح 1 عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 5 ص 263 ح 10252.

4- تفسير العياشي: ج 1 ص 43 ح 39 عن مسمع، مجمع البيان: ج 1 ص 217، بحار الأنوار: ج 91 ص 341.

5- الفردوس: ج 2 ص 404 ح 3796 عن ابن عباس.

6- السَّنَةُ - مُطْلَقَةً - : الْقَحْطُ، وَكَذَلِكَ الْمَجْدِبَةُ مِنَ الْأَرْضِي (تاج العروس: ج 19 ص 49 «سنه»).

7- الأمالي للطوسي: ص 647 ح 1340 عن محمد بن صدقة عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 29 ح 25، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 85 ح 12 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار: ص 377 ح 1052 كلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 405 ح 110.

نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش» را قرائت می کرد.

299. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام هر گاه اندیشناك چیزی می شد، به نماز پناه می برد. سپس این آیه: «و از شکبیایی و نماز، یاری جوید» را تلاوت کرد.

300. امام صادق علیه السلام: چه چیزی مانع می شود که چون اندوهی از اندوه های دنیا به یکی از شما رسید، وضو بگیرد و سپس به جایگاه نمازش برود و دو رکعت نماز بخواند و خدا را در آن بخواند؟ آیا نشنیده ای که خداوند می گوید: «و از شکبیایی و نماز، یاری جوید»؟

10/5: خیر دنیا و آخرت

301. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، کلید هر خوبی است.

302. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همواره اتم در خیر و خوبی هستند، تا آن گاه که با یکدیگر دوست باشند و نماز را بر پا دارند.... پس اگر چنین نکنند، به قحطی و خشك سالی گرفتار می شوند.

303. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای به وقت های نماز و جایگاه های خورشید، اهتمام

ص: 217

الرَّوْحَ (1) عِنْدَ الْمَوْتِ، وَانْقِطَاعَ الْهُمُومِ وَالْأَحْزَانِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ. (2)

304. عنه صلى الله عليه وآله: لَنْ يَلِجَ النَّارَ مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَكَانَ يُبَادِرُ صَلَاتَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا. (3)

305. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ لِعَبْدِي عَلَيَّ عَهْدًا إِنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا أَنْ لَا أَعَذِّبَهُ، وَأَنْ ادْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (4)

306. عنه صلى الله عليه وآله: مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ. (5)

307. عنه صلى الله عليه وآله: أَبْشِرُوا، أَبْشِرُوا! مَنْ صَلَّى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ، وَاجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ، دَخَلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ. (6)

308. عنه صلى الله عليه وآله - لِمَنْ قَالَ لَهُ: مَا يُنْجِينِي مِنَ النَّارِ، وَمَا يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ؟ -: لَيْتَنِي كُنْتُ أُوجِزَتْ فِي الْمَسْأَلَةِ لَقَدْ أَعْظَمْتَ وَأَطَوَلْتَ... أَقِمِ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، وَأَدِّ الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ وَ... (7)

309. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجْرَةً مِنْ أَعْلَاهَا تَخْرُجُ حُلٌّ، وَمِنْ أَسْفَلِهَا خِيُولٌ بُلُقٌ (8) ذَوَاتُ).

ص: 218

1- رَوَّحَ اللَّهُ: أَيَّ رَحْمَتِهِ بَعْبَادِهِ (انظر: النهاية: ج 2 ص 272 «روح»).

2- الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ: ص 136 ح 5 عن سويد بن غفلة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 9 ح 5.

3- كَنْزُ الْعَمَالِ: ج 1 ص 79 ح 318 نقلًا عن المعجم الكبير عن عمارة بن ربيعة.

4- كَنْزُ الْعَمَالِ: ج 7 ص 312 ح 19036 نقلًا عن الحاكم في تاريخه عن عائشة.

5- سنن الترمذي: ج 1 ص 10 ح 4، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 103 ح 14668، المعجم الصغير: ج 1 ص 214، شعب الإيمان: ج 3 ص

4 ح 2711 و 2712 كلُّها عن جابر بن عبد الله، الجامع الصغير: ج 2 ص 537 ح 8192؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 322 ح 56.

6- مجمع الزوائد: ج 1 ص 293 ح 386، فتح الباري: ج 12 ص 182، تفسير ابن كثير: ج 2 ص 238 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 3 ص

544 ح 7817 نقلًا عن المعجم الكبير و كلُّها عن ابن عمر.

7- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 330 ح 27223، شعب الإيمان: ج 7 ص 502 ح 11133 كلاهما عن ابن المنتفق، المعجم الكبير: ج

19 ص 210 ح 474 عن أبي المنتفق وكلاهما نحوه و ج 8 ص 27 ح 7284، أسد الغابة: ج 3 ص 13 الرقم 2492 كلاهما عن صخر بن

القعقاع، كنز العمال: ج 15 ص 946 ح 43633.

8- البُلُقُ: سوادٌ وبياضٌ، وارتفاع التحجيل إلى الفخذين (لسان العرب: ج 10 ص 25 «بلق»).

نمی‌ورزد، جز این که برای او راحتی هنگام مرگ، قطع پریشانی‌ها و اندوه‌ها و رهایی از آتش را ضمانت می‌کنم.

304. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بمیرد در حالی که شریکی برای خداوند نگرفته باشد و پیش از طلوع و غروب خورشید به نمازش بشتابد، وارد آتش نمی‌شود.

305. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل فرمود: برای بنده ام تعهد کرده‌ام که اگر نماز را در وقتش بر پا دارد، کیفرش ندهم و او را بی محاسبه وارد بهشت گردانم.

306. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کلید بهشت، نماز است.

307. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مژده باد بر شما! مژده باد بر شما! هر کس نمازهای پنجگانه را بخواند و از گناهان کبیره دوری کند، از هر يك از درهای بهشت که بخواهد، وارد می‌شود.

308. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به کسی که به ایشان گفت: چه چیزی مرا از آتش می‌رهاند و چه چیزی مرا به بهشت در می‌آورد؟- با این که کوتاه پرسیدی، خوب و کامل پرسیدی... نماز بخوان و زکات واجب را ادا کن و...

309. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت، درختی است که از بالایش زیورها بیرون می‌آیند و از پایین آن، اسب‌های سیاه و سفید بالدار زین کرده‌ای بیرون می‌آیند که لگامشان از مروارید

أَجْنَحَةَ مُسْرَجَةٍ مُلْجَمَةً بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ، لَا تَرَوْتُ وَلَا تَبُولُ، يَرَكِبُ عَلَيْهَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَتَطِيرُ بِهِمْ حَيْثُ شَاءَ...

قالوا: يَا رَبِّ بِمَا بَلَغَتْ عِبَادُكَ هَؤُلَاءِ الدَّرَجَةَ؟

فَيَقُولُ اللَّهُ لَهُمْ: كَانُوا يَصُومُونَ وَأَنْتُمْ تُفْطِرُونَ، وَكَانُوا يُنْفِقُونَ وَأَنْتُمْ تَبْخَلُونَ، وَكَانُوا يُجَاهِدُونَ وَأَنْتُمْ تَجْتَنِبُونَ، وَكَانُوا يُصَلُّونَ وَأَنْتُمْ نَائِمُونَ. (1)

310. الإمام الباقر عليه السلام: عَشْرٌ مِنْ لَقِيَّ اللَّهُ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ: شَهَادَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحُجُّ النَّبِيِّ، وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، وَاجْتِنَابُ كُلِّ مُسْكِرٍ. (2)

311. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ، كَانَتْ الصَّلَاةُ عَنْ يَمِينِهِ. (3)

312. عنه عليه السلام: مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ، وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ. (4) 7.

ص: 220

1- .جامع الأخبار:ص 494 ح 1373 عن زيد بن علي، الأمالي للصدوق:ص 366 ح 457، الزهد:ص 182 ح 277 كلاهما عن زيد بن علي عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، دعائم الإسلام:ج 1 ص 134 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين:ص 554 عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار:ج 8 ص 118 ح 4.

2- .ثواب الأعمال:ص 30 ح 1، الخصال:ص 432 ح 15 كلاهما عن الفضيل بن يسار وص 433 ح 16 عن صهيب بن عباد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عليهم السلام، المحاسن:ج 1 ص 77 ح 38، بشارة المصطفى:ص 269 كلاهما عن الفضل بن يسار، بحار الأنوار:ج 27 ص 53 ح 5.

3- .الكافي:ج 2 ص 90 ح 8 عن أبي سيار وج 3 ص 240 ح 13 عن أبي سعيد، ثواب الأعمال:ص 203 ح 1 عن ابن سنان، مسكن الفؤاد:ص 50 عن رسول الله صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار:ص 63 ح 83، بحار الأنوار:ج 6 ص 230 ح 35 وراجع تاريخ دمشق:ج 11 ص 56 ح 2710.

4- .الكافي:ج 3 ص 266 ح 11، تهذيب الأحكام:ج 2 ص 238 ح 943، منتقى الجمال:ج 1 ص 377 كلاهما عن حفص بن البختري، كتاب من لا يحضره الفقيه:ج 1 ص 211 ح 641، وسائل الشيعة:ج 3 ص 22 ح 4437.

و یاقوت است و پیشاب و سرگین ندارند و اولیای الهی بر آنها سوار می شوند و به هر کجا که بخواهند، پرواز می کنند...

کسانی می گویند: پروردگارا! این بندگانت چگونه به این درجه رسیدند؟

خداوند به آنان می گوید: آنان روزه می گرفتند و شما روزه نبودید. آنان انفاق می کردند و شما بخل می ورزیدید. آنان جهاد می کردند و شما می ترسیدید، و آنان نماز می خواندند و شما خواب بودید.

310. امام باقر علیه السلام: ده چیز است که هر کس خدا را با آنها ملاقات کند، به بهشت وارد می شود: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد، پیامبر خدا، و پذیرش آنچه از نزد خدا آورده است و بر پا کردن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و ولایت اولیای الهی و بیزاری از دشمنان خدا و دوری از هر چیز مست کننده.

311. امام صادق علیه السلام: هنگامی که مؤمن به درون قبرش می رود، نماز در سمت راست اوست.

312. امام صادق علیه السلام: خداوند اگر يك نماز را از کسی بپذیرد، عذابش نمی کند و اگر يك کار نیک را از کسی بپذیرد، کیفرش نمی دهد.

ص: 221

313. عنه عليه السلام: أما ترَضُونَ أن تُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وتُؤْتُوا الزَّكَاةَ، وتَكْفُوا؛ وتَدْخُلُوا الْجَنَّةَ؟! (1)

314. عنه عليه السلام: إن الرَّجُلَ لَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، فَيُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ. (2)

315. عنه عليه السلام: يُؤْتَى بِالشَّيْخِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرُهُ مِمَّا يَلِي النَّاسَ لَا يَرَى إِلَّا مَسَاوِيَّ، فَيَطُولُ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، أَتَأْمُرُنِي إِلَى النَّارِ؟

فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا شَيْخُ، إِنِّي أَسْتَحْيِي أَنْ أَعَذِّبَكَ وَقَدْ كُنْتَ تُصَلِّي لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا، اذْهَبُوا بِعَبْدِي إِلَى الْجَنَّةِ. (3)

316. عنه عليه السلام: يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، فَيُقَالُ لَهُ: أَذْكَرُ أَوْ تَذْكَرُ، هَلْ لَكَ مِنْ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: فَيَتَذَكَّرُ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، مَا لِي مِنْ حَسَنَةٍ، إِلَّا أَنْ فَلَانًا عَبْدَكَ الْمُؤْمِنَ مَرَّ بِي فَطَلَبْتُ مِنْهُ مَاءً فَأَعْطَانِي مَاءً فَتَوَضَّأْتُ بِهِ وَصَلَّيْتُ لَكَ.

قَالَ: فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: قَدْ غَفَرْتُ لَكَ، أَدْخِلُوا عَبْدِي الْجَنَّةَ. (4) 6.

ص: 222

1- الكافي: ج 8 ص 146 ح 122 عن مالك الجهني وص 289 ح 434 عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 268 ح 519 كلاهما بزيادة «ألسنتكم» بعد «وتكفوا»، فضائل الشيعة: ص 73 ح 37 بزيادة «أيديكم» بعد «وتكفوا»، أعلام الدين: ص 234 والثلاثة الأخيرة عن مالك الجهني، بحار الأنوار: ج 24 ص 315 ح 19.

2- تهذيب الأحكام: ج 4 ص 191 ح 543 و ج 2 ص 238 ح 941، ثواب الأعمال: ص 62 ح 1 وفيهما بزيادة «تطوعاً يريد بهما وجه الله عز وجل» بعد «ركعتين» وكلها عن إسماعيل بن يسار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 631 بزيادة «يريد بهما وجه الله عز وجل» بعد «ركعتين» وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 96 ص 252 ح 19.

3- الخصال: ص 546 ح 26، ثواب الأعمال: ص 224 ح 3 وفيه «أتعيديني» بدل «أتأمرني»، الأملالي للصدوق: ص 91 ح 63 كلها عن خالد القلانسي، روضة الواعظين: ص 546، مشكاة الأنوار: ص 296 ح 908، بحار الأنوار: ج 73 ص 390 ح 11.

4- الخصال: ص 24 ح 86 عن محمد بن عمران، بحار الأنوار: ج 82 ص 206 ح 9 وراجع مصادقة الإخوان: ص 160 ح 6 و الزهد: ص 176 ح 266.

313. امام صادق علیه السلام: آیا خشنود نیستید که نماز بر پا دارید و زکات بدهید و خویشنداری کنید و به بهشت بروید؟!!

314. امام صادق علیه السلام: انسان دو رکعت نماز می خواند و خداوند، او را به سبب آن، وارد بهشت می کند.

315. امام صادق علیه السلام: روز قیامت، پیرمرد را می آورند و نامه عملش را آشکارا و پیش روی مردم به او می دهند، در حالی که جز بدی در آن دیده نمی شود، و این بر او گران می آید و می گوید: ای پروردگار من! آیا فرمان می دهی مرا به دوزخ برند؟ پس خدای بزرگ می فرماید: «ای پیر! من شرم می کنم تو را کیفر دهم، در حالی که تو در دنیا برای من نماز می گزاردی. بنده ام را به بهشت ببرید».

316. امام صادق علیه السلام: بنده ای را روز قیامت می آورند که کار نیکی ندارد. پس به او گفته می شود: یاد کن، یا به یاد آر. آیا کار نیکی داری؟ پس به یاد می آورد و می گوید: ای پروردگار من! کار نیکی نکرده ام جز این که فلان بنده با ایمانت بر من گذشت و از او آب خواستم و او به من داد. با آن وضو گرفتم و برای تو نماز گزاردم.

پروردگار - تبارک و تعالی - می فرماید: «همانا تو را آمرزیدم. بنده ام را وارد بهشت کنید».

317. رسول الله صلى الله عليه وآله - أنه كان يقول - : من حبس نفسه على صلاة فريضة ينتظر وقتها، فصلاها في أول وقتها، فأتتم ركوعها وسجودها وخشوعها، ثم مجد الله عز وجل وعظمه وحمده حتى يدخل وقت صلاة أخرى لم يبلغ بينهما، كتب الله له كأجر الحاج والمُعتمر، وكان من أهل عليين. (1)

318. عنه صلى الله عليه وآله: إن لله تبارك وتعالى ملكاً يسمى سخايل يأخذ البروات (2) للمُصلين عند كل صلاة من رب العالمين جل جلاله، فإذا أصبح المؤمنون وقاموا وتوضؤوا وصلوا صلاة الفجر أخذ من الله عز وجل براءة لهم مكتوب فيها: أنا الله الباقي، عبادي وإمائي في حرزي جعلتكم، وفي حظي وتحت كفي صيرتكم، وعزتي لا خذلتكم، وأنتم مغفور لكم ذنوبكم إلى الظهر.

فإذا كان وقت الظهر قاموا وتوضؤوا وصلوا أخذ لهم من الله عز وجل البراءة الثانية مكتوب فيها: أنا الله القادر، عبادي وإمائي بدلت سيئاتكم حسنات، وغفرت لكم السيئات، وأحللتكم برضائي عنكم دار الجلال.

فإذا كان وقت العصر قاموا وتوضؤوا وصلوا أخذ لهم من الله عز وجل البراءة الثالثة مكتوب فيها: أنا الله الجليل، جل ذكري وعظم سلطاني، عبيدي وإمائي حرمت أبدانكم على النار، وأسكنتكم مساكن الأبرار، ودفعت عنكم برحمتي شر الأشرار».

ص: 224

-
- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 211 ح 642 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 260 ذيل ح 58 نقلاً عن أسرار الصلاة للشهيد الثاني وليس فيه «ينتظر وقتها فصلاها في أول وقتها»، وسائل الشيعة: ج 3 ص 84 ح 4661.
- 2- .في فلاح السائل: «البروات» بدل «البروات».

317. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - پیوسته می فرمود- : هر کس خود را به انتظار فرا رسیدن وقت نمازی واجب، نگاه دارد تا آن را در اول وقتش بخواند و رکوع و سجود و خشوعش را کامل بیاورد و سپس خدای عز و جل را تمجید و تعظیم و ثنا گوید تا آن که وقت نماز دیگری برسد و میان این دو، کار لغوی نکند، خداوند، اجر حج گزار و عمره گزار را برایش می نویسد و از زمرة اهل علیین (1) می شود.

318. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، فرشته ای به نام سخائیل دارد که برای نمازگزاران به هنگام هر نماز، برگه هایی از پروردگار بزرگ جهانیان عز و جل می گیرد. هنگامی که مؤمنان، صبح بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز صبح را می خوانند، برگه ای را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن، نوشته شده است: «من، خدای جاویدم. بندگانم! شما را در پناه خود قرار دادم و در سایه حمایت و نگاهبانی خود در آوردم. به عزتم سوگند، شما را و انمی گذارم و گناهانتان تا ظهر، آمرزیده شده است».

پس هنگام ظهر که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برای آنان برگه دوم را از خدای عز و جل می گیرد که در آن، نوشته شده است: «من خدای توانایم. بندگانم! بدی هایتان را به نیکی تبدیل کردم و آنها را آمرزیدم و به سبب خشنودی ام از شما، در منزلگاه شُکوه، جایتان دادم».

پس هنگام عصر که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برگه سوم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن، نوشته شده است: «من، خدای بزرگم. یادم با شُکوه و قدرتم بسیار است. بندگان من! پیکرهایتان را بر آتش حرام کردم و شما را در جایگاه نیکان، نشاندم و تبهکاری تبهکاران را با رحمتم از شما دور کردم».

ص: 225

1- .علیین در فرهنگ اسلامی، به آسمان هفتم و یا بالاترین مقام قرب الهی گفته می شود.

فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ فَاقَامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ الْبَرَاءَةُ الرَّابِعَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا: أَنَا اللَّهُ الْجَبَّارُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ، عِبِيدِي وَإِمَائِي صَعِدَ مَلَائِكَتِي مِنْ عِنْدِكُمْ بِالرِّضَا، وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أَرْضِيكُمْ وَأُعْطِيَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنِيَّتَكُمْ.

فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْعِشَاءِ فَاقَامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا أَخَذَ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ لَهُمْ الْبَرَاءَةُ الْخَامِسَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرِي وَلَا رَبَّ سِوَايَ، عِبَادِي وَإِمَائِي فِي بُيُوتِكُمْ تَطَهَّرْتُمْ، وَإِلَى بُيُوتِي مَسَّيْتُمْ، وَفِي ذِكْرِي خُضَّيْتُمْ، وَحَقِّي عَرَفْتُمْ، وَفَرَانِضِي أَدَيْتُمْ، أَشْهَدُكَ يَا سَخَائِلُ وَسَائِرَ مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ رَضَيْتُ عَنْهُمْ.

فَيُنَادِي سَخَائِلُ بِثَلَاثِ أَصْوَاتٍ كُلُّ لَيْلَةٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ: يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ غَفَرَ لِلْمُصَلِّينَ الْمُوَحِّدِينَ. فَلَا يَبْقَى مَلَكٌ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ إِلَّا اسْتَغْفَرَ لِلْمُصَلِّينَ وَدَعَا لَهُمْ بِالْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذَلِكَ.

فَمَنْ رُزِقَ صَلَاةَ اللَّيْلِ مِنْ عَبْدٍ أَوْ أُمَّةٍ قَامَ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ مُخْلِصًا فَتَوَضَّأَ وَضَوَّأَ سَابِعًا، وَصَلَّى لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلَّ بِنَبِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَقَلْبٍ سَلِيمٍ وَبَدَنِ خَاشِعٍ وَعَيْنٍ دَامِعَةٍ، جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلْفَهُ تِسْعَةَ صُفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، فِي كُلِّ صَفٍّ مَا لَا يُحْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، أَحَدٌ طَرَفِي كُلِّ صَفٍّ بِالْمَشْرِقِ وَالْآخِرِ بِالْمَغْرِبِ، فَإِذَا فَرَغَ كُتِبَ لَهُ بِعَدَدِهِمْ دَرَجَاتٌ. (1)

راجع: ص 88 (الفصل الثاني: خصائص الصلاة)

و ص 122 (الفصل الثالث: حكمة الصلاة). 3.

ص: 226

1- .الأمالى للصدوق: ص 124 ح 114، فلاح السائل: ص 336 ح 225، جامع الأخبار: ص 181 ح 442 كلها عن ابن عباس، روضة الواعظين: ص 345، بحار الأنوار: ج 82 ص 203 ح 3.

پس هنگام مغرب که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برگه چهارم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن، نوشته شده است: «من خداوند چیره، بزرگ و والایم. بندگان من! فرشتگانم از نزد شما با خشنودی بالا آمدند. بر خود واجب کردم که شما را خشنود سازم و روز قیامت، آرزویتان را برآورده سازم».

پس هنگام عشا که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برگه پنجم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن، نوشته شده است: «همانا من خداوندم. نه خدایی غیر از من هست و نه پروردگاری جز من. بندگان من! در خانه های خود طهارت ساختید و به سوی خانه های من گام برداشتید و در یاد من فرو رفتید و حق مرا شناختید و واجباتم را انجام دادید. ای سخائیل و دیگر فرشتگانم! شما را گواه می گیرم که من از آنان خشنود شدم».

سخائیل هر شب، پس از نماز عشا، سه بار ندا در می دهد: ای فرشتگان خداوند! همانا خداوند-تبارک و تعالی- نمازگزاران یکتاپرست را آمرزید. پس هیچ فرشته ای در آسمان های هفتگانه نمی ماند، جز این که برای نمازگزاران آمرزش می طلبد و برای مداومتشان بر این کار، دعا می کند. هر کس، مرد یا زن، نماز شب روزی اش شود و فقط برای خدای عز و جل برخیزد، وضویی کامل بگیرد و برای خدای بزرگ سترگ با نیتی راست و دلی پیراسته و تنی افتاده و چشمی گریان، نماز بگذارد، خداوند-تبارک و تعالی- پشت سر او، نُه صف از فرشتگان قرار می دهد که تعداد فرشتگان در هر صف را جز خدای-تبارک و تعالی- نمی داند. یک طرف صف، در شرق و طرف دیگرش، در غرب است و هنگامی که [از نمازش] فارغ شد، برای وی به عدد این فرشتگان، درجه نوشته می شود.

ر.ک: ص 89 (فصل دوم: ویژگی های نماز)

و ص 123 (فصل سوم: حکمت نماز).

ص: 227

319. الإمام عليّ عليه السلام: لا تَجُوزُ صَلَاةُ امْرِئٍ حَتَّى يُطَهَّرَ خَمْسَ جَوَارِحِهِ: الْوَجْهَ وَالْيَدَيْنِ وَالرَّأْسَ وَالرِّجْلَيْنِ بِالمَاءِ، وَالْقَلْبَ بِالتَّوْبَةِ. (1)

320. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي وَصِيَّتِهِ لِعليّ عليه السلام -: عَلَيْكَ بِالسُّوَالِ لِكُلِّ صَلَاةٍ. (2) 1.

-
- 1- .جامع الأخبار:ص 165 ح 395،بحار الأنوار:ج 80 ص 346 ح 31.
 - 2- .الكافي:ج 6 ص 496 ح 10،المحاسن:ج 2 ص 381 ح 2340 كلاهما عن محمد بن مروان عن الإمام الباقر عليه السلام، تهذيب الأحكام:ج 9 ص 176 ح 713 عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، كتاب من لا يحضره الفقيه:ج 1 ص 53 ح 113، الزهد للحسين بن سعيد:ص 82 ح 48 عن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «عند كل وضوء» بدل «لكل صلاة»، بحار الأنوار:ج 76 ص 132 ح 31.

فصل ششم: آداب نماز

1/6: آداب پیش از نماز

1-1/6 توبه

319. امام علی علیه السلام: روا نیست انسان نماز بخواند تا آن که پنج اندامش را پاکیزه سازد:

صورت و دست ها و سر و پاها را با آب، و دل را با توبه.

2-1/6 مسواك زدن

320. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصیت خویش به علی علیه السلام - همواره و برای هر نماز، مسواك بزن.

ص: 229

321. عنه صلى الله عليه وآله: رَكَعَتَانِ بِسِوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ. (1)

322. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَفْوَاحَكُمْ تُطْرُقُ الْقُرْآنَ فَطَيَّبُوهَا بِالسَّوَاكِ؛ فَإِنَّ صَلَاةً عَلَى إِثْرِ السَّوَاكِ خَيْرٌ مِنْ خَمْسٍ وَسَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ سِوَاكِ. (2)

323. عنه صلى الله عليه وآله -في وصيته لعلِّي عليه السلام-: يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِالسَّوَاكِ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تُقِلَّ مِنْهُ فَافْعَلْ؛ فَإِنَّ كُلَّ صَلَاةٍ تُصَلِّيَهَا بِالسَّوَاكِ تَفْضُلٌ عَلَى الَّتِي تُصَلِّيَهَا بِغَيْرِ سِوَاكِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. (3)

324. عنه صلى الله عليه وآله: لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لِأَمْرَتِهِمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ. (4)

3-1/6 الرِّبَاةُ

الكتاب:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ». (5)

الحديث:

325. تفسير العياشي عن خَيْثَمَةَ بن أَبِي خَيْثَمَةَ: كَانَ الْحَسَنُ بنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ 1.

ص: 230

1- .المحاسن: ج 2 ص 382 ح 2344 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج 3 ص 22 ح 1 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 54 ح 118 عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 133 ح 34؛ السنن الكبرى: ج 1 ص 62 ح 160 نحوه، الدر المنثور: ج 1 ص 277 نقلاً عن البزار وكلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج 9 ص 313 ح 26180.

2- .أعلام الدين: ص 273، بحار الأنوار: ج 80 ص 344 ح 26 و ج 84 ص 330 ح 6.

3- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 118 ح 280، بحار الأنوار: ج 80 ص 344 ذيل ح 23.

4- .الكافي: ج 3 ص 22 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 381 ح 2341 كلاهما عن عبدالله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 55 ح 123، علل الشرائع: ص 293 ح 1 عن عبدالله بن ميمون عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 117 ح 275، بحار الأنوار: ج 84 ص 329 ح 2.

5- .الأعراف: 31.

321. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نماز با مسواک، برتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است.

322. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دهان هایتان راه قرآن است. پس آنها را با مسواک زدن پاکیزه و خوش بو کنید، که نماز در پی مسواک، بهتر از هفتاد و پنج نماز بدون مسواک است.

323. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -در سفارش خویش به علی علیه السلام-: ای علی! مسواک بزن و اگر می توانی از آن کم نکنی، چنین کن، که هر نمازی که با مسواک می خوانی، بر نماز چهل روز بدون مسواک، برتری دارد.

324. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر بر اتم سخت نبود، به آنان فرمان می دادم که با هر نماز، مسواک بزنند.

3-1/6 زینت کردن

قرآن

«ای فرزندان آدم! زینتتان را نزد هر سجده گاه بگیرید.»

حدیث

325. تفسیر العیاشی -به نقل از خیشمة بن ابی خیشمه-: امام حسن بن علی علیه السلام هر گاه به نماز می ایستاد، بهترین لباسش را می پوشید. به ایشان گفته شد: ای پسر فرستاده خدا! چرا

ص: 231

لَبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي، وَهُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي. (1)

326. الإمام الرضا عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» - مِنْ ذَلِكَ التَّمَشُّطِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ. (2)

327. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَحَبِّ ثِيَابِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْبَيَاضَ، فَصَلُّوا فِيهَا. (3)

328. عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُصَلِّي الْمَرْأَةُ إِلَّا وَعَلَيْهَا مِنَ الْحَلِيِّ خُرْصٌ (4) فَمَا فَوْقَهُ، إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ. (5)

329. الإمام علي عليه السلام: لَا تُصَلِّي الْمَرْأَةُ عَطْلًا (6). (7)

330. الإمام الباقر عليه السلام: خُذُوا ثِيَابَكُمْ الَّتِي تَتَرْتَمُونَ بِهَا لِلصَّلَاةِ فِي الْجُمُعَاتِ وَالْأَعْيَادِ. (8) 6.

ص: 232

1- تفسير العياشي: ج 2 ص 14 ح 29، مجمع البيان: ج 4 ص 637، تفسير جوامع الجامع: ج 1 ص 433، عوالي اللآلي: ج 1 ص 321 ح 54 نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 175 ح 2.

2- الكافي: ج 6 ص 489 ح 7 عن عبد الله بن المغيرة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 128 ح 318، تفسير العياشي: ج 2 ص 13 ح 25 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، تفسير القمي: ج 1 ص 229 عن المعصوم عليه السلام نحوه، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 162 ح 449، بحار الأنوار: ج 84 ص 329 ح 4.

3- الطبقات الكبرى: ج 1 ص 450 عن أبي قلابة، كنز العمال: ج 15 ص 302 ح 41117.

4- الخُرْصُ: الْحَلَقَةُ الصَّغِيرَةُ مِنَ الْحَلِيِّ، وَهُوَ مِنْ حَلِي الْأُذُنِ (النَّهَائِيَّةُ: ج 2 ص 22 «خُرْصُ»).

5- دعائم الإسلام: ج 2 ص 162 ح 580 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، و ج 1 ص 177 نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 188 ح 17.

6- عَطَلَتِ الْمَرْأَةُ عَطْلًا: إِذَا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا حَلِيٌّ (المصباح المنير: ص 416 «عطل»).

7- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 371 ح 1543 عن غياث بن إبراهيم عن أبيه، الكافي: ج 5 ص 569 ح 57 عن أبي مريم عن الإمام الباقر عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، عوالي اللآلي: ج 4 ص 15 ح 38 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 177 ح 2.

8- مجمع البيان: ج 4 ص 637، بحار الأنوار: ج 83 ص 168 و 176.

بهترین لباس را می پوشی؟

فرمود: «خداوند متعال، زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس برای پروردگرم خود را زیبا می سازم که می فرماید: «زینتتان را نزد هر سجده گاه بگیرید». پس دوست می دارم که بهترین لباسم را به تن کنم».

326. امام رضا علیه السلام - در پاسخ پرسش از معنای آیه: «زینتتان را نزد هر سجده گاه بگیرید» - یکی از مصداق های آن، شانه کردن برای هر نماز است.

327. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از محبوب ترین لباس ها نزد خدا، لباس سفید است. پس در آن نماز بخوانید.

328. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زن جز با زیور، نماز نخواند، گوشواره یا بیشتر، مگر آن که چیزی نیابد.

329. امام علی علیه السلام: زن، بدون زیور، نماز نخواند.

330. امام باقر علیه السلام: لباس های زینتی خود را برای نمازهای جمعه و عید بپوشید.

ص: 233

331. الكافي عن عبد الله بن الحارث: كانت لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَارُورَةٌ مِسْكٍ فِي مَسْجِدِهِ، فَإِذَا دَخَلَ لِلصَّلَاةِ أَخَذَ مِنْهُ فَتَمَسَّحَ بِهِ.

(1)

332. الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ يُعَرِّفُ مَوْضِعَ سُجُودِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَيْبٍ رِيحِهِ. (2)

333. الإمام الصادق عليه السلام: صَلَاةٌ مُتَطَيَّبٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ طَيْبٍ. (3)

334. رسول الله صلى الله عليه وآله: رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيَهَا غَيْرَ مُتَعَطِّرٍ. (4)

335. الإمام علي عليه السلام: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي يَدِهِ خَاتَمٌ فُصَّهُ (5) جَزَعٌ يَمَانِيٌّ، فَصَلَّى بِنَا، فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَقَالَ:

يَا عَلِيُّ تَحَنَّنْ بِهِ فِي يَمِينِكَ وَصَلِّ فِيهِ، أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الصَّلَاةَ فِي الْجَزَعِ (6) سَبْعُونَ صَلَاةً؟! (7) 6.

ص: 234

1- الكافي: ج 6 ص 515 ح 6، بحار الأنوار: ج 46 ص 58 ح 12.

2- الكافي: ج 6 ص 511 ح 11 عن الحسن بن علي الوشاء، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 102 ح 199 نحوه، وسائل الشيعة: ج 3 ص 316 ح 3.

3- الكافي: ج 6 ص 511 ح 7، وسائل الشيعة: ج 3 ص 315 ح 2.

4- الخصال: ص 166 ذيل الحديث 218، ثواب الأعمال: ص 62 ح 1 عن المفصّل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 102 ح 201 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 330 ح 7.

5- في المصدر: «فَضَّة»، والتصويب من بحار الأنوار.

6- الجَزَعُ: الخَرْزُ اليماني، وهو الذي فيه بياض وسواد (الصحاح: ج 3 ص 1196 «جزع»).

7- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 132 ح 18 عن الحسين بن محمد العلوي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 188 ح 16.

331. الکافی - به نقل از عبد الله بن حارث - زین العابدین علیه السلام شیشه مُشکی در سجده گاهش داشت که برای نماز از آن بر می گرفت و به خود می مالید.

332. امام رضا علیه السلام: سجده گاه صادق علیه السلام، از بوی خوشش، شناخته می شد.

333. امام صادق علیه السلام: نماز شخص خوش بو، برتر از هفتاد نماز بدون بوی خوش است.

334. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نماز که شخص عطر زده می خواند، برتر از هفتاد رکعت نماز شخص عطر نزنده است.

5-1/6 انگشتر به دست داشتن

335. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد و انگشتری با نگینی از عقیق یمانی (1) در دست داشت. با ما نماز خواند و هنگامی که نمازش را به پایان برد، آن را به من داد و فرمود: «ای علی! آن را در دست راست کن و با آن نماز بخوان. آیا نمی دانی که نماز با عقیق [برابر] هفتاد نماز است؟».

ص: 235

1- .عقیقی که به رنگ سیاه و سفید است.

336. رسول الله صلى الله عليه وآله: يا بُنَيَّ... تَخَتَّمْ بِالْيَاقُوتِ وَالْعَقِيقِ؛ فَإِنَّهُ مَيِّمُونَ مُبَارَكٌ، فَكُلَّمَا نَظَرَ الرَّجُلُ فِيهِ إِلَى وَجْهِهِ يَزِيدُ نُورًا، وَالصَّلَاةُ فِيهِ سَبْعُونَ صَلَاةً. (1)

337. عنه صلى الله عليه وآله: صَلَاةُ رَكَعَتَيْنِ بِخَاتَمِ عَقِيقٍ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بغيره. (2)

6-1/6 الأذان والإقامة

338. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ الْأَذَانَ لَيْلَةَ اسْرِي بِهِ، وَفُرِضَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ. (3)

339. الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا اسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَبَلَغَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ، فَأَذَّنَ جَبْرَائِيلُ وَأَقَامَ، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَفَّ الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّونَ خَلْفَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (4)

340. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ رَجُلٍ يَكُونُ بِأَرْضٍ فِيَّ (5)، فَيُؤَذِّنُ بِحَضْرَةِ الصَّلَاةِ وَيُقِيمُ الصَّلَاةَ فَيُصَلِّي، إِلَّا صَفَّ خَلْفَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا لَا يُرَى قَطْرًا، يَرْكَعُونَ بِرُكُوعِهِ، وَيَسْجُدُونَ بِسُجُودِهِ، وَيُؤْمِنُونَ عَلَى دُعَائِهِ. (6)3.

ص: 236

1- دعائم الإسلام: ج 2 ص 164 ح 591 عن الإمام الحسين عليه السلام، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 297 ح 3625.

2- إرشاد القلوب: ج 1 ص 154.

3- كنز العمال: ج 12 ص 350 ح 35354 نقلًا عن ابن مردويه عن زيد بن علي عن أبائه عليهم السلام.

4- الكافي: ج 3 ص 302 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 60 ح 210 كلاهما عن زرارة، عوالي اللآلي: ج 2 ص 34 ح 84 عن الفضيل بن يسار وليس فيه «وأقام»، بحار الأنوار: ج 18 ص 307 ح 14.

5- الفيء: هو ما حَصَلَ للمسلمين من أموال الكفار من غير حربٍ ولا جهاد. وأصل الفيء: الرجوع (النهاية: ج 3 ص 482 «فيًا»).

6- السنن الكبرى: ج 1 ص 597 ح 1908، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 1 ص 511 ح 1955، المعجم الكبير: ج 6 ص 249 ح 6120 وفيهما «قى» بدل «فى» نحوه وكلّها عن سلمان الفارسي، كنز العمال: ج 7 ص 688 ح 20931: الأمالي للطوسي: ص 535، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 373 وفيهما «قفر» بدل «فى» نحوه عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج 84 ص 116 ح 13.

336. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پسر عزیزم!... انگشتر یاقوت و عقیق به دست کن که خجسته و مبارک است. هر گاه مرد در آن بنگرد، چهره اش نورانی تر می گردد و نماز با آن [برابر] هفتاد نماز است.

337. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، برتر از هفتاد رکعت با غیر آن است.

6-6/1 اذان و اقامه گفتن

338. امام علی علیه السلام: در شبی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به معراج رفت، اذان به او آموخته شد و نماز بر او واجب گردید.

339. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در شبی که به آسمان برده شد و به بیت المعمور رسید، آن گاه که وقت نماز شد، جبرئیل اذان و اقامه گفت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جلو ایستاد و فرشتگان و پیامبران، پشت سر محمد صلی الله علیه و آله [برای نماز] صف کشیدند.

340. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی نیست که در بیابانی تهی از سکنه، با فرا رسیدن وقت نماز، اذان و اقامه بگوید و نماز بگذارد، جز آن که فرشتگان، پشت سرش، چندان صف می کشند که دو سوی آن، ناپیدا باشد. با رکوع او رکوع می کنند و با سجودش به سجده می روند و بر دعایش آمین می گویند.

ص: 237

341. الإمام الصادق عليه السلام: إذا أذنت وأقمت صلى خلفك صفان من الملائكة، وإذا أقمت صلى خلفك صف من الملائكة. (1)

342. عنه عليه السلام: إذا قُمت إلى صلاة فريضة فأذن وأقم، وأفصل بين الأذان والإقامة بعود أو بكلام أو بتسبيح. (2)

343. ثواب الأعمال عن المفضل بن عمر: قال أبو عبد الله عليه السلام: من صلى بأذان وإقامة، صلى خلفه صفان من الملائكة، ومن صلى بإقامة بغير أذان صلى خلفه صف واحد.

قُلْتُ لَهُ: وَكَمْ مِقْدَارُ كُلِّ صَفٍّ؟

قَالَ: أَقْلُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَأَكْثَرُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (3)

344. الإمام علي عليه السلام: لا بأس أن يصلي الرجل لنفسه بغير أذان ولا إقامة. (4)

345. كتاب من لا يحضره الفقيه عن العباس بن هلال عن الإمام الرضا عليه السلام: من أذن وأقام صلى وراءه صفان من الملائكة، وإن أقام بغير أذان صلى عن يمينه واحد وعن شماله واحد.

ثُمَّ قَالَ: اغْتَنِمِ الصَّغِيرَ. (5) 4.

ص: 238

1- الكافي: ج 3 ص 303 ح 8 عن الحلبي، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 52 ح 174 عن محمد بن مسلم، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 376 ح 1095 من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، عوالي اللآلي: ج 1 ص 330 ح 79، بحار الأنوار: ج 84 ص 116 ح 12 نقلاً عن المقنعة عن الصادقين عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 170 ذيل ح 73.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 49 ح 162، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 285 ح 877 كلاهما عن عمّار الساباطي، وسائل الشيعة: ج 4 ص 631 ح 6910.

3- ثواب الأعمال: ص 54 ح 2، بحار الأنوار: ج 84 ص 147 ح 41.

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 146، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 25 ح 4088.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 287 ح 888، وسائل الشيعة: ج 4 ص 620 ح 6854.

341. امام صادق علیه السلام: هر گاه اذان و اقامه بگویی، پشت سرت دو صف از فرشتگان به نماز می ایستند و هر گاه فقط اقامه بگویی، یک صف از فرشتگان پشت سرت نماز می خوانند.

342. امام صادق علیه السلام: هر گاه برای نماز واجب برخاستی، اذان و اقامه بگو و میان آن دو، با نشستنی یا سخنی و یا ذکر تسبیحی، فاصله بینداز.

343. ثواب الأعمال - به نقل از مفصل بن عمر - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس اذان و اقامه بگوید و نماز بخواند، دو صف از فرشتگان، پشت سر او نماز می خوانند و هر کس با اقامه و بی اذان گفتن، نماز بگذارد، پشت سر او تنها یک صف از فرشتگان به نماز می ایستند».

به ایشان گفتم: اندازه هر صف، چه قدر است؟

فرمود: «کمترین آن، از مشرق تا مغرب، و بیشترینش از آسمان تا زمین است».

344. امام علی علیه السلام: اشکالی ندارد کسی که به تنهایی نماز می خواند، اذان و اقامه نگوید.

345. کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از عباس بن هلال - : امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس اذان و اقامه بگوید، دو صف از فرشتگان، پشت سرش نماز می گزارند و هر کس تنها اقامه بگوید، تنها یک فرشته در سمت راست او و یکی در سمت چپ او می ایستد».

سپس فرمود: «دو صف را غنیمت بشمار!».

346. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا. (1)
347. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَعْجِيلُ الصَّلَاةِ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا. (2)
348. عنه صلى الله عليه وآله: صَلُّوا صَلَاتَكُمْ فِي أَوَّلِ وَقْتِكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُضَاعِفُ لَكُمْ. (3)
349. الإمام الصادق عليه السلام: أَتَى جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَعْلَمَهُ مَوَاقِيتَ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: ...
- أَفْضَلُ الْوَقْتِ أَوَّلُهُ. (4)
350. رسول الله صلى الله عليه وآله: فَضَّلُ الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ عَلَى آخِرِهِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا. (5)3.

ص: 240

-
- 1- .سنن الدارقطني: ج 1 ص 247 ح 9 و 10، سنن أبي داود: ج 1 ص 115 ح 426 كلَّها عن أم فروة، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 339 ح 1475 عن عبد الله بن مسعود وكلَّها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 286 ح 18900؛ عوالي اللآلي: ج 2 ص 213 ح 1، بحار الأنوار: ج 83 ص 64.
- 2- .سنن الدارقطني: ج 1 ص 248 ح 12، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 316 ح 27175، المعجم الكبير: ج 25 ص 82 ح 208، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 427 كلَّها عن أم فروة، كنز العمال: ج 7 ص 360 ح 19263.
- 3- .المعجم الكبير: ج 17 ص 370 ح 1013، أسد الغابة: ج 4 ص 312 الرقم 4152، الإصابة: ج 4 ص 627 الرقم 6147 كلَّها عن عياض بن زيد، كنز العمال: ج 1 ص 420 ح 1791.
- 4- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 253 ح 1004، الاستبصار: ج 1 ص 258 ح 925 كلاهما عن ذريح، وسائل الشيعة: ج 3 ص 88 ح 4677.
- 5- .تاريخ أصبهان: ج 1 ص 444 الرقم 875 عن ابن عمر، الفردوس: ج 4 ص 428 ح 7244 عن معاذ نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 360 ح 19264 نقلاً عن أبي الشيخ عن ابن عمر؛ الكافي: ج 3 ص 274 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 41 ح 129 كلاهما عن قتيبة الأعشى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، ثواب الأعمال: ص 58 ح 2 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 359 ح 43.

1-2/6 انجام نمازهای واجب در اول وقت

346. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین اعمال نزد خداوند، نماز اول وقت است.

347. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین کارها نزد خدای عز و جل، نماز خواندن در اولین فرصت آن است.

348. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازتان را در اول وقت بخوانید که خدای عز و جل برایتان دو چندان می کند.

349. امام صادق علیه السلام: جبرئیل نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان وقت های نماز را تعلیم داد و سپس گفت: ... برترین وقت، اول آن است.

350. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برتری اول وقت نماز بر پایان وقت، مانند برتری آخرت بر دنیا است.

351. عنه صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ، وَوَسَطُ الْوَقْتِ رَحْمَةُ اللَّهِ، وَآخِرُ الْوَقْتِ عَفْوُ اللَّهِ. (1)

352. الكافي عن زرارة: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، وَقَتُّ كُلِّ صَلَاةٍ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ، أَوْ أَوْسَطُهُ أَوْ آخِرُهُ؟

فَقَالَ: أَوَّلُهُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ». (2)

353. الإمام الباقر عليه السلام: اعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ الْوَقْتِ أَبَدًا أَفْضَلُ، فَعَجَّلْ بِالْخَيْرِ مَا اسْتَطَعْتَ. (3)

354. عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيَضَاءٌ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ، وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ: ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ. (4)

355. الإمام الصادق عليه السلام: لَفَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ، خَيْرٌ لِلرَّجُلِ مِنْ وُلْدِهِ وَمَالِهِ. (5) 3.

ص: 242

1- سنن الدارقطني: ج 1 ص 250 ح 22، السنن الكبرى: ج 1 ص 640 ح 2049 كلاهما عن أبي محذورة، كنز العمال: ج 7 ص 413 ح 19576؛ كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 217 ح 651، دعائم الإسلام: ج 1 ص 137 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، المسائل الصاغانية (المطبوعة في ج 3 من مصنفات الشيخ المفيد): ص 118، بحار الأنوار: ج 82 ص 349 ح 23.

2- الكافي: ج 3 ص 274 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 40 ح 127، منتقى الجمان: ج 1 ص 393، وسائل الشيعة: ج 3 ص 89 ح 4681.

3- الكافي: ج 3 ص 274 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 41 ح 130، مستطرفات السرائر: ص 72 ح 6 كلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 82 ص 355 ح 34.

4- الكافي: ج 3 ص 268 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 239 ح 946 كلاهما عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 627، الأمالي للصدوق: ص 328 ح 388 عن عمارة بن موسى الساباطي وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 25 ح 6 نقلاً عن أسرار الصلاة للشهيد الثاني نحوه، وسائل الشيعة: ج 3 ص 78 ح 4634.

5- الكافي: ج 3 ص 274 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 40 ح 126، قرب الاسناد: ص 43 ح 136 كلها عن بكر بن محمد الأزدي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 217 ح 652، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 66 ح 2165 وفي كلها «للمؤمن» مكان «للرجل»، بحار الأنوار: ج 83 ص 12 ح 13.

351. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اول وقت، رضوان خداوند، میان وقت، رحمت خداوند و پایان وقت، عفو خداوند است.

352. الکافی - به نقل از زراره - به امام باقر علیه السلام گفتم: خداوند، نیکویت بدارد! کدام يك از آغاز، میان، یا پایان وقت هر نماز، برتر است؟

فرمود: «آغاز آن. همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عز و جل کارهای نیکی را که به آن شتاب شود، دوست می دارد».

353. امام باقر علیه السلام: بدان که اول وقت، همیشه برتر است. پس هر اندازه می توانی، در کار نیک شتاب کن.

354. امام باقر علیه السلام: نمازی که در اول وقت بالا - برود، سپید و نورانی به سوی صاحبش باز می گردد و می گوید: «مرا حفظ کردی. خدا تو را حفظ کند!» و هنگامی که در غیر وقتش و بدون حدودش بالا برود، سیاه و تاریک به سوی صاحبش باز می گردد و می گوید: «مرا تباه کردی. خدا تو را تباه کند!».

355. امام صادق علیه السلام: فضیلت اول وقت بر آخر آن برای انسان، بهتر از فرزندان و دارایی اوست.

356. عنه عليه السلام: لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ، وَأَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ، وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا، إِلَّا فِي عُدْرٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ. (1)

357. عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَتُحَتَّ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِصَدِّ عَوْدِ الْأَعْمَالِ، فَمَا أَحَبُّ أَنْ يَصْعَدَ عَمَلٌ أَوَّلُ مِنْ عَمَلِي، وَلَا يُكْتَبُ فِي الصَّحِيفَةِ أَحَدٌ أَوَّلُ مِنِّي. (2)

358. عنه عليه السلام: لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ؛ أَوَّلٌ وَآخِرٌ، فَأَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ، وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَّخِذَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا، وَإِنَّمَا جُعِلَ آخِرُ الْوَقْتِ لِلْمَرِيضِ وَالْمُعْتَلِّ وَلِمَنْ لَهُ عُدْرٌ، وَأَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ، وَآخِرُ الْوَقْتِ عَفْوُ اللَّهِ، وَالْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنَ التَّقْصِيرِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُصَدِّ لِي فِي غَيْرِ الْوَقْتِ وَإِنَّمَا فَاتَهُ مِنَ الْوَقْتِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَهْلِهِ وَمَالِهِ. (3)

359. الكافي عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ؟

فَقَالَ: مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» يَعْنِي صَلَاةَ الْفَجْرِ تَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ، فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ الصُّبْحَ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، اثْبَتَ لَهُ مَرَّتَيْنِ، أَثْبَتَهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ. (4)

360. الإمام الكاظم عليه السلام: الصَّلَوَاتُ الْمَفْرُوضَاتُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا إِذَا أَقِيمَ حُدُودُهَا أَطْيَبُ رِيحًا مِنْ قَضِيْبِ الْأَسِّ حِينَ يُؤْخَذُ مِنْ شَجَرِهِ فِي طَيْبِهِ وَرِيحِهِ وَطَرَاوَتِهِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ. (5) 0.

ص: 244

1- الكافي: ج 3 ص 274 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 40 ح 124، عوالي اللآلي: ج 3 ص 68 ح 18 كلها عن عبد الله بن سنان، وسائل الشيعة: ج 3 ص 89 ح 4682.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 41 ح 131، منتقى الجمال: ج 1 ص 422 كلاهما عن محمد بن مسلم، وسائل الشيعة: ج 3 ص 87 ح 6471.

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 137، بحار الأنوار: ج 83 ص 25 ذيل ح 47 وراجع فقه الرضا: ص 71.

4- الكافي: ج 3 ص 282 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 37 ح 116، ثواب الأعمال: ص 57 ح 1، علل الشرائع: ص 336 ح 1 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 72 ح 1.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 40 ح 128، ثواب الأعمال: ص 58 ح 1، مشكاة الأنوار: ص 142 ح 339 كلها عن سعد بن أبي خلف، بحار الأنوار: ج 83 ص 18 ح 30.

356. امام صادق علیه السلام: هر نماز، دو وقت دارد که از این دو، اول وقت، برتر است و روا نیست کسی بدون دلیل در آخر وقت نماز بخواند، مگر به سبب عذری.

357. امام صادق علیه السلام: هنگامی که وقت نماز فرا می رسد، درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال، گشوده می شوند. پس دوست ندارم عملی زودتر از عمل من بالا برود و نام کسی پیش از من در صحیفه (دفتر اعمال) نوشته شود.

358. امام صادق علیه السلام: هر نمازی دو وقت دارد: اول و آخر، و اول وقت، برتر است، و هیچ کس حق ندارد که آخر وقت را برای نماز برگزیند؛ بلکه آخر وقت، تنها برای بیمار و علیل و کسانی است که عذر دارند. اول وقت، رضایت خدا و آخر وقت، عفو خداوند است، و عفو نیست جز در جایی که تقصیر است و انسان در غیر وقت نماز می خواند در حالی که آنچه از نخواندن نماز اول وقت از دست داده، از اهل و دارایی اش برایش بهتر بوده است.

359. الکافی - به نقل از اسحاق بن عمار - به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از برترین وقت های نماز صبح آگاه کن.

فرمود: «همزمان با دمیدن سپیده. خداوند متعال می فرماید: «قرائت فجر، مشهود [همگان] است»؛ یعنی نماز صبح را فرشتگان شب و فرشتگان روز، هر دو دسته مشاهده می کنند. هنگامی که بنده نماز صبح را همزمان با سپیده دم می خواند، دو بار برایش ثبت می گردد. هر دو دسته فرشتگان شب و روز، آن را ثبت می کنند».

360. امام کاظم علیه السلام: هنگامی که نمازهای واجب در اول وقت و با رعایت حدودشان، بر پا داشته می شوند، خوش بوتر از شاخه بریده شده درخت آس (موزد) (1) با همه عطر و).

ص: 245

1- درختی است زیبا، با برگ هایی صاف، شفاف، بسیار سبز و معطر که در نقاط جنگلی می روید و در باغ هانیز برای زینت کاشته می شود. از برگ های آن در داروسازی و تهیه مواد شوینده مو نیز استفاده می کنند. (م).

361. الإمام الرضا عليه السلام: يا فلان، إذا دَخَلَ الوقتُ عَلَيْكَ فَصَلَّهِمَا (1)؛ فَإِنَّكَ لا تَدْرِي ما يَكُونُ. (2)

362. الخرائج والجرائح عن إبراهيم بن موسى القزاز: أَلَحَّحْتُ عَلَيَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَيْءٍ طَلَبْتُهُ مِنْهُ، فَخَرَجَ يَسْتَقْبِلُ بَعْضَ الطَّالِبِينَ، وَجَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَمَالَ إِلَى قَصْرِ هُنَاكَ، فَتَنَزَّلَ تَحْتَ شَجَرَةٍ بِقُرْبِ الْقَصْرِ وَأَنَا مَعَهُ وَلَيْسَ مَعَنَا ثَالِثٌ، فَقَالَ: أذُنُ. فَقُلْتُ:

نَنْتَظِرُ يَلْحَقُ بِنَا أَصْحَابُنَا؟

فَقَالَ: غَفَرَ اللَّهُ لَكَ، لا تُؤَخِّرَنَّ صَلَاةً عَن أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ عَلَيْكَ، إِبْدَاءً بِأَوَّلِ الْوَقْتِ. فَأَذَنْتُ وَصَلَّيْنَا. (3)

راجع: ج 2/ص 612 (صفة صلاة النبي صلى الله عليه وآله/اهتمامه بأول الوقت) و ص 668 (صفة صلاة الإمام علي عليه السلام/اهتمامه بأول الوقت) و ص 706 (تأخير الصلاة).

2-6/2 أداء المكتوبات في المسجد

363. رسول الله صلى الله عليه وآله: من حين يخرج أحدكم من بيته إلى مسجده، فَرَجُلٌ تَكْتُبُ حَسَنَةً وَالْأُخْرَى تَمْحُو سَيِّئَةً. (4)3.

ص: 246

1- في بعض النسخ- كما في وسائل الشيعة: ج 4 ص 119 ح 4674-: «فصلها».

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 272 ح 1082، منتقى الجمال: ج 1 ص 422 كلاهما عن سعد بن سعد، ووسائل الشيعة: ج 3 ص 87 ح 4672.

3- الخرائج والجرائح: ج 1 ص 337 ح 2، الثاقب في المناقب: ص 183 ح 169 نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 21 ح 38.

4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 203 ح 8264، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 338 ح 789، شعب الإيمان: ج 3 ص 64 ح 2882، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 425 ح 1459 كلها عن أبي هريرة، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 111 ح 2 عن الأسود بن العلاء بن حارثة، كنز العمال: ج 7 ص 557 ح 20233.

بو و تازگی اش هستند. پس بر [نماز] اول وقت، مداومت ورزید.

361. امام رضا علیه السلام: ای فلان! هنگامی که وقت نماز فرا رسید، آن را [فوری] بخوان؛ چرا که نمی دانی چه پیش می آید.

362. الخرائج و الجرائح - به نقل از ابراهیم بن موسی قرّاز - از امام رضا علیه السلام چیزی را می طلبیدم و بر آن پای می فشردم. پس برای استقبال یکی از طالبیان خارج شد که وقت نماز فرا رسید. راه را به سوی کوشکی در آن جا کج کرد و زیر درختی در نزدیکی آن فرود آمد، در حالی که تنها ما دو نفر بودیم. به من فرمود: «اذان بگو».

گفتم: منتظر بمانیم تا دوستانمان به ما پیوندند؟ فرمود: «خدا تو را بیامرزد! نماز را بدون عذر از اول وقت به آخر وقت تأخیر مینداز. در اول وقت، آغاز کن». پس اذان گفتم و نماز خواندیم.

ر.ک: ج 2 ص 613 (ویژگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله/اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به اول وقت) و ص 669 (ویژگی نماز امام علی علیه السلام/اهتمامش به اول وقت) و ص 707 (به تأخیر انداختن نماز).

2-2/6 ادای نماز واجب در مسجد

363. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از همان هنگام که یکی از شما از خانه اش به سوی مسجد بیرون می آید، يك پا، نیکی می نویسد و پای دیگر، بدی می زداید.

ص: 247

364. عنه صلى الله عليه وآله: إذا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ الوُضوءَ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ، لَمْ يَرَفَعْ قَدَمَهُ اليَمْنَى إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عز و جل لَهُ حَسَنَةً، وَلَمْ يَضَعْ قَدَمَهُ اليُسْرَى إِلَّا حَطَّ اللَّهُ عز و جل عَنْهُ سَيِّئَةً، فَلْيُقَرَّبْ أَحَدُكُمْ أَوْ لِيُبْعَدْ، فَإِنِ اتَى المَسْجِدَ فَصَلَّى فِي جَمَاعَةٍ غُفِرَ لَهُ، فَإِنِ اتَى المَسْجِدَ وَقَدْ صَلَّوْا بَعْضًا وَبَقِيَ بَعْضٌ، صَلَّى مَا أَدْرَكَ وَأَتَمَّ مَا بَقِيَ كَانَ كَذَلِكَ، فَإِنِ اتَى المَسْجِدَ وَقَدْ صَلَّوْا فَاتَمَّ الصَّلَاةَ كَانَ كَذَلِكَ. (1)

365. سنن الدارقطني عن جابر بن عبد الله: فَقَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: مَا خَلَّفَكُمْ عَنِ الصَّلَاةِ؟ قَالُوا: لِحَاءٌ (2) كَانَ بَيْنَنَا، فَقَالَ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ المَسْجِدِ إِلَّا فِي المَسْجِدِ. (3)

366. الإمام علي عليه السلام: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ الصَّلَوَاتِ المَكْتُوبَاتِ مِنْ جِيرَانِ المَسْجِدِ، إِذَا كَانَ فَارِغًا صَاحِحًا. (4)

367. السنن الكبرى عن أبي حنّان عن أبيه: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ المَسْجِدِ إِلَّا فِي المَسْجِدِ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَنْ جَارُ المَسْجِدِ؟ قَالَ: مَنْ أَسْمَعَهُ المُنَادِي. (5) 7.

ص: 248

1- سنن أبي داود: ج 1 ص 154 ح 563، السنن الكبرى: ج 3 ص 98 ح 5011، تفسير الثعالبي: ج 2 ص 494، كنز العمال: ج 7 ص 296 ح 18955.

2- لا حَيْثُ الرَّجُلُ مَلَا حَاةً وَلِحَاءً: إِذَا نَازَعْتَهُ (لسان العرب: ج 15 ص 242 «لحا»).

3- سنن الدارقطني: ج 1 ص 420 ح 1، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 373 ح 898، السنن الكبرى: ج 3 ص 81 ح 4945 كلاهما عن أبي هريرة وليس فيهما صدره إلى «كان بيننا»، كنز العمال: ج 7 ص 650 ح 20737؛ تهذيب الأحكام: ج 1 ص 92 ح 244 و ج 3 ص 6 ذيل ح 16، عوالي اللآلي: ج 1 ص 306 ح 10 وليس فيها صدره إلى «كان بيننا»، وسائل الشيعة: ج 3 ص 478 ح 6311.

4- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 261 ح 735 عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، قرب الإسناد: ص 145 ح 523 عن أبي البختری عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 354 ح 7.

5- السنن الكبرى: ج 3 ص 81 ح 4943، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 380 ح 8، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 1 ص 497 ح 1915 نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 254 ح 23800؛ مسند زيد: ص 113 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 148 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 379 ح 47.

364. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که یکی از شما وضویی نیکو می گیرد و به قصد نماز بیرون می آید، پای راستش را بر نمی دارد جز آن که خداوند برایش یک حسنه می نویسد و پای چپش را نمی نهد جز آن که خداوند، یک بدی را از او می زداید، راهش نزدیک باشد یا دور.

اگر به مسجد رسید و نمازش را به جماعت خواند، آمرزیده می شود و اگر به مسجد آمد و بخشی از نماز را خوانده بودند و او با بخش باقی مانده همراهی کرد و سپس بقیه نماز خود را تمام کرد، نیز همین گونه است، و اگر به مسجد رسید و آنان نماز را خوانده بودند و او نماز خود را کامل به جا آورد، باز همین گونه است.

365. سنن الدارقطنی - به نقل از جابر بن عبد الله - پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی را در نماز نیافت.

فرمود: «چه چیزی شما را از حضور در نماز باز داشته است؟».

گفتند: به خاطر اختلافی که میان ما بوده است.

فرمود: «برای همسایه مسجد، نمازی پذیرفته نیست جز در مسجد».

366. امام علی علیه السلام: برای آن دسته از همسایگان مسجد که تن درست و فارغ اند ولی در نمازهای واجب حاضر نمی شوند، نمازی پذیرفته نیست.

367. السنن الکبری - به نقل از ابو حیان از پدرش - امام علی علیه السلام فرمود: «برای همسایه مسجد، نمازی پذیرفته نیست جز در مسجد».

(1)

به ایشان گفته شد: ای امیر مؤمنان! چه کسی همسایه مسجد محسوب می شود؟

فرمود: «آن که صدای اذان را می شنود».

ص: 249

1- در نقل دعائم الإسلام افزوده است: «مگر این که بیماری یا عذری داشته باشد».

368. الإمام الباقر عليه السلام: لا صلاة لمن لا يشهد الصلاة من جيران المسجد، إلا مريض أو مشغول. (1)

369. الإمام الصادق عليه السلام: عليكم بالصلاة في المساجد. (2)

370. تهذيب الأحكام عن إبراهيم بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قلت له: إن رجلاً يصلي بنا نقتدي به فهو أحب إليك أو في المسجد؟ قال: المسجد أحب إلي. (3)

371. الإمام الصادق عليه السلام: صلاة الرجل في منزله جماعة تعدل أربعاً وعشرين صلاةً، وصلاة الرجل جماعة في المسجد تعدل ثمانين وأربعين صلاةً مضاعفةً في المسجد....

إن الصلاة في المسجد فرداً بأربع وعشرين صلاةً...، ومن صلى في بيته جماعة رغبة عن المسجد فلا صلاة له ولا لمن صلى معه، إلا من علة تمنع من المسجد. (4)

372. عنه عليه السلام: ثلاثة يشكون إلى الله عز وجل: مسجد خراب لا يصلي فيه أهله، وعالم بين جهال، ومصحف معلق قد وقع عليه الغبار لا يقرأ فيه. (5)

373. الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام، قال: فيما وعظ الله عز وجل به عيسى عليه السلام:...

يا عيسى، ابك على نفسك في الخلوات، وانقل قدميك إلى مواقيت الصلوات، 3.

ص: 250

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 376 ح 1091 عن محمد بن مسلم، روضة الواعظين: ص 367، المحاسن: ج 1 ص 116 ح 245 عن أبي بصير نحوه وليس فيه الاستثناء، وسائل الشيعة: ج 5 ص 375 ح 10698.

2- .الكافي: ج 2 ص 635 ح 1، الأمالي للمفيد: ص 186 ح 12 كلاهما عن مرازم، بحار الأنوار: ج 81 ص 265 ح 21.

3- .تهذيب الأحكام: ج 3 ص 261 ح 734، وسائل الشيعة: ج 3 ص 512 ح 6442.

4- .الأمالي للطوسي: ص 696 ح 1486 عن رزيق، بحار الأنوار: ج 83 ص 367 ح 24.

5- .الكافي: ج 2 ص 613 ح 3، الخصال: ص 142 ح 163، عدة الداعي: ص 272، روضة الواعظين: ص 368، عيون الحكم والمواعظ: ص 214 ح 4254، بحار الأنوار: ج 83 ص 385 ح 63.

368. امام باقر علیه السلام: همسایگان مسجد اگر در نماز آن حاضر نشوند، نمازشان پذیرفته نیست، جز آن که بیمار و یا گرفتار باشند.

369. امام صادق علیه السلام: نماز را در مسجد بخوانید.

370. تهذیب الأحکام - به نقل از ابراهیم بن میمون - : به امام صادق علیه السلام گفتم: [در خانه و میان خودمان] مردی برای ما نماز می گزارد و ما به او اقتدا می کنیم. آن نزد شما محبوب تر است یا در مسجد خواندن؟

فرمود: «مسجد نزد من محبوب تر است».

371. امام صادق علیه السلام: نماز مرد در خانه اش به جماعت، برابر بیست و چهار نماز و نماز مرد به جماعت در مسجد، برابر چهل و هشت نماز [با پاداش] دو چندان شده در مسجد است... همانا نماز فرادا در مسجد، برابر بیست و چهار نماز است... هر کس از روی بی اعتنایی به مسجد، در خانه اش نماز جماعت بخواند، او و هر کس که با او نماز خوانده، نمازی پذیرفته ندارند، مگر آن که به سبب گرفتاری ای از رفتن به مسجد باز مانده باشند.

372. امام صادق علیه السلام: سه نفر به خدای عز و جل، شکایت می کنند: مسجد خرابی که اهلش در آن نماز نمی خوانند، دانایی میان نادان ها، و قرآن آویخته که غبار بر آن نشسته و خوانده نمی شود.

373. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از معصومان علیهم السلام، در یادکرد از اندرزهای خدا به عیسی علیه السلام - : ای عیسی! در خلوت بر خودت گریه کن و به سوی جایگاه های نماز،

وَأَسْمِعَنِي لَدَاذَةَ نُطْقِكَ بِذِكْرِي؛ فَإِنَّ صَنِيعِي إِلَيْكَ حَسَنٌ. (1)

3-2/6 أداء المكتوبات بالجماعة

الكتاب:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ». (2)

الحديث:

374. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ كَذَنْبِ الْغَنَمِ، يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ (3) وَالنَّاحِيَةَ، فَإِيَّاكُمْ وَالشُّعَابَ، وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ. (4)

375. صحيح مسلم عن أبي هريرة: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُ لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ، فَسَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ، فَرَخَّصَ لَهُ، فَلَمَّا وَلَّى دَعَا فَقَالَ: هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَأَجِبْ. (5) هـ.

ص: 252

1- الكافي: ج 8 ص 131-133 ح 103، الأمالي للصدوق: ص 608 ح 841 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 139 عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 497، أعلام الدين: ص 228 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 290 ح 14.

2- البقرة: 43.

3- القاصية: المنفردة عن القطيع البعيدة منه، يريد أن الشيطان يتسلط على الخارج من الجماعة (لسان العرب: ج 15 ص 184 «قصاص»).

4- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 238 ح 22090، المعجم الكبير: ج 20 ص 164 ح 344 نحوه، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 62 كلها عن معاذ بن جبل، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 1 ص 39، كنز العمال: ج 7 ص 581 ح 20355؛ المجازات النبوية: ص 313 ح 268.

5- صحيح مسلم: ج 1 ص 452 ح 255، سنن النسائي: ج 2 ص 109، السنن الكبرى: ج 3 ص 81 ح 4946، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 260 ح 792، سنن أبي داود: ج 1 ص 151 ح 552 كلاهما عن ابن ام مكتوم نحوه.

گام بردار و شیرینی ذکر گفتنت را به من بشنوان که من با تو نیکی می کنم.

3-2/6 خواندن نمازهای واجب به جماعت

قرآن

«نماز را بر پا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان، رکوع کنید».

حدیث

374. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، گرگ انسان است و مانند گرگ گله، گوسفند دور و جدا افتاده را می گیرد. پس مبادا از هم جدا و پراکنده شوید و همواره با جماعت و عموم مردم و در مسجد باشید.

375. صحیح مسلم - به نقل از ابو هریره -: مردی نایبنا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من عصاکشی که مرا تا به مسجد بکشد، ندارم. و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواست که به او اجازه دهد در خانه اش نماز بخواند. پیامبر به او اجازه داد؛ ولی چون پشت کرد که برود، او را فرا خواند و فرمود: «آیا ندای نماز را می شنوی؟».

گفت: آری.

پیامبر فرمود: «پس اجابت کن [و به مسجد بیا]».

ص: 253

376. الإمام الصادق عليه السلام: أتاة [أي رسول الله صلى الله عليه وآله] رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي ضَعُفْتُ بَصِيرَةَ وَرَبِّمَا أَسْمَعُ النَّدَاءَ، وَلَا أَحَدٌ مَن يَقُودُنِي إِلَى الْجَمَاعَةِ وَالصَّلَاةِ مَعَكَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شُدَّ مِنْ مَنزِلِكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبَلًا وَاحْضُرِ الْجَمَاعَةَ. (1)

377. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَيَعَجَبُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْجَمِيعِ. (2)

378. عنه صلى الله عليه وآله: التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى مَعَ الْإِمَامِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. (3)

379. عنه صلى الله عليه وآله: أتاني جبريل عليه السلام مَعَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُكَ السَّلَامَ، وَأَهْدَى إِلَيْكَ هَدْيَيْنِ لَمْ يُهْدِيَهُمَا إِلَى نَبِيِّ قَبْلِكَ، قُلْتُ: يَا جَبْرِيْلُ، وَمَا تِلْكَ الْهَدْيَيْنِ؟ قَالَ: الْوَتْرُ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ، وَالصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ فِي جَمَاعَةٍ. (4)

380. جامع الأخبار عن عبد الله بن مسعود أنه فاتته تكبيرة الإفتتاح يوماً، فأعتق رقبةً وجاء إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، فاتتني تكبيرة الإفتتاح يوماً فأعتقت رقبةً، هل كنتُ مُدْرِكاً فَضْلَهَا؟ فقال: لا.

فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: ثُمَّ اعْتِقْ أُخْرَى، هَلْ كُنْتُ مُدْرِكاً فَضْلَهَا؟

فَقَالَ: لَا، يَا بَنَ مَسْعُودٍ، وَلَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً لَمْ تَكُنْ مُدْرِكاً فَضْلَهَا. (5) 7.

ص: 254

1- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 266 ح 753 عن ابن أبي يعفور، وسائل الشيعة: ج 5 ص 377 ح 10704.

2- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 309 ح 5112، مجمع الزوائد: ج 2 ص 163 ح 2141 نقلاً عن المعجم الكبير وكلاهما عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 558 ح 20239.

3- جامع الأخبار: ص 195 ح 477، مستدرک الوسائل: ج 6 ص 445 ح 7186.

4- تاريخ دمشق: ج 6 ص 378 ح 1562؛ جامع الأخبار: ص 193 ح 475 نحوه، بحار الأنوار: ج 88 ص 14 ح 26 نقلاً عن شرح الإرشاد للشهيد الثاني وكلها عن أبي سعيد الخدري.

5- جامع الأخبار: ص 195 ح 478، مستدرک الوسائل: ج 6 ص 445 ح 7187.

376. امام صادق علیه السلام: مردی نابینا نزد ایشان (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من نابینایم و گاه ندای اذان را می شنوم؛ ولی کسی را نمی یابم که مرا به نماز جماعت و نماز همراه شما برساند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «از خانه ات تا مسجد، يك ریسمان ببند و در جماعت حاضر شو».

377. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند از نماز در جماعت، خوشش می آید.

378. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تکبیر آغازین نماز را با امام [جماعت] گفتن، از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است.

379. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل با هفتاد هزار فرشته پس از نماز ظهر نزد من آمد و گفت: ای محمد! خدا سلامت می رساند و دو هدیه به تو اهدا کرده که به پیامبری پیش از تو هدیه نکرده است.

گفتم: ای جبرئیل! آن دو هدیه چیستند؟

گفت: سه رکعت نماز وتر (1) و نمازهای پنجگانه به جماعت.

380. جامع الأخبار: عبد الله بن مسعود، روزی به تکبیر آغازین نماز جماعت نرسید و از این رو يك بنده آزاد کرد و نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا! يك روز به تکبیر آغازین نماز نرسیدم و بنده ای را آزاد کردم. آیا فضیلت آن را جبران کرده ام؟

پیامبر فرمود: «نه».

ابن مسعود گفت: اگر يك بنده دیگر آزاد کنم، آیا به فضیلتش می رسم؟

فرمود: «نه، ای ابن مسعود! اگر تمام آنچه را در زمین است، انفاق کنی، نمی توانی فضیلت آن را جبران کنی!».

ص: 255

1- در روایات اهل بیت علیه السلام مجموع سه رکعت شفع و وتر از نوافل شب، وتر نامیده شده است.

381. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا صَلَّى مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، حُسِبَ لَهُ قِيَامُ لَيْلَةٍ. (1)

382. مسند زيد: حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ بِنِ عُلَيِّ بْنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ غَدَا عَلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ، فَوَجَدَهُ مُتَّصَةً بِحَايَةٍ - يَعْنِي نَائِمًا - فَقَالَ: مَا لَكَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ؟ قَالَ: كَانَ مِنِّي مِنَ اللَّيْلِ شَيْءٌ فَنِمْتُ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْتَرَكْتَ صَلَاةَ الصُّبْحِ فِي جَمَاعَةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قال علي عليه السلام: يا أبا الدرداء، لأن أصلي الفجر والعشاء الآخرة في جماعة أحب إلي من أن احببي ما بينهما، أو ما سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «لو يعلمون ما فيهما لأتوهما ولو حبوا» (2)، وإنهما ليكفران ما بينهما؟! (3)

383. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ، فَمَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ، وَمَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ. (4)

384. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ مَشَى إِلَى صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فِي الْجَمَاعَةِ فَهِيَ كَحَجَّةٍ، وَمَنْ مَشَى إِلَى صَلَاةٍ تَطَوُّعٍ فَهِيَ كَعُمْرَةٍ تَامَّةٍ. (5)

385. عنه صلى الله عليه وآله - في وصيته لعلي عليه السلام -: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ، وَثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ وَثَلَاثُ مُنْجِيَاتٍ، فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَاسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ (6).

ص: 256

- 1- سنن أبي داود: ج 2 ص 50 ح 1375، سنن النسائي: ج 3 ص 83، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 96 ح 21476، الاستذكار: ج 2 ص 72، التمهيد لابن عبد البر: ج 8 ص 112 كلها عن أبي ذر.
- 2- الحبو: أن يمشي على يديه وركبتيه أو استه (النهاية: ج 1 ص 336 «حبا»).
- 3- مسند زيد: ص 114، دعائم الإسلام: ج 1 ص 153، بحار الأنوار: ج 88 ص 17 ح 30.
- 4- المحاسن: ج 1 ص 124 ح 137 عن السكوني عن الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 377 ح 1098 عن الإمام الصادق عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 1 ص 342 ح 114، بحار الأنوار: ج 88 ص 12 ح 22.
- 5- المعجم الكبير: ج 8 ص 127 ح 7578 وص 184 ح 7764، مسند الشاميين: ج 2 ص 386 ح 1548 وج 4 ص 316 ح 3412، نصب الراية: ج 3 ص 151 كلها عن أبي امامة، كنز العمال: ج 7 ص 557 ح 20234.
- 6- السبرات: جمع سيرة؛ وهي شدة البرد (النهاية: ج 2 ص 333 «سير»).

381. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که انسان با امام نماز بخواند تا آن که نمازش را به پایان ببرد، شب زنده داری يك شب برایش حساب می شود.

382. مسند زید: امام علی علیه السلام ابو دردا را يك روز صبح دید که خوابیده است. از او پرسید:

«ابو دردا! چه شده است؟».

گفت: شب، کار و عبادتی داشتم و خواب ماندم.

علی علیه السلام فرمود: «آیا نماز صبح به جماعت را رها کردی؟».

گفت: آری.

امام علی علیه السلام فرمود: «ای ابودردا! اگر نماز عشا و صبح را به جماعت بخوانم، برایم محبوب تر از آن است که میان آن دو را شب زنده داری کنم. آیا نشنیده ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: اگر مردم ثواب این دو نماز جماعت را می دانستند، خود را به آنها می رساندند، هر چند افتان و خیزان، که آن دو، گناهان میان خود را می زدایند».

383. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند، در پناه خداست. هر کس به او ستم کند، به خدا ستم کرده و هر کس او را کوچک بشمارد، خدا را کوچک شمرده است.

384. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای خواندن نماز جماعت واجب [به مسجد] برود، گویی به حج می رود و هر کس برای خواندن نماز مستحبی برود، گویی به عمره ای کامل می رود.

385. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصیت خویش به امام علی علیه السلام - ای علی! سه چیز، درجه و سه چیز، کفاره و سه چیز، هلاک کننده و سه چیز، نجات دهنده است. درجه ها: کامل وضو گرفتن در سرما، پس از نماز انتظار نمازی دیگر را کشیدن و رفتن به

وَانْتَظَرُ الصَّلَاةَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالْمَشْيَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَ... (1)

386. عنه صلى الله عليه وآله: الَّذِي يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ حَتَّى يُصَلِّيَهَا مَعَ الْإِمَامِ، أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الَّذِي يُصَلِّي ثُمَّ يَنَامُ. (2)

387. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ صَلَاةَ الرَّجُلِ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِهِ وَحْدَهُ، وَصَلَاتُهُ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِهِ مَعَ الرَّجُلِ، وَمَا كَثُرَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى. (3)

388. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرِيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدِ اسْتَحَوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ، فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ الْقَاصِيَةَ. (4)

389. الإمام علي عليه السلام: اَعْلَمُ أَنَّ مُرُوءَةَ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ مُرُوءَتَانِ: مُرُوءَةٌ فِي حَضْرٍ وَمُرُوءَةٌ فِي سَفَرٍ، فَأَمَّا مُرُوءَةُ الْحَضْرِ: فَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَمُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، وَالنَّظَرُ فِي الْفِقْهِ، وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَاتِ. وَأَمَّا مُرُوءَةُ السَّفَرِ: فَبَذَلُ الزَّادِ، وَقَلَّةُ الْخِلَافِ عَلَى مَنْ صَحَبَكَ، وَكَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَصْعَدٍ وَمَهَبٍ وَنُزُولٍ وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ. (5) 4.

ص: 258

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 360 ح 5762، الخصال: ص 85 ح 12 كلاهما عن أنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 325 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 83 ص 15 ح 26؛ المعجم الأوسط: ج 5 ص 342 ح 5496 عن طارق ابن شهاب، تفسير القرطبي: ج 15 ص 226 عن الحسن وكلاهما عنه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 928 ح 43594.

2- .صحيح البخاري: ج 1 ص 233 ح 623، صحيح مسلم: ج 1 ص 460 ح 277، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 378 ح 1501، تفسير البغوي: ج 4 ص 7 كلها عن أبي موسى، كنز العمال: ج 7 ص 555 ح 20227.

3- .سنن أبي داود: ج 1 ص 152 ح 554، سنن النسائي: ج 2 ص 105، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 57 ح 21323، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 376 ح 904 كلاهما نحوه، السنن الكبرى: ج 3 ص 145 ح 5193 كلها عن أبي بن كعب، كنز العمال: ج 8 ص 258 ح 22816.

4- .سنن أبي داود: ج 1 ص 150 ح 547، سنن النسائي: ج 2 ص 106، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 423 ح 27584 نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 524 ح 3796، السنن الكبرى: ج 3 ص 77 ح 4929 كلها عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 7 ص 581 ح 20354.

5- .الخصال: ص 54 ح 71 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 266 ح 1 و ج 88 ص 10 ح 14.

جماعت ها در روز و شب است و... .

386. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن کس که منتظر نماز خواندن با امام [جماعت] می شود، اجرش بیشتر از کسی است که نماز می خواند و می خوابد.

387. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز دو نفر با یکدیگر، بهتر از نماز به تنهایی است و نماز با دو نفر، بهتر از نماز با یک نفر است و هر چه تعداد نمازگزاران جماعت بیشتر شود، نزد خدای متعال، محبوب تر است.

388. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ سه نفری نیستند که در روستایی و یا صحرائی باشند و نماز را به جماعت نخوانند، جز آن که شیطان بر آنان مسلط می شود. پس همواره با جماعت باش که گرگ، حیوان دور افتاده را می خورد.

389. امام علی علیه السلام: بدان که مسلمان دو گونه جوان مردی دارد: جوان مردی در حَضَر و جوان مردی در سفر. جوان مردی در حضر: قرائت قرآن، همنشینی با دانایان، دقت در فهم دین و مواظبت بر خواندن نمازها به جماعت است. و جوان مردی در سفر:

بخشش توشه، کم مخالفت کردن با همراهت و فراوانی ذکر خدای عز و جل در هر فراز و فرودی و پائین آمدن و نشست و برخاست است.

ص: 259

390. لقمان -في وصيئته لابنه-: صلّ في جماعة ولو على رأس زُجّ (1). (2)

4-2/6 أداء الصلاة كالمودّع

391. رسول الله صلى الله عليه وآله: صلّ صلاة مودّع كأنك تراه، فإن كنت لا تراه فإنه يراك. (3)

392. سنن ابن ماجه عن أبي أيوب: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، علمني وأجز.

قال: إذا قمت في صلاتك فصل صلاة مودّع. (4)

393. رسول الله صلى الله عليه وآله: اذكر الموت في صلاتك؛ فإن الرجل إذا ذكر الموت في صلاته لحرّى أن يحسن صلاته. وصل صلاة رجل لا يظن أن يصلي صلاة غيرها. (5)

394. دعائم الإسلام: عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه دخل المسجد فنظر إلى أنس بن مالك يصلي وينظر حوله، فقال له: 6.

ص: 260

1- الزجّ-بالضمّ-: الحديدية التي في أسفل الرمح (مجمع البحرين: ج 2 ص 766 «زجج»).

2- الكافي: ج 8 ص 349 ح 547، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 297 ح 2505، المحاسن: ج 2 ص 126 ح 1348، مجمع البيان: ج 8 ص 496، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 538 ح 1869 كلها عن حماد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 271 ح 28.

3- عوالي اللآلي: ج 1 ص 110 ح 15 عن ابن عمر، التاريخ الكبير: ج 6 ص 216 عن أبي ايوب الأنصاري، النهاية في غريب الحديث: ج 1 ص 360، تاريخ دمشق: ج 21 ص 171 ح 4763 عن أنس وليس فيه ذيله من «كأنك تراه».

4- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1396 ح 4171، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 130 ح 23557، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 362 ح 7982 عن سعد بن أبي وقاص نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 524 ح 20078؛ الأمالي للطوسي: ص 508 ح 1111 عن معمر بن خلاد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 164 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 237 ح 16.

5- الفردوس: ج 1 ص 431 ح 1755 عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 524 ح 20079 و ج 15 ص 884 ح 43506.

390. لقمان - در وصیت به پسرش - به جماعت نماز بخوان، حتی اگر بر سر نیزه باشد.

4-6/2 نماز خواندن مانند کسی که آخرین نمازش را می خواند

391. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مانند کسی نماز بخوان که آخرین نمازش را می خواند، گویی او (خدا) را می بینی، که اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند.

392. سنن ابن ماجه - به نقل از ابو ایوب -: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! به من بیاموز؛ ولی کوتاه باشد. فرمود: «هنگامی که به نماز ایستادی، همچون کسی که آخرین نمازش را می خواند، نماز بگذار».

393. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در نماز، مرگ را به یاد آر که هر گاه انسان مرگ را در نماز به یاد آورد، سزایند است که نمازش را نیکو بگذارد، و مانند کسی نماز بخوان که گمان نمی برد جز آن، نماز دیگری بخواند.

394. دعائم الإسلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شد و انس بن مالک را دید که نماز می خواند و به پیرامونش می نگرد. به او فرمود: «ای انس! مانند کسی نماز بخوان که با آن خدا حافظی می کند، گویی که می بینی پس از آن، دیگر نماز نمی خوانی».

ص: 261

يا أنس، صَلِّ صَلَاةَ مُودِّعٍ تَرَى أَنَّكَ لَا تُصَلِّي بَعْدَهَا صَلَاةً أَبَدًا. (1)

395. الإمام الصادق عليه السلام: اعلم أنك بين يدي من يراك ولا تراه، وصل صلاة مودِّعٍ كأنك لا تُصَلِّي بعدها أبدًا. (2)

396. الإمام علي عليه السلام: إذا قام أحدكم إلى الصلاة فليصل صلاة مودِّعٍ. (3)

397. لقمان عليه السلام - لابنه -: إذا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُودِّعٍ، تَظُنُّ أَنْ لَا تَبْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا. (4)

راجع: ج 2/ح 964.

5-2/6 الدعاء عند الإفتتاح

398. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَمَّا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ -: وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي، فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، واهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ، لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ 3.

ص: 262

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 157، بحار الأنوار: ج 84 ص 264 ح 66.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916، ثواب الأعمال: ص 57 ح 2، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 65 ح 2160، فلاح السائل: ص 282 ح 174، مشكاة الأنوار: ص 142 ح 340 والأربعة الأخيرة عن عبد الله بن أبي يعفور نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 233 ح 6.

3- الخصال: ص 629 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 118، غرر الحكم: ج 3 ص 133 ح 4050، عيون الحكم والمواعظ: ص 134 ح 3042، بحار الأنوار: ج 84 ص 239 ذيل ح 21.

4- إرشاد القلوب: ج 1 ص 73.

395. امام صادق علیه السلام: بدان که در پیشگاه کسی هستی که تو را می بیند و تو او را نمی بینی و چنان نماز بخوان که گویی با آن وداع می کنی و پس از آن، هرگز نماز نمی خوانی.

396. امام علی علیه السلام: هنگامی که یکی از شما به نماز می ایستد، باید نماز [ی همچون] خدا حافظی کننده بخواند.

397. لقمان - خطاب به پسرش - هنگامی که نماز می خوانی، مانند خدا حافظی کننده با آن بخوان، گویی که پس از آن، دیگر زنده نمی مانی.

ر.ك: ج 2/ح 964.

5-2/6 دعای آغاز نماز

398. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعای خود، هنگامی که می خواست پس از تکبیر، نماز را آغاز کند - : پاك دلانه به کسی روی آوردم که آسمان ها و زمین را آفریده و من از مشرکان نیستم. نماز و عبادتم، و زندگی و مرگم، برای پروردگاری همتای جهانیان است و به این، فرمان یافته ام و به آن تسلیم هستم. خدایا! تو پادشاهی و جز تو خدایی نیست.

تو را تسبیح می کنم. تو پروردگار من هستی و من بنده تو ام. به خود، ستم کردم و به گناهم اعتراف دارم. پس همه گناهانم را بیا مرز، که هیچ کس جز تو، گناهان را نمی آمرزد، و به نیکوترین خوی، ره نمونم کن، که جز تو به آنها ره نمی نماید و خوی های زشت را از من دور ساز، که جز تو آنها را دور نمی کند. آماده و حاضرم.

من با تو و به سوی تو هستم و جز به سوی تو راه نجات و پناهی نیست.

ص: 263

وَالشُّرَّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ. (1)

399. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَقَالَ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ وَيُكَبِّرَ: «يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ، وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزَ عَنِ قَبِيحٍ مَا تَعَلَّمَ مِنِّي»، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَلَائِكَتِي أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ وَأَرْضَيْتُ عَنْهُ أَهْلَ تَبِعَاتِهِ. (2)

400. الإمام الباقر عليه السلام: يُجْزِيكَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ الْكَلَامِ فِي التَّوَجُّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْ تَقُولَ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلَى مِثْلِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ». وَيُجْزِيكَ تَكْبِيرَةً وَاحِدَةً. (3)

401. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ، فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِي، وَأَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجْهًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُورًا، وَدُعَائِي بِهِ مُسْتَجَابًا، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (4) 2.

ص: 264

1- صحيح مسلم: ج 1 ص 534 ح 201، سنن أبي داود: ج 1 ص 201 ح 760، سنن الترمذي: ج 5 ص 487 ح 3423، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 219 ح 803، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 235 ح 462 كلها عن عبيدالله بن أبي رافع عن الإمام علي عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 99 ح 22080.

2- فلاح السائل: ص 277 ح 169 عن بكر بن محمد الأزدي، مصباح المتهجد: ص 30 الرقم 31، البلد الأمين: ص 6، المصباح للكفعمي: ص 22 كلها من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 375 ح 29، وراجع شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 6 ص 195.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 67 ح 245، عوالي اللآلي: ج 4 ص 17 ح 45 وليس فيه ذيله، منتقى الجمان: ج 2 ص 6 وكلها عن زرارة، دعائم الإسلام: ص 157 عن الإمام علي عليه السلام نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 724 ح 7250.

4- الكافي: ج 3 ص 309 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 287 ح 1149 وليس فيه «به» بعد «صلاتي» و«ذني»، منتقى الجمان: ج 2 ص 3 كلها عن أبان ومعاوية بن وهب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 302 ح 916، فلاح السائل: ص 183 ح 91 نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 370 ح 22.

از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم.

399. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام به یارانش می فرمود: «هر کس نماز بخواند و پیش از تکبیرة الإحرام بگوید: "ای نیکوکار! زشتکار، نزد تو آمده و تو خود به نیکوکار فرمان داده ای که از زشتکار بگذرد. تو نیکوکاری و من زشتکار. پس به حقّ محمد و خاندانش، بر محمد و خاندانش درود فرست و از زشتی هایی که از من می دانی، در گذر"، خدا می فرماید: فرشتگان من! گواه باشید که او را بخشیدم و طلبکاران او را راضی ساختم».

400. امام باقر علیه السلام: هنگام رو کردن به سوی خداوند در نماز، کافی است که بگویی: «به کسی روی آوردم که آسمان ها و زمین را آفریده است. بر دین پاک ابراهیم هستم، مسلمانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم برای پروردگاری بی همتای جهانیان است و به این، فرمان یافته ام و بدان تسلیم هستم». و يك تكبير [برای آغاز نماز] کفایت می کند.

401. امام صادق علیه السلام: هنگامی که به نماز ایستادی، بگو: «خدایا! من محمد صلی الله علیه و آله را پیشاپیش نیازم، قرار می دهم و با او به سوی تو روی می آورم. پس مرا در دنیا و آخرت به خاطر او در درگاهت آبرومند و مقرب، قرار ده. نمازم را به خاطر او پذیرفته و گناهم را به خاطر او آمرزیده و دعایم را به خاطر او، روا شده قرار ده، که تو آمرزشگر و مهربانی».

402. عنه عليه السلام: إذا افتتحت الصلاة فأرفع كفيك ثم ابسّ طههما بسطاً، ثم كبر ثلاث تكبيرات، ثم قل: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: «لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْحَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانِكَ، تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ».

ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ تَقُولُ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

ثُمَّ تَعُودُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ. (1)

403. الإمام المهدي عليه السلام - لمحمد بن عبد الله الحميري الذي سأله عن التوجه للصلاة:-

التوجه كله ليس بفريضة، والسنة المؤكدة فيه التي كالإجماع الذي لا خلاف فيه:

«وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهَدَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، ثُمَّ تَقْرَأُ الْحَمْدَ. (2) 7.

ص: 266

1- الكافي: ج 3 ص 310 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 67 ح 244 وليس فيه من «إنَّ صَلَاتِي» إلى «من المسلمين»، منتقى الجمان: ج 2 ص 7 كلها عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 304 ح 916، فقه الرضا: ص 104 من دون إسناد إلى أهل البيت عليهما السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 366 ذيل ح 21.

2- الاحتجاج: ج 2 ص 575 ح 356، بحار الأنوار: ج 84 ص 359 ح 7.

402. امام صادق علیه السلام: در آغاز نماز، دستانت را بالا ببر و آنها را خوب بگشای. سه تکبیر بگو و سپس بگو: «خدایا! تو پادشاه حقیقی هستی. جز تو خدایی نیست. تو را تسبیح می گویم. بی گمان به خود، ستم کردم. پس گناهم را بیامرز، که جز تو، کسی گناهان را نمی آمرزد». پس دو تکبیر می گویی.

سپس بگو: «آماده و حاضر م. نیکی در دستان توست و بدی به تو راه ندارد.

ره یافته آن است که تو او را ره نمودی. پناهگاهی از تو جز به سوی تو نیست. منزه و رحمتی مدام داری، مبارك و والایی، منزهی تو، ای صاحب خانه!». پس دو تکبیر می گویی.

پس از آن می گویی: «پاك دلانه به کسی روی آوردم که آسمان ها و زمین را آفریده و دانا به آشکار و نهان است. مسلمانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم، برای پروردگاری بی همتای جهانیان است و به این، فرمان یافته ام و من تسلیمم». سپس از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر و پس از آن، [سوره] حمد را بخوان.

403. امام مهدی علیه السلام -خطاب به محمد بن عبد الله حمیری که از «توجه» برای نماز پرسیده بود-: توجه به طور کلی واجب نیست و سنت مؤکد در آن -که همچون اجماع بدون اختلاف است-، این است: «به کسی روی آوردم که آسمان ها و زمین را آفریده است. بر دین پاك ابراهیم هستم و مسلمانم. بر دین محمد و هدایت امیر مؤمنان هستم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم، و زندگی و مرگم، برای پروردگاری بی همتای جهانیان است و به این، فرمان یافته ام و بدان تسلیم هستم.

خدایا! مرا از تسلیم شدگان قرار ده. از شیطان رانده شده، به خداوند شنوا و دانا پناه می برم. به نا خداوند بخشنده مهربان» و بعد، سوره حمد را می خوانی.

الكتاب:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». (1)

الحديث:

404. الإمام عليّ عليه السلام -في قوله عز وجل: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»-: «الْخُشُوعُ فِي الْقَلْبِ، وَأَنْ تُلَيِّنَ كَتِفَكَ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ، وَأَنْ لَا تَلْتَقِطَ فِي صَلَاتِكَ». (2)

405. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي صَلَاتِكَ، فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». (3)

406. عنه عليه السلام -في قوله تعالى: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»-: «الْخُشُوعُ غَضُّ الْبَصَرِ فِي الصَّلَاةِ». (4)

407. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ. (5)م.

ص: 268

1- المؤمنون: 1 و 2.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 426 ح 3482، السنن الكبرى: ج 2 ص 397 ح 3518 كلاهما عن عبيدالله بن أبي رافع، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 255 ح 3263 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه «الخشوع في القلب»، تفسير الطبري: ج 10 الجزء 18 ص 2، الدر المنثور: ج 6 ص 84 نقلاً عن ابن المبارك والفرياحي وعبد بن حميد وابن المنذر وفيهما «كنفك» بدل «كتفك»، كنز العمال: ج 2 ص 473 ح 4533.

3- الكافي: ج 3 ص 300 ح 3، منتهى الجمان: ج 2 ص 82 كلاهما عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916، بحار الأنوار: ج 84 ص 260 نقلاً عن كتاب أسرار الصلاة وراجع المقنع للصدوق: ص 92.

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 158، بحار الأنوار: ج 84 ص 264 ح 66.

5- جامع الأخبار: ص 337 ح 947، كنز الفوائد: ج 1 ص 299، أعلام الدين: ص 322 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، كشف الغمة: ج 3 ص 137 عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 131 ح 41، الفصول المهمة لابن الصباغ: ص 270 عن الإمام الجواد عليه السلام.

قرآن

«بی گمان، مؤمنان، رستگار شدند؛ آنان که در نمازشان خاشع اند».

حدیث

404. امام علی علیه السلام - در باره سخن خداوند عز و جل: «آنان که در نمازشان خاشع اند» - منظور، خشوع در دل است و نرمی و افتادگی در برابر مسلمان و این که در نماز به چیز دیگری توجه نکنی.

405. امام صادق علیه السلام: هنگامی که نماز را آغاز کردی، افتاده باش و به نمازت توجه کن، که خداوند می فرماید: «آنان که در نمازشان خاشع اند».

406. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خداوند متعال: «آنان که در نمازشان خاشع اند» - خشوع، پایین انداختن دیده در نماز است.

407. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خشوع، زینت نماز است.

ص: 269

408. عنه صلى الله عليه وآله -في وصف أخلاق المؤمن-: ...في الصلاة متخشعاً. (1)

409. عنه صلى الله عليه وآله: لا صلاة لمن لا يتخشع في صلاته. (2)

410. عنه صلى الله عليه وآله: أيها الناس! إن المصلي إذا صلى فإنه يناجي ربه تبارك وتعالى، فليعلم بما يناجيه. (3)

411. عنه صلى الله عليه وآله -في بيان فضل المصلي-: ...فإذا قام إلى الصلاة وكان هو وقلبه ووجهه أو كله نحو الوجه إلى الله عز وجل، انصرف كما ولدته أمه. (4)

412. عنه صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يتوضأ فيحسن وضوءه، ثم يقوم فيصلي ركعتين مقبل عليهما بقلبه ووجهه، إلا وجبت له الجنة. (5)

413. عنه صلى الله عليه وآله: من توضأ نحو وضوئي هذا ثم صلى ركعتين لا يحدث فيهما نفسه غفر له ما تقدم من ذنبه. (6)

ص: 270

1- نوادر الأصول: ج 2 ص 262 عن جندب بن عبد الله، كنز العمال: ج 1 ص 140 ح 669.

2- الفردوس: ج 5 ص 195 ح 7935 عن أبي سعيد، كنز العمال: ج 7 ص 526 ح 20088.

3- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 484 ح 6135، صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 351 ح 2237، المعجم الكبير: ج 12 ص 327 ح 13572، المصنف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 372 ح 5 كلها عن ابن عمر، والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 177 ح 22451؛ عوالي اللآلي: ج 4 ص 39 ح 133 نحوه، بحار الأنوار: ج 71 ص 216 ح 17 وراجع صحيح البخاري: ج 1 ص 160 ح 403 و صحيح مسلم: ج 1 ص 390 ح 551.

4- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 58 ح 17023، تهذيب الكمال: ج 17 ص 11 الرقم 3774 كلاهما عن عمرو بن عبسة، النهاية في غريب الحديث: ج 5 ص 280 نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 304 ح 18995 نقلاً عن الطبراني؛ بحار الأنوار: ج 84 ص 261 ح 59 نقلاً عن كتاب أسرار الصلاة للشهيد الثاني.

5- صحيح مسلم: ج 1 ص 209 ح 17، سنن أبي داود: ج 1 ص 238 ح 906، سنن النسائي: ج 1 ص 95، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 122 ح 17316 كلها نحوه، السنن الكبرى: ج 2 ص 397 ح 3519 كلها عن عقبة بن عامر، كنز العمال: ج 7 ص 300 ح 18978.

6- صحيح البخاري: ج 1 ص 71 ح 158، صحيح مسلم: ج 1 ص 205 ح 226، سنن أبي داود: ج 1 ص 26 ح 106، سنن النسائي: ج 1 ص 64 كلها عن عثمان بن عفان، كنز العمال: ج 7 ص 294 ح 18949؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 322 ح 59 وليس فيه «توضأ نحو وضوئي هذا»، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 99 ذيل ح 4224.

408. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در توصیف اخلاق مؤمن - :... در نماز، خاشع است.

409. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در نمازش خشوع نکند، نمازی ندارد.

410. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! نمازگزار هنگام نماز، با پروردگارش - تبارک و تعالی - مناجات می کند. پس باید بداند چه می گوید.

411. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در بیان فضیلت نمازگزار - : هر گاه نمازگزار به نماز بایستد و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، همچون روزی که از مادر زاده شده، باز می گردد.

412. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ يك از شما نیست که وضویی کامل بگیرد، سپس برخیزد و دو رکعت نماز با توجه و حضور قلب بخواند، مگر این که بهشت برایش واجب می گردد.

413. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مانند من وضو بگیرد و دو رکعت نماز بگذارد و در آن به هیچ کار دنیایی نیندیشد، گناهان پیشین او آمرزیده می شود.

414. عنه صلى الله عليه وآله: الخشوع: الذي لا يعرف الذي عن يمينه ولا الذي عن يساره، إنما ينظر إلى موضع سجوده. (1)

415. عنه صلى الله عليه وآله: ضع بصرَكَ موضعَ سجودِكَ. (2)

416. السنن الكبرى عن أنس: قلت: يا رسول الله، أين أضع بصري في الصلاة؟ قال: عند موضع سجودك يا أنس. قال: قلت: يا رسول الله، هذا شديد لا أستطيع هذا! قال:

ففي المكتوبة إذا. (3)

417. رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أنس، اجعل بصرَكَ حيث تسجد. (4)

418. عنه صلى الله عليه وآله: خيارُكم أئبتكم مناكب في الصلاة. (5)

419. عنه صلى الله عليه وآله: من تمام الصلاة سُكونُ الأطراف. (6)

ص: 272

-
- 1- الفردوس: ج 2 ص 204 ح 3006 عن ابن عباس وراجع الاصول الستة عشر (كتاب نوادر على بن اسباط): ص 341 ح 565.
 - 2- الفردوس: ج 2 ص 425 ح 3874 عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 460 ح 19781؛ الكافي: ج 3 ص 334 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 83 ح 308 كلاهما عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام، ثواب الأعمال: ص 57 ح 2 عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، فقه الرضا: ص 106 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 233 ح 6.
 - 3- السنن الكبرى: ج 2 ص 403 ح 3544، مشكاة المصابيح: ج 1 ص 315 ح 996 نحوه، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 295 الرقم 503 نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 529 ح 20099.
 - 4- السنن الكبرى: ج 2 ص 403 ح 3545 عن أنس، الطبقات الكبرى: ج 7 ص 186 عن مسلم بن يسار من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 295 ح 503. كنز العمال: ج 7 ص 529 ح 20098.
 - 5- سنن أبي داود: ج 1 ص 180 ح 672، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 52 ح 1756، صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 29 ح 1566 كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 7 ص 525 ح 20081؛ الجعفریات: ص 35 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأحاديث للقمي (كتاب الغايات): ص 216 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 262 ح 63.
 - 6- تاريخ دمشق: ج 56 ص 236 ح 11827 عن أبي بكر، الجامع الصغير: ج 2 ص 543 ح 8240.

414. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خاشع، آن است که نمی داند نفر راست و چپش کیستند و تنها به سجده گاهش می نگرد.

415. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نگاهت را به سجده گاهت بدوز.

416. السنن الکبری - به نقل از انس - گفتم: ای پیامبر خدا! در نماز به کجا نگاه کنم؟

فرمود: «به جایگاه سجده ات، ای انس!».

گفتم: ای پیامبر خدا! این، سخت است و من نمی توانم!

فرمود: «حدّ اقل در نمازهای واجب، چنین کن».

417. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای انس! نگاهت را آن جا قرار بده که سجده می کنی.

418. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما، آنان اند که در نماز، افتاده ترند.

419. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از کمالات نماز، ساکن بودن اندام بدن است.

420. عنه صلى الله عليه وآله: إذا قام أحدكم إلى الصلاة فليُسكِّنْ أطرافه، لا يتميِّلُ تميِّلَ اليهود؛ فإنَّ سُكونَ الأطرافِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ. (1)

421. عنه صلى الله عليه وآله: رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي التَّفَكُّرِ، خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ. (2)

422. عنه صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ، رَكَعَتَانِ مُقْتَصِرَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ، خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبِ سَاهٍ. (3)

423. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ. (4)

424. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا، انصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ. (5)

425. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَيْنِ مِنْ أُمَّتِي يَقُومَانِ فِي الصَّلَاةِ وَرُكُوعُهُمَا وَسُجُودُهُمَا وَاحِدٌ، وَإِنَّ مَا بَيْنَ صَلَاتَيْهِمَا مِثْلُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (6) 1.

ص: 274

- 1- نوادير الأصول: ج 1 ص 388، حلية الأولياء: ج 9 ص 304، تاريخ دمشق: ج 59 ص 290 ح 12360 وليس فيه «فإنَّ سُكونَ...»، تفسير الألويسي: ج 18 ص 4 وكلها عن أبي بكر، كنز العمال: ج 7 ص 528 ح 20096.
- 2- ثواب الأعمال: ص 68 ح 1 عن زيد بن علي عن أبيه عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 66 ح 2163 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 59 عن أبي ذر عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 240 ح 23؛ المعجم الكبير: ج 8 ص 209 ح 7843 عن أبي امامة نحوه، مجمع الزوائد: ج 2 ص 529 ح 3546.
- 3- الأمالي للطوسي: ص 533 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 371 فيه «مقتصدتان» بـدر «مقتصرتان» وكلاهما عن أبي ذر، عدة الداعي: ص 168 نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 82 ح 3؛ تفسير ابن كثير: ج 2 ص 160 ربيع الأبرار: ج 2 ص 108 كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «مقتصدتان» بدل «مقتصرتان»، كنز العمال: ج 8 ص 201 ح 22544.
- 4- المحاسن: ج 1 ص 406 ح 921 عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 242 ح 27.
- 5- الكافي: ج 3 ص 266 ح 12، ثواب الأعمال: ص 67 ح 1، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 65 ح 2162، الدعوات: ص 31 ح 63 وفي الثلاثة الأخيرة زيادة «إلا غفر له» بعد «ذنب»، بحار الأنوار: ج 84 ص 240 ح 22.
- 6- عوالي اللآلي: ج 1 ص 322 ح 57، بحار الأنوار: ج 84 ص 249 ح 41.

420. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از شما که به نماز می ایستد، اندام خود را ساکن سازد و مانند یهودیان [به این سو و آن سو] کج نگرَد که ساکن بودن اندام از کمالات نماز است.

421. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نماز مختصر با تفکّر، بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است.

422. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابو ذر! دو رکعت نماز کوتاه با تدبّر، بهتر از یک شب به عبادت ایستادن با قلبی بی توجه است.

423. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نماز بنده ای را که دلش همراه تنش نیست، نمی پذیرد.

424. امام صادق علیه السلام: هر کس دو رکعت نماز بگذارد و بداند که در آن دو رکعت چه می گوید، از نماز فارغ می شود، در حالی که هیچ گناهی میان او و خدایش نمانده است.

425. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو نفر از امتم به نماز می ایستند و رکوع و سجودی یکسان دارند، در حالی که نمازهایشان به اندازه آسمان و زمین از هم دور اند.

426. الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَيْنِ يَكُونَانِ فِي صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ، وَيَبْنِيهِمَا مِثْلُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْ فَضْلِ الثَّوَابِ. (1)

427. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبْصَرَ رَجُلًا يَعْْبَثُ بِلِحْيَتِهِ فِي صَلَاتِهِ، فَقَالَ: إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشِدَتْ جَوَارِحُهُ. (2)

428. عنه عليه السلام: لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ، فَلَا يَعْْبَثُ بِشَيْءٍ. (3)

429. عنه عليه السلام: لَيْسَ الشَّانُ أَنْ تَصَلِّيَ وَتَصُومَ وَتَتَصَدَّقَ، الشَّانُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةَ بِقَلْبٍ تَقِيٍّ، وَعَمَلٍ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٍّ، وَخُشُوعٍ سَوِيٍّ. (4)

430. الإمام الباقر عليه السلام: اخْشَعَ بَصْرِكَ وَلَا تَرْفَعُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَلِيَكُنْ حِذَاءَ وَجْهِكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ. (5)

431. الإمام الحسن عليه السلام -في بيان أخلاق المؤمن-: مُتَخَشِّعٌ فِي الصَّلَاةِ، مُتَوَسِّعٌ فِي الزَّكَاةِ. (6)هـ.

ص: 276

1- إرشاد القلوب: ص 78، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 236 مضمراً.

2- الجعفریات: ص 36 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مجمع البيان: ج 7 ص 157، مسند زيد: ص 119 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 266 ح 67؛ نوادر الأصول: ج 1 ص 389، تفسير القرطبي: ج 12 ص 103، كنز العمال: ج 8 ص 197 ح 22530.

3- الخصال: ص 628 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 117 وفيه «فإنه من خشع لله في الزكوة فلا يعبت بشيء في الصلاة»، غرر الحكم: ج 5 ص 242 ح 8172، عيون الحكم والمواعظ: ص 444 ح 7768 وفيهما «من خشع قلبه خشعت جوارحه»، بحار الأنوار: ج 84 ص 239 ح 21.

4- تحف العقول: ص 174، بشارة المصطفى: ص 28 كلاهما عن كميل، بحار الأنوار: ج 84 ص 230 ح 2.

5- الكافي: ج 3 ص 300 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 199 ح 782، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 278 ح 856 كلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 84 ص 70 ح 27.

6- جامع الأخبار: ص 340 ح 949، نزهة الناظر: ص 120 ح 220، أعلام الدين: ص 137 نحوه.

426. امام حسن علیه السلام: دو نفر در يك نمازند، حال آن که پاداش هایشان به اندازه آسمان و زمین از هم فاصله دارد.

427. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که در نماز با ریشش بازی می کند. فرمود: اگر دلش خاشع بود، اندامش نیز خاشع می شد.

428. امام علی علیه السلام: انسان باید در نمازش خشوع کند. اگر کسی دلش برای خدای عز و جل خاضع شود، اندامش نیز خاضع می شوند و با چیزی بازی نمی کند. (1)

429. امام علی علیه السلام: این گونه نیست که فقط نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی؛ بلکه چنین باید که نماز با دلی پاک و عملی مقبول خداوند و خشوعی کامل باشد.

430. امام باقر علیه السلام: نگاهت را پایین انداز و به سوی آسمان مدوز. باید چهره ات رو به روی سجده گاهت باشد.

431. امام حسن علیه السلام - در بیان اخلاق مؤمن - : در نماز کاملاً افتاده و فروتن و در زکات، گشاده دست است.».».

ص: 277

1- در نقل تحف العقول چنین آمده است: «که اگر کسی برای خدا در رکعتی خشوع کند، در نماز، با چیزی بازی نمی کند.».

432. الإمام الباقر عليه السلام: إذا قُمتَ في الصَّلَاةِ فَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ، فَإِنَّمَا يُحَسَّبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ. (1)

433. الإمام الصادق عليه السلام: إِنِّي لَا حُبَّ لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ أَنْ يُقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا يَشْغَلَهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا، فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ، وَأَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ لَهُ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ إِيَّاهُ. (2)

434. عنه عليه السلام: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ، فَلَا يَزَالُ مُقْبِلًا عَلَيْهِ حَتَّى يَلْتَقِيَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا التَّقَّتْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعْرَضَ عَنْهُ. (3)

435. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لِمُؤْمِنٍ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ وَالْإِقْبَالَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الصَّلَاةِ إِلَّا رَجَعَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (4)

436. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: - إِذَا اسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ فَانَسَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَالخَلْقَ وَمَا هُمْ فِيهِ، وَعَايِنَ بِسِرِّكَ عَظَمَةَ اللَّهِ، وَادْكُرْ وَقُوفَكَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَوْمَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ، وَقِفْ عَلَى قَدَمِ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ.

فَإِذَا كَبَّرْتَ فَاسْتَصْغِرْ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَالثَّرَى دُونَ كِبْرِيَائِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَطَّلَعَ عَلَى قَلْبِ الْعَبْدِ وَهُوَ يَكْبُرُ وَفِي قَلْبِهِ عَارِضٌ عَنِ حَقِيقَةِ تَكْبِيرِهِ قَالَ: «يَا كَاذِبٌ» 4.

ص: 278

1- الكافي: ج 3 ص 299 ح 1، علل الشرائع: ص 358 ح 1، منتقى الجمان: ج 2 ص 82 كلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 84 ص 201 ح 2.

2- الأُمالي للمفيد: ص 150 ح 7، ثواب الأعمال: ص 163 ح 1 كلاهما عن إبراهيم الكرخي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 632، أعلام الدين: ص 390 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 240 ح 24.

3- ثواب الأعمال: ص 273 ح 1 عن داوود بن حصين، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916 نحوه، المحاسن: ج 1 ص 160 ح 229 عن خضر بن عبدالله، بحار الأنوار: ج 84 ص 241 ح 25.

4- أعلام الدين: ص 390 عن الإمام الصادق عليه السلام، الأُمالي للمفيد: ص 149 ح 7 نحوه، ثواب الأعمال: ص 163 ح 1 كلاهما عن إبراهيم الكرخي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 240 ح 24.

432. امام باقر علیه السلام: هنگامی که به نماز می ایستی، پیوسته با توجه باش؛ چرا که از نماز، آنچه را به آن توجه داری، به حساب می آید.

433. امام صادق علیه السلام: همانا من دوست دارم باایمان شما، هنگامی که به نماز واجب می ایستد، دلش را به سوی خدا کند و به کار دنیایی مشغول ندارد. هیچ باایمانی در نماز، دل به سوی خدا نمی کند، مگر این که خداوند به او رو می آورد و دل های مؤمنان را به او علاقه مند می سازد، پس از آن که خود نیز او را دوست دارد.

434. امام صادق علیه السلام: هنگامی که بنده به نماز می ایستد، خداوند به او رو می کند و همواره به او توجه دارد تا آن که بنده سه بار به چیز دیگری توجه کند. پس از سه بار، خداوند از او روی می گرداند.

435. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال پارسایی، بی رغبتی به دنیا و توجه به خدای متعال در نماز را برای بنده ای گرد نمی آورد، جز آن که برایش امید بهشت می برم.

436. مصباح الشریعة - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است - هنگامی که به قبله رو کردی، دنیا و آنچه را در آن است و مردم و آنچه را در پی آن هستند، فراموش کن و بزرگی خدا را به چشم دل، نظاره کن و ایستادنت را در پیشگاهش به یاد آر، در آن روز که هر کس از آنچه پیش فرستاده، آگاه می شود و به سوی مولای حقیقی اش باز گردانده می شود، و با گام ترس و امید در پیشگاهش بایست.

پس هنگامی که خدا را بزرگ شمردی (تکبیر گفتی)، آنچه را در میان آسمان برین و خاک زیرین است، کوچک بشمار. بی گمان، خداوند، آن هنگام که از دل کسی آگاه می شود که او را [به زبان] بزرگ شمرده اما حقیقت آن را نپذیرفته است، می گوید: «ای دروغگو! آیا با من حيله می کنی؟ به عزت و جلالم سوگند، تو را از شیرینی ذکر محروم می سازم و از نزدیکی ات به درگاهم و شادمانی مناجاتم،

أَتَخَدُّعُنِي؟! وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لِأَحْرَمَتِكَ حَلَاوَةَ ذِكْرِي، وَلَا حُجْبَتِكَ عَن قُرْبِي وَالْمُسَارَّةَ بِمُنَاجَاتِي».

وَأَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ مُحْتَاجٍ إِلَى خِدْمَتِكَ وَهُوَ غَنِيٌّ عَن عِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ، وَإِنَّمَا دَعَاكَ بِفَضْلِهِ لِئِرْحَمَكَ وَيُبْعِدَكَ عَن عُقُوبَتِهِ، وَيَنْشُرَ عَلَيْكَ مِنْ بَرَكَاتِ حَنَانِيَّتِهِ، وَيَهْدِيكَ إِلَى سَبِيلِ رِضَاةٍ، وَيَفْتَحُ لَكَ بَابَ مَغْفِرَتِهِ. (1)

437. سعد السعود -نقلاً عن سنن إدریس علیه السلام-: إِذَا دَخَلْتُمْ فِي الصَّلَاةِ فَاصْرِفُوا لَهَا خَوَاطِرَكُمْ (2) وَأَفْكَارَكُمْ، وَادْعُوا اللَّهَ دُعَاءً طَاهِرًا مُتَفَرِّغًا، وَسَلُوهُ مَصَالِحَكُمْ وَمَنَافِعَكُمْ بِخُضُوعٍ وَخُشُوعٍ وَطَاعَةٍ وَاسْتِكَانَةٍ. (3)

راجع: ج 2 ص 616 (صفة صلاة النبي صلى الله عليه وآله/حضور قلبه في الصلاة) و ص 670 (صفة صلاة الإمام علي عليه السلام/حضور قلبه في الصلاة) و ص 684 (صفة صلاة الإمام علي بن الحسين عليه السلام/حضور قلبه)، و ج 1/ح 290.9.

ص: 280

1- مصباح الشريعة: ص 91، بحار الأنوار: ج 84 ص 230 ح 3.

2- الخَوَاطِرُ: جمع الخاطر؛ وهو ما يخطر في القلب من تدبير أو أمر (لسان العرب: ج 4 ص 249 «خطر»).

3- سعد السعود: ص 40، عدة الداعي: ص 168 وفيه «ظاهراً متفرجاً»، بدل «ظاهراً متفرغاً»، بحار الأنوار: ج 84 ص 253 ح 49.

مانع می شوم».

بدان که خدا به خدمت تو احتیاجی ندارد و از عبادت و دعای تویی نیاز است و تنها برای این دعوت کرده که تو را ببخشد و از مجازاتش دور کند و برکت های رحمت مدارش را به تو مژده دهد و راه رضایتش را به تو بنماید و در آمرزشش را برای تو بگشاید.

437. سعد السعود - از سنت های ادریس علیه السلام - : هنگامی که به نماز داخل شدید، فکر و ذکر خود را به آن مشغول کنید و خدا را با پاکی و خالی بودن از غیر بخوانید و مصلحت و سود خویش را با خواری و خشوع و فرمان برداری و بیچارگی از او بخواهید.

ر.ك: ج 2 ص 617 (ویژگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله / حضور قلب پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز) و ص 671 (ویژگی نماز امام علی علیه السلام / حضور قلبش در نماز) و ص 685، (ویژگی نماز امام زین العابدین علیه السلام / حضور قلب امام علیه السلام در نماز)، و ج 1 ح 290.

ص: 281

اشاره

از منظر قرآن کریم، خشوع (خاکساری) در نماز، نخستین ویژگی مؤمنان راستین، و شرط اول کامیابی در زندگی است:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ.» (1)

تحقیقاً مؤمنان، کامیاب شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند».

چنان که ملاحظه شد، در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز ضرورت خشوع برای نمازگزار مورد تأکید قرار گرفته است. برای تبیین این ویژگی باید دید که: معنای کلمه «خشوع» چیست؟ خشوع در نماز، چه قدر اهمیت دارد؟ و چگونه می توان این ویژگی را تحصیل کرد؟

خشوع، در لغت

اشاره

خشوع در لغت، به معنای اظهار نهایت فروتنی (خاکساری) در برابر دیگری با پایین آوردن سر، و نگاه کردن به زمین و فرو کاستن از صدا و نگاه است. خلیل بن احمد در این باره می گوید:

الخشوع: رميك ببصرك إلى الأرض... وأخشعت أي طأطأت الرأس كالمتواضع.

و الخشوع المعنى من الخضوع إلا أن الخضوع فى البدن و هو الإقرار بالاستخدام و

ص: 282

خشوع، چشم دوختن به زمین است... أخشعت، یعنی: مانند متواضع، سر به زیر انداختی. خشوع با خضوع هم معناست، جز این که خضوع در بدن است- و آن اعتراف به سرسپردگی است- و خشوع در بدن و صدا و چشم است.

ابن فارس نیز در تبیین معنای خشوع می نویسد:

الخاء و الشين و العين أصل واحد يدلّ على التّطامن. يقال: خشع إذا تطامن و طأطأ رأسه يخشع خشوعاً و هو قريب المعنى من الخضوع إلّا أن الخضوع في البدن و الإقرار بالاستخاء و الخشوع في الصوت و البصر. (2)

خا و شين و عين، يك اصل معنایی است و بر آرامی و فروکش کردن دلالت می کند.

گفته می شود: «خشع»، یعنی آرام شد و سر به زیر انداخت، خاشع شد. خشوع، معنایی نزدیک به خضوع دارد، جز این که خضوع، در بدن و اقرار به سرسپردگی است و خضوع در صدا و چشم است.

بر اساس این تعریف و تعاریف مشابه، خشوع، نوع خاصی از اظهار فروتنی در برابر دیگری است و این واژه دلالتی بر فروتنی باطنی ندارد مگر به صورت ملازمه.

بنا بر این، خشوع در لغت، تنها يك صفت ظاهری است که جسم و افعال ظاهری انسان با آن توصیف می شود.

خشوع، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، گاه خشوع به قلب انسان نسبت داده شده، مانند:

«أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ». (3)

ایا برای کسانی که ایمان آورده اند، وقت آن نرسیده که دل هایشان به یاد و حقیقتی که نازل شده، نرم گردد».

ص: 283

1- ترتیب کتاب العین: ص 225.

2- معجم مقایس اللغة: ج 2 ص 182.

3- حدید: آیه 16.

و گاه چشم انسان با آن توصیف شده، مانند:

«خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ» (1)

چشم هایشان به زیر افتاده».

و گاه صداها با آن توصیف گردیده است، مانند:

«وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا» (2)

صداها برای خدای مهربان، فرو می افتد و جز صدایی آهسته نمی شنوی».

بنا بر این، از نظر قرآن، خشوع، شامل فروتنی ظاهری و باطنی (در مجموع:

خاکساری) است. در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز خشوع، گاه در فروتنی باطنی و توجه کامل قلبی به خداوند عز و جل تفسیر شده، چنان که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که در تفسیر خشوع می فرماید:

التَّوَّاضِعُ فِي الصَّلَاةِ، وَ أَنْ يُقْبَلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (3)

تواضع داشتن در نماز و این که بنده با تمام دل و وجود به پروردگارش عز و جل روی آورد.

و گاه به فروتنی ظاهری تفسیر گردیده، چنان که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه دوم سوره مؤمنون می فرماید:

الْخُشُوعُ غَضُّ الْبَصَرِ فِي الصَّلَاةِ» (4)

فروتنی، پایین انداختن نگاه در نماز است.

و گاه در فروتنی قلبی و توجه نکردن به این سو و آن سو به کار رفته، چنان که در حدیثی از امام علی علیه السلام در تفسیر همان آیه آمده: 6.

ص: 284

1- قلم: آیه 43.

2- طه: آیه 108.

3- ر.ك: ج 2/ح 1006.

4- ر.ك: ح 406.

الْخُشُوعُ فِي الْقَلْبِ، وَأَنْ تَلِينَ كِتْفَكَ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ، وَأَنْ لَا تَلْتَفِتَ فِي صَلَاتِكَ. (1)

منظور، فروتنی در دل است و این که برای مسلمانان فروتن و نرم باشی و در نماز به این سو و آن سورا نکتی.

و در برخی از احادیث، «خشوع» در فروتنی مطلق و با همه وجود در برابر آفریدگار به کار رفته است، مانند آنچه در دعای رکوع از امام باقر علیه السلام نقل شده که می فرماید:

اللَّهُمَّ... خَشَعَ لَكَ قَلْبِي وَ سَمِعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مَخِي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقْلَتُهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ. (2)

پروردگار من... دل و چشم و گوش و مو و پوست و گوشت و خون و مغز و استخوان ها و رگ و پی ام، و آنچه پاهایم حمل می کنند در برابر تو فروتن اند، بی هیچ امتناع و سرکشی و درماندگی.

خشوع مطلوب در نماز

نکته قابل توجه در تفسیر خشوع، این است که هر چند از نظر قرآن و حدیث، خشوع شامل فروتنی ظاهر و باطن می گردد، لیکن تردیدی نیست که مطلوب اصلی، خشوع قلبی و باطنی است؛ زیرا در صورتی که این معنا تحقق یابد، خشوع ظاهری به دنبال آن خود به خود حاصل می شود، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْثُ بِشَيْءٍ. (3)

اگر کسی دلش برای خدای عز و جل فروتن باشد، اندامش نیز فروتن می شوند و با چیزی بازی نمی کند.

ص: 285

1- ر.ك: ح 404.

2- ر.ك: ح 581.

3- ر.ك: ح 428.

و در حدیثی دیگر می فرماید که پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را دید که در نماز با ریش خود بازی می کند. خطاب به او فرمود:

إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ. (1)

اگر دلش خاشع بود اندامش نیز خاشع می شد.

اما خشوع ظاهری بدون خشوع باطن، نه تنها مطلوب نیست، بلکه بسیار مذموم و نکوهیده است، چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَتَخَشَعُ النَّفَاقِ، وَهُوَ أَنْ يُرَى الْجَسَدُ خَاشِعًا وَالْقَلْبُ لَيْسَ بِخَاشِعٍ. (2)

از خشوع منافقانه پرهیزید و آن، چنین است که بدن خاشع نشان داده شود در حالی که دل خاشع نیست.

و در حدیثی دیگر از ایشان آمده:

مَا زَادَ خُشُوعُ الْجَسَدِ عَلَى مَا فِي الْقَلْبِ فَهُوَ عِنْدَنَا نِفَاقٌ. (3)

کسی که جسمش، بیش از دلش خاشع باشد، این در نزد ما، نفاق است.

بنا بر این، چکیده سخن در تفسیر خشوع مطلوب در نماز، عبارت است از:

احساس حضور در محضر خدای سبحان با همه وجود، و توجه تام قلب به ذات کبریایی او، به گونه ای که آثار آن، در اعضا و جوارح نمازگزار ظاهر گردد.

البته این حقیقت، مراتبی دارد که بالاترین مراتب آن، به اولیای خاص الهی اختصاص دارد (4) که در حال نماز در قلّه انقطاع از غیر باری تعالی و توجه تام به حضرت حق قرار می گیرند، و دیگران، به میزان مجاهدت و خودسازی، می توانند به این قلّه، نزدیک شوند.

ص: 286

1- ر.ك: ح 427.

2- بحار الأنوار: ج 77 ص 164 ح 188.

3- الكافي: ج 2 ص 396 ح 6.

4- ر.ك: ج 2 ص 613 (سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، و اهل بیت علیهم السلام در نماز).

پیش از این توضیح دادیم که مغز، جان و جوهر همه عبادات، ذکر است و نماز، کامل ترین جلوه ذکر و یاد خدا است. روشن است که یاد خدا، چیزی جز احساس حضور در محضر او نیست. بنا بر این، حضور قلب در نماز، و خشوع (خاکساری)- که حاصل آن است-، جوهر و جان نماز محسوب می شود و بدون آن، نماز پیکری است بدون روح، و به همین دلیل، مورد قبول حضرت حق نیست.

به سخن دیگر، نماز عبادتی است دو بُعدی: یک بُعد آن، جسم نماز است که با تکبیر، آغاز و با تسلیم، پایان می یابد و بُعد دیگر آن، روح نماز است که همان یاد خدا است. اگر نمازگزار، پیکر نماز را درست پدید آورد، تکلیف خود را انجام داده، بدین معنا که نماز او به حسب ظاهر، صحیح است و نیازی به اعاده و یا قضا ندارد؛ ولی پذیرفته شدن آن و برخوردار شدن از آثار و برکات این فریضه پُربرکت، بستگی به ضمیمه شدن روح نماز (حضور قلب و خشوع) به پیکر آن دارد.

بر اساس احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، (1) نماز، به همان اندازه ای که از حضور قلب، برخوردار است، مورد قبول حق تعالی واقع می شود و در نامه عمل نمازگزار ثبت می گردد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

إشغَلَ قَلْبَكَ بِصَلَاتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِكَ، حَتَّىٰ أَنَّهُ رُبَّمَا قُبِلَ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ رُبُعُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ نِصْفُهَا. (2)

دلت را به نماز مشغول بدار که از نمازت، جز آنچه با دلت به آن توجه داشته ای، پذیرفته نمی شود، حتی گاه از نماز نمازگزار، یک چهارم و یک سوم و یک دوم آن پذیرفته می شود.

ص: 287

1- ر.ك: ج 2 ص 583 (کسانی که بخشی از نمازشان قبول می شود).

2- ر.ك: ج 2/ح 864.

گفتنی است که حضور قلب، تنها یکی از شرایط قبولی نماز است و رعایت سایر شرایط قبولی نماز (1) برای رسیدن به این مقصود نیز ضروری است.

راه نمودهایی برای تحصیل خشوع در نماز

پیش از این اشاره کردیم که خشوع در نماز، حاصل حضور قلب نمازگزار در محضر جمال و جلال مطلق است. در دعای صباح که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده، می خوانیم:

وَ أَعْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ حَيَاتِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ. (2)

به عظمتت در آبشخور زندگی ام، چشمه فروتنی را جاری ساز.

این سخن، بدین معناست که وقتی نیازمند مطلق و بی نهایت کوچک، خود را در محضر بی نیاز مطلق و عظمت وصف ناپذیر آفریدگار جهان ببیند، بی اختیار، احساس فروتنی می کند و خشوع ظاهری و باطنی بر سراسر وجودش حاکم می گردد. بنا بر این، نخستین راه تحصیل خشوع، دعاست تا خداوند سبحان، خود زمینه شهود عظمت خود را فراهم سازد.

البته باید توجه داشت که تنها دعا، کافی نیست و اصولاً دعا در فرهنگ اسلام، در کنار برنامه ریزی و تلاش است، نه در برابر آن. از این رو هنگامی که این جانب (ری شهری) از فقیه بزرگوار و عالم ربّانی، آیه الله محمد تقی بهجت-رضوان الله علیه- تقاضا کردم که دعا کنند تا بتوانم در نماز، حضور قلب داشته باشم، فرمودند:

دوایی است؛ دعایی نیست!

اشاره به این که دعا بدون برنامه ریزی و تلاش، نتیجه ندارد، نه این که دعا در این باره مطلقاً بی فایده است.

ص: 288

1- ر.ك: ج 2 ص 585 (اسباب پذیرش نماز).

2- ر.ك: ج 2/ح 838.

باری، بر اساس تجربه اهل معرفت، در مجموع، چهار کار برای تحصیل حضور قلب در نماز می تواند کارساز باشد:

1. تداوم خواندن نمازهای پنجگانه در اوّل وقت

آیه الله بهجت قدس سره از استاد الهی خود، آیه الله آقا سیّد علی قاضی، نقل کردند:

هر کس نمازهای واجب یومیه را اوّل وقت بخواند، به همه مقامات معنوی خواهد رسید و اگر نرسید، مرا لعنت کند.

ایشان، در تبیین فرمایش آیه الله قاضی، فرمودند:

نگفت «خوب بخواند». معلوم می شود نماز اوّل وقت خواندن، حضور قلب آور هم هست.

این سخن، اشاره به این است که تجربه آیه الله بهجت و استاد بزرگوارش این است که «مقید بودن به نماز اوّل وقت»، زمینه ساز حضور قلب و دستیابی به صفت خشوع است.

2. لحظات توجّه را عمداً از دست ندادن

از حضرت آیه الله بهجت رحمه الله پرسیدم: راه رسیدن نمازگزار به حضور قلب در نماز چیست؟

ایشان فرمودند:

دو کار، در کنار هم:

1. به وسوسه های شیطانی که غیر اختیاری پیش می آید، کاری نداشته باشد.

2. هر وقت در نماز، توجّه [قلبی به خدا] پیدا کرد، ولو يك لحظه، عمداً و اختیاراً آن توجّه را از دست ندهد و اختیاراً به غیر خدا توجّه نکند.

و در توضیح این مطلب فرمودند:

شیطان می خواهد اختیاراً انسان را متوجّه غیر خدا کند. وقتی دید که در حال اختیار، به غیر خدا توجّه نمی کند، او را رها می کند.

و در دیداری دیگر افزودند:

برهان این مطلب را کسی می داند که عمل کند و نتیجه بگیرد. شیطان هم قبول ندارد که کسی بدون اختیار، عبادتش کند.

3. اجتناب از لغو (کار و سخن بیهوده)

یکی دیگر از اموری که بر اساس ره نمودهای آیه الله بهجت رحمه الله می تواند در دستیابی به حضور قلب و خشوع در نماز مؤثر باشد، اجتناب از بیهوده کاری است.

روزی ایشان از نگارنده (ری شهری) پرسید: چرا در سوره مؤمنون، [\(1\)](#) اجتناب از لغو، در کنار خشوع در نماز آمده است؟

عرض کردم: نمی دانم. ایشان در پاسخ به سؤال خود، فرمود:

ممکن است راز آمدن «خشوع در نماز» در کنار «اجتناب از لغو» در آیات یاد شده، این باشد که اجتناب از سخن و کار بیهوده در دستیابی به خشوع در نماز مؤثر است و نمازگزار تا از لغو اجتناب نکند، نمی تواند در نمازش خاشع باشد.

4. تلقین اذکار نماز به قلب

امام خمینی رحمه الله در کتاب سر الصلاة، ره نمود دیگری برای حضور قلب در نماز ذکر کرده اند، که متن آن، این است:

شیخ عارف کامل، شاه آبادی - روحی فداه - می فرمود: «باید انسان در وقت ذکر، مثل کسی باشد که کلام، دهان طفل می گذارد و به او تلقین می کند، برای این که او را به زبان بیاورد. و همین طور انسان باید ذکر را تلقین کند. و مادام که انسان با زبان، ذکر می گوید و مشغول تعلیم قلب است، ظاهر به باطن، مدد می کند. همین که زبان طفل قلب، باز شد، از باطن به ظاهر، مدد می شود، چنان که در تلقین طفل نیز).»

ص: 290

1 - مقصود، آیات: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَالَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ به راستی که مؤمنان، کامیاب شدند؛ همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند و همانها که [از کار و سخن] بیهوده، روی گردان اند» است (مؤمنون: 1-3).

چنین است: مادام که انسان، کلام، دهان او می گذارد، او را مدد می کند. همین که او آن کلام را به زبان اجرا کرد، نشاطی در انسان تولید می شود که خستگی سابق را برطرف می کند. پس در اول، از معلّم به او مدد می شود و در آخر، از او به معلّم مدد می شود.

انسان اگر مدّتی در نماز و اذکار و ادعیه، به این ترتیب مواظبت کند، البتّه نفس عادی می شود، و اعمال عبادی هم مثل اعمال عادیّه می شود که در حضور قلب در آنها محتاج به رویّه نیست؛ بلکه مثل امور طبیعیّه عادیّه می شود. (1)

به بیان ساده تر، بر اساس این ره نمود، نمازگزار برای به دست آوردن حضور قلب، در وقت گفتن هر ذکری در نماز، باید معنای آن را به قلب خود، تلقین کند؛ یعنی همان طور که برای یاد دادن الفاظ به کودک، به او تلقین می کند که بگو: «بابا»، نمازگزار نیز باید معنای تکبیر، تحمید، تسبیح و سایر اذکار را به قلب خود، تلقین نماید تا توجّه به معنای نماز، عادت و ملکه روح شود و پس از رسوخ معانی نماز در دل، ذکر قلبی، پشتوانه ذکر زبانی گردد. 9.

ص: 291

438. الإمام الصادق عليه السلام -حين سألَهُ أبو حنيفةَ عَنِ البكاءِ فِي الصَّلَاةِ، أَيْقَطَعُ الصَّلَاةَ؟-: إن بَكَى لِذِكْرِ جَنَّةٍ أَوْ نارٍ فَذَلِكَ هُوَ أَفْضَلُ الأَعْمَالِ فِي الصَّلَاةِ، وَإِنْ كانَ ذَكَرَ مَيْتًا لَهُ فَصَلَّاتُهُ فَاسِدَةٌ. (1)

439. كتاب من لا يحضره الفقيه: سألَهُ [الإمام الصّادق] مَنْصُورُ بْنُ يُونُسَ بَرَجَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَّبِأُ فِي الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ حَتَّى يَبْكِي، فَقَالَ: قُرَّةٌ عَيْنٍ وَاللَّهِ. وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كانَ ذَلِكَ فَادْكُرْني عِنْدَهُ. (2)

440. الكافي عن سعيد بن يسار السابري: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيَّتَابُ الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: بَيْحٌ (3) بَيْحٌ! وَلَوْ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابِ. (4)

راجع: ج 2 ص 616 (صفة صلاة النبي صلى الله عليه وآله/بكائه في الصلاة).

441. الكافي عن علي بن عيسى رفعه، قال: إن موسى عليه السلام نجاهُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ: يا موسى! عَجِّلِ التَّوْبَةَ وَأَخْرِ الذَّنْبَ، وَتَأَنَّ فِي المَكْثِ بَيْنَ يَدَيَّ 7.

- 1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 317 ح 1294، الاستبصار: ج 1 ص 408 ح 1558 كلاهما عن أبي حنيفة، بحار الأنوار: ج 84 ص 313.
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 317 ح 940، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1250 ح 9243
- 3- بَيْحٌ: كلمة تُقال عند المدح والرضا بالشيء، وتُكرَّر للمبالغة (النهاية: ج 1 ص 101 «بَيْحٌ»).
- 4- الكافي: ج 3 ص 301 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 287 ح 1148، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1251 ح 9247.

7-2/6 گریستن یا حالت گریه داشتن

438. امام صادق علیه السلام - خطاب به ابوحنیفه که پرسیده بود: آیا گریستن در نماز، آن را باطل می سازد؟-: اگر به سبب یاد بهشت و دوزخ بگرید، که برترین کار در نماز است، و اگر به سبب یاد کسی از مردگانش باشد، نمازش باطل است.

439. کتاب من لا یحضره الفقیه: منصور بن بزرج از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی خودش را در نماز واجب، گریان نشان می دهد تا این که واقعاً می گرید. فرمود: «به خدا سوگند، روشنی چشم است» و فرمود: «هنگامی که چنین شد، مرا نزد او یاد کن».

440. الکافی - به نقل از سعید یبّاع سابری-: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مرد در نماز، خود را به حالت گریه در آورد؟ فرمود: «به به! چه نیکوست، حتی اگر به اندازه سر مگس باشد!».

ر.ک: ج 2/ص 617 (ویژگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله/گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز).

8-2/6 درنگ کردن

441. الکافی - به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که آن را به امامان علیهم السلام رسانده است:-:

موسی علیه السلام با خداوند -تبارک و تعالی- مناجات نمود. آن گاه [خداوند] در مناجاتش به او فرمود: «ای موسی! توبه را پیش و گناه را تأخیر انداز و هنگامی که در پیشگاه من به نماز می ایستی، درنگ کن».

ص: 293

442. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَطَالَ الصَّلَاةَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ الْقِيَامَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. (2)

443. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ وَحَدَّكَ فَأَطِّلِ الصَّلَاةَ؛ فَإِنَّهَا عِبَادَةٌ. (3)

راجع: ص 368 (اتمام الركوع والسجود وإطالتهما) و ج 2/ص 618 (صفة صلاة النبي صلى الله عليه وآله/طول قيامه في الصلاة) و ص 450 (ما لا ينبغي للمصلّي/العجلة).

3/6 أدب التكبير

1-3/6 المُحَافَظَةُ عَلَى التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى

444. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ انْفَةَ (4)، وَإِنَّ انْفَةَ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا. (5)5.

ص: 294

1- الكافي: ج 8 ص 46 ح 8، تحف العقول: ص 493، عدّة الداعي: ص 142، أعلام الدين: ص 220، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 44، بحار الأنوار: ج 84 ص 259 ح 57.

2- حلية الأولياء: ج 6 ص 95، كنز العمال: ج 15 ص 866 ح 43445.

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 152، بحار الأنوار: ج 88 ص 111 ح 82، السنن الكبرى: ج 2 ص 91 ح 2474، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 363 ح 3715 كلاهما عن أبي هريرة من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 273 ح 22883.

4- أنفة الشيء: ابتداءه، هكذا روي بضمّ الهمزة، قال الهروي: والصحيح بالفتح (النهاية: ج 1 ص 75 «أنف»).

5- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 340 ح 3، شعب الإيمان: ج 3 ص 73 ح 2907، مسند الشاميين: ج 3 ص 215 ح 2114، كلّها عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 7 ص 430 ح 19635؛ الكافي: ج 3 ص 270 ح 16 عن السكوني، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 940 عن إسماعيل بن سلم و كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 373 ح 25.

442. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز را طول بدهد، خداوند، ایستادن را از او در روز قیامت، روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان می ایستند، کوتاه می کند.

443. امام صادق علیه السلام: هنگامی که نماز را تنها می خوانی، نماز را طول بده، که عبادت است.

ر.ک: ص 369 (کامل آوردن و طول دادن رکوع و سجود) و ج 2/ص 619 (ویژگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله/طولانی شدن نماز پیامبر صلی الله علیه و آله) و ص 451 (آنچه شایسته نمازگزار نیست/شتاب کردن).

3/6: ادب تکبیر گفتن

1-3/6 مواظبت بر تکبیر اول

444. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیز، آغازی دارد و آغاز نماز، تکبیر اول است. پس بر آن مواظبت ورزید.

ص: 295

445. عنه صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ صَفْوَةٌ (1)، وَصَفْوَةُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى. (2)

2-3/6 استحبابُ تكرارِ التَّكْبِيرِ الْأَوَّلِ ثَلَاثًا أَوْ سَبْعًا

446. الإمامُ الباقر عليه السلام: التَّكْبِيرَةُ الْوَاحِدَةُ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ تُجْزِي، وَالثَّلَاثُ أَفْضَلُ، وَالسَّبْعُ أَفْضَلُ كُلُّهُ. (3)

447. الإمامُ الصادق عليه السلام: إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَكَبِّرْ إِنْ شِئْتَ وَاحِدَةً، وَإِنْ شِئْتَ ثَلَاثًا، وَإِنْ شِئْتَ خَمْسًا، وَإِنْ شِئْتَ سَبْعًا، فَكُلُّ ذَلِكَ مُجْزٍ عَنكَ، غَيْرَ أَنَّكَ إِذَا كُنْتَ إِمَامًا لَمْ تَجْهَرْ إِلَّا بِتَكْبِيرَةٍ. (4)

448. عنه عليه السلام: إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْزَأَتْكَ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ؛ لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَالضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ. (5)

449. علل الشرائع عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ التَّكْبِيرُ فِي الْاِفْتِتَاحِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ أَفْضَلَ...؟

قال: يَا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ سَبْعًا وَالْأَرْضِينَ سَبْعًا وَالْحُجُبَ سَبْعًا، فَلَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ مِنْ رَبِّهِ كِتَابٍ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، رُفِعَ لَهُ 7.

ص: 296

1- الصفوة-بالكسر-: خيار الشيء وخلاصته وما صفا منه (لسان العرب: ج 14 ص 462 «صفا»).

2- مسند أبي يعلى: ج 5 ص 422 ح 6117، شعب الإيمان: ج 3 ص 73 ح 2908، كلاهما عن أبي هريرة، حلية الأولياء: ج 5 ص 67 عن عبد الله بن أبي أوفى، كنز العمال: ج 7 ص 430 ح 19636.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 66 ح 242، منتقى الجمان: ج 2 ص 4 كلاهما عن محمد بن مسلم، وسائل الشيعة: ج 4 ص 714 ح 7210.

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 66 ح 239 عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 4 ص 721 ح 7242.

5- الكافي: ج 3 ص 310 ح 4، علل الشرائع: ص 333 ح 1، منتقى الجمان: ج 2 ص 8 كلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 84 ص 374 ح 27.

445. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیز، گزیده ای دارد و گزیده نماز، تکبیر اول است.

2-3/6 استحباب سه یا هفت بار گفتن تکبیر اول

446. امام باقر علیه السلام: يك تكبير، برای آغاز کردن نماز، کافی، سه تکبیر، بهتر و هفت تکبیر، بهترین است.

447. امام صادق علیه السلام: هنگامی که نماز را آغاز کردی، اگر خواستی، يك تکبیر و اگر خواستی، سه و اگر خواستی، پنج و اگر خواستی، هفت تکبیر بگو که هر يك از اینها کافی است. فقط وقتی امام جماعت هستی، تنها يك تکبیر را بلند بگو.

448. امام صادق علیه السلام: هنگامی که امام جماعت هستی، يك تکبیر برایت بس است؛ زیرا حاجتمند و ناتوان و بزرگ سال با تو هستند.

449. علل الشرائع - به نقل از هشام بن حکم - : به امام کاظم علیه السلام گفتیم: به چه علت، بهتر است در آغاز نماز، هفت تکبیر گفته شود...؟

فرمود: «ای هشام! همانا خدای -تبارک و تعالی- آسمان ها را هفت، زمین ها را هفت و حجاب ها را هفت عدد قرار داده است. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به معراج و تا دو قدمی خود بالا برد، حجابی از حجاب هایش زدوده شد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر

ص: 297

حِجَابٌ مِنْ حُجْبِهِ، فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَعَلَ يَقُولُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تُقَالُ فِي الْإِفْتِيحِ، فَلَمَّا رُفِعَ لَهُ الثَّانِي كَبَّرَ، فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى بَلَغَ سَبْعَ حُجْبٍ، وَكَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَلِذَلِكَ الْعِلَّةُ يُكَبَّرُ فِي الْإِفْتِيحِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ. (1)

450. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّمَا صَارَتِ التَّكْبِيرَاتُ فِي أَوَّلِ الصَّلَاةِ سَبْعًا؛ لِأَنَّ أَصْلَ الصَّلَاةِ رَكَعَتَانِ وَاسْتَفْتَا حُهُمَا بِسَبْعِ تَكْبِيرَاتٍ: تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِيحِ، وَتَكْبِيرَةَ الرُّكُوعِ، وَتَكْبِيرَتِي السَّجْدَتَيْنِ، وَتَكْبِيرَةَ الرُّكُوعِ فِي الثَّانِيَةِ، وَتَكْبِيرَتِي السَّجْدَتَيْنِ، فَإِذَا كَبَّرَ الْإِنْسَانُ فِي أَوَّلِ صَلَاةٍ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ نَسِيَ شَيْئًا مِنْ تَكْبِيرَاتِ الْإِفْتِيحِ مِنْ بَعْدُ أَوْ سَهَا عَنْهَا، لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهِ نَقْصٌ فِي صَلَاتِهِ. (2)

راجع: ح 15 و 400 و 402.

3-3/6 رَفَعُ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ

451. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: ...عَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ فِي صَلَاتِكَ وَتَقْلِيدِهِمَا. (3)

452. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اسْتَفْتَحَ أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ فَلْيَرْفَعْ يَدَيْهِ وَلْيَسْتَقْبِلْ بِبَاطِنِهِمَا الْقِبْلَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ 8.

ص: 298

-
- 1- .علل الشرائع: ص 332 ح 4، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 314 نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 369 ح 75.
 - 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 305 ح 919، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 108 ح 1، علل الشرائع: ص 261 ح 9 كلاهما نحوه، منتقى الجمان: ج 2 ص 8 كلُّها عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج 84 ص 362 ح 15.
 - 3- .الكافي: ج 8 ص 79 ح 33، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 176 ح 713، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 50 كلُّها عن معاوية بن عمَّار عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 189 ح 5432 عن عمرو بن ثابت عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله بزيادة «بكلتيهما» في آخره، المحاسن: ج 1 ص 82 ح 48 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 69 ح 8.

گفت و آغاز به گفتن کلمه هایی کرد که در شروع نماز گفته می شود. سپس هنگامی که حجاب دوم زدوده شد، تکبیر گفت و همین گونه بود تا به حجاب هفتم رسید و هفت تکبیر گفت. بدین علّت، هنگام آغاز نماز، هفت تکبیر گفته می شود».

450. امام رضا علیه السلام: تکبیرهای هفتگانه پیش از آغاز نماز، از آن رو تشریح شد که اصل نماز، دو رکعت بود و آغاز آن دو، هفت تکبیر گفته می شد: تکبیر آغاز نماز، تکبیر رکوع، دو تکبیر سجده ها، تکبیر رکوع رکعت دوم و دو تکبیر سجده های رکعت دوم. پس اگر انسان پیش از آغاز نماز، هفت تکبیر بگوید و سپس برخی از این تکبیرها را فراموش کند و یا از آنها غفلت ورزد، به نمازش نقصی وارد نمی آید.

ر.ك: ح 15 و 400 و 402.

3-6/3 بالا بردن دست ها در تکبیر

451. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش خود به علی علیه السلام - همیشه دست هایت را در نماز بالا ببر و آنها را رو به قبله کن.

452. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواست نمازش را آغاز کند، دستانش را بالا بیاورد و کف دستانش را رو به قبله بدارد؛ چرا که خدای متعال، پیش روی اوست.

ص: 299

453. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتَ فَاجْعَلْ يَدَيْكَ حِذَاءَ أُذُنَيْكَ، وَالْمَرْأَةُ تَجْعَلُ يَدَيْهَا حِذَاءَ ثَدْيَيْهَا. (2)

454. الأمامي للطوسي عن علقمة بن وائل عن أبيه: صَلَّى خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَبَّرَ حِينَ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَحِينَ أَرَادَ الرُّكُوعَ وَبَعْدَ الرُّكُوعِ. (3)

455. الإمام علي عليه السلام: رَفَعَ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ هُوَ الْعُبُودِيَّةُ. (4)

456. الإمام الصادق عليه السلام - فِي الرَّجُلِ يَرْفَعُ يَدَهُ كُلَّمَا أَهْوَى لِلرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، وَكُلَّمَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ رُكُوعٍ أَوْ سُجُودٍ - هِيَ الْعُبُودِيَّةُ. (5)

457. عنه عليه السلام: رَفَعَكَ يَدَيْكَ فِي الصَّلَاةِ زَيْنَتُهَا. (6)

458. تهذيب الأحكام عن منصور بن حازم: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ، وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ بِبَطْنِ كَفِّهِ. (7) 8.

ص: 300

1- .المعجم الأوسط: ج 8 ص 11 ح 7801، عمدة القاري: ج 5 ص 271 كلاهما عن ابن عمر، السنن الكبرى: ج 2 ص 42 ح 2320 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه «فإن الله أمامه»، كنز العمال: ج 7 ص 430 ح 19638؛ الخصال: ص 628 ح 10 عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، تحف العقول: ص 118 عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 106 ح 1.

2- .المعجم الكبير: ج 22 ص 20 ح 28 عن وائل بن حجر، كنز العمال: ج 7 ص 431 ح 19640؛ فقه الرضا: ص 101 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 205 ح 3.

3- .الأمامي للطوسي: ص 385 ح 835. دعائم الإسلام: ج 1 ص 162 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 361 ح 13؛ سنن ابن ماجه: ج 1 ص 281 ح 868 عن جابر بن عبد الله، سنن النسائي: ج 2 ص 231 عن سالم عن أبيه، السنن الكبرى: ج 2 ص 111 ح 2530 عن البراء بن عازب وكلها نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 94 ح 22055.

4- .وسائل الشيعة: ج 4 ص 922 ح 8019 نقلاً عن محمد بن مكي الشهيد في الذكرى.

5- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 75 ح 280 عن ابن مسكان، منتقى الجمان: ج 2 ص 69، بحار الأنوار: ج 85 ص 114.

6- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 76 ح 281 عن زرارة، وسائل الشيعة: ج 4 ص 921 ح 8015.

7- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 66 ح 240 وح 236 عن ابن سنان وليس فيه ذيله، وسائل الشيعة: ج 4 ص 726 ح 7257 وراجع سنن أبي داود: ج 1 ص 193 ح 728.

453. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که می خواهی نماز بخوانی، دستانت را کنار گوش هایت قرار بده، و زن دستانش را تا مقابل سینه اش بالا بیاورد.

454. الأمالی، طوسی - به نقل از علقمة بن وائل، از پدرش -: پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواندم. در آغاز نماز، تکبیر گفت و دست هایش را بالا برد و نیز هنگامی که خواست به رکوع برود و پس از رکوع، تکبیر گفت.

455. امام علی علیه السلام: بالا بردن دست در تکبیر، همان بندگی است.

456. امام صادق علیه السلام - در باره کسی که پیش از رکوع و سجود و نیز پس از سر برداشتن، دست هایش را بالا می آورد - : آن، عبادت [و بندگی] است.

457. امام صادق علیه السلام: بالا آوردن دست هایت در نماز، زینت آن است.

458. تهذیب الأحکام - به نقل از منصور بن حازم - : امام صادق علیه السلام را در آغاز نماز دیدم که دست هایش را تا برابر صورتش بالا آورد و کف هر دو دستش را رو به قبله کرد.

459. الإمام الرضا عليه السلام: فَإِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَلِمَ يَرْفَعُ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ؟ قِيلَ: لِأَنَّ رَفْعَ الْيَدَيْنِ صَرْبٌ مِنَ الْإِبْتِهَالِ وَالتَّبْتُلِ وَالتَّضَرُّعِ، فَأَحَبُّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ مُتَبَتَّلًا مُتَضَرَّعًا مُبْتَهَلًا، وَلِأَنَّ فِي وَقْتِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ إِحْضَارُ النَّبِيِّ وَإِقْبَالُ الْقَلْبِ عَلَى مَا قَالَ وَقَصَدَ. (1)

4/6 أَحْكَامُ الْقِرَاءَةِ وَأَدَابُهَا

4/6-1 مُرَاعَاةُ حَدِّ الْجَهْرِ وَالْإِخْفَاتِ

الكتاب:

«وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا». (2)

الحديث:

460. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله عز وجل: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُ بِهَا» -: الْجَهْرُ بِهَا رَفْعُ الصَّوْتِ، وَالتَّخَافُ مَا لَمْ تَسْمَعْ بِأُذُنِكَ، وَاقْرَأْ مَا بَيْنَ ذَلِكَ. (3)

461. الكافي عن عبد الله بن سنان: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيَّ الْإِمَامُ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ وَإِنْ كَثُرُوا؟ 1.

ص: 302

1- .علل الشرائع: ص 264 ح 9، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 111 ح 1 كلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج 6 ص 73 ح 1.

2- .الإسراء: 110.

3- .تفسير القمّي: ج 2 ص 30 عن إسحاق بن عمّار، تفسير العيّاشي: ج 2 ص 319 ح 177 عن سليمان وهو ابن خالد الاقطع على الاقوى، مجمع البيان: ج 6 ص 689 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 72 ح 1.

459. امام رضا علیه السلام: اگر گفته شود: «چرا در تکبیر، دست‌ها بالا آورده می‌شود؟»، گفته می‌شود: چون بالا آوردن دست‌ها گونه‌ای دعا، انقطاع و خاکساری است و خدای عز و جل دوست دارد هنگام یاد او منقطع، خاکسار و خواستار باشیم. و نیز هنگام بالا آوردن دست‌ها، حاضر کردن یت است و توجه دادن دل به آنچه می‌گوید.

4/6: احکام و آداب قرائت

1-4/6 رعایت حدّ بلند و آهسته خواندن

اشاره

قرآن

«نماز را به جهر و اخفات نخوان و میان این دو، راهی [میانه] را برگزین».

حدیث

460. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خدای عزیز و جلیل: «نماز را به جهر و اخفات نخوان»:-

جهر، یعنی بلند کردن صدا و اخفات، یعنی [آن قدر آهسته خواندن که] با گوش هایت آن را نشنوی؛ بلکه میان این دو حالت بنخوان.

461. الکافی - به نقل از عبد الله بن سنان - به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا بر امام لازم است که صدای خود را به نمازگزاران پشت سرش برساند، حتی اگر فراوان باشند؟

ص: 303

فَقَالَ: لِيَقْرَأَ قِرَاءَةً وَسَطًا، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا» (1).

462. الكافي عن سَمَاعَةَ: سَأَلْتُهُ (2) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا»، قَالَ:

الْمُخَافِتَةُ: مَا دُونَ سَمْعِكَ، وَالْجَهْرُ: أَنْ تَرْفَعَ صَوْتَكَ شَدِيدًا. (3)

توضيح

إشاره

الروايات المذكورة وكذلك أقوال المفسرين كاشفة عن أن الآية 110 من سورة الإسراء ناظرة للإفراط والتفريط في الجهر والإخفات في قراءة الصلاة، وأن قوله:

«وَأَبْتَعِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» للتأكيد على اختيار الحدّ الوسط في القراءة؛ وأن لا يقرأ المصلّي بالصياح، كما لا يكتفي بحركة شفّتيه من شدة الإخفات.

وعلى هذا الأساس يتّضح أنّ الجهر والإخفات في الآية الكريمة المشار إليها غير الجهر والإخفات في الاصطلاح الفقهي الذي يعني الجهر في قراءة الحمد والسورة التي بعدها في صلاة الصبح والمغرب والعشاء، والإخفات في قراءتهما في صلاة الظهر والعصر.

ص: 304

1- الكافي: ج 3 ص 317 ح 27، تفسير العيّاشي: ج 2 ص 318 ح 174، بحار الأنوار: ج 85 ص 72 ح 2.

2- في المصدر: هكذا مضمراً.

3- الكافي: ج 3 ص 316 ح 21، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 290 ح 1164، تفسير العيّاشي: ج 2 ص 318 ح 173 عن سماعة بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 72 ح 2.

فرمود: «قرائتی میانه داشته باشد. خداوند-تبارک و تعالی- می فرماید: «نمازت را به جهر و اخفات نخوان»».

462. الکافی - به نقل از سماعه-: از امام علیه السلام معنای سخن خداوند عزیز و جلیل: «نمازت را به جهر و اخفات نخوان» را پرسیدم. فرمود: «اخفات، نشنیدن با گوش است و جهر، آن است که صدایت را خیلی بلند کنی».

نکته

روایات و همچنین گفته های مفسران، بیانگر این است که آیه 110 سورة اسرا، ناظر به افراط و تفریط در بلند و آهسته خواندن نماز است و آیه «وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا؛ راهی میان این دو را برگزین»، برای تأکید بر انتخاب حدّ وسط در خواندن است، و این که نمازگزار نباید در نماز فریاد بکشد، همان طور که نباید از شدّت آهستگی به حرکت لب ها بسنده کند.

بر این اساس، روشن می شود که جهر و اخفات در آیه اشاره شده، به غیر از جهر و اخفات اصطلاحی در فقه به معنای بلند خواندن حمد و سوره در نماز صبح و مغرب و عشا و آهسته خواندن آن دو در نماز ظهر و عصر است.

ص: 305

مستحبات قرائت، چند چیز است:

اول: پیش از شروع به قرائت رکعت اول، استعاذه گفتن؛ یعنی بگوید: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم؛ پناه می برم به خداوند از شیطان رانده شده» یا بگوید: «أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم؛ پناه می برم به خداوند شنوای دانا از شیطان رانده شده». شایسته است که استعاذه گفتن، آهسته باشد.

دوم: در نمازهایی که آهسته خوانده می شوند بلند بسم الله گفتن. همین گونه اگر در رکعت های دوم و سوم به جای تسبیحات، حمد خوانده شود.

سوم: شمرده خواندن، به گونه ای که شنونده بتواند حروف را به روشنی از هم تفکیک کند.

چهارم: خوش لهجه خواندن، بی آن که به صورت غنا خوانده شود.

پنجم: رعایت وقف در فاصله آیه ها.

ششم: توجه به معانی عبارات و پند گرفتن از آنها.

هفتم: به مناسبت هر آیه نعمت و نعمت، از خداوند درخواست کردن.

هشتم: فاصله انداختن مختصر میان حمد و سوره، و همین طور رعایت فاصله میان سوره و قنوت یا تکبیر رکوع.

نهم: گفتن: «كذلك الله ربّي؛ آری، خداوند، پروردگار من چنین است» (يك، دو

یا سه بار)، یا گفتن: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا؛ آری، چنین است خداوند، پروردگار ما» سه بار، پس از قرائت سوره توحید، و اگر مأموم است، پس از تمام کردن سوره حمد از سوی امام جماعت، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» گفتن، و نیز اگر نماز فرادا می خواند، پس از اتمام حمد، این ذکر را به زبان آوردن.

دهم: خواندن برخی سوره ها در برخی نمازها، مانند خواندن سوره های «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» و «هَلْ أَتَى» و «هَلْ أَتَاكَ» و «لَا أُقْسِمُ» و امثال اینها در نماز صبح، و خواندن «سَبِّحِ اسْمَ» و «شمس» و امثال این دو، در نمازهای ظهر و عشا، و خواندن «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» و «اللَّهُمَّ التَّكَاثُرُ» در نمازهای مغرب و عصر، و خواندن سوره جمعه در رکعت اول و سوره منافقون در رکعت دوم نمازهای ظهر و عصر روز جمعه و همین طور در صبح جمعه، و یا در نماز صبح جمعه در رکعت اول، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره توحید خواندن. همین طور در رکعت اول نماز عشا شب جمعه، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره منافقون خواندن، و در رکعت اول نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره توحید خواندن. مستحب است در هر نمازی در رکعت اول، سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم، سوره توحید خواندن؛ بلکه از غیر این دو سوره به این دو برگشتن، فضیلت داشته و علاوه بر اجر این دو، اجر خواندن سوره ای را هم که از آن صرف نظر کرده، دارد؛ بلکه روایت وارد شده که نماز جز با این دو، ارتقا نمی یابد. مستحب است در نماز صبح روزهای دوشنبه و پنجشنبه در رکعت اول، سوره «هَلْ أَتَى» و در رکعت دوم، سوره «هَلْ أَتَاكَ» خوانده شود. (1)0.

ص: 307

463. المُصَنَّفُ لِعَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (1)

464. قرب الإسناد عن حنان بن سدير: صَدَّ لَيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ الْمَغْرِبَ، فَتَعَوَّذَ جَهَاراً: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ» ثُمَّ جَهَرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (2)

راجع: ح 402 و 403.

3-4/6 قِرَاءَةُ الْبَسْمَلَةِ

465. سنن الترمذي عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَفْتَتِحُ صَلَاتَهُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (3)

466. تفسير الثعلبي عن أبي هريرة: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ، إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ يُصَلِّي، وَافْتَتَحَ الصَّلَاةَ وَتَعَوَّذَ، ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، 1.

ص: 308

-
- 1- .المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 86 ح 2589، تفسير الثعلبي: ج 6 ص 41، المغني لعبد الله بن قدامة: ج 1 ص 519 كلاهما نحوه، تفسير الألويسي: ج 6 ص 229 عن جبير بن مطعم؛ بحار الأنوار: ج 85 ص 5 نقلاً عن الشهيد في الذكرى.
 - 2- .قرب الإسناد: ص 124 ح 436، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 289 ح 1158 نحوه؛ بحار الأنوار: ج 85 ص 35 ح 25.
 - 3- .سنن الترمذي: ج 2 ص 14 ح 245، سنن الدارقطني: ج 1 ص 304 ح 8 وص 305 ح 11، السنن الكبرى: ج 2 ص 71 ح 2403 كلاهما عن ابن عمر، نصب الراية: ج 1 ص 324، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 117 كلاهما عن ابن عباس، الدر المنثور: ج 1 ص 21.

463. المصنّف، عبد الرزّاق - به نقل از ابو سعید خدری - : پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از قرائت [حمد در نماز] چنین می گفت: از شیطان رانده شده به خداوند، پناه می برم.

464. قرب الإسناد - به نقل از حنّان بن سدید - : نماز مغرب را پشت سر امام صادق علیه السلام خواندم. پس با صدایی آشکار، استعاذه کرد: «از شیطان رانده شده، به خدای شنوا و دانا پناه می برم و از این که شیاطین نزد من آیند به خدا پناه می برم». سپس «بسم الله الرحمن الرحیم» را آشکارا گفت.

ر.ك: ح 402 و 403.

3-4/6 قرائت «بسم الله»

465. سنن الترمذی - به نقل از ابن عباس - : پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را با «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» آغاز می کرد.

466. تفسیر الثعلبی - به نقل از ابو هریره - : با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و ایشان با یارانش سخن می گفت که مردی برای نماز خواندن وارد شد، و نمازش را آغاز کرد و استعاذه نمود

ص: 309

فَسَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ:

يَا رَجُلُ! قَطَعْتَ عَلَى نَفْسِكَ الصَّلَاةَ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنَ الْحَمْدِ؛ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ تَرَكَ آيَةً، وَمَنْ تَرَكَ آيَةً مِنْهُ فَقَدْ قَطَعْتَ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ؟! (1)

467. دعائم الإسلام عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: كَيْفَ تَقْرَأُ إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ؟

قُلْتُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، قَالَ: قُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (2)

468. سنن الدارقطني عن أبي هريرة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا قَرَأَ وَهُوَ يُؤْمِنُ النَّاسَ، افْتَتَحَ الصَّلَاةَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

(3)

469. تفسير الثعلبي عن علي عليه السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ السُّورَةَ فِي الصَّلَاةِ يَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَكَانَ يَقُولُ: مَنْ تَرَكَ قِرَاءَتَهَا فَقَدْ نَقَصَ، وَكَانَ يَقُولُ: هِيَ تَمَامُ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ. (4)

470. الكافي عن معاوية بن عمارة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ: «بِسْمِ 9.

ص: 310

-
- 1- تفسير الثعلبي: ج 1 ص 104 ح 21، تفسير الفخر الرازي: ج 1 ص 202، تفسير الألويسي: ج 1 ص 40، الدر المنثور: ج 1 ص 21.
 - 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 159 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 48 ح 42؛ سنن الدارقطني: ج 1 ص 302 ح 3 عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، شعب الإيمان: ج 2 ص 436 ح 2323، تفسير الثعلبي: ج 1 ص 103 والثلاثة الأخيرة عن الجهم بن عثمان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر، تفسير الفخر الرازي: ج 1 ص 201 وكلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 442 ح 19686.
 - 3- سنن الدارقطني: ج 1 ص 306 ح 17، السنن الكبرى: ج 2 ص 69 ح 2369، تاريخ بغداد: ج 5 ص 96 الرقم 2494، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 117، المجموع للنووي: ج 3 ص 345، الدر المنثور: ج 1 ص 12.
 - 4- تفسير الثعلبي: ج 1 ص 103، تفسير الفخر الرازي: ج 1 ص 202، تفسير الألويسي: ج 1 ص 40 وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج 2 ص 297 ح 4049.

و سپس گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و فرمود: «ای مرد! نمازت را قطع کردی! آیا نمی دانی که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» جزء سوره حمد است و هر کس آن را ترك کند، يك آیه را نخوانده و هر کس يك آیه از آن را ترك کند، نمازش قطع شده است؟».

467. دعائم الإسلام - به نقل از امام باقر علیه السلام، از جابر - پیامبر خدا به من فرمود: «هنگامی که به نماز می ایستی، چگونه قرائت می کنی؟».

گفتم: [می گویم:] «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

فرمود: «بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»».

468. سنن الدارقطنی - به نقل از ابو هریره - پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که امام جماعت بود، قرائت نماز را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می کرد.

469. تفسیر الثعلبی: امام علی علیه السلام هنگامی که سوره را در نماز آغاز می کرد، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را قرائت می نمود و می فرمود: «هر کس قرائت آن را وا نهد، نمازش را ناقص گذاشته است» و می فرمود: «آن، کامل کننده هفت آیه سوره حمد و قرآن بزرگ است».

470. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - به امام صادق علیه السلام گفتم: هنگامی که به نماز می ایستم، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در فاتحة القرآن بخوانم؟

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. (1)

راجع: ح 15 و 403.

4-6/4 الْجَهْرُ بِالْبِسْمَلَةِ

أ- إجهار النبي صلى الله عليه وآله بها في الصلاة

471. تفسير الثعلبي عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أتاني جبريل فعلمني الصلاة. ثم قام رسول الله صلى الله عليه وآله وكبر فجهر بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

472. رسول الله صلى الله عليه وآله: أمّني جبرئيل عليه السلام عند الكعبة، فجهر بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (3)

473. الإمام علي عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله كان يجهر في المكتوبات بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (4)

474. عنه عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يجهر بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» في السورتين جميعاً. (5) 4.

ص: 312

1- الكافي: ج 3 ص 312 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 69 ح 251 وفيه «أقمت» بدل «قمت»، وسائل الشيعة: ج 4 ص 746 الرقم 7342.

2- تفسير الثعلبي: ج 1 ص 107 ح 23، كنز العمال: ج 7 ص 441 ح 19685 نقلاً عن ابن النجار نحوه.

3- سنن الدارقطني: ج 1 ص 309 ح 27، نصب الراية: ج 1 ص 349 عمدة القارى: ج 5 ص 289 كلّها عن النعمان بن بشير.

4- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 439 ح 1111، سنن الدارقطني: ج 1 ص 303 ح 4، نصب الراية: ج 1 ص 326، عمدة القارى: ج 5 ص 288، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 118 كلّها عن أبي الطفيل، كنز العمال: ج 8 ص 116 ح 22166.

5- سنن الدارقطني: ج 1 ص 302 ح 2 عن عمر بن علي بن أبي طالب عليه السلام وص 304 ح 9، نصب الراية: ج 1 ص 347، المجموع للنووي: ج 3 ص 347 كلّها عن ابن عباس، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 118 كلّها نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 116 ح 22164.

فرمود: «آری».

گفتم: هنگامی که سوره فاتحه القرآن را [به عنوان قرائت قرآن] می خوانم، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با سوره بخوانم؟

فرمود: «آری».

ر.ك: ح 15 و 403.

4-6/4 بلند گفتن «بسم الله»

الف- بلند گفتن «بسم الله» در نماز به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله

471. تفسیر الثعلبی - به نقل از ابو هریره - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل نزد آمد و نماز را به من آموزش داد». سپس پیامبر خدا برخاست و تکبیر گفت و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند گفت.

472. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل در کنار کعبه امام نماز شد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند گفت.

473. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازهای واجب، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند قرائت می کرد.

474. امام علی علیه السلام: پیامبر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در هر دو سوره (حمد و سوره پس از آن)، بلند می گفت.

ص: 313

475. سنن الدارقطني عن الحَكَم بن عُمير: صَدَّ لَيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَهَرَ فِي الصَّلَاةِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ. (1)

476. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

477. المغني لابن قدامة عن أنس أَنَّهُ صَلَّى وَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَقَالَ:

أَقْتَدِي بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (3)

ب- إجهاز أهل البيت عليهم السلام بها في الصلاة

478. السنن الكبرى عن الشَّعْبِيِّ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَّيْتُ وَرَاءَهُ، فَسَمِعْتُهُ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (4)

479. مسند زيد عن علي بن أبي طالب عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (5)

480. الكافي عن صفوان الجمال: صَدَّ لَيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّاماً، فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَدَّ لَاءَةً لَا يُجْهَرُ فِيهَا جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وَكَانَ يَجْهَرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعاً. (6)

ص: 314

-
- 1- سنن الدارقطني: ج 1 ص 310 ح 31، أسد الغابة: ج 2 ص 53 الرقم 1225، نصب الراية: ج 1 ص 349، عمدة القارى: ج 5 ص 289 نحوه، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 119، كنز العمال: ج 8 ص 118 ح 22179 نقلاً عن أبي نعيم.
 - 2- تفسير العياشي: ج 2 ص 295 ح 87 عن منصور بن حازم، بحار الأنوار: ج 85 ص 74 ح 3؛ سنن الدارقطني: ج 1 ص 303 ح 5 عن أبي الطفيل عن الإمام علي عليه السلام، تاريخ دمشق: ج 53 ص 411 ح 11317 عن ابن عباس وليس في الثلاثة الأخيرة «صلى بالناس»، نصب الراية: ج 1 ص 326، السنن الكبرى: ج 2 ص 69 ح 2397 كلاهما عن أبي هريرة وفيهما «أم الناس» بدل «صلى بالناس».
 - 3- المغني لابن قدامة: ج 1 ص 522 وراجع المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 358 ح 854.
 - 4- السنن الكبرى: ج 2 ص 70 ح 2401، كنز العمال: ج 8 ص 118 ح 22177.
 - 5- مسند زيد: ص 104 عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه.
 - 6- الكافي: ج 3 ص 315 ح 20، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 68 ح 246، عوالي اللآلي: ج 1 ص 331 ح 82، منتقى الجمان: ج 2 ص 20 كلّها نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 757 ح 7386.

475. سنن الدارقطنی - به نقل از حکم بن عمیر - پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواندم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در نماز شب، نماز صبح و نماز جمعه بلند قرائت کرد.

476. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که برای مردم نماز می خواند، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند می گفت.

477. المغنی، ابن قدامه: انس نماز خواند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند قرائت کرد و گفت: مانند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز می خوانم.

ب- بلند گفتن «بسم الله» در نماز به وسیله اهل بیت علیهم السلام

478. السنن الکبری - به نقل از شعبی - علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم و پشت سرش به نماز ایستادم. شنیدم که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند قرائت می کند.

479. مسند زید - در باره علی بن ابی طالب علیه السلام - ایشان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند قرائت می کرد.

480. الکافی - به نقل از صفوان جمّال - چند روز پشت سر امام صادق علیه السلام نماز خواندم.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در نمازهایی که بلند خوانده نمی شود، بلند می گفت و این را در هر دو سوره (حمد و سوره پس از آن) انجام می داد.

481. الأمامي للطوسي عن أبي حفص الصائغ: صَلَّىتْ خَلْفَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (1)

482. قرب الإسناد عن حنان بن سدير: صَلَّىتْ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ، فَتَعَوَّذَ جِهَارًا: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ»، ثُمَّ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

483. الإمام الرضا عليه السلام: الْإِجْهَارُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ سَنَّةٌ. (3)

484. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحاك: بَعَثَنِي الْمَأْمُونُ فِي إِشْخَاصِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَدِينَةِ... فَكُنْتُ مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرَوْ، فَقَالَ اللَّهُ، مَا زَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ أَتَقَى لِلَّهِ تَعَالَى مِنْهُ... وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ؛ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. (4)

485. الإمام الصادق عليه السلام: اجْتَمَعَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْجَهْرِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (5)

ج-الإجهازُ بِهَا مِنْ عِلَامَاتِ الْإِيمَانِ

486. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي حَدِيثٍ ذَكَرَ فِيهِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَشَفَ لَهُ عَنْ بَصَرِهِ فَنَظَرَ إِلَى أَنْوَارِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي جَانِبِ الْعَرْشِ، إِلَى أَنْ قَالَ - قَالَ 1.

ص: 316

1- الأمامي للطوسي: ص 273 ح 513، بحار الأنوار: ج 85 ص 79 ح 17.

2- قرب الإسناد: ص 124 ح 436، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 289 ح 1158 نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 35 ح 25.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 123 ح 1 عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج 85 ص 75 ح 6.

4- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 180-182 ح 5، بحار الأنوار: ج 85 ص 79 ح 15.

5- تفسير الثعلبي: ج 1 ص 106 عن أبي جعفر الملقب عن الإمام رضا عن أبيه عليهما السلام، المجموع للنووي: ج 3 ص 342؛ كشف

الغمة: ج 1 ص 43 عن جابر من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، تفسير روض الجنان (الاحاديث): ج 1 ص 515 ح

1821 نحوه، بحار الأنوار: ج 25 ص 237 ح 21.

481. الأُمالی، طوسی - به نقل از ابو حفص صائغ - پشت سر امام جعفر صادق علیه السلام نماز خواندم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند قرائت کرد.

482. قرب الإسناد - به نقل از حنان بن سدیر - نماز مغرب را پشت سر امام صادق علیه السلام خواندم. با صدای بلند استعاذه نمود و گفت: «از شیطانِ رانده شده، به خدای شنوای دانا پناه می برم و از این که [شیاطین] نزد من حاضر شوند، به خدا پناه می برم». سپس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند قرائت کرد.

483. امام رضا علیه السلام: آشکار کردن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در همه نمازها، سنت است.

484. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از رجاء بن ابی ضحاک - مأمون، مرا مأمور آوردن رضا علیه السلام از مدینه کرد. از مدینه تا مرو با او بودم. به خدا سوگند، کسی با تفاوتی از او ندیده ام... او «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در همه نمازهایش در شب و روز، آشکار می کرد.

485. امام صادق علیه السلام: خاندان محمد صلی الله علیه و آله بر آشکارا گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، اجماع دارند.

ج- بلند گفتن «بسم الله» از نشانه های ایمان

486. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در حدیثی که در آن آمده که خداوند عز و جل هنگامی که ابراهیم علیه السلام را آفرید، پرده از چشمانش بر گرفت تا به نورهای محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش در کنار عرش بنگرد - [ابراهیم علیه السلام] گفت: خدا و سرور من! نورهایی در کنار عرش می بینم که کسی جز تو شمارشان را نمی داند.

[إبراهيم عليه السلام]: إلهي وسَيِّدي! وأرى عِدَّةَ أنوارٍ حَوْلَهُمْ لا يُحصي عِدَّتَهُمْ إِلَّا أَنْتَ؟

قال: يا إبراهيم، هؤلاء شيعتُهُمْ ومُحِبُّوهُم.

قال: إلهي وسَيِّدي! بِمَ يُعْرَفُ شِيعَتُهُمْ ومُحِبُّوهُم؟ قال: يا إبراهيم، بِصَلَاةِ الإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ، وَالْجَهْرِ بِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»، وَالْفَنوتِ قَبْلَ الرُّكوعِ، وَسَجْدَتِي الشُّكْرِ، وَالْتَحَنُّمِ بِالْيَمِينِ. (1)

487. الإمام الصادق عليه السلام: إذا كان يوم القيامة يُقبلُ قومٌ على نَجائبٍ (2) من نورٍ يُنادونَ بِأعلى أصواتِهِم: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَّقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْرَثَنَا أَرْضَهُ، نَتَّبِعُ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ (3). فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ: هَذِهِ زُمْرَةُ الْأَنْبِيَاءِ! فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: هَؤُلَاءِ شِيعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَهُمْ (4) صَفَوَاتِي مِنْ عِبَادِي، وَخَيْرَتِي مِنْ بَرِيَّتِي.

فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ: إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا! بِمَا نَالُوا هَذِهِ الدَّرَجَةَ؟

فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللّٰهِ: بِتَحَنُّمِهِم بِالْيَمِينِ، وَصَلَاتِهِم إِحْدَى وَخَمْسِينَ، وَإِطْعَامِهِم الْمِسْكِينَ، وَتَعْفِيرِهِم الْجَبِينِ، وَجَهْرِهِم بِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ». (5)

488. الإمام العسكري عليه السلام: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى جَدِّي رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِتِيَّ قَدْ خَصَصْتُكِي.

ص: 318

1- الفضائل: ص 133 عن عبد الله بن أبي وقاص، الروضة في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام: ص 186 ح 161 عن عبد الله بن أبي أوفى نحوه، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 496 ح 9 عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 36 ص 151 ح 131.

2- التَّجِيبُ: الْفَاضِلُ مِنْ كُلِّ حَيْوَانٍ، وَالْجَمْعُ: التَّجْبَاءُ؛ وَالْأُنْثَى: التَّجْبِيَّةُ، وَالْجَمْعُ: النِّجَابُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 3 ص 1749 «نَجَب»).

3- أَي نَزَلَ مِنْزَلُهَا حَيْثُ نَهَوَى (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 1 ص 200 «بَوَا»).

4- فِي الْمَصْدَرِ: «فَهُوَ»، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

5- تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ: ج 2 ص 524 ح 38، أَعْلَامُ الدِّينِ: ص 447 نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 69 ح 16 نقلًا عن كنز الكراچكي.

فرمود: «ای ابراهیم! اینان شیعیان و دوستداران آنها هستند».

ابراهیم گفت: معبود و سرور من! چگونه شیعیان و دوستداران ایشان شناخته می شوند؟

فرمود: «ای ابراهیم! با پنجاه و یک رکعت نماز [واجب و نافله] خواندن، قرائت با صدای بلند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قنوت قبل از رکوع، دو سجده شکر به جا آوردن و انگشتر به دست راست کردن».

487. امام صادق علیه السلام: روز قیامت که می شود، دسته ای بر اسب هایی از نور جلو می آیند و با بلندترین صدایشان ندا می دهند: «ستایش، ویژه خدایی است که در وعده اش به ما وفا کرد و زمینش را به ما رساند. از بهشت هر جا را بخواهیم، جایگاه خود می کنیم».

مردمان می گویند: اینها دسته پیامبران هستند؛ اما ندایی از سوی خداوند می آید که: «اینها شیعه علی بن ابی طالب و بندگان برگزیده من و گزیدگانم از میان مخلوقاتم هستند».

مردم می گویند: معبود و سرور ما! چگونه به این درجه رسیدند؟

ندای الهی می آید که: «با انگشتر به دست راست کردن، پنجاه و یک رکعت نماز خواندن، اطعام بینوایان، پیشانی به خاک نهادن و قرائت آشکار «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» .

488. امام عسکری علیه السلام: خداوند عز و جل به جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وحی کرد که: «من، به تو و علی و حجت هایم از نسل او برای روز قیامت و [نیز به] پیروانتان، ده ویژگی اختصاص

وَعَلِيًّا وَحُجَّجِي مِنْهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَشِيعَتَكُمْ بِعَشْرِ خِصَالٍ... [إلى أن قال:] وَالْجَهْرُ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (1)

489. الإمام العسكري عليه السلام: علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين، وزيارة الأربعين، والتختُّم في اليمين، وتغفير الجبين، والجهْر بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

5-4/6 قراءة فاتحة الكتاب وسورة اخرى

490. رسول الله صلى الله عليه وآله: كل صلاة لا يقرأ فيها بفاتحة الكتاب، فهي خداج (3)، فهي خداج (4).

491. الكافي عن محمد بن مسلم: سألتُه عن الذي لا يقرأ فاتحة الكتاب في صلاته، قال:

لا صلاة له إلا أن يبدأ بها في جهر أو إخفات.

قُلْتُ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ إِذَا كَانَ خَائِفًا أَوْ مُسْتَعْجَلًا، يقرأ سورة أو فاتحة الكتاب؟ قال: فاتحة الكتاب. (5) 2.

ص: 320

1- الهداية الكبرى: ص 345، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 188 ح 4454.

2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 52 ح 122، المزار للمفيد: ص 53 ح 1، مصباح المتهجد: ص 788، المزار الكبير: ص 352 ح 1، الإقبال: ج 3 ص 100 وفيها «صلاة إحدى وخمسين» بدل «صلاة الخمسين»، بحار الأنوار: ج 101 ص 106 ح 17.

3- خداج: أي نقصان، وأخذجته: إذا ولدته ناقص الخلقة (النهاية: ج 2 ص 12 «خدج»).

4- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 274 ح 841 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، السنن الكبرى: ج 2 ص 58 ح 2367، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 53 ح 7410 كلاهما عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 443 ح 19700؛ المجازات النبوية: ص 116 ح 79 نحوه، عوالي اللآلي: ج 2 ص 218 ح 14، بحار الأنوار: ج 85 ص 11 ح 2.

5- الكافي: ج 3 ص 317 ح 28 عن محمد بن مسلم مضمراً، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 146 ح 573، عوالي اللآلي: ج 3 ص 82 ح 66، منتقى الجمال: ج 2 ص 9 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 732 ح 7282.

داده ام: ... و آشکارا گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

489. امام عسکری علیه السلام: نشانه های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز، [\(1\)](#) زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و آشکارا گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

ر.ک: ج 2 ص 647 (بلند خواندن بسم الله).

5-4/6 قرائت سوره حمد و يك سوره ديگر

490. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نمازی که در آن سوره حمد خوانده نشود، ناقص است، ناقص!

491. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - از امام باقر علیه السلام حکم نمازگزار را پرسیدم که سوره حمد را در نمازش نمی خواند. فرمود: «نمازی برای وی نیست، جز به قرائت بلند یا آهسته آن».

گفتم: اگر هراسناک یا شتاب زده باشد، کدام يك را بیشتر دوست دارید؟ سوره را بخواند، یا حمد را؟

فرمود: «حمد را».

ص: 321

1- در چند منبع دیگر این حدیث، به جای «پنجاه»، پنجاه و يك رکعت آمده است. این اختلاف، ناشی از چگونگی محاسبه دو رکعت نافله عشا است که به علت نشسته خواندن، يك رکعت شمرده می شود.

492. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا صلاة لمن لم يقرأ في كل ركعة ب«الحمد لله» وسورة، في فريضة أو غيرها. (1)

493. الإمام الصادق عليه السلام: يجوز للمريض أن يقرأ في الفريضة فاتحة الكتاب وحدها، ويجوز للصحيح في قضاء صلاة التطوع بالليل والنهار (2). (3)

494. عنه عليه السلام: من غلط في سورة فليقرأ: «قل هو الله أحد» ثم ليركع. (4)

راجع: ح 15.

4/6-6 ما يستحب اختياره من السور

495. تهذيب الأحكام عن زرارة: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلي ب «قل هو الله أحد»؟ فقال:

نعم، قد صلى رسول الله صلى الله عليه وآله في كلتا الركعتين ب «قل هو الله أحد»، ولم يصل قبلها ولا بعدها ب «قل هو الله أحد» أتم منها. (5)

496. التوحيد عن عمران بن حصين: إن النبي صلى الله عليه وآله بعث سرية واستعمل عليها عليه السلام، فلما رجعوا سألوهم، فقالوا: كل خير، غير أنه قرأ بنا في كل صلاة ب «قل هو الله أحد».

فقال: يا علي، لم فعلت هذا؟ فقال: لحبي ل «قل هو الله أحد». فقال النبي صلى الله عليه وآله: 6.

ص: 322

1- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 274 ح 839 عن أبي سعيد، كنز العمال: ج 7 ص 437 ح 19666.

2- قال الشيخ الطوسي بعد نقل هذه الرواية وما قبلها من حديث الحسن الصيقل ما نصه: وهذان الخبران يدلان على أن مع الاختيار لا يجوز الاقتصار على سورة واحدة.

3- الكافي: ج 3 ص 314 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 70 ح 256 كلاهما عن عبد الله بن سنان، وسائل الشيعة: ج 4 ص 734 ح 7292.

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 295 ح 1187، منتقى الجمان: ج 2 ص 10 كلاهما عن معاوية بن عمارة، وسائل الشيعة: ج 4 ص 783 ح 7478.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 96 ح 359، بحار الأنوار: ج 85 ص 26.

492. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در هر رکعت، سوره حمد و یک سوره دیگر را نخواند، نماز درستی ندارد، چه نماز واجب و چه غیر آن.

493. امام صادق علیه السلام: جایز است بیمار فقط فاتحة الكتاب را در نماز واجب قرائت کند و برای تن درست، این کار، تنها در قضای نماز مستحبی شب و روز رواست.

494. امام صادق علیه السلام: هر کس سوره ای را غلط خواند [، آن را رها کند] و سوره توحید را بخواند و سپس رکوع کند.

ر.ک: ح 15.

6-4/6 استجاب خواندن یکی از این سوره ها

495. تهذیب الأحكام - به نقل از زراره - به امام باقر علیه السلام گفتم: در نماز سوره توحید را بخوانم؟

فرمود: «آری. پیامبر خدا در هر دو رکعت، سوره توحید را خواند و پیش و پس از آن، نمازی به این کمال نخوانده بود».

496. التوحید - به نقل از عمران بن حصین - پیامبر صلی الله علیه و آله رزمندگان را روانه کرد و علی علیه السلام را به فرماندهی آنان گماشت. هنگامی که باز گشتند، از ایشان جویای احوال شد. گفتند:

همه چیز خوب بود، جز آن که در همه نمازها، سوره توحید را برایمان خواند.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «ای علی! چرا چنین کردی؟»

فرمود: به خاطر علاقه ام به سوره توحید.

ص: 323

ما أَحَبَّتْهَا حَتَّى أَحَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

497. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ مَضَى بِهِ يَوْمٌ وَاحِدٌ فَصَلَّى فِيهِ بِخَمْسِ صَلَوَاتٍ، وَلَمْ يَقْرَأْ فِيهَا بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» قِيلَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، لَسْتَ مِنَ الْمُصَلِّينَ. (2)

498. تهذيب الأحكام عن عبد الرحمن بن الحجاج: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الْوَتْرِ.

فَقَالَ: كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَبِي بَابٍ، فَكَانَ أَبِي إِذَا صَلَّى إِذَا صَلَّى يَقْرَأُ فِي الْوَتْرِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي ثَلَاثَتَيْهِنَّ. وَكَانَ يَقْرَأُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا قَالَ: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي»، أَوْ: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي». (3)

499. تهذيب الأحكام عن صفوان الجمال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» تُجْزَى فِي خَمْسِينَ صَلَاةً. (4)

500. الكافي عن أبي علي بن راشد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، إِنَّكَ كَتَبْتَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ، تُعَلِّمُهُ أَنَّ أَفْضَلَ مَا تَقْرَأُ فِي الْفَرَاغِ بِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَإِنَّ صَدْرِي لَيَضِيقُ بِقِرَاءَتِهِمَا فِي الْفَجْرِ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ بِهِمَا؛ فَإِنَّ الْفَضْلَ - وَاللَّهُ - فِيهِمَا. (5) 7.

ص: 324

- 1- التوحيد: ص 94 ح 11، الإرشاد: ج 1 ص 116 نحوه، مجمع البيان: ج 10 ص 863، بحار الأنوار: ج 85 ص 36 ح 26.
- 2- الكافي: ج 2 ص 622 ح 10، ثواب الأعمال: ص 155 ح 1 و ص 283 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 180 ح 284 وفيه «خمسین ركعة» بدل «بخمسة صلوات»، مجمع البيان: ج 10 ص 855، كلَّها عن منصور بن حازم، عدة الداعي: ص 280 نحوه، بحار الأنوار: ج 92 ص 344 ح 1.
- 3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 127 ح 481، منتقى الجمان: ج 2 ص 248 نحوه، بحار الأنوار: ج 87 ص 226 ح 39.
- 4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 96 ح 360، منتقى الجمان: ج 2 ص 21، وسائل الشيعة: ج 4 ص 740 ح 7310.
- 5- الكافي: ج 3 ص 315 ح 19، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 290 ح 1163، وسائل الشيعة: ج 4 ص 760 ح 7397.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن را دوست نداشته ای تا آن که خدا دوستت داشته است».

497. امام صادق علیه السلام: هر کس يك روز را بگذراند و پنج نماز را در آن بخواند، اما سوره توحید را در آنها نخواند، به او گفته می شود: ای بنده خدا! از نمازگزاران نیستی.

498. تهذیب الأحكام - به نقل از عبد الرحمان بن حجاج - از امام صادق علیه السلام، قرائت در نماز و ترا پرسیدم.

فرمود: «میان من و پدرم، يك در بود. پدرم هنگامی که نماز می خواند، در نماز وترش، سوره توحید را در هر سه رکعتش می خواند و پس از قرائت آن، در پایانش می گفت: خدایم چنین است، یا خدایم این گونه است».

499. تهذیب الأحكام - به نقل از صفوان جمال - شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «سوره توحید در پنجاه نماز هم کفایت می کند».

500. الکافی - به نقل از ابو علی بن راشد - به امام هادی علیه السلام گفتم: فدایت شوم! به محمد بن فرج نامه نوشته و به او آموخته ای که برترین چیزی که در نمازهای واجب خوانده می شود، سوره قدر و توحید است، حال آن که من از خواندن آنها در نماز صبح دل تنگم.

فرمود: «از آن دو، دل تنگ مشو؛ چرا که به خدا سوگند، فضیلت در آنهاست».

501. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك عن الإمام الرضا عليه السلام: كان قراءته في جميع المفروضات، في الأولى: الحمد و «إنا أنزلناه»، وفي الثانية: الحمد و «قل هو الله أحد». (1)

502. الإمام الصادق عليه السلام: قرأت في صلاة الفجر، ب «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون»، وقد فعل ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله. (2)

503. الإمام علي عليه السلام: صلى بنا رسول الله صلى الله عليه وآله صلاة السفر، فقرأ في الأولى: «قل يا أيها الكافرون» وفي الثانية: «قل هو الله أحد»، ثم قال: قرأت لكم ثلث القرآن ورُبُّعه. (3)

504. رسول الله صلى الله عليه وآله: «قل هو الله أحد» تعدل ثلث القرآن، و «قل يا أيها الكافرون» تعدل ربع القرآن. (4)

505. الإمام الصادق عليه السلام: من قرأ: «قل يا أيها الكافرون» و «قل هو الله أحد» في فريضة من الفرائض، غفر الله له ولوالديه وما ولد، وإن كان شقياً محي من ديوان الأشقياء وأثبت في ديوان السعداء، وأحياه الله سعيداً، وأماته شهيداً، وبعثه شهيداً. (5)

ص: 326

1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 182 ح 5 وص 206 ح 5 عن أبي الحسن الصانع عن عمه نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 32 ح 23.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 96 ح 358 عن محمد بن أبي طلحة، وسائل الشيعة: ج 4 ص 762 ح 7405.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 37 ح 101، مسند الرضا عليه السلام: ص 157 ح 57، صحيفة الإمام رضا عليه السلام: ص 228 ح 117 كلها عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، ووسائل الشيعة: ج 4 ص 763 ح 7408؛ التمهيد لابن عبد البر: ج 7 ص 260 عن ابن عمر من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

4- سنن الترمذي: ج 5 ص 166 ح 2894، تفسير ابن كثير: ج 8 ص 480 كلاهما عن ابن عباس، المعجم الكبير: ج 12 ص 309 ح 13493 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 1 ص 598 ح 2726؛ الكافي: ج 2 ص 621 ح 7 عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 124 ح 237 عن ابن مسعود عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، ووسائل الشيعة: ج 4 ص 762 ح 7403.

5- ثواب الأعمال: ص 155 ح 1، فقه الرضا: ص 344 عن الإمام عليه السلام نحوه، مجمع البيان: ج 10 ص 839 كلاهما عن الحسين بن أبي العلاء، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 186 ح 2504 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيه «و ما ولد» بدل «و ما ولد»، أعلام الدين: ص 385، بحار الأنوار: ج 92 ص 340 ح 5.

501. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک، در باره امام رضا علیه السلام - قرائت ایشان در همه نمازهای واجب در رکعت نخست، حمد و سوره قدر و در رکعت دوم، حمد و سوره توحید بود.

502. امام صادق علیه السلام: در نماز صبح، سوره توحید و سوره کافرون را خواندم و این را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجام داد.

503. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا نماز سفر را با ما خواند و در رکعت اول، سوره کافرون و در رکعت دوم، سوره توحید را خواند و سپس فرمود: «یک سوم و یک چهارم قرآن را برایتان خواندم».

504. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوره توحید، برابر یک سوم قرآن و سوره کافرون، برابر یک چهارم قرآن است.

505. امام صادق علیه السلام: هر کس سوره کافرون و سوره توحید را در نمازی واجب بخواند، خداوند، او و پدر و مادرش و فرزندانشان (1) را می آمرزد و اگر بدبخت باشد، از دیوان شقاوتمندان، پاک و در دیوان خوش بختان نوشته می شود و خداوند، وی را زندگی سعتمندانه ای می بخشد و او را شهید می میراند و شهید بر می انگیزاند. ت.

ص: 327

1- در مکارم الأخلاق، «فرزندانش» آمده است. گفتمنی است این حدیث در مکارم الأخلاق به معصومان علیهم السلام نسبت داده نشده است.

506. عنه عليه السلام: لا تَدَعُ أَنْ تَقْرَأَ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَرَكْعَتِي الزَّوَالِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ مِنْ أَوَّلِ صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَرَكْعَتِي الْإِحْرَامِ وَالْفَجْرِ إِذَا أَصْبَحْتَ بِهَا، وَرَكْعَتِي الطَّوَافِ. (1)

507. تهذيب لأحكام عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: اقْرَأْ فِي رَكْعَتِي الْفَجْرِ بِأَيِّ سُوْرَتَيْنِ أَحْبَبْتَ. وَقَالَ: أَمَا أَنَا فَأَحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ فِيهِمَا بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ». (2)

508. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَنْ تَقْرَأَ سُورَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَاللَّهِ وَلَا- أَبْلَغُ عِنْدَهُ مِنْ أَنْ تُقْرَأَ: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَقُوْتَكَ فِي صَلَاةٍ فَافْعَلْ. (3)

509. الكافي عن صابر مولى بسام: أَمَّا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ، فَقَرَأَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ. (4)

510. تهذيب الأحكام عن منصور بن حازم: أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ أَقْرَأَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ فِي الْمَكْتُوبَةِ. (5)

511. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّيُ الْغَدَاةَ بِ «عَمَّ يَسَاءُ لُون»، وَ «هَلْ أَتَاكَ 3.

ص: 328

-
- 1- الكافي: ج 3 ص 316 ح 22، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 74 ح 273، الخصال: ص 347 ح 20 كلَّها عن معاذ بن مسلم، الهداية: ص 159، منتقى الجمان: ج 2 ص 27، بحار الأنوار: ج 85 ص 31 ح 22.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 136 ح 529 منتقى الجمان: ج 2 ص 252 كلاهما عن ابن سنان، وسائل الشيعة: ج 4 ص 751 ح 7362.
 - 3- صحيح ابن حبان: ج 5 ص 150 ح 1842، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 438 ح 7840، المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 589 ح 3988، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 142، سنن الدارمي: ج 2 ص 918 ح 3314 كلَّها عن عقبة بن عامر نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 602 ح 2745؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 367 ح 10 نقلاً عن الدر المنثور عن عقبة بن عامر نحوه.
 - 4- الكافي: ج 3 ص 317 ح 26، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 96 ح 357، وسائل الشيعة: ج 4 ص 786 ح 7492.
 - 5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 96 ح 356، منتقى الجمان: ج 2 ص 20، وسائل الشيعة: ج 4 ص 786 ح 7493.

506. امام صادق علیه السلام: قرائت سوره توحید و کافرون را در هفت جا و مگذار: در دو رکعت نافله صبح، دو رکعت نافله ظهر، دو رکعت نافله مغرب، دو رکعت اول نماز شب، دو رکعت نماز احرام و [واجب] صبح و دو رکعت نماز طواف.

507. تهذیب الأحکام - به نقل از ابن سنان - : امام صادق علیه السلام فرمود: «در هر يك از دو رکعت نماز صبح، هر سوره ای خواستی، بخوان» و فرمود: «اما من دوست می دارم که سوره توحید و کافرون را در آن دو رکعت بخوانم».

508. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قرائت سوره ای نزد خدا محبوب تر و رساتر از قرائت سوره فلق نیست. اگر توانستی آن را در نمازی از دست ندهی، چنین کن.

509. الکافی - به نقل از صابر، وابسته بسام - : امام صادق علیه السلام در نماز مغرب، امام جماعت ما بود و دو سوره فلق و ناس را خواند.

510. تهذیب الأحکام - به نقل از منصور بن حازم - : امام صادق علیه السلام به من فرمان داد که دو سوره فلق و ناس را در نماز واجب بخوانم.

511. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا در نماز صبح، سوره نبأ و غاشیه و قیامت و شبیه آنها را

حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» و «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» وَشِدَّ بِهَيْهَا، وَكَانَ يُصَلِّي فِي الظُّهْرِ بِ «سَبِّحِ اسْمَ» وَ «وَالشَّمْسِ وَصَهَّحَاهَا»، وَ «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» وَشِدَّ بِهَيْهَا، وَكَانَ يُصَلِّي فِي الْمَغْرِبِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»، وَ «إِذَا زُلْزِلَتْ»، وَكَانَ يُصَلِّي فِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ بِنَحْوِ مَا يُصَلِّي فِي الظُّهْرِ، وَالْعَصْرِ بِنَحْوِ مِنَ الْمَغْرِبِ. (1)

512. تهذيب الأحكام عن محمد بن مسلم: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَأَيُّ السُّورِ تُقْرَأُ فِي الصَّلَاةِ؟

قَالَ: أَمَّا الظُّهْرُ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ تُقْرَأُ فِيهِمَا سَوَاءً، وَالْعَصْرُ وَالْمَغْرِبُ سَوَاءً، وَأَمَّا الْغَدَاةُ فَطَوَّلُ، وَأَمَّا الظُّهْرُ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ فَ «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» وَ «وَالشَّمْسِ وَصَهَّحَاهَا»، وَنَحْوَهُمَا، وَأَمَّا الْعَصْرُ وَالْمَغْرِبُ فَ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»، وَ «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ» وَنَحْوَهُمَا، وَأَمَّا الْغَدَاةُ فَ «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» وَ «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» وَ «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» وَ «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ». (2)

513. كتاب من لا يحضره الفقيه: وَقَدْ رُوِيَ... أَفْضَلُ مَا يُقْرَأُ فِي الصَّلَاةِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ، فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدُ وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، إِلَّا فِي صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّ الْأَفْضَلَ أَنْ يُقْرَأَ فِي الْأُولَى مِنْهَا الْحَمْدُ وَسُورَةُ الْجُمُعَةِ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَ «سَبِّحِ اسْمَ»، وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَالظُّهْرِ وَالْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فِي الْأُولَى الْحَمْدُ وَسُورَةُ الْجُمُعَةِ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَسُورَةُ الْمُنَافِقِينَ....

وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدُ وَ «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ»، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَ «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ»، فَإِنَّ مَنْ قَرَأَهُمَا 8.

ص: 330

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 95 ح 355 عن عيسى بن عبد الله القمي، وسائل الشيعة: ج 4 ص 787 ح 7497.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 95 ح 354، منتقى الجمان: ج 2 ص 20 وسائل الشيعة: ج 4 ص 787 ح 7498.

می خواند و در نماز ظهر، سوره اعلی و شمس و غاشیه و شبیه آنها را می خواند و در نماز مغرب، سوره توحید و نصر و زلزال را می خواند و در نماز عشا، شبیه آنچه را در ظهر، و در نماز عصر، شبیه آنچه را در نماز مغرب می خواند، قرائت می کرد.

512. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن مسلم - به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام سوره ها در نمازها خوانده می شود؟

فرمود: «ظهر و عشا مانند هم و عصر و مغرب مانند هم هستند؛ اما نماز صبح، طولانی تر است. در ظهر و عشا، [سوره های] اعلی، شمس و مانند آن، در نماز عصر و مغرب، [سوره های] نصر، تکاثر و مانند آن و در نماز صبح، [سوره های] نبأ، غاشیه، قیامت و انسان، خوانده می شوند.

513. کتاب من لا یحضره الفقیه: روایت شده است برترین چیزی که در نمازهای شبانه روز خوانده می شود، در رکعت نخست، [سوره های] حمد و قدر و در رکعت دوم، حمد و توحید است، مگر نماز عشا شب جمعه که افضل، آن است که در رکعت نخست آن، [سوره های] حمد و جمعه و در رکعت دوم، [سوره های] حمد و اعلی و در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه، در رکعت نخست، [سوره های] حمد و جمعه و در رکعت دوم، [سوره های] حمد و منافقین خوانده شود....

و در نماز صبح، روز دوشنبه و پنجشنبه، در رکعت اول، سوره حمد و انسان، و در رکعت دوم، سوره حمد و غاشیه خوانده شود. هر که این دو را در نماز صبح

في صلاة الغداة يوم الإثنين ويوم الخميس، وقاه الله شرَّ اليومين. (1)

514. الإمام الباقر عليه السلام: إذا كان ليلة الجمعة يستحب أن يُقرأ في العتمة سورة الجمعة و«إذا جاءك المنافقون»، وفي صلاة الصبح مثل ذلك، وفي صلاة الجمعة مثل ذلك، وفي صلاة العصر مثل ذلك. (2)

515. عنه عليه السلام: اقرأ سورة الجمعة والمنافقين، فإن قراءتهما سنة في يوم الجمعة في الغداة والظهر والعصر، ولا ينبغي لك أن تقرأ بهما في صلاة الظهر - يعني يوم الجمعة - إماماً كنت أو غير إمام. (3)

516. الكافي عن محمد بن مسلم: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: القراءة في الصلاة فيها شيء مؤقت؟ قال: لا، إلا الجمعة تقرأ فيها الجمعة والمنافقين. (4)

517. الإمام الصادق عليه السلام: من الواجب على كل مؤمن إذا كان لنا شيعاً أن يقرأ في ليلة الجمعة بالجمعة و«سبح اسم ربك الأعلى»، وفي صلاة الظهر بالجمعة والمنافقين، فإذا فعل ذلك فكأنما يعمل بعمل رسول الله صلى الله عليه وآله، وكان جزاؤه وثوابه على الله الجنة. (5)

518. عنه عليه السلام: إذا كان ليلة الجمعة فاقراً في المغرب سورة الجمعة و«قل هو الله أحد»، وإذا كان في العشاء الآخرة فاقراً سورة الجمعة و«سبح اسم ربك الأعلى»، فإذا 1.

ص: 332

- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 307 ح 922، وسائل الشيعة: ج 4 ص 788 ح 7499.
- 2- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 7 ح 18، جامع الأحاديث للقمي: ص 150 نحوه، بحار الأنوار: ج 89 ص 352 ذيل ح 33.
- 3- علل الشرائع: ص 356 ح 1 عن زرارة بن أعين، منتقى الجمان: ج 2 ص 20 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 85 ص 29 ح 17.
- 4- الكافي: ج 3 ص 313 ح 4 وص 425 ح 1 عن منصور بن حازم نحوه، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 95 ح 354 وج 3 ص 6 ح 15، وسائل الشيعة: ج 4 ص 788 ح 7500.
- 5- ثواب الأعمال: ص 146 ح 1، مجمع البيان: ج 10 ص 427 كلاهما عن منصور بن حازم، المصباح للكفعمي: ص 594، أعلام الدين: ص 379 عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 92 ص 311 ح 1.

دوشنبه و پنجشنبه بخواند، خداوند، او را از شرّ آن دو روز، نگه می دارد.

514. امام باقر علیه السلام: هنگامی که شب جمعه می شود، مستحب است که در نماز عشا، سوره جمعه و سوره منافقون خوانده شود و در نماز صبح نیز همین گونه و در نماز جمعه نیز همین گونه و نماز عصر نیز همین گونه.

515. امام باقر علیه السلام: سوره جمعه و منافقون را بخوان که قرائت آن دو در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه سنت [پیامبر] است و در نماز ظهر روز جمعه سزاوار نیست که سوره دیگری بخوانی، امام جماعت باشی یا نمازت را فرادا بخوانی.

516. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا برای قرائت در نماز، سوره خاصی [پس از حمد] معین شده است؟ فرمود: «نه، مگر [نماز] جمعه که در آن، سوره حمد و منافقون را می خوانی».

517. امام صادق علیه السلام: بر هر مؤمن پیرو ما واجب است که در شب جمعه، [سوره های] جمعه و اعلی را [در نماز عشا] و [سوره های] جمعه و منافقون را در نماز ظهر بخواند، که اگر چنین کند، گویی به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، عمل می کند و جزا و پاداشش، بهشت و به عهده خداست.

518. امام صادق علیه السلام: هنگامی که شب جمعه می شود، در نماز مغرب، [سوره های] جمعه و توحید، در نماز عشا، [سوره های] جمعه و اعلی، در نماز صبح روز جمعه،

كَانَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَاقْرَأْ سُورَةَ الْجُمُعَةِ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِذَا كَانَ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ فَاقْرَأْ سُورَةَ الْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ، وَإِذَا كَانَ صَلَاةَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاقْرَأْ سُورَةَ الْجُمُعَةِ وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». (1)

519. عنه عليه السلام: اقرء في ليلة الجمعة بالجمعة وسبح اسم ربك الأعلى، وفي فجر بسورة الجمعة وقل هو الله أحد، وفي الجمعة بالجمعة والمنافقين. (2)

7-4/6 ترك سور العزائم في المكتوبة

520. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: لا تقرأ في المكتوبة بشيء من العزائم (3)؛ فإن السجود زيادة في المكتوبة. (4)

521. مسائل علي بن جعفر عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سألت عن الرجل يقرأ في الفريضة بسورة النجم، يركع بها أو يسجد ثم يقوم فيقرأ غيرها؟

قال: يسجد بها ثم يقوم فيقرأ بفاتحة الكتاب، ثم يركع، وذلك زيادة في الفريضة، فلا يعودن يقرأ السجدة في فريضة. (5)

ص: 334

- 1- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 5 ح 13، جمال الأسبوع: ص 124، جامع الأحاديث للقمي: ص 149 نحوه وكلها عن أبي الصباح الكناني، بحار الأنوار: ج 89 ص 353 ح 32.
- 2- الكافي: ج 3 ص 425 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 6 ح 14 كلاهما عن أبي بصير، قرب الإسناد: ص 360 ح 1287 نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 27 ح 14، وراجع ثواب الأعمال: ص 146 ح 1.
- 3- عزائم السجود: فرائضه التي فرض الله السجود فيها وهي: ألم تنزيل، وحم السجدة، والنجم، وقرأ (مجمع البحرين: ج 2 ص 1211 «عزم»).
- 4- الكافي: ج 3 ص 318 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 96 ح 361، وسائل الشيعة: ج 4 ص 779 ح 7463.
- 5- مسائل علي بن جعفر: ص 185 ح 366، قرب الإسناد: ص 202 ح 776 نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 13 ح 5.

[سوره های] جمعه و توحید، در نماز جمعه، [سوره های] جمعه و منافقون و در نماز عصر روز جمعه، [سوره های] جمعه و توحید را بخوان.

519. امام صادق علیه السلام: در شب جمعه، سوره جمعه و اعلی، در نماز صبح، [سوره های] جمعه و توحید، و در نماز جمعه، [سوره های] جمعه و منافقون را بخوان.

7-4/6 نخواندن سوره های در بر دارنده سجده واجب

520. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: در نمازهای واجب، هیچ يك از سوره هایی را که سجده واجب دارد، مخوان، که سجده آن، موجب زیاد کردن در نماز واجب [و بطلان آن] می شود.

521. مسائل علی بن جعفر - به نقل از علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم علیه السلام - از او پرسیدم: مردی در نماز واجبش، سوره نجم را [که سجده دار است] می خواند. آیا ادامه دهد و رکوع کند، یا سجده واجب آن را انجام دهد و سپس برخیزد و به قرائت غیر آن پردازد؟

فرمود: «سجده اش را به جا آورد و سپس برخیزد و سوره حمد را بخواند و سپس به رکوع رود و این زیاد کردن در نماز واجب است. از این رو، دیگر سوره سجده دار را در نماز واجب نخواند.»

522. المستدرک علی الصحیحین عن ام سلمة: إنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقَطُّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ثُمَّ يَقِفُ، «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» ثُمَّ يَقِفُ. (1)

523. سنن الدار قطني عن ام سلمة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَرَأَ يَقَطُّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ». (2)

524. سنن الترمذي عن يعلى بن ممدك: أَنَّهُ سَأَلَ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَلَاتِهِ، فَقَالَتْ: مَا لَكُمْ وَصَلَاتِهِ؟! كَانَ يُصَلِّي ثُمَّ يَنَامُ قَدْرَ مَا صَلَّى... ثُمَّ نَعَتَتْ قِرَاءَتَهُ، فَإِذَا هِيَ تَنَعَتْ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا. (3)

525. المعجم الأوسط عن أبي بكر: كَانَتْ قِرَاءَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدَّ، لَيْسَ فِيهِ تَرْجِيعٌ. (4)

526. الإمام الصادق عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى أَنْ يُرْتَّلَ فِي قِرَاءَتِهِ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ وَذِكْرُ النَّارِ، سَأَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَإِذَا مَرَّ بِ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» وَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، يَقُولُ: لَبَّيْكَ رَبَّنَا. (5)

ص: 336

1- المستدرک علی لصحیحین: ج 2 ص 252 ح 2910، تاریخ بغداد: ج 9 ص 367 الرقم 4937، تفسیر الألوسی: ج 1 ص 42، کنز العمال: ج 7 ص 52 ح 17913.

2- سنن الدار قطني: ج 1 ص 313 ح 37، سنن أبي داود: ج 4 ص 37 ح 4001، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 194 ح 26645، السنن الكبرى: ج 2 ص 65 ح 2383 كلُّها نحوه؛ مجمع البيان: ج 10 ص 569 وفيه صدره إلى «آية آية»، وسائل الشيعة: ج 4 ص 856 ح 7750.

3- سنن الترمذي: ج 5 ص 182 ح 2923، سنن أبي داود: ج 2 ص 74 ح 1466 نحوه، سنن النسائي: ج 2 ص 181، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 181 ح 26588، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 453 ح 1165 وفيه «بالليل» بدل «وصلاته».

4- المعجم الأوسط: ج 5 ص 86 ح 4747، سنن النسائي: ج 2 ص 179، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 255 ح 12285 كلاهما عن أنس نحوه، وليس فيهما «ليس فيه ترجيع»، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 501، تفسیر القرطبي: ج 1 ص 16، كنز العمال: ج 7 ص 52 ح 17908.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 124 ح 471، بحار الأنوار: ج 85 ص 34 نقلاً عن الذكرى.

522. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ام سلمه - پیامبر صلی الله علیه و آله در قرائتش، بر سر هر آیه وقف می کرد. می خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». سپس وقف می کرد و می خواند:

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و سپس وقف می کرد.

523. سنن الدار قطنی - به نقل از ام سلمه - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که قرائت می کرد، قرائتش را در سر هر آیه قطع می کرد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

524. سنن الترمذی - به نقل از یعلی بن مملک - از ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در باره قرائت و نماز پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم. گفت: شما را با نماز او چه کار؟! نماز می خواند و سپس می خوابید، به همان اندازه که نماز خوانده بود... آن گاه قرائت پیامبر را توصیف کرد.

او قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله را به وضوح و روشنی حرف حرفش را توصیف می کرد.

525. المعجم الأوسط - به نقل از ابو بکره - قرائت پیامبر خدا، مد و کشیدن صوت داشت؛ اما غنا و چرخاندن صدا نداشت.

526. امام صادق علیه السلام: برای بنده شایسته است که وقتی نماز می خواند، در قرائتش ترتیل داشته باشد و هر گاه به آیه ای رسید که در آن یادکرد بهشت و جهنم بود، از خداوند، درخواست بهشت کند و از آتش به خدا پناه ببرد و هر گاه به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ ای مردم» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ ای ایمان آوردگان!» رسید، بگوید: «لَيْتِكَ رَبَّنَا؛ پروردگارا! گوش به فرمانم».

527. الإمام الباقر عليه السلام: عَشْرُ رَكَعَاتٍ: رَكَعَتَانِ مِنَ الظُّهْرِ، وَرَكَعَتَانِ مِنَ العَصْرِ، وَرَكَعَتَا الصُّبْحِ، وَرَكَعَتَا المَغْرِبِ، وَرَكَعَتَا العِشَاءِ الآخِرَةَ، لَا يَجُوزُ فِيهِنَّ الوَهْمُ... وَهِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي فَرَضَ هَا اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي القُرْآنِ، وَفَوَّضَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَزَادَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ، وَهِيَ سُنَّةٌ لَيْسَ فِيهَا قِرَاءَةٌ، إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَكْبِيرٌ وَدُعَاءٌ، فَالْوَهْمُ إِنَّمَا يَكُونُ فِيهِنَّ. (1)

528. تهذيب الأحكام عن زرارة: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يُجْزِي مِنَ القَوْلِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ؟

قَالَ: أَنْ تَقُولَ: «سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ» وَتُكَبِّرَ وَتَرَكَعُ. (2)

529. تهذيب الأحكام عن عبيد بن زرارة: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ.

قَالَ: تَسْبِيحٌ وَتَحْمُدٌ لِلَّهِ وَتَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ، وَإِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الكِتَابِ، فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَدُعَاءٌ. (3)

530. الإمام الصادق عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ التَّسْبِيحُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ أَفْضَلَ مِنَ القِرَاءَةِ؟ - لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا كَانَ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ ذَكَرَ مَا رَأَى مِنْ عَظَمَةِ 0.

ص: 338

1- الكافي: ج 3 ص 273 ح 7 عن زرارة، منتقى الجمال: ج 1 ص 377، بحار الأنوار: ج 85 ص 91.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 98 ح 367، عوالي اللآلي: ج 3 ص 89 ح 86 وليس فيه «وتكبر»، منتقى الجمال: ج 2 ص 27، بحار الأنوار: ج 85 ص 89.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 98 ح 368، عوالي اللآلي: ج 3 ص 90 ح 87 وليس فيه ذيله، منتقى الجمال: ج 2 ص 14، وسائل الشيعة: ج 4 ص 781 ح 7470.

527. امام باقر علیه السلام: ده رکعت از نمازهاست که با شك و وهم، سازگار نیستند: دو رکعت [اول] نمازهای ظهر و عصر و صبح و مغرب و عشا... و این نمازی است که خداوند عز و جل در قرآن بر مؤمنان واجب کرده است، و به محمد صلی الله علیه و آله تفویض کرد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله هفت رکعت در نماز افزود و آن، سنت نهاده شده [ی پیامبر صلی الله علیه و آله] است و قرائت [قرآن] ندارد و تنها، تسبیحات اربعه (تسبیح و تهلیل و تکبیر و دعا) است و شك، در اینها راه دارد.

528. تهذیب الأحکام - به نقل از زراره - به امام باقر علیه السلام گفتم: چه سخنی در دو رکعت سوم و چهارم کفایت می کند؟ فرمود: «می گویی: "سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر؛ خدا منزّه است. ستایش، ویژه خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست، خدا بزرگ تر است" و سپس تکبیر می گویی و به رکوع می روی».

529. تهذیب الأحکام - به نقل از عبید بن زراره - از امام صادق علیه السلام در باره [ذکر] دو رکعت آخر نماز ظهر پرسیدم. فرمود: «تسبیح و حمد می گویی و از گناهت آمرزش می طلبی و اگر خواستی، سوره حمد را بخوان که آن نیز حمد و دعاست».

530. امام صادق علیه السلام - در پاسخ کسی که به ایشان گفت: چرا تسبیح در دو رکعت سوم و چهارم، برتر از قرائت [حمد] است؟ - زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که در این دو رکعت بود، آنچه را از شکوه الهی دیده بود، به یاد آورد و مدهوش شد و گفت:

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَدَهَشَ، فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، فَلِذَلِكَ صَارَ التَّسْبِيحُ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ. (1)

531. الإمام الرضا عليه السلام: فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ جُعِلَ الْقِرَاءَةُ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ، وَالتَّسْبِيحُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ؟ قِيلَ: لِالْفَرْقِ بَيْنَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عِنْدِهِ، وَمَا فَرَضَهُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِهِ. (2)

5/6 أدب الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ

5/6-1 كَيْفِيَّةُ الرُّكُوعِ

532. رسول الله صلى الله عليه وآله: اعتدلوا في الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، وَلَا يَبْسُطُ أَحَدُكُمْ ذِرَاعِيهِ كَالْكَلْبِ. (3)

533. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَكَعْتَ فَضَع رَاحَتِيكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ، ثُمَّ فَرَّجْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ. (4)0.

ص: 340

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 309 ح 924، عوالى اللآلي: ج 3 ص 90 ح 90 نحوه وكلاهما عن محمد بن عمران، علل الشرائع: ص 323 ح 1 عن محمد بن حمزة وفيه «يظهر» بدل «رأى»، منتقى الجمان: ج 2 ص 25، بحار الأنوار: ج 18 ص 367 ح 71.

2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 109 ح 1، وسائل الشيعة: ج 4 ص 733 ح 7285.

3- .سنن النسائي: ج 2 ص 183، سنن الدارمي: ج 1 ص 323 ح 1296 وفيه «بساط الكلب» بدل «كالكلب»، التمهيد لابن عبد البر: ج 19 ص 6 كلها عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 454 ح 19754 وراجع صحيح البخاري: ج 1 ص 198 ح 509 وصحيح مسلم: ج 1 ص 355 ح 233.

4- .صحيح ابن حبان: ج 5 ص 206 ح 1887 عن ابن عمر، المعجم الأوسط: ج 6 ص 124 ح 5991، المعجم الصغير: ج 2 ص 32 وفيهما «كفّيك» بدل «راحتيك»، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 452 ح 3612 وفيه «فأمكن كفّيك» بدل «فضع راحتيك» وكلها عن أنس، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 151 ح 2860 وفيه «يديك» بدل «راحتيك»، كنز العمال: ج 7 ص 451 ح 19740.

«سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر». از این رو، تسبیح از قرائت، برتر شد.

531. امام رضا علیه السلام: اگر کسی بگوید: «چرا در دو رکعت اول و دوم، قرائت قرآن و در دو رکعت سوم و چهارم، تسبیح واجب شده است؟»، گفته می شود: برای تفاوت نهادن میان آنچه خداوند، خود واجب کرده است و آنچه از جانب پیامبر واجب شده است.

5/6: ادب رکوع و سجود

1-5/6 چگونه رکوع

اشاره

532. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در رکوع و سجود، اعتدال را حفظ کنید و کسی از شما ساعدهایش را مانند سگ نگستراند.

533. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگام رکوع، کف دستانت را بر زانوانت بگذار و انگشتانت را از هم باز کن.

ص: 341

534. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا ركعت فضع كفيك على ركبتيك حتى تطمئن. (1)

535. عنه صلى الله عليه وآله - لِمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ -: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَرَكَعْتَ، فَضَع يَدَكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَفَرَّج بَيْنَ أَصَابِعِكَ، ثُمَّ أَرْفَع رَأْسَكَ حَتَّى يَرْجِعَ كُلُّ عَضْوٍ إِلَى مَفْصَلِهِ. (2)

536. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ فَلْيَضَعْ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، ثُمَّ لِيَمَكُثْ حَتَّى يَطْمَئِنَّ كُلُّ عَظْمٍ فِي مَفَاصِلِهِ، ثُمَّ يُسَبِّحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّهُ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مِنْ جَسَدِهِ ثَلَاثَ وَثَلَاثُونَ وَثَلَاثُمِائَةَ عَظْمٍ، وَثَلَاثَ وَثَلَاثُونَ وَثَلَاثُمِائَةَ عِرْقٍ. (3)

537. صحيح ابن حبان عن علقمة بن وائل عن أبيه: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا رَكَعَ فَرَّجَ أَصَابِعَهُ، وَإِذَا سَجَدَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ. (4)

538. سنن ابن ماجه عن وابصة بن معبد: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ إِذَا رَكَعَ سَوَّى ظَهْرَهُ، حَتَّى لَوْ صُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ لَأَسْتَقَرَّ. (5)

539. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَعْتَدِلُ فِي الرُّكُوعِ مُسْتَوِيًّا حَتَّى يُقَالَ:

لَوْ صُبَّ الْمَاءُ عَلَى ظَهْرِهِ لَأَسْتَمَسَكَ، وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَحْدَرَ رَأْسَهُ وَمِنْ كِبَيْهِ فِي الرُّكُوعِ. (6) ر.

ص: 342

1- .مسند ابن حنبل: ج 1 ص 615 ح 2604 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 7 ص 448 ح 19724.

2- .المعجم الكبير: ج 12 ص 325 ح 13566، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 151 ح 2859 وج 5 ص 15 ح 8830 كلّها عن ابن عمر، تاريخ دمشق: ج 9 ص 343، نصب الراية: ج 1 ص 373 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 429 ح 19634.

3- .الفردوس: ج 1 ص 311 ح 1229 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 451 ح 19739.

4- .صحيح ابن حبان: ج 5 ص 248 ح 1920، السنن الكبرى: ج 2 ص 162 ح 2695، سنن الدارقطني: ج 1 ص 339 ح 3 بزيادة «الخمس» في آخره، المعجم الكبير: ج 22 ص 19 ح 26، موارد الظمآن: ص 132، كنز العمال: ج 7 ص 49 ح 17894.

5- .سنن ابن ماجه: ج 1 ص 283 ح 872، المعجم الكبير: ج 12 ص 129 ح 12781؛ معاني الأخبار: ص 280، دعائم الإسلام: ج 1 ص 162 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما «استوى»، بحار الأنوار: ج 76 ص 344 ح 12.

6- .بحار الأنوار: ج 85 ص 118 ح 27 نقلاً عن الذكرى عن إسحاق بن عمّار.

534. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که به رکوع رفتی، کف دستانت را بر زانوانت بگذار تا آرام و بی حرکت گردی.

535. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به کسی که در باره نماز از ایشان پرسیده بود-: هنگامی که به نماز برخاستی و رکوع کردی، دستت را بر زانوانت بگذار و انگشتانت را از هم باز کن. سپس سرت را بالا نگه دار تا هر عضوی در جایش قرار گیرد.

536. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که یکی از شما رکوع می کند، دستانش را بر زانوانش بگذارد و سپس مکث کند تا هر استخوانی در مفصلش ثابت شود. سپس سه بار تسبیح بگوید، که [در این صورت] از پیکرش، سیصد و سی و سه استخوان و سیصد و سی و سه رگ تسبیح خدا می کنند.

537. صحیح ابن حبان - به نقل از علقمة بن وائل، از پدرش -: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که رکوع می کرد، انگشتانش را از هم باز می گذاشت و هنگامی که سجده می کرد، آنها را به هم می چسباند.

538. سنن ابن ماجه - به نقل از وابصة بن معبد -: دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را هنگامی که رکوع می کرد، چنان صاف بود که اگر آب بر پشتش ریخته می شد، همان جا می ماند [و به هیچ سویی نمی لغزید].

539. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام در رکوع، معتدل و صاف بود، تا آن جا که گفته می شد: اگر آب بر پشتش ریخته می شد، آن را نگاه می داشت [و نمی لغزید] و ناپسند می داشت که سر و شانه هایش را در رکوع پایین اندازد.

مستحبات رکوع، چند چیز است:

اول: تکبیر رکوع در حالت ایستاده، و احوط، ترك نکردن آن است....

دوم: بلند کردن دست ها به همان شیوه ای که در تکبیرة الاحرام گفته شده.

سوم: قرار دادن کف دست راست بر زانوی راست و کف دست چپ بر زانوی چپ، در حالی که انگشتان دست، از هم گشوده و زانوان را در برگرفته باشند.

چهارم: مایل کردن زانوها به سمت عقب.

پنجم: صاف نگه داشتن کمر، به حدی که اگر اندکی آب بر آن ریخته شود، در جای خود بماند.

ششم: گردن را موازی کمر نگه داشتن.

هفتم: نگاه کردن به وسط دو پا.

هشتم: نچسبانیدن آرنج ها به پهلوها.

نهم: دست راست را زودتر از دست چپ بر زانوها گذاشتن.

دهم: گذاردن دست ها بر روی ران-بالا تر از زانوها- برای زنان.

یازدهم: تکرار سبحان الله تا سه، پنج و یا هفت بار و بلکه بیشتر.

دوازدهم: ذکرها را فرد گفتن.

سیزدهم: گفتن «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسَلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ

أَنْتَ رَبِّي، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَعَصْبِي وَعِظَامِي وَ مَا أَقَلَّتْ قَدَمَايَ، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ؛ خداوند! رکوعم برای توست. تسلیم تو هستم و به تو ایمان آوردم. به تو توکل کردم. تو پروردگار منی. گوشم، چشمم، مویم، پوستم، گوشتم، خونم، مغزم، رگ و پی ام، استخوان هایم و آنچه پاهایم حمل می کنند، در برابر تو فروتن اند بی هیچ امتناع و سرکشی و در ماندگی) قبل از «سبحان ربی العظیم و بحمده؛ منزّه است پروردگار بزرگم و او را حمد می گویم».

چهاردهم: پس از ایستادن از رکوع گفتن: «سمع الله لمن حمده؛ خداوند، حمد حمدگو را می شنود»؛ بلکه مستحب است، این ذکر را بدان افزودن: «الحمد لله رب العالمين؛ أهل الجبوت والكبرياء والعظمة. الحمد لله رب العالمين؛ حمد، از آن خداوند پروردگار جهانیان است؛ خداوند با جبروت و بزرگی و عظمت. حمد از آن خداوند پروردگار جهانیان است».

امام باشد یا مأموم یا نماز فرادا بخواند، این ذکر را بگوید.

پانزدهم: بالا بردن دست ها هنگام برخاستن از رکوع. این البته غیر از تکبیری است که برای رفتن به سجده گفته می شود.

شانزدهم: پس از ذکر و یا قبل از ذکر رکوع، صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله.

مکروهات رکوع نیز چند چیز است، از جمله: سر را پایین یا بالا نگهداشتن، به گونه ای که هم سطح کمر نباشد و نیز دست ها را به پهلو چسباندن و در رکوع، قرآن خواندن. (1)

ص: 345

540. الإمام الباقر عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: السُّجُودُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمٍ: الْجَبْهَةِ، وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَالْإِبْهَامَيْنِ، وَتُرْغَمُ بِأَنْفِكَ إِرْغَامًا. فَأَمَّا الْفَرْضُ فَهَذِهِ السَّبْعَةُ وَأَمَّا الْإِرْغَامُ بِالْأَنْفِ فَسُنَّةٌ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (1)

541. صحيح البخاري عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: امرت أن أسجد على سبعة أعظم:

عَلَى الْجَبْهَةِ- وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى أَنْفِهِ- وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ. (2)

542. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا سَجَدَ الْعَبْدُ سَجَدَ مَعَهُ سَبْعَةٌ أَرَابٍ (3): وَجْهُهُ، وَكَفَّاهُ، وَرُكْبَتَاهُ، وَقَدَمَاهُ. (4)

543. عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُغْمِضُوا أَعْيُنَكُمْ فِي السُّجُودِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الْيَهُودِ. (5)

544. عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَبْسُطْ ذِرَاعَيْكَ، وَادْعَمْ عَلَى رَاحَتَيْكَ، وَتَجَافَ (6) عَنْ صَبْعَيْكَ (7)، فَإِنَّكَ.

ص: 346

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 299 ح 1204، منتقى الجمان: ج 2 ص 31، الخصال: ص 349 ح 23 كلُّها عن زرارة، الهداية: ص 137 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، قرب الإسناد: ص 22 ح 74 عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وليس فيه ذيله والثلاثة الأخيره نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 954 ح 8137.

2- صحيح البخاري: ج 1 ص 280 ح 779، صحيح مسلم: ج 1 ص 354 ح 230 وفيه «والرجلين» بدل «والركبتين»، سنن النسائي: ج 2 ص 209، سنن الدارمي: ج 1 ص 322 ح 1293، مسند بن حنبل: ج 1 ص 626 ح 2657 عن مسند ابن عباس عن طاوس اليماني، كنز العمال: ج 7 ص 458 ح 19770.

3- آراب: أي أعضاء، واحدها إرب (النهاية: ج 1 ص 36 «أرب»).

4- سنن أبي داود: ج 1 ص 235 ح 891، سنن الترمذي: ج 2 ص 61 ح 272، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 286 ح 885، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 445 ح 1780 كلُّها عن العباس بن عبد المطلب، كنز العمال: ج 7 ص 456 ح 19761؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 197 ح 6، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 455 ذيل ح 5145.

5- الفردوس: ج 5 ص 18 ح 7317 عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 465 ح 19807.

6- يجافي عَضُدِيهِ: أي يباعدهما (النهاية: ج 1 ص 280 «جفا»).

7- الصَّبْعُ: وسط العضد، وقيل: هو ما تحت الإبط، وقيل: الإبط (النهاية: ج 3 ص 73 «صبع»).

اشاره

540. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سجده با هفت استخوان است: پیشانی، دو دست، (1) دو زانو، دو انگشت شست [پا] و بینی ات را نیز بر خاک می نهی». مقدار واجب آن، هفت تاست، و بینی بر خاک نهادن سنتی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله است. (2)

541. صحیح البخاری - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرمان یافته ام که با هفت استخوان سجده کنم: بر پیشانی» و با دستش به بینی اش اشاره نمود «و دو دست و دو زانو و دو سر پاها».

542. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که بنده سجده می کند، هفت استخوان با او سجده می کند: صورتش، کف دستانش، زانوانش و پاهایش.

543. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چشم هایتان را در سجده مبندید که آن، از کارهای یهودیان است.

544. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ساعد دستانت را مگستران و بر کف دستانت تکیه کن و آنها را از

ص: 347

1- در نقل الخصال، به جای «دو دست»، «دو کف» آمده است.

2- در نقل قرب الاسناد، چنین آمده است: «آدمی زاده بر هفت استخوان سجده می کند: دو دستش، دو پایش، دو زانویش و پیشانی اش».

إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ سَجَدَ كُلُّ عَضْوٍ مِنْكَ مَعَكَ. (1)

545. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتَ فَلَا تَبْسُطْ ذِرَاعَيْكَ بَسْطَ السَّبْعِ، وَادْعَمْ عَلَى رَاحَتَيْكَ، وَجَافِ مِرْفَقَيْكَ عَن ضَبْعَيْكَ. (2)

546. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا سَجَدَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَبْرُكُ كَمَا يَبْرُكُ الْجَمَلُ، وَلِيَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ. (3)

547. الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَجَدَ سَجَدَ عَلَى رَاحَتَيْهِ، وَأَبْدَى ضَبْعَيْهِ حَتَّى يَسْتَبِينَ مِنْ خَلْفِهِ بِيَاضِ إِبْطَيْهِ، وَهُوَ مُجَنِّحٌ (4). (5)

548. مسند ابن حنبل عن ميمونة زوج النبي صلى الله عليه وآله: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَجَدَ جَافَى بَيْنَ يَدَيْهِ، حَتَّى يُرَى مِنْ خَلْفِهِ وَضَحٌ (6) إِبْطَيْهِ. (7)

549. صحيح مسلم عن ميمونة زوج النبي صلى الله عليه وآله: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَجَدَ خَوَى بِيَدَيْهِ 5.

ص: 348

1- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 350 ح 827، صحیح ابن حبان: ج 5 ص 242 ح 1914، صحیح ابن خزيمة: ج 1 ص 325 ح 645، موارد الظمآن: ص 134 ح 498، الفردوس: ج 5 ص 70 ح 7488 کلها عن ابن عمر نحوه، کنز العمال: ج 7 ص 464 ح 19798.

2- مجمع الزوائد: ج 2 ص 312 ح 2767، کنز العمال: ج 7 ص 462 ح 19788 كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير عن ابن عمر.

3- السنن الكبرى: ج 2 ص 143 ح 2634، سنن أبي داود: ج 1 ص 222 ح 840، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 324 ح 8964، المجموع للنووي: ج 3 ص 421، المغنی لعبد الله بن قدامة: ج 1 ص 554 کلها عن أبي هريرة نحوه، کنز العمال: ج 7 ص 463 ح 19792.

4- في الحديث: «كان مجتئحاً في سجوده» بتشديد النون: أي رافعاً مرفقيه عن الأرض حال السجود، جاعلاً يديه كالجناحين (مجمع البحرين: ج 1 ص 322 «جنح»).

5- الجعفریات: ص 41 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 452 ح 5146.

6- الوضح: البياض (المصباح المنير: ص 662 «وضح»).

7- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 246 ح 26895، صحیح مسلم: ج 1 ص 357 ح 239، سنن الدارمي: ج 1 ص 325 ح 1304 وليس فيهما «بين يديه»، السنن الكبرى: ج 2 ص 164 ح 2703 عن أبي صالح الجهني نحوه، کنز العمال: ج 7 ص 49 ح 17895.

بغل هایت دور کن، که چون چنین کنی، هر عضو تو همراه تو سجده می کند.

545. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که نماز می خوانی [و به سجده می روی]، ساعد دستانت را مانند درندگان مگستر و بر کف دستانت تکیه کن و آرنج هایت را از بغل هایت دور کن.

546. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که یکی از شما سجده می کند، سینه خود را مانند شتر به زمین نرساند و دستانش را پیش از زانویش بر زمین بگذارد.

547. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سجده می کرد، بر کف دستانش به سجده می رفت و دستانش را مانند بال پرندگان می گشود و آنها را از بغل هایش چنان دور می کرد که سفیدی بغل هایش از پشت سر دیده می شد.

548. مسند ابن حنبل - به نقل از میمون، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله - : پیامبر خدا هنگام سجده، دستانش را [از بغل هایش] دور می کرد، تا آن جا که سفیدی بغل هایش از پشت سر دیده می شد.

549. صحیح مسلم - به نقل از میمون، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله - : پیامبر خدا هنگامی که به سجده

-يَعْنِي جَنَحَ -حَتَّى يُرَى وَصَحَّ إِبْطِيهِ مِنْ وَرَائِهِ، وَإِذَا قَعَدَ اطمأنَّ عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى. (1)

550. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ -صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ- إِذَا سَجَدَ يَتَخَوَّى (2) كَمَا يَتَخَوَّى الْبَعِيرُ الضَامِرُ، يَعْنِي بُرُوكَهُ. (3)

551. عنه عليه السلام: إِذَا سَجَدْتَ فَلَا تَبْسُطَ ذِرَاعَيْكَ كَمَا يَبْسُطُ السَّبُعُ ذِرَاعِيهِ، وَلَكِنْ اجْنَحْ بِهِمَا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُجْنَحُ بِهِمَا (4)، حَتَّى يُرَى بِيَاضَ إِبْطِيهِ. (5)

552. عنه عليه السلام: إِذَا جَلَسْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَجْلِسْ عَلَى يَمِينِكَ، وَاجْلِسْ عَلَى يَسَارِكَ، فَإِذَا سَجَدْتَ فَابْسُطْ كَفَّيْكَ عَلَى الْأَرْضِ، فَإِذَا رَكَعْتَ فَأَلْقِمِ رُكْبَتَيْكَ كَفَّيْكَ. (6)

553. تهذيب الأحكام عن محمد [بن مسلم]: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضَعُ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ إِذَا سَجَدَ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ رَفَعَ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ. (7)

554. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا سَجَدْتَ الْمَرَأَةُ بَسَطَتْ ذِرَاعَيْهَا. (8).

ص: 350

1- صحيح مسلم: ج 1 ص 357 ح 238، سنن النسائي: ج 2 ص 232، سنن الدارمي: ج 1 ص 326 ح 1306، السنن الكبرى: ج 2 ص 164 ح 2706، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 317 ح 7060.

2- في الحديث: «كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخَوِّي [يَتَخَوَّى]...» أَي يَجَافِي بَطْنَهُ عَنِ الْأَرْضِ فِي سَجُودِهِ، بِأَنْ يَجْتَنِبَ بِمَرْفَقِيهِ وَيَرْفَعُهُمَا عَنِ الْأَرْضِ، وَلَا يَفْرَشُهُمَا افْتِرَاشَ الْأَسَدِ، وَيَكُونُ شَبَهَ الْمَعْلُوقِ، وَيَسْمَى هَذَا «تَخْوِيَةً»؛ لِأَنَّهُ أَلْقَى التَّخْوِيَةَ بَيْنَ الْأَعْضَاءِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج 1 ص 564 «خوي»).

3- الكافي: ج 3 ص 321 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 79 ح 296 كلاهما عن حفص الأعور، وسائل الشيعة: ج 4 ص 953 ح 8131.

4- التَّجَنُّحُ فِي الصَّلَاةِ: هُوَ أَنْ يَرْفَعَ سَاعِدِيهِ فِي السُّجُودِ عَلَى الْأَرْضِ وَلَا يَفْتَرِشُهُمَا (النهاية: ج 1 ص 305 «جنح»).

5- بحار الأنوار: ج 85 ص 137 ح 18 نقلاً عن جامع البزنطي عن الحلبي.

6- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 83 ح 307 عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 4 ص 945 ح 8106.

7- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 78 ح 291، الاستبصار: ج 1 ص 325 ح 1215 وليس فيه ذيله.

8- الكافي: ج 3 ص 336 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 94 ح 351، بحار الأنوار: ج 88 ص 129 ح 8 نقلاً عن الذكرى وكلها عن ابن أبي يعفور.

می رفت، با دستانش بال می ساخت، تا آن جا که روشنی بغل هایش از پشت سرش دیده می شد و هنگامی که می نشست، بر ران چپش قرار می گرفت.

550. امام صادق علیه السلام: علی - که درودهای خداوند بر او باد - هنگام سجود، سینه و شکمش را بالای زمین نگه می داشت، همان گونه که شتر لاغر، میان سینه اش را بالا نگه می دارد.

551. امام صادق علیه السلام: هنگامی که سجده کردی، ساعد دستانت را چنان که درندگان بر زمین می گسترانند، مگستران؛ بلکه آنها را شبیه بال، بگشای؛ چرا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آنها بال می ساخت، تا آن جا که سفیدی بغل هایش دیده می شد.

552. امام صادق علیه السلام: هنگامی که در نماز نشستی، بر سمت راستت منشین و بر سمت چپت بنشین و هنگامی که به سجده رفتی، کف دستانت را بر زمین بگستران و هنگامی که رکوع کردی، زانوانت را در کف دستانت بگیر.

553. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن مسلم - : امام صادق علیه السلام را دیدم که هنگام رفتن به سجده، دستانش را پیش از زانوانش بر زمین می نهاد و هنگام برخاستن، زانوانش را پیش از دستانش بلند می کرد.

554. امام صادق علیه السلام: زن هنگام سجده، ساعدهای دستش را [بر زمین] بگسترد.

555. الإمام الباقر عليه السلام: إذا قامت المرأة في الصلاة جمعت بين قدميها ولا تفرج بينهما، وتضم يديها إلى صدرها لِمَكَانِ تَدْيِهَا، فإذا ركعت وضعت يديها فوق ركبتيها على فخذيها؛ لئلا تطأ كثيرًا فترتفع عجزتها، وإذا جلست فعلى إتيها ليس كما يقعد الرجل، وإذا سقطت إلى السجود بدأت بالقعود بالركبتين قبل اليدين، ثم تسجد لاطئة (1) بالأرض، فإذا كانت في جلوسها ضمت فخذيها ورفعت ركبتيها من الأرض، وإذا نهضت انسلت انسلالاً لا ترتفع عجزتها أولاً. (2)

556. الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ: لِأَيِّ عِلَّةٍ تَوْضَعُ الْيَدَانِ عَلَى الْأَرْضِ فِي السُّجُودِ قَبْلَ الرُّكْبَتَيْنِ؟ -: لِأَنَّ الْيَدَيْنِ بِهِمَا مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ. (3)

557. عنه عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُصَلِّي أَنْ يُبَاشِرَ بِجَبْهَتِهِ الْأَرْضَ، وَيُعَفِّرَ وَجْهَهُ فِي التُّرَابِ؛ لِأَنَّهُ مِنَ التَّدْلِيلِ لِلَّهِ عِزُّ وَجَلُّ الْإِكْبَارِ لَهُ. (4) 0.

ص: 352

1- لطنى بالأرض: مثل لصق وزناً ومعنى (المصباح المنير: ص 554 «لطنى»).

2- علل الشرائع: ص 355 ح 1 عن زرارة بن أعين، الكافي: ج 3 ص 335 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 94 ح 350، منتقى الجمال: ج 2 ص 68 كلها عن زرارة من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 88 ص 127 ح 4.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 312 ح 928، علل الشرائع: ص 331 ح 1 كلاهما عن طلحة السلمي، بحار الأنوار: ج 85 ص 184 ح 8.

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 178، بحار الأنوار: ج 85 ص 156 ح 20.

555. امام باقر علیه السلام: هر گاه زن به نماز می ایستد، دو پایش را کنار هم نهد و میان آن دو فاصله ندهد و دستانش را به بالای سینه اش بچسباند، و در رکوع، بر بالای زانوانش و رانش نهد تا زیاد خم نشود و سرینش بالا نیاید. در نشستن، بر سرین بنشیند و نه آن گونه که مرد می نشیند و هنگامی که به سجده می رود، زانوانش را پیش از دستانش بر زمین بگذارد و به زمین بچسبد و سجده کند. در نشستن، ران هایش را به هم بچسباند و زانوانش را از زمین بلند کند و هنگام برخاستن، نرم و آهسته برخیزد و نخست، سرینش را بلند نکند.

556. امام صادق علیه السلام - هنگامی که از ایشان سؤال شد: چرا در سجده دست ها را پیش از زانوها بر زمین می گذارند؟ - زیرا آغاز نماز با [بالا بردن] دست ها [در تکبیر آغازین] است.

557. امام صادق علیه السلام: حق آن است که نمازگزار، پیشانی اش را بدون هیچ حائلی به زمین برساند و صورتش را به خاک بساید که این بخشی از اظهار کوچکی در برابر خدا و بزرگ داشتن اوست.

مستحبات سجده، چند چیزند: اول: تکبیر گفتن هنگام رفتن به سجده از رکوع، نشسته باشد یا ایستاده. دوم: بالا بردن دست ها هنگام تکبیر گفتن. سوم: هنگام افتادن به سجده، دست ها را زودتر بر زمین گذاشتن. چهارم: گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن جایز است؛ بلکه گذاشتن همه اعضای سجده بر آن. پنجم:

گذاشتن نوک بینی بر آنچه سجده بر آن جایز است. ششم: گشودن دست ها موازی گوش ها و رو به قبله، در حالی که تمام انگشتان بدون فاصله در کنار هم قرار گرفته باشند. هفتم: متمرکز کردن نگاه به بینی در سجده. هشتم: پیش از شروع ذکر سجده، خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ أَمَنْتُ وَ لَكَ أَسَلْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي. سَجَدَ وَ جِهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّى سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ خداوند! برای تو سجده کردم. به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم. تو کلمه به توست و تو پروردگار منی. رویم به کسی سجده کرد که او را آفریده و گوش و چشمش را باز کرده. ستایش از آن خداوند، پروردگار جهانیان، است. خجسته است خداوند، بهترین آفریدگار». نهم: تکرار ذکر. دهم:

ذکر را فرد گفتن. یازدهم: از میان ذکرها، تسبیح را اختیار کردن و بلندترین تسبیح را

سه، پنج یا هفت بار گفتن. دوازدهم: سجده بر زمین، بلکه بر خاک، نه بر مانند سنگ و چوب. سیزدهم: برابر بودن سطح سجده گاه پیشانی با نقطه ای که نمازگزار ایستاده؛ بلکه برابر بودن همه تقاطعی که اعضای سجده بر آنها قرار می گیرند.

چهاردهم: دعا کردن در سجده یا در آخرین سجده و خواستن حاجات دنیوی و اخروی، بویژه درخواست روزی حلال با گفتن: «یا خَیْرَ الْمَسْئُولِیْنَ وَ یا خَیْرَ الْمُعْطِیْنَ! ارْزُقْنِیْ وَ ارْزُقْ عِیَالِیْ مِنْ فَضْلِکَ، فَإِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ؛ ای بهترین در خواست شده و ای بهترین دهنده! به من و به خانواده ام از لطفت روزی بده؛ چرا که تو صاحب لطف بزرگی».

پانزدهم: دوزانو نشستن بین دو سجده و پس از دو سجده؛ یعنی بر ران چپ بنشینند و پشت پای راست را درون پای چپ بگذارد.

شانزدهم: بین دو سجده در حال نشسته بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّیْ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ؛ از خداوند، پروردگارم، درخواست آمرزش می کنم و به درگاه او باز می گردم».

هفدهم: تکبیر گفتن پس از سر برداشتن از سجده اول و آرام نشستن و تکبیر گفتن برای رفتن به سجده دوم در حال نشسته.

هجدهم: تکبیر گفتن پس از سر برداشتن از سجده دوم. نوزدهم: بالا بردن دست ها هنگام تکبیر گفتن. بیستم: دست ها را بر روی ران ها گذاشتن هنگام نشستن: دست راست بر ران راست و دست چپ بر ران چپ. بیست و یکم:

فاصله داشتن بدن از زمین هنگام سجده؛ یعنی بالا نگه داشتن شکم از زمین. بیست و دوم: از هم باز بودن اعضای بدن؛ یعنی جدا نگه داشتن مچ و بازوها از پهلو و با فاصله نگه داشتن بین دست ها و بدن، و دست ها را همانند دو بال قرار دادن. بیست و سوم: در سجده ها صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان. بیست و

چهارم: هنگام برخاستن از سجده، زانوها را زودتر از دست‌ها بلند کردن. بیست و پنجم: بین دو سجده این ذکر را گفتن: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَادْفَعْ عَنِّي؛ فَإِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ خداوندا! مرا بیمارز و به من رحم نما، و از من دفاع کن؛ چرا که من به هر آنچه از خوبی برایم می‌فرستی، نیازمندم. خجسته است خداوند پروردگار جهانیان». بیست و ششم: هنگام برخاستن این ذکر را گفتن: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ؛ به توان و نیروی خداوند بر می‌خیزم و می‌نشینم». یا گفتن: «اللَّهُمَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ وَأَقْعُدُ؛ خداوندا! به توان و نیروی تو بر می‌خیزم و می‌نشینم». بیست و هفتم: دست‌ها را هنگام برخاستن گره نکردن؛ یعنی آنها را جفت نکند، بلکه باز نگه دارد و برای برخاستن، به زمین تکیه دهد. بیست و هشتم: زن بر عکس مرد، برای رفتن به سجده، زانوها را پیش از دست‌ها بر زمین بگذارد. همین‌طور مستحب است خود را از زمین دور نگه ندارد؛ بلکه دست‌هایش را روی زمین پهن کند و شکمش را به زمین بچسباند و اعضایش را به هم بچسباند و هنگام برخاستن باسنش را بلند نکند؛ بلکه برخیزد و باسنش را با دیگر اعضای بدنش با هم بلند کند. بیست و نهم: طولانی کردن سجده و زیاد تسبیح و ذکر گفتن. سی‌ام: دست‌ها را بدون حایل و مانع، روی زمین گذاشتن. سی و یکم: پیشانی و نیز دیگر اعضای سجده را زیاد در سجده نگه داشتن. (1)3.

ص: 357

558. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا صلاة لمن لا يصب أنفه من الأرض ما يصب الجبين. (1)

559. عنه صلى الله عليه وآله: إن الله لا يقبل صلاة من لا يصب أنفه الأرض. (2)

560. التاريخ الكبير عن ابن عباس: أتى النبي صلى الله عليه وآله على رجل وهو يصلي، فسجد على جبهته ولا يضع أنفه، فقال: ضع أنفك يسجد معك. (3)

561. رسول الله صلى الله عليه وآله: السجود على الجبهة فريضة، وعلى الأنف تطوع. (4)

562. الإمام الباقر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: السجود على سبعة أعظم: الجبهة، واليدين، والركبتين، والإبهامين، وترغم بأنفك إرغاماً. فأما الفرض فهذه السبعة، وأما الإرغام بالأنف فسنة من النبي صلى الله عليه وآله. (5)

563. رسول الله صلى الله عليه وآله: من لم يلزق أنفه مع جبهته بالأرض إذا سجد، لم تجز صلاته. (6)

راجع: ح 540.2.

ص: 358

1- سنن الدارقطني: ج 1 ص 348 ح 3، السنن الكبرى: ج 2 ص 150 ح 2652 وفيه «يمس» بدل «يصب» في الموضوعين وكلاهما عن ابن عباس، المصنف لعبد الرزاق: ج 2 ص 182 ح 2982 عن عكرمه نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 465 ح 19803؛ الكافي: ج 3 ص 333 ح 2 عن الإمام الصادق عليه السلام تهذيب الأحكام: ج 2 ص 298 ح 1202 عن عمار عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 197 ذيل ح 1.

2- المعجم الكبير: ج 25 ص 55 ح 120، المعجم الأوسط: ج 5 ص 89 ح 4758، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 342 الرقم 1907، الفردوس: ج 1 ص 166 ح 612 كلها عن أم عطية، كنز العمال: ج 7 ص 459 ح 19775.

3- التاريخ الكبير: ج 8 ص 453، السنن الكبرى: ج 2 ص 151 ح 2656 وفيه ذيله، تهذيب الآثار: ج 1 ص 187 ح 9، تاريخ إصبهان: ج 1 ص 234 الرقم 365 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 459 ح 19774.

4- الفردوس: ج 2 ص 345 ح 3561 عن أبي هريرة.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 299 ح 1204، منتقى الجمان: ج 2 ص 31، الخصال: ص 349 ح 23 كلها عن زرارة، الهداية: ص 137 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، قرب الإسناد: ص 22 ح 74 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام والثلاثة الأخيرة نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 954 ح 8137.

6- المعجم الكبير: ج 11 ص 263 ح 11917، المعجم الأوسط: ج 4 ص 250 ح 4111 وفيه «لم تقبل» بدل «لم تجز»، نصب الراية: ج 1 ص 382، عمدة القاري: ج 6 ص 91 نحوه وكلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 7 ص 464 ح 19802.

558. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بینی اش را همچون پیشانی به زمین نرساند، نماز [کامل] ندارد.

559. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نماز کسی را که بینی اش را به زمین نمی رساند، [به عنوان نماز کامل] نمی پذیرد.

560. التاریخ الکبیر - به نقل از ابن عباس - : پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردی که نماز می خواند، گذر کرد.

او در سجده، پیشانی اش را بر زمین می نهاد؛ ولی بینی اش را نه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«بینی ات را بر زمین بگذار تا با تو سجده کند».

561. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سجده بر پیشانی، واجب و بر بینی، مستحب است.

562. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سجده با هفت استخوان است: پیشانی، دو دست، دو زانو و دو انگشت شست پا». بینی ات را نیز خوب به زمین می رسانی؛ ولی واجب، همین هفت عضو است و به زمین رساندن بینی، سنتی از پیامبر صلی الله علیه و آله است. (1)

563. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بینی اش را با پیشانی اش در سجده به زمین نچسباند، نمازش کامل نیست.

ر.ك: ح 540.

ص: 359

1- .در نقل الخصال، این حدیث، به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منسوب نشده است.

564. سنن أبي داود عن عقبة بن عامر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَكَعَ قَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثًا، وَإِذَا سَجَدَ قَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثًا. (1)

565. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»، وَذَلِكَ أَدْنَاهُ. وَإِذَا سَجَدَ فَلْيَقُلْ: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى» ثَلَاثًا، وَذَلِكَ أَدْنَاهُ. (2)

566. عنه صلى الله عليه وآله: سَبَّحُوا ثَلَاثَ تَسْبِيحَاتٍ رُكُوعًا، وَثَلَاثَ تَسْبِيحَاتٍ سُجُودًا. (3)

567. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ حَافِظٌ عَلَى سَبْعِ تَسْبِيحَاتٍ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ وَسَجْدَةٍ مِنَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. (4)

568. الكافي عن أبي بكر الحضرمي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ حُدَّ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: تُسَبِّحُ فِي الرُّكُوعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، وَفِي السُّجُودِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَمَنْ نَقَصَ وَاحِدَةً نَقَصَ ثُلُثَ صَلَاتِهِ، وَمَنْ نَقَصَ ثِنْتَيْنِ نَقَصَ ثُلْثَيْ صَلَاتِهِ، وَمَنْ لَمْ يُسَبِّحْ 2.

ص: 360

1- .سنن أبي داود: ج 1 ص 230 ح 870، السنن الكبرى: ج 2 ص 122 ح 2556، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 287 ح 888، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 87 ح 23371 وليس فيهما «ثلاثاً»، سنن الدارقطني: ج 1 ص 341 ح 1 والثلاثة الأخيرة عن حذيفة، كنز العمال: ج 7 ص 48 ح 17893.

2- .سنن أبي داود: ج 1 ص 234 ح 887، سنن الترمذي: ج 2 ص 47 ح 261، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 288 ح 890 السنن الكبرى: ج 2 ص 123 ح 2558 المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 281 ح 19 كلّها عن عبد الله بن مسعود نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 448 ح 19725.

3- .السنن الكبرى: ج 2 ص 123 ح 2559، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 280 ح 10 كلاهما عن حاتم بن إسماعيل عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، كنز العمال: ج 7 ص 451 ح 19738؛ الجعفریات: ص 50، النوادر للراوندي: ص 243 ح 501 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 68 ح 37.

4- .تاريخ دمشق: ج 22 ص 444 ح 4987 عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج 7 ص 452 ح 19742.

564. سنن ابی داوود - به نقل از عقبه بن عامر - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که رکوع می کرد، سه بار می گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده؛ پروردگار بزرگم را منزه می دارم و می ستایم»، و هنگامی که سجده می کرد، سه بار می گفت: «سبحان ربی الاعلی و بحمده؛ پروردگار برترم را منزه می دارم و می ستایم».

565. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما که رکوع می کند، سه بار بگوید: «سبحان ربی العظیم» و این، کمترین اندازه آن است، و هنگامی که سجده می کند، سه بار بگوید: «سبحان ربی الاعلی» و این، کمترین اندازه آن است.

566. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه تسبیح در رکوع و سه تسبیح در سجود بگویید.

567. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر گفتن هفت تسبیح در هر رکوع و سجود نماز واجب مواظبت ورزد، خداوند، او را به بهشت وارد می کند.

568. الکافی - به نقل از ابو بکر حضرمی - امام باقر علیه السلام فرمود: «می دانی حدّ رکوع و سجود چیست؟».

گفتم: نه.

فرمود: «در رکوع، سه مرتبه "سبحان ربی العظیم و بحمده" می گویی و در سجود، سه مرتبه "سبحان ربی الاعلی و بحمده". پس هر کس یکی کمتر بگوید، يك سوم نمازش را نیاورده است و هر کس دو تا کمتر بگوید، دو سوم نماز را کم

569. تهذيب الأحكام عن هشام بن سالم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، فَقَالَ: يَقُولُ فِي الرُّكُوعِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»، وَفِي السُّجُودِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»، الْفَرِيضَةُ مِنْ ذَلِكَ تَسْبِيحَةٌ وَاحِدَةٌ، وَالسُّنَّةُ ثَلَاثٌ، وَالْفَضْلُ فِي سَبْعٍ. (2)

570. تهذيب الأحكام عن معاوية بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْفُ مَا يَكُونُ مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الصَّلَاةِ؟ قَالَ: ثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ مُتْرَسَلًا، تَقُولُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ». (3)

571. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يُجْزِي الرَّجُلَ فِي صَلَاتِهِ أَقَلُّ مِنْ ثَلَاثِ تَسْبِيحَاتٍ أَوْ قَدْرِهِنَّ. (4)

572. الكافي عن عبد الله بن سليمان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ إِمَّا رَاكِعًا وَإِمَّا سَاجِدًا، فَيَصَلِّي عَلَيْهِ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَهَيْئَةِ التَّكْبِيرِ وَالتَّسْبِيحِ، وَهِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ يَتَدْرُهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مَلَكًا أَيُّهُمْ يُبَلِّغُهَا إِلَيْهِ. (5)

573. علل الشرائع عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ 0.

ص: 362

1- الكافي: ج 3 ص 329 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 157 ح 615 وص 80 ح 300، الاستبصار: ج 1 ص 324 ح 1213 كلاهما نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 924 ح 8027.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 76 ح 282، الاستبصار: ج 1 ص 323 ح 1204، عوالي اللآلي: ج 3 ص 92 ح 97، وسائل الشيعة: ج 4 ص 923 ح 8021.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 77 ح 288، منتقى الجمان: ج 2 ص 30، وسائل الشيعة: ج 4 ص 925 ح 8031.

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 79 ح 297، منتقى الجمان: ج 2 ص 47 كلاهما عن مسمع، وسائل الشيعة: ج 4 ص 926 ح 8033.

5- الكافي: ج 3 ص 322 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 299 ح 1206، منتقى الجمان: ج 2 ص 75 كلاهما عن عبد الله بن سنان، وسائل الشيعة: ج 4 ص 943 ح 8100.

گذاشته است و هر کس تسبیح نکرد، نمازی ندارد».

569. تهذیب الأحکام - به نقل از هشام بن سالم - از امام صادق علیه السلام تسبیح رکوع و سجود را پرسیدم. فرمود: «[نمازگزار] در رکوع می گوید: "سبحان ربّی العظیم" و در سجود می گوید: "سبحان ربّی الأعلی". تعداد واجبش یک تسبیح، سه بار، سنّت، و فضیلت در هفت بار است» (1).

570. تهذیب الأحکام - به نقل از معاویه بن عمّار - به امام صادق علیه السلام گفتم: مختصرترین تسبیح در نماز چیست؟ فرمود: «سه تسبیح. شمرده می گویی: سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله».

571. امام صادق علیه السلام: برای نمازگزار، کمتر از سه تسبیح یا ذکرى به همین اندازه، کفایت نمی کند.

572. الکافی - به نقل از عبد الله بن سلیمان - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی در رکوع یا سجود نماز واجب، پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد می کند. در همان حال، صلوات بفرستد؟

فرمود: «بلی؛ همانا صلوات بر پیامبر خدا همچون تکبیر و تسبیح است و آن، ده حسنه است که هجده فرشته برای رساندنش به او بر یکدیگر پیشی می گیرند».

573. علل الشرائع - به نقل از هشام بن حکم، در گفتگو با امام کاظم علیه السلام در حدیثی - گفتم:

چرا در رکوع گفته می شود: «سبحان ربّی العظیم و بحمده» و در سجود گفته می شود: «».

ص: 363

1- در نقل عوالی اللآلی، چنین آمده است: «هفت بار، افضل است».

يُقَالُ فِي الرُّكُوعِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» وَيُقَالُ فِي السُّجُودِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»؟ فَقَالَ: يَا هِشَامُ... فَلَمَّا اسْرَى بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى... فَلَمَّا ذَكَرَ مَا رَأَى مِنْ عَظَمَةِ اللَّهِ ارْتَعَدَتْ فَرَانِصُهُ (1)، فَأَبْتَرَكَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ يَقُولُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، فَلَمَّا اعْتَدَلَ مِنْ رُكُوعِهِ قَائِمًا، نَظَرَ إِلَيْهِ فِي مَوْضِعٍ أَعْلَى مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ خَرَّ عَلَى وَجْهِهِ وَجَعَلَ يَقُولُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»، فَلَمَّا قَالَهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ سَكَنَ ذَلِكَ الرَّعْبُ، فَلِذَلِكَ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ. (2)

574. الإمام الرضا عليه السلام: فَإِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَلِمَ جُعِلَ التَّسْبِيحُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ؟

قِيلَ: لِإِعْلَالِ، مِنْهَا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مَعَ خُضُوعِهِ وَخُشُوعِهِ وَتَعَبُّدِهِ وَتَوَزُّعِهِ وَاسْتِكَانَتِهِ وَتَدَلُّلِهِ وَتَوَاضُّعِهِ وَتَقَرُّبِهِ إِلَى رَبِّهِ مُقَدِّسًا لَهُ مُمَجَّدًا مَسْبُوحًا مُعَظَّمًا شَاكِرًا لِخَالِقِهِ وَرَازِقِهِ، وَلَيْسَتْ عَمَلِ التَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ كَمَا اسْتَعْمَلَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلَ، وَلَيْشَغَلْ قَلْبَهُ وَذِهْنَهُ بِذِكْرِ اللَّهِ وَلَمْ يَذْهَبْ بِهِ الْفِكْرُ وَالْأَمَانِيُّ غَيْرَ اللَّهِ. (3)

5-6/5 الدُّعَاءُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ

575. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي قَدْ نَهَيْتُ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظَّمُوا اللَّهَ فِيهِ، وَأَمَّا السُّجُودُ فَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الدُّعَاءِ؛ فَإِنَّهُ قَمِينٌ (4) أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ. (5) 9.

ص: 364

1- الفرائض: عصب الرقبة وعروقها (النهاية: ج 3 ص 431 «فرص»).

2- علل الشرائع: ص 332 ح 4، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 314 نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 369 ح 75.

3- علل الشرائع: ص 260 ح 9، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 107 ح 1 نحوه وكلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج 6 ص 68 ح 1.

4- قَمِينٌ: جدير وحقيق (المصباح المنير: ص 517 «قمن»).

5- معاني الأخبار: ص 279، عوالي اللآلي: ج 1 ص 344 ح 118 عن الإمام علي عليه السلام، سنن السنائي: ج 2 ص 218، السنن الكبرى: ج 2 ص 158 ح 2685 نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 343 ح 12؛ صحيح مسلم: ج 1 ص 348 ح 207، سنن أبي داود: ج 1 ص 232 ح 876 كلُّها عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 368 ح 41409.

فرمود: «ای هشام!... شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به معراج بردند و به اندازه فاصله دو خم کمان یا کمتر، از خدایش فاصله داشت... هنگامی که عظمت خداوند به یادش آمد، چهار ستون بدنش به لرزه آمد و بر زانویش خم شد و به گفتن "سبحان ربی العظیم و بحمده" آغاز کرد، و هنگامی که از رکوعش راست برخاست و به خداوند در مرتبه ای والاتر نگریست، سر فرود آورد و آغاز به گفتن "سبحان ربی الأعلیٰ و بحمده" کرد و هنگامی که آن را هفت بار گفت، از آن بیم و هراس آرام گرفت. از این رو، سنت، این شد.

574. امام رضا علیه السلام: اگر گفته شود: «چرا تسبیح و رکوع و سجود، واجب شده است؟»، (1) گفته می شود: به چند علت، از جمله این که بنده با افتادگی و فروتنی و بندگی و پارسایی و خواری و سرشکستگی و تواضع و نزدیکی به پروردگارش، به تقدیس و تمجید و تنزیه و بزرگداشت و سپاس گذاری آفریننده و روزی دهنده اش می پردازد، و برای این که تسبیح و سپاس گذاری نیز بکند، همان گونه که تکبیر و تهلیل کرده است.

همچنین دل و ذهنش را به یاد خدا مشغول دارد و فکر و خیال و آرزوهایش، او را به سوی غیر خدا نکشانند.

5-6/5 دعا در رکوع و سجود

575. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا من از قرائت [قرآن] در رکوع و سجود، نهی شدم. پس در رکوع، خداوند را بزرگ بشمارید و در سجود، بسیار دعا کنید، که سزاوار بر آورده شدن برای شماست.

ص: 365

1- در عیون أخبار الرضا علیه السلام، چنین آمده است: «چرا تسبیح در رکوع و سجود، واجب شده است؟» و این، درست تر می نماید.

576. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ. (1)

577. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا رَكَعَ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسَلَمْتُ، أَنْتَ رَبِّي، خَشَعَ سَمْعِي وَبَصْرِي وَمُخِّي وَعَظْمِي وَعَصَبِي وَمَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (2)

578. صحيح مسلم عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. (3)

579. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ وَهُوَ سَاجِدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي» لَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ. (4)

580. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقِيَامِهِ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَالْقِيَامِ. (5)

581. عنه عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرَكَعَ فَقُلْ وَأَنْتَ مُنْتَصِبٌ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ثُمَّ ارْكَعْ وَقُلْ: 6.

ص: 366

1- الإصابة: ج 2 ص 385 الرقم 2599 عن ربيعة بن الحارث بن نوفل، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 280 ح 7 عن عاصم بن ضمرة عن الإمام علي عليه السلام من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 452 ح 19741 نقلاً عن الحسن بن سفيان عن ربيعة بن الحارث بن نوفل.

2- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 252 ح 960، صحيح مسلم: ج 1 ص 535 ح 201، سنن الترمذي: ج 5 ص 488 ح 3433، سنن أبي داود: ج 1 ص 202 ح 760 المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 163 ح 2903 وليس فيها ذيله من «و ما استقلت...» وكلّها عن عبيد الله بن أبي رافع، كنز العمال: ج 8 ص 223 ح 22660.

3- صحيح مسلم: ج 1 ص 353 ح 223، سنن أبي داود: ج 1 ص 230 ح 872، سنن النسائي: ج 2 ص 224، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 277 ح 24118، السنن الكبرى: ج 2 ص 124 ح 2562.

4- كنز العمال: ج 7 ص 465 ح 19808 نقلاً عن أبي عبد الله بن مخلد الدوري العطار في جزئه والديلمي عن أبي سعيد.

5- الكافي: ج 3 ص 324 ح 13، ثواب الأعمال: ص 56 ح 1، بشارة المصطفى: ص 193 كلّها عن أبي حمزة الشمالي، بحار الأنوار: ج 85 ص 108 ح 16.

576. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما که رکوع می کند، بگوید: «خدایا! برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم».

577. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که رکوع می کرد، می فرمود: «خدایا! برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و فرمان تو را بردم. تو پروردگار منی. گوش و چشم و مغز و استخوانم، رگ و پی و آنچه پاهایم حمل می کنند، از آن خداوند پروردگار جهانیان است».

578. صحیح مسلم - به نقل از عایشه - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش می گفت: «بسی پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح [اعظم]».

579. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حال سجده سه بار بگوید: «خدایا! مرا بیامرزد»، سرش را بلند نکرده، آمرزیده می شود.

580. امام باقر علیه السلام: هر کس در رکوع و سجود و قیامش بگوید: «خداوند بر محمد و خاندانش درود فرستد»، خداوند [پاداشی] همچون رکوع و سجود و قیام برایش می نویسد.

581. امام باقر علیه السلام: هر گاه خواستی به رکوع بروی، در همان حال که ایستاده ای، تکبیر بگو.

سپس رکوع کن و سه بار آرام و شمرده بگو: «خدایا! برای تو رکوع کردم و تسلیم تو

«اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي، خَشَعْتُ لَكَ قَلْبِي وَسَمِعْتُ بِصَوْتِي وَبَشَّرْتُ بِوَسْمِي وَلَحَمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَعِظَامِي وَعَصَبِي وَمَا أَفَلَّتُهُ قَدَمَايَ، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي تَرْتِيلٍ.

وَتَصُفُّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرٍ، وَتُمْكِنُ رَاحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ، وَتَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِكَ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى، وَبَلِّعْ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ، وَفَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَصَدَّعْتَهَا عَلَى رُكْبَتَيْكَ، وَأَقِمَّ صَدِّ لِمَبِّكَ، وَمُدَّ عُنُقَكَ، وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ، ثُمَّ قُلْ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» وَأَنْتَ مُنْتَصِبٌ قَائِمٌ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَهْلِ الْجَبَرُوتِ وَالْكَبْرِيَاءِ، وَالْعِظْمَةِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تَجَهَّرُ بِهَا صَوْتَكَ ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَتَحْرُسُ سَاحِدًا. (1)

6-5/6 إتمام الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَإِطَالَتُهُمَا

582. مُسْتَطَرَفَاتِ السَّرَائِرِ عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهُمَا أَفْضَلُ فِي الصَّلَاةِ:

كَثْرَةُ الْقِرَاءَةِ، أَوْ طَوْلُ اللَّبْثِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؟

قَالَ: فَقَالَ: كَثْرَةُ اللَّبْثِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ فِي الصَّلَاةِ أَفْضَلُ، أَمَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ»؟ (2) إِنَّمَا عَنَى بِإِقَامَةِ الصَّلَاةِ طَوْلَ اللَّبْثِ 0.

ص: 368

1- الكافي: ج 3 ص 319 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 77 ح 289 كلاهما عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 311 ح 927، المقنعة: ص 105 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 163 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، وفيها صدره إلى «ثلاث مرات»، بحار الأنوار: ج 85 ص 115 ح 21.

2- المزمّل: 20.

هستم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و تویی پروردگار من. دل و گوش و چشم و مو و پوست و گوشت و خون و مغز و استخوان و رگ و پی ام، و آنچه پاهایم حمل می کنند، در برابر تو خاشع اند، بی هیچ امتناع و سرکشی و درماندگی.

پروردگار بزرگم را تسبیح می کنم و می ستایم».

در رکوع، دو پایت را در يك ردیف و با فاصله يك وجب، می نهی و دو زانویت را با کف دستانت می گیری و دست راستت را بر زانوی راست می گذاری پیش از گذاشتن دست چپت بر زانوی چپ، و با سر انگشتانت، برآمدگی زانویت را نیک در بر گیر و هنگامی که انگشتانت را بر زانو نهادی، آنها را از هم باز کن. کمر و گردنت را کشیده و صاف نگاه دار و نگاهت به میان دو قدمت باشد. سپس در حالی که راست ایستاده ای، بگو: «خداوند به هر که او را بستاید، گوش می دهد»، «سپاس، پروردگار جهانیان را که شایسته قدرت و کبریایی است. بزرگی، ویژه خداوند، پروردگار جهانیان است». صدایت را بدان بلند می کنی و سپس دست هایت را به تکبیر بالا می بری و به سجده می افتی.

6-5/6 کامل آوردن و طول دادن رکوع و سجود

582. مستطرفات السرائر - به نقل از بُرید عجلی - : به امام باقر علیه السلام گفتم: کدام يك در نماز بهتر است: قرائت بسیار، یا طول دادن رکوع و سجود؟

فرمود: «طول دادن رکوع و سجود در نماز، بهتر است. آیا گفته خدای عزیز و جلیل را نشنیده ای: «پس آن اندازه که آسان است، از آن (قرآن) بخوانید و نماز را بر پا دارید».

ص: 369

583. تهذيب الأحكام عن سَمَاعَةَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ هَلْ نَزَلَ فِي الْقُرْآنِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا». (2)

فَقُلْتُ: كَيْفَ حَدُّ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؟

فَقَالَ: أَمَّا مَا يُجْزِيكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ، تَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ -ثَلَاثًا-، وَمَنْ كَانَ يَقْوَى عَلَى أَنْ يُطَوَّلَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ فَلْيُطَوِّلْ مَا اسْتَطَاعَ، يَكُونُ ذَلِكَ فِي تَسْبِيحِ اللَّهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَمْجِيدِهِ وَالِدُعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ، فَإِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَمَّا الْإِمَامُ فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ بِالنَّاسِ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يُطَوِّلَ بِهِمْ فَإِنَّ فِي النَّاسِ الضَّعِيفَ وَمَنْ لَهُ الْحَاجَةُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ خَفَّ بِهِمْ. (3)

584. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحِشَّةٌ فِي الْقَبْرِ. (4)

585. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسُ: يَا وَيْلَاهُ! أَطَاعَ وَعَصَيْتُ، وَسَجَدَ وَأَبَيْتُ. (5)

ص: 370

1- . مستطرفات السرائر: ص 88 ح 38، فلاح السائل: ص 80 ح 17، بحار الأنوار: ج 84 ص 223 ح 9.

2- . الحج: 77.

3- . تهذيب الأحكام: ج 2 ص 77 ح 287، الاستبصار: ج 1 ص 324 ح 1211 وفيه صدره إلى «سبحان الله ثلاثاً»، وسائل الشيعة: ج 4 ص 926 ح 8032.

4- . الكافي: ج 3 ص 321 ح 7، ثواب الأعمال: ص 55 ح 1، الدعوات: ص 276 ح 795 كلَّها عن سعيد بن جناح، بحار الأنوار: ج 6 ص 244 ح 71.

5- . الكافي: ج 3 ص 264 ح 2 عن زيد الشحام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 210 ح 638، ثواب الأعمال: ص 56 ح 1 عن معاوية بن عمَّار نحوه، دعائم الإسلام: ج 1 ص 136، عوالي اللآلي: ج 1 ص 352 ح 10 نحوه، بحار الأنوار: ج 63 ص 221 ح 65.

مقصود از بر پا داشتن نماز، طول دادن رکوع و سجود است».

583. تهذیب الأحكام - به نقل از سماعه - از ایشان (1) پرسیدم: آیا رکوع و سجود در قرآن نازل شده است؟

فرمود: «بلی، سخن خدای عز و جل: «ای ایمان آورندگان! رکوع و سجود کنید»».

گفتم: حدّ رکوع و سجود چیست؟

فرمود: «آنچه از رکوع کفایت می کند، سه تسبیح است. می گویی: "سبحان الله، سبحان الله" تا سه بار و هر کس که توان طول دادن رکوع و سجودش را دارد، آن دو را تا آن جا که می تواند، با تسبیح و ستایش و بزرگداشت خداوند و دعا و زاری طول بدهد که بنده در سجده از هر وقت دیگر به پروردگارش نزدیک تر است؛ اما هنگامی که امام جماعت با مردم نماز می خواند، سزاوار نیست که نماز را برای آنان طول بدهد؛ زیرا در میان مردم، اشخاص ناتوان و گرفتار هستند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که با مردم نماز می خواند، بر آنان سبک می گرفت» (2).

584. امام باقر علیه السلام: هر کس رکوعش را کامل بگذارد، گرفتار وحشت قبر نمی شود.

585. امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده سجده کند و آن را طول دهد، ابلیس فریاد بر می آورد: «ای وای! او اطاعت کرد و من سرپیچی کردم. او سجده کرد و من خودداری کردم».

ص: 371

-
- 1- حدیث شناسان به این گونه احادیث، «مضمّر» می گویند؛ زیرا راوی، گوینده سخن را با ضمیر یاد کرده است. تحقیقات گسترده، گوینده برخی از این احادیث را معین کرده که در این جا به احتمال فراوان، مقصود، امام صادق علیه السلام است. (م)
 - 2- در الاستبصار، حدیث فقط تا «سه بار سبحان الله» آمده است.

586. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَأَحْسِنُوا الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ. (1)

587. الكافي عن زرارة: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمَهُنَّ (2) الْمُؤْمِنُ كَانَتْ زِيَادَةً فِي عُمرِهِ وَبَقَاءِ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: نَطْوِيئُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَنَطْوِيئُهُ لِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا أَطْعَمَ عَلَى مَا نَدَيْتَهُ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ إِلَى أَهْلِهِ. (3)

588. الإمام الكاظم عليه السلام - في كتابه إلى بعض أصحابه -: إِذَا صَلَّيْتَ فَأَطِّلِ السُّجُودَ. (4)

راجع: ج 2/ح 976.

7-5/ كَيْفِيَّةُ رَفْعِ الرَّأْسِ مِنْهُمَا وَالْجِلْسَةَ وَالْقِيَامَ

589. سنن أبي داود عن عبد الله بن أبي أوفى: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ يَقُولُ «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». (5)

590. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَلَا تُقَعِّ (6) كَمَا يَقْعِي الْكَلْبُ، ضَعِ إِلَيْتِكَ).

ص: 372

1- الأمامي للطوسي: ص 679 ح 1441، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 83 كلاهما عن خالد أبي علي، بحار الأنوار: ج 71 ص 187 ح 50.

2- في وسائل الشيعة: «إِنْ تَعْلَمَهُنَّ».

3- الكافي: ج 4 ص 49 ح 15، المواعظ العددية: ص 179، وسائل الشيعة: ج 4 ص 928 ح 8040.

4- الكافي: ج 3 ص 328 ح 25 عن زياد القندي، بحار الأنوار: ج 86 ص 232 ح 56.

5- سنن أبي داود: ج 1 ص 223 ح 846، سنن الترمذي: ج 2 ص 53 ح 266 عن عبيد الله بن أبي رافع عن الإمام علي عليه السلام، سنن

ابن ماجه: ج 1 ص 284 ح 878، سنن النسائي: ج 2 ص 195 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 452 ح 19743؛ دعائم الإسلام: ج 1 ص

163، بحار الأنوار: ج 85 ص 115 ح 21 وراجع الأمامي للصدوق: ص 400 ح 516.

6- ألقى: ألصق إيتيه بالأرض (المصباح المنير: ص 510 «ألقى»).

586. امام صادق علیه السلام: از خداوند، پروا کنید و رکوع و سجود را نیکو به جا بیاورید.

587. الکافی - به نقل از زراره-: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «سه چیز است که اگر شخص باایمان بداند، (1) سبب افزایش عمر و پایداری نعمتش می گردد».

گفتم: آنها چیستند؟

فرمود: «رکوع و سجودش را در نماز و نشستن بر سفرهٔ مهمانی اش را طول بدهد و به خانواده اش احسان کند».

588. امام کاظم علیه السلام - در نامه ای به یکی از یارانش - : هنگام نماز، سجده را طول بده.

ر.ك: ج 2/ح 976.

7-6/5 چگونه سر بر داشتن از رکوع و سجده و نشستن و بلند شدن

589. سنن ابي داوود - به نقل از عبد الله بن ابي اوفى - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که سرش را از رکوع بر می داشت، می گفت: «خداوند به ثناگویش گوش می دهد. خدایا، ای پروردگار ما! ستایش، ویژهٔ توست».

590. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که سرت را از سجده برداشتی، مانند نشستن سگ،

ص: 373

1- در وسائل الشیعة چنین آمده: «سه چیز است که اگر شخص با ایمان آنها را بیاموزد».

591. عنه صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، أَحَبُّ لَكَ مَا أَحَبُّ لِنَفْسِي، وَأَكْرَهُ لَكَ مَا أَكْرَهُ لِنَفْسِي، لَا تُقَعِّبَنَّ السَّجْدَتَيْنِ. (2)

592. عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُجْزِئُ صَلَاةَ الرَّجُلِ حَتَّى يُقِيمَ ظَهْرَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ. (3)

593. عنه صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ! لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُقِيمُ صُلْبَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ. (4)

594. مسند ابن حنبل عن أبي قلابة: جَاءَ أَبُو سَدِّ لَيْمَانَ مَالِكُ بْنُ الْحُوَيْرِثِ إِلَى مَسْجِدِنَا، فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأُصَلِّي وَمَا أَرِيدُ الصَّلَاةَ، وَلَكِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَرِيكُمْ كَيْفَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي. قَالَ: فَقَعَدَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى حِينَ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ ثُمَّ قَامَ. (5)

ص: 374

-
- 1- سنن ابن ماجة: ج 1 ص 289 ح 896، تهذيب الكمال: ج 22 ص 508 الرقم 4569 وليس فيه ذيله من «ضع إيتيك»، نصب الراية: ج 2 ص 92، الفردوس: ج 1 ص 281 ح 1102 كلَّها عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 460 ح 19782؛ بحار الأنوار: ج 85 ص 188.
 - 2- سنن الترمذي: ج 2 ص 72 ح 282، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 308 ح 1243، السنن الكبرى: ج 3 ص 301 ح 5790 كلاهما نحوه وكلَّها عن الحارث عن الإمام عليٍّ عليه السلام، سبل الهدى والرشاد: ج 11 ص 298 نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 461 ح 19785؛ بحار الأنوار: ج 85 ص 189 نقلاً عن البغوي.
 - 3- سنن أبي داود: ج 1 ص 226 ح 855، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 68 ح 17072، السنن الكبرى: ج 2 ص 169 ح 2723 كلاهما نحوه، الاستذكار: ج 2 ص 165، التمهيد لابن عبد البر: ج 19 ص 6 كلَّها عن أبي مسعود البدرى، كنز العمال: ج 7 ص 449 ح 19728.
 - 4- سنن ابن ماجة: ج 1 ص 282 ح 871، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 495 ح 16297، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 300 ح 593، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 321 ح 2، السنن الكبرى: ج 3 ص 149 ح 5213 كلَّها عن عليٍّ بن شيبان، كنز العمال: ج 7 ص 449 ح 19729.
 - 5- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 305 ح 15599، سنن أبي داود: ج 1 ص 194، سنن النسائي: ج 2 ص 234، سنن الدار قطنى: ج 1 ص 345 ح 8، المعجم الكبير: ج 18 ص 295.

نشیمنگاهت را به زمین نگذار؛ بلکه آن را روی کف پاهایت بگذار و روی پاهایت را به زمین بچسبان.

591. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! من آنچه برای خودم دوست دارم، برای تو نیز دوست می دارم و آنچه را برای خود نمی پسندم، برای تو نیز نمی پسندم. میان دو سجده، به گونه ای منشین که نشیمنگاهت را به زمین بگذاری.

592. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز انسان از او کفایت نمی کند تا آن که پشتش را در رکوع و سجود، استوار [و صاف] بدارد.

593. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مسلمانان! کسی که پشتش را در رکوع و سجود صاف و راست نگاه ندارد، نمازی درست ندارد.

594. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو قلابه -: ابو سلیمان مالک بن حویرث به مسجدمان آمد و گفت: به خدا سوگند، من نماز می خوانم؛ اما قصد نماز خواندن ندارم؛ بلکه می خواهم به شما نشان دهم که چگونه دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواند. او در رکعت اول، هنگامی که سرش را از سجده دوم برداشت، نشست و سپس برخاست.

ص: 375

595. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَأَقِمِ صَلْبَكَ، فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُقِيمُ صَلْبَهُ. (1)

596. تهذيب الأحكام عن الأصمغ بن نباتة: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَعَدَ حَتَّى يَطْمَئِنَّ ثُمَّ يَقُومُ (2). (3)

597. الإمام علي عليه السلام: اجلسوا في الركعتين حتى تسكن جوارحكم ثم قوموا، فإن ذلك من فعلنا. (4)

598. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى حِينَ تُرِيدُ أَنْ تَقُومَ، فَاسْتَوْجِلِ سَاءَ ثُمَّ قُمْ. (5)

599. عنه عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَهَضَ مِنَ الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ، قَالَ: بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ وَأَقْعُدُ. (6)

600. عنه عليه السلام: إِذَا قُمْتَ مِنَ الرُّكْعَةِ فَأَعْتَمِدْ عَلَى كَفِّكَ، وَقُلْ: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ» 9.

ص: 376

1- الكافي: ج 3 ص 320 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 78 ح 290 كلاهما عن أبي بصير، معاني الأخبار: ص 280، الكافي: ج 3 ص 320 ح 4، المحاسن: ج 1 ص 160 ح 227 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليهما السلام نحوه وليس في الثلاثة الأخيرة صدره إلى «صلبك»، بحار الأنوار: ج 85 ص 107 ذيل ح 14.

2- الأحوط عدم ترك جلسة الاستراحة، وهي الجلوس بعد السجدة الثانية في الركعة الأولى والثالثة مما لا تشهد فيه، بل وجوبها لا يخلو عن قوة (العروة الوثقى: ج 2 ص 576 مسألة 4).

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 314 ح 1277، وسائل الشيعة: ج 4 ص 956 ح 8149.

4- النخصال: ص 628 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 118 وفيه «بعد السجدين» بدل «في الركعتين»، بحار الأنوار: ج 10 ص 106 ح 1.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 82 ح 303، الاستبصار: ج 1 ص 328 ح 1229 كلاهما عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 4 ص 956 ح 8147.

6- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 88 ح 327، منتقى الجمان: ج 2 ص 71 عن رفاعة بن موسى، دعائم الإسلام: ج 1 ص 164 نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 184 ح 9.

595. امام صادق علیه السلام: هنگامی که سر از رکوع برداشتی، کمرت را راست کن، که هر کس چنین نکند، نمازی درست ندارد. (1)

596. تهذیب الأحکام - به نقل از اصبح بن نباته - :امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه سر از سجده بلند می کرد، می نشست تا آرام گیرد و سپس بر می خاست.

597. امام علی علیه السلام: در هر دو رکعت بنشینید تا اندامتان آرام گیرد و سپس برخیزید که این کار ماست.

598. امام صادق علیه السلام: هنگامی که سر از سجده دوم در رکعت اول برداشتی و خواستی برخیزی، راست بنشین و سپس برخیز.

599. امام صادق علیه السلام: هر گاه علی علیه السلام از دو رکعت اول بر می خاست، می گفت: «با توانایی و نیروی تو بر می خیزم و می نشینم». (2)

600. امام صادق علیه السلام: هر گاه پس از پایان رکعتی بر می خیزی، بر کف دستانت تکیه کن و...».

ص: 377

1- در معانی الأخبار چنین آمده است: «برای کسی که کمرش را در رکوع و سجودش راست نکرده، نمازی درست نیست».

2- در الاستبصار چنین آمده است: «علی علیه السلام هر گاه از سجده بر می خاست و می ایستاد، می گفت...».

وأفعدُ»؛ فَإِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ. (1)

601. عنه عليه السلام: إِذَا قُمْتَ مِنَ السُّجُودِ قُلْتَ: «اللَّهُمَّ رَبِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ وَأَفْعُدُ»، وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ: «وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ». (2)

602. عنه عليه السلام: إِذَا سَجَدَ الرَّجُلُ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَنْهَضَ فَلَا يَعْجِزُ (3) يَدَيْهِ فِي الْأَرْضِ، وَلَكِنْ يَبْسُطُ كَفَّيْهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَضَعَ مَقْعَدَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ. (4)

603. الإمام الكاظم عليه السلام: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنْ آخِرِ سَجْدَتِكَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ فَاجْلِسْ جَلْسَةً، ثُمَّ بَادِرْ بِرُكْبَتَيْكَ إِلَى الْأَرْضِ قَبْلَ يَدَيْكَ، وَابْسُطْ يَدَيْكَ بَسْطًا وَاتَّكِ عَلَيْهِمَا، ثُمَّ قُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ وَقَارُ الْمَرْءِ الْمُؤْمِنِ الْخَاشِعِ لِرَبِّهِ. (5)

6/6 أدبُ القنوتِ

6/6-1 استحبابُ القنوتِ في كُلِّ الصَّلَوَاتِ

604. السنن الكبرى عن البراء بن عازب: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ لَا يُصَلِّي صَلَاةً مَكْتُوبَةً إِلَّا 0.

ص: 378

1- الكافي: ج 3 ص 338 ح 10، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 89 ح 328، فلاح السائل: ص 248 ح 150 كلها عن أبي بكر الحضرمي، بحار الأنوار: ج 85 ص 183 ح 6.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 86 ح 320، مستطرفات السرائر: ص 96 ح 14 نحوه، منتقى الجمان: ج 2 ص 70 كلها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 85 ص 183 ح 5.

3- عجن الشيء يعجنه عجنًا، واعتجنه: اعتمد عليه بجمعه يغمزه، والعاجن من الرجال: المعتمد على الأرض بجمعه إذا أراد النهوض من كبر أو بدنٍ (لسان العرب: ج 13 ص 277 «عجن»).

4- الكافي: ج 3 ص 336 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 303 ح 1223 منتقى الجمان: ج 2 ص 80 كلها عن الحلبي، وسائل الشيعة: ج 4 ص 975 ح 8222.

5- الأصول الستة عشر (اصل زيد النرسي): ص 201 ح 178، بحار الأنوار: ج 85 ص 184 ح 10.

بگو: «با توانایی خداوند و نیروی او بر می خیزم و می نشینم»، که علی علیه السلام این گونه می کرد.

601. امام صادق علیه السلام: هر گاه از سجده بر می خیزی و می ایستی، بگو: «خدایا، ای پروردگار من! با توانایی و نیروی تو بر می خیزم و می نشینم» و اگر خواستی بگو: «ورکوع و سجود می کنم».

602. امام صادق علیه السلام: هر گاه مردی سجده کرد و خواست برخیزد، با همه دستش بر زمین تکیه نکند؛ بلکه [فقط] کف دستانش را بر زمین بگسترده، بی آن که نشیمنگاهش را بر زمین نهد. (1)

603. امام کاظم علیه السلام: هنگامی که سر از سجده دومت در نماز برداشتی، پیش از برخاستن، اندکی بنشین. سپس زانوانت را پیش از دستانت بر زمین بگذار و دستانت را باز کن و با تکیه به هر دو برخیز که این، وقار مرد مؤمن خاشع در برابر پروردگارش است.

6/6: ادب قنوت

6/6-1 استحباب قنوت در همه نمازها

اشاره

604. السنن الکبری - به نقل از براء بن عازب - پیامبر صلی الله علیه و آله نماز واجبی نمی گزارد، جز این که

ص: 379

1- یعنی چون پیران و ناتوانان برنخیزد.

605. سنن الدارقطني عن ابن عباس: ما زال رسول الله صلى الله عليه وآله يقنُتُ حتى فارَقَ الدنيا. (2)

606. سنن الترمذي عن الفضل بن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ مَثْنَى مَثْنَى: نَشَّ هَدُّ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَتَحَشَّعُ، وَتَضَرَّعُ، وَتَمَسْكُنُ، وَتَدَّرَعُ (3)، وَتُقْنَعُ يَدَيْكَ (4) - يقول: ترفعهما إلى ربك مستقبلاً ببطونهما وجهك (5) - وتقول: يا رب، يا رب، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ كَذَا وَكَذَا. (6)

607. سنن الدارقطني عن أنس: فَنَّتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعُمَرَ حَتَّى فَارَقَتْهُمَا. (7)

608. الإمام الباقر عليه السلام: القنوت في كل الصلوات. (8) 4.

ص: 380

1- السنن الكبرى: ج 2 ص 283 ح 3092، سنن الدارقطني: ج 2 ص 37 ح 4، المعجم الأوسط: ج 9 ص 173 ح 9450، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 141، مجمع الزوائد: ج 2 ص 330 ح 2829؛ عوالي اللآلي: ج 2 ص 42 ح 105، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 396 ح 5003.

2- سنن الدارقطني: ج 2 ص 41 ح 20، السنن الكبرى: ج 2 ص 287 ح 3104، معرفة السنن والآثار: ج 2 ص 78 ح 963، تاريخ بغداد: ج 10 ص 133 الرقم 5273 كلها عن أنس وفيها «و أما في الصحيح فلم يزل» بدل «ما زال رسول الله صلى الله عليه وآله»، الدر المنثور: ج 1 ص 733.

3- ادَّرَعَ ذِرَاعِيهِ: مِنْ ذَرَعٍ؛ أَي مَدَّ ذِرَاعِيهِ (النهاية: ج 2 ص 158 «ذرع»).

4- أَقْنَعَ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ: إِذَا رَفَعَهُمَا فِي الْقُنُوتِ مُسْتَقْبِلًا بَبُطُونَهُمَا وَجْهَهُ وَيَدْعُو (الصحاح: ج 3 ص 1274 «قنع»).

5- القائل ذلك هو أحد الرواة، يفسر بها قوله «وتقنع» (هامش المصدر).

6- سنن الترمذي: ج 2 ص 225 ح 385، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 452 ح 1799، السنن الكبرى للنسائي: ج 1 ص 212 ح 615 وفيه: «كذا وكذا يعني خداج»، السنن الكبرى للبيهقي: ج 2 ص 686 ح 4577، المعجم الكبير: ج 18 ص 295 ح 757 وفيهما «فهي خداج» بدل «فهو كذا وكذا» وكلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 7 ص 527 ح 20092.

7- سنن الدارقطني: ج 2 ص 40 ح 13 وح 15.

8- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 90 ح 336، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 316 ح 935 وص 492 ح 1414، منتقى الجمان: ج 2 ص 55 كلها عن زرارة، وسائل الشيعة: ج 4 ص 896 ح 7904.

در آن، قنوت می خواند.

605. سنن الدار قطنی - به نقل از ابن عباس - : همواره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قنوت می خواند تا آن که از دنیا رفت.

606. سنن الترمذی: فضل بن عباس گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نماز، دو به دو است: در هر رکعت، یک تشهد دارد. خشوع، نالیدن [به درگاه خداوند]، مسکنت، دست دراز کردن و بالا بردن دست ها [در قنوت] است. می فرماید: دست ها را به سمت صورتت باز کن و بالا ببر و رو به قبله باش و بگو: پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! هر کس چنین نکند، چنین و چنان شود».

607. سنن الدار قطنی - به نقل از انس - : با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و عمر، قنوت خواندم تا آن که از ایشان جدا شدم.

608. امام باقر علیه السلام: قنوت در همه نمازها هست.

ص: 381

609. عنه عليه السلام: القنوت في كل ركعتين، في التطوع والفريضة. (1)

610. الكافي عن محمد بن مسلم: سألت أبا جعفر عليه السلام عن القنوت في الصلوات الخمس، فقال: أقنت فيهن جميعاً، قال: وسألت أبا عبد الله عليه السلام بعد ذلك عن القنوت، فقال لي:

أما ما جهرت فلا تشك. (2)

611. الإمام الباقر عليه السلام: القنوت في كل صلاة في الركعة الثانية قبل الركوع. (3)

612. الإمام الصادق عليه السلام - في حديث شرايع الدين -: والقنوت في جميع الصلوات سنة واجبة، في الركعة الثانية قبل الركوع وبعد القراءة. (4)

613. الكافي عن صفوان الجمال: صليت خلف أبي عبد الله عليه السلام أياماً، فكان يفتي في كل صلاة، يجهر فيها ولا يجهر فيها. (5)

614. الإمام الصادق عليه السلام: من ترك القنوت رغبة عنه فلا صلاة له. (6)

615. عنه عليه السلام: إن نسي الرجل القنوت في شيء من الصلاة حتى يركع، فقد جازت صلاته وليس عليه شيء، وليس له أن يدعه متعمداً. (7) 8.

ص: 382

- 1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 90 ح 336، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 316 ح 934 وص 492 ح 1413 كلها عن محمد بن مسلم، الكافي: ج 3 ص 340 ح 15 عن محمد بن مسلم من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيه «صلاة» بدل «ركعتين» وص 339 ح 5 عن عبد الرحمن بن الحجّاج نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 896 ح 7905.
- 2- الكافي: ج 3 ص 339 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 89 ح 331، وسائل الشيعة: ج 4 ص 897 ح 7910.
- 3- الكافي: ج 3 ص 340 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 89 ح 330، منتقى الجمان: ج 2 ص 51 كلها عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 549 ح 1531 عن عمر بن اذينة وليس فيه «في كل صلاة»، وسائل الشيعة: ج 4 ص 900 ح 7926.
- 4- النخصال: ص 604 ح 9 عن الأعمش، بحار الأنوار: ج 10 ص 223 ح 1.
- 5- الكافي: ج 3 ص 339 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 89 ح 329، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 318 ح 943، منتقى الجمان: ج 2 ص 54، وسائل الشيعة: ج 4 ص 896 ح 7906.
- 6- الكافي: ج 3 ص 339 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 90 ح 335، منتقى الجمان: ج 2 ص 54 كلها عن وهب بن عبد ربّه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 897 ح 7914.
- 7- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 315 ح 1285 عن عمّار الساباطي، وسائل الشيعة: ج 4 ص 914 ح 7988.

609. امام باقر علیه السلام: قنوت در هر دو رکعت (1) هست، واجب باشد یا مستحب.

610. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - : از امام باقر علیه السلام در باره قنوت در نمازهای پنجگانه پرسیدم.

فرمود: «در همه آنها قنوت بگیر».

پس از آن، همین سؤال را در باره قنوت از امام صادق علیه السلام پرسیدم. به من فرمود:

«در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می شود، هیچ شك مکن».

611. امام باقر علیه السلام: قنوت در هر نماز، در رکعت دوم و قبل از رکوع است.

612. امام صادق علیه السلام - در حدیث شرایع دین - : قنوت در همه نمازها، سنتی مؤکد و در رکعت دوم، پیش از رکوع و پس از قرائت است.

613. الکافی - به نقل از صفوان جمال - : چند روز پشت سر امام صادق علیه السلام نماز گزاردم. در همه نمازها قنوت می خواند، هم آنهایی که بلند و هم نمازهایی که آهسته خوانده می شوند.

614. امام صادق علیه السلام: هر کس قنوت را از سر بی میلی ترك کند، نمازی برای او نیست.

615. امام صادق علیه السلام: اگر کسی قنوت را در نمازی از یاد برد تا آن که رکوع کرد، نمازش تمام است و چیزی به عهده او نیست و حق ندارد از سر عمد، آن را رها کند. ت.

ص: 383

1- .در الکافی، این روایت به معصومان منسوب نیست و به جای «هر دو رکعت»، «هر نماز» آمده است.

قنوت در همهٔ نمازهای روزانه و نافله‌های آنها، بلکه در تمامی نافله‌ها حتّی نماز شفع، مستحب است و این استحباب در نمازهای واجبی که بلند خوانده می‌شوند بویژه نماز صبح، وتر و جمعه، مورد تأکید، و فتوا به وجوب آن در نمازهای واجب و یا نمازهای واجبی که بلند خوانده می‌شوند ضعیف است. قنوت در هر نماز، يك مرتبه و پیش از رکوع رکعت دوم به جا آورده می‌شود و در نماز وتر نیز پیش از رکوع است. تنها نماز عید فطر و عید قربان، در رکعت اول، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت دارد و نیز نماز آیات دو قنوت: یکی پیش از رکوع پنجم و یکی پیش از رکوع دهم (و بعید نیست که در آن نیز پنج قنوت مستحب باشد، در هر دو رکوع، يك قنوت) و نیز در نماز جمعه که دو قنوت مستحب است: در رکعت اول، پیش از رکوع و در رکعت دوم، پس از آن. در قنوت، بالا آوردن دست‌ها لازم نیست و ذکر مخصوصی ندارد؛ بلکه جایز است هر ذکر و دعا و مناجات و درخواست حاجتی که بر زبان رفت، گفته شود و کمترین اندازهٔ آن، پنج یا سه مرتبه «سبحان الله» یا سه مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» یا سه مرتبه «الحمد لله» است و بلکه يك بار «سبحان الله» یا همین ذکرهایی که نام برده شد، کافی است، همان گونه

که می توان به صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش بسنده کرد و یا به دعایی مانند «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي؛ خدایا! مرا ببامرز» و مانند آن. و بهتر است که جامع ستایش خداوند متعال، صلوات و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش، و طلب مغفرت برای خود و مردان و زنان با ایمان باشد. [7\(1\)](#).

ص: 385

1- العروة الوثقى: ج 2 ص 607.

616. الكافي عن إسماعيل بن الفضل: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقَنُوتِ وَمَا يُقَالُ فِيهِ، فَقَالَ: مَا قَضَى اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ، وَلَا أَعْلَمُ لَهُ شَيْئاً مُؤَقَّتاً. (1)

617. الإمام الحسن أو الإمام الحسين عليهما السلام: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ فِي الْقَنُوتِ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِي مَن هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِي مَن عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِي مَن تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِي مَا أَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَآلَيْتَ، وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ. (2)

618. كتاب من لا يحضره الفقيه: الْقَوْلُ فِي قُنُوتِ الْفَرِيضَةِ فِي الْأَيَّامِ كُلِّهَا إِلَّا فِي الْجُمُعَةِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِي وَلِوَالِدَيَّْ وَلِوَالِدَيِّْ وَلِوَالِدِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ فِيكَ، الْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْمُعَافَاةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (3)

619. الإمام الصادق عليه السلام: يُجْزِئُكَ فِي الْقَنُوتِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَأَعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (4)ى.

ص: 386

1- الكافي: ج 3 ص 340 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 314 ح 1281، عوالي اللآلي: ج 2 ص 44 ح 110، وسائل الشيعة: ج 4 ص 908 ح 7959.

2- السنن الكبرى: ج 2 ص 297 ح 3138، سنن أبي داود: ج 2 ص 63 ح 1425 كلاهما عن أبي الحوراء، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 487 عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيه «سبحانك رب البيت، أستغفرك وأتوب إليك وأؤمن بك وأتوكل عليك لا حول ولا قوة الا بك يا رحيم» بدل «إنه لا يذل من واليت ولا يعز من عاديت تباركت وتعاليت»، بحار الأنوار: ج 85 ص 209 ح 28.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 318، المقنعة: ص 160، مصباح المتهجد: ص 365 ح 490، جمال الأسبوع: ص 257، بحار الأنوار: ج 85 ص 209 ح 27.

4- الكافي: ج 3 ص 340 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 87 ح 322 كلاهما عن سعد بن أبي خلف، المقنع للصدوق: ص 133 وليس فيه ذيله، المقنعة: ص 139 وفيه «يا أرحم الراحمين» بدل «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 207 نقلاً عن الذكرى.

616. الکافی - به نقل از اسماعیل بن فضل - از امام صادق علیه السلام در باره قنوت و آنچه در آن گفته می شود، پرسیدم.

فرمود: «هر آنچه خداوند بر زبانت جاری کرد، و برای آن، چیز خاصی معین نشده است».

617. امام حسن یا امام حسین علیهما السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کلماتی به من آموخت تا آنها را در قنوت بگویم: «خدایا! مرا همراه آنان که ره نمودی، ره بنما و در میان آنان که عافیت داده ای، عافیت ده و سرپرستی ام را مانند آنان که سرپرستی شان را پذیرفتی، بپذیر و آنچه را به من بخشیده ای، برکت ده و از قضای سوء خود، آسوده ام دار، که تو حکم می رانی؛ ولی بر تو حکمی نمی رود و آن که تو دوستش داری، خوار نمی شود و آن که تو دشمنش داری، عزیز نمی شود. تو مبارک و والایی، ای پروردگار ما!».

618. کتاب من لا یحضره الفقیه: در قنوت همه نمازهای واجب شبانه روز بجز جمعه، ذکر، این است: «خدایا! از تو برای خودم، پدر و مادرم، فرزندانم، خاندانم و برادران ایمانی ام، یقین، عفو، گذشت، رحمت، آمرزش و عافیت در دنیا و آخرت را خواستارم».

619. امام صادق علیه السلام: کافی است در قنوت بگویی: «خدایا! ما را بیامرزد و بر ما رحمت آور و به ما عافیت ده و از ما در دنیا و آخرت در گذر که تو بر هر کار توانایی».

620. كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبي بكر بن أبي سمّال: صَلَّى خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ الْفَجْرَ، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْ قِرَاءَتِهِ فِي الثَّانِيَةِ جَهَرَ بِصَوْتِهِ نَحْوًا مِمَّا كَانَ يَقْرَأُ وَقَالَ:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاغْفِرْ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (1)

621. دعائم الإسلام: رُوِيَ عَنِ أَهْلِ الْبَيْتِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي الدُّعَاءِ فِي قُنُوتِ الْفَجْرِ وُجُوهًا كَثِيرَةً، وَمِنْ أَحْسَنِ مَا فِيهَا - وَكُلُّهُ حَسَنٌ - أَنْ تَقُولَ:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُشْنِي عَلَيْكَ الْحَيْرَ وَلَا نَكْفُرُكَ، وَنَخْشَعُ لَكَ وَنَخْتَلِعُ مِمَّنْ يَكْفُرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ، نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَافِرِينَ مُلْحَقٌ.

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَالْجَاهِلِينَ لِأَوْلِيَائِكَ الْأَيِّمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَبَأْسَكَ وَغَضَبَكَ وَعَذَابَكَ. اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفْرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَصْلِحْ يَا رَبِّ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَأَلْفَ كَلِمَتِهِمْ، وَتَبَّتْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَالْحِكْمَةُ، وَتَبَّتْهُمْ عَلَى مِلَّةِ نَبِيِّكَ، وَأَنْصُرْهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ. 4.

ص: 388

1- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 400 ح 1189، وسائل الشيعة: ج 4 ص 906 ح 7954.

620. کتاب من لا یحضره الفقیه - به نقل از ابو بکر بن ابی سَمّال - نماز صبح را پشت سر امام صادق علیه السلام خواندم. هنگامی که در رکعت دوم، قرائتش را تمام کرد، با صدایی نزدیک به بلندی صدای قرائتش، گفت: «خدایا! ما را بیامرز و بر ما رحمت آور و به ما عافیت ده و از ما در دنیا و آخرت در گذر، که تو بر هر کار توانایی».

621. دعائم الإسلام: دعاهاى گوناگونی برای قنوت نماز صبح، از اهل بیت - که درودهای خداوند بر ایشان باد - به ما رسیده است. این دعاها همگی زیبا هستند و از زیباترین آنها، این است که بگویی: «خدایا! ما از تو یاری می‌جوئیم و آمرزش می‌خواهیم و نیکی‌هایت را سپاس می‌گوییم و کفران نمی‌کنیم. برایت فروتنی می‌کنیم و از آن که به تو کفر می‌ورزد، دوری می‌گزینیم».

خدایا! فقط تو را می‌پرستیم و برای تو نماز می‌گزاریم و سجده می‌کنیم و به خدمت تو شتابانیم. به رحمتت امید داریم و از عذابت هراسانیم که بی‌گمان به کفران می‌رسد.

خدایا! عذاب کن کافران و منافقان و منکران اولیایت، پیشوایانِ پاکِ خاندانِ پیامبرت را و بر آنان کیفر و رنج و خشم و عذابت را فرو فرست. خدایا! کافران اهل کتاب و مشرکان را مجازات کن.

خدایا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز و میان آنان را اصلاح کن و با هم الفتشان ده و ایمان و حکمت را در دل‌هایشان بنشان و آنها را بر دین پیامبرت ثابت بدار و در برابر دشمنان تو و خودشان یاری شان کن.

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيْمَنْ هَدَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيْمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيْمَا أَعْطَيْتَ، وَعَافِنِي فِيْمَنْ عَافَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا فَصَّيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَلَا يَتَذَلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكَ وَتَعَالَيْتَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقِينَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ. (1)

622. الإمام الصادق عليه السلام: يُجْزِي مِنَ الْقُنُوتِ ثَلَاثَ تَسْبِيحَاتٍ. (2)

623. الإمام الباقر عليه السلام: يُجْزِيكَ مِنَ الْقُنُوتِ خَمْسُ تَسْبِيحَاتٍ فِي تَرْشُلٍ. (3)

624. الإمام الصادق عليه السلام: الْقُنُوتُ فِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ، وَفِي الْوَتْرِ الْإِسْتِغْفَارُ. (4)

625. الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْوَتْرِ، هَلْ فِيهِ شَيْءٌ مُوقَّتٌ يُتَّبَعُ وَيُقَالُ؟

فَقَالَ: لَا، أَثْنِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ الْعَظِيمِ. ثُمَّ قَالَ:

كُلُّ ذَنْبٍ عَظِيمٌ. (5)

626. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ قَنَّتْ وَدَعَا عَلَى قَوْمٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ.0

ص: 390

- 1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 206، المزار: ص 276 عن عبدالرحمن بن الأسود الكاهلي نحوه وليس فيه «اللهم اغفر» إلى «وعدوهم»، بحار الأنوار: ج 100 ص 452 ح 27، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 213 ح 3 عن عبدالملك بن سويد الكاهلي عن الإمام عليّ، في قنوت الفجر إلى قوله: «إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَافِرِينَ مَلْحَقٌ»، الدر المنثور: ج 8 ص 696.
- 2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 92 ح 342 عن أبي بكر بن أبي سماك، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 400 ح 5012 نقلاً عن فقه الرضا وفيه «وإدنى» بدل «يجزئك من»، وسائل الشيعة: ج 4 ص 907 ح 7956.
- 3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 131 ح 505، وسائل الشيعة: ج 4 ص 905 ح 7949.
- 4- الكافي: ج 3 ص 340 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 131 ح 503، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 491 ح 1411 كلّها عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله، بحار الأنوار: ج 87 ص 269 ح 67.
- 5- الكافي: ج 3 ص 450 ح 31، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 131 ح 502، وسائل الشيعة: ج 4 ص 908 ح 7960.

خدایا! مرا همراه با آنان که ره نمودی، ره بنما و سرپرستی ام را همچون آنان که سرپرستی شان را پذیرفتی، بپذیر و در آنچه به من بخشیده ای، برکت ده و در میان آنان که عافیت داده ای، عافیتم بخش و از قضای سوء خود، حفظم کن، که تو حکم می رانی؛ ولی بر تو حکمی نمی رود و آن که تو دوستش داری، خوار نمی شود و آن که تو دشمنش داری، سربلند نمی گردد. تو خجسته و بزرگی. جز تو خدایی نیست.

از تو آمرزش می خواهم و به تو باز می گردم و نیکویی را از تو-ای پروردگار من- در دنیا و آخرت می طلبم و از تو می خواهم که با رحمت ما را از عذاب جهنم حفظ کنی». (1)

622. امام صادق علیه السلام: سه تسبیح در قنوت کفایت می کند.

623. امام باقر علیه السلام: پنج تسبیح شمرده در قنوت کفایت می کند.

624. امام صادق علیه السلام: در قنوت نماز واجب، دعا و در نماز وتر، استغفار کردن [شایسته] است.

625. الکافی - به نقل از حلبی - از ایشان (امام صادق علیه السلام) در باره قنوت در نماز وتر پرسیدند که: آیا ذکر معین و خاصی دارد که همان گفته شود؟

فرمود: «نه. خدا را ثنا بگو و بر پیامبر علیه السلام درود بفرست و از گناه بزرگت آمرزش بخواه». سپس فرمود: «هر گناهی، بزرگ است».

626. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قنوت خواند و به گروهی که نام آنها و نام پدران وت.

ص: 391

1- در المصنّف، ابن ابی شیبیه، این دعا به امام علی علیه السلام نسبت داده شده و تا «إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَافِرِينَ مُلْحَقٌ؛ عذابت به کافران می رسد» نقل گردیده است.

وعشائرهم، وفَعَلَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِهِ. (1)

7/6 أدب الشَّهْدِ

7/6-1 كَيْفِيَّةُ الشَّهْدِ

627. الكافي عن بكر بن حبيب: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ فِي الشَّهْدِ وَالْقُنُوتِ؟ قَالَ: قُلْ بِأَحْسَنِ مَا عَلِمْتَ، فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ مُوقْتًا لَهَلَكَ النَّاسُ. (2)

628. الكافي عن سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَدْنَى مَا يُجْزَى مِنَ الشَّهْدِ؟ فَقَالَ:

الشَّهَادَتَانِ. (3)

629. الإمام الصادق عليه السلام: الشَّهْدُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَفْعٌ. (4)

630. عنه عليه السلام: الشَّهْدُ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ. (5) 5.

ص: 392

-
- 1- . مستطرفات السرائر: ص 98 ح 20 عن عبد الله بن هلال، بحار الأنوار: ج 85 ص 202 ح 16.
 - 2- . الكافي: ج 3 ص 337 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 102 ح 381، بحار الأنوار: ج 85 ص 282 ح 5 نقلاً عن كتاب عاصم بن حميد، وراجع عوالي الآلي: ج 2 ص 44 ح 110.
 - 3- . الكافي: ج 3 ص 337 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 101 ح 375، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 319 ح 994 عن زرارة، فقه الرضا: ص 111 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 281 ح 3.
 - 4- . تهذيب الأحكام: ج 2 ص 102 ح 380 عن يعقوب بن شعيب، وسائل الشيعة: ج 4 ص 992 ح 8279.
 - 5- . تهذيب الأحكام: ج 2 ص 92 ح 344 عن عبد الملك بن عمرو والأحول، دعائم الإسلام: ج 1 ص 64، مصباح المتهجد: ص 39 ح 48، فلاح السائل: ص 249 ذيل ح 150 نحوه، وفيهما «بسم الله وبالله والأسماء الحسنی کلها لله» بدل «الحمد لله»، مسند زيد: ص 107 وليس فيه ذيله من «اللهم صل» وكلها من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 287 ح 15.

قبیله شان را برد، نفرین کرد و علی علیه السلام نیز پس از او چنین کرد.

7/6: ادب تشهّد

7/6-1 چگونه تشهّد

627. الکافی - به نقل از بکر بن حبیب - به امام باقر علیه السلام گفتم: چه چیزی در تشهّد و قنوت بگویم؟

فرمود: «بهترین چیزی را که می دانی؛ چرا که اگر ذکر معینی داشت، مردم هلاک می شدند».

628. الکافی - به نقل از سوره بن کلیب - از امام باقر علیه السلام در باره کمترین چیزی که از تشهّد کفایت می کند، پرسیدم.

فرمود: «شهادتین» (1).

629. امام صادق علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام، تشهّد به صورت دو جزئی (شهادتین) آمده است.

630. امام صادق علیه السلام: تشهّد در [پایان] دو رکعت نخست، چنین است: «ستایش، ویژه خداست. گواهی می دهم که جز معبود یگانه، خدایی نیست و همتایی ندارد، و گواهی می دهم که محمّد، بنده و پیامبر اوست. خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و شفاعتش را در حقّ امتش بپذیر و درجه اش را بالا ببر».

ص: 393

1- شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله.

631. عنه عليه السلام: إذا جَلَسْتَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أُرْسِلَ لَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ نِعَمَ الرَّبِّ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ»، ثُمَّ تَحْمَدُ اللَّهَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ثُمَّ تَقُومُ.

فَإِذَا جَلَسْتَ فِي الرَّابِعَةِ قُلْتَ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أُرْسِلَ لَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ نِعَمَ الرَّبِّ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ، التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ الطَّاهِرَاتُ الطَّيِّبَاتُ الرَّائِحَاتُ الْغَادِيَّاتُ الرَّائِحَاتُ السَّابِغَاتُ النَّاعِمَاتُ لِلَّهِ، مَا طَابَ وَرَزَا وَطَهَّرَ وَخَلَصَ وَصَدَّ فَمَا فَلِلَّهِ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أُرْسِلَ لَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ، أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعَمَ الرَّبِّ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَنَا وَإِلَّا خَوَانَنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآمِنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَعَافِنِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

631. امام صادق علیه السلام: هنگامی که در رکعت دوم نشستی، بگو: «به نام و یاری خدا، ستایش، ویژه خداست و بهترین نام ها، از آن خداست. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست و گواهی می دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. او را به حق، به بشارت و هشدار در پیش روی قیامت بر انگیخت. گواهی می دهم که تو بهترین پروردگاری و محمد، بهترین پیامبر است. خداوندا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و شفاعتش را در حق امتش بپذیر و رتبه اش بالا ببر». سپس دو یا سه بار خدا را حمد می کنی و بر می خیزی.

پس هر گاه در رکعت چهارم نشستی، بگو: «به نام خدا و برای خدا و ستایش برای خداست و بهترین نام ها از آن خداست. گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد. گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. او را به حق برای بشارت و انذار و پیش از رستاخیز فرستاد. گواهی می دهم که تو خوب پروردگاری هستی و محمد، فرستاده خوبی است. تحیت ها از آن خدایند و نیز درودهای پاک و پاکیزه و فزاینده و زیبا به طراوت باران بامدادی و به فراوانی باران شامگاهی که هر چه پاک و پاکیزه و طاهر و خالص و بی آلایش است، از آن خدایند.

گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست. گواهی می دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست. او را به حق و پیش از قیامت برای بشارت و هشدار بر انگیخت.

گواهی می دهم که پروردگار من، خوب پروردگاری است و محمد، خوب پیامبری.

گواهی می دهم که قیامت، بی هیچ تردیدی، آمدنی است و خداوند، هر کس را در قبرها هست، بر می انگیزاند. خدا را سپاس که ما را به این [آیین] ره نمود، که اگر هدایت الهی نبود، ما راه نمی یافتیم. ستایش، ویژه پروردگار جهانیان است.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به محمد و خاندانش برکت عطا کن، و بر محمد و خاندانش سلام بفرست و بر محمد و بر خاندان محمد رحمت آور، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود و سلام فرستادی و برکت دادی و رحمت آوردی، که تو ستوده و بزرگی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آوردند، بیامرزد و در دل هایمان، کینه ای نسبت به مؤمنان مگذار که تو-ای پروردگار ما- دلسوز و مهربانی. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و با منت، بهشت را نصیب کن و مرا از آتش برهان. خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مردان و زنان مؤمن و هر فرد باایمانی را که وارد خانه ام می شود، بیامرزد... و ستمکاران را

وَلَمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا... وَلَا تَرِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا».

ثُمَّ قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، ثُمَّ تَسَلَّمَ. (1)

632. الإمام الرضا عليه السلام -فيما جمعه الفضل بن شاذان من كلامه في عدل الفرائض-: «...فإن قال قائل: فلم جعل الشَّهْدِ هُذُ بَعْدَ الرَّكَعَتَيْنِ؟ قيل: لِأَنَّهُ كَمَا تَقَدَّمَ قَبْلَ الرَّكُوعِ وَالسُّجُودِ الْأَذَانُ وَالِدُعَاءُ وَالْقِرَاءَةُ، فَكَذَلِكَ أَيْضًا أَمْرَ بَعْدَهَا التَّشَهُدُ وَالتَّحْمِيدُ وَالدُّعَاءُ». (2)

633. تهذيب الأحكام عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، التَّشَهُدُ الَّذِي فِي الثَّانِيَةِ يُجْزِي أَنْ أَقُولَهُ فِي الرَّابِعَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. (3)

2-7/6 وَجُوبُ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي التَّشَهُدِ

634. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا جَلَسْتَ فِي صَلَاتِكَ فَلَا تَتَرَكَنَّ التَّشَهُدَ وَالصَّلَاةَ عَلَيَّ؛ فَإِنَّهَا زَكَاةُ الصَّلَاةِ، وَسَلَّمْ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَسَلَّمْ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. (4)

635. عنه صلى الله عليه وآله -في بيان كيفية الصلاة عليه صلى الله عليه وآله في التشهد-: إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَقُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ. 3.

ص: 396

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 99 ح 373، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 318 ح 944، المقنع للصدوق: ص 95 كلها نحوه، عوالي اللآلي: ج 4 ص 17 ح 48، بحار الأنوار: ج 85 ص 290 ح 22.

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 108 ح 1، علل الشرائع: ص 262 ح 9 نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 70.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 101 ح 377، الاستبصار: ج 1 ص 342 ح 1287، وسائل الشيعة: ج 4 ص 992 ح 8277.

4- سنن الدارقطني: ج 1 ص 355 ح 3 عن أبي بريدة، كنز العمال: ج 7 ص 452 ح 19743 وراجع مسند أبي يعلى: ج 6 ص 48 ح 6383.

جز هلاکت میفزای».

سپس بگو: «سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر! سلام بر پیامبران و فرستادگان الهی! سلام بر جبرئیل، میکائیل و فرشتگان مقربش! سلام بر محمد بن عبد الله، خاتم پیامبران که پیامبری پس از او نیست و سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا!» و سپس سلام بده.

632. امام رضا علیه السلام - در آنچه فضل بن شاذان از سخن ایشان در حکمت واجبات، گرد آورده است - : اگر کسی بگوید: «چرا بعد از دو رکعت، تشهد خوانده می شود؟»، گفته می شود: چون همان گونه که پیش از رکوع و سجود، اذان و دعا و قرائت است، پس از آن نیز به تشهد و حمد گفتن و دعا فرمان داده شده است.

633. تهذیب الأحکام - به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر - : به امام رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! همان تشهد رکعت دوم را در رکعت چهارم بگویم، کفایت می کند؟ فرمود:

«بلی».

2-7/6 وجوب صلوات فرستادن بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش در تشهد

634. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که در نماز نشستی، تشهد و درود بر من را ترك مکن؛ چرا که آن، زکات نماز است و بر همه پیامبران و فرستادگان الهی، سلام بده و بر بندگان شایسته خدا نیز سلام بده.

635. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در بیان کیفیت صلوات بر ایشان در تشهد - : هنگامی که بر من صلوات می فرستید، بگویید: «خدا یا! بر محمد، پیامبر درس ناخوانده، و بر خاندان محمد درود فرست، همان گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، و بر محمد، پیامبر درس ناخوانده و بر خاندان محمد، مبارک گردان، همان گونه که بر

ص: 397

وعلى آل إبراهيم، إنك حميدٌ مجيدٌ. (1)

636. الإمام الصادق عليه السلام: إذا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي صَلَاتِهِ، يَسْلُكُ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ. (2)

637. عنه عليه السلام: مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءُ الزَّكَاةِ، كَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ، وَمَنْ صَامَ وَلَمْ يُؤَدِّهَا فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا، وَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَرَكَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَدَأَ بِهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (3). (4)

8/6 أدبُ التَّسْلِيمِ

8/6-1 تَحْلِيلُ الصَّلَاةِ بِالتَّسْلِيمِ

638. رسول الله صلى الله عليه وآله: افْتِتَاحُ الصَّلَاةِ الوُضُوءُ، وَتَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ، وَتَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ. (5) 2.

ص: 398

1- .صحيح ابن حبان: ج 5 ص 289 ح 1959، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 351 ح 711، السنن الكبرى: ج 2 ص 210 ح 2849، سنن الدارقطني: ج 1 ص 354 ح 2 كلها عن أبي مسعود، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 391 ح 5 عن عقبه بن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 483 ح 19888.

2- .الكافي: ج 2 ص 495 ح 19، المحاسن: ج 1 ص 179 ح 280، الأمل للصدوق: ص 676 ح 917 كلها عن محمد بن هارون، ثواب الأعمال: ص 246 ح 1 عن محمد بن مروان، الأصول الستة عشر: ص 236 ح 279 عن جابر نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 280 ح 1. 3- الأعلى: 14 و 15.

4- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 159 ح 625 وج 4 ص 109 ح 314، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 183 ح 2085 كلها عن زرارة، الإقبال: ج 1 ص 466 كلاهما نحوه، روضة الواعظين: ص 392، وسائل الشيعة: ج 4 ص 999 ح 8301.

5- .الكافي: ج 3 ص 69 ح 2 عن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 33 ح 68 عن الإمام علي عليه السلام، مسند زيد: ص 102 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 80 ص 316 ح 7، سنن أبي داود: ج 1 ص 16 ح 61، سنن الترمذي: ج 1 ص 8 ح 3 كلاهما عن محمد بن الحنفية عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، وكلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 428 ح 19632.

ابراهیم و بر خاندان ابراهیم مبارك گردانیدی، که تو ستوده و بزرگی».

636. امام صادق علیه السلام: هر کس از شما نماز بخواند و پیامبر و خاندانش را در نمازش یاد نکند، با نمازش غیر از راه بهشت را طی می کند.

637. امام صادق علیه السلام: پرداختن زکات (فطریه) روزه را تمام می کند، همچون صلوات بر پیامبر علیه السلام که تمام کننده نماز است. هر کس روزه بگیرد و زکات را به عمد نپردازد، روزه ای ندارد و هر کس نماز بگزارد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله به عمد صلوات نفرستد، نمازی درست ندارد. همانا خداوند متعال، پیش از نماز، به آن (زکات) پرداخته و فرموده است: «بی گمان، رستگار شد کسی که زکات داد و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز گزارد».

8/6: ادب سلام دادن

1-8/6 پایان دادن نماز با سلام

638. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آغاز نماز، وضوست و حرام کردن کارهای دیگر در میان آن، با تکبیر است و حلال کردن آنها، با سلام دادن است.

ص: 399

639. الإمام الصادق عليه السلام: إن آخر الصلاة التسليم. (1)

640. تهذيب الأحكام عن عمّار بن موسى الساباطي: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن التسليم ما هو؟ فقال: هو إذن. (2)

641. علل الشرائع عن المفضل بن عمر: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن العلة التي من أجلها وجب التسليم في الصلاة؟ قال: لأنه تحليل الصلاة... قلت: فلم صار تحليل الصلاة التسليم؟ قال: لأنه تحية الملكين، وفي إقامة الصلاة بحدودها ورؤوعها وسجودها وتسليمها سلامة للعبد من النار. (3)

642. الإمام الرضا عليه السلام - فيما جمعه الفضل بن شاذان من كلامه في علل الفرائض -:... فإن قال [قائل]: فلم جعل التسليم تحليل الصلاة، ولم يجعل بدله تكبيراً أو تسيحاً أو ضرباً آخر؟ قيل: لأنه لما كان في الدخول في الصلاة تحريم الكلام للمخلوقين والتوجه إلى الخالق، كان تحليلها كلام المخلوقين والانتقال عنها وابتداء المخلوقين في الكلام إنما هو بالتسليم. (4)

2-8/6 كيفية التسليم

643. سنن ابن ماجه عن سهل بن سعد: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يسلم تسليمه واحدة تلقاءه.

ص: 400

1- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 320 ح 1306، عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1004 ح 8316: المصنف لعبد الرزاق: ج 2 ص 355 ح 3680 عن مجاهد نحوه، المعجم الكبير: ج 9 ص 268 ح 9339 وفيه «فصل» بدل «آخر» وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، كنز العمال: ج 8 ص 157 ح 22367.

2- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 317 ح 1295، بحار الأنوار: ج 85 ص 311.

3- .علل الشرائع: ص 359 ح 1، بحار الأنوار: ج 85 ص 305.

4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 108 ح 1، علل الشرائع: ص 262 ح 9، بحار الأنوار: ج 6 ص 70.

639. امام صادق علیه السلام: پایان نماز، سلام دادن است.

640. تهذیب الأحكام - به نقل از عمار بن موسی سباطی - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مفهوم سلام دادن چیست؟

فرمود: «آن، اجازه [ی پرداختن به کارهای دیگر] است».

641. علل الشرائع - به نقل از مفضل بن عمر - از امام صادق علیه السلام حکمت واجب شدن سلام را در نماز پرسیدم.

فرمود: «چون پایان بخش نماز [و محرمات هنگام خواندن آن] است» (1).

گفتم: به چه علت، سلام دادن، پایان بخش نماز شد؟

فرمود: «چون سلام دادن به فرشته‌ها [ی گمارده شده بر ما] است و نیز به دلیل به سلامت ماندن بنده از آتش است، در صورت خواندن نماز با رعایت حدود و رکوع و سجود و سلامش».

642. امام رضا علیه السلام - در آنچه فضل بن شاذان از سخنان ایشان در باره حکمت های واجبات، گرد آورده است - اگر کسی بگوید: «چرا سلام دادن راه برون رفت از نماز است و به جایش، تکبیر یا تسبیح یا چیز دیگری را قرار نداده اند؟»، گفته می شود: زیرا هنگامی که در آمدن به نماز، سخن با آفریدگان را حرام می کند و به آفریدگار توجه می شود، حلال کردن سخن با آفریدگان و انتقال توجه از خداوند به آنها، با سلام است که نخستین سخن با آدمیان است.

2-8/6 چگونه سلام دادن

643. سنن ابن ماجه - به نقل از سهل بن سعد - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله يك سلام به رو به

ص: 401

1- . بسیاری از عرب ها، هنگام خداحافظی نیز سلام می دهند و این رسم هنوز هم وجود دارد. (م)

644. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ أَنْ يُسَلِّمَ، فَإِذَا وَلَّى وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ وَقَالَ:

«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، فَقَدْ فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ. (2)

645. عنه عليه السلام: كُنْتُ مَا ذَكَرْتَ اللَّهُ بِهِ وَالنَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهُوَ مِنَ الصَّلَاةِ، وَإِنْ قُلْتَ: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ

الصَّالِحِينَ» فَقَدْ انصَرَفْتَ. (3)

646. تهذيب الأحكام عن أبي كهمس عن الإمام الصادق عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ إِذَا جَلَسْتَ فِيهِمَا لِلتَّشَهُدِ فَقُلْتُ وَ

أَنَا جَالِسٌ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» انصَرَفْتُ (4) هُوَ؟

قَالَ: لَا، وَلَكِنْ إِذَا قُلْتَ: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» فَهُوَ الْإِنْصِرَافُ. (5)

647. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يُقَالُ فِي التَّشَهُدِ الْأَوَّلِ: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»؛ لِأَنَّ تَحْلِيلَ الصَّلَاةِ هُوَ التَّسْلِيمُ، وَإِذَا

قُلْتَ هَذَا فَقَدْ سَلَّمْتَ. (6) 1.

ص: 402

1- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 297 ح 918 و 919، سنن الترمذي: ج 2 ص 90 ح 296، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 360 ح 729، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 354 ح 841، السنن الكبرى: ج 2 ص 254 ح 2985 الأربعة الأخيرة بزيادة «يميل إلى الشق الأيمن شيئاً» في آخره وكلها عن عائشة.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 160 ح 626 عن أبي بصير، وسائل الشيعة، ج 4 ص 1010 ح 8343.

3- الكافي: ج 3 ص 338 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 316 ح 1292، عوالي اللآلي: ج 2 ص 42 ح 104 كلها عن الحلبي، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1012 ح 8349.

4- في المصدر: «انصرافاً»، وما اثبت من المصادر الأخرى، وهو الموافق للقواعد العربية من دون حاجة إلى عناية وتقدير.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 316 ح 1292، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 348 ح 1014، مستطرفات السرائر: ص 97 ح 16، عوالي اللآلي: ج 2 ص 41 ح 103، بحار الأنوار: ج 85 ص 309 ح 15.

6- الخصال: ص 604 ح 9، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 123 ح 1 عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 354 ح 1.

644. امام صادق علیه السلام: آن گاه که نمازگزار فراموش می کند سلام دهد، همان هنگام که صورتش را از قبله می چرخاند، بگوید: «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا!». این گونه نمازش را به پایان برده است.

645. امام صادق علیه السلام: هر ذکر خدا و پیامبرش در نماز، جزء آن است و اگر بگویی: «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین؛ سلام بر ما و بندگان صالح خدا!»، نمازت را به پایان برده ای.

646. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو کهمس - از ایشان (امام صادق علیه السلام) پرسیدم: اگر بعد از رکعت دوم به تشهد نشستم و در همان حال گفتم: «السلام عليك أيها النبي و رحمة الله و بركاته؛ سلام بر تو - ای پیامبر - و نیز رحمت و برکات خدا». آیا پایان بخش نماز است؟

فرمود: «نه؛ اما اگر گفتم: "السلام علينا و علی عباد الله الصالحین"، این پایان بخش نماز است».

647. امام صادق علیه السلام: در تشهد اول گفته نمی شود: «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین»؛ زیرا برون رفتن از نماز، با سلام دادن است و اگر این جمله را گفتم، بی گمان، سلام داده ای.

648. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أنت قُمتَ في صَلَاتِكَ فَكَبِّرِ اللَّهَ...، ثُمَّ إِذَا أَنْتَ رَكَعْتَ فَأَثْبِتْ يَدَيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ حَتَّى يَطْمَئِنَّ كُلُّ عَظْمٍ مِنْكَ، ثُمَّ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَأَعْتَدِ لِحَتَّى يَرْجِعَ كُلُّ عَظْمٍ مِنْكَ، ثُمَّ إِذَا سَجَدْتَ فَاطْمَئِنَّ حَتَّى يَعْتَدِلَ كُلُّ عَظْمٍ مِنْكَ، ثُمَّ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَأَثْبِتْ حَتَّى يَرْجِعَ كُلُّ عَظْمٍ إِلَى مَوْضِعِهِ، ثُمَّ مِثْلُ ذَلِكَ، فَإِذَا جَلَسْتَ فِي وَسْطِ صَلَاتِكَ فَاطْمَئِنَّ، وَافْتَرِشْ فَنَحْيَكَ الْيَسْرَى ثُمَّ تَشَهَّدْ، ثُمَّ إِذَا قُمتَ فَمِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى تَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِكَ. (1)

649. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا قُمتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرِ...، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا، إِفْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا. (2)

650. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلَاةِ وَصَدَعَتْ فَنَحْيَهَا عَلَى فَنَحْيَهَا الْأُخْرَى، فَإِذَا سَجَدَتْ أَلْصَقَتْ بَطْنَهَا فِي فَنَحْيَهَا كَأَسْتَرٍ مَا يَكُونُ لَهَا، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَيَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهَا. (3)3.

ص: 404

1- .المعجم الكبير: ج 5 ص 39 ح 4528، سنن أبي داود: ج 1 ص 227 ح 860 وليس فيه من «ثم إذا أنت» إلى «مثل ذلك»، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 302 ح 597 وليس فيه صدره وذيله من «إذا رفعت» وكلها عن رفاع بن رافع، كنز العمال: ج 7 ص 427 ح 19629.

2- .صحيح البخاري: ج 1 ص 264 ح 724، صحيح مسلم: ج 1 ص 298 ح 45، سنن أبي داود: ج 1 ص 226 ح 856، سنن الترمذي: ج 2 ص 104 ح 303، كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 425 ح 19625؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 117 ح 38 عن رفاع بن رافع نحوه، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 90 ح 4211.

3- .السنن الكبرى: ج 2 ص 315 ح 3199، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 200 ح 246 كلاهما عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 549 ح 20203.

648. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که به نماز ایستادی، خدا را بزرگ بدار.... سپس هنگامی که رکوع کردی، دستانت را بر زانوانت قرار بده تا جایی که همه استخوان هایت آرام گیرند. سپس هنگامی که سرت را بلند کردی، راست بایست تا همه استخوان هایت راست شوند. سپس هنگامی که سجده کردی، آرام بگیر تا همه استخوان هایت به حالت اعتدال در آیند. سپس هنگامی که سر از سجده برداشتی، ثابت بمان تا همه استخوان هایت به جای خود باز گردند. سپس مانند همین کار را در وقتی که میان نمازت [برای تشهد] نشستی، بکن تا آرام گیری و ران چپت را بر زمین بگستران و سپس تشهد بگو و چون برخاستی، همین گونه کن تا آن که نمازت را به پایان ببری.

649. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که به نماز می ایستی، تکبیر بگو...، آن گاه به رکوع برو [و بمان] تا در رکوع آرام گیری و پس از آن سر بردار تا جایی که کاملاً راست بایستی.

سپس به سجده برو تا در سجده آرام گیری و سپس سر بردار تا کامل بنشینی، و این را در همه نمازت بکن.

650. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که زن در نماز می نشیند، رانش را در کنار ران دیگرش می نهد و چون سجده می کند، شکمش را به ران هایش می چسباند، به گونه ای که بیشترین پوشیدگی را داشته باشد. خداوند [در این حال] به او می نگرد و می فرماید: ای فرشتگان من! شما را گواه می گیرم که او را آمرزیدم.

651. الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقَّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاهِبِ الرَّاجِيِ الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُتَصَدِّعِ الْمُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالْوَقَارِ، وَتَقَبَّلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَتُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَحُقُوقِهَا. (1)

652. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تُلْصِقْ قَدَمَكَ بِالْأُخْرَى، دَعِ بَيْنَهُمَا فَصْلًا، إصْبَعًا أَقْلَ ذَلِكَ إِلَى شِبْرِ أَكْثَرِهِ، وَأَسْدُلْ مَنكَبَيْكَ وَأَرْسِلْ يَدَيْكَ، وَلَا تُشَبِّكْ أَصَابِعَكَ وَلِتَكُونَ عَلَى فَخْذَيْكَ قِبَالَ رُكْبَتَيْكَ، وَلِيَكُنْ نَظْرُكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ.

فَإِذَا رَكَعْتَ فَصُفِّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ، تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرِ، وَتُمْكِّنُ رَاحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وَتَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِكَ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى، وَيُلْعَقُ (2) أَطْرَافَ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ، وَفَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَضَعْتَهَا عَلَى رُكْبَتَيْكَ، فَإِذَا وَصَلْتَ أَطْرَافَ أَصَابِعِكَ فِي رُكُوعِكَ إِلَى رُكْبَتَيْكَ أَجْزَاكَ ذَلِكَ، وَأَحْبَبُ إِلَيَّ أَنْ تُمْكِّنَ كَفَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ فَتَجْعَلَ أَصَابِعَكَ فِي عَيْنِ الرُّكْبَةِ وَتُفَرِّجَ بَيْنَهُمَا، وَأَقِمِ صُلْبَكَ وَمُدَّ عُنُقَكَ، وَلِيَكُنْ نَظْرُكَ إِلَى مَا بَيْنَ قَدَمَيْكَ.

فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَسْجُدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَخَرَّ سَاجِدًا، وَابْدَأْ بِيَدَيْكَ فَضَعْهُمَا عَلَى الْأَرْضِ قَبْلَ رُكْبَتَيْكَ، تَضَعْهُمَا مَعًا، وَلَا تَقْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ افْتِرَاشَ السَّبْعِ ذِرَاعِيهِ، وَلَا تَضَعْ ذِرَاعَيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَفَخْذَيْكَ وَلَكِنْ تَجَنَّحْ (3) بِمِرْفَقَيْكَ، وَلَا تُلْصِقْ كَفَيْكَ بِرُكْبَتَيْكَ، وَلَا تُدْنِيَهُمَا مِنْ وَجْهِكَ بَيْنَ ذَلِكَ حِيَالَ مَنكَبَيْكَ، وَلَا تَجْعَلُهُمَا بَيْنَ يَدَيْكَ.

ص: 406

- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 619 ح 3214، الأمامي للصدوق: ص 452 ح 610، الخصال: ص 566 ح 1 كلها عن أبي حمزة الشمالي، تحف العقول: ص 258 نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 4.
- 2- بلع أطراف أصابعك عين الركبة: أي اجعل أطراف أصابعك بالعة لعين الركبة (مجمع البحرين: ج 1 ص 185 «بلع»). وفي تهذيب الأحكام: «بلع» بدل «بلع».
- 3- التجنح في الصلاة: هو أن يرفع ساعديه في السجود على الأرض ولا يفترشهما (النهاية: ج 1 ص 305 «جنح»).

651. امام زین العابدین علیه السلام: حقّ نماز، آن است که بدانی نماز، در آمدن بر خداوند عزیز و جلیل است و تو در پیشگاه خداوند عزیز و جلیل ایستاده ای. پس اگر این را دانستی، همچون بنده ای خوار و کوچک، خواهان و هراسان، امیدوار و ترسان، بیچاره و گریان، با وقار و اطمینان به بزرگداشت همو که در برابرش ایستاده ای، می پردازی و با دلت به او رو می آوری و نماز را با حدود و حقوقش برپا می داری. (1)

652. امام باقر علیه السلام: هنگامی که به نماز می ایستی، پاهایت را به هم نجسبان و میانشان به اندازه حدّ اقل یک انگشت و حدّ اکثر یک وجب فاصله بده و شانه هایت را فرو انداز و دستانت را رها کن و انگشتانت را در هم نیاویز؛ بلکه بر ران هایت و در راستای زانوانت باشند و نگاهت به سجده گاهت باشد.

هنگامی که رکوع می کنی، دو پایت را در یک ردیف بگذار و میانشان به اندازه یک وجب فاصله می دهی. زانوانت را در کف دستانت بگیر و دست راستت را بر زانوی راستت و پیش از دست چپت می نهی و با سر انگشتانت برآمدگی زانویت را نیک بگیر و هنگامی که آنها را بر زانوانت نهادی، از هم بازشان کن. اگر سر انگشتانت را در رکوع به زانوانت رساندی، کفایت می کند؛ ولی من دوست تر دارم زانوانت را در کف دستانت بگیر و انگشتانت را بر برآمدگی زانوانت بنهی و آنها را از هم باز کنی.

کمرت را راست نگه دار و نگاهت به میان قدم هایت باشد.

هنگامی که خواستی به سجده بروی، دستانت را به تکبیر بلند کن و به سجده بیفت و دستانت را با هم و پیش از زانوانت بر زمین بنه و ساعدهای دستانت را چون درندگان بر زمین نگستران و بر زانوان و ران هایت نیز مگذار؛ بلکه با آرنج هایت بال بساز و کف دستانت را به زانوانت نجسبان و به صورتت نیز نزدیک مگردان؛ بلکه میان آن دو و در راستای شانه هایت باشد، نه رو به روی زانوانت، بلکه اندکی از آنها».

ص: 407

1- در تحف العقول چنین آمده است: «با سکون و سکوت و فروتنی و نرمی با او راز و نیاز می کنی و از او می خواهی که تو را از بند خطا و هلاکت گناهانت رها کند، که جز خدا، قدرتی نیست».

رُكْبَتَيْكَ وَلَكِنْ تُحَرِّفُهُمَا عَنْ ذَلِكَ شَيْئًا، وَابْسُطْهُمَا عَلَى الْأَرْضِ بَسْطًا وَقَبِضْهُمَا إِلَيْكَ قَبْضًا، وَإِنْ كَانَ تَحْتَهُمَا ثَوْبٌ فَلَا يَصُرُّكَ، وَإِنْ أَفْضَيْتَ بِهِمَا إِلَى الْأَرْضِ فَهُوَ أَفْضَلُ، وَلَا تُفَرِّجَنَّ بَيْنَ أَصَابِعِكَ فِي سُجُودِكَ وَلَكِنْ ضُمَّهُنَّ جَمِيعًا.

وَإِذَا قَعَدْتَ فِي تَشَهُدِكَ فَالْصِّقْ رُكْبَتَيْكَ بِالْأَرْضِ وَفَرِّجْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا، وَلِيَكُنْ ظَاهِرُ قَدَمِكَ الْيُسْرَى عَلَى الْأَرْضِ وَظَاهِرُ قَدَمِكَ الْيُمْنَى عَلَى بَاطِنِ قَدَمِكَ الْيُسْرَى وَإِلَيْتَاكَ عَلَى الْأَرْضِ وَطَرَفُ إِبْهَامِكَ الْيُمْنَى عَلَى الْأَرْضِ، وَإِيَّاكَ وَالْقُعُودَ عَلَى قَدَمَيْكَ فَتَتَأَدَّى بِذَلِكَ، وَلَا تَكُنْ قَاعِدًا عَلَى الْأَرْضِ فَتَكُونَ إِنَّمَا قَعَدَ بَعْضُكَ عَلَى بَعْضٍ فَلَا تَصْبِرَ لِلتَّشَهُدِ وَالِدُعَاءِ. (1)

653. الكافي عن حماد بن عيسى: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا: يَا حَمَادُ، تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ لِي؟ قَالَ: فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي، أَنَا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِينٍ فِي الصَّلَاةِ.

فَقَالَ: لَا عَلَيْكَ يَا حَمَادُ، ثُمَّ فَصَّلَ.

قَالَ: فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ، فَاسْتَمْتَحْتُ الصَّلَاةَ فَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ.

فَقَالَ: يَا حَمَادُ، لَا تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ؟! مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ يَأْتِي عَلَيْهِ سِتُونَ سَنَةً، أَوْ سَبْعُونَ سَنَةً فَلَا يُقِيمُ صَلَاةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَةً!

قَالَ حَمَادُ: فَأَصَابَنِي فِي نَفْسِي الذُّلُّ، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَعَلَّمَنِي الصَّلَاةَ.

فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ مُنْتَصِدًا بَأْسًا، فَأَرْسَلَ يَدَيْهِ جَمِيعًا عَلَى فَخْذَيْهِ، قَدْ ضَمَّ أَصَابِعَهُ وَقَرَّبَ بَيْنَ قَدَمَيْهِ حَتَّى كَانَ بَيْنَهُمَا قَدْرَ ثَلَاثِ أَصَابِعٍ مُنْفَرِجَاتٍ، وَاسْتَقْبَلَ بِأَصَابِعِ رِجْلَيْهِ جَمِيعًا الْقِبْلَةَ لَمْ يُحَرِّفْهُمَا عَنِ الْقِبْلَةِ، وَقَالَ بِخُشُوعٍ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ثُمَّ قَرَأَ الْحَمْدَ بِتَرْتِيلٍ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، ثُمَّ صَبَرَ هَنِيئَةً بِقَدْرِ مَا يَتَنَفَّسُ وَهُوَ 2.

ص: 408

1- الكافي: ج 3 ص 334 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 83 ح 308 كلاهما عن زرارة، بحار الأنوار: ج 85 ص 119 ح 31 نقلًا عن المعتمد عن الحلبي نحوه وراجع دعائم الإسلام: ج 1 ص 162.

انحراف داشته باشد. دستانت را کاملاً بر زمین بگستران و [پس از سجده] به سوی خود باز گردان و اگر زیر آنها پارچه ای بود، اشکالی ندارد، گر چه به زمین رساندنشان بهتر است، و در سجده، انگشتانت را از هم باز نکن؛ بلکه به هم بچسبان.

هنگامی که برای تشهد نشستی، زانوانت را به زمین بچسبان و کمی میانشان را باز کن، و روی پای چپت بر زمین و روی پای راستت بر کف پای چپت باشد و سرینت و نیز سر انگشت شست پای راستت بر زمین باشد و هیچ گاه بر هر دو پایت منشین که به تو آزار می رساند و نیز [با نشیمنگاه] بر زمین منشین که بخشی از تنت بر بخشی دیگر قرار می گیرد و نمی توانی برای تشهد و دعا تحمل کنی.

653. الکافی - به نقل از حمّاد بن عیسی - روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای حمّاد! آیا می توانی خوب نماز بخوانی؟».

به امام گفتم: ای سرور من! کتاب حریر را که در باره نماز است، در حافظه دارم.

فرمود: «عیبی ندارد، ای حمّاد! برخیز و نماز بخوان».

در برابر ایشان برخاستم و نماز را رو به قبله شروع کردم. به رکوع رفتم و سجده کردم. امام فرمود: «ای حمّاد! نیکو نماز نمی خوانی! چه قدر زشت است فردی از شما شصت یا هفتاد سال بر او بگذرد و یک نماز با آداب و حدود کامل نخواند!».

در خود، احساس خواری کردم و به ایشان گفتم: فدایت شوم! نماز را به من بیاموز.

امام علیه السلام برخاست، رو به قبله ایستاد و هر دو دستش را بر روی ران خویش نهاد، در حالی که انگشتانش بسته بود و دو پای خود را نزدیک هم قرار داد، به گونه ای که میان دو پایش به اندازه سه انگشت باز فاصله بود و انگشتان پا را رو به قبله نگاه داشت و آنها را از قبله منحرف نساخت و با فروتنی تکبیر گفت. سپس حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را شمرده خواند. آن گاه به اندازه یک نفس، در همان حال ایستادن، درنگ کرد. سپس دو دست خود را تا رو به روی صورت بالا آورد و در همان حال ایستاده، تکبیر گفت.

آن گاه به رکوع رفت و با دستانی که انگشتانش باز بود، زانوی خود را گرفت و زانو را به عقب داد تا این که پشت ایشان کاملاً صاف شد، به گونه ای که به سبب صافی پشت و

قَائِمٌ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ وَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» وَهُوَ قَائِمٌ، ثُمَّ رَكَعَ وَمَلَأَ كَفَّيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ مُنْفَرَجَاتٍ، وَرَدَّ رُكْبَتَيْهِ إِلَى خَلْفِهِ حَتَّى اسْتَوَى ظَهْرُهُ، حَتَّى لَوْ صُبَّ عَلَيْهِ قَطْرَةٌ مِنْ مَاءٍ أَوْ دُهْنٍ لَمْ تَزُلْ؛ لِاسْتِوَاءِ ظَهْرِهِ، وَمَدَّ عُنُقَهُ، وَعَمَّصَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ سَبَّحَ ثَلَاثًا بِتَرْتِيلٍ فَقَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، ثُمَّ اسْتَوَى قَائِمًا، فَلَمَّا اسْتَمَكَ مِنَ الْقِيَامِ قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ قَائِمٌ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ، ثُمَّ سَجَدَ، وَبَسَطَ كَفَّيْهِ مَضْمُومَتَيِ الْأَصَابِعِ بَيْنَ يَدَيِ رُكْبَتَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ فَقَالَ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَلَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنْ جَسَدِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ، وَسَجَدَ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَعْظُمٍ: الْكَفَّيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَأَنَامِلِ الْإِبْهَامِي الرَّجْلَيْنِ وَالْجَبْهَةَ وَالْأَنْفَ، وَقَالَ: سَبَعَةٌ مِنْهَا فَرَضُ يُسَجَدُ عَلَيْهَا وَهِيَ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (1) وَهِيَ: الْجَبْهَةُ وَالْكَفَّانِ وَالرُّكْبَتَانِ وَالْإِبْهَامَانِ، وَوَضَعَ الْأَنْفَ عَلَى الْأَرْضِ سُنَّةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، فَلَمَّا اسْتَوَى جَالِسًا قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ثُمَّ قَعَدَ عَلَى فَخِيزِهِ الْأَيْسَرِ، وَقَدَّ وَضَعَ ظَاهِرَ قَدَمَيْهِ الْأَيْمَنِ عَلَى بَطْنِ قَدَمِهِ الْأَيْسَرِ وَقَالَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ جَالِسٌ، وَسَجَدَ السَّجْدَةَ الثَّانِيَةَ وَقَالَ كَمَا قَالَ فِي الْأُولَى، وَلَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنْ بَدَنِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ فِي رُكُوعٍ وَلَا- سَجُودٍ، وَكَانَ مُجَنِّحًا، وَلَمْ يَضَعْ ذِرَاعِيهِ عَلَى الْأَرْضِ، فَصَدَّ لِي رُكْعَتَيْنِ عَلَى هَذَا وَيَدَاهُ مَضْمُومَتَا الْأَصَابِعِ وَهُوَ جَالِسٌ فِي التَّشَهُدِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ التَّشَهُدِ سَلَّمَ.

فَقَالَ: يَا حَمَادُ، هَكَذَا صَلَّى. (2)

راجع: ح 15 و 16.1.

ص: 410

1- .الجن: 18.

2- .الكافي: ج 3 ص 311 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 81 ح 301، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 300 ح 915، الأمالي للصدوق: ص 498 ح 684 كلاهما بزيادة «و لا تلتفت ولا تعبت بيديك وأصابعك ولا تبزق عن يمينك ولا عن يسارك ولا بين يديك» في آخره، الأربعون حديثاً: ص 84 ح 39، بحار الأنوار: ج 84 ص 185 ح 1.

کشیدگی گردن، اگر قطره ای آب یا روغن بر پشت ایشان ریخته می شد، از جایش تکان نمی خورد. [امام علیه السلام] دو چشمش را بست و سپس سه بار شمرده فرمود: «سبحان ربّی العظیم و بحمده». آن گاه راست ایستاد و چون استقرار کامل پیدا کرد، فرمود:

«سمع الله لمن حمده». سپس در حال ایستاده، تکبیر گفت و دست ها را تا رو به روی صورت، بالا آورد. آن گاه سجده کرد و دست ها را در حالی که انگشتانش کنار هم و بدون فاصله بودند، در جلوی زانو و برابر صورت نهاد و سه بار گفت: «سبحان ربّی الأعلی و بحمده» و در حالت سجده، هیچ جای بدن را بر جای دیگر قرار نداد و بر هشت استخوان سجده کرد: دو کف دست، دو زانو، دو انگشت شست پا، پیشانی و بینی و فرمود: «لازم است سجده بر هفت تایی اینها قرار گیرد و این، همان است که خداوند در قرآن فرموده است که: «و همانا سجده گاه ها برای خداست. پس در کنار خداوند، هیچ کس را مخوان» و این هفت جا، پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو شست پا هستند و نهادن بینی بر زمین، مستحب است.

سپس امام علیه السلام سر از سجده برداشت و چون درست به حالت نشسته در آمد، تکبیر گفت. آن گاه بر ران چپ نشست و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار داد و فرمود: «أستغفر الله ربّی و أتوب إليه». سپس در حال نشسته تکبیر گفت و سجده دوم را به جای آورد و در سجده دوم مانند سجده اول رفتار کرد و در حال رکوع و سجود، هیچ جای بدن را بر جای دیگر آن نگذاشت و در حال سجده، دست ها را چون دو بال، باز می کرد و ساعد را بر زمین نمی گذاشت. این چنین، امام دو رکعت نماز گزارد و انگشتان دو دست ایشان در حال تشهد، بسته بود و چون از تشهد فارغ شد، سلام داد و فرمود: «ای حمّاد! این گونه نماز بخوان!».

ر.ك: ح 15 و 16.

ص: 411

654. علل الشرائع عن أحمد بن عبد الله: بينما أمير المؤمنين عليه السلام ما رُفِعَ بِنَاءِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ إِذْ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يُصَلِّي فَاسْتَحْسَنَ صَلَاتَهُ، فَقَالَ: يَا هَذَا الرَّجُلُ، تَعْرِفُ تَأْوِيلَ صَلَاتِكَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: يَا بْنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، وَهَلْ لِلصَّلَاةِ تَأْوِيلٌ غَيْرَ التَّعَبُّدِ؟!

قال عليّ عليه السلام: اعلم يا هذا الرجل أن الله تبارك وتعالى ما بعث نبيّه صلى الله عليه وآله بأمرٍ من الأمور إلا وله مُتَشَابِهٌ وتَأْوِيلٌ وتَنْزِيلٌ، وكلُّ ذلك على التَّعَبُّدِ، فمن لم يعرف تأويل صَلَاتِهِ فَصَلَاتُهُ كُلُّهَا خِدَاعٌ ناقِصَةٌ غيرُ تامّةٍ. (1)

655. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَمَّا سَأَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ تَفْسِيرِ الْأَذَانِ - : يَا عَلِيُّ، الْأَذَانُ حُجَّةٌ عَلَى أُمَّتِي، وَتَفْسِيرُهُ: 8.

1/7: اهمیت شناخت رازهای نماز

654. علل الشرائع - به نقل از احمد بن عبد الله -: امیر مؤمنان علیه السلام هنگام عبور از آستانه بیت الله الحرام، نگاهش به مردی افتاد که نیکو نماز می خواند. پس فرمود: «ای مرد! حقیقت نمازت را می شناسی؟».

مرد گفت: ای پسر عمومی بهترین آفریده خدا! آیا نماز، حقیقتی جز عبودیت دارد؟

علی علیه السلام فرمود: «بدان - ای مرد - که همانا خداوند - تبارک و تعالی - پیامبرش را به کاری از کارها برنینگیخته، جز این که متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه آنها بر اساس عبودیت است. پس هر کس حقیقت نماز را شناسد، همه نمازهایش، ناقص و ناتمام است».

2/7: رازهای اذان

655. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ پرسش امیر مؤمنان علیه السلام از تفسیر اذان - : ای علی! اذان حجّتی بر امت من است و تفسیر آن، چنین است:

ص: 413

إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ مَا أَقُولُ، يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ قَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَتَهَيَّؤُوا وَدَعُوا عَنْكُمْ شُغْلَ الدُّنْيَا.

وإِذَا قَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ اشْهَدِ اللَّهُ وَأَشْهَدُ مَا لَانِكْتُهُ أَنِّي أَخْبَرْتُكُمْ بِوَقْتِ الصَّلَاةِ فَتَفَرَّغُوا لَهَا.

وإِذَا قَالَ: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: يَعْلَمُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا لَانِكْتُهُ أَنِّي قَدْ أَخْبَرْتُكُمْ بِوَقْتِ الصَّلَاةِ، فَتَفَرَّغُوا لَهَا فَإِنَّهَا خَيْرٌ لَكُمْ.

وإِذَا قَالَ: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، دِينَ قَدْ أَظْهَرَهُ اللَّهُ لَكُمْ وَرَسُولُهُ فَلَا تَصَدَّ بَعُوهُ، وَلَكِنْ تَعَاهَدُوا وَيَغْفِرِ اللَّهُ لَكُمْ، تَفَرَّغُوا لِصَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا عِمَادُ دِينِكُمْ.

وإِذَا قَالَ: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، قَدْ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ، فَاقْبَلُوا وَخُذُوا نَصِيحَتَكُمْ مِنَ الرَّحْمَةِ تَرْبِحُوا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ.

وإِذَا قَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» (1) فَإِنَّهُ يَقُولُ: تَرَحَّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّهُ لَا أَعْلَمُ لَكُمْ عَمَلًا أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ، فَتَفَرَّغُوا لِصَلَاتِكُمْ قَبْلَ النَّدَامَةِ.

وإِذَا قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، إِعْلَمُوا أَنِّي جَعَلْتُ أَمَانَةَ سَبْعِ سَعَاوَاتٍ وَسَبْعِ أَرْضِينَ فِي أَعْنَاقِكُمْ، فَإِنْ شِئْتُمْ فَأَقْبَلُوا وَإِنْ شِئْتُمْ فَأَدْبِرُوا، فَمَنْ أَجَابَنِي فَقَدْ رَبِحَ وَمَنْ لَمْ يُجِبْنِي فَلَا يَضُرُّنِي. (2)

656. الإمام الحسين عليه السلام: كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ إِذْ صَعِدَ الْمُؤَذِّنُ الْمَنَارَةَ فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ»، فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَكَينَا لِإِكْبَانِهِ، فَلَمَّا فَرَغَ 9.

ص: 414

1- في بحار الأنوار: «وإذا قال: حي على خير العمل» بدل «وإذا قال: الله أكبر الله أكبر».

2- جامع الأخبار: ص 171 ح 405 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 153 ح 49.

هر گاه مؤذّن بگوید: «اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ»، در واقع می گوید: خدایا! تو بر آنچه می گویم، گواهی. ای امّت محمّد! وقت نماز رسیده است. پس آماده شوید و کار دنیا را وا نهید.

هر گاه بگوید: «أشهد أن لا إله إلاّ الله»، در واقع می گوید: ای امّت محمّد! من خدا و فرشتگان او را گواه می گیرم که شما را به فرا رسیدن وقت نماز، آگاه می سازم. پس فقط به نماز پردازید.

هر گاه بگوید: «أشهد أنّ محمّداً رسول الله»، در واقع می گوید: خداوند و فرشتگانش می دانند که من، شما را از فرا رسیدن وقت نماز آگاه ساختم. پس فقط به نماز پردازید که آن، برای شما بهتر [از هر کاری] است.

هر گاه بگوید: «حیّ علی الصلاة»، در واقع می گوید: ای امّت محمّد! [اسلام] دینی است که خدا و پیامبر او آن را برای شما پدید آوردند. پس، آن را تباہ نکنید؛ بلکه به آن پردازید تا خداوند، شما را بیامزد. به نمازتان پردازید که نماز، ستون دین شماست.

هر گاه بگوید: «حیّ علی الفلاح»، در واقع می گوید: ای امّت محمّد! خداوند، درهای رحمت را به روی شما گشوده است. پس برخیزید و سهم خود را از رحمت بگیرید تا در دنیا و آخرت سود ببرید.

هر گاه بگوید: «اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ»، در واقع می گوید: بر خویشتن رحم آورید؛ زیرا کاری با ارزش تر از نماز برای شما سراغ ندارم. پس فقط به نمازتان پردازید، پیش از آن که پشیمانی دامنگیرتان شود.

هر گاه بگوید: «لا إله إلاّ الله»، در واقع می گوید: ای امّت محمّد! بدانید که من امانت هفت آسمان و هفت زمین را به گردن شما نهادم. اگر می خواهید، روی آورید و اگر می خواهید، پشت کنید، که هر کس ندای مرا اجابت کند، سود برده است و هر کس ندای مرا اجابت نکند، به من زیانی نمی رساند.

656. امام حسین علیه السلام: در مسجد نشسته بودیم که مؤذّن، بالای مناره رفت و گفت: «اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ». در این هنگام، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، گریست و ما نیز با گریه او گریستیم. چون مؤذّن اذانش را تمام کرد، فرمود: «آیا می دانید که مؤذّن چه می گوید؟».

المُؤذَّنُ قَالَ: أَتَدْرُونَ مَا يَقُولُ الْمُؤذَّنُ؟ قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَوَصِيَّهُ أَعْلَمُ! قَالَ: لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَقُولُ لَصَدَّ حِكْمَتُمْ قَلِيلاً وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيراً! فَلَقَوْلِهِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» مَعَانٍ كَثِيرَةٌ:

مِنْهَا: أَنْ قَوْلَ الْمُؤذَّنِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» يَقَعُ عَلَى قِيَامِهِ وَأُزْلِيَّتِهِ وَأَبْدِيَّتِهِ وَعِلْمِهِ وَقُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ وَحِلْمِهِ وَكَرَمِهِ وَجُودِهِ وَعَطَائِهِ وَكِبْرِيَانِهِ، فَإِذَا قَالَ الْمُؤذَّنُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُ الَّذِي لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَبِمَشِيئَتِهِ كَانَ الْخَلْقُ، وَمِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ لِلْخَلْقِ، وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ الْخَلْقُ، وَهُوَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ لَمْ يَزَلْ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يَزَالُ، وَالظَّاهِرُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُدْرِكُ، وَالْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُحَدُّ، وَهُوَ الْبَاقِي وَكُلُّ شَيْءٍ دُونَهُ فَإِنْ

وَالْمَعْنَى الثَّانِي: «اللَّهُ أَكْبَرُ» أَي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ عَلَيْهِمْ بِمَا كَانَ وَيَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ.

وَالثَّلَاثُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» أَي الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، يَقْدِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ، الْقَوِيُّ لِقُدْرَتِهِ، الْمُقْتَدِرُ عَلَى خَلْقِهِ، الْقَوِيُّ لِذَاتِهِ، قُدْرَتُهُ قَائِمَةٌ عَلَى الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا، إِذَا قَضَى أَمراً فَإِنَّهُ يَقُولُ لَهُ: كُنْ، فَيَكُونُ.

وَالرَّابِعُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» عَلَى مَعْنَى حِلْمِهِ وَكَرَمِهِ، يَحْلُمُ كَأَنَّهُ لَا يَعْلَمُ، وَيَصْفَحُ كَأَنَّهُ لَا يَرَى، وَيَسْتُرُ كَأَنَّهُ لَا يُعْصَى، لَا يَعَجَلُ بِالْعُقُوبَةِ كَرَمًا وَصَفْحًا وَحِلْمًا.

وَالْوَجْهُ الْآخِرُ فِي مَعْنَى «اللَّهُ أَكْبَرُ»: أَي الْجَوَادُ جَزِيلُ الْعَطَاءِ كَرِيمُ الْفِعَالِ. (1)

وَالْوَجْهُ الْآخِرُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» فِيهِ نَفْيُ صِفَتِهِ وَكَيْفِيَّتِهِ؛ كَأَنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يُدْرِكَ الْوَاصِفُونَ قَدْرَ صِفَتِهِ الَّذِي هُوَ مَوْصُوفٌ بِهِ، وَإِنَّمَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ عَلَى».

ص: 416

گفتیم: خدا و پیامبر او و وصی پیامبر او بهتر می دانند.

فرمود: «اگر بدانید که او چه می گوید، کم خواهید خندید و بسیار خواهید گریست! جمله "الله أكبر" او، معانی بسیار دارد: یکی این است که "الله أكبر" مؤذن، حکایت از قدیم بودن خداوند و ازلی و ابدی بودن او و علم و قدرت و بردباری و بزرگواری و جود و عطا و کبریایی او دارد.

هر گاه مؤذن بگوید: "الله أكبر"، در واقع می گوید: خدا آن موجودی است که آفریدن و فرمان دادن، ویژه اوست و با اراده اوست که آفرینش انجام گرفت و هر چیز خلق، از اوست و بازگشت خلق، به سوی اوست. او اول است و پیش از هر چیز، از ازل بوده است، و آخر است و بعد از هر چیز هست و ابدی است، و آشکار است و فراتر از هر چیز و ادراک ناشدنی (دست نیافتنی) است، و پنهان و در دل هر چیز است (او پنهان تر از هر ناپیدایی است) و اندازه ندارد، و تنها او باقی است و جز او، همه چیز فانی است.

معنای دوم "الله أكبر"، این است که خدا بر آنچه بوده و خواهد بود، پیش از آن که بود شود، دانا و آگاه است.

معنای سوم "الله أكبر"، این است که خداوند بر هر چیزی تواناست، بر هر کاری که بخواهد، قدرت دارد، نیرومند به قدرت خویش است، بر آفریدگانش اقتدار دارد، به ذات خود، قوی است، قدرتش بر همه اشیا سایه افکنده است، [و] هر گاه چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: "باش" و آن، موجود می شود.

معنای چهارم "الله أكبر"، این است که خداوند، بردبار و کریم است. او [در برابر معصیت انسان ها] چنان بردباری می ورزد که تو گویی [از آنها] خبر ندارد، و چنان گذشت می کند که تو گویی [آنها را] نمی بیند، و چنان پرده پوشی می کند که گویی معصیت نمی شود. در کیفر دادن، شتاب نمی ورزد و این، از بزرگواری و گذشت و بردباری اوست.

معنای دیگر "الله أكبر"، این است که خداوند، بخشنده و پُردهش است و با بزرگواری، عمل می کند.

قَدْرِهِمْ لَا عَلَى قَدْرِ عَظَمَتِهِ وَجَلَالِهِ، تَعَالَى اللَّهُ عَن أَنْ يُدْرِكَ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ عُلُوًّا كَبِيرًا.

وَالْوَجْهُ الْآخَرُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» كَأَنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَن عِبَادِهِ، لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى أَعْمَالِ خَلْقِهِ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فَإِعْلَامٌ بِأَنَّ الشَّهَادَةَ لَا تَجُوزُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ مِنَ الْقَلْبِ، كَأَنَّهُ يَقُولُ: أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَعْبُودَ إِلَّا اللَّهُ عِزَّ وَجَلًّا، وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ بَاطِلٌ سِوَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلًّا، وَأَقْرَبُ بِلِسَانِي بِمَا فِي قَلْبِي مِنَ الْعِلْمِ بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ، وَلَا مَنَجِيٍّ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَفِتْنَةٍ كُلِّ ذِي فِتْنَةٍ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مَعْنَاهُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا هَادِيَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا دَلِيلَ لِي إِلَى الدِّينِ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ سُكَّانَ السَّمَاوَاتِ وَسُكَّانَ الْأَرْضِينَ وَمَا فِيهِنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَا فِيهِنَّ مِنَ الْجِبَالِ وَالْأَشْجَارِ وَالِدَّوَابِّ وَالْوُحُوشِ وَكُلِّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ، بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا خَالِقَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا رَازِقَ وَلَا مَعْبُودَ وَلَا ضَارًّا وَلَا نَافِعَ وَلَا قَابِضَ وَلَا بَاسِطَ وَلَا مُعْطِيَ وَلَا مَانِعَ وَلَا نَاصِحَ وَلَا كَافِيَ وَلَا شَافِيَ وَلَا مُقَدِّمَ وَلَا مُؤَخِّرَ إِلَّا اللَّهُ، لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، وَيَبْدِئُ الْخَيْرَ كُلَّهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» يَقُولُ: أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ وَصَدَفِيُّهُ وَنَجِيُّهُ، أَرْسَلَهُ إِلَى كَافَّةِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمَلَائِكَةَ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَنَّ مُحَمَّدًا سَيِّدُ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ.

معنای دیگر "الله أكبر"، نفی صفت و کیفیت از اوست. گویا می گوید: خدا بزرگ تر از آن است که توصیف کنندگان، به اندازه صفت او که در حقیقت، پیمان موصوف است، دست یابند؛ بلکه توصیف کنندگان، به اندازه [توانایی] خود، او را توصیف می کنند، نه به اندازه بزرگی و شکوه او. خداوند، بسی برتر از آن است که توصیف کنندگان، به وصف او برسند.

معنای دیگر "الله أكبر"، این است که گویا می گوید: خدا، والاتر و شکوهمندتر است و از بندگانش بی نیاز است و به کارهای آفریدگانش نیازی ندارد.

أما "أشهد أن لا إله إلا الله" مؤذن، اعلام این مطلب است که شهادت دادن، جز با شناخت قلبی خداوند، روا نیست. گویا می گوید: می دانم که معبودی جز خداوند عز و جل نیست و هر معبودی جز خداوند عز و جل، باطل است، و به معرفتی که در دل دارم، با زبان خویش نیز اقرار می کنم که معبودی جز خدا نیست، و گواهی می دهم که پناهی از خدا جز به خود او نیست، و رهایی از شرّ هر شرّسانی و فتنه هر فتنه انگیزی، جز به یاری خدا میسر نیست.

و "أشهد أن لا إله إلا الله" دوم، به این معناست که: گواهی می دهم که هدایت کننده ای جز خدا نیست، و تنها راه نمای من به دین، اوست، و خدا را بر این گواه می گیرم که من گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، و ساکنان آسمان ها و ساکنان زمین ها، و همه فرشتگان و آدمیانی را که در آنهایند و کوه ها و درخت ها و جنبندگان و ددان و هر خشک و تری را گواه می گیرم که من گواهی می دهم آفریدگاری جز خدا نیست و روزی رسان و معبود و زیان رسان و سودرسان و فشارنده و گشاینده و عطا کننده و جلو گیرنده و خیر خواه و کفایت کننده و شفا دهنده و پیش و پس افکننده ای جز خدا نیست. آفرینش و فرمان دادن، ویژه اوست و خوبی، هر چه هست، در دست اوست. فرخنده باد خداوند که پروردگار جهانیان است!

أما "أشهد أن محمداً رسول الله" او، [در آن] می گوید: خدا را گواه می گیرم که معبودی جز او نیست و محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و همراز اوست. او را با هدایت و دین حق به سوی همه مردمان فرستاد تا آن [دین] را بر هر دینی چیره گرداند، هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند. و هر کس را (از پیامبران و رسولان و فرشتگان و مردمان) که در آسمان ها و زمین است، همگی را گواه می گیرم که محمد، سرور اولین و آخرین انسان هاست.

وفي المَرَّةِ الثَّانِيَةِ: «أشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا حَاجَةَ لِأَحَدٍ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا إِلَى اللَّهِ الْوَاحِدِ الْفَهَّارِ الْغَنِيِّ عَنِ عِبَادِهِ وَالْحَلَّاقِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَّهُ أَرْسَلَ مُحَمَّدًا إِلَى النَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا، فَمَنْ أَنْكَرَهُ وَجَحَدَهُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا لَا يَنْفَكُ عَنْهَا أَبَدًا.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» أَي هَلِّمُوا إِلَى خَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَدَعْوَةِ رَبِّكُمْ، وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةِ مِنْ رَبِّكُمْ، وَإِطْفَاءِ نَارِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا، وَفِكَالِكِ رِقَابِكُمْ الَّتِي رَهَنْتُمُوهَا، لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ، وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ، وَيُبَدِّلَ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ، فَإِنَّهُ مَلِكٌ كَرِيمٌ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَقَدْ أذِنَ لَنَا مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ بِالذُّخُولِ فِي خِدْمَتِهِ، وَالتَّقَدُّمِ إِلَى بَيْنِ يَدَيْهِ.

وفي المَرَّةِ الثَّانِيَةِ: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» أَي قَوْمُوا إِلَى مُنَاجَاةِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، وَعَرِّضِ حَاجَاتِكُمْ (1) عَلَى رَبِّكُمْ، وَتَوَسَّلُوا إِلَيْهِ بِكَلَامِهِ وَتَشَفَّعُوا بِهِ، وَأَكْثَرُوا الذِّكْرَ وَالْقُنُوتَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ وَالْخُضُوعَ وَالْخُشُوعَ، وَارْفَعُوا إِلَيْهِ حَوَائِجَكُمْ، فَقَدْ أذِنَ لَنَا فِي ذَلِكَ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: أَقْبِلُوا إِلَى بَقَاءٍ لَا فَنَاءَ مَعَهُ، وَنَجَاةٍ لَا هَلَاكَ مَعَهَا، وَتَعَالُوا إِلَى حَيَاةٍ لَا مَوْتَ مَعَهَا، وَإِلَى نَعِيمٍ لَا نَفَادَ لَهُ، وَإِلَى مُلْكٍ لَا زَوَالَ عَنَّهُ، وَإِلَى سُرُورٍ لَا حُزْنَ مَعَهُ، وَإِلَى أُنْسٍ لَا وَحْشَةَ مَعَهُ، وَإِلَى نُورٍ لَا ظُلْمَةَ مَعَهُ، وَإِلَى سَعَةٍ لَا ضَيْقَ مَعَهَا، وَإِلَى بَهْجَةٍ لَا انْقِطَاعَ لَهَا، وَإِلَى غِنَى لَا فَاقَةَ مَعَهُ، وَإِلَى صِحَّةٍ لَا سُقْمَ مَعَهَا، وَإِلَى عِزٍّ لَا ذُلَّ مَعَهُ، وَإِلَى قُوَّةٍ لَا ضَعْفَ مَعَهَا، وَإِلَى كِرَامَةٍ.

ص: 420

1- في بعض نسخ المصدر: «حاجتكم».

"أشهد أنّ محمّداً رسول الله" دوم، می گوید: گواهی می دهم که هیچ کس را به کسی نیاز نیست، مگر به خداوند یگانه هماره چیره که از بندگانش و آفریدگان و مردمان، همگی شان، بی نیاز است، و گواهی می دهم که محمّد را به سوی مردم فرستاد تا نوید و بیم دهد و به اذن خداوند، به سوی خدا فرا بخواند و [چونان] چراغی روشن [فرا راه بندگان] باشد. پس، هر که او را انکار و نفی کند و به او ایمان نیاورد، خداوند عز و جل او را برای همیشه و جاویدان به آتش دوزخ در می آورد و هرگز از آن رهایی نمی یابد.

امّا "حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ" او، یعنی این که به سوی بهترین اعمالتان بیایید و دعوت پروردگارتان را لبیک بگویید و به جانب آمرزش پروردگارتان، و خاموش کردن آتشی که بر افروخته اید، و آزاد ساختن گردن هایتان که به گرو نهاده اید، بشتابید تا خداوند، بدکاری های شما را بزداید و گناهتان را بیامزد و بدی هایتان را به خوبی ها بدل کند؛ زیرا او پادشاهی بزرگوار و پُربخشش است. ای جماعت مسلمانان! او به شما اجازه رسیدن به خدمتش و ایستادن در برابرش را داده است.

و "حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ" دوم، یعنی: به مناجات با پروردگارتان، الله، بایستید و نیاز هایتان را بر پروردگارتان عرضه کنید، و با کلام او (قرآن) به وی توسّل بجویید و آن را شفیع خود در پیشگاهش قرار دهید، و ذکر و قنوت و رکوع و سجود و خضوع و خشوع بسیار، به جای آورید، و حاجت هایتان را به او باز گویید، که اجازه این کار را به ما داده است.

امّا "حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ" او، [در آن] می گوید: به بقایی که هرگز فنا در آن راه ندارد و به نجاتی که هلاکتی با آن نیست، روی آورید. به سوی حیاتی بیایید که مرگ در آن راهی ندارد، و به سوی نعمتی که تمامی ندارد، و به سوی سلطنتی که زوال نمی پذیرد، و به سوی شادی ای که اندوهی با آن نیست، و به سوی انسی که با وجود آن، هرگز احساس وحشت (/تنهایی) دست نمی دهد، و به سوی نوری که هیچ ظلمتی در آن نیست، و به سوی گشایشی که تنگی در آن راه نمی یابد، و به سوی خوشی ای که هیچ گاه قطع نمی شود، و به سوی غنایی که نیازمندی در آن جایی ندارد، و به سوی سلامتی که

يَا لَهَا مِنْ كَرَامَةٍ، وَاعَجَلُوا إِلَى سُورِ الدُّنْيَا وَالْعُقْبَى، وَنَجَاةِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: سَابِقُوا إِلَى مَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَإِلَى جَزِيلِ الْكَرَامَةِ وَعَظِيمِ الْمِنَّةِ وَسَنِي (1) النَّعْمَةِ وَالْفَوْزِ الْعَظِيمِ، وَنَعِيمِ الْأَبَدِ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، 0 قَدَسَ سِرُّهُ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يَعْلَمَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْكَرَامَةِ لِعَبْدٍ أَجَابَهُ وَأَطَاعَهُ، وَأَطَاعَ أَمْرَهُ وَعَبَدَهُ، وَعَرَفَ وَعِيدَهُ وَاشْتَغَلَ بِهِ وَبَذَرَ، وَأَحَبَّهُ وَأَمَّنَ بِهِ، وَأَطْمَأَنَّ إِلَيْهِ وَوَثِقَ بِهِ، وَخَافَهُ وَرَجَاهُ، وَاشْتَقَى إِلَيْهِ وَوَأَفَّقَهُ فِي حُكْمِهِ وَقَضَائِهِ وَرَضِيَ بِهِ.

وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يَعْلَمَ أَحَدٌ مَبْلَغَ كَرَامَتِهِ لِأَوْلِيَائِهِ، وَعُقُوبَتِهِ لِأَعْدَائِهِ، وَمَبْلَغَ عَفْوِهِ وَغُفْرَانِهِ وَنِعْمَتِهِ لِمَنْ أَجَابَهُ وَأَجَابَ رَسُولَهُ، وَمَبْلَغَ عَذَابِهِ وَنِكَالِهِ (2) وَهَوَانِهِ لِمَنْ أَنْكَرَهُ وَجَحَدَهُ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مَعْنَاهُ: لِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَيْهِمْ بِالرَّسُولِ وَالرَّسَالَةِ وَالْبَيَانِ وَالِدَّعْوَةِ، وَهُوَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يَكُونَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ عَلَيْهِ حُجَّةٌ، فَمَنْ أَجَابَهُ فَلَهُ التَّوَرُّ وَالْكَرَامَةُ، وَمَنْ أَنْكَرَهُ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ، وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ.

وَمَعْنَى «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» فِي الْإِقَامَةِ؛ أَي حَانَ وَقْتُ الزِّيَارَةِ وَالْمُنَاجَاةِ وَقَضَاءِ الْحَوَائِجِ وَدَرْكِ الْمُنَى وَالْوُصُولِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَى كَرَامَتِهِ وَعَفْوِهِ وَرِضْوَانِهِ وَغُفْرَانِهِ (3). 4.

ص: 422

1- السنني: الرفيع (الصحاح: ج 6 ص 2384 «سنا»).

2- نكّل به تنكيلاً: صنع صنيعاً يحذّر غيره. والنكال: ما نكّلت به غيرك كائناً ما كان (القاموس المحيط: ج 4 ص 60 «نكل»).

3- التوحيد: ص 238 ح 1، معاني الأخبار: ص 38 ح 1 كلاهما عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام، فلاح السائل: ص 262 ح 156 عن زيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 131 ح 24.

بیماری با آن نیست، و به سوی عزّتی که ذلّتی در آن نیست، و به سوی نیرویی که هرگز سستی نمی گیرد، و نیز به سوی کرامتی - که چه کرامتی است! -، و بشتابید به سوی شادمانی دنیا و آخرت و رهایی آن سرای و این سرای.

در "حیّ علی الفلاح" دوم، می گوید: به سوی آنچه شما را بدان فرا خواندم، و به سوی کرامت فراوان و نواخت بزرگ و نعمت والا - و رستگاری بزرگ و آسایش ابدی در جوار محمّد صلی الله علیه و آله در قرارگاه صدق در نزد پادشاهی توانا، سبقت بگیرید.

أمّا "الله أكبر" او، می گوید: خدا والاتر و بزرگ تر از آن است که کسی از خلقتش بداند که او برای بنده ای که او را اجابت و اطاعت می کند و فرمانش را به گوش می گیرد و بندگی او می کند و تهدید او را می شناسد و به او و به یاد او مشغول می شود و او را دوست می دارد و به او ایمان می آورد و به او اطمینان دارد و به او اعتماد می کند و از او بیمناک و به او امیدوار است و مشتاق اوست و با فرمان و قضای او می سازد و بدانه رضایت می دهد، چه کرامتی را در نظر گرفته است.

در "الله أكبر" دومش می گوید: خدا بزرگ تر و والاتر و برتر از آن است که کسی بداند که او چه اندازه کرامت را برای دوستانش، و چه کیفری را برای دشمنانش، و چه بخشش و آمرزش و نعمتی را برای آن که او و پیامبر او را اجابت کند، و چه عذاب و مجازات و ذلّتی را برای آن که او را انکار و نفی کند، نهاده است.

أمّا "لا إله إلا الله" او، معنایش این است که: خداوند، به واسطه رسول و رسالت و روشنگری و دعوت، بر بندگانش حجّت رسا دارد و او خود، شأنش بالاتر از آن است که کسی از آنان بر وی حجّتی داشته باشد. پس، هر که خدای را اجابت کند، برای او نور و کرامت است و هر که انکارش کند، صد البته که خداوند از جهانیان، بی نیاز است و او سریع ترین حسابرسان است.

معنای "قد قامت الصلاة" در اقامه، این است که: گاه ملاقات و مناجات و برآورده شدن حاجات و نیل به آرزوها و رسیدن به خداوند و کرامت و بخشش و خشنودی و آمرزش او فرارسید.

657. معانی الأخبار - به نقل از عطا-: من و ابو العالیه و سعید بن جبیر و عکرمه، در طائف نزد ابن عباس بودیم که مؤذن (قُثم بن عبد الرحمان ثقفی) آمد و گفت: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ».

ابن عباس گفت: می دانید که مؤذن چه گفت؟

ابو العالیه گفت: تو برای ما تفسیرش کن.

ابن عباس گفت: هر گاه مؤذن بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ»، در واقع می گوید: ای کسانی که در روی زمین، سرگرم کارید! نماز، واجب شد. دست از کار بردارید و به نماز پردازید.

و هر گاه بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله»، در واقع می گوید: روز قیامت که بیاید، آنچه در آسمان ها و زمین است، به نفع من گواهی می دهد که من، روزی پنج مرتبه شما را [از فرارسیدن وقت نماز] آگاه ساختم.

هر گاه بگوید: «أشهد أن محمداً رسول الله»، در واقع می گوید: روز قیامت که بیاید، محمد صلی الله علیه و آله به نفع من گواهی می دهد که من، روزی پنج مرتبه شما را از آن (رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله) آگاه ساختم، و مرا نزد خداوند، حجت است.

هر گاه بگوید: «حیّ علی الصلاة»، در واقع می گوید: [اسلام]، دینی استوار است.

پس، آن را بر پا دارید.

هر گاه بگوید: «حیّ علی الفلاح»، در واقع می گوید: به سوی طاعت خداوند بشتابید و سهم خود را از رحمت خدا- یعنی جماعت- بگیریید.

هر گاه بنده بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ»، در واقع می گوید: کارها را حرام (تعطیل) کردم.

هر گاه بگوید: «لا إله إلا الله»، در واقع می گوید: امانت هفت آسمان و هفت زمین و کوه ها و دریاها به گردن شما گذاشته شد. اگر می خواهید، رو کنید و اگر می خواهید، پشت کنید.

658. بحار الأنوار عن جابر بن عبد الله الأنصاري: كُنْتُ مَعَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى رَجُلًا قَائِمًا يُصَلِّي، فَقَالَ لَهُ: يَا هَذَا، أَتَعْرِفُ تَأْوِيلَ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: يَا مَوْلَايَ، وَهَلْ لِلصَّلَاةِ تَأْوِيلٌ غَيْرَ الْعِبَادَةِ؟ فَقَالَ: إِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا بِأَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ إِلَّا وَهُوَ شَبَابُهُ وَتَأْوِيلٌ وَتَنْزِيلٌ، وَكُلُّ ذَلِكَ يَدُلُّ عَلَى التَّعَبُّدِ.

فَقَالَ لَهُ: عَلَّمَنِي مَا هُوَ يَا مَوْلَايَ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَأْوِيلُ تَكْبِيرَتِكَ الْأُولَى إِلَى إِحْرَامِكَ أَنْ تُخْطِرَ فِي نَفْسِكَ إِذَا قُلْتَ: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوَصَّفَ بِقِيَامٍ أَوْ قُعُودٍ، وَفِي الثَّانِيَةِ: أَنْ يُوَصَّفَ بِحَرَكَةٍ أَوْ جُمُودٍ، وَفِي الثَّلَاثَةِ: أَنْ يُوَصَّفَ بِجَسَمٍ أَوْ يُشَبَّهَ بِشَيْءٍ أَوْ يُقَاسَ بِقِيَاسٍ، وَتُخْطِرُ فِي الرَّابِعَةِ: أَنْ تَحِلَّهُ الْأَعْرَاضُ أَوْ تَوْلِمَهُ الْأَمْرَاضُ، وَتُخْطِرُ فِي الْخَامِسَةِ: أَنْ يُوَصَّفَ بِجَوْهَرٍ أَوْ بِعَرَضٍ أَوْ يَحِلَّ شَيْئًا أَوْ يَحِلَّ فِيهِ شَيْءٌ، وَتُخْطِرُ فِي السَّادِسَةِ: أَنْ يَجُوزَ عَلَيْهِ مَا يَجُوزُ عَلَى الْمُحَدَّثِينَ مِنَ الزَّوَالِ وَالِانْتِقَالِ وَالتَّغْيِيرِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ، وَتُخْطِرُ فِي السَّابِعَةِ: أَنْ تَحِلَّهُ الْحَوَاشِ الْخَمْسُ.

ثُمَّ تَأْوِيلُ مَدِّ عُنُقِكَ فِي الرُّكُوعِ تُخْطِرُ فِي نَفْسِكَ: أَمَنْتُ بِكَ وَلَوْ صَدَّ رِبَّتْ عُنُقِي. ثُمَّ تَأْوِيلُ رَفْعِ رَأْسِكَ مِنَ الرُّكُوعِ إِذَا قُلْتَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تَأْوِيلُهُ: الَّذِي أَخْرَجَنِي مِنَ الْعَدَمِ إِلَى الْوُجُودِ.

وَتَأْوِيلُ السَّجْدَةِ الْأُولَى أَنْ تُخْطِرَ فِي نَفْسِكَ وَأَنْتَ سَاجِدٌ: مِنْهَا خَلَقْتَنِي. وَرَفْعُ رَأْسِكَ تَأْوِيلُهُ: وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنِي. وَالسَّجْدَةُ الثَّانِيَةُ: وَفِيهَا تُعِيدُنِي. وَرَفْعُ رَأْسِكَ تُخْطِرُ بِقَلْبِكَ: وَمِنْهَا تُخْرِجُنِي تَارَةً أُخْرَى.

658. بحار الأنوار - به نقل از جابر بن عبد الله انصاری - همراه مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام بودم که دیدم مردی به نماز ایستاده است. به او فرمود: «ای مرد! آیا حقیقت نماز را می دانی؟».

گفت: ای مولای من! آیا نماز حقیقتی غیر از عبادت دارد؟

فرمود: «آری. سوگند به کسی که محمد را به نبوت برانگیخت، هیچ پیامبری را به کاری از کارها برنینگیخته، جز این که متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه اینها به عبادت، ره نمون می کنند».

آن مرد گفت: ای مولای من! مرا از آن آگاه کن.

فرمود: «حقیقت [هفت] تکبیر آغازین تو که با آن، کارهایی را بر خود حرام می کنی، این است: هنگام تکبیر اول، در اندیشه ات می گویی: خدا بزرگ تر از آن است که به برخاستن و نشستن توصیف شود. در تکبیر دوم، توصیف به حرکت و سکون و در تکبیر سوم، وصف جسم بودن یا تشبیه به چیزی کردن یا با چیزی مقایسه کردن را از او نفی می کنی. در تکبیر چهارم، در دلت می گذرانی که [خدا بزرگ تر از آن است که] حالت های گوناگون بر او عارض شوند یا بیماری ها او را بیازارند، و در تکبیر پنجم، با خود می گویی:

[خدا بزرگ تر از آن است که] به جوهر و عرض بودن توصیف شود، یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند. در تکبیر ششم، در دلت می گذرانی که [خدا بزرگ تر از آن است که] صفات موجودات حادث (پدید آمده) را مانند نابودی و جا به جایی و دگرگونی از حالتی به حالتی، بر او روا بداری، و در تکبیر هفتم، در دلت می گذرانی که [خدا بزرگ تر از آن است که] حواس پنجگانه او را دریابند.

و حقیقت کشیدن گردن در رکوع، آن است که در دلت بگذرانی: به تو ایمان آوردم، حتی اگر گردنم زده شود. و حقیقت سر برداشتن از رکوع، هنگامی که می گویی: "خدا به آن که او را بستاید، گوش می دهد. سپاس، مخصوص پروردگار جهانیان است"، این است:

پروردگاری که مرا از عدم به وجود آورد.

حقیقت سجده نخست، آن است که در حال سجده در دلت بگذرانی: مرا از آن

وتأويلُ فَعُودِكَ عَلَى جَانِبِكَ الْأَيْسَرِ وَرَفَعَ رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَطَرَحَكَ عَلَى الْيُسْرَى، تُخَطِرُ بِقَلْبِكَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَقَمْتُ الْحَقَّ وَأَمَتُّ الْبَاطِلَ.

وتأويلُ تَشْهَدُكَ: تَجْدِيدُ الْإِيمَانِ وَمُعَاوَدَةُ الْإِسْلَامِ وَالْإِقْرَارُ بِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ.

وتأويلُ قِرَاءَةِ التَّحِيَّاتِ: تَمْجِيدُ الرَّبِّ سُبْحَانَهُ، وَتَعْظِيمُهُ عَمَّا قَالَ الظَّالِمُونَ وَنَعْتُهُ الْمُلْحِدُونَ. وتأويلُ قَوْلِكَ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» تَرْحُمُ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَمَعْنَاهَا: هَذِهِ أَمَانٌ لَكُمْ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يَعْلَمْ تَأْوِيلَ صَلَاتِهِ هَكَذَا فَهِيَ خِدَاحٌ -أي ناقصة- (1).

659. علل الشرائع عن أحمد بن علي الراهب: قَالَ رَجُلٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، مَا مَعْنَى السَّجْدَةِ الْأُولَى؟

فَقَالَ: تَأْوِيلُهُ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ مِنْهَا خَلَقْتَنِي؛ يَعْنِي مِنَ الْأَرْضِ. وَرَفَعَ رَأْسِيكَ: وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنَا. وَالسَّجْدَةُ الثَّانِيَّةُ: وَإِلَيْهَا تُعِيدُنَا. وَرَفَعَ رَأْسِيكَ مِنَ الثَّانِيَّةِ: وَمِنْهَا تَخْرِجُنَا تَارَةً أُخْرَى.

قَالَ الرَّجُلُ: مَا مَعْنَى رَفَعَ رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَطَرَحَكَ الْيُسْرَى فِي السَّهْدِ؟

قَالَ: تَأْوِيلُهُ: اللَّهُمَّ أَمِتِ الْبَاطِلَ وَأَقِمِ الْحَقَّ. (2)

660. الإمام علي عليه السلام -في معنى قول الإمام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ-: إِنَّ الْإِمَامَ يُتْرَجَمُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ 7.

ص: 428

1- بحار الأنوار: ج 84 ص 253 ح 52 نقلاً عن خط الشيخ الشهيد، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 107 ح 4252.

2- علل الشرائع: ص 336 ح 4، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 314 ح 930 وليس فيه ذيله من «قال الرجل»، وص 320 ح 945 وفيه ذيله من «قال الرجل»، بحار الأنوار: ج 82 ص 271 ح 18 و ج 85 ص 132 ح 7.

(خاك) آفريدی، و حقيقت سر برداشتن تو [اين است كه]: و مرا از آن (خاك) بيرون كشيدي، و [حقيقت] سجده دوم [اين است كه]: و مرا به آن باز می گردانی، و در سر برداشتن [دوم] در دلت می گذرانی: و بار ديگر، مرا از آن بيرون می كشي.

حقيقت نشستن بر سمت چپ و بلند كردن پای راست و افكندن آن بر پای چپ، اين است كه در دلت می گذرانی: خدايا! همانا من حق را بر پا كردم و باطل را ميراندم.

حقيقت تشهّدت، نو كردن ايمان و بازگشت به اسلام و اقرار به رستاخيز پس از مرگ است و حقيقت تحيّت ها، بزرگداشت پروردگار سبحان و بزرگ دانستن او از هر چه ستمكاران می گویند و كجروان توصيف می كنند، و حقيقت گفته ات: "سلام بر شما و نيز رحمت و بركات خداوند!"، جلب رحمت خداوند سبحان است؛ يعنی: اين [نماز] امانی برای شما از كيفر روز قيامت است».

سپس امير مؤمنان فرمود: «اگر کسی حقيقت نماز را اين گونه نداند، نمازش ناقص است».

659. علل الشرائع - به نقل از احمد بن علی راهب -: مردی به امير مؤمنان عليه السلام گفت: ای پسرعموی بهترين آفريده خدا! معنای سجده نخست چیست؟

فرمود: «حقيقتش اين است: خدايا! همانا تو مرا از آن - يعنی از زمين - آفريدی و [معنای] سر برداشتن [، اين است]: و ما را از آن بيرون كشيدي، و [معنای] سجده دوم: و به آن باز می گردانی، و [معنای] سر برداشتن از سجده دوم [، اين است]: و بار ديگر، ما را از آن خارج می كنی».

آن مرد گفت: [معنای] بلند كردن پای راست و افكندن [بر] پای چپ در تشهّد چیست؟

فرمود: «حقيقتش اين است: خدايا! باطل را بميران و حق را بر پا دار». (1)

660. امام علی عليه السلام - در معنای گفته امام جماعت: السلام عليكم - : همانا امام، سخن خداوند.

ص: 429

1 - در كتاب من لا يحضره الفقيه، حديث از «معنای بلند كردن پای راست...» آغاز می گردد.

وَيَقُولُ فِي تَرْجَمَتِهِ لِأَهْلِ الْجَمَاعَةِ: أَمَانٌ لَكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

661. كتاب من لا - يحضره الفقيه: سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى، مَا مَعْنَى رَفْعِ يَدَيْكَ فِي التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعْنَاةُ: اللَّهُ أَكْبَرُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، لَا يُلْمَسُ بِالْأَخْمَاسِ، وَلَا يُدْرَكُ بِالْحَوَاسِّ. (2)

4/7 أسرارُ الصَّلَاةِ فيما رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع)

662. معاني الأخبار عن عبد الله بن الفضل الهاشمي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى التَّسْلِيمِ فِي الصَّلَاةِ، فَقَالَ: التَّسْلِيمُ عَلَامَةٌ الْأَمْنِ وَتَحْلِيلُ الصَّلَاةِ. قُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟

قَالَ: كَانَ النَّاسُ فِيهَا مَضَى إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَارِدًا أَمِنُوا شَرَّهُ، وَكَانُوا إِذَا رَدُّوا عَلَيْهِ أَمِنَ شَرَّهُمْ، فَإِنْ لَمْ يُسَلِّمْ لَمْ يَأْمَنُوهُ وَإِنْ لَمْ يَرُدُّوا عَلَى الْمُسَلِّمِ لَمْ يَأْمَنُوهُمْ، وَذَلِكَ خُلِقَ فِي الْعَرَبِ. فَجُعِلَ التَّسْلِيمُ عَلَامَةً لِلنُّخُوجِ مِنَ الصَّلَاةِ وَتَحْلِيلًا لِلْكَلَامِ وَأَمَّا مِنْ أَنْ يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ مَا يُفْسِدُهَا، وَالسَّلَامُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ وَقَعَ مِنَ الْمُصَلِّي عَلَى مَلَكَِي اللَّهِ الْمُؤَكَّلَيْنِ بِهِ. (3) 0.

ص: 430

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 320 ح 945، مجمع البحرين: ج 1 ص 222 عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 309 ح 16.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 306 ح 921، علل الشرائع: ص 320 ح 1 وص 333 ح 5 وفيه بزيادة «لا يقاس بشيء» بعد «كمثله شيء» وكلاهما عن أحمد بن عبد الله نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 270 ح 18.

3- معاني الأخبار: ص 176 ح 1، فلاح السائل: ص 226 ح 127 نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 307 ح 10.

عزیز و جلیل را تفسیر می کند و در ترجمه آن به جماعت نمازگزار می گوید: [این نماز] امانی برای شما از عذاب خدا در روز قیامت است.

661. کتاب من لا یحضره الفقیه: مردی از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: ای پسرعموی بهترین آفریده خداوند متعال! معنای بالا بردن دست ها در تکبیر نخست چیست؟

فرمود: «معنایش این است: خدا بزرگ تر، یکتا و بی همتاست، مانند ندارد، با دست لمس نمی شود و حواس پنجگانه، او را در نمی یابند».

4/7: رازهای نماز از دیدگاه امام صادق (ع)

662. معانی الأخبار - به نقل از عبد الله بن فضل هاشمی - : از امام صادق علیه السلام معنای سلام دادن در نماز را پرسیدم.

فرمود: «نشانه امان و پایان یافتن نماز است».

گفتم: فدایت شوم! این چگونه است؟

فرمود: «در میان مردمان گذشته، هر گاه شخص تازه وارد بر آنان سلام می داد، خود را از بدی اش در امان می دیدند و اگر جواب سلام او را می دادند، او نیز خود را در امان می دید. پس اگر سلام نمی داد، خود را در امان نمی دیدند و اگر جواب سلام را بر سلام دهنده، رد نمی کردند، او خود را در امان نمی دید و این، خوی عرب بود.

پس سلام دادن، نشانه بیرون رفتن از نماز و حلال کردن گفتار است و امانی است برای نماز از آنچه به آن وارد شده و تباهش می کند. سلام، نامی از نام های خداوند عز و جل است و آن از سوی نمازگزار بر دو فرشته خدا که بر او گمارده شده اند، داده می شود».

663. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : معنى السلام في دبر كل صلاة معنى الأمان؛ أي من أدى أمر الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله خاضعاً له خاشعاً منه فله الأمان من بلاء الدنيا وبرائة من عذاب الآخرة. (1) 2.

ص: 432

1- . مصباح الشريعة: ص 119، بحار الأنوار: ج 85 ص 307 ح 12.

663. مصباح الشريعة - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است - معنای سلام در پایان هر نماز، همان معنای امان است؛ یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیامبرش را با فروتنی و افتادگی در برابر او انجام دهد، از بلای دنیا در امان می ماند و از کیفر آخرت می رهد.

ص: 433

الفصل الثامن: ما لا يَنْبَغِي لِلْمُصَلِّي

1/8 العَبَثُ

664. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ آيْتَهَا الْأُمَّةَ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصَلَةً، وَنَهَاكُمْ عَنْهَا:...

وَكْرِهَ لَكُمْ الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ. (1)

665. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ، وَكَرِهْتُهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي: الْعَبَثُ فِي

الصَّلَاةِ.... (2)

666. مسند أبي يعلى عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَى رَجُلًا يُحَرِّكُ الْحَصَى وَهُوَ فِي

ص: 434

1- .الكافي: ج 3 ص 300 ح 2 عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 357 ح 5762 عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 501 ح 1736 عن معاذ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 79 ص 277 ح 2؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 305 ح 10 عن إبراهيم من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 297 ح 3310 عن عطاء من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 85 ح 44015.

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 188 ح 575، الخصال: ص 327 ح 19 عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «كرهين» بدل «كرهتهن»، المحاسن: ج 1 ص 73 ح 31 عن سليمان الديلمي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، الجعفریات: ص 37 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيه «كره لكم أشياء» بدل «كره لي ست خصال»، معدن الجواهر: ص 31 وفيه «ان الله كره لكم ثلاثاً: العبث في الصلاة...»، بحار الأنوار: ج 79 ص 277 ح 1.

1/8 بازی کردن

664. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای امت! خداوند، بیست و چهار خصلت را برایتان ناپسند داشته و از آنها نهی کرده است: ... و بازی را در نماز برایتان ناپسند داشته است.

665. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند-تبارک و تعالی- شش خصلت را برای من نپسندیده و من نیز آنها را برای جانشینان از نسلم و پیروانشان نپسندیده ام: بازی کردن در نماز و ...

666. مسند ابی یعلی - به نقل از انس - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که در نماز، سنگریزه ها

ص: 435

الصَّلَاةِ، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ لِلرَّجُلِ: هُوَ حَظُّكَ مِنْ صَلَاتِكَ. (1)

667. الإمام علي عليه السلام: لا يَعْبَثُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحْيَتِهِ، وَلَا بِمَا يَشْغَلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ. (2)

668. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَعْبَثْ بِلِحْيَتِكَ وَلَا بِرَأْسِكَ، وَلَا تَعْبَثْ بِالْحَصَى وَأَنْتَ تُصَلِّي، إِلَّا أَنْ تَسُوِّيَ حَيْثُ تَسْجُدُ، فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ. (3)

2/8 الإلتفات

669. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَلْتَفِتُوا فِي صَلَاتِكُمْ؛ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِلْمُتَلَفِّتِ. (4)

670. عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكَ وَالْإِلْتِفَاتَ فِي الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّ الْإِلْتِفَاتَ فِي الصَّلَاةِ هَلَكَةٌ، فَإِنْ كَانَ لِأَبَدٍ فَبِئْسَ التَّطَوُّعُ لَا فِي الْفَرِيضَةِ. (5) 1.

ص: 436

- 1- .مسند أبي يعلى: ج 4 ص 118 ح 4000، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 41 ح 2411 عن يحيى بن أبي كثير، المعجم الكبير: ج 7 ص 159 ح 6691 عن السائب بن يزيد، سنن النسائي: ج 2 ص 237، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 274 ح 1947 كلاهما عن عبد الله بن عمر من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلّهما نحوه، مجمع الزوائد: ج 2 ص 244 ح 2475.
- 2- .الخصال: ص 620 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 110 نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 239 ح 21.
- 3- .الكافي: ج 3 ص 301 ح 9، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916، المقنع للصدوق: ص 75 كلاهما نحوه وفيهما صدره فقط، بحار الأنوار: ج 84 ص 224 ح 11 نقلاً عن الهداية نحوه وراجع مسند زيد: ص 120 و مسند ابن حنبل: ج 8 ص 76 ح 21390.
- 4- .المعجم الأوسط: ج 2 ص 294 ح 2021، المعجم الصغير: ج 1 ص 64، تاريخ اصبهان: ج 1 ص 163 الرقم 144، مجمع الزوائد: ج 2 ص 233 ح 2429 نقلاً عن المعجم الكبير وكلّهما عن عبد الله بن سلام، كنز العمال: ج 7 ص 505 ح 19987؛ بحار الأنوار: ج 84 ص 211 ذيل ح 3 وراجع السنن الكبرى: ج 2 ص 397 ح 3518 والمصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 255 ح 3263.
- 5- .سنن الترمذي: ج 2 ص 484 ح 589، المعجم الأوسط: ج 6 ص 124 ح 5991، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 453 ح 3612، رياض الصالحين: ص 631، تاريخ دمشق: ج 9 ص 342 كلّها عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 504 ح 19981.

را تکان می دهد. پس از آن که نمازش را تمام کرد، به آن مرد فرمود: «نصیب تو از نماز، همان است».

667. امام علی علیه السلام: مرد، در نماز با ریشش و آنچه او را از نمازش به خود مشغول می دارد، بازی نمی کند.

668. امام صادق علیه السلام: هنگامی که به نماز ایستادی، با ریش و سرت بازی نکن و در حال نماز، با سنگریزه بازی نکن، مگر آن که بخواهی سجده گاهت را هموار کنی که اشکالی ندارد.

2/8 به این سو و آن سو روی گرداندن

669. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در نمازتان به این سو و آن سو روی نگردانید، که چنین کسی نماز [درستی] ندارد.

670. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا در نماز، به این سو و آن سو روی گردانی، که روی گرداندن در نماز، هلاکت است. اگر چاره ای [از روی گردانی] نیست، در نماز مستحب و نه در واجب، انجام گیرد.

ص: 437

671. عنه صلى الله عليه وآله - في بيان كلام يحيى عليه السلام لبني إسرائيل - : إِنَّ اللَّهَ أَمَرَكُمْ بِالصَّلَاةِ، فَإِذَا صَلَّيْتُمْ فَلَا تَلْتَفِتُوا، فَإِنَّ اللَّهَ يَنْصِبُ وَجْهَهُ لَوَجْهِ عَبْدِهِ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ. (1)

672. عنه صلى الله عليه وآله: لا يزال الله عز وجل مُقْبِلًا عَلَى الْعَبْدِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ، فَإِذَا التَّفَّتْ انصرفت عنه. (2)

673. عنه صلى الله عليه وآله: مَا التَّفَّتْ عَبْدٌ قَطُّ فِي صَلَاتِهِ إِلَّا قَالَ لَهُ رَبُّهُ: أَيْنَ تَلْتَفِتُ ابْنَ آدَمَ؟ أَمَا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَلْتَفِتُ إِلَيْهِ. (3)

674. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ، فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (4)

675. الإمام علي عليه السلام: الْإِلْتِفَاتُ فِي الصَّلَاةِ اخْتِلَاسٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِيَّاكُمْ وَالْإِلْتِفَاتَ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُقْبِلُ عَلَى الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ، فَإِذَا التَّفَّتْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا بْنَ آدَمَ، عَمَّنْ تَلْتَفِتُ؟ - ثلاثاً - فَإِذَا التَّفَّتْ الرَّابِعَةَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ. (5) 3.

ص: 438

1- .سنن الترمذي: ج 5 ص 148 ح 2863، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 90 ح 17170، صحيح ابن حبان: ج 14 ص 125 ح 6233، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 244 ح 483، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 583 ح 1534 كلها عن الحارث الأشعري والأربعة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 914 ح 43577.

2- .سنن أبي داود: ج 1 ص 239 ح 909، سنن النسائي: ج 3 ص 8، سنن الدارمي: ج 1 ص 352 ح 1395، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 119 ح 21564، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 361 ح 862 كلها عن أبي ذر وفيها «إِذَا صَرَفَ وَجْهَهُ» بدل «إِذَا التَّفَّتْ»، كنز العمال: ج 7 ص 503 ح 19975.

3- .شعب الإيمان: ج 3 ص 138 ح 3127، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 492 ح 8 كلاهما عن أبي هريرة، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 255 ح 3265 عن يحيى بن أبي كثير وكلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 503 ح 19979؛ المحاسن: ج 1 ص 122 ح 131 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام، تحف العقول: ص 103 عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 241 ح 26.

4- .عوالي اللآلي: ج 1 ص 324 ح 64 عن معاذ بن جبل، بحار الأنوار: ج 84 ص 249 ح 41؛ تفسير الفخر الرازي: ج 23 ص 80، إحياء العلوم: ج 5 ص 265 كلاهما عن معاذ بن جبل من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

5- .قرب الإسناد: ص 150 ح 546 عن أبي البخترى عن أبيه، ثواب الأعمال: ص 273 ح 1 عن داود بن حصين عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 160 ح 229 عن خضر عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 64 ح 16؛ صحيح البخاري: ج 1 ص 262 ح 718 سنن النسائي: ج 3 ص 8 وفيهما صدره إلى «الشيطان» وكلاهما عن عائشة نحوه من دون إسناد إليه عليه السلام، كنز العمال: ج 8 ص 177 ح 22453.

671. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در توضیح گفتار یحیی به بنی اسرائیل - : خداوند، شما را به نماز فرمان داده است. پس هر گاه نماز می خوانید، به این سو و آن سو روی نگردانید، که خدا در نماز، رو به چهره بنده اش دارد تا آن گاه که بنده روی بگرداند.

672. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیوسته خدای عز و جل در نماز رو به بنده اش دارد، تا آن گاه که او روی نگردانیده است. پس اگر بنده روی گرداند، خدا نیز روی می گرداند.

673. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گاه بنده در نمازش روی نمی گرداند، جز این که پروردگارش به او می گوید: «ای فرزند آدم! به کجا رو می کنی؟ من برای تواز آنچه بدان روی آورده ای، بهترم».

674. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در نماز در پی آگاهی از کسی باشد که در چپ و راست اوست، نماز [درستی] ندارد.

675. امام علی علیه السلام: روی گرداندن در نماز، ربودنی از شیطان است. پس مبادا در نماز به این سو و آن سو روی گردانید، که خداوند - تبارک و تعالی -، هنگام به نماز ایستادن بنده، به او روی می آورد و آن گاه که او روی گرداند، خداوند - تبارک و تعالی - می گوید: «ای فرزند آدم! از چه کسی روی می گردانی؟» تا سه بار. پس بار چهارم که روی بگرداند، خداوند از او روی می گرداند.

676. الإمام الصادق عليه السلام: إذا استفتح العبد صلاته أقبل الله عليه بوجهه الكريم ووكل به ملكاً يلتقط القرآن من فيه التقاطاً، فإن أعرض العبد عن صلاته أعرض الله عنه ووكله إلى الملاك، وإن أقبل على صلاته بكلمة أقبل الله عليه بوجهه الكريم حتى ترفع صلاته كاملةً، وإن سها فيها أو غفل أو شغل بشيء غير ما رُفِعَ من صلاته بقدر ما أقبل عليه منها، ولا يعطى القلب الغافل شيئاً. (1)

677. عنه عليه السلام - في قوله تعالى: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (2) -: «قُم فِي الصَّلَاةِ وَلَا تَلْتَفِتْ يَمِينًا وَلَا شِمَالًا». (3)

678. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا نودي بالصلاة أدبر الشيطان وله ضراط، حتى لا يسمع الأذان، فإذا قضي الأذان أقبل، فإذا ثوب بها أدبر، فإذا قضي التثويب أقبل، حتى يخطر بين المرء ونفسه، يقول: أذكر كذا وكذا، ما لم يكن يذكر، حتى يظل الرجل إن يدري كم صلى. (4) 5.

ص: 440

1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 66 ح 2164، الأماشي للطوسي: ص 693 ح 1471 عن حفص، فقه الرضا: ص 103 وفيه «ووكله إليه» بدل «ووكله إلى الملك»، دعائم الإسلام: ج 1 ص 136 عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيها ذيله من «وإن أقبل على صلاته»، وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 233 ح 57.

2- الروم: 30.

3- تفسير القمّي: ج 2 ص 155 عن الفضل بن يسار وربيعي بن عبد الله، الهداية: ص 161، فقه الرضا: ص 101 عن الإمام الرضا عليه السلام، مسند زيد: ص 120 عن زيد بن علي عليه السلام من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها صدره وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 204 ح 3، وراجع دعائم الإسلام: ج 1 ص 157 والمستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 426 ح 3482.

4- صحيح البخاري: ج 1 ص 413 ح 1174، صحيح مسلم: ج 1 ص 291 ح 19، سنن أبي داود: ج 1 ص 142 ح 516، سنن النسائي: ج 2 ص 21 ح 664 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 679 ح 20883؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 409 ح 75 نحوه، بحار الأنوار: ج 63 ص 315.

676. امام صادق علیه السلام: هنگامی که بنده نماز را آغاز می کند، خداوند با روی کریمانه اش به او روی می آورد و فرشته ای را بر او می گمارد تا قرآن را کامل و تمام از لبش برچیند.

پس اگر بنده از نمازش روی گرداند، خداوند نیز روی می گرداند و او را به همان فرشته می سپارد و اگر در همه نمازش، به آن متوجه باشد، خداوند با روی کریمانه اش به او رو می کند تا آن که نمازش کامل و تمام بالا رود. و اگر در آن دچار فراموشی یا غفلت گردید یا سرگرم به چیزی جز نماز شد، از نمازش، همان اندازه بالا می رود که به خدا روی داشته است و به دل غافل، هیچ چیزی داده نمی شود.

677. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خداوند متعال: «پاك دلانه روی به دین داشته باش» - در نماز بایست و به راست و چپ، روی مگردان.

678. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که اذان نماز گفته می شود، شیطان پشت می کند و صدایی از خود در می آورد تا صدای اذان شنیده نشود و چون اذان به پایان می رسد، جلو می آید و چون اقامه گفته می شود، دوباره پشت می کند و هنگامی که اقامه به پایان می رسد، جلو می آید و به جان نمازگزار می افتد و همواره به او می گوید: «این را و آن را به یاد آر»، تا آن جا که نمازگزار نمی داند چند رکعت نماز خوانده است.

679. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَشِدَّةَ التَّائِبِ فِي الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا عَوَّةُ الشَّيْطَانِ، وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَّاسَ وَيَكْرَهُ التَّائِبِ فِي الصَّلَاةِ. (1)

680. المعجم الكبير عن أبي امامة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَكْرَهُ التَّائِبَ فِي الصَّلَاةِ. (2)

681. رسول الله صلى الله عليه وآله: التَّائِبُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَكْظِمِ مَا اسْتَطَاعَ. (3)

682. الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا تَنَاءَبَ فِي الصَّلَاةِ رَدَّهَا بِيَدِهِ الْيُمْنَى. (4)

683. الكافي عن الفضل بن يسار عن أحدهما عليهما السلام: أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَتَنَاءَبُ وَيَتَمَطَّى فِي الصَّلَاةِ، قَالَ: هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَلَا يَمْلِكُهُ. (5) 3.

ص: 442

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 174 عن الإمام عليّ عليه السلام، الجعفریات: ص 41 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، وفيه ذيله من «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ...»، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 415 ح 6226؛ صحيح البخاري: ج 5 ص 2297 ح 5869، سنن أبي داود: ج 4 ص 306 ح 5028، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 87 ح 7602 كلها عن أبي هريرة وفيها ذيله من «وإنَّ الله» وليس فيها «في الصلاة»، كنز العمال: ج 9 ص 158 ح 25511.

2- المعجم الكبير: ج 8 ص 131 ح 7598، مسند الشاميين: ج 2 ص 370 ح 1514، فتح الباري: ج 10 ص 607 ح 6223، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 269 ح 3318 عن عطاء، كنز العمال: ج 7 ص 59 ح 17949؛ بحار الأنوار: ج 84 ص 203 نقلاً عن المنتهى.

3- صحيح مسلم: ج 4 ص 2293 ح 56، صحيح البخاري: ج 5 ص 2297 ح 5869 نحوه، سنن الترمذي: ج 2 ص 206 ح 370 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 513 ح 20019؛ الكافي، ج 2 ص 654 ح 5، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 165 ح 2410 وفيهما صدره، بحار الأنوار: ج 84 ص 202 ذيل ح 2.

4- الجعفریات: ص 214 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مسند زيد: ص 119 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه «إذا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلْيُضَعِ يَدَهُ عَلَى فِيهِ»، دعائم الإسلام: ج 1 ص 175 نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 267 ذيل ح 67؛ مسند ابن حنبل: ج 4 ص 75 ح 13323 عن أبي سعيد عن رسول الله صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 8 ص 203 ح 22556 نقلاً عن المصنّف لعبد الرزاق عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيهما «إذا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيُضَعِ يَدَهُ عَلَى فِيهِ» وراجع سنن ابن ماجه: ج 1 ص 310 ح 968.

5- الكافي: ج 3 ص 301 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 324 ح 1328، بحار الأنوار: ج 84 ص 203 وراجع فتح الباري: ج 10 ص 613.

679. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا در نماز، بلند خمیازه بکشید، که صدای شیطان است. همانا خداوند، عطسه را دوست و خمیازه را در نماز، ناپسند می دارد.

680. المعجم الکبیر - به نقل از ابو امامه -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خمیازه را در نماز، ناپسند می داشت.

681. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خمیازه، از شیطان است. هر گاه یکی از شما دچار خمیازه شد، هر اندازه که می تواند، آن را فرو خورد.

682. امام علی علیه السلام: هر گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز دچار خمیازه می شد، با دست راستش جلوی آن را می گرفت.

683. الکافی - به نقل از فضیل بن یسار -: از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام در باره مردی که در نماز خمیازه می کشد و اندامش را کش می دهد، پرسیدم. فرمود: «آن از شیطان است و در اختیار فرد نیست».

الكتاب:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ». (1)

الحديث:

684. الكافي عن زيد الشحام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: « لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى »؟ فَقَالَ: سُكْرُ النَّوْمِ. (2)

685. تفسير العياشي عن الحلبي: سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ »، قَالَ: لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى؛ يَعْنِي سُكْرَ النَّوْمِ، يَقُولُ: وَبِكُمْ نُعَاسٌ يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ فِي رُكُوعِكُمْ وَسُجُودِكُمْ وَتَكْبِيرِكُمْ، وَلَيْسَ كَمَا يَصِفُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَسْكُرُونَ مِنَ الشَّرَابِ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يَشْرَبُ مُسْكِرًا وَلَا يَسْكُرُ. (3)

686. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يُصَلِّي، فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ. (4)

687. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يُصَلِّي، فَلْيَنَمْ عَلَى فِرَاشِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيَدْعُو عَلَى 2.

ص: 444

1- النساء: 43.

2- الكافي: ج 3 ص 371 ح 15، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 258 ح 722، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 479 ح 1386 عن زكريا النقاض عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 83 ح 358، تفسير الطبري: الجزء الخامس ص 96، التمهيد: ج 22 ص 118 كلاهما عن الضحاک من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

3- تفسير العياشي: ج 1 ص 242 ح 137، بحار الأنوار: ج 84 ص 231 ح 4.

4- صحيح البخاري: ج 1 ص 87 ح 209، صحيح مسلم: ج 1 ص 543 ح 222، سنن أبي داود: ج 2 ص 33 ح 1310، سنن الترمذي: ج 2 ص 186 ح 355، الموطأ: ج 1 ص 118 ح 3، كلِّها عن عائشة، كنز العمال: ج 7 ص 789 ح 21422.

«ای ایمان آورندگان! در حال مستی، به نماز نزدیک نشوید، تا آن گاه که بدانید چه می گوئید».

حدیث

684. الکافی - به نقل از زید شحّام - به امام صادق علیه السلام گفتم: معنای سخن خدای عز و جل در آیه «در حال مستی، به نماز نزدیک نشوید» چیست؟ فرمود: «مستی [و ناهشیاری] خواب».

685. تفسیر العیاشی - به نقل از حلبی - از امام علیه السلام در باره این سخن خدا: «ای ایمان آورندگان! در حال مستی، به نماز نزدیک نشوید، تا آن گاه که بدانید چه می گوئید» پرسیدم.

فرمود: «(در حال مستی، به نماز نزدیک نشوید)»، یعنی مستی خواب. خداوند می گوید: خواب آلود هستید و این شما را از این که بدانید در رکوع و سجود و تکبیرتان چه می گوئید، باز می دارد، نه آن چنان که بسیاری از مردم می پندارند که مؤمنان از شراب مست می شوند؛ زیرا مؤمن، چیز مست کننده نمی نوشد و مست نمی شود».

686. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که یکی از شما در نماز، خواب آلود شد، بخوابد تا خواب از سرش برود. (1)

687. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که یکی از شما در نماز خوابش می گیرد، بر بسترش بخوابد؛

ص: 445

1- در نقل مسند ابن حنبل، چنین آمده است: «رها کند و بخوابد تا آن گاه که می داند چه می گوید» و در يك نقل مسند ابی یعلی آمده است: «پس رها کند، تا آن گاه که می فهمد چه می گوید».

نَفْسِهِ أَمْ يَدْعُو لَهَا. (1)

688. الإمام علي عليه السلام: إِذَا غَلَبَتْكَ عَيْنُكَ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاقْطَعْ الصَّلَاةَ وَنَمْ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ أَنْ تَدْعُو عَلَى نَفْسِكَ. (2)

5/8 الكَسَلُ

الكتاب:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا». (3)

«وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ». (4)

الحديث:

689. الإمام الباقر عليه السلام: لَا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِبًا وَلَا مُتَنَاعِسًا وَلَا مُتَنَاقِلًا فَإِنَّهَا مِنْ خِلَالِ النَّفَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ نَهَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَقُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَهُمْ سُكَارَى؛ يَعْنِي سَكَرَ النَّوْمِ، وَقَالَ لِلْمُنَافِقِينَ: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤْنَ النَّاسَ».

ص: 446

1- السنن الكبرى: ج 3 ص 24 ح 4729، سنن النسائي: ج 1 ص 100 نحوه وكلاهما عن عائشة، صحيح البخاري: ج 1 ص 87 ح 209، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 301 ح 12522 عن أنس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 789 ح 21422؛ مجمع البيان: ج 3 ص 81 عن عائشة وراجع مسند أبي يعلى: ج 3 ص 192 ح 2794.

2- علل الشرائع: ص 353 ح 1، الخصال: ص 629 ح 10 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 118، بحار الأنوار: ج 84 ص 283 ح 5.

3- النساء: 142.

4- التوبة: 54.

زیرا نمی داند به سود خود یا زیان خود دعا می کند.

688. امام علی علیه السلام: هر گاه در نماز، خواب بر چشمت غلبه کرد، نماز را قطع کن و بخواب که شاید نادانسته بر ضدّ خودت دعا کنی.

5/8 بی حالی

قرآن

«منافقان، با خدا نیرنگ می کنند، حال آن که او با آنان نیرنگ می کند و چون به نماز می ایستند، با بی حالی بر می خیزند، با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند».

«هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاق های آنان نشد، جز این که به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با بی حالی، نماز به جای نمی آورند و جز با کراهت، انفاق نمی کنند».

حدیث

689. امام باقر علیه السلام: بی حال و خواب آلود و سنگین به نماز نیست، که اینها از خوی منافقان است. همانا خداوند سبحان، مؤمنان را از ایستادن به نماز در حالت مستی - یعنی مستی خواب - باز داشته و در توصیف منافقان گفته است: «و چون به نماز می ایستند، با بی

ص: 447

وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا». (1)

690. صحيح البخاري عن أنس: دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [الْمَسْجِدَ] فَإِذَا حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّارِيَتَيْنِ (2)، فَقَالَ: مَا هَذَا الْحَبْلُ؟ قَالُوا: هَذَا حَبْلٌ لِرَيْبٍ، فَإِذَا فَتَرْت تَعَلَّقْت.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا، حُلْوَةٌ، لِيُصَلَّ أَحَدُكُمْ نَشَاطَةً، فَإِذَا فَتَرَ فَلْيَقْعُد. (3)

691. الإمام علي عليه السلام: تَكَاسَلُ الْمَرْءِ فِي الصَّلَاةِ مِنْ ضَعْفِ الْإِيمَانِ. (4)

692. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَسِلَ عَنِ طَهْوَرِهِ وَصَلَاتِهِ، فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ آخِرَتِهِ. (5)

693. عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ، إِنَّ رَبَّكُمْ رَحِيمٌ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ، إِنَّ الرَّجُلَ لِيُصَلِّيَ الرَّكَعَتَيْنِ تَطَوُّعًا يُرِيدُ بِهِمَا وَجَهَ اللَّهِ، فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ. (6) 1.

ص: 448

1- الكافي: ج 3 ص 299 ح 1، علل الشرائع: ص 358 ح 1، تفسير العياشي: ج 1 ص 242 ح 134 وليس فيه ذيله من «وقال للمناققين» وكلها عن زرارة، الخصال: ص 613 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، تحف العقول: ص 103، بحار الأنوار: ج 84 ص 202 ح 2 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 302 ح 916.

2- السارية: الأسطوانة (النهاية: ص 2 ح 365 «سرى»).

3- صحيح البخاري: ج 1 ص 386 ح 1099، صحيح مسلم: ج 1 ص 542 ح 219، سنن أبي داود: ج 2 ص 34 ح 1312، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 436 ح 1371، سنن النسائي: ج 3 ص 219 كلها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 37 ح 5357.

4- رسالة الاثنا عشرية: ص 20.

5- الكافي: ج 5 ص 85 ح 3 عن زرارة، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 303 عن عمار السجستاني عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه وفيه «ركوعه» بدل «صلاته»، وسائل الشيعة: ج 12 ص 37 ح 21971.

6- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 238 ح 941، ثواب الأعمال: ص 62 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 393 ح 880 وليس فيه «إيّاكم والكسل» وكلها عن إسماعيل بن يسار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 631، بحار الأنوار: ج 82 ص 216 ح 31.

حالی بر می خیزند، با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند».

690. صحیح البخاری - به نقل از انس - : پیامبر صلی الله علیه و آله داخل مسجد شد و با طنابی کشیده شده میان دو ستون رو به رو گردید. فرمود: «این طناب برای چیست؟».

گفتند: این، طناب زینب است. هر گاه سست می شود، بدان می آویزد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه! آن را باز کنید. هر يك از شما تا آن گاه که نشاط دارد، نماز بخواند و هنگامی که بی حال شد، بنشیند».

691. امام علی علیه السلام: کاهلی کردن انسان در نماز، از سستی ایمان است.

692. امام صادق علیه السلام: هر کس در وضو و نمازش کاهلی کند، بهره ای در امر آخرتش ندارد.

693. امام صادق علیه السلام: مبدا سستی کنید! همانا پروردگار شما مهربان است و عمل اندک را هم ارج می نهد. انسان، گاه دو رکعت نماز مستحبی برای خدا می خواند و خداوند، او را به خاطر آن به بهشت می برد.

ص: 449

694. الإمام الصادق عليه السلام: إذا قام العبد في الصلاة، فخنَّفَ صلاته قال الله تبارك وتعالى لِمَلَايِكَتِهِ: أما ترون إلى عبدي كأنه يرى أن قضاء حوائجه بيدٍ غيري؟! أما يعلم أن قضاء حوائجه بيدي؟! (1)

695. ربيع الأبرار: قيل لجعفر بن محمد [الصادق عليه السلام]: الرَّجُلُ تَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ يَخَافُ فَوْتَهَا، أَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ؟ قَالَ: أَوْ لَا يَعْلَمُ أَنَّ حَاجَتَهُ إِلَى الَّذِي يُصَلِّي إِلَيْهِ؟! (2)

راجع: ج 1 ص 292 (ما ينبغي في أداء الصلاة/التأني) و ص 368 (اتمام الركوع والسجود وإطالتهما).

7/8 غَمَضُ الْعَيْنِ

696. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قام أحدكم في الصلاة فلا يغمض عينيه. (3)

697. الإمام علي عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله نهى أن يغمض الرجل عينيه في الصلاة. (4) 1.

ص: 450

-
- 1- الكافي: ج 3 ص 269 ح 10، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 240 ح 950، فلاح السائل: ص 280 ح 179 كلها عن هشام بن سالم، عدّة الداعي: ص 141 نحوه.
 - 2- ربيع الأبرار: ج 2 ص 149.
 - 3- المعجم الكبير: ج 11 ص 29 ح 10956، المعجم الأوسط: ج 2 ص 356 ح 2218، المعجم الصغير: ج 1 ص 17 كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 7 ص 515 ح 20027؛ منتهى المطلب: ج 5 ص 311 عن ابن عباس.
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 314 ح 1280 عن مسمع عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات: ص 33 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 175 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 228؛ المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 271 ح 3329 عن مجاهد من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، المجموع للنووي: ج 3 ص 314 عن مجاهد و قتادة من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام و كلاهما نحوه وراجع قرب الإسناد: ص 200 ح 768 و المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 162 ح 1.

694. امام صادق علیه السلام: هر گاه بنده به نماز ایستد و نمازش را مختصر کند، خداوند -تبارک و تعالی- به فرشتگانش می گوید: «آیا به بنده من نمی نگرید؟ گویی بر آوردن نیازهایش را به دست غیر من می بیند! آیا نمی داند که بر آوردن نیازهایش به دست من است؟».

695. ربیع الأبرار: به امام صادق علیه السلام گفته شد: [گاه] انسان نیازی دارد که می ترسد فوت شود.

آیا نماز را مختصر کند؟

فرمود: «آیا نمی داند که نیازش به هموست که به سویش نماز می گزارد؟».

ر.ك: ج 1/ص 293 (آداب خواندن نماز/درنگ کردن) و ص 369 (کامل کردن و طول دادن رکوع و سجود).

696. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما به نماز ایستاد، چشمانش را نبندد.

697. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که انسان چشمانش را در نماز ببندد، نهی کرد.

ص: 451

698. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَ خَلْفَهُ فَرَقَةً (1) فَرَقَعَ رَجُلٌ أَصَابِعَهُ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمَّا انصَرَفَ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا إِنَّهُ حَظُّهُ مِنْ صَلَاتِهِ. (2)

699. الكافي عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْتَمِثُ فِي الصَّلَاةِ؟ قَالَ: لَا، وَلَا يُنْقِضُ (3) أَصَابِعَهُ. (4)

9/8 حَبْسُ الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ

700. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَأْتِ أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ وَهُوَ حَاقِنٌ (5). (6)

701. عنه صلى الله عليه وآله: لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ، وَلَا هُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ. (7)ة.

ص: 452

- 1- فرقة الأصابع: غمزها حتى يسمع لمفاصلها صوت (النهاية: ج 3 ص 440 «فرقة»).
- 2- الكافي: ج 3 ص 365 ح 8 عن مسمع أبي سيار، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1263 ح 9295.
- 3- إنقاض الأصابع: تصويتها وفرقتها. وأنقض أصابعه: ضرب بها لتصوت (مجمع البحرين: ج 3 ص 1826 «نقض»).
- 4- الكافي: ج 3 ص 366 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 199 ح 781، علل الشرائع: ص 358 ح 1 عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916 كلاهما نحوه، منتقى الجمان: ج 2 ص 279، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1263 ح 9294.
- 5- الحاقن: هو الذي حبس بوله (النهاية: ج 1 ص 416 «حقن»).
- 6- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 271 ح 22214، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 202 ح 617 نحوه، التاريخ الكبير: ج 8 ص 341 الرقم 3245، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 312 ح 7 كلّها عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 16 ص 55 ح 43914؛ مجمع البحرين: ج 1 ص 436، بحار الأنوار: ج 80 ص 233 ذيل ح 5.
- 7- صحيح مسلم: ج 1 ص 393 ح 67، سنن أبي داود: ج 1 ص 22 ح 89، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 294 ح 24221، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 66 ح 933 كلّها عن عائشة، كنز العمال: ج 7 ص 523 ح 20073؛ منتهى المطلب: ج 5 ص 310 عن عائشة.

698. امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در پشت خود، صدای انگشتان کسی را شنید که در نماز، انگشتانش را می فشرد. پس از آن که نمازش را تمام کرد، فرمود: «آگاه باشید! نصیب او از نماز، همان است».

699. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - از امام باقر علیه السلام پرسیدم: انسان در نماز، به این سو و آن سو توجه می کند؟

فرمود: «خیر، و انگشتانش را نیز نشکند». (1)

9/8 نکه داشتن ادرار و مدفوع

700. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی از شما در حالی که پیشابش (ادرارش) را نکه داشته است، به نماز نیاید.

701. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که غذا حاضر شد، نمازی نیست و نیز هنگامی که انسان درگیر جلوگیری از پیشاب و مدفوع خود است.

ص: 453

1- مقصود، فشردن انگشتان برای به صدا در آوردن مفصل هاست.

702. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَقِيَمَتِ الصَّلَاةُ وَوَجَدَ أَحَدَكُمْ الْخَلَاءَ، فَلْيَبْدَأْ بِالْخَلَاءِ. (1)

703. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُصَلِّيَ وَهُوَ حَقْنٌ حَتَّى يُخَفَّفَ. (2)

704. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُصَلِّ الرَّجُلُ وَهُوَ زَنَاءٌ (3). (4)

705. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ وَبِهِ أَحَدُ الْعَقْدَيْنِ - يَعْنِي الْبَوْلَ وَالْغَائِطَ -. (5)

706. معاني الأخبار عن إسحاق بن عمار: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ [الصَّادِقَ] عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا صَلَاةَ لِحَاقِنٍ، وَلَا لِحَاقِبٍ، وَلَا لِحَاقِظٍ.

وَالْحَاقِنُ الَّذِي بِهِ الْبَوْلُ، وَالْحَاقِبُ الَّذِي بِهِ الْغَائِطُ، وَالْحَاقِظُ الَّذِي بِهِ ضَغْطَةُ الْخُفِّ. (6) 7.

ص: 454

1- .سنن الترمذي: ج 1 ص 263 ح 142، سنن أبي داود: ج 1 ص 22 ح 88، سنن الدارمي: ج 1 ص 354 ح 1399، الموطأ: ج 1 ص 157 ح 49، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 404 ح 15959، والأربعة الأخيرة نحوه وكلها عن عبد الله بن الأرقم، كنز العمال: ج 7 ص 522 ح 20062.

2- .سنن أبي داود: ج 1 ص 23 ح 91، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 274 ح 598، السنن الكبرى: ج 3 ص 185 ح 5349 كلها عن أبي هريرة، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 202 ح 619، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 330 ح 22478 كلاهما عن ثوبان والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 523 ح 20070.

3- .زناء: أي حاقن بوله (النهاية: ج 2 ص 314 «زنأ»).

4- .المجازات النبوية: ص 126 ح 91، الأمالي للسيد المرتضى: ج 4 ص 192، بحار الأنوار: ج 84 ص 323 ح 13؛ النهاية في غريب الحديث: ج 2 ص 314، مفردات ألفاظ القرآن: ص 384 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

5- .معاني الأخبار: ص 164 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 163 ح 235 وفيه «العصرين» بدل «العقدين» وكلاهما عن عيسى بن عبد الله العمري عن أبيه عن جدّه (عن أبيه) عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 323 ح 10؛ مسند ابن حنبل: ج 3 ص 445 ح 9703 عن أبي هريرة نحوه، المعجم الكبير: ج 20 ص 20 ح 22، عن المسور بن مخرمة، مسند إسحاق بن راهوية: ج 2 ص 594 ح 1169 عن عائشة وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 524 ح 20074.

6- .معاني الأخبار: ص 237 ح 1، الأمالي للصدوق: ص 498 ح 683 كلاهما عن إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ج 84 ص 319 ح 7.

702. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه نماز بر پا می شود و کسی از شما نیاز به تخلیه گاه دارد، نخست به آن جا برود.

703. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روا نیست مردی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، در حالی که پیشابش را نگه داشته، نماز بخواند تا آن گاه که خود را سبک کند.

704. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در تنگنای پیشاب است، نماز نخواند.

705. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی از شما در آن حال که بول و مدفوعش انبوه شده است، نماز نخواند.

706. معانی الأخبار - به نقل از اسحاق بن عمّار - : امام صادق علیه السلام فرمود: «برای "حاقن"، "حاقب" و "حاذق" نمازی نیست. حاقن، کسی است که پیشاب خود را نگه داشته و حاقب، کسی است که مدفوعش را نگه داشته و حاذق، کسی است که پاپوشش تنگ و از آن در فشار است».

ص: 455

707. مسند ابن الجعد عن شعبة... عن رجلٍ من بني بياضة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَاتَّمَا يُنَاجِي رَبَّهُ، فَلَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالْقُرْآنِ.

قال- يعني شعبة-: فأقول: في الصلاة؟ فيقول: في الصلاة، فتؤذوا المؤمنين. (1)

708. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُصَلِّيَّ يُنَاجِي رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ بِمَا يُنَاجِي رَبَّهُ، وَلَا يَجْهَرُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْقِرَاءَةِ.

(2)

709. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَجْهَرُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُؤْذِي الْمُصَلِّيَّ. (3)

710. الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يَرْفَعَ الرَّجُلُ صَوْتَهُ بِالْقِرَاءَةِ قَبْلَ الْعِشَاءِ وَبَعْدَهَا، يُغَلِّطُ أَصْحَابَهُ وَهُمْ يُصَلُّونَ. (4)3.

ص: 456

1- مسند ابن الجعد: ص 239 ح 1575، السنن الكبرى للنسائي: ج 2 ص 264 ح 3363 عن شعبة، كنز العمال: ج 7 ص 439 ح 19675.

2- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 347 ح 5349، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 372 ح 5 كلاهما عن ابن عمر، السنن الكبرى للنسائي: ج 5 ص 32 ح 8092، السنن الكبرى: ج 3 ص 17 ح 4703 كلاهما عن أبي سعيد الخدري نحوه، الموطأ: ج 1 ص 80 ح 29 عن البيهقي وفيه «بالقرآن» بدل «بالقراءة»، كنز العمال: ج 7 ص 439 ح 19674 وراجع عوالي اللآلي: ج 4 ص 39.

3- المعجم الأوسط: ج 3 ص 27 ح 2362، تاريخ بغداد: ج 12 ص 284 الرقم 6724، بغية الباحث: ج 1 ص 340 ح 231 كلّها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 1 ص 622 ح 2878.

4- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 190 ح 663، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 261 ح 493 وفيه «بالقرآن» بدل «بالقراءة»، شعب الإيمان: ج 2 ص 543 ح 2659 وفيه «بالقرآن» بدل «بالقراءة»، سير أعلام النبلاء: ج 16 ص 136 كلّها عن الحارث، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 52 الرقم 1057 عن الحارس، كنز العمال: ج 2 ص 317 ح 4113.

707. مسند ابن الجعد - به نقل از شعبه... از مردی از قبیله بنی بیاضه - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر يك از شما که در نماز است، با خدایش مناجات می کند. پس صداهایتان را به قرائت قرآن بلند نکنید».

شعبه (از راویان این حدیث) می گوید: پرسیدم: قرائت در نماز؟ گفت: در نماز، که مؤمنان را اذیت می کنید.

708. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازگزار با خدایش مناجات می کند. پس هر يك از شما بنگرد با چه چیزی با خدایش مناجات می کند و صدای خود را در قرائت، برای دیگران بلند نکند.

709. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برخی از شما صدایشان را برای برخی دیگر بلند نکنند که این، نمازگزار را می آزارد.

710. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این که نمازگزار صدایش را در قرائت بلند کند، باز می داشت، چه پیش از عشا و چه پس از آن، و این کار را بر یاران نمازگزارش خُرده می گرفت.

711. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ لَا يَحُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ قِبْلَتِهِ أَحَدًا فَلْيَفْعَلْ. (1)

712. عنه صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ إِلَى غَيْرِ سُتْرَةٍ مِنَ الْجَفَاءِ، وَمَنْ صَلَّى فِي فَلَاةٍ فَلْيَجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مُؤَخَّرَةِ الرَّحْلِ. (2)

713. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ إِلَى سُتْرَةٍ فَلْيَدْنُ مِنْهَا، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَمُرُّ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا. (3)

714. عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَتْ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ بِالْحَطِّ بَيْنَ يَدَيْهِ وَبِالْحَجَرِ وَبِمَا وَجَدَ مِنْ شَيْءٍ، مَعَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَقْطَعُ صَلَاتَهُ شَيْءًا. (4)

715. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يُصَلِّي فَلَا يَدَعُ أَحَدًا يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلْيَدْرَأْهُ.

ص: 458

-
- 1- سنن أبي داود: ج 1 ص 186 ح 699، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 165 ح 11780، تهذيب الكمال: ج 27 ص 451 الرقم 5900، البداية والنهاية: ج 1 ص 64، تفسير ابن كثير: ج 7 ص 62 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 7 ص 346 ح 19201.
- 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 150، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 378 ح 1577 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام الجعفریات: ص 42 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيه صدره إلى «من الجفاء»، بحار الأنوار: ج 83 ص 303 ح 9؛ سنن الترمذي: ج 2 ص 156 ح 335 عن طلحة نحوه، المعجم الكبير: ج 9 ص 300 ح 9503 عن عبد الله من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه وفيه صدره إلى «من الجفاء»، كنز العمال: ج 7 ص 347 ح 19207.
- 3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 150، منتهى المطلب: ج 4 ص 336، بحار الأنوار: ج 83 ص 304 ح 9؛ سنن أبي داود: ج 1 ص 185 ح 695، سنن النسائي: ج 2 ص 62، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 445 ح 16090 كلها عن سهل بن أبي حثمة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 351 ح 19227.
- 4- تاريخ دمشق: ج 8 ص 291 ح 2209، تاريخ جرجان: ص 605 الرقم 1073، بغية الطلب: ج 3 ص 1524 كلها عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 347 ح 19206 وراجع الكافي: ج 3 ص 297 ح 2 وجمع البحرين: ج 2 ص 1277.

711. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما که می تواند کاری کند تا کسی میان او و قبله اش فاصله نشود، چنین کند.

712. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز بدون پیش رو نهادن چیزی، جفاست. کسی که در بیابان نماز می خواند، باید چیزی مانند جهاز شتر پیش رویش بنهد.

713. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما، در نماز به سمت حریمی می ایستد، به آن نزدیک گردد، و گرنه شیطان از میان او و آن می گذرد.

714. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما در نماز، با خط کشیدن جلوی یا سنگ و یا هر چه یافت، برای خود حریمی بسازد، اگر چه چیزی نماز مؤمن را قطع نمی کند.

715. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما نماز می خواند، نگذارد کسی از جلوی او بگذرد و هر اندازه می تواند، او را دور کند.

ص: 459

1- منظور از حریم در این جا، لزوماً پرده و دیوار نیست؛ بلکه هر چیزی همچون عصا و سنگ و... است که مرزی برای نمازگزار پدید آورد.

716. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدٌ إِلَّا الْمَقْبَرَةَ وَالْحَمَّامَ. (2)

717. عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ يَشْغَلُ الْمُصَلِّيَّ. (3)

718. عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ بِالْحِفْظِ: رَجُلٌ نَزَلَ فِي بَيْتِ خَرِبٍ، وَرَجُلٌ صَدَّمَى عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَرَجُلٌ أَرْسَلَ رَاِحِلَتَهُ وَلَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا. (4)

719. الإمام الصادق عليه السلام: عَشْرَةٌ مَوَاضِعٌ لَا يُصَلَّى فِيهَا: الطَّيْنُ، وَالْمَاءُ، وَالْحَمَّامُ، وَالْقَبْرُ، وَه.

ص: 460

1- .صحيح مسلم: ج 1 ص 362 ح 258، سنن أبي داود: ج 1 ص 185 ح 697، الموطأ: ج 1 ص 154 ح 33 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 7 ص 349 ح 19215؛ الكافي: ج 3 ص 297 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 322 ح 1318 كلاهما عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، وسائل الشيعة: ج 3 ص 435 ح 6136.

2- .سنن أبي داود: ج 1 ص 133 ح 492، سنن الترمذي: ج 2 ص 131 ح 317، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 246 ح 745 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 7 ص 343 ح 19187؛ تهذيب الأحكام: ج 3 ص 260 ح 728 عن عبيد بن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «بئر غائط» بدل «الحمام»، المحاسن: ج 2 ص 114 ح 1313 وفيه «القبر» بدل «المقبرة»، بحار الأنوار: ج 83 ص 292 ذيل ح 6.

3- .سنن أبي داود: ج 2 ص 215 ح 2030، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 68 ح 23281، المعجم الكبير: ج 9 ص 62 ح 8396، المصنّف لعبد الرزاق: ج 5 ص 88 ح 9083 كلها عن عثمان بن طلحة، التاريخ الكبير: ج 6 ص 211 الرقم 2194 عن أم عثمان بنت سفيان وفيه «يلهي» بدل «يشغل»، كنز العمال: ج 12 ص 204 ح 34675.

4- .الخصال: ص 141 ح 161، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 244 ذيل ح 734 عن علي بن مهزيار عن الإمام الهادي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 157 ح 2؛ سنن ابن ماجه: ج 1 ص 120 ح 330، المعجم الكبير: ج 12 ص 218 ح 13120 كلاهما عن أبي سالم، تاريخ بغداد: ج 14 ص 407 الرقم 7733 عن ابن عمر وكلها نحوه.

716. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه زمین، مسجد است، جز مقبره و حمام.

717. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شایسته نیست در اتاق، چیزی باشد که نمازگزار به آن مشغول شود.

718. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه کس هستند که خداوند عز و جل، نگهداری آنان را نپذیرفته است: مردی که در خانه ای خراب فرود می آید، کسی که در میان جاده نماز می گزارد و مردی که مرکبش را رها کرده است، بی آن که آن را محکم ببندد.

719. امام صادق علیه السلام: ده جاست که در آنها نماز خوانده نمی شود: گل، آب، حمام، گورستان،

وَمَسَانٌ (1) الطَّرِيقِ، وَقُرَى النَّمْلِ، وَمَعَاظِنُ (2) الْإِبِلِ، وَمَجْرَى الْمَاءِ، وَالسَّبْحُ، وَالثَّلْجُ. (3)

720. سنن الترمذي عن ابن عمر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يُصَدَّ لَمَى فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ فِي الْمَرْبَلَةِ، وَالْمَجْزَرَةِ (4)، وَالْمَقْبَرَةِ، وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَفِي الْحَمَامِ، وَفِي مَعَاظِنِ الْإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ. (5)

721. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَتَّخِذُوا قُبْرِي مَسْجِدًا، وَلَا تَتَّخِذُوا قُبُورَكُمْ مَسَاجِدَ، وَلَا يُبَوِّئُكُمْ قُبُورًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ حَيْثُ كُنْتُمْ، فَإِنَّ صَلَوَاتِكُمْ تَبْلُغُنِي وَتَسْلِمُكُمْ يَبْلُغُنِي. (6)

722. علل الشرائع عن زُرارة عن الإمام الباقر عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الصَّلَاةُ بَيْنَ الْقُبُورِ؟ قَالَ: صَلِّ فِي خِلَالِهَا وَلَا تَتَّخِذْ شَيْئًا مِنْهَا قِبْلَةً، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنْ ذَلِكَ، وَقَالَ: وَلَا تَتَّخِذُوا قُبْرِي قِبْلَةً وَلَا مَسْجِدًا، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَعَنَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا 2.

ص: 462

1- مسانّ الطرق: المسلوك منها (مجمع البحرين: ج 2 ص 895 «سنن»).

2- معاظن الإبل: مبارك الإبل عند الماء لتشرب (مجمع البحرين: ج 2 ص 1234 «عطن»).

3- الكافي: ج 3 ص 390 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 219 ح 863، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 241 ح 725، الخصال: ص 434 ح 21 وفيه «وادي ضجنان» بدل «والقبور»، المحاسن: ج 1 ص 77 ح 39، بحار الأنوار: ج 83 ص 305 ح 1.

4- المجزرة: الموضوع الذي تنحرف فيه الإبل وتذبح فيه البقر والشاة (النهاية: ج 1 ص 267 «جزر»).

5- سنن الترمذي: ج 2 ص 178 ح 346، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 246 ح 746، السنن الكبرى: ج 2 ص 466 ح 3794، كلّها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 339 ح 19166؛ الخلاف: ج 1 ص 171 عن عمرو بن عمران، منتهى المطلب: ج 4 ص 303 عن ابن عمر.

6- كنز الفوائد: ج 2 ص 152 عن الأشجّ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 324 ح 24 نقلاً عن الأمامي للطوسي؛ سنن أبي داود: ج 2 ص 218 ح 2042 عن أبي هريرة، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 171 ح 6728، المصنّف لعبد الرزاق: ج 3 ص 71 ح 4839 كلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 498 ح 2199 نقلاً عن الحكيم عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام وراجع الكافي: ج 2 ص 610 ح 1 و صحيح البخاري: ص 167 ح 422.

راهی که در آن رفت و آمد می شود، لائۀ مورچگان، جای باش شتران، آب راه، شوره زار و برف.

720. سنن الترمذی - به نقل از ابن عمر - : همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از نماز خواندن در هفت مکان، نهی کرد: در جایگاه زباله، کشتارگاه، مقبره، میان راه، حمام، جایگاه شتران و پشت بام خانه خدا.

721. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قبر مرا مسجد نکنید و قبرهای خودتان را نیز مسجد نکنید و در آن جا خانه نگزینید و در هر کجا هستید، به من درود بفرستید که درودها و سلام هایتان به من می رسد.

722. علل الشرائع - به نقل از زراره - : به ایشان (امام باقر علیه السلام) گفتم: نماز میان قبرها [چه حکمی دارد]؟

فرمود: «لا به لای آنها نماز بخوان؛ ولی هیچ يك را قبلۀ خود مگیر، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این نهی کرده و فرموده است: "و قبرم را قبله و مسجد مگیرید" که

ص: 463

723. الكافي عن عبد الله بن عطاء - في حديثٍ ذَكَرَ فِيهِ مَسِيرَهُ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ مَعَ الْإِمَامِ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَى أَنْ قَالَ -: وَسَارَ وَسِرْتُ، حَتَّى إِذَا بَلَّغْنَا مَوْضِعًا آخَرَ قُلْتُ لَهُ: الصَّلَاةُ جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَقَالَ: هَذَا وَادِي النَّمْلِ لَا يُصَلِّي فِيهِ.

حَتَّى إِذَا بَلَّغْنَا مَوْضِعًا آخَرَ قُلْتُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: هَذِهِ الْأَرْضُ مَالِحَةٌ لَا يُصَلِّي فِيهَا. (2)

724. الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَرَابِضِ الْغَنَمِ، فَقَالَ: صَلِّ فِيهَا وَلَا تُصَلِّ فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ، إِلَّا أَنْ تَخَافَ عَلَى مَتَاعِكَ الضَّيْعَةَ، فَارْتُدَّ وَرُشُّهُ بِالْمَاءِ وَصَلِّ فِيهِ.

وَسَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي ظَهْرِ الطَّرِيقِ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ تُصَلِّيَ فِي الظُّوَاهِرِ الَّتِي بَيْنَ الْجَوَادِّ (3)، فَأَمَّا عَلَى الْجَوَادِّ فَلَا تُصَلِّ فِيهَا.

قَالَ: وَكَرِهَ الصَّلَاةَ فِي السَّبِيحَةِ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَكَانًا لَيْتًا تَقَعُ عَلَيْهِ الْجَبَهَةُ مُسْتَوِيَةً. (4) 2.

ص: 464

1- .علل الشرائع: ص 358 ح 1 عن زرارة، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 374 ح 1555 عن علي بن يقطين عن الإمام الكاظم عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 245 ح 736، قرب الإسناد: ص 197 ح 749 كلاهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه وفي كلاًها صدره و«لا بأس به» بدل «صل في خلالها...»، بحار الأنوار: ج 83 ص 313 ح 4 وراجع صحيح مسلم: ج 1 ص 376 ح 19 ومسند ابن حنبل: ج 3 ص 44 ح 7362.

2- .الكافي: ج 8 ص 276 ح 417، المحاسن: ج 2 ص 92 ح 1243، بحار الأنوار: ج 46 ص 291 ح 16 وراجع الخصال: ص 435 ذيل ح 21.

3- .الجواد: جمع جادة؛ وهي معظم الطريق (النهاية: ج 1 ص 313 «جود»).

4- .الكافي: ج 3 ص 388 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 220 ح 865 وليس فيه ذيله من «قال: وكره الصلاة» وص 221 ح 873 عن أبي بصير نحوه وفيه ذيله من «وكره الصلاة»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 243 ح 729 وليس فيه من «وسألته عن الصلاة في ظهر الطريق» إلى «فلا- تصل فيها»، وسائل الشيعة: ج 3 ص 443 ح 6167؛ سنن الترمذي: ج 2 ص 181 ح 348 عن أبي هريرة، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 253 ح 769 عن عبد الله بن معقل المزني وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 341 ح 19172.

خداوند متعال، کسانی را که قبر پیامبرهایشان را مسجد کردند، لعنت کرده است».

723. الکافی - به نقل از عبد الله بن عطا، در یادکرد خبری حاوی يك روز همراهی اش با امام باقر علیه السلام - روزی ایشان به جایی روانه شد. من نیز با ایشان روانه شدم، تا این که به جایی دیگر رسیدیم. به ایشان گفتم: فدایت شوم! نماز [بخوانیم].

فرمود: «این جا لانه مورچگان است. در آن نماز خوانده نمی شود».

به جایی دیگر رسیدیم. همان گونه گفتم. فرمود: «این جا شوره زار است. در آن نماز خوانده نمی شود».

724. الکافی - به نقل از حلبی - از ایشان (امام صادق علیه السلام) پرسیدم: نماز خواندن در جایگاه گوسفندان، چه حکمی دارد؟

فرمود: «در آن نماز بخوان؛ اما در جایگاه شتران نماز نخوان، مگر این که بیمنك وسايل و کالایت باشی که در این صورت، آن جا را جارو و آبپاشی کن و نماز بخوان».

از ایشان در باره نماز خواندن در بلندی های جاده پرسیدم. فرمود: «در بلندی هایی که میان جاده ها هستند، اشکالی ندارد نماز بخوانی؛ اما در میان راه، نه».

امام علیه السلام نماز خواندن در شوره زار را نیز ناپسند می داشت، مگر آن که جایی نرم باشد که پیشانی بر آن صاف قرار گیرد.

725. الإمام الصادق عليه السلام: لا يُصَلِّي فِي بَيْتٍ فِيهِ خَمْرٌ أَوْ مُسْكِرٌ. (1)

726. عنه عليه السلام: لا تُصَلِّ فِي بَيْتٍ فِيهِ خَمْرٌ وَلَا مُسْكِرٌ؛ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُهُ. (2)

727. عنه عليه السلام -لَمَّا سَأَلَهُ عَمَّارُ السَّاباطِيُّ عَنِ الصَّلَاةِ فِي بَيْتِ الْحَمَّامِ-: إِذَا كَانَ مَوْضِعًا نَظِيفًا فَلَا بَأْسَ. (3)

728. الكافي عن محمد بن الفضل (4): قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَذَلِكُ طَرِيقُ يَوْمَاطٍ وَيُتَطَرَّقُ كَانَتْ فِيهِ جَادَّةٌ أَوْ لَمْ تَكُنْ لَا يَنْبَغِي الصَّلَاةُ فِيهِ. قُلْتُ: فَأَيُّ أَصْلِي؟ قَالَ: يَمَنَّةٌ وَيَسْرَةٌ. (5)

729. كتاب من لا يحضره الفقيه: سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارَ أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ [الإمام الهادي] عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَصِيرُ فِي الْبَيْدَاءِ فَتُدْرِكُهُ صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ، فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْدَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ وَقْتُهَا، كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ وَقَدْ نُهِيَ أَنْ يُصَلِّيَ بِالْبَيْدَاءِ؟

فَقَالَ: يُصَلِّي فِيهَا وَيَتَجَنَّبُ قَارِعَةَ الطَّرِيقِ. (6) 5.

ص: 466

1- الكافي: ج 3 ص 392 ح 24، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 220 ح 864 كلاهما عن عمّار الساباطي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 246 ح 743، المقنع: ص 81 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 293 ح 11.

2- تهذيب الأحكام: ج 1 ص 278 ح 817 وج 9 ص 116 ح 502، الكافي: ج 3 ص 392 ح 24 نحوه وكلها عن عمّار الساباطي، المقنع: ص 453، فقه الرضا عليه السلام: ص 281، كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 293 ح 11.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 374 ح 1554، الاستبصار: ج 1 ص 395 ح 8505، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 242 ح 727، قرب الإسناد: ص 197 ح 748 كلاهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 317 ح 8.

4- في نسخة الكافي التي بأيدينا: «محمد بن الفضل» ولكن صحّحناه لما ذكره المحقق الخوئي قدس سره في معجم رجاله بما يلي: في الطبعة القديمة والمرأة محمد بن الفضل، وهو الصحيح الموافق لتهذيب الأحكام الجزء 2 باب ما يجوز الصلاة فيه من اللباس والمكان، الحديث 866 والوافي والوسائل أيضاً.

5- الكافي: ج 3 ص 389 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 220 ح 866، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 243 ح 728، منتهى المطلب: ج 4 ص 330، بحار الأنوار: ج 83 ص 308.

6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 244 ح 734، منتهى المطلب: ج 4 ص 350، منتقى الجمال: ج 1 ص 491، وسائل الشيعة: ج 3 ص 451 ح 6205.

725. امام صادق علیه السلام: در اتاقی که شراب یا مست کننده دیگری هست، نماز خوانده نشود.

726. امام صادق علیه السلام: در اتاقی که در آن شراب یا مست کننده دیگری هست، نماز نخوان؛ زیرا فرشتگان، داخل آن نمی شوند.

727. امام صادق علیه السلام - در پاسخ پرسش عمار سبابی در باره نماز در حمام - : اگر جای تمیزی باشد، اشکالی ندارد.

728. الکافی - به نقل از محمد بن فضیل - : امام رضا علیه السلام فرمود: هر راهی که بر آن گام گذاشته و رفت و آمد می شود، بزرگ راه باشد یا نباشد، نماز در آن شایسته نیست.

گفتم: پس کجا نماز بگزارم؟

فرمود: «در چپ و راست آن».

729. کتاب من لا یحضره الفقیه: علی بن مهزیار از امام هادی علیه السلام پرسید: شخصی در صحرای بیداء در حرکت است که وقت نماز فرا می رسد. اگر بخواهد از آن صحرا بیرون برود، وقت نماز سپری می شود، در حالی که از نماز خواندن در صحرای بیداء، نهی شده است. با نمازش چه کند؟

فرمود: «در آن صحرا نماز بخواند و از نماز خواندن در وسط راه خودداری کند».

ص: 467

730. الإمام علي عليه السلام: لا يقومن أحدكم في الصلاة متكاسلاً ولا ناعساً، ولا يفكرن في نفسه؛ فإنه بين يدي ربه عز وجل، وإنما للعبد من صلاته ما أقبل عليه منها بقلبه. (1)

731. الإمام الباقر عليه السلام: إذا قمت في الصلاة فعليك بالإقبال على صلاتك، فإنما يحسب لك منها ما أقبلت عليه، ولا تعبت فيها بيدك ولا برأسك ولا بلحيتك، ولا تحدث نفسك، ولا تتشاءب، ولا تتمط، ولا تكفر (2) فإنما يفعل ذلك المجوس، ولا تلثم (3)، ولا تحتفز (4)، ولا تفرج كما يفرج البعير، ولا تقع (5) على قدميك، ولا تفرش ذراعيك، ولا تفرع أصابعك، فإن ذلك كله نقصان من الصلاة. (6)

732. دعائم الإسلام: عن جعفر بن محمد [الصادق] عليه السلام أنه كره الثوب والتمطي في الصلاة، والثوب والتمطي إنما يعتريان عن الكسل، فهو منهي عن أن يتعمد أو يستعمل، والثوب شيء يعتري عن غير تعمد، فمن اعتراه ولم يملكه فليمسك يده. 2.

ص: 468

- 1- النخصال: ص 613 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج 3 ص 299 ح 1، تفسير العياشي: ج 1 ص 242 ح 134 كلاهما عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 302 ح 916 عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 103 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 91 ح 1.
- 2- التكفير: وضع إحدى اليدين على الأخرى (مجمع البحرين: ج 3 ص 1580 «كفر»).
- 3- التلثم: شد الفم بالثام (النهاية: ج 4 ص 231 «لثم»).
- 4- يقال: هو محتفز؛ أي مستعجل متوقر غير متمكن في جلوسه، كأنه يريد القيام (النهاية: ج 1 ص 537 «حفز»).
- 5- الإقعاء: أن يضع إتيته على عقبه بين السجدين (مجمع البحرين: ج 3 ص 1501 «قعى»).
- 6- الكافي: ج 3 ص 299 ح 1، علل الشرائع: ص 358 ح 1 كلاهما عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916 عن الإمام الصادق عليه السلام، المقنع: ص 75 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، منتقى الجمان: ج 2 ص 82، بحار الأنوار: ج 84 ص 201 ح 2.

730. امام علی علیه السلام: هیچ يك از شما، سست و خواب آلود به نماز نایستد و به خود نیندیشد؛ چرا که در پیشگاه پروردگارش ایستاده است. برای بنده از نمازش آن مقداری می ماند که در آن، حضور قلب داشته است.

731. امام باقر علیه السلام: هنگامی که در نماز ایستاده ای، به نمازت توجه کن، که تنها آنچه به آن توجه داری، برای حساب می شود و در آن با دست و سر و ریش باز می نکن، در دل با خود سخن مگو، خمیازه مکش و دستانت و سینه ات را کشیده و باز مکن، دستانت را بر هم مگذار- که این کار مجوس است-، (1) دهان بند میند، خود را آن گونه که شتر می گستراند، مگستران، بر کف پاهایت منشین و ساعدهایت را بر زمین مگستران، و از انگشتانت صدا در نیاور، که همه اینها کم گذاشتن از نماز است.

732. دعائم الاسلام - در باره امام صادق علیه السلام - ایشان خمیازه کشیدن و دست ها و سینه را در نماز کشیدن ناپسند می شمرد. (2) خمیازه کشیدن و دست و سینه را باز کردن، از کسالت است و انجام عمدی آن، نهی شده است. خمیازه، بی اختیار هم می آید. پس هر کس به آن گرفتار شد و نتوانست خود را نگه دارد، دستش را روی دهانش

ص: 469

1- در متن حدیث، «لا تکفر» آمده است که به دو معناست: گذاشتن دستی بر دست دیگر (تکثف) و خم کردن بدن هنگام ایستادن پیش از رکوع.

2- گویي قاضی نعمان، مضمون حدیث را نقل به معنا کرده و بیانی بر آن افزوده است.

733. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَاعْلَمْ أَنَّهُ يَرَاكَ، فَأَقْبِلْ قِبَلَ صَدِّ لَاتِكَ، وَلَا تَمْتَحِطْ وَلَا تَبْزُقْ، وَلَا تَنْقُضْ أَصَابِعَكَ وَلَا تَوَزَّكَ (2)؛ فَإِنْ قَوْمًا قَدْ عُدُّبُوا بِنَقْضِ الْأَصَابِعِ وَالتَّوَزُّكِ فِي الصَّلَاةِ. (3)

734. الإمام الرضا عليه السلام: وَإِيَّاكَ أَنْ تَكْسَلَ عَنْهَا، أَوْ تَتَوَانَى فِيهَا، أَوْ تَتَهَاوَنَ بِحَقِّهَا، أَوْ تُضَيِّعَ حَدَّهَا وَحُدُودَهَا، أَوْ تَنْقُرَهَا نَقْرَ الدَّيْكَ، أَوْ تَسْتَخِفَّ بِهَا، أَوْ تَشْتَغَلَ عَنْهَا بِشَيْءٍ مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا، أَوْ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ وَقْتِهَا... فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقُومَ إِلَى الصَّلَاةِ، فَلَا تَقُومُ (4) إِلَيْهَا مُتْكَاسِبًا وَلَا مُتْنَاعِسًا وَلَا مُسْتَعْجَلًا وَلَا مُتْلَاهِيًا، وَلَكِنْ تَأْتِيهَا عَلَى السُّكُونِ وَالْوَقَارِ وَالتَّوَدُّةِ، وَعَلَيْكَ الخُشُوعُ وَالخُضُوعُ، مُتَوَاضِعًا لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ مُتَخَاشِعًا، عَلَيْكَ خَشْيَةٌ وَسِيْمَاءُ الخَوْفِ، رَاجِيًا خَائِفًا بِالطَّمَأْنِينَةِ عَلَى الْوَجَلِ وَالْحَذَرِ.

فَقِفْ بَيْنَ يَدَيْهِ كَالْعَبْدِ الْآبِقِ الْمُذْنِبِ بَيْنَ يَدَيِ مَوْلَاهُ، فَصَفَّ قَدَمَيْكَ وَانصَبَ».

ص: 470

- 1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 174، بحار الأنوار: ج 84 ص 267 ح 67؛ وراجع المعجم الكبير: ج 8 ص 131 ح 7598 المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 269 ح 3318.
- 2- التَّوَزُّكُ فِي الصَّلَاةِ ضَرْبَانِ: سَنَّةٌ، وَهُوَ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى وَرْكَهٍ الْأَيْسَرِ وَيُخْرِجَ رِجْلَيْهِ جَمِيعًا مِنْ تَحْتِهِ، وَيَجْعَلُ رِجْلَهُ الْيَسْرَى عَلَى الْأَرْضِ وَظَاهِرَ قَدَمِهِ الْيَمْنَى إِلَى بَاطِنِ قَدَمِهِ الْيَسْرَى، وَيَفْضِي بِمَقْعَدَتِهِ إِلَى الْأَرْضِ... وَمَكْرُوهٌ، وَهُوَ أَنْ يَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى وَرْكَهٍ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ قَائِمٌ، وَقَدْ نَهَى عَنْهُ. وَالْوَرْكُ: مَا فَوْقَ الْفَخْذِ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1927 «ورك»).
- 3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 325 ح 1332 عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916، المقنع: ص 74، مجمع البحرين: ج 3 ص 1927 وفيه ذيله من «ولا- توزك» وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلّهما نحوه، وسائل الشيعة: ج 4 ص 678 ح 7087.
- 4- في بحار الأنوار ومستدرک الوسائل (ج 4 ص 87 ح 4209): «فَلَا تُقَمُّ».

بگذارد و جلوی آن را بگیرد و آن را تکرار نکند و طول ندهد.

733. امام صادق علیه السلام: هنگامی که به نماز ایستادی، بدان که در پیشگاه خداوند هستی و اگر او را نمی بینی، بدان که او تو را می بیند. پس به نماز توجّه کن. آب بینی و آب دهان مینداز، انگشتان را نشکن، هنگام ایستادن، دستانت را به پشتت مبر و بر سُرینت (باسنت) مگذار، (1) که گروهی به جهت انگشت شکستن و دست بر باسن نهادن، کیفر شدند.

734. امام رضا علیه السلام: مبدا در نماز تبلی و یا در آن سستی کنی و یا حَقّش را خوار بشماری و یا حد و مرزش را تباه نمایی و یا مانند نوک زدن خروس، تند و کوتاه سجده کنی و یا نماز را سبک بگیری و یا به جای آن به کالای دنیا سرگرم شوی و یا در غیر وقتش بخوانی....

هر گاه خواستی به نماز برخیزی، سست و خواب آلود و شتابان و بازی کنان بر نمی خیزی؛ بلکه آن را با آرامش و وقار و درنگ به جا می آوری. و فروتن و افتاده باش؛ فروتن و افتاده برای خدای عز و جل با هاله ای از بیم و هراس، امیدوار و بیمناک، همراه با آرامش و ترس و احتیاط. پس در پیشگاه او همچون بنده گناهکار فراری در پیش اربابش بایست. پاهایت را در یک ردیف قرار ده و خود را راست نگه دار و بهت.

ص: 471

1- در متن حدیث، «لا توڑك» آمده است. توڑك، دو گونه است: مستحب و مکروه. گونه مستحب، چنین است که بر سرین چپ می نشیند و هر دو پایش را از زیر خود، خارج می سازد، پای چپ را بر زمین و روی پای راست را بر کف پای چپ می نهد و نشیمنگاهش را به زمین می رساند. توڑك مکروه، آن است که در حالت ایستادن در نماز، دستانش را بر سرین خود بگذارد که از آن در حدیث، نهی شده است. ورك به بالای ران گفته می شود و همان «سرین» است.

نَفْسِكَ وَلَا تَلْتَمِعْتِ يَمِينًا وَشِمَالًا، وَتَحْسِبُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ، وَلَا تَعْبَثِ بِلِحْيَتِكَ وَلَا بِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِكَ، وَلَا تُفْرِقِ أَصَابِعَكَ، وَلَا تَحُكَّ بَدَنَكَ، وَلَا تَوَلَّعْ بِأَنْفِكَ وَلَا بِثَوْبِكَ، وَلَا تُصَلِّ وَأَنْتِ مُتَلَثِّمٌ، وَلَا يَجُوزُ لِلنِّسَاءِ الصَّلَاةُ وَهُنَّ مُتَنَقِّبَاتٌ، وَيَكُونُ بَصَرُكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ مَا دُمْتَ قَائِمًا، وَأُظْهِرْ عَلَيْكَ الْجَزَعَ وَالْهَلَعَ وَالْخَوْفَ، وَارْغَبْ مَعَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَلَا تَتَكَبَّرِ مَرَّةً عَلَى إِحْدَى رِجْلَيْكَ وَمَرَّةً عَلَى الْأُخْرَى، وَصَلِّ صَلَاةَ مُؤَدِّعٍ تَرَى أَنَّكَ لَا تُصَلِّي أَبَدًا، وَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ. وَلَا تَعْبَثِ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ، وَلَا تُحَدِّثِ بِنَفْسِكَ (1)، وَأَفْرِغْ قَلْبَكَ، وَلِيَكُنْ شُغْلُكَ فِي صَلَاتِكَ، وَأُرْسِلْ يَدَيْكَ أَلْصِقَهَا بِفَخْذَيْكَ.

فَإِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَكَبِّرْ، وَارْفَعْ يَدَيْكَ بِحِذَاءِ أذُنَيْكَ، وَلَا تُجَاوِزِ بِإِبْهَامَيْكَ حِذَاءَ أذُنَيْكَ، وَلَا تَرْفَعِ يَدَيْكَ فِي الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى تُجَاوِزَ بِهِمَا رَأْسَكَ، وَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ فِي النَّافِلَةِ وَالْوَتْرِ.

فَإِذَا رَكَعْتَ فَأَلْقِمِ رُكْبَتَيْكَ رَاحَتَيْكَ، وَتَفَرِّجْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ، وَأَقْبِضْ عَلَيْهِمَا. وَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَانصِبْ قَائِمًا حَتَّى تَرْجِعَ مَفَاصِدَ لِمَا كَلَّمْتَ إِلَى الْمَكَانِ.

ثُمَّ اسْجُدْ وَصَدِّعْ جَبِينَكَ عَلَى الْأَرْضِ، وَأَرْغِمْ عَلَى رَاحَتَيْكَ، وَأَضْمِمْ أَصَابِعَكَ، وَصَدِّعْهُمَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ. وَإِذَا جَلَسْتَ فَلَا تَجْلِسْ عَلَى يَمِينِكَ، لَكِنْ انصِبْ يَمِينَكَ وَأَقْعُدْ عَلَى الْيَسَارِ، وَلَا تَضَعْ يَدَكَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ، لَكِنْ أُرْسِلْهُمَا إِرسَالًا، فَإِنَّ ذَلِكَ تَكْفِيرُ أَهْلِ الْكِتَابِ.

ص: 472

1- كذا، والظاهر أنَّ الصواب «نَفْسِكَ» (هامش المصدر).

راست و چپ، روی مگردان، گویا که او را می بینی، که اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. با ریش و هیچ يك از اندامت بازی مکن و انگشتانت را مشکن و بدنت را مخاران و به بینی و یا لباس مشغول مشو و در حالی که بر دهانت چیزی بسته ای، نماز مخوان و برای زنان جایز نیست که با نقاب نماز بخوانند.

هنگام ایستادن، دیده ات به سجده گاهت باشد و اظهار بی تابی و بی قراری و ترس کن و با این حالت به سوی خدای عز و جل اشتیاق نشان بده و سنگینی ات را گاه بر این پا و گاه بر دیگری مینداز و همچون کسی که آخرین نمازش را می خواند، نماز بگزار، گویی می بینی که دیگر هرگز نماز نمی خوانی. بدان که در پیشگاه [خدای] جبار هستی. با هیچ چیز، بازی مکن و در خود فرو مرو و دلت را [برای نماز] خالی ساز و به نماز مشغول باش و دستانت را رها کن و بر ران هایت بنه.

به هنگام آغاز نماز، تکبیر بگو و دستانت را تا رو به روی گوش هایت بالا ببر و انگشتان شست را از برابر گوش هایت مگذران و در نماز واجب، دستانت را آن اندازه بالا میاور تا از سرت بگذرد، گرچه در نماز مستحب و وتر، اشکالی ندارد.

هنگامی که رکوع کردی، برآمدگی زانوانت را با کف دستانت در بر گیر و انگشتانت را از هم باز کن و پس از سر بر داشتن از رکوع، راست بایست تا همه مفصل ها به جای خود برگردند. سپس سجده کن و پیشانی ات را بر زمین بنه و کف دستانت را بر خاک بگذار و انگشتانت را به هم بچسبان و آنها را رو به قبله قرار بده.

هنگام نشستن، بر سمت راست بدنت منشین؛ بلکه آن را بلند کن و بر سرینت بنشین و يك دستت را بر دست دیگرت مگذار؛ بلکه آن دو را رها کن؛ چرا که آن،

ولا تَتَمَطَّ فِي صَلَاتِكَ، وَلَا تَتَجَشَّأُ، وَأَمْنَعُهُمَا بِجُهِدِكَ وَطَاقَتِكَ، فَإِذَا عَطَسْتَ فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ»، وَلَا تَطَأُ مَوْضِعَ سُجُودِكَ، وَلَا تَتَقَدَّمُهُ مَرَّةً وَلَا تَتَأَخَّرُ أُخْرَى. وَلَا تُصَلِّ وَبِكَ شَيْءٌ مِنَ الْأَخْبَثَيْنِ، وَإِنْ كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَوَجَدْتَ غَمَزًا فَانصَرَفْ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْئًا تَصْبِرُ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ إِضْرَارٍ بِالصَّلَاةِ.

وَأَقْبِلْ عَلَى اللَّهِ بِجَمِيعِ الْقَلْبِ وَبِوَجْهِكَ حَتَّى يَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ.

وَأَسْبِغِ الْوُضُوءَ، وَعَفِّرْ جَبِينَكَ فِي التُّرَابِ، وَإِذَا أَقْبَلْتَ عَلَى صَلَاتِكَ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِوَجْهِهِ، فَإِذَا أَعْرَضْتَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْكَ. [\(1\)3](#).

ص: 474

1- .فقه الرضا:ص 100، بحار الأنوار:ج 84 ص 204 ح 3.

کار همان تکفیر و دست بر هم نهادن اهل کتاب است. و در نمازت، خمیازه مکش، آروغ مزن و با تمام سعی و توان، مانع آن دوشو و هنگامی که عطسه کردی، بگو:

«الحمد لله؛ سپاس، مخصوص خداوند است» و بر سجده گاهت پا مگذار و پس و پیش مرو، و در حالی که یکی از دو پلیدی (ادرار و مدفوع) در تو هست، نماز مخوان و اگر در نماز، فشاری احساس کردی، نماز را رها کن، مگر این که بتوانی بر آن صبر کنی، بدون این که به نمازت زیانی برساند، و با همه دلت به خداوند روی آور تا خداوند به تو روی آورد.

وضو را کامل بگیر و پیشانی را بر خاک بمال. هنگامی که به نمازت روی آوری، خداوند به تو روی می آورد و هنگامی که روی بگردانی، خدا نیز از تو روی می گرداند.

ص: 475

735. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعِ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثًا. (1)

736. علل الشرائع عن المفضل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ يَكْبُرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ؟

فَقَالَ: لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهَرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ، وَهَذَا التَّكْبِيرُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، فَإِنْ مَنَ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ، كَانَ قَدْ آدَى مَا يَجِبُ.

ص: 476

1- .جامع الأحاديث للقمي (المستدركات): ص 329، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 320 ح 945 عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 22 ح 22 نقلاً عن فلاح السائل وكلاهما عن زرارة.

735. امام باقر علیه السلام: هنگامی که سلام دادی، دستانت را سه بار به تکبیر بلند کن.

736. علل الشرائع - به نقل از مفضل بن عمر - به امام صادق علیه السلام گفتم: به چه علت، نمازگزار پس از سلام دادن، سه بار تکبیر می گوید و همراه آن دستانش را بلند می کند؟

فرمود: «چون پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه نماز ظهر را با اصحابش نزد حجر الأسود خواند و هنگامی که سلام داد، سه بار دستانش را به تکبیر بلند کرد و گفت: "هیچ معبودی جز خداوند نیست، یگانه یگانه یگانه. به وعده اش وفا کرد و بنده اش را یاری رساند و لشکرش را عزیز داشت و به تنهایی بر همه دسته ها غلبه نمود. پس فرمان روایی برای او و سپاس ویژه اوست. زنده می کند و می میراند و او بر همه کارها تواناست"».

سپس به اصحابش روی کرد و فرمود: «این تکبیر را ترك نکنید، که در پی هر نماز واجب گفته می شود و هر کس پس از سلام نماز، دستانش را بلند کند و این تکبیر را

737. رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهَا إِلَّا نَبِيٌّ، أَوْ صِدِّيقٌ، أَوْ شَهِيدٌ. (2)

738. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ. (3)

739. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، كَانَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ إِلَى الصَّلَاةِ الْآخَرَى. (4)

740. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، كَانَ الَّذِي يَتَوَلَّى قَبْضَ نَفْسِهِ 5.

ص: 478

- 1- .علل الشرائع: ص 360 ح 1، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 259 نحوه وفيه صدره إلى «أنجز وعده»، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 52 ح 5342 نقلاً عن فلاح السائل، بحار الأنوار: ج 86 ص 22 ح 21 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 320 ح 945.
- 2- .قرب الإسناد: ص 118 ح 415 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 32 ح 2071، دعائم الإسلام: ج 1 ص 168 وليس فيه «المكتوبة»، وكلاهما عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 24 ح 24؛ شعب الإيمان: ج 2 ص 459 ح 2396، تفسير الألوسي: ج 3 ص 11 كلاهما عن أنس نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 568 ح 2564.
- 3- .السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 30 ح 9928، المعجم الكبير: ج 8 ص 114 ح 7532، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 48 ح 124 نحوه وكلها عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 1 ص 569 ح 2570؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 43 ح 2099، مجمع البيان: ج 2 ص 626 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 76 ص 196 ح 12.
- 4- .المعجم الكبير: ج 3 ص 84 ح 2733، الدعاء للطبراني: ص 214 ح 674 كلاهما عن عبد الله بن حسن عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام، كنز العمال: ج 1 ص 568 ح 2565.

بگویند، شکر خداوند والایاد را که به سبب تقویت اسلام و لشکر آن، بر او واجب شده، به جا آورده است».

2/9 خواندن آیه الکرسی

737. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! پیوسته در پی نماز واجب، آیه الکرسی را بخوان که جز پیامبر، انسان صدیق (راست دین) و شهید، بر آن مواظبت نمی ورزد.

738. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در پی هر نماز واجب، آیه الکرسی بخواند، تنها فاصله میان او تا وارد شدن به بهشت، مرگ اوست.

739. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در پی نماز واجب، آیه الکرسی بخواند، تا نماز دیگر در پناه خداست.

740. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آیه الکرسی را در پی هر نماز واجب بخواند، خداوند جلیل و

ص: 479

741. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ التَّوْحِيدَ دُبُرَ كُلِّ فَرِيضَةٍ عَشْرًا، رَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ. (2)

742. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ، أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ رِضْوَانَهُ وَمَغْفِرَتَهُ. (3)

743. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَرَّةً، فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ، وَكَانَ أَفْضَلَ أَهْلِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ إِذَا اتَّقَى. (4)

744. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إِلَى آخِرِهَا مِئَةً مَرَّةً بَعْدَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ قَبْلَ أَنْ يُكَلِّمَ أَحَدًا، رُفِعَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَمَلُ خَمْسِينَ صِدِّيقًا. (5)

745. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِئَةً مَرَّةً، جَازَ الصِّرَاطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَن يَمِينِهِ ثَمَانِيَةَ أذْرُعٍ وَعَن شِمَالِهِ ثَمَانِيَةَ أذْرُعٍ، وَجَبْرَيْلُ أَخَذَ 3.

ص: 480

1- .مجمع البيان: ج 2 ص 626 عن عبد الله بن عمر؛ عمل اليوم والليله لابن السني: ص 48 ح 123 عن أبي أمامة نحوه، تفسير القرطبي: ج 3 ص 269 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، تفسير الثعلبي: ج 2 ص 227 عن عبد الله بن عمرو بن العاص، كنز العمال: ج 1 ص 569 ح 2568.

2- .بحار الأنوار: ج 86 ص 38 ح 45 نقلاً عن البلد الأمين عن كتاب نزهة الخواطر.

3- .الدر المنثور: ج 8 ص 678 نقلاً عن ابن النجار عن ابن عباس، كنز العمال: ج 1 ص 599 ح 2732؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 357 ح 23.

4- .المعجم الصغير: ج 1 ص 62، شعب الإيمان: ج 2 ص 501 ح 2528، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 140 الرقم 89 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 1 ص 599 ح 2733؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 359 ح 23.

5- .الفردوس: ج 5 ص 391 ح 8526 عن البراء بن عازب، كنز العمال: ج 1 ص 599 ح 2734؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 357 ح 23.

کریم، خود عهده دار قبض روحش می شود.

3/9 خواندن سوره توحید

741. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سوره توحید را ده مرتبه در پی هر نماز واجب بخواند، خداوند، حوری های بهشتی را به همسری اش در می آورد. (1)

742. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ده بار سوره توحید را در پی هر نماز واجب بخواند، خداوند، رضایت و مغفرتش را برای او واجب می کند.

743. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سوره توحید را پس از نماز صبح، دوازده بار بخواند، گویی که قرآن را چهار بار خوانده است و اگر در آن روز تقوا ورزد، بهترین زمینیان خواهد بود.

744. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سوره توحید را پس از نماز صبح، پیش از آن که با کسی سخن بگوید، صد مرتبه بخواند، عمل پنجاه صدیق در آن روز برایش [نوشته و] بالا برده می شود.

745. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در پی هر نماز واجب، صد بار سوره توحید را بخواند، روز قیامت از صراط با پهنای هشت ذراع از هر دو سمت چپ و راست می گذرد [با آن

ص: 481

1- . مستدرک الوسائل، این حدیث را از البلد الامین نقل کرده، حال آن که در نسخه چاپی آن، موجود نیست. در نقل کنز العمال نیز به جای عبارت «از حوری ها به همسری اش...» آمده است: «خداوند، رضوان و آمرزشش را برای او واجب می کند».

بِحُجْرَتِهِ، وَهُوَ يَنْظُرُ فِي النَّارِ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَمَنْ رَأَى فِيهَا مِمَّنْ دَخَلَ بِذَنْبٍ غَيْرِ الشَّرْكِ، أَخَذَ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِشِفَاعَتِهِ. (1)

746. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَرَأَ التَّوْحِيدَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ، بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَرَأَهَا مِئَةً بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَسْكَنًا فِي الْجَنَّةِ. (2)

747. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدَعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ بِ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَعَفَّرَ لَهُ وَلَوْالِدَيْهِ وَمَا وَلَدًا. (3)

4/9 قِرَاءَةُ الْمُعَوِّذَتَيْنِ

748. رسول الله صلى الله عليه وآله: اقْرَأُوا الْمُعَوِّذَاتِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ. (4)

5/9 الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ:

749. الإمام علي عليه السلام: إِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَيَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ. (5) 7.

ص: 482

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 170 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 36 ح 41.

2- بحار الأنوار: ج 87 ص 339 ح 18 نقلًا عن المصباح للكفعمي.

3- الكافي: ج 2 ص 622 ح 11، ثواب الأعمال: ص 156 ح 4، مجمع البيان: ج 10 ص 855، عدّة الداعي: ص 279 ح 6 كلّها عن أبي بكر الحضرمي، فلاح السائل: ص 302 ح 203، بحار الأنوار: ج 86 ص 27 ح 29.

4- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 383 ح 929، سنن النسائي: ج 3 ص 68، المعجم الكبير: ج 17 ص 294 ح 811 كلاهما نحوه، صحیح ابن حبان: ج 5 ص 345 ح 2004، صحیح ابن خزيمة: ج 1 ص 372 ح 7550 كلّها عن عقبه بن عامر، كنز العمال: ج 1 ص 588 ح 2680.

5- الخصال: ص 630 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 120 نحوه، عدّة الداعي: ص 152، بحار الأنوار: ج 86 ص 19 ح 17.

که صراط، بسیار باریک است] و جبرئیل، کمرش را گرفته و به آتش در چپ و راستش می نگرد و دست هر گناهکاری بجز مشرکان را که در آن ببیند، می گیرد و با شفاعتش به بهشت می برد.

746. امام صادق علیه السلام: هر کس سوره توحید را بیست و یک مرتبه در پی دو رکعت نماز صبح بخواند، خداوند متعال غرفه ای در بهشت برایش می سازد و هر کس آن را صد مرتبه بخواند، خداوند متعال، خانه ای در بهشت برایش می سازد.

747. امام صادق علیه السلام: هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در پی نماز واجب و انگذارد که هر کس آن را بخواند، خداوند، خیر دنیا و آخرت را برایش فراهم می آورد و افزون بر او، پدر و مادر و فرزندان آن دورا می آمرزد.

4/9 خواندن دو سوره فلق و ناس

748. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوره های تعویذدار (فلق و ناس) را در پی هر نماز بخوانید.

5/9 صلوات بر پیامبر (ص) و خاندانش

749. امام علی علیه السلام: هر گاه بنده از نمازش فارغ شود، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد و بهشت را از خداوند بخواهد و از آتش به خدا پناه ببرد و از او بخواهد که حوری های بهشتی را به همسری اش در آورد.

ص: 483

750. رسول الله صلى الله عليه وآله: مُعَقَّبَاتٌ لَا يَخِيْبُ قَائِلُهُنَّ أَوْ فَاعِلُهُنَّ: ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ تَسْبِيحَةً، وَثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ تَحْمِيدَةً، وَأَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ تَكْبِيرَةً، فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ. (1)

751. تاريخ دمشق عن سالم بن عبد الله بن عمر: سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: كَانَ [صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَأْمُرُ عِنْدَ الرَّقَادِ وَخَلْفَ الصَّلَاةِ بِأَرْبَعٍ وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، وَثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَثَلَاثٍ وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَتِلْكَ مِئَةٌ.

وَزَعَمَ سَالِمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ ذَلِكَ لِابْنَتِهِ فَاطِمَةَ. (2)

752. الإمام الصادق عليه السلام - لأبي هارون المكفوف - يا أبا هارون، إِذَا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّمَهُ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمُهُ عَبْدٌ فَشَقِي. (3)

753. عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي دُبُرِ الْمَكْتُوبَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبْسُطَ رِجْلَيْهِ، أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. (4)

754. عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْمِئَةَ مَرَّةً، وَأَتْبَعَهَا 3.

ص: 484

1- صحيح مسلم: ج 1 ص 418 ح 145، سنن الترمذي: ج 5 ص 479 ح 3412 نحوه، السنن الكبرى: ج 2 ص 267 ح 3026، المعجم الكبير: ج 19 ص 122 ح 259 كلُّها عن كعب بن عجرة، كنز العمال: ج 2 ص 127 ح 3452، العمدة: ص 389 ح 773 عن كعب بن عجرة، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 38 ح 5309.

2- تاريخ دمشق: ج 54 ص 30، كنز العمال: ج 4 ص 272 ح 10459.

3- الكافي: ج 3 ص 343 ح 13، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ح 397، ثواب الأعمال: ص 196 ح 1، الأملالي للصدوق: ص 675 ح 914 كلُّها عن أبي هارون المكفوف، بحار الأنوار: ج 85 ص 328 ح 3.

4- فلاح السائل: ص 297 ح 194 عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 85 ص 332 ح 13.

1-6/9 فضیلت تسبیح فاطمه علیها السلام

750. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تعقیباتی هستند که گوینده یا انجام دهندۀ آنها محروم نمی ماند: سی و سه «سبحان الله»، سی و سه «الحمد لله» و سی و چهار «الله أكبر» در پی هر نماز.

751. تاریخ دمشق - به نقل از سالم بن عبد الله بن عمر - شنیدم ابو هریره می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان می داد هنگام خوابیدن و در پی نماز، سی و چهار مرتبه «الله أكبر»، سی و سه مرتبه «سبحان الله» و سی و سه مرتبه «الحمد لله» و در مجموع، صد مرتبه ذکر بگوییم.

و سالم بن عبد الله [بن عمر بن خطاب، روایت کننده این حدیث از ابو هریره] بر این باور است که این را پیامبر صلی الله علیه و آله برای دخترش فاطمه گفته است.

752. امام صادق علیه السلام - خطاب به ابو هارون مکفوف - ای ابو هارون! ما فرزندانمان را به تسبیح فاطمه علیها السلام فرمان می دهیم، همان گونه که آنها را به نماز فرمان می دهیم. پس بر آن مواظبت کن که بنده ای نیست که بر آن مواظبت کند و بدبخت شود.

753. امام صادق علیه السلام: هر کس تسبیح فاطمه علیها السلام را در پی نماز واجب و پیش از آن که پاهایش را بگشاید، بگوید، خداوند، بهشت را برایش واجب می کند.

754. امام صادق علیه السلام: هر کس در پی نماز واجب، خداوند را به گونه تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام

755. عنه عليه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامَ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ (2) رِجْلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَلَيْبَدَأُ بِالتَّكْبِيرِ. (3)

756. عنه عليه السلام: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكَعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. (4)

2-6/9 بدءٌ تشريعهُ

757. الإمام عليّ عليه السلام -لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ-: أَلَا أَحَدَّثُكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامَ؟ إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي فَاسْتَقَّتْ بِالْقُرْبَةِ حَتَّى أَثَرُ فِي صَدْرِهَا، وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ (5) يَدَاهَا، وَكَسَحَتْ (6) الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا، وَأَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى).

ص: 486

1- الكافي: ج 3 ص 342 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ح 396، ثواب الأعمال: ص 196 ح 4 عن عبد الله بن سنان، قرب الإسناد: ص 4 ح 11 عن مسعدة بن صدقة وكلاهما نحوه، المحاسن: ج 1 ص 106 ح 87 بزيادة «قبل أن يثني رجله» بعد «الفريضة»، بحار الأنوار: ج 85 ص 335 ح 23.

2- قال العلامة المجلسي قدس سره: «أن يثني» أي عن القبلة، أو مطلق التغيير عن هيئة الصلاة كما قيل، وقال في النهاية: أراد قبل أن يصرف رجله عن حالته التي عليها في التشهد (مرآة العقول: ج 15 ص 173).

3- الكافي: ج 3 ص 342 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ح 395، ثواب الأعمال: ص 196 ح 4 كلّها عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 320 ح 946 نحوه وليس فيه «وليبداً بالتكبير»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 29 ح 2063، بحار الأنوار: ج 85 ص 332 ح 11.

4- الكافي: ج 3 ص 343 ح 15، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ح 399، ثواب الأعمال: ص 196 ح 3، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 29 ح 2062، فلاح السائل: ص 250 ح 152 كلّها عن أبي خالد القمّاط، بحار الأنوار: ج 85 ص 332 ح 9 وراجع المقنعة: ص 140.

5- مجلت يداها: إذا ثخن جلدها وظهر فيها ما يشبه البشر من العمل بالأشياء الصلبة الخشنة (مجمع البحرين: ج 3 ص 1675 «مجل»).

6- كسحت البيت: أي كسسته (مجمع البحرين: ج 3 ص 1569 «كسح»).

صد بار تسبیح کند و «لا إله إلا الله» را در پایان آن بگوید، خداوند، او را می آمرزد.

755. امام صادق علیه السلام: کسی که پس از نماز واجب و در حالی که هنوز در پی کار دیگر نرفته، تسبیحات فاطمه زهرا را بگوید، خداوند، او را می آمرزد و [تسبیحات را] با «الله أكبر» آغاز کند.

756. امام صادق علیه السلام: تسبیحات فاطمه علیها السلام در هر روز و در پی هر نماز، نزد من، محبوب تر از هزار رکعت نماز در هر روز است.

2-6/9 آغاز تشریح تسبیح فاطمه علیها السلام

757. امام علی علیه السلام - خطاب به مردی از قبیله بنی سعد - : آیا از خودم و از فاطمه زهرا علیها السلام برایتان سخن نگویم؟ فاطمه نزد من بود و [دیدم که] آن قدر مشک آب کشید که در سینه اش اثر گذاشت و آن قدر آسیاب کرد که دستانش پینه بست و آن قدر خانه جارو کرد که لباس هایش غبار آلود شد و آن قدر آتش در زیر دیگ برافروخت که

ص: 487

دَكِنَتْ (1) ثِيَابُهَا، فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرْرٌ شَدِيدٌ. فَقُلْتُ لَهَا: لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرًّا (2) مَا أَنْتِ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ.

فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ حِدًّا (3)، فَاسْتَحْيَتْ فَانصَرَ رَفَتْ، فَعَلِمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهَا قَدْ جَاءَتْ لِحَاجَةٍ، فَعَدَا عَلَيْنَا....

ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ أَمْسٍ عِنْدَ مُحَمَّدٍ؟... فَقُلْتُ: أَنَا وَاللَّهِ أَخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهَا اسْتَقَمَّتْ بِالْقَرِيبَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا، وَجَرَّتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا، وَكَسَحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا، وَأَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا.

فَقُلْتُ لَهَا: لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرًّا مَا أَنْتِ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ!

قَالَ: أَفَلَا أَعَلَّمَكُمَا مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمَا مِنَ الْخَادِمِ؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مِنْ مَنَاكِمِكُمَا فَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، وَسَدِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً. (4)

758. عنه عليه السلام: إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ شَكَتْ مَا تَلْقَى مِنْ أَثْرِ الرَّحَى، فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَيَّنَّتْ لِي، فَأَنْطَلَقْتُ فَلَمْ تَجِدْهُ، فَوَجَدَتْ عَائِشَةَ فَأَخْبَرْتَهَا، فَلَمَّا جَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِمَجِيءِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِلَيْنَا وَقَدْ أَخَذْنَا مَضَاجِعَنَا، فَذَهَبْتُ لِأَقُومَ فَقَالَ: عَلَيَّ مَكَانِكُمَا، فَفَعَدَّ بَيْنَنَا حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ قَدَمَيْهِ عَلَيَّ صَدْرِي، وَقَالَ: أَلَا أَعَلَّمَكُمَا خَيْرًا مِمَّا سَأَلْتُمَانِي؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا تَكَبَّرَانِ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَتُسَبِّحَانِ ثَلَاثًا 5.

ص: 488

1- دكن الثوب: إذا اتسخ واغبر لونه (النهاية: ج 2 ص 128 «دكن»).

2- الحارّ من العمل: شاقّه وشديده (القاموس المحيط: ج 2 ص 8 «حرر»).

3- حدّاثاً: أي جماعة يتحدّثون، وهو جمع على غير قياس (النهاية: ج 1 ص 350 «حدث»).

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 320 ح 947، علل الشرائع: ص 366 ح 1 عن أبي الورد بن ثمامة نحوه، مكارم الأخلاق: ج 2 ص

28 ح 2061، بحار الأنوار: ج 43 ص 82 ح 5؛ سنن أبي داود: ج 3 ص 150 ح 2988، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 322 ح 1312 كلاهما

عن ابن أعبد نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 508 ح 41985.

لباس هایش تیره و دود گرفته شد، و از اینها رنج فراوانی به او رسید. به او گفتم: کاش نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکاری می طلبیدی تا در کارهای سخت این گونه، یاری ات کند.

فاطمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و چون گروهی در آن جا دید که با پیامبر سخن می گویند، خجالت کشید و باز گشت. پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه شد که فاطمه برای نیازی آمده بود و از این رو صبح فردا نزد ما آمد... و فرمود: «ای فاطمه! دیروز برای چه نزد من آمدی؟»....

گفتم: به خدا سوگند، من به شما می گویم، ای پیامبر خدا! او چندان با مشک آب کشیده که در سینه اش اثر گذاشته، و چندان آسیاب کرده که دستانش پینه بسته، و چندان خانه جارو کرده که لباس هایش غبارآلود شده، و چندان زیر دیگ، آتش افروخته که لباسش تیره و دود گرفته شده. به او گفتم: کاش نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکاری می طلبیدی که در سختی این کارها، یاری ات کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا چیزی به شما نیاموزم که برایتان بهتر از خدمتکار است؟ هنگامی که می خواهید بخوابید، سی و چهار مرتبه "الله اکبر"، سی و سه مرتبه "سبحان الله" و سی و سه مرتبه "الحمد لله" بگویید».

758. امام علی علیه السلام: فاطمه از پینه دست هایش بر اثر آسیاب کردن شکوه کرد. اسیرانی برای پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند و فاطمه نزد پیامبر رفت و ایشان را نیافت. عایشه را دید و به او گفت. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، عایشه از آمدن و خواسته فاطمه خبر داد. پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما آمد. ما به بستر رفته بودیم و خواستم برخیزم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «همان جا باشید» و به گونه ای میان ما نشست که سردی پاهایش را در سینه ام احساس کردم.

فرمود: «آیا بهتر از آنچه از من خواسته اید، به شما نیاموزم؟ هنگامی که خواستید بخوابید، سی و چهار مرتبه تکبیر، سی و سه مرتبه تسبیح و سی و سه مرتبه حمد

وثلاثين، وتُحَمَّدَانِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمَا مِنْ خَادِمٍ. (1)

759. السنن الكبرى للنسائي عن أبي الدرداء: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ أَصْحَابُ الْأَمْوَالِ بِالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَيُجَاهِدُونَ كَمَا نَفَعَلُ، وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ!

قَالَ: أَفَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَمْرٍ إِنْ أَخَذْتَ بِهِ أَدْرَكَتَ مِنْ سَعَتِكَ وَلَمْ يَدْرِكَكَ مِنْ بَعْدِكَ، إِلَّا مَنْ عَمِلَ مِثْلَ الَّذِي عَمِلْتَ؟ تَسَبَّحَ اللَّهُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَتَحَمَّدَهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَتَكَبَّرَهُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ. (2)

760. مسند ابن حنبل عن زيد بن ثابت: أَمَرْنَا [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] أَنْ نَسَبِّحَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَنَحْمَدُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، وَنُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً. (3)

3-6/9 كَيْفِيَّتُهُ

761. الكافي عن محمد بن عذافر: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلَهُ أَبِي عَنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» حَتَّى أَحْصَاهَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ قَالَ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» حَتَّى بَلَغَ سَبْعًا وَسِتِّينَ، ثُمَّ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ» حَتَّى بَلَغَ مِئَةً، يُحْصِيهَا 2.

ص: 490

1- . صحيح البخاري: ج 3 ص 1358 ح 3502، صحيح مسلم: ج 4 ص 2091 ح 80، سنن أبي داود: ج 4 ص 315 ح 5062 نحوه وكلها عن ابن أبي ليلي، كنز العمدة: ج 15 ص 504 ح 41980؛ العمدة: ص 383 عن أبي ليلي، الطرائف: ص 542 نحوه وراجع المعجم الكبير: ج 23 ص 339 ح 787.

2- . السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 44 ح 9977، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 166 ح 21768، الدعاء للطبراني: ص 225 ح 707، الزهد لابن المبارك: ص 407 ح 1159 كلها نحوه، مجمع الزوائد: ج 10 ص 124 ح 16912.

3- . مسند ابن حنبل: ج 8 ص 154 ح 21716، سنن الدارمي: ج 1 ص 332 ح 1328، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 383 ح 928، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 360 ح 2017، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 370 ح 752.

خدا بگویند که برای هر دویتان از خدمتکار، بهتر است».

759. السنن الکبری، نسایی - به نقل از ابو دردا - نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدم و گفتم: ای پیامبر خدا! ثروتمندان، دنیا و آخرت را بُردند: نماز می خوانند و روزه می گیرند و جهاد می کنند و ما نیز چنین می کنیم؛ ولی [آنان]، صدقه می دهند و ما نمی دهیم!

فرمود: «آیا تو را به چیزی راه نمایی نکنم که اگر آن را انجام دهی، هیچ کس پیش از توبه آن پیشی نگرفته و هیچ کس هم از این پس، به تو نمی رسد جز کسی که همچون تو کند؟ در پی هر نماز، سی و سه بار "سبحان الله"، سی و سه بار "الحمد لله" و سی و چهار بار "الله أكبر" می گویی».

760. مسند ابن حنبل - به نقل از زید بن ثابت - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما فرمان داد که در پی هر نماز، سی و سه مرتبه "سبحان الله"، سی و سه مرتبه "الحمد لله" و سی و چهار مرتبه "الله أكبر" بگوییم.

3-6/9 چگونه تسبیح فاطمه علیها السلام

761. الکافی - به نقل از محمد بن عذافر - با پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. پدرم از ایشان در باره تسبیح فاطمه علیها السلام پرسید. امام سی و چهار مرتبه «الله أكبر» گفت و شمرد، سپس سی و سه مرتبه «الحمد لله» گفت و شمرد، و سپس سی و سه مرتبه

ص: 491

762. الإمام الصادق عليه السلام: في تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهَا، يُبَدَأُ بِالتَّكْبِيرِ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، ثُمَّ التَّحْمِيدِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، ثُمَّ التَّسْبِيحِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ. (2) 9.

ص: 492

-
- 1- الكافي: ج 3 ص 342 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 105 ح 400، المحاسن: ج 1 ص 106 ح 88، منتقى الجمان: ج 2 ص 84، بحار الأنوار: ج 85 ص 333 ح 14.
 - 2- الكافي: ج 3 ص 342 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 106 ح 401 وليس فيه «في تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام» وكلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 85 ص 339.

«سبحان الله» گفت و شمرد تا مجموع آن، صد شد و همه را با دستش می شمرد.

762. امام صادق علیه السلام: در تسیح فاطمه-که خدا بر او درود فرستد-، با سی و چهار بار تکبیر آغاز می شود، سپس سی و سه مرتبه «الحمد لله» است و آن گاه سی و سه مرتبه «سبحان الله».

ص: 493

پژوهشی درباره کیفیت تسبیح فاطمه زهرا (1)

احادیث فراوانی بر استحباب ذکر تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام - که از مصادیق «ذکر کثیر» دانسته شده - (2) تأکید کرده اند. این احادیث - که در کتب چهارگانه شیعه و برخی از صحاح و مسانید مشهور اهل سنت به طریق های مختلف، نقل شده اند - بیانگر، آن اند که استحباب این تسبیح، منحصر به تعقیب نمازهای واجب و یا هر نمازی نیست؛ بلکه هنگام خواب و یا برای رفع پاره ای مشکلات نیز مفید است. (3)

همه این احادیث، اتفاق دارند که تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام از ترکیب سه ذکر «اللّه اکبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله» به وجود آمده و عطای پُرازش پیامبر خدا به دختر بزرگوارش فاطمه علیها السلام است. همچنین در تعداد هر یک از این اذکار و نیز شمار مجموعه آنها، اتفاق نظر است؛ یعنی همه روایات، تعداد ذکر «اللّه اکبر» را 34 بار، «الحمد لله» را 33 بار و «سبحان الله» را نیز 33 بار دانسته اند که مجموع آنها یکصد می شود.

تنها اختلافی جزئی، در ترتیب این سه جزء است. احادیث شیعی به اتفاق، «اللّه

ص: 494

1- این بیان توسط استاد گرانقدر آقای عبدالهادی مسعودی نگارش یافته است.

2- ر.ک: نهج الذکر: ج 2 ص 87 ح 931-933 و ج 1 ص 115 ح 176-179.

3- ر.ک: الکافی: ج 2 ص 536 ح 7، شناخت نامه نماز: ح 757 و 758.

اکبر» را ذکر آغازین می دانند؛ (1) ولی برخی احادیث اهل سنت، آن را ذکر پایانی می شمرند، (2) هرچند برخی دیگر که در منابع معتبرتری هستند، در این بخش با احادیث شیعی همسو و همگون اند. (3) از این رو، این اختلاف به آسانی قابل حل است.

اختلاف دیگر، در حوزه احادیث شیعی و در ترتیب «الحمد لله» و «سبحان الله» است. مشهور احادیث شیعی، «الحمد لله» را بر «سبحان الله» مقدم می دارند (4) و تنها چند حدیث معدود، عکس آن را ابراز می دارند. بر همین اساس، بیشتر فقها، ترتیب معمولی و رایج کنونی، یعنی «الله أكبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله» را ذکر کرده اند، هر چند برخی از آنان، قائل به تخییر شده و هر دو ترتیب را مجاز و مطابق با سنت دانسته اند.

نظریه مشهور: تقدیم تحمید بر تسبیح

اشاره

علامه حلی در کتاب المختلف- که اختلاف فتاوی فقیهان شیعه را بررسی می کند-، می گوید:

مشهور در تسبیح زهرا علیها السلام این است که نخست «الله أكبر» گفته می شود، سپس «الحمد لله» و بعد، «سبحان الله». این را شیخ [طوسی] در النهایة و المبسوط و [شیخ] مفید در الْمُقْنَعَة و سَلَّار و ابن بَرَّاج و ابن ادریس، ذکر کرده اند. (5)

در باره این کلام علامه حلی باید گفت که مراجعه مستقیم به کتاب های فقهی،

ص: 495

-
- 1- ر.ك: وسائل الشیعة: ج 6 ص 444 (باب 10).
 - 2- ر.ك: مسند ابن حنبل: ج 1 ص 227 ح 838 و ص 305 ح 1228 و ج 8 ص 166 ح 21768، تاریخ بغداد: ج 3 ص 24، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 165 ح 4724 و....
 - 3- ر.ك: صحیح البخاری: ج 3 ص 1358 ح 3502، صحیح مسلم: ج 4 ص 2091 ح 80، سنن أبی داود: ج 3 ص 150 ح 2987، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 287 ح 1141.
 - 4- ر.ك: ص 491 (چگونگی تسبیح فاطمه علیها السلام).
 - 5- المختلف: ج 2 ص 182.

همین نتیجه را می دهد. (1)

همچنین شیخ بهایی، در مفتاح الفلاح، آن را مشهور دانسته و گفته است:

آنچه در تعقیبات مشهور است و به آن عمل می شود، مقدم داشتن «الحمد لله» بر «سبحان الله» است. (2)

محدث بحرانی نیز در الحدائق الناضرة، پس از ذکر همه احادیث و در پایان جمع بندی دلالتی و سندی خود، قول مشهور و برخوردار از قوت روایی را «تقدیم تحمید بر تسبیح» دانسته است. (3) شیخ محمد حسن نجفی نیز در کتاب گران سنگ جواهر الکلام، چنین نوشته است:

آنچه در میان اصحاب، شهرت بسیار دارد و بلکه در وسائل الشیعة آمده است که شیعه به آن عمل می کرده اند، این است که نخست، سی و چهار «الله اکبر» گویند، سپس سی و سه «الحمد لله» و بعد، سی و سه «سبحان الله». در فتاوا و احادیث، در این باره اختلافی نمی یابم، بجز خبر علل الشرائع که به زودی آن را ذکر خواهیم کرد. (4)

دلیل نظریه مشهور

استدلال قول مشهور، ساده و روشن است. احادیث بسیاری بر مدعی آن دلالت دارند که با يك شمارش ساده، می توان فزون آنها را بر احادیث قول دیگر، نشان داد.

افزون بر این، اسناد احادیث دلالت کننده بر قول مشهور، در مقایسه با احادیث دیگر، از قوت بیشتری برخوردارند و از این رو، حتی اگر این دو دسته احادیث

ص: 496

1- ر.ك: المقنعة: ص 110، النهایة: ص 85، المبسوط: ج 1 ص 117، المراسم العلویة: ص 73، المهذب: ج 1 ص 96، السرائر: ج 1 ص 233، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة: ص 78.

2- مفتاح الفلاح: ص 213.

3- ر.ك: الحدائق الناضرة: ج 8 ص 523.

4- جواهر الکلام: ج 10 ص 399. گفتنی است حدیث علل الشرائع، مطابق با احادیث اهل سنت است و در اسناد آن نیز راویان اهل سنت به چشم می خورند.

مختلف را با هم متعارض بدانیم - که خواهیم گفت چنین نیست -، باز هم بنا به شهرت روایی و قوت سندی، ترجیح با قول مشهور خواهد بود. (1)

نظریه دوم: تقدیم تسبیح بر تحمید

دلیل قول «تقدیم تسبیح بر تحمید»، آن است که برخی فقیهان متقدم، مانند شیخ صدوق و پدرش، ابن جنید و شیخ طوسی (در برخی از کتاب هایش)، به هنگام بیان کیفیت تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام تسبیح را بر تحمید، مقدم کرده اند (2) و چون این فقیهان به روزگار ائمه علیهم السلام نزدیک بوده و خود، محدث نیز بوده اند، می توان قول آنان را ردی بر قول مشهور دانست.

در پاسخ این گفته، می توانیم تصریح شیخ صدوق و شیخ طوسی را بیاوریم که آنان، هر دو شکل ترتیب مشهور و غیر مشهور را جایز دانسته اند و مقصودشان از بیان ترتیب غیر مشهور، آن بوده است که بگویند ترتیب مشهور، لازم الرعایه و انحصاری نیست و هر دو کیفیت، مشروع و مطابق با سنت است.

برخی فقیهان متأخر، مانند صاحب جواهر نیز این نظر را دارند و حتی آن را به علامه حلی و فیض کاشانی نیز نسبت داده اند. (3)

دلیل صاحب جواهر، آن است که در مسائل مستحب، اختلاف در میان احادیث، به تعارض نمی انجامد تا نیاز به ترجیح یا تخییر پیش آید؛ بلکه در این گونه موارد، تأکید بر یک سو، به منظور معرفی فرد احسن و اکمل است، نه رد جواز و مشروعیت طرف دیگر.

ص: 497

1- شیخ یوسف بحرانی برای تقویت نظریه مشهور، به دلیل دیگری نیز تمسک کرده که خالی از ضعف نیست (ر.ک: جواهر الکلام: ج 10 ص 402).

2- فقه الرضا: ص 115، الهدایة: ص 141، الاقتصاد: ص 264، نیز، ر.ک: المختلف: ج 2 ص 182، المبسوط: ج 1 ص 117.

3- جواهر الکلام: ج 10 ص 404.

ای بسا سخن امام صادق علیه السلام اشاره به این دارد، آن جا که فرمود: «وَتُبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ؛ بِاللَّهِ أَكْبَرُ شُرُوعٌ شُود» و در باره بقیه سکوت کرد. (1)

یعنی آنچه مهم است، آغاز با تکبیر است و چون امام علیه السلام از بیان ترتیب میان حمد و تسبیح خودداری ورزیده، پس ترتیب آن دو، مهم نیست و آنچه محمد بن عذافر از فعل امام صادق علیه السلام گزارش داده که امام علیه السلام تحمید را بر تسبیح مقدم داشته است، (2) جز جواز و حدّ اکثر، استحباب آن را اثبات نمی کند و دلالتی بر حتمیت آن و طرد کیفیت دیگر ندارد.

نظریه سوم: تفصیل

گفتنی است نظریه دیگری نیز در این میان مطرح است و آن، تفصیل است؛ یعنی اختصاص کیفیت مشهور (تقدیم تحمید بر تسبیح) به تعقیب نماز و اختصاص کیفیت غیر مشهور (تقدیم تسبیح بر تحمید) به هنگام خواب.

شیخ بهایی، این تفصیل را با استفاده از اجماع مرگب، رد کرده است؛ (3) اما فقیهان دیگر مانند محدث بحرانی و صاحب جواهر، این رد را نپسندیده و مسئله را محلّ تمسک به این گونه دلیل ها ندانسته اند. (4)

دلیل بهتر در ردّ این تفصیل، مراجعه به احادیث است؛ زیرا در میان احادیث مشهور، حدیثی داریم که همان کیفیت مشهور را برای گفتن این ذکر قبل از خواب، اثبات می کند و در میان احادیث غیر مشهور نیز حدیث مختص به تعقیب نماز داریم.

به عبارت دیگر، این جمع بندی در احادیث، قابل اجرا نیست و احادیث مشهور،

ص: 498

1- . جواهر الکلام: ج 10 ص 404.

2- . ر.ك: الكافي: ج 3 ص 342 ح 8.

3- . ر.ك: مفتاح الفلاح: ص 218.

4- . ر.ك: الحدائق الناضرة: ج 8 ص 521، جواهر الکلام: ج 10 ص 403.

مطلق هستند و هر دو حالت را در بر می گیرند.

نظریه برگزیده

بر اساس آنچه گذشت، می توان گفت نظر اتّفاقی عالمان شیعه در شروع کردن با تکبیر - که موافق نقل محدّثان مشهور اهل سنّت (مانند: بخاری، مسلم نیشابوری و ابو داوود) است - بر نقل دیگر محدّثان اهل سنّت - که قائل به عکس آن و اختتام به تکبیر هستند - ترجیح دارد؛ اما در باره اختلاف دیگر (یعنی تقدیم تحمید بر تسبیح)، لزومی به انحصار در شکل و کیفیت مشهور نیست و هر دو شکل، مشروع است، هر چند با توجه به کثرت احادیث و فتاوای فقیهان، می توان ترتیب مشهور را بهتر دانست.

ص: 499

763. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَدْعُ بِهَا دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ. (1)

764. سنن الترمذي عن أبي أمامة: قيل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ، وَدُبْرَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَاتِ. (2)

765. الإمام الباقر عليه السلام: الْمَسْأَلَةُ قَبْلَ الصَّلَاةِ وَبَعْدَهَا. (3)

766. عنه عليه السلام: الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَتَفَلًّا. (4)

767. عنه عليه السلام: - فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ* وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (5) :-

إِذَا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تَسَلَّمَ وَأَنْتَ جَالِسٌ، فَاَنْصِبْ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْغَبْ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ. (6) 1.

ص: 500

1- .تاريخ دمشق: ج 12 ص 114 ح 2914 عن أبي موسى وج 5 ص 415 ح 1325 عن أبي بردة عن أبيه، كنز العمال: ج 2 ص 109 ح 3379.

2- .سنن الترمذي: ج 5 ص 527 ح 3499، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 32 ح 9936، فتح الباري: ج 11 ص 134، تفسير الثعلبي: ج 2 ص 95، رياض الصالحين: ص 538 كلُّها عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 2 ص 114 ح 3402.

3- .دعائم الإسلام: ج 1 ص 166، بحار الأنوار: ج 85 ص 325 ح 20.

4- .الكافي: ج 3 ص 342 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 103 ح 389، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 328 ح 963 كلُّها عن زرارة، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 37 ح 2081، دعائم الإسلام: ج 1 ص 166، بحار الأنوار: ج 85 ص 324 ذيل ح 17.

5- .الشرح: 7 و 8.

6- .قرب الإسناد: ص 7 ح 22 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، مجمع البيان: ج 10 ص 772 عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 325 ح 19؛ تفسير الطبري: ج 15 الجزء 30 ص 237 عن قتادة، تفسير ابن كثير: ج 8 ص 455 عن ابن عباس، تفسير الثعلبي: ج 10 ص 236 عن الضحَّاك وكلُّها من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، الدر المنثور: ج 8 ص 551.

763. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از خدا حاجتی را می خواهد، آن را دعای پس از هر نماز واجبش کند.

764. سنن الترمذی - به نقل از ابو امامه - به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: ای پیامبر خدا! کدام دعا بهتر شنیده [و مستجاب] می شود؟ فرمود: «دعا در دل آخر شب و در پی نمازهای واجب».

765. امام باقر علیه السلام: درخواست، پیش از نماز و بعد از آن است.

766. امام باقر علیه السلام: دعا کردن پس از نماز واجب، برتر از خواندن نماز مستحبی است. (1)

767. امام باقر علیه السلام - در باره سخن خداوند - عزیز و جلیل - «پس چون فراغت یافتی، [در دعا] بکوش و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور» - هنگامی که نماز را پس از سلام دادن، تمام کردی و هنوز نشسته ای، به دعا برای دنیا و آخرت پرداز و هنگامی که از دعا فارغ شدی، به خداوند - تبارک و تعالی - التماس کن تا آن را از تو بپذیرد.

ص: 501

1- در کتاب من لا یحضره الفقیه در پایان روایت، این افزوده آمده است: «و سنّت نیز بر این جاری است».

768. الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله عز و جل: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ* وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْجِعْ» -: الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ إِتَاكَ أَنْ تَدْعَهُ، فَإِنَّ فَضْلَهُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ كَفَضْلِ الْفَرِيضَةِ عَلَى النَّافِلَةِ. (1)

769. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ، فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ. (2)

770. تهذيب الأحكام عن صفوان بن مهران الجمال: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَلَّى فَفَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ، رَفَعَ يَدَيْهِ جَمِيعاً فَوْقَ رَأْسِهِ. (3)

راجع: ص 528 (الأدعية المؤثورة بعد الصلاة) و ج 1 ص 210 (آثار إقامة الصلاة/إجابة الدعاء).

8/9 الإستغفار

771. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ: «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَ قَدْ فَرَغَ مِنَ الرَّحْفِ. (4)

772. صحيح مسلم عن ثوبان: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا انصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا، ب.

ص: 502

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 166، بحار الأنوار: ج 85 ص 325 ذيل ح 20.

2- الخصال: ص 278 ح 23، تفسير القمي: ج 1 ص 67 كلاهما عن حماد بن عيسى، عدة الداعي: ص 67 نحوه، روضة الواعظين: ص 431 وفيه «عليكم بالدعاء في ادبار الصلوات فانه مستجاب»، بحار الأنوار: ج 85 ص 320 ح 6.

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 106 ح 403، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 325 ح 952 وليس فيه «جميعاً»، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1030 ح 8423.

4- عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 53 ح 137، كنز العمال: ج 1 ص 475 ح 2066 نقلاً عن أبي يعلى في مسنده وكلاهما عن البراء بن عازب.

768. امام صادق علیه السلام - در باره سخن خدای عز و جل: «پس چون فراغت یافتی، [در دعا] بکوش و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور» - مبادا که دعای پس از نماز واجب را وانهی، که فضیلت آن پس از نماز واجب همچون فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب است.

769. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل، نمازهای پنجگانه (1) را در بهترین زمان ها بر شما واجب کرده است. پس پیوسته در پی نمازها، دعا کنید.

770. تهذیب الأحکام - به نقل از صفوان بن مهران جمّال - دیدم امام صادق علیه السلام هنگامی که نماز می خواند و آن را تمام می کرد، هر دو دستش را بالای سرش می برد [و دعا می کرد].

ر.ك: ص 529 (دعاهای روایت شده پس از نماز)

وج 1 ص 211 (آثار برپا کردن نماز/اجابت دعا).

8/9 استغفار کردن

771. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در پی هر نماز، سه بار استغفار کند و بگوید: «از خدایی که جز او معبودی نیست و زنده بر پا دارنده است، آمرزش می طلبم و به سویش باز می گردم»، گناهایش آمرزیده می شود، حتی اگر از میدان جهاد گریخته باشد.

772. صحیح مسلم - به نقل از ثوبان - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه نمازش را به پایان می برد،

ص: 503

1- .نقل تفسیر القمی، قید «پنجگانه» را ندارد.

وقال: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (1)

773. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ، غُفِرَ لَهُ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الذُّنُوبِ، وَلَمْ يُخْرَجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى أَزْوَاجَهُ مِنَ الْحُورِ، وَمَسَاكِينَهُ مِنَ الْفُصُورِ. (2)

774. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَشْتَبِيَ رِجْلَيْهِ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (3)

9/9 سَجْدَةُ الشُّكْرِ

775. الإمام الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ تَبَيَّنَ بِهَا صَلَاتُكَ، وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ، وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ. وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ، فَيَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي، انظروا إلى عبدي؛ أَدَى قُرْبَتِي، وَأَتَمَّ عَهْدِي، ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ، مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، رَحِمْتَهُ، ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: ثُمَّ مَاذَا لَهُ؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، جَنَّنْتَهُ، فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: ثُمَّ مَاذَا؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، كَفَايَهُ مُهْمَهُ، فَيَقُولُ الرَّبُّ: ثُمَّ مَاذَا؟ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي، ثُمَّ مَاذَا؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: 5.

ص: 504

- 1- صحيح مسلم: ج 1 ص 414 ح 135، سنن الترمذي: ج 2 ص 98 ح 300، سنن النسائي: ج 3 ص 68، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 300 ح 928، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 321 ح 22428، كنز العمال: ج 7 ص 48 ح 17889.
- 2- كنز العمال: ج 1 ص 481 ح 2104 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة وراجع الخصال: ص 581 ح 4 ومصباح المتهجد: ص 73 ذيل ح 118.
- 3- الكافي: ج 2 ص 521 ح 1، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 93 ح 2261 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما عن الحسين بن حماد، بحار الأنوار: ج 86 ص 5 ح 5.

سه بار استغفار می کرد و می گفت: «خدایا! تو سلام هستی و سلام از توست.

مبارکی، ای شکوهمند گرامی!».»

773. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در پی هر نماز، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش بخواهد، خداوند، گناهانی را که کرده، می آمرزد و از دنیا نمی رود تا آن که همسرانش از حوری ها و کاخ های بهشتی اش را ببیند.

774. امام باقر علیه السلام: هر کس در پی هر نماز واجب و پیش از آن که پاهایش را بگشاید [و دنبال کار دیگری برود]، سه بار بگوید: «از خدای یگانه زنده بر پا دارنده با جلال و شکوه و گرامی، آمرزش می خواهم و به سوی او باز می گردم»، خداوند عز و جل گناهانش را می آمرزد، حتی اگر مانند کف دریا [فراوان] باشد.

9/9 سجده شکر گزاردن

775. امام صادق علیه السلام: سجده شکر بر هر مسلمان، واجب است. با آن، نمازت را کامل می کنی، پروردگارت را خشنود می سازی و فرشتگان را به شگفتی می آوری. آن گاه که بنده نماز خواند و سپس سجده شکر گزارد، پروردگار متعال، پرده از میان او و فرشتگان بر می گیرد و می گوید: «ای فرشتگان من! به بنده ام بنگرید که با عبادتش به من تقرّب جست و پیمانم را به پایان برد. سپس برای من به خاطر شکر نعمت هایی که به او بخشیده ام، سجده کرد. فرشتگانم! چه چیزی برای اوست؟».

پس فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! رحمت تو.

سپس پروردگار می گوید: «دیگر چه؟».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! بهشت تو.

پس پروردگار متعال می گوید: «دیگر چه؟».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! بر آوردن نیازهایش.

پس پروردگار می گوید: «دیگر چه؟».

يَا رَبَّنَا، لَا عِلْمَ لَنَا.

فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: لِأَشْكُرَنَّكَ كَمَا شَكَرَنِي، وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي، وَأُرِيهِ رَحْمَتِي. (1)

776. عنه عليه السلام: إِنَّمَا يَسْجُدُ الْمُصَلِّي سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ، لِيَشْكُرَ اللَّهَ - تَعَالَى ذِكْرَهُ - فِيهَا عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ أَدَاءِ فَرِيضِهِ، وَأَدْنَى مَا يُجْزِي فِيهَا: «شُكْرًا لِلَّهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. (2)

777. الكافي عن جعفر بن عليّ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سَجَدَ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَبَسَطَ ذِرَاعَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ وَأَلْصَقَ جُجُؤَهُ (3) بِالْأَرْضِ فِي دُعَائِهِ. (4)

778. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرٌ لِلَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرِيضَتِهِ، وَأَدْنَى مَا يُجْزِي فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ: «شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

قُلْتُ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ: «شُكْرًا لِلَّهِ»؟ قَالَ: يَقُولُ: هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَأَدَاءِ فَرَائِضِهِ. وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ، فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ، تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةِ. (5)

779. الاحتجاج: فِي كِتَابِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيِّ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

ص: 506

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 110 ح 415، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 333 ح 979، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 38 ح 2086، منتقى الجمان: ص 87 كلها عن مرآزم، عوالي اللآلي: ج 1 ص 334 ح 95 وفيه صدره إلى «وبين الملائكة»، بحار الأنوار: ج 86 ص 205 ح 19.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 333 ح 978 عن أبي الحسين الأسدي، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1070 ح 8564.

3- الجؤجؤ: الصدر، وقيل: عظامه (النهاية: ج 1 ص 232 «جؤجؤ»).

4- الكافي: ج 3 ص 324 ح 14، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 85 ح 311، وسائل الشيعة: ج 4 ص 1076 ح 8584.

5- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 281 ح 27، علل الشرائع: ص 360 عن أحمد بن محمد بن سعيد عن علي بن الحسن الفضال وليس فيه «لم يتم بالنوافل»، بحار الأنوار: ج 86 ص 198 ح 5.

هیچ چیزی از نیکی ها نمی ماند، جز این که فرشتگان می گویند. سپس خداوند متعال می گوید: «ای فرشتگان من! دیگر چه؟».

فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما! چیزی نمی دانیم.

پس خداوند متعال می گوید: «از او قدردانی می کنم، همان گونه که او مرا سپاس گزارد و با فضل و بخشش به وی روی می کنم و رحمتم را به او نشان می دهم».

776. امام صادق علیه السلام: نمازگزار پس از نماز واجب، سجده می کند تا در آن وظیفه سپاس گذاری از خداوند والا یاد را در برابر نعمت هایی که بر او منت نهاده، ادا کند و کمترین چیزی که در آن کفایت می کند، سه بار «شکراً لله؛ سپاس، از آن خداست» است.

777. الکافی - به نقل از جعفر بن علی - : امام کاظم علیه السلام را دیدم که پس از نماز به سجده افتاده بود و در دعایش، دست هایش را روی زمین پهن کرده بود و سینه اش را به زمین چسبانده بود.

778. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از حسن بن علی بن فضال - : امام رضا علیه السلام فرمود: «سجده شکر گزاردن پس از نماز واجب در برابر توفیقی است که خداوند والا یاد به بنده داده تا واجبش را انجام دهد. کمترین چیزی از گفتار که در آن کفایت می کند، این است که سه مرتبه "شکراً لله" گفته شود».

گفتم: معنای: «شکراً لله» چیست؟

فرمود: «می گوید: این سجده من است برای سپاس گذاری از خدایی که مرا توفیق خدمت و ادای واجبش را داد و شکر، سبب فزونی است. پس اگر در نماز کوتاهی کرده و با نماز نافله کامل نشده است، با این سجده کامل می شود».

779. الاحتجاج: محمد بن عبد الله حمیری در نامه ای به صاحب الزمان - که درودها و

وسلامه عليه... سأل عن سجدة الشكر بعد الفريضة: فإن بعض أصحابنا ذكر أنها بدعة، فهل يجوز أن يسجدها الرجل بعد الفريضة؟ وإن جاز ففي صلاة المغرب هي بعد الفريضة أو بعد الأربع ركعات التأفلة؟

فأجاب عليه السلام: سجدة الشكر من الزم السنن وأوجبها، ولم يقل: إن هذه السجدة بدعة إلا من أراد أن يحدث في دين الله بدعة. فأما الخبر المروي فيها بعد صلاة المغرب والاختلاف في أنها بعد الثلاث أو بعد الأربع، فإن فضل الدعاء والتسبيح بعد الفرائض على الدعاء بعقيب التوافل كفضل الفرائض على التوافل، والسجدة دعاء وتسبيح، فالأفضل أن يكون بعد الفرض، فإن جعلت بعد التوافل أيضاً جازاً. (1)

10/9 تَعْفِيرُ الْخَدَّيْنِ

780. الإمام الصادق عليه السلام: كان موسى بن عمران عليه السلام إذا صلى لم يفتل (2) حتى يُلصِقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ وَخَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ. (3)

781. عنه عليه السلام: أوحى الله عز وجل إلى موسى عليه السلام أن يا موسى، أتدري لم اصطفتك بكلامي دون خلقي؟ قال: يا رب، ولم ذاك؟ قال: فأوحى الله تبارك وتعالى إليه أن يا موسى، إني قلبت عبادي ظهراً لبطن فلم أجد فيهم أحداً أذلّ لي نفساً منك. يا موسى، إنك إذا صليت وضعت خدك على التراب - أو قال: على الأرض -. (4) 9.

ص: 508

1- الاحتجاج: ج 2 ص 576 ح 356، بحار الأنوار: ج 53 ص 161 ح 3.

2- انفتل فلان عن صلاته: أي انصرف (لسان العرب: ج 11 ص 514 «فتل»).

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 110 ح 414، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 332 ح 974، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 38 ح 2083 كلّها عن إسحاق بن عمّار، الزهد للحسين بن سعيد: ص 127 ح 156 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 401 ح 1330، بحار الأنوار: ج 13 ص 357 ح 61.

4- الكافي: ج 2 ص 123 ح 7، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 332 ح 975، علل الشرائع: ص 56 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 191، بحار الأنوار: ج 75 ص 129 ح 29.

سلام خداوند بر او باد... از سجده شکر پس از نماز واجب پرسید و این گونه نوشت: برخی از یاران، آن را بدعت می دانند. آیا جایز است انسان این سجده را پس از نماز واجب بگذارد؟ و اگر جایز است، در نماز مغرب، پس از خود نماز است یا پس از آن که چهار رکعت نماز نافله مغرب را هم خواند؟

[امام علیه السلام] پاسخ داد: «سجده شکر، از لازم ترین و ضروری ترین سنت هاست و هیچ کس آن را بدعت نخوانده، مگر کسی که خود در پی بدعت گذاری در دین است. اما روایتی که سجده شکر پس از نماز مغرب و اختلاف در زمان ادای آن را مطرح می کند که آیا پس از سه رکعت مغرب یا پس از چهار رکعت نافله آن است، [پاسخش این است که] برتری دعا و تسبیح پس از نمازهای واجب بر دعا پس از نمازهای نافله، مانند برتری خود نمازهای واجب بر نافله است و سجده شکر، گونه ای دعا و تسبیح است. پس بهتر است پس از نماز واجب باشد، گر چه انجامش پس از نمازهای نافله نیز جایز است».

10/9 گونه بر خاک نهادن

780. امام صادق علیه السلام: موسی بن عمران علیه السلام هر گاه نماز می گزارد، تا گونه راست و چپش را به زمین نمی چسباند، از نماز دست نمی کشید.

781. امام صادق علیه السلام: خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که: «ای موسی! آیا می دانی از میان آفریده هایم چرا تو را به هم صحبتی ام برگزیدم؟».

گفت: ای پروردگار من! به چه سبب؟

پس خداوند-تبارک و تعالی- به او وحی کرد که: «ای موسی! من درون و برون بندگانم را واریسی کردم. پس هیچ کس را نیافتم که خود را برای من بیش از تو خوار سازد. ای موسی! تو هر گاه نماز می گذاری، گونه ات را بر خاک می نهی» یا فرمود:

«بر زمین می نهی».

ص: 509

782. الإمام الصادق عليه السلام: دُعَاءٌ يُدْعَى بِهِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تُصَلِّيْهَا، فَإِنْ كَانَ بِكَ دَاءٌ مِنْ سُقْمٍ وَوَجَعٍ فَإِذَا قَضَيْتَ صَلَاتَكَ فَامْسَحْ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ مِنَ الْأَرْضِ وَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَأَمْرٌ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ وَجَعِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ، تَقُولُ:

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا، وَارزُقْنِي كَذَا وَكَذَا، وَعَافِنِي مِنْ كَذَا وَكَذَا. (1)

783. عنه عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَدْرِي يَا مُوسَى لِمَ انْتَجَبْتَك مِنْ خَلْقِي، وَأَصْطَفَيْتَك لِكَلَامِي؟ فَقَالَ: لَا، يَا رَبِّ! فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَلَمْ أَجِدْ عَلَيْهَا أَشَدَّ تَوَاضُعًا لِي مِنْكَ.

فَحَزَّ مُوسَى سَاجِدًا وَعَقَرَ خَدَيْهِ فِي التُّرَابِ؛ تَذَلُّلاً مِنْهُ لِرَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُوسَى، وَأَمْرٌ يَدُكَ مَوْضِعَ سُجُودِكَ، وَامْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَمَا نَالَتَهُ مِنْ بَدَنِكَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَدَاءٍ (2) وَأَفَةٍ وَعَاهَةٍ. (3)

784. تهذيب الأحكام عن عبد الرحمن بن حماد عن إبراهيم بن عبد الحميد عن رجل عن 6.

ص: 510

1- الكافي: ج 3 ص 344 ح 23، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 112 ح 419، فلاح السائل: ص 334 ح 224، الدعوات: ص 288 ح 26، بحار الأنوار: ج 86 ص 210 ح 25.

2- في المصدر: «سقم دواء»، والتصويب من بحار الأنوار.

3- الامالي للطوسي: ص 165 ح 275 عن جميل بن دراج، الدعوات: ص 78 ح 188، بحار الأنوار: ج 13 ص 7 ح 6.

782. امام صادق علیه السلام: دعایی است که در پی هر نماز خوانده می شود. پس اگر بیماری و رنج و دردی داری، هر گاه نمازت را به پایان بردی، هفت بار با دست، سجده گاهت را مسح کن و این دعا را بخوان و دستت را بر جای درد بکش و بگو: «ای کسی که زمین را بر آب، و هوا را با آسمان نگه داشت و برای خود، زیباترین نام ها را برگزید، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من، چنین و چنان کن و این و آن را روزی ام ده و از فلان و بهمان سلامتم بخش». (1)

783. امام صادق علیه السلام: خداوند به موسی بن عمران وحی کرد: «ای موسی! آیا می دانی که چرا تو را از میان خلقم برگزیدم و به سخن گفتن با خودم ویژه ات ساختم؟».

موسی گفت: نه، ای خدای من!

خداوند به او وحی کرد: «من از این بالا به زمین نگرستم و روی آن کسی متواضع تر از تو به خودم را ندیدم».

موسی به سجده افتاد و از سر فروتنی برای خدای عز و جل گونه هایش را به خاک مالید.

خداوند به او وحی فرمود: «سرت را بلند کن - ای موسی -، و دستت را بر سجده گاهت بکش و آن را به صورتت بکش و آنچه از آن به بدنت می رسد، مایه ایمنی از هر بیماری، درد، گزند و آفت است».

784. تهذیب الأحکام - به نقل از عبد الرحمان بن حمّاد، از ابراهیم بن عبد الحمید از مردی -:

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که دردی به تو رسید، دستت را به سجده گاهت

ص: 511

1- . دعاکننده، به جای عبارت «چنین و چنان» تا «فلان و بهمان» حاجت خود را بر زبان می آورد.

الإمام الصادق عليه السلام: إذا أصابك همٌّ فامسح يدك على موضع سجودك ثم أمر بيدك على وجهك - يعني من جانب خدك الأيسر، وعلى جبهتك إلى جانب خدك الأيمن، كذلك وصّاه لنا إبراهيم بن عبد الحميد - ثم قال: «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي بِالْهُمُومِ وَالْحُزَنِ» ثلاثاً (1).

12/9 الجلوس في المصلى بعد صلاة الفجر إلى طلوع الشمس

785. رسول الله صلى الله عليه وآله: من جلس في صلاة من صلاة الفجر إلى طلوع الشمس، ستره الله من النار. (2)

786. عنه صلى الله عليه وآله: من صلى صلاة الفجر ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس، وجبت له الجنة. (3)

787. سنن الترمذي عن عمر: إن النبي صلى الله عليه وآله بعث بعثاً قبل نجد فغنموا غنائم كثيرة، فأسرعوا الرجعة، فقال رجل ممن لم يخرج: ما رأينا بعثاً أسرع رجعة ولا أفضله.

ص: 512

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 112 ح 420، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 331 ح 969، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 40 ح 2088، دعائم الإسلام: ج 2 ص 137 ح 482، بحار الأنوار: ج 86 ص 206 ح 20.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 139 ح 542، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 504 ح 1452، الأمالي للصدوق: ص 672 ح 901 عن عمير بن مأمون العطاردي عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 73 ح 2178، بحار الأنوار: ج 86 ص 129 ح 2؛ كنز العمال: ج 2 ص 150 ح 3538 نقلاً عن الإمام علي عليه السلام.

3- مسند أبي يعلى: ج 2 ص 178 ح 1485 عن معاذ، كنز العمال: ج 2 ص 151 ح 3543 نقلاً عن ابن السني وابن النجار؛ تهذيب الأحكام: ج 2 ص 138 ح 535، الأمالي للصدوق: ص 681 ح 930 وكلاهما عن ابن عمر عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، ثواب الأعمال: ص 68 عن ابن عمر عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه.

بکش و سپس دستت را به صورتت بمال»، یعنی از سمت گونهٔ چپت و بر پیشانی ات تا سمت گونهٔ راستت. ابراهیم بن عبد الحمید، آن را این گونه برای ما توصیف کرد. «سپس سه بار بگو: "به نام خدایی که جز او معبودی نیست و دانا به آشکار و نهان و بخشنده و مهربان است. خدایا! دردها و غم ها را از من دور کن"».

12/9 نشستن در جایگاه نماز، پس از نماز صبح تا طلوع خورشید

785. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از نماز صبح تا طلوع خورشید در نمازگاهش بنشیند، خداوند، او را از آتش حفظ می کند.

786. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز صبح بگذارد و سپس تا طلوع خورشید به ذکر خدا بنشیند، بهشت برایش واجب می شود.

787. سنن الترمذی - به نقل از عمر - پیامبر صلی الله علیه و آله لشکری را به سوی نجد فرستاد. آنان غنایم زیادی به چنگ آورده، زود باز گشتند. مردی که با آنان نرفته بود، گفت: ما گروهی ندیده بودیم که چنین سریع و با این همه غنیمت باز گردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا

ص: 513

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُذَلِّكُمْ عَلَى قَوْمٍ أَفْضَلَ غَنِيمَةً وَأَسْرَعَ رَجْعَةً؟ قَوْمٌ شَهِدُوا صَلَاةَ الصُّبْحِ ثُمَّ جَلَسُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ حَتَّى طَلَعَتْ عَلَيْهِمُ الشَّمْسُ، فَأُولَئِكَ أَسْرَعُ رَجْعَةً وَأَفْضَلُ غَنِيمَةً. (1)

788. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَأَنْ أُذْكَرَ اللَّهُ مَعَ قَوْمٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَلَأَنْ أُذْكَرَ اللَّهُ مَعَ قَوْمٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. (2)

789. عنه صلى الله عليه وآله: الثَّابِتُ فِي مُصَلَّاهُ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّارِبِ فِي الْأَمْصَارِ. (3)

790. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتُمْ الصُّبْحَ فَافْرَعُوا إِلَى الدُّعَاءِ، وَبَاكِرُوا فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. (4)

791. صحيح مسلم عن جابر بن سمرة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ، جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ 9.

ص: 514

1- سنن الترمذي: ج 5 ص 559 ح 3561، مشكاة المصابيح: ج 1 ص 309 ح 977، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 276 ح 2535، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 90 ح 6528 كلاهما عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 652 ح 4989.

2- شعب الإيمان: ج 1 ص 409 ح 559، المعجم الأوسط: ج 6 ص 137 ح 6022، مسند الطيالسي: ص 281 وكلها عن أنس، مسند الشاميين: ج 3 ص 305 ح 2339، مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 371 ح 384 عن أبي هريرة وكلها نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 421 ح 1799.

3- تاريخ أصبهان: ج 2 ص 343 ح 1907 عن أبان بن عثمان عن أبيه، كنز العمال: ج 4 ص 48 ح 9444 نقلاً عن الفردوس؛ تهذيب الأحكام: ج 2 ص 104 ح 391 عن وليد بن صبيح، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 329 ح 966، دعائم الإسلام: ج 1 ص 170، عوالي اللآلي: ج 1 ص 332 ح 86 كلها عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 326 ح 21 نقلاً عن الهداية نحوه.

4- تاريخ بغداد: ج 12 ص 155 الرقم 6628، تاريخ دمشق: ج 26 ص 266 ح 5565 كلاهما عن جعفر العلوي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3329.

شما را به گروهی راه نمایی نکنم که بازگشتشان سریع تر و غنیمتشان بیشتر است؟ گروهی که در نماز صبح حاضر می شوند و سپس تا طلوع خورشید به ذکر خداوند می نشینند. اینان، بازگشتشان سریع تر و غنیمتشان بیشتر است».

788. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر همراه گروهی، خداوند را پس از نماز صبح تا طلوع خورشید، یاد کنم، برایم از دنیا و آنچه در آن است، محبوب تر است و اگر همراه گروهی، خداوند را پس از نماز عصر تا غروب خورشید یاد کنم، برایم از دنیا و آنچه در آن است، محبوب تر است.

789. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب در جایش می ماند، روزی اش بیشتر از کسی است که در شهرها به دنبال آن راه می افتد.

790. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که نماز صبح خواندید، به دعا پناه ببرید و صبح زود در پی نیازهایتان بروید. خدایا! برکت را برای امتم در صبح زود قرار ده.

791. صحیح مسلم - به نقل از جابر بن سمره - پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که نماز صبح را

792. الأمامي للطوسي عن أبي بردة الأسلمي عن أبيه: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا صلى الصبح رفع صوته حتى يسمع أصحابه، يقول: «اللهم أصلح لي ديني الذي جعلته لي عصمة» ثلاث مرات «اللهم أصلح لي دنياي التي جعلت فيها معاشي» ثلاث مرات «اللهم أصلح لي آخرتي التي جعلت إلیها مرجعي» ثلاث مرات «اللهم إني أعوذ برضاك من سخطك، وأعوذ بعفوك من تقميتك» ثلاث مرات «اللهم إني أعوذ بك منك، لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت، ولا ينفع ذا الجد منك الجد». (3)

793. الإمام زين العابدين عليه السلام: صلى أمير المؤمنين عليه السلام الفجر، ثم لم يزل في موضعه حتى صارت الشمس على قيد رُمح. (4)

794. الكافي عن حماد بن عثمان: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لجلوس الرجل في دبر صلاة الفجر إلى طلوع الشمس، أنفذ في طلب الرزق من ركوب البحر. فقلت: يكون للرجل الحاجة يخاف فوتها.

فقال: يدلج فيها وليذكر الله عز وجل، فإنه في تعقيب ما دام على وضوء. (5) 2.

ص: 516

- 1- أي طلوعاً حسناً؛ أي مرتفعاً.
- 2- صحيح مسلم: ج 1 ص 464 ح 287، سنن النسائي: ج 3 ص 80 وليس فيه «حسناً»، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 432 ح 21002، السنن الكبرى: ج 2 ص 264 ح 3021، المصنف لعبد الرزاق: ج 2 ص 238 ح 3202 والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 652 ح 4990.
- 3- الأمامي للطوسي: ص 158 ح 265، بحار الأنوار: ج 86 ص 134 ح 14؛ سنن النسائي: ج 3 ص 73، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 367 ح 745، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 373 ح 2026 كلها عن عطاء بن أبي مروان عن أبيه نحوه، المعجم الأوسط: ج 7 ص 142 ح 7106، كنز العمال: ج 2 ص 697 ح 5116.
- 4- الكافي: ج 2 ص 236 ح 22، أعلام الدين: ص 111 كلاهما عن أبي حمزة، مشكاة الأنوار: ص 122 ح 289، بحار الأنوار: ج 41 ص 24 ح 17.
- 5- الكافي: ج 5 ص 310 ح 27، وسائل الشيعة: ج 12 ص 51 ح 22032.

می خواند، در نمازگاهش می نشست تا خورشید خوب بیرون بیاید.

792. الأمالی، طوسی - به نقل از ابو بردة اسلمی، از پدرش - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که نماز صبح را می خواند، صدایش را بلند می کرد تا یارانش بشنوند. می فرمود: «خدایا! دینم را که نگاه دار من قرار دادی، سامان بده (سه بار). خدایا! دنیایم را که معاشم را در آن قرار دادی، به سامان آور (سه بار). خدایا! آخرتم را که بازگشتگاه من قرار داده ای، برایم اصلاح کن (سه بار). خدایا! از ناخشنودی ات به خشنودی ات و از انتقامت به عفو پناه می برم (سه بار). خدایا! از خودت به خودت پناه می برم.

مانعی در برابر آنچه تو عطا می کنی، نیست و عطا کننده ای برای آنچه تو منع می کنی، نیست و کوشش کوشا [اگر تو نخواهی]، سودی برایش ندارد».

793. امام زین العابدین علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام نماز صبح را می خواند و سپس در جایش می ماند تا آن که خورشید به اندازه يك نيزه بالا می آمد.

794. الکافی - به نقل از حماد بن عثمان - شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «نشستن انسان در پی نماز صبح تا طلوع خورشید، مؤثرتر از به دریا رفتن در طلب روزی است».

گفتم: گاه، انسان حاجتی دارد که می ترسد از دست برود.

فرمود: «در همان تاریکی حرکت کند و برود؛ اما خدای عز و جل را یاد کند که تا با وضو باشد، در تعقیب نماز است».

795. الإرشاد: كان أبو الحسن موسى عليه السلام أعبد أهل زمانه... وروى أنه كان يصلي نوافل الليل ويصلها بصلاة الصبح، ثم يعقب حتى تطلع الشمس، ويخز لله ساجداً، فلا يرفع رأسه من الدعاء والتمجيد حتى يقرب زوال الشمس. وكان يدعو كثيراً فيقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ»، ويكرّر ذلك. (1)

13/9 انتظار الصلاة

796. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَنْ تَزَالُوا بِخَيْرٍ مَا أَنْتَظِرْتُمْ الصَّلَاةَ. (2)

797. عنه صلى الله عليه وآله: الْمَرْءُ فِي صَلَاةٍ مَا أَنْتَظَرَهَا. (3)

798. عنه صلى الله عليه وآله: أَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ بَعْدَ الصَّلَاةِ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (4)

799. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ، فَهُوَ فِي الصَّلَاةِ. (5) 2.

ص: 518

-
- 1- الإرشاد: ج 2 ص 231، الكافي: ج 3 ص 323 ح 10، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 300 ح 1209 كلاهما عن أبي جرير الرواسي، الدعوات: ص 179 ح 495 وفيها جميعاً الدعاء فقط، إعلام الوري: ج 2 ص 25 نحوه، بحار الأنوار: ج 48 ص 101 ح 5.
 - 2- تاريخ دمشق: ج 33 ص 258، كنز العمال: ج 7 ص 324 ح 19085 كلاهما عن جابر بن عبد الله وراجع صحيح البخاري: ج 1 ص 216 ح 575 وعيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 29 ح 25.
 - 3- المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 320 ح 1052 عن جابر، كنز العمال: ج 7 ص 291 ح 18933؛ بحار الأنوار: ج 99 ص 346 ح 18 نقلاً عن الفقه الرضوي وفيه «لا يزال المرء في صلاة مادام ينتظرها».
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 237 ح 937 عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام، وسائل الشيعة: ج 3 ص 85 ح 4665.
 - 5- سنن النسائي: ج 2 ص 56، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 428 ح 22875، المعجم الكبير: ج 6 ص 203 ح 6012، تهذيب الكمال: ج 32 ص 15 الرقم 6932 كلّها عن سهل بن سعد الساعدي، كنز العمال: ج 7 ص 322 ح 19075؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 111 ذيل ح 1، علل الشرائع: ص 265 ذيل ح 9 كلاهما عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام وفيهما «من انتظر الصلاة فهو في صلاة»، بحار الأنوار: ج 89 ص 201 ح 52.

795.الإرشاد: امام كاظم عليه السلام عابدترین افراد روزگار خود بود....روایت شده كه نافله های شب را می خواند و به نماز صبح وصل می كرد و سپس به تعقیبات می پرداخت تا خورشید طلوع كند و برای خدا به سجده می افتاد و سرش را تا نزدیک نیم روز از دعا و تمجید خداوند، بلند نمی كرد و فراوان دعا می كرد: «خدایا! راحتی هنگام مرگ و گذشت هنگام حسابرسی را از تو می خواهم» و این را تکرار می كرد.

9/13 انتظار نماز را كشیدن

796. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تا نماز را انتظار می كشید، با خیر همراهید.

797. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: منتظر نماز، در نماز است.

798. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انتظار كشیدن نماز پس از نماز، گنجی از گنج های بهشت است.

799. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر كس در مسجد، به انتظار نماز باشد، در نماز است.

ص: 519

800. عنه صلى الله عليه وآله: القاعد في المسجد ينتظر الصلاة كالقائت (1)، ويكتب من المصلين حتى يرجع إلى بيته. (2)

801. الأمامي للصدوق عن أبي سعيد الخدري: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أدلكم على شيء يكفر الله به الخطايا ويزيد في الحسنات؟ قيل: بلى يا رسول الله.

قال: إسباغ الوضوء على المكاره، وكثرة الخطى إلى هذه المساجد، وانتظار الصلاة بعد الصلاة. (3)

802. مكارم الأخلاق عن أبي ذر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبا ذر، أتعلم في أي شيء أنزلت هذه الآية: «اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون» (4)؟ قلت: لا، فإدراك أبي وأمي! قال: في انتظار الصلاة خلف الصلاة. (5)

803. الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الجلوس في المسجد انتظار الصلاة عبادة ما لم يحدث، قيل: يا رسول الله، وما يحدث؟ قال: الإغتياب. (6) 4.

ص: 520

1- الفنون: يرد بمعان متعددة، كالطاعة، والخشوع، والدعاء، والعبادة (النهاية: ج 4 ص 111 «قنت»).

2- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 150 ح 17466، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 386 ح 2038، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 374 ح 1492، السنن الكبرى: ج 3 ص 89 ح 4974، المعجم الكبير: ج 17 ص 305 ح 842 كلها عن عقبه بن عامر نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 568 ح 20295.

3- الأمامي للصدوق: ص 400 ح 516، روضة الواعظين: ص 366، بحار الأنوار: ج 80 ص 301 ح 2؛ صحيح مسلم: ج 1 ص 219 ح 41، سنن الترمذي: ج 1 ص 73 ح 51، الموطأ: ج 1 ص 161 ح 55 كلها عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 9 ص 288 ح 26043 وراجع مسند زيد: ص 115.

4- آل عمران: 200.

5- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 374 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 61 ح 3، بحار الأنوار: ج 77 ص 85؛ تفسير الطبري: ج 3 الجزء 4 ص 222، أسباب النزول: ص 145، تفسير القرطبي: ج 4 ص 323 كلها عن أبي سلمة بن عبد الرحمن من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه.

6- الكافي: ج 2 ص 357 ح 1 عن السكوني، الأمامي للصدوق: ص 506 ح 698 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 47، روضة الواعظين: ص 515 وفيهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 75 ص 220 ح 1 وراجع صحيح البخاري: ج 1 ص 76 ح 174.

800. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در مسجد به انتظار نماز نشسته است، همچون عبادت کننده است، و تا آن گاه که به خانه اش باز گردد، جزو نمازگزاران نوشته می شود.

801. الأمالی، صدوق- به نقل از ابو سعید خدری-: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را به چیزی راه نمایی نکنم که خدا خطاها را با آن می پوشاند و بر نیکی ها می افزاید؟».

گفته شد: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: وضوی کامل گرفتن با همه سختی هایش، گام برداشتن بسیار به سوی این مسجدها و انتظار کشیدن نماز پس از نماز».

802. مکارم الأخلاق - به نقل از ابو ذر-: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابو ذر! آیا می دانی این آیه:

«صبر کنید و همدیگر را به صبر و دارید و مرابطه (مرزداری) داشته باشید و از خدا پروا کنید. شاید رستگار شوید» در باره چه نازل شده است؟».

گفتم: نه، پدر و مادرم فدایت!

فرمود: «در باره انتظار نماز، پس از نماز».

803. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به انتظار نماز نشستن در مسجد، عبادت است، تا آن گاه که حدّثی از او سر نزند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! چگونه حدّثی؟

فرمود: «غیبت کردن».

ص: 521

804. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما منكم أحد يخرج من بيته متطهراً، فيصلي الصلاة في الجماعة مع المسلمين، ثم يقعد ينتظر الصلاة الأخرى، إلا والملائكة تقول: اللهم اغفر له، اللهم ارحمه. (1)

805. عنه صلى الله عليه وآله - في وصيته لعلِّي عليه السلام -: يا علي، ثلاث درجات وثلاث كفارات، وثلاث مهلكات وثلاث منجيات، فأما الدرجات فإسباغ الوضوء في السبرات (2)، وانتظار الصلاة بعد الصلاة.... (3)

806. تهذيب الأحكام عن عثمان بن مظعون: قلت لرسول الله صلى الله عليه وآله: يا رسول الله، أردت أن أسألك عن أشياء. فقال: وما هي يا عثمان؟ قلت: إني أردت أن أتربّب.

قال: لا تفعل يا عثمان، فإنّ ترهّب أمّتي القعود في المساجد وانتظار الصلاة بعد الصلاة. (4)

807. سنن النسائي عن أبي هريرة: قال [كعب]: أليس قد سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ه.

ص: 522

-
- 1- الأماشي للصدوق: ص 400 ح 516 عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار: ج 80 ص 301 ح 2؛ مسند ابن حنبل: ج 2 ص 128 ح 402، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 305 ح 689، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 185 ح 357 كلّها عن أبي سعيد الخدري نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 836 ح 43325 وراجع صحيح مسلم: ج 1 ص 459 ح 272.
 - 2- السبرات: جمع سبرة - بسكون الباء - وهي شدة البرد (النهاية: ج 2 ص 333 «سبر»).
 - 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 360 ح 5762 عن حماد بن عمرو، الخصال: ص 85 ح 12 عن أنس بن محمد عن أبيه، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 325 كلّها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 70 ص 6 ح 3؛ المعجم الأوسط: ج 6 ص 47 ح 5754 عن ابن عمر وفيه «الكفارات» بدل «الدرجات».
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 4 ص 190 ح 541، مشكاة الأنوار: ص 458 ح 1534؛ تفسير الفخر الرازي: ج 14 ص 67 كلاهما نحوه.

804. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ يك از شما نیست که با طهارت از خانه اش بیرون آید و با جماعت مسلمانان نماز بگذارد و سپس به انتظار نمازی دیگر بنشیند، جز این که فرشتگان می گویند: "خدایا! او را بیامرزد. خدایا بر او رحم کن".

805. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - ای علی! سه چیز، درجه و سه چیز، کفّاره و سه چیز، هلاک کننده و سه چیز، نجات دهنده اند. آن سه که درجه اند، وضوی کامل گرفتن در سرمای شدید است و انتظار کشیدن نماز پس از نماز و....

806. تهذیب الأحکام - به نقل از عثمان بن مظعون - به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتم: ای پیامبر خدا! می خواهم چیزهایی را از شما پرسم.

فرمود: «ای عثمان! آنها چه هستند؟».

گفتم: من می خواهم راهب شوم.

فرمود: «ای عثمان! این کار را نکن. همانا رهبانیت امت من، نشستن در مسجدها و انتظار کشیدن نماز پس از نماز است».

807. سنن النسائی - به نقل از ابو هریره - کعب گفت: آیا نشنیدی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

«مَنْ صَلَّى وَجَلَسَ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ لَمْ يَزَلْ فِي صَلَاتِهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ الصَّلَاةُ الَّتِي تُلَاقِيهَا (1)»؟ قُلْتُ: بَلَى. (2)

808. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزال أحدكم في صلاة ما دامت الصلاة تحبسه، لا يمنعه أن ينقلب إلى أهله إلا الصلاة. (3)

809. الخصال: عن النبي صلى الله عليه وآله أنه لما سئل في المعراج فيما اختصم الملائم الأعلى؟ قال: في الدرجات والكفارات. قال: فنوديت: وما الدرجات؟ قلت: إسباغ الوضوء في السبرات، والمسشي إلى الجماعات، وانتظار الصلاة بعد الصلاة وولاية أهل بيتي حتى الممات. (4)

810. رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أدلكم على ما يمحو الله به الخطايا ويرفع به الدرجات؟ قالوا: بلى يا رسول الله صلى الله عليه وآله! قال: «إسباغ الوضوء على المكاره وكثرة الخطا إلى المساجد وانتظار الصلاة بعد الصلاة فذلكم الرباط (5). (6)3.

ص: 524

- 1- في المصنّف لعبد الرزّاق: «تليها» بدل «تلاقيها».
- 2- سنن النسائي: ج 3 ص 115، السنن الكبرى للنسائي: ج 1 ص 541 ح 1754، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 3 ص 266 ح 5585 نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 297 ح 18962 وراجع بحار الأنوار: ج 85 ص 324 ح 14.
- 3- صحيح البخاري: ج 1 ص 234 ح 628، صحيح مسلم: ج 1 ص 460 ح 275، سنن أبي داود: ج 1 ص 127 ح 470، الموطأ: ج 1 ص 160 ح 52، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 538 ح 10312 كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 298 ح 18965.
- 4- الخصال: ص 85 ذيل ح 12، دعائم الإسلام: ج 1 ص 100 نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 6 ح 3؛ الدعاء للطبراني: ص 419 ح 1416، تاريخ بغداد: ج 8 ص 151 الرقم 4253 كلاهما عن أبي عبيدة الجراح، تفسير الثعلبي: ج 6 ص 64 كلّها نحوه، الدر المنثور: ج 7 ص 202.
- 5- الرباط: اسم من رباط مرابطة؛ إذا لازم ثغر العدو (المصباح المنير: ص 215 «ربط»).
- 6- صحيح مسلم: ج 1 ص 219 ح 41، سنن الترمذي: ج 1 ص 73 ح 51، سنن النسائي: ج 1 ص 89 وفيه «ذلكم الرباط» ثلاث مرّة و كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 288 ح 26043؛ مجمع البيان: ج 2 ص 918 وفيه «انه سئل عن افضل الاعمال» بدل «الا ادلكم على ما يمحو الله به الخطايا ويرفع به الدرجات؟ قالوا: بلى يا رسول الله صلى الله عليه وآله»، دعائم الإسلام: ج 1 ص 100 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 71 ص 196 ذيل ح 3.

می فرمود: «هر کس نماز بخواند و به انتظار نماز بنشیند، پیوسته در نمازش خواهد بود تا نماز بعدی فرا رسد؟».

گفتم: چرا، شنیدم.

808. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همواره یکی از شما تا هنگامی که نماز، او را از کارهای دیگر باز داشته، و چیزی جز همان نماز، او را از بازگشتن به خانواده اش جلو نگرفته باشد، در نماز است.

809. الخصال: از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره آنچه با خدا در معراج گفتگو کرد، پرسیدند. فرمود: «در باره درجه ها و کفاره ها». فرمود: «ندا آمد: درجات چیست؟ گفتم: وضوی کامل گرفتن در سرما، و رفتن به [نماز] جماعت ها و انتظار نماز [دیگر کشیدن] پس از نماز و ولایت اهل بیت تا هنگام مرگ».

810. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را به آنچه که خدا با آن، خطاها را پاک می کند و درجات را بالا می برد، ره نمایم؟

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «کامل به جا آوردن وضو در موقعیت های سخت و بسیار گام برداشتن به سوی مساجد و بعد از نماز، انتظار کشیدن برای نماز [دیگر]، که این، پاسداری [از مرز دین] است».

ص: 525

811. الإمام عليّ عليه السلام: الْمُنتَظِرُ وَقْتَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ مِنْ زُؤَارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ، وَأَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ. (1)3.

ص: 526

1- .الخصال:ص 635 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول:122 وفيه«بعد العصر»بدل«بعد الصلاة»،بحار الأنوار:ج 10 ص 113.

811. امام علی علیه السلام: آن که رسیدن وقت نماز [دیگر] را پس از نمازی انتظار می کشد، [\(1\)](#) از زائران خداوند عز و جل است و بر خداوند متعال رواست که زائرش را گرامی دارد و هر چه می طلبد، به او بدهد.

ص: 527

1- در تحف العقول به جای «پس از نماز»، «پس از عصر» دارد.

812. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَشَّيْبَةَ الْهُذَيْلِ - :تَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَأفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ. (1)

813. المصنّف لابن أبي شيبة عن أبي سعيد الخدري: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَيْرَ مَرَّةٍ يَقُولُ فِي آخِرِ صَلَاتِهِ عِنْدَ انْصِرَافِهِ: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ* وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (2). (3).

ص: 528

1- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 107 ح 404 عن سلام المكي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 324 ح 951 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 19 ح 18؛ مسند ابن حنبل: ج 7 ص 352 ح 20625، المعجم الكبير: ج 18 ص 368 ح 940 وكلها عن قبيصة بن المخارق نحوه، أسد الغابة: ج 4 ص 367 الرقم 4268، كنز العمال: ج 2 ص 145 ح 3522.
2- الصافات: 180-182.

3- .المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 337 ح 3، سنن الترمذي: ج 2 ص 97 ح 299، المعجم الكبير: ج 11 ص 95 ح 11221 عن ابن عباس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 9 ص 225 ح 25761؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 73 ح 2176 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 5 ح 5 وراجع مصباح المتهجد: ص 247 ح 363.

812. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به شیبه هذیل - : در پی هر نماز می گویی: «خدایا! مرا از سوی خودت ره بنما و از فضل و بخشش بر من فروریز و از رحمت بر من بگستر و از برکت هایت، بر من فرو فرست».

813. المصنّف، ابن ابی شیبّه - به نقل از ابو سعید خدری - : بارها شنیدم که پیامبر خدا در پایان نماز و پس از انصراف از آن، می گوید: «پاك و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزّتمند، از آنچه توصیف می کنند، و سلام بر فرستادگان، و ستایش، ویژه خدا پروردگار جهانیان است».

814. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَقِفَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَبِيحِ أَعْمَالِهِ وَلَا يُنْشِرَ لَهُ دِيْوَانَهُ، فَلْيَقْرَأْ هَذَا الدُّعَاءَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ، وَهُوَ: اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي، وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عَظِيمًا فَعَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ تَرْحَمَنِي، فَارْحَمْنِي أَهْلًا أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي؛ لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

815. عنه صلى الله عليه وآله - لأبي بن كعب -: تَقُولُ إِذَا فَرَّغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ وَأَنْتَ قَاعِدٌ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَمَعَاذِ عَرْشِكَ وَسُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي، فَقَدْ رَهَقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرٌ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُسْرِي يُسْرًا. (2)

816. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْطُرُ كَفَّهُ فِي دُبُرِ صَلَاتِهِ ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ، إِلَهِي إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، إِلَهَ حَبْرِيْلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ دَعْوَتِي، فَإِنِّي مُضْطَرٌّ، وَتَعْصِمَ مِنِّي فَإِنِّي مُبْتَلَى، وَتَنَالَنِي بِرَحْمَتِكَ فَإِنِّي مُذْنِبٌ، وَتَنْفِي عَنِّي الْفَقْرَ فَإِنِّي مُسْتَمْسِكٌ» (3)، إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرُدَّ يَدَيْهِ خَائِبَتَيْنِ. (4)

817. مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى بِأَصْحَابِهِ أَقْبَلَ عَلَى 9.

ص: 530

- 1- بحار الأنوار: ج 86 ص 37 ح 44 نقلًا عن البلد الأمين عن خطِّ الشهيد، المصباح للكفعمي: ص 30 نحوه وليس فيه صدره إلى «فليقرأ هذا الدعاء»، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 84 ح 5403 نقلًا عن الاختيار لابن باقی.
- 2- كمال الدين: ص 265 ح 11، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 60 ح 29، قصص الأنبياء للراوندي: ص 361 ح 437، إعلام الوری: ج 2 ص 186 وليس في الثلاثة الأخيرة «وارضك» وكلها عن علي بن عاصم عن الإمام الجواد عن آبائه عن الإمام الحسين عليهم السلام، المصباح للكفعمي: ص 405 عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «بعد صلاة الفريضة» بدل «إذا فرغت من صلاتك وأنت قاعد»، بحار الأنوار: ج 36 ص 205 ح 8.
- 3- في كنز العمال والدعوات: «مسكين» بدل «مستمسك».
- 4- تاريخ دمشق: ج 16 ص 383 ح 3977 عن أنس بن مالك، كنز العمال: ج 2 ص 134 ح 3476؛ الدعوات: ص 50 ح 123 نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 34 ح 39.

814. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می خواهد که خداوند، او را روز قیامت به دلیل زشتکاری هایش نگاه ندارد و دیوان عملش را نگشاید، این دعا را در پی هر نماز بخواند: «خدایا! آمرزش تو، امیدوار کننده تر از عمل من است و رحمت تو، گسترده تر از گناه من. خدایا! اگر گناهم نزد تو بزرگ است، عفو تو از گناه من بزرگ تر است. خدایا! اگر من شایسته ترحم تو نیستم، اما رحمت شایسته رسیدن به من و فرا گرفتنم هست، که آن، همه چیز را فرا گرفته است. به رحمت، ای رحیم ترین رحیمان!».

815. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به ابی بن کعب - هنگامی که از نماز فارغ شدی و هنوز نشسته ای، می گویی: «خدایا! به کلمه هایت و گره های عرشت، به ساکنان آسمان ها و زمینت، به پیامبران و فرستادگانت، از تو می خواهم که جوابم را بدهی، که کارم سخت گشته است. از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و سختی مرا آسان کنی».

816. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که دستش را پس از نماز بگشاید و سپس بگوید:

«خدایا! خدای من! خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب! خدای جبرئیل و میکائیل و اسرافیل! از تو می خواهم که درخواستم را پاسخ دهی، که من بی چاره ام، و مرا حفظ کنی، که من گرفتارم، و با رحمت مرا دریایی، که من گناهکارم، و فقر را از من دور کنی، که من به [دامن] تو چنگ زده ام»، (1) جز آن که به عهده خداوند است که او را دست خالی باز نگرداند.

817. مسند ابی یعلی - به نقل از انس بن مالک - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که با یارانش نماز می خواند، به مردم رو می کرد و می فرمود: «خدایا! من از عملی که رسوایم کند، بهت.

ص: 531

1- در کنز العمال و الدعوات، به جای «مستمسک (چنگ زننده)»، «مسکین (بینوا)» آمده است.

الْقَوْمِ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَلٍ يُخْزِينِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غِنَى يُطْغِينِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبٍ يُؤْذِينِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَمْرِ يُلْهِينِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فَقْرٍ يُنْسِينِي. (1)

818. صحيح البخاري عن عمرو بن ميمون الأودي: كَانَ سَدَّ عُدِّ [بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ] يُعَلِّمُ بَنِيهِ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ كَمَا يُعَلِّمُ الْمُعَلَّمُ الْغِلْمَانَ الْكِتَابَةَ، وَيَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُمْ ذُبْرَ الصَّلَاةِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَرُدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. (2)

819. مصباح المتهجد: وَمِنْهُ [أَي مِنْ دُعَاءِ السَّرِّ]: يَا مُحَمَّدُ، قُلْ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ التَّقَرُّبَ إِلَيَّ: اِعْلَمُوا عَلِمًا يَقِينًا أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ أَفْضَلُ مَا أَنْتُمْ مُتَقَرِّبُونَ بِهِ إِلَيَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ، أَنْ تَقُولُوا:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُصْبِحْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنَ صَدَنِيْعًا، وَلَا لَهُ أَدْوَمُ كَرَامَةً، وَلَا عَلَيْهِ أَيْبُنُ فَضْلًا، وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَرْفُقًا، وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيْطَةً، وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدُّونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي.

فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ فَإِنِّي اشْهَدُكَ بِنَبِيَّةٍ صِدْقِي، بِأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطَّوْلَ (3) فِي).

ص: 532

1- .مسند أبي يعلى: ج 4 ص 240 ح 4335، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 47 ح 120، الدعاء للطبراني: ص 209 ح 657 كلاهما نحوه، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 173؛ جامع الأخبار: ص 364 ح 1012 نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 360 ح 16.

2- .صحيح البخاري: ج 3 ص 1038 ح 2667، سنن الترمذي: ج 5 ص 562 ح 3567، سنن النسائي: ج 8 ص 256 كلاهما نحوه، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 387 ح 1585، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 367 ح 746 وكلاهما بزيادة «اللهم إني أعوذ بك من البخل» في أول الدعاء، كنز العمال: ج 2 ص 200 ح 3748.

3- .الطول: المن (الصحاح: ج 5 ص 1755 «طول»).

تو پناه می برم. خدایا! من از ثروتی که به طغیانم کشاند، به تو پناه می برم. خدایا! من از همدمی که آزارم دهد، به تو پناه می برم. خدایا! من از چیزی که غافلم کند، به تو پناه می برم. خدایا! من از فقری که به فراموشی ام بینجامد، به تو پناه می برم».

818. صحیح البخاری - به نقل از عمرو بن میمون اودی - :سعد بن ابی وقاص، این کلمات را به پسرانش می آموخت، همان گونه که آموزگار به کودکان، نوشتن یاد می دهد. او می گفت: پیامبر خدا با این کلمات پس از هر نماز، به خدا پناه می جست: «خدایا! از ترس، به تو پناه می برم. از این که به پست ترین بخش عمر باز گردم، به تو پناه می برم. از فتنه دنیا به تو پناه می برم، و از عذاب قبر به تو پناه می برم».

819. مصباح المتهجد - در بیان بخشی از دعای نهان - :ای محمد! به کسانی که خواهان نزدیک شدن به من هستند، بگو: به علم یقین بدانید که پس از واجبات، برترین وسیله نزدیکی جستن به من، این سخن است: «خدایا! هیچ یک از آفریده هایت صبح نکرد که به او، احسانی بهتر و کرامتی ماندگارتر و بخششی روشن تر و مدارایی بیشتر و احاطه ای فراگیرتر و توجهی شدیدتر، از آنچه به من داری، داشته باشی، هر چند همه آفریده ها در این باره، مانند من می اندیشند.

ای که گواهی اش کفایت کننده است! گواهی بده و من تو را صادقانه گواه می گیرم که تو با بخشش و منت به من نعمت را ارزانی داشتی؛ اما سپاس گزاری از سوی من، اندک است. ای انجام دهنده هر چه اراده می کنی! بر محمد و خاندان او درود فرست و امانی در برابر روا شدن خشمت به خاطر اندک بودن سپاس گزاری ام،

إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَقَلَّةِ شُكْرِي لَكَ، يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَوَّقَنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ بِقَلَّةِ الشُّكْرِ، وَأَوْجِبَ لِي زِيَادَةً مِنْ إِتْمَامِ النُّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ، وَأَمْطَرَنِي خَيْرِكَ، وَلَا تُفَايِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي، وَامْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ، وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خَالِصًا، وَلَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً أَوْ فَخْرٍ أَوْ رِيَاءٍ يَا كَرِيمَ. (1)

820. سنن النسائي عن مسلم بن أبي بكر: كَانَ أَبِي يَقُولُ فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ»، فَكُنْتُ أَقُولُهُنَّ، فَقَالَ أَبِي: أَيُّ بَنِي أَعَمَّنْ أَخَذَتْ هَذَا؟ قُلْتُ: عَنْكَ، قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُهُنَّ فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ. (2)

821. الدعاء للطبراني عن أنس بن مالك: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُو فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَوْلِيكَ الْأَرْبَعِ. (3)

822. المعجم الكبير عن جابر بن سمرة - في ذكر صلاة رسول الله صلى الله عليه وآله -: ... فَلَمَّا سَأَلْتُمْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. (4) 5.

ص: 534

- 1- .مصباح المتهجد: ص 238 ح 345 و ص 96 ح 155، المصباح للكفعمي: ص 124، البلد الأمين: ص 28 نحوه وفي كلها الدعاء «اللهم إنه لم يصبح...» فقط، بحار الأنوار: ج 95 ص 321 ح 1.
- 2- .سنن النسائي: ج 3 ص 74، السنن الكبرى: ج 1 ص 401 ح 1270، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 312 ح 20431، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 367 ح 747، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 251 ح 6 والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 643 ح 4973 وراجع صحيح ابن حبان: ج 3 ص 303 ح 1028.
- 3- .الدعاء للطبراني: ص 407 ح 1369، سنن أبي داود: ج 2 ص 92 ح 1548 عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 179 ح 3631؛ كنز الفوائد: ج 1 ص 385، المصباح للكفعمي: ص 400 نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 18 ح 15.
- 4- .المعجم الكبير: ج 2 ص 252 ح 2058، الدعاء للطبراني: ص 208 ح 655، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 152، مسند الطيالسي: ص 106 ح 785 وفيه صدره، كنز العمال: ج 2 ص 178 ح 3623 وراجع المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 207 ح 3082 وفتح الباري: ج 2 ص 321؛ العدد القويّة: ص 325.

گرداگرد من بکش و افزون بر همه نعمت هایی که به من داده ای، سایه آمرزشت را بر من بگستر و باران نیکی ات را بر من فروریز و درون زشت مرا نادیده بگیر و دلم را برای خشنودی خودت به آزمون در آور و آنچه را در آیین تو برای نزدیک شدن به تو کرده ام، خالص و بی آرایش برای خودت قرار بده و از همراهی اش با شبهه یا فخرفروشی و ریاکاری باز دار، ای کریم!».

820. سنن النسائی - به نقل از مسلم بن ابی بکره - پدرم در پی نماز می گفت: «خدایا! از کفر و فقر و عذاب قبر به تو پناه می برم».

من نیز آنها را می گفتم. پدرم گفت: پسر عزیزم! اینها را از چه کسی یاد گرفته ای؟ گفتم: از تو.

گفت: پیامبر خدا آنها را در پی نماز می گفت.

821. الدعاء، طبرانی - به نقل از انس بن مالک - پیامبر خدا در پی نمازها چنین دعا می نمود:

«خدایا! از دانشی که سود نمی دهد و دلی که نرم نمی شود و نفسی که سیر نمی گردد و دعایی که شنیده نمی شود، به تو پناه می برم. خدایا! از این چهار چیز به تو پناه می برم».

822. المعجم الکبیر، طبرانی - به نقل از جابر بن سمره، در یادکرد نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -:

هنگامی که سلام داد، شنیدم که می گوید: «خدایا! همه خیرها را از تو می خواهم؛ آنچه را می دانم و آنچه را نمی دانم و از همه بدی ها به تو پناه می برم؛ آنچه را می دانم و آنچه را نمی دانم».

823. سنن أبي داود عن عبد الله بن الزبير: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا انصرف من الصلاة يقول: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون، أهل النعمة والفضل والثناء الحسن، لا إله إلا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون. (2)

824. المعجم الأوسط عن أنس بن مالك: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا قضى صلاته مسح جبهته بيده اليمنى، ثم يقول: بسم الله الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم، اللهم أذهب عني الغم والحزن. (3)

825. الدعاء للطبراني عن جابر: علمني رسول الله صلى الله عليه وآله أن أقول خلف كل صلاة: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، اللهم اغفر لي ما قدمت وما أخرت، وما أسررت وما أعلنت، وما أبدت وما أخفيت، أنت إلهي لا إله إلا أنت. (4)

826. صحيح البخاري عن المغيرة بن شعبة: إن النبي صلى الله عليه وآله كان يقول في دبر كل صلاة مكتوبة: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير. (6)

ص: 536

1- ما بين القوسين سقط من المصدر وأثبتناه من المصادر الأخرى.

2- سنن أبي داود: ج 2 ص 82 ح 1506، صحيح مسلم: ج 1 ص 415 ح 139، سنن النسائي: ج 3 ص 70، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 450 ح 16105، الدعاء للطبراني: ص 216 ح 681 كلها نحوه.

3- المعجم الأوسط: ج 3 ص 66 ح 2499، تاريخ بغداد: ج 12 ص 480 الرقم 6953 نحوه، الدعاء للطبراني: ص 210 ح 659، كنز العمال: ج 7 ص 53 ح 17915؛ الكافي: ج 2 ص 549 ح 10 عن سعيد بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام، فلاح السائل: ص 333 ح 222 كلاهما نحوه، وراجع تهذيب الأحكام: ج 2 ص 112 ح 420.

4- الدعاء للطبراني: ص 215 ح 678، كنز العمال: ج 2 ص 208 ح 3791 نقلاً عن مسند ابن حنبل عن أبي هريرة وراجع الكافي: ج 2 ص 548 ح 6.

823. سنن أبی داوود - به نقل از عبد الله بن زبیر - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که نمازش را به پایان می برد، می فرمود: «معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست. فرمان روایی و ستایش، ویژه اوست و او بر هر کاری تواناست. معبودی جز خدای یگانه نیست. تنها به آیین او هستیم، هر چند کافران را ناخوش آید. خداوند، اهل نعمت و فضل و ثنای نیکوست. معبودی جز خدا نیست. تنها بر آیین او ایم، هر چند کافران را خوش نیاید».

824. المعجم الأوسط - به نقل از انس بن مالک - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که نمازش را تمام می کرد، پیشانی اش را با دست راستش مسح می کرد و سپس می فرمود: «به نام خداوند بخشنده و مهربانی که جز او معبودی نیست. خدایا! غم و اندوه را از من دور کن».

825. الدعاء، طبرانی - به نقل از جابر - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من آموخت که پس از هر نماز بگویم: «معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست. فرمان روایی و ستایش، ویژه اوست و او بر هر کاری تواناست. خدایا! آنچه را پیش تر و آنچه را پس از این می کنم، پیامرز و نیز آنچه را پنهان و آنچه را آشکار کرده ام و آنچه را پیدا و آنچه را نهان کرده ام. تو خدای منی، ای که جز تو معبودی نیست!».

826. صحیح البخاری - به نقل از مغیره بن شعبه - پیامبر صلی الله علیه و آله در پی هر نماز واجب می فرمود:

«معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست. فرمان روایی و ستایش، ویژه اوست و او بر هر کاری تواناست. خدایا! کسی از آنچه تو عطا می کنی، جلوگیرنده نیست و

قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ (1) مِنْكَ الْجَدُّ. (2)

827. رسول الله صلى الله عليه وآله -لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ-: إِذَا أُرِدْتَ أَنْ تَحْفَظَ كُلَّ مَا تَسْمَعُ وَتَقْرَأُ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي ذُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ، وَهُوَ:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُوْرًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (3)

828. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُوْلَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَالْأَنْيَةِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ، أَكُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ (4) السَّمَاءَ؟

قالوا: لا يا رسول الله.

قال: ألا أدلُّكم على شيء أصله في الأرض وفرعه في السماء؟

قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: يقول أحدكم إذا فرغ من صلاته الفريضة: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثلاثين مرّةً، فإنَّ أصلهنَّ في الأرض وفرعهنَّ في السماء، وهنَّ يدفعنَّ الهدمَ والحرقَ والغرقَ والتّردّيَّ في البئرِ وأكلَ السَّبُعِ وميتةَ السَّوءِ والبليّةَ التّي.

ص: 538

1- الجَدُّ: الحَظُّ والرِّزْقُ. و«لا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» أَي مِنْ كَانَ لَهُ حَظٌّ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَنْفَعِهِ ذَلِكَ مِنْهُ فِي الْآخِرَةِ (لسان العرب: ج 3 ص 107 «جدد»).

2- صحيح البخاري: ج 1 ص 289 ح 808، صحيح مسلم: ج 1 ص 414 ح 137 نحوه، سنن الدارمي: ج 1 ص 331 ح 1323، كنز العمال: ج 2 ص 642 ح 4972؛ المزار الكبير: ص 202 نحوه، الإقبال: ج 3 ص 199 كلاهما عن سلمان الفارسي.

3- فلاح السائل: ص 304 ح 206، عدّة الداعي: ص 54، المصباح للكفعمي: ص 266، بحار الأنوار: ج 8 ص 86 ح 8.

4- في المصدر: «تبلغ»، والتصويب من المصادر الأخرى.

آنچه را تو جلوگیری، عطا کننده ای نیست و تلاش تلاشگر [در این دنیا] سودی برای [محاسبه آخرتی] تو ندارد».

827. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -خطاب به علی علیه السلام-: هر گاه خواستی هر چه را می شنوی و می خوانی به یاد بسپاری، این دعا را در پی هر نماز بخوان: «پاك و منزّه است آن که به مردمان مملکتش تجاوز نمی کند. پاك و منزّه است آن که ساکنان زمین را کیفرهای گونه گون نمی دهد. پاك و منزّه است آن مهربان و بخششگر. خدایا! در دل من، نور و بینش و فهم و دانایی قرار ده، که تو بر هر کار، توانایی».

828. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی به اصحابش فرمود: «آیا فکر می کنید اگر هر چه لباس و ظرف دارید، گرد آورید و روی هم بنهید، به آسمان برسد؟».

گفتند: نه، ای پیامبر خدا! فرمود: «آیا شما را به چیزی راه نمایی نکنم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟».

گفتند: چرا، ای پیامبر خدا!

فرمود: «هر يك از شما که از نماز واجبش فارغ شد، سی بار بگوید: "خدا پاك و منزّه است. سپاس، برای خداست. جز خداوند، هیچ معبودی نیست و خدا بزرگ تر است". همانا ریشه اینها در زمین و شاخه آنها در آسمان است. اینها خرابی، آتش، غرق شدن، افتادن در چاه، خوراك درنده شدن، مرگ بد و بلای آسمانی را که در آن

تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ. (1)

829. المستدرک علی الصحیحین عن أبي أيوب الأنصاري: مَا صَلَّيْتُ وَرَاءَ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا سَمِعْتُهُ حِينَ يَنْصَرِفُ مِنْ صَلَاتِهِ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أخطائي وذنوبي كلها، اللَّهُمَّ انعمني وأحيني وارزقني، واهدني لصالِح الأعمال والأخلاق، فإنه لا يهدي لصالِحها إلا أنت، ولا يصرف عن سيئها إلا أنت. (2)

830. الإمام الجواد عليه السلام: كان النبي صلى الله عليه وآله يقول إذا فرغ من صلاته:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ وما أَخَّرْتُ وما أَسْرَرْتُ وما أَعْلَنْتُ وإسرافي على نفسي وما أنت أعلم به مني، اللَّهُمَّ أنت المُقَدِّمُ وأنت المُؤَخَّرُ، لا إله إلا أنت، بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، ما عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي فَأَحِينِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوفاةَ خَيْرًا لِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا يَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَبِرَكَّةِ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ، وَبِرَدِّ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَلَذَّةَ الْمَنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَشَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِكَ وَلِقَائِكَ، مِنْ غَيْرِ صَرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ. 7.

ص: 540

1- . ثواب الأعمال: ص 26 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 107 ح 406، فلاح السائل: ص 298 ح 196 كلاهما نحوه، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 76 ح 2187 كلها عن أبي بصير، الرسالة السعدية: ص 127، بحار الأنوار: ج 86 ص 30 ح 35 وراجع المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 233 ح 3188.

2- . المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 522 ح 5942، المعجم الكبير: ج 8 ص 200 ح 7811 عن أبي أمامة، ربيع الأبرار: ج 2 ص 226، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 6 ص 195، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 171 كلها نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 185 ح 3667.

روز بر بنده فرود می آید، دفع می کنند و آنها [نیکی های] ماندگارند».

829. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابو ایوب انصاری - در پشت سر پیامبران صلی الله علیه و آله نماز نگزاردم، جز این که هر گاه نمازش را به پایان می برد، می شنیدم که می گوید:

«خدایا! همه خطاها و گناهانم را ببامرز. خدایا! نعمتت را بر من ارزانی دار. مرا زنده بدار و روزی ام ده و به کارها و خوی های شایسته ره نمونم کن که کسی جز تو به کارها و خوی های شایسته ره نمی نماید و جز تو از کارها و خوی های زشت باز نمی دارد».

830. امام جواد علیه السلام: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله از نمازش فارغ می شد، می فرمود: «خدایا! آنچه را کرده و می کنم، و آنچه را نهان و آشکار کرده ام، و زیاده روی بر خودم را و آنچه را تو خود بهتر از من می دانی، بر من ببامرز. خدایا! تو پیش از همه و پس از همه هستی. جز تو معبودی نیست. سوگند به آگاهی ات از نهان و به توانایی ات بر همه خلقت، تا آن گاه که زندگی را برایم بهتر می دانی، مرا زنده نگاه دار و آن گاه که مرگ را برایم بهتر می دانی، مرا بمیران.

خدایا! همانا من ترسیدن از تو را در نهان و آشکار، گفتن حق را در حال خشم و خشنودی، و میانه روی را در تنگ دستی و توانگری، از تو می خواهم و نعمتی تمام ناشدنی و چشم روشنی ای ناگسستی را از تو می خواهم و خشنودی به حکم تو، مرگی مبارک پس از زندگی، و زندگانی آرام پس از مرگ، و لذت نگاه کردن به تو و شوق دیدار تو و ملاقات تو بدون رنجی گزنده و فتنه ای گم راه کننده را از تو می خواهم.

ص: 541

اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مَهْدِيِّينَ، اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشَادِ وَالثَّبَاتِ فِي الْأَمْرِ وَالرُّشْدِ، وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عَافِيَتِكَ وَأَدَاءَ حَقِّكَ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَلِسَانًا صَادِقًا، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمْتُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمْتُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمْتُ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمْتَ وَلَا نَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. (1)

831. رسول الله صلى الله عليه وآله - في كلامه لمُعَاذٍ -: أوصيك يا مُعَاذُ، لا تَدَعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ:

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَيَّ ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ. (2)

832. مكارم الأخلاق: إِنَّهُ [رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا وَقَدْ تَخَلَّصَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا يَتَخَلَّصُ الذَّهَبُ الَّذِي لَا كَدْرَ فِيهِ، وَلَا يَطْلُبُهُ أَحَدٌ بِمَظْلَمَةٍ؛ فَلْيُقِلْ فِي دُبُرِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ نِسْبَةَ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ يَسْطُرْ يَدَهُ وَيَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَهَبَ الْعَطَايَا، وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارَى، يَا فَكَكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْهَبَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ» 7.

ص: 542

1- الكافي: ج 2 ص 548 ح 6، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 327 ح 960 كلاهما عن محمد بن الفرخ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 31 ح 2069 من دون إسناد إلى الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 2 ح 2؛ صحيح مسلم: ج 1 ص 536 ح 201، سنن أبي داود: ج 2 ص 83 ح 1509 كلاهما عن عبيد الله بن أبي رافع عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما صدره إلى «لا إله إلا أنت»، كنز العمال: ج 2 ص 208 ح 3791.

2- سنن أبي داود: ج 2 ص 86 ح 1522، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 265 ح 22187، الأدب المفرد: ص 206 ح 690، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 407 ح 1010، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 32 ح 9937 كلها عن معاذ، كنز العمال: ج 2 ص 128 ح 3457.

خدایا! ما را به زینت ایمان، مزین کن و راه نما و ره یافته قرار ده. خدایا! ما را میان آنان که ره نمودی، ره بنما. خدایا! همانا من اراده قوی بر یافتن راه راست و پایداری در کار و استواری در راه حق را از تو می خواهم و سپاس گزاری نعمت، سلامت کامل و ادای حقت را می خواهم و-ای پروردگار من-دلی پیراسته و زبانی راستگو از تو می خواهم و از آنچه در باره ام می دانی، آمرزش می طلبم و بهترین آنچه را می دانی، از تو می خواهم و از بدی آنچه می دانی، به تو پناه می برم، که تو می دانی و ما نمی دانیم و تو به نهران ها بسیار دانایی». (1)

831. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -در سخن ایشان به معاذ:- ای معاذ! به تو سفارش می کنم که گفتن این دعا را در پی هر نماز و نگذاری: «خدایا! مرا بر ذکر و شکر و عبادت نیکویت، یاری ده».

832. مکارم الأخلاق: ایشان (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس دوست دارد در حالی از دنیا برود که از گناهانش پاک شده، آن گونه که زر ناپ از تیرگی ها پاک می گردد، و کسی چیزی به ستم برده را از او مطالبه نکند، در پی هر یک از نمازهای پنجگانه، تبارنامه خداوند-تبارک و تعالی-(سوره توحید) را دوازده مرتبه بخواند. سپس دستانش را بگشاید و بگوید: "خدایا! به نام پنهان، پوشیده، پاک، پاکیزه و خجسته ات از تو می خواهم و به نام بزرگ و چیرگی همیشگی ات از تو می خواهم، ای بخشنده عطاها، ای آزاد کننده اسیران، ای رهایی دهنده مردم از آتش! از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و از آتش، رهایی ام دهی و مرا به سلامت از دنیا ببری و با آسودگی وارد بهشت گردانی و آغاز دعایم را رستگاری، میان آن را کامیابیت.

ص: 543

1- در نقل سنن ابی داوود و السنن الکبری، تنها تا «جز تو معبودی نیست» آمده است.

فَلاحاً وَأَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرُهُ صَلاحاً، إِنَّكَ أَنْتَ عَلامُ الغُيوبِ».

قال أمير المؤمنين عليه السلام: هذا من المخيبات مما علمني رسول الله صلى الله عليه وآله، وأمرني أن أعلم الحسن والحسين عليهما السلام. (1)

2/10 الأديعة المأثورة عن الإمام علي (ع)

833. الأماي للمفيد عن محمد بن الحنفية: بينا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام يطوف بالبيت، إذا رجل متعلق بالآستار، وهو يقول: «يا من لا يشغله سمع عن سمع، يا من لا يغلظه سائلون، يا من لا يبرمه إلحاح الملحّين، أدقني برد عفوك وحلاوة رحمتك».

فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: هذا دعاؤك؟ قال له الرجل: وقد سمعته؟ قال: نعم، فادع به في دبر كل صلاة، فوالله، ما يدعو به أحد من المؤمنين في أديار الصلاة إلا غفر الله له ذنوبه ولو كانت عدد نجوم السماء وقطرها، وحصباء الأرض وثراها.

فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: إن علم ذلك عندي، والله واسع كريم.

فقال له الرجل - وهو الخضر عليه السلام -: صدقت والله يا أمير المؤمنين! «وفوق كل ذي علم عليم» (2). (3). 4.

ص: 544

1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 30 ح 2068، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 108 ح 410، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 324 ح 949، معاني الأخبار: ص 140 ح 1، فلاح السائل: ص 300 ح 201 كلاهما عن الأصمغ ابن نباتة وكلها عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 25 ح 26.

2- يوسف: 76.

3- الأماي للمفيد: ص 92 ح 8، فلاح السائل: ص 302 ح 204، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 247 عن محمد بن يحيى نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 1 ح 1؛ تاريخ بغداد: ج 4 ص 118 الرقم 1785 عن يزيد بن الأصم عن الإمام علي عليه السلام، أخبار مكة للفاكهي: ج 2 ص 279 ح 1524 عن محمد بن يحيى عن الإمام علي عليه السلام نحوه وليس فيهما ذيله من «فقال له أمير المؤمنين عليه السلام»، كنز العمال: ج 2 ص 640 ح 4964.

و پایان آن را نیکویی قرار دهی، که تنها تو به نهان ها بسیار دانایی».

امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: «این از امور نهانی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من آموخت و فرمان داد که آن را به حسن و حسین نیز بیاموزم».

10/2 دعا‌های روایت شده از امام علی (ع)

833. الأمالی، مفید- به نقل از محمد بن حنفیه-: امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام، گرد کعبه طواف می کرد که مردی را دید به پرده های آن آویخته و می گوید: ای که گوش دادن به چیزی، او را از گوش دادن به دیگری باز نمی دارد و درخواست کنندگان، او را به اشتباه نمی اندازند و پافشاری اصرار کنندگان، او را خسته نمی کند! خنکای عفت و شیرینی رحمت را به من بچشان.

امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود: «این، دعای توسست؟».

مرد گفت: تو آن را شنیدی؟

فرمود: «آری، اینها را در پی هر نماز بخوان که به خدا سوگند، هیچ يك از مؤمنان در پی نمازها این دعا را نمی خواند، جز آن که خداوند، گناهانش را می آمرزد، حتی اگر به تعداد ستارگان آسمان ها و قطره های باران و سنگریزه ها و خاک های زمین باشد».

آن گاه امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود: «من این را دانسته می گویم و خداوند، بزرگوار و وسعت دهنده است».

مرد- که همان خضر پیامبر بود-، گفت: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند، راست گفتم، «و بالاتر از هر دانشمندی، دانایی هست».

ص: 545

834. الإمام الصادق عليه السلام: كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول: من قال هذا القول كان مع محمد وآل محمد، إذا قام قبل أن يستفتح الصلاة: «اللهم إني أتوجه إليك بمحمد وآل محمد وأقدمهم بين يدي صلاتي،...»، ثم تصلي، فإذا انصرفت قلت:

«اللهم اجعلني مع محمد وآل محمد في كل عافية وبلاء، واجعلني مع محمد وآل محمد في كل مثنوى ومثقل، اللهم اجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم، واجعلني معهم في المواطن كلها، ولا تفرق بيني وبينهم، إنك على كل شيء قدير». (1)

835. الإمام المهدي عليه السلام: أتدرون ما كان يقول أمير المؤمنين عليه السلام بعد صلاة الفريضة؟... كان يقول: [اللهم] (2) إليك رفعت الأصوات، (وودعت الدعوات، ولك) (3) عنت الوجوه، ولك وضعت الرقاب، وإليك التحاكم في الأعمال.

يا خير من سئل، يا خير من أعطى، يا صادق يا باري، يا من لا يخلف الميعاد، يا من أمر بالدعاء، ووعد بالإجابة، يا من قال: «أدعوني أستجب لكم» (4)، يا من قال:

«وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان فليست تجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون» (5)، ويا من قال: «يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله يغفر الذنوب جميعاً إنه هو الغفور الرحيم». (6) 3.

ص: 546

1- الكافي: ج 2 ص 544 ح 1، بحار الأنوار: ج 86 ص 43 ح 52.

2- ما بين المعقوفين أثبتناه من كمال الدين ومصباح المتهجد والبلد الأمين.

3- ما بين المعقوفين أثبتناه من كمال الدين وبحار الأنوار.

4- غافر: 60.

5- البقرة: 186.

6- الزمر: 53.

834. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: «هر کس این سخن را هنگام برخاستن به نماز و پیش از آغاز آن بگوید، همراه محمد و خاندان محمد خواهد بود: "خدایا! با محمد و خاندان محمد به توری می کنم و آنها را در آغاز نماز قرار می دهم...".»

سپس نماز می خوانی و چون آن را به پایان بردی، می گویی: "خدایا! مرا با محمد و خاندان محمد قرار بده در هر آسایش و سختی، و مرا با محمد و خاندان محمد قرار بده در هر جا و بازگشتگاهی. خدایا! زندگی مرا مانند زندگی ایشان و مرگ مرا به سان مرگ ایشان قرار بده و مرا در همه جایگاه ها همراه ایشان قرار ده و میان من و ایشان جدایی مینداز، که تو بر هر کاری توانایی".»

835. امام مهدی علیه السلام: آیا می دانید که امیر مؤمنان پس از نماز واجب چه می گفت؟... می گفت:

«خدایا! صداها به سوی تو بلندند و دعاها از تو خواسته می شوند و روی همه به سوی توست و گردن ها در برابرت کج و اعمال در محکمه تو داوری می شوند.

ای بهترین طلب شده! ای بهترین دهنده! ای راستگو! ای آفریننده! ای که از وعده اش تخلف نمی کند! ای که به دعا فرمان داده ای و به اجابت وعده! ای که گفته ای: «مرا بخوانید. من شما را اجابت می کنم!»! ای که گفته ای: «و هنگامی که بندگانم مرا از تو می جویند، [بگو: من نزدیکم و دعای دعوت کننده را چون مرا بخواند، اجابت می کنم. پس آنان نیز باید مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند. باشد که راه یابند!»! ای که گفته ای: «ای بندگان من که بر ضد خودتان زیاده روی کرده اید! از رحمت خدا ناامید نشوید، که خدا آمرزشگر و بخشنده است و همه گناهان را می آمرزد!»! اینک من این جا پیش روی تو هستم، اجابت کننده و پاسخ دهنده به تو

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، الْمُسْرِفُ، وَأَنْتَ الْقَائِلُ: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا». (1)

836. المصنّف لابن أبي شيبة عن عاصم بن ضمرة عن الإمام عليّ عليه السلام -أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ:-

اللَّهُمَّ تَمَّ نَوْرُكَ فَهَدَيْتَ فَلَاكَ الْحَمْدُ، وَعَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَاكَ الْحَمْدُ، وَبَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَاكَ الْحَمْدُ، رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ، وَجَاهُكَ خَيْرَ الْجَاهِ، وَعَظِيمَتِكَ أَفْضَلَ الْعَظِيمَةِ وَأَهْنُوها، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ، تُحِبُّ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ الضَّرَّ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ، وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ، وَتَغْفِرُ الذَّنْبَ لِمَنْ شِئْتَ، لَا يَجْزِي آلاءَكَ أَحَدًا، وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَكَ قَوْلَ قَائِلٍ. (2)

837. الإمام عليّ عليه السلام -في تعقيب كل صلاة:- إلهي! هذه صلاتي صلّيتها لا لحاجة منك إليها، ولا رغبة منك فيها إلا تعظيمًا وطاعةً وإجابةً لك إلى ما أمرتني به.

إلهي! إن كان فيها خللٌ أو نقصٌ من بيّتها أو قيامها أو قراءتها أو ركوعها أو سجودها، فلا تؤاخِذني وتفضّل عليّ بالقبول والغفران، برحمتك يا أرحم الراحمين. (3)

838. الاختيار لابن الباقي: كان أمير المؤمنين عليه السلام يدعو بعد ركعتي الفجر بهذا الدعاء:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ، وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ بَغَيْهِبِ تَلْجُجِهِ، ن.

ص: 548

1- الغيبة للطوسي: ص 260 ح 227، فلاح السائل: ص 323 ح 216، كمال الدين: ص 471 ح 24، دلائل الإمامة: ص 543 ح 523، نزهة الناظر: ص 230 ح 528 وفي الثلاثة الأخيرة صدره إلى «إنه هو الغفور الرحيم» وكلّها عن محمّد بن أحمد الأنصاري، بحار الأنوار: ج 52 ص 7 ح 5.

2- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 37 ح 6، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 236 ح 436، الدعاء للطبراني: ص 233 ح 734 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 640 ح 4963؛ دعائم الإسلام: ج 1 ص 169، بحار الأنوار: ج 86 ص 35 ح 41 وراجع الكافي: ج 2 ص 582 ح 18 وكتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 488 ح 1404.

3- المصباح للكفعمي: ص 30، بحار الأنوار: ج 86 ص 38 ح 45 نقلًا عن البلد الأمين.

و زیاده رو در ضرر به خود و توهمانی که گفته ای: «از رحمت خدا ناامید نشوید، که خداوند، همه گناهان را می آمرزد».

836. المصنّف، ابن ابی شیبّه-به نقل از عاصم بن ضمره-: ایشان (امام علی علیه السلام) می گفت:

«خدایا! نورت کامل شد و ره نمودی. پس ستایش، از آن توست، و بردباری ات بزرگ است و عفو کردی. پس ستایش، از آن توست، و دستانت را گشودی و عطا کردی. پس ستایش، از آن توست. خدایا! روی تو، گرامی ترین روی ها و منزلت تو، برترین منزلت ها و عطایت، برترین و گواراترین عطاهاست. خدایا! اطاعت می شوی و ارج می نهی. خدایا! سرپیچی می شوی و می آمرزی و گرفتار را پاسخ می دهی و گره از کارش می گشایی و بیمار را شفا می دهی و از سختی ها می رهانی، و توبه را می پذیری و گناه هر که را بخواهی، می آمرزی. هیچ کس را یارای جزا دادن بخشش هایت نیست و شمار نعمت هایت در گفتار هیچ گوینده ای نمی گنجد».

837. امام علی علیه السلام -در پی هر نماز-: خدای من! این نماز است که آن را نه از سر نیاز و یا علاقه توبه آن، بلکه برای بزرگداشت و فرمانبری و اجابت فرمانت به من، گزارده ام. خدای من! اگر کاستی و اختلالی در نیت، قیام، قرائت، رکوع و یا سجود آن هست، مرا مؤاخذه مکن و به فضل، آن را بپذیر و کاستی هایش را نادیده بگیر، ای مهربان ترین مهربانان!

838. الاختیار، ابن باقی: امیر مؤمنان علیه السلام، پس از دو رکعت نماز صبح، این دعا را می خواند:

«بار خدایا! ای آن که زبان صبح را با گویایی پرتو تابناک آن بیرون آورد، و پاره های تاریک شب را با توده های سیاه و سرگردان، جاری ساخت، و ساخت فلک دوار را

وَأَتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ، وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّ عَنْ مُشَابَهَةِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مِثْلَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يَا مَنْ بَعُدَ عَنْ لِحْظَاتِ الْعُيُونِ وَقَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، وَأَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَزِهِ وَإِحْسَانِهِ، وَكَفَّ عَنِّي يَدَ الْأَسْوَاءِ بِيَدِهِ وَسَدَّ لِمَطَانِهِ. اللَّهُمَّ صَدِّ لِي عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ، وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ، وَالتَّاصِعِ الْحَسْبِ فِي ذُرْوَةِ (1) الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ (2)، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا (3) فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ.

وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَفَاتِيحَ الصَّبَاحِ عَلَى مَصَارِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَالْبَسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ، وَاعْرِسْ بِعَظَمَتِكَ فِي شِرْبِ حَيَاتِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ، وَأَجْرِ مِنْ آمَاقِي لِهَيْبَتِكَ زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ، وَأَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ (4) الْخُرْقِ مِنِّي بِأَزْمَةِ الْقُنُوعِ.

إلهي! إن لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق، فمن السالك بي إليك في واضح الطريق؟! وإن أسلمتني أُناتك لغاية الأمل والمنى، فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى؟! وإن خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان، فقد وكلني خذلانك إلى حيث النصب والحرمان.

إلهي! أتراني ما أتيتك إلا من حيث الآمال؟! أم علقْتُ بأطرافِ حيالكِ (إلا).

ص: 550

1- ذروة كل شيء: أعلاه (لسان العرب: ج 14 ص 284 «ذرا»).

2- الكاهل: مقدم أعلى الظهر (النهاية: ج 4 ص 214 «كهل»). والأعبل: الجبل الأبيض الحجارة (تاج العروس: ج 15 ص 460 «عبل»).

3- الرُّحْلُوفَةُ: المكانُ الرَّليقُ (لسان العرب: ج 9 ص 131 «زحلف»).

4- التَّرْقُ: خفة في كل أمر، وعجلة في جهل وحمق (لسان العرب: ج 10 ص 352 «نرق»).

در اندازه های آشکار و زیبا، استوار گردانید، و روشنایی خورشید را به نور گرمش پرتوافکن نمود!

ای آن که با ذاتش بر ذاتش ره نماست، و از همجنس بودن با آفریده هایش منزّه است، و از سازگاری با کیفیات [آفریده هایش]، برتر است! ای آن که به گمان ها و اندیشه ها نزدیک و از نگرش دیده، به دور است و به هر چیزی پیش از بودن آن، آگاهی دارد! ای آن که در بستر آرامش و پناهش خوابم بُرد و به آنچه از نیکویی ها و بخشش هایش به من داد، بیدارم ساخت و با قدرت و سلطنت خود، پنجه های بدی را از من باز داشت!

بار خدایا! بر آن که در شب تاریک به سویت راه نمایی کرد، و از بین دستاویزهایت به ریسمان بلند شرافت، چنگ زد، آن پاك نژادی که بر قلّه بلند پاکی حَسَب دارد و در دوران نخست (جاهلیت) در لغزشگاه ها استوار ماند، و نیز بر خاندان نیکوکار برگزیده و نیکش درود فرست.

بار خدایا! درهای صبحگاهان را به کلیدهای رحمت و رستگاری بر ما بگشای.

بار خدایا! بهترین جامه های هدایت و خیر را بر من بپوشان، و به عظمتت در آبشخور زندگی ام، چشمه های فروتنی را جاری ساز. بار خدایا! در برابر هیبت، از گوشه های چشمم قطرات اشک را جاری گردان. بار خدایا! به زمام قناعت، شتاب نادانی مرا ادب کن.

خدای من! اگر با رحمتت خوش توفیقی برایم در آغاز حاصل نشده بود، چه کسی در راه واضح، مرا به سوی تو می آورد؟ و اگر مدارایت مرا به دست امید و آرزو می سپرد، چه کسی نادیده گیرنده لغزش هایم از پرتگاه هوای نفس می گشت؟ و اگر به هنگام مبارزه با نفس و شیطان، یاری ات از من بُریده می شد، بی یاور گذاشتن من از جانب تو، مرا به رنج و محرومیت می کشاند.

خدای من! مرا می بینی که جز از راه آرزوها به درگاہت نیامده ام؛ بلکه چون

حِينَ بَاعَ دَنْتِي ذُنُوبِي مِنْ دَارِ الْوِصَالِ، فَبِئْسَ الْمَطِيئَةُ الَّتِي امْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا! فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا! وَتَبَّأَ لَهَا لِحُرَّاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا!

إلهي! قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِاجْتِنَاءٍ مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي، وَعَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أُنَامِلَ وَلَائِي، فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّا اقْتَرَفْتَهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي، وَأَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةِ دَائِي، إِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَمُنْتَهَى رَجَائِي، وَغَايَةُ مُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ.

إلهي! كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينًا الْفَقِيرَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا؟! أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا؟! أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانًا وَرَدَ عَلَيْكَ شَارِبًا؟! كَلَّا وَحِيَاضُكَ الْمُتْرَعَةَ فِي صَنَكِ الْمَحْوَلِ، وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لَطَلِبِ الْوُغُولِ، وَأَنْتَ غَايَةُ السُّؤُولِ، وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ.

إلهي! هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِيءَةُ لَمَّةً وَكَلْتُهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَهَذِهِ أَرْزَمَةُ أُمُورِي قَلَدَتْهَا عِقَالِ مَشِيئَتِكَ، وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا بِرَحْمَتِكَ، فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِالسَّلَامَةِ فِي الدَّارَيْنِ وَمَسَانِي جَنَّةٍ مِنْ نَزَعَاتِ الْهَوَى، إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَنْ يَعْلَمُ مَا أَنْتَ وَلَا يَهَابُكَ؟! وَمَنْ يَقْدِرُ قُدْرَتَكَ وَلَا يَخَافُكَ؟ فَلَقْتَ بِقُدْرَتِكَ الْفَلَقَ، وَأَنْشَرْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِي الْغَسَقِ، وَأَهْمَرْتَ الْمِيَاهَ

گناهان، مرا از دار وصال تو دور می کنند، جز به ریسمان [لطف] تو چنگ نمی زنم. هوا و هوس، چه زشت مرکبی است که نفس من سوارش شده است! وای بر او از آنچه گمان ها و آرزوها برایش آراسته اند، و هلاک باد به خاطر جسارتش بر سرور و مولایش!

خدای من! در رحمت را به دست امید کوییدم، و از زیاده روی های هوایم، پناهجویان، به سویت گریختم، و سزایانگشتان دوستی ام را به رشته های ریسمانت آویختم.

پس -بار خدایا- از جرم هایی که به خاطر لغزش و خطاهایم انجام داده ام، چشمپوشی کن و از در افتادن به وادی هلاکت، نگاهم دار؛ چرا که تو سرور، مولا، تکیه گاه و امید هستی و تو نهایت خواسته ها و آرزوهایم در دنیا و عقبایی.

خدای من! چگونه بینوایی را که گریزان از گناهان به تو پناه آورده، طرد می کنی؟! و چگونه هدایتجویی را که خواهان تقرّب به درگاه توست، ناامید می گردانی؟! و یا تشنه کامی را که جویای آب به آبگیرهایت گام نهاده، باز می گردانی؟! هرگز! آبگیرهایت در خشک سالی ها، سخت لبریزند، و در خانه ات برای خواستن و وارد شدن، باز است، و تو نهایت مطلوب و کمال آرزوهایم.

خدای من! این، زمام تقسیم است که به رشته اراده ات گره زده ام، و این، بار گناهم است که به گذشت و رحمت دورش می سازم، و اینها، هوسهای گم راه کننده ام هستند که به درگاه لطف و مهترت، وا می گذارمشان.

پس -بار خدایا- چنان کن که این صبح با نور هدایت و با سلامت در دین و دنیا بر من بدمد، و شبم را سپری در برابر نیرنگ دشمنانم، و نگهداری از هلاکت جویی های تقسیم قرار ده، که تو بر هر چیزی که بخواهی، توانمندی. به هر کس که بخواهی، زمامداری می دهی، و از هر کس که بخواهی، زمامداری را می ستانی، و هر کس را بخواهی، عزت می بخشی، و هر کس را بخواهی، خوار می سازی. خیر، در دست توست و بر هر چیزی توانمندی. شب را در روز، و روز را در شب فرو میبری، و زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می کنی، و به هر کس که بخواهی، بی حساب، روزی می دهی.

منزهی تو و معبودی جز تو نیست. کیست که بداند تو کیستی و بزرگت نشمارد؟

مِنَ الصُّمِّ الصِّيْلَاخِيدِ عَذْبًا وَأَجَاجًا، وَأَنْزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً تُجَاجًا، وَجَعَلَتْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا
ابْتَدَأَتْ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا.

فِيَا مَنْ تَقَرَّدَ بِالْبَقَاءِ، وَفَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، وَاسْمَعْ نِدَائِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي، يَا
خَيْرَ مَنْ انْتَجَعَ لِكَشْفِ الضَّرِّ، وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عَسْرٍ وَسِيسٍ، بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي، فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سِنِّي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا كَرِيمًا.

ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ:

«إِلَهِي! قَلْبِي مَحْجُوبٌ، وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبَةٌ، وَلِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ سَتَّارُ الْعُيُوبِ، فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، يَا سَتَّارَ
الْعُيُوبِ، يَا شَدِيدَ الْعِقَابِ، يَا غَفُورًا، يَا شَكُورًا، يَا حَلِيمًا، اقضِ حَاجَتِي بِحَقِّ الصَّادِقِ رَسُولِكَ الْكَرِيمِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ» (1).

3/10 الدعاء المأثور عن الإمام زين العابدين (ع)

839. الأماشي للصدوق عن طاووس اليماني: مَرَرْتُ بِالْحِجْرِ فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ، فَتَأَمَّلْتُهُ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ، فَقُلْتُ: يَا نَفْسُ، رَجُلٌ صَالِحٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَاللَّهِ، لَأَغْتَمِّنَ دُعَاءَهُ. فَجَعَلْتُ أَرْقُبُهُ حَتَّى فَرَعْتُ مِنْ صَلَاتِهِ، وَرَفَعْتُ بَاطِنَ كَفِّيهِ إِلَى السَّمَاءِ
وَجَعَلَ يَقُولُ: 9.

ص: 554

و کیست که اندازه قدرت تو را بشناسد و از تو پروا نکند؟ به قدرت سپیده دم را شکافتی، و تاریکی های شب را به کرمّت نورانی ساختی، و آب های شیرین و شور را از درون صخره ها جاری گردانیدی، و از ابرها آب ریزان فرو فرستادی، و خورشید و ماه را چراغ نوربخش برای مردم قرار دادی، بی آن که در آنچه آغاز کردی، خستگی و درماندگی احساس کنی.

ای آن که در عزّت و بقاء، تنها هستی و با مرگ و نابودی بندگانت، بر آنان چیره گشتی! بر محمّد و خاندان پرهیزگارش درود فرست، و ندای مرا بشنو، و دعایم را پذیرا باش، و به فضل خود، آرزوها و امیدهایم را محقق ساز، ای بهترین کسی که برای بر طرف کردن بدحالی ها خوانده می شود، و برای هر آسانی و دشواری، به وی امید بسته شده است! حاجتم را به درگاه تو آوردم. پس مرا از بهترین بخشش هایت ناامید بر مگردان. ای کریم!».

آن گاه سجده می کنی و می گویی: «خدای من! قلبم در پرده، خردم شکست خورده، جانم معیوب، و زبانم اقرار کننده به گناه است، و تو پوشاننده عیب هایم. پس گناهانم را ببخش، ای آمرزنده گناهان، ای پوشاننده عیب ها، ای سخت کیفر، ای آمرزنده، ای سپاس گزار، ای بردبار! حاجتم را برآور، به حقّ آن راستگو، فرستاده گرامی ات و خاندان پاکش، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان!».

10/3 دعای روایت شده از امام زین العابدین (ع)

839. الأمالی، صدوق- به نقل از طاووس یمانی-: از حجر الأسود گذشتم. شخصی را در رکوع و سجود دیدم. خوب به او نگریستم و دریافتم که علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام است. با خود گفتم: مردی صالح از خاندان نبوت! به خدا سوگند، دعایش را باید معتمن بشمرم. پس مواظبش بودم تا از نمازش فارغ شد و کف دست هایش را رو به آسمان کرد و این دعا را شروع نمود: «سرورم، سرورم! این

سَيِّدِي، سَيِّدِي ! هَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذَّنُوبِ مَمْلُوءَةً، وَعَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةٌ، وَحَقُّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَدَلُّلاً أَنْ تُجِيبَهُ بِالكَرَمِ تَفَضُّلاً.

سَيِّدِي ! أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكَائِي، أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي؟!

سَيِّدِي ! أَلِضْرِبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي، أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي؟!

سَيِّدِي ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ، لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ.

سَيِّدِي ! لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ، غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ، وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةَ الْعَاصِينَ.

سَيِّدِي ! مَا أَنَا وَمَا خَطْرِي، هَبْ لِي خَطَايَايَ بِفَضْلِكَ، وَجَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ.

إِلَهِي وَسَيِّدِي ! ارْحَمْنِي مَصْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ، تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي، وَارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي، وَارْحَمْنِي مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحَشْتِي وَغُرْبَتِي وَوَحْدَتِي. (1)

4/10 الأَدْعِيَةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ (ع)

840. الإمام الباقر عليه السلام: أَقْلُ مَا يُجْزِئُكَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ 6.

ص: 556

1- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 288 ح 321، المَازِرُ الْكَبِيرُ: ص 146، المَازِرُ: ص 267 كِلَاهُمَا بِزِيَادَةِ «فِي رَجَبٍ» بَعْدَ «مَرَرْتُ بِالْحَجْرِ» وَ«فَمَا لِلْعَبْدِ، مَنْ يَرْحَمُهُ إِلَّا مَوْلَاهُ» فِي آخِرِهِمَا، رُوضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص 219، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 94 ص 89 ح 1 وَرَاجِعِ الدَّعَوَاتِ: ص 179 ح 496.

دستانِ پر از گناه من است که به سوی تو بلند کرده ام و چشمان پُر امیدم که به سوی تو دوخته ام و حقّ آن که با خواری و پشیمانی، تو را می خواند، آن است که به تفضّل و کرم، اجابتش کنی.

سَرور من! آیا مرا از شوربختان آفریده ای تا گریه ام را به درازا کشم، یا از خوش بختان آفریده ای تا امیدم را بشارت دهم؟

سَرورم! آیا اعضايم را برای زده شدن با گرزها آفریده ای؟ آیا روده هایم را برای نوشیدن آب جوشانِ دوزخ آفریده ای؟

سَرورم! اگر بنده ای را توانایی گریز از مولایش بود، من نخستین گریزندگان از تو بودم؛ امّا می دانم که از دست تو به در نمی روم.

سَرورم! اگر عذاب کردم، بر فرمان روایی تو می افزاید، از تو شکیب بر آن را خواهانم؛ امّا می دانم که نه اطاعت مطیعان به مُلک تو می افزاید و نه نافرمانی نافرمانان، از آن می کاهد.

سَرورم! من چه هستم و چه منزلتی دارم؟! خطاهایم را به فضلت بر من بیخشای و پردهٔ سترت را بر من بپوشان و با روی کریمانه ات، از توییخ من چشم بپوش. خدای من و سَرورم! بر من هنگامی که در بستر مرگ افتاده ام، رحم کن؛ هنگامی که دستان دوستانم مرا می چرخانند و نیز هنگامی که در غَسّال خانه انداخته اند و همسایگان صالحم مرا غسل می دهند و نیز هنگامی که جنازه ام بر دوش خویشانم برده می شود و نیز بر تنهایی و غربت و بی کسی ام در آن خانهٔ تاریک، رحم کن».

10/4 دعاهای روایت شده از امام باقر (ع)

840. امام باقر علیه السلام: کمترین چیزی از دعا که پس از [نماز] واجب کفایت می کند، این است که

ص: 557

بگویی: «خدایا! همانا من هر نیکی را که می دانی، از تو می خواهم و از هر بدی که به آن دانایی، به تو پناه می برم. خدایا! من آسایش در همه کارهایم را از تو می خواهم و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم».

(1)

841. امام صادق علیه السلام: روزی بر پدرم وارد شدم و [دیدم] هشت هزار سکه طلا به فقیران مدینه صدقه می دهد و خانواده ای بالغ بر یازده تن را آزاد کرد و اینها مرا شگفت زده کرد.

پدرم به من نگریست و سپس فرمود: «آیا می خواهی کاری یاد بگیری که اگر تنها يك بار پس از هر نماز واجب انجام دهی، برتر از آن چیزی است که دیدی انجام دادم، حتی اگر آن را به درازای عمر نوح انجام دهم؟».

گفتم: چه کاری؟

فرمود: «پس از نماز می گویی: گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست، فرمان روایی و ستایش، از آن اوست، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند. خیر به دست او و بر هر کاری تواناست. هیچ نیرو و توانی جز از سوی خدای والای بزرگ نیست. منزّه است خداوند مُلک و ملکوت. منزّه است خداوند عزّت و جبروت. منزّه است خداوند حشمت و عظمت. منزّه است خدای زنده نامیرا. منزّه است پروردگار والای من. منزّه است خدای بزرگ من. او را تقدیس و ستایش می کنم. همه اینها- ای پروردگار من- اندک است. تو منزّه ای به شمار آفریده هایت و وسعت عرش و رضایت خودت و اندازه خواسته ات و شمار آنچه کتابت احصا کرده و انبوه آنچه کتابت شماره نموده و سنگینی آنچه کتابت گرد آورده است و چندین برابر همه اینها تا آن جا که به شماره نیاید و نیز به تعداد آفریده هایت، انبوه آفریده هایت و سنگینی آفریده هایت و چندین برابر همه اینها، آن گونه که به شماره نیاید و نیز عدد مردمانت و انبوه مردمانت و سنگینی مردمانت و چندین برابر همه اینها، و به عدد دانسته هایت و انبوه دانسته هایت و چندین برابر آنها، آن سان که به شماره نیاید. د.»

ص: 559

1- کتاب من لا یحضره الفقیه و مکارم الأخلاق، صلوات بر پیامبر و خاندانش را نیز در آغاز حدیث دارند.

بِرِّيَّتِكَ، وَمِثْلَ ذَلِكَ أضعافاً لا تُحصى، وَعَدَدَ مَا تَعَلَّم، وَزِنَةَ مَا تَعَلَّم، وَمِلءَ مَا تَعَلَّم، وَمِثْلَ ذَلِكَ أضعافاً لا يُحصى.

وَمِنَ التَّحْمِيدِ وَالتَّعْظِيمِ، وَالتَّقْدِيسِ وَالثَّنَاءِ، وَالشُّكْرِ وَالْخَيْرِ، وَالْمَدْحِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ- مِثْلَ ذَلِكَ وَأضعافَ ذَلِكَ، وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ، وَعَدَدَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ شَيْءٍ، وَمِلءَ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَأضعافَ ذَلِكَ كُلِّهِ أضعافاً، لَوْ خَلَقْتَهُمْ فَنَطَقُوا بِذَلِكَ مُنْذُ قَطْ (1) إِلَى الْأَبَدِ لَا انْقِطَاعَ لَهُ، يَقُولُونَ كَذَلِكَ لَا يَسْأَمُونَ وَلَا يَفْتَرُونَ أَسْرَعَ مِنْ لَحْظِ الْبَصَرِ، وَكَمَا يَنْبَغِي لَكَ وَكَمَا أَنْتَ لَهُ أَهْلٌ، وَأضعافَ مَا ذَكَرْتُ، وَزِنَةَ مَا ذَكَرْتُ، وَعَدَدَ مَا ذَكَرْتُ، وَمِثْلَ جَمِيعِ ذَلِكَ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا إِلَهِي، تَبَارَكَتْ وَتَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ عُلُوًّا كَبِيرًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

أَسْأَلُكَ عَلَى إِثْرِ هَذَا الدُّعَاءِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى، وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ، أَنْ تُعَافِنِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (2). (3)

5/10 الأَدْعِيَةُ الْمَأْتُورَةُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (ع)

842. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي ذُبُرِ الْفَرِيضَةِ: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الْجَلِيلَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ، وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَمِّنَ عَصَبَ لِعَظْمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ» حُفَّ بِجَنَاحٍ مِنْ أجنحة جبرئيل عليه السلام، وَحَفِظَ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ. (4) 2.

ص: 560

1- قَطْ: الْأَبَدُ الْمَاضِي (لسان العرب: ج 7 ص 381 «قطط»).

2- قَالَ السَّيِّدُ ابْنُ طَاوُوسٍ قَدَسَ سِرُّهُ فِي ذَيْلِ الدُّعَاءِ: «قَالَ أَبُو يَحْيَى: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الدُّعَاءُ هَذَا مُسْتَجَابٌ».

3- فَلَاحِ السَّائِلِ: ص 306 ح 208، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 86 ص 11 ح 9.

4- الْكَافِي: ج 2 ص 573 ح 12 عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، مُصْبِحِ الْمُتَهَجِّدِ: ص 56 ح 85 مِنْ دُونِ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نَحْوَهُ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 86 ص 50 وَرَاجِعِ الْكَافِي: ج 2 ص 523 ح 6 وَالْمُصْبِحِ لِلْكَفَعَمِيِّ: ص 122.

و مانند این و چندین برابر آن، ستایش و بزرگداشت و تقدیس و ثنا و سپاس و خیر و مدح و درود بر پیامبر و خاندانش - که خدا بر او و ایشان درود فرستد - و نیز اگر به عدد آنچه آفریدی و پدید آوردی و بر آوردی و به شمار آنچه از چیزی خلق کردی و سنگینی همه این چیزها و چندین برابر همه اینها، باز می آفریدی تا اینها را برای همیشه روزگار و بی هیچ گسستی بر زبان آورند و همین گونه بی خستگی و سستی و بی آن که لحظه ای کمتر از یک چشم به هم زدن از ثناگویی و تقدیس تو دست کشند، آن گونه که شایسته توست و تو شایسته آن هستی و چندین برابر اینها و به سنگینی همه آنچه یاد نمودم و شمار آنچه ذکر کردم و مانند همه اینها، باز هم اندک بود، ای خدای من! مبارک و منزه و بسی والایی، ای صاحب جلال و شکوه!

در پی این دعا از تو و به خاطر نام های زیباییات و مثال های والایت و کلمه های کاملت می خواهم که مرا در دنیا و آخرت عافیت بخشی".

10/5 دعاهای روایت شده از امام صادق (ع)

842. امام صادق علیه السلام: هر کس در پی نماز واجب بگوید: «خود و خانواده و فرزندانم و هر کس را که نگهداری اش با من است، به خدای بزرگ و باشکوه می سپارم و خود و خانواده، دارایی، فرزندان و هر کس را که نگهداری اش با من است، به خدایی که همه چیز در برابر بزرگی اش وحشت زده و ترسان و خوار است، می سپارم»، در میان بالی از بال های جبرئیل قرار گرفته، خود و خانواده و دارایی اش حفظ می شود.

ص: 561

843. الكافي عن حسين الخراساني: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعًا بِي، فَقَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ فَضَعْ يَدَكَ مَوْضِعَ سُجُودِكَ، ثُمَّ قُلْ:

بِسْمِ اللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اشفني يا شافي، لا شفاء إلا شفاؤك، شفاء لا يُغادرُ سُقْمًا، شفاءً من كلِّ داءٍ وسُقْمٍ. (1)

844. الإمام الصادق عليه السلام: لا تَدَعُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: «أَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ» حَتَّى تَخْتِمَهَا، «وَأَعِيذُ نَفْسِي وَمَا

رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ» حَتَّى تَخْتِمَهَا، «وَأَعِيذُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ» حَتَّى تَخْتِمَهَا. (2)

845. عنه عليه السلام: تَمَسَّحْ بِيَدِكَ الْيُمْنَى عَلَى جَبْهَتِكَ وَوَجْهِكَ فِي دُبُرِ الْمَغْرِبِ وَالصَّلَوَاتِ وَتَقُولُ:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالسُّقْمِ وَالْعَدَمِ (3)، وَالصَّغَارِ

وَالذَّلِّ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ. (4)

846. عنه عليه السلام: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ (5) بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ».

ص: 562

1- الكافي: ج 2 ص 567 ح 15، طب الأئمة لابني بسطام: ص 121 نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 10 ح 10 وراجع صحيح البخاري: ج

5 ص 2148 ح 5351 والمناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 116.

2- الكافي: ج 3 ص 343 ح 18 وص 346 ح 27، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 108 ح 409 كلَّها عن محمد الواسطي، مصباح

المتَّهِّج: ص 56 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 51 وراجع صحيح ابن خزيمة: ج 1

ص 358 ح 724.

3- العدم: الفقر (لسان العرب: ج 12 ص 392 «عدم»).

4- الكافي: ج 3 ص 345 ح 24، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 115 ح 429 كلاهما عن محمد بن مروان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1

ص 331 ح 969، المصباح للكفعمي: ص 42، البلد الأمين: ص 18 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام والثلاثة

الآخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 232 ح 57.

5- دان نفسه: أي حاسبها وأذلَّها واستعبدها (مجمع البحرين: ج 1 ص 625 «دين»).

843. الکافی - به نقل از حسین خراسانی - به امام صادق علیه السلام از دردم شکوه کردم. فرمود:

«هنگامی که نماز خواندی، دستت را بر جایگاه سجده ات بگذار و بگو: "به نام خدا.»

محمد، پیامبر خداست. ای شفا دهنده! مرا شفا بده که شفایی جز شفای تو نیست؛ شفایی که بیماری ای بر جای نهد؛ شفایی از هر درد و ناخوشی".

844. امام صادق علیه السلام: در پی هر نماز، این دعا را وا مگذار: «خودم و آنچه را خدایم روزی کرده، به خدایی می سپارم که یگانه و بی نیاز است» و آن را [مانند سوره توحید] ادامه می دهی و «خودم و آنچه را خدایم روزی کرده، به خدایی می سپارم که خداوند فلق است» و آن را [مانند سوره فلق] ادامه می دهی و «خودم و آنچه را خدایم روزی کرده، به خدایی می سپارم که خدای مردم است» و آن را [مانند سوره ناس] ادامه می دهی.

845. امام صادق علیه السلام: پس از نماز مغرب و نمازهای دیگر، دست راست را بر پیشانی و صورتت می کشی و می گویی: «به نام خدایی که جز او معبودی نیست؛ دانا به پیدا و نهان، و مهربان و بخشنده. خدایا! از غم و اندوه، به تو پناه می برم و نیز از بیماری و ناداری و ذلت و خواری و زشتی ها، آشکار و نهانشان».

846. امام صادق علیه السلام: هنگامی که از نمازت فارغ شدی، بگو: «خدایا! به اطاعت از تو و قبول

وَوَلَايَةَ رَسُولِكَ وَوَلَايَةَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ أَوْلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» وَتَسْمِيَهُمْ، ثُمَّ قُل:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ، غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ (1) وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، عَلَيَّ مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَيَّ حُدُودَ مَا أَنَا فِيهِ وَمَا لَمْ يَأْتِنَا، مُؤْمِنٌ مُتَقَرُّ مَسَلِّمٌ بِذَلِكَ، رَاضٍ بِمَا رَضِيَتْ بِهِ يَا رَبِّ، أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ، مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ، فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَأَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ مَعَاصِيكَ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا مَا أَحْيَيْتَنِي، لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، وَأَنْ تَحْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، وَلَا تُحَوِّلْنِي عَنْهَا أَبَدًا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ». (2)

847. فلاح السائل عن جميل بن دراج: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا سَيِّدِي، عَلَّتْ سِنِّي وَمَاتَ أَقَارِبِي، وَأَنَا خَائِفٌ أَنْ يُدْرِكَنِي الْمَوْتُ وَلَيْسَ لِي مَنْ أَنْسُ بِهِ وَأَرْجِعُ إِلَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ: إِنَّ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ نَسَبًا أَوْ سَبَبًا، وَأَنْسَكَ بِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْسِكَ بِقَرِيبٍ، وَمَعَ هَذَا فَعَلَيْكَ بِالذُّعَاءِ، وَأَنْ تَقُولَ فِي عَقِبِ كُلِّ صَلَاةٍ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ: "مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ إِذَا فَاعَلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ؛ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُهُ».

ص: 564

1- في تهذيب الأحكام والإقبال: «منكر» بدل «متكبر».

2- الكافي: ج 3 ص 345 ح 26، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 99 ح 259، فلاح السائل: ص 305 ح 207 وليس فيه ذيله من «وأسألك أن تعصمني» وكلها عن إدريس بن عبد الله، الإقبال: ج 1 ص 338، مصباح المتهجد: ص 576 ح 688 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 39 ح 48.

ولایت و ولایت پیامبر و ولایت امامان، از اولین تا آخرین آنها، گردن می نهم) و نام امامان را می بری. سپس بگو: «خدایا! به اطاعت تو و ولایت ایشان و خشنودی به آنچه ایشان را بدان برتری بخشیدی، گردن می نهم. نه انکار (1) می کنم و نه از سر کبر، سر می پیچم، به همان معنا که در کتاب نازل کردی و با همان حدّ و مرزی که برایمان آورده و نیاورده است. باورمند، اقرار کننده و تسلیم به آن هستم و به آن رضایت دارم. ای خدای من! تو را و سرای آخرت را بدان می طلبم که از بیم و امید آن به تو روی آورده ام. پس تا زنده ام، همین گونه زنده ام بگذار و به گاه مرگ نیز مرا بر همین عقیده بمیران و به گاه برانگیختن نیز مرا همین سان برانگیز، و اگر از من کوتاهی ای در گذشته بوده، از آن به سوی تو، توبه می کنم و به آنچه نزد توست، رغبت می ورزم و از تو می خواهم که مرا از نافرمانی ات حفظ کنی و مرا تا زنده ام، چشم بر هم زدنی و نه کمتر و نه بیشتر، به خودم وا نهی، که نفس به زشتی فرمان می دهد، مگر آن که تو رحم کنی، ای مهربان ترین مهربانان! و از تو می خواهم که مرا با اطاعت نگاه داری تا در همان حالت و با خشنودی ات از من، مرا از دنیا ببری و فرجام مرا سعادت قرار دهی و برای همیشه دگرگونش نکنی، که نیرویی جز از سوی تو نیست».

847. فلاح السائل - به نقل از جمیل بن درّاج -: مردی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و به ایشان گفت: ای سرور من! سنّ من بالا رفته و خویشانم مرده اند و من بیمناکم مرگم برسد، در حالی که کسی که مونس من باشد و به او مراجعه کنم، نداشته باشم.

امام به او فرمود: «از میان برادران دینی ات، کسانی از خویشان نسبی و سببی ات به تو نزدیک ترند و انس تو با آنها از انس با خویشان بیشتر است. با این همه، این دعا را در پی هر نماز بخوان: "خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

خدایا! انسان راستگو گفته است که تو گفته ای: در هیچ يك از کارهایم به اندازه‌د.

ص: 565

1- . ترجمه طبق نسخه تهذیب الأحكام و إقبال الأعمال است که «منکر» و نه «متکبر» دارند.

مَسَاءَتَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ، وَلَا تُسَوِّنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي»، إِنْ شِئْتَ أَنْ تُسَمِّيَهُمْ وَاحِدًا وَاحِدًا فَافْعَلْ، وَإِنْ شِئْتَ مُتَفَرِّقِينَ وَإِنْ شِئْتَ مُجْتَمِعِينَ.

قَالَ الرَّجُلُ: وَاللَّهِ، لَقَدْ عَشْتُ حَتَّى سَمِمْتُ الْحَيَاةَ. (1)

848. الإمام الصادق عليه السلام: تدعو في أعقاب الصَّلواتِ الفرائضِ بهذه الأدعية:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَارْتَبِهَا لَنَا بَرَاءَةً، وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا، وَمِنَ الضَّرِيعِ (2) وَالرَّقُومِ فَلَا- تُطْعِمْنَا، وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَجْمَعْنَا، وَعَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبِنُنَا، وَمِنَ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَائِيلِ الْقَطْرَانِ (3) فَلَا تُلْبِسْنَا، وَمِنَ كُدْلٍ سَوْءٍ- لَا- إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَجَنِّبْنَا، وَبِرَحْمَتِكَ فِي الصَّاحِبِينَ فَادْخِلْنَا، وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا، وَمِنَ كَأْسٍ مَعِينٍ (4) وَسَلْسَبِيلِ (5) فَاسْقِنَا، وَمِنَ الْحَوَرِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا، وَمِنَ الْوَلَدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلَاؤُكُمْ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا، وَمِنَ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا، وَمِنَ ثِيَابِ الْحَرِيرِ وَالسُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَاسْتَبْرِقْ فَاسْكُنْنَا، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ (6) وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فَارزُقْنَا،».

ص: 566

- 1- فلاح السائل: ص 303 ح 205، مصباح المتهجد: ص 58 ح 90، المصباح للكفعمي: ص 34 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وليس فيهما صدره إلى «ومع هذا فعليك بالدعاء»، بحار الأنوار: ج 86 ص 7 ح 7 وراجع مكارم الأخلاق: ج 2 ص 35 ح 2076.
- 2- في الحديث عن رسول الله صلى الله عليه وآله، أنه قال: «الضريع شيء يكون في النار يشبه الشوك، أمر من الصبر، وأنتن من الجيفة وأشدَّ حرًّا من النار» (مجمع البيان: ج 10 ص 336).
- 3- قطران: أي نحاس مذاب (مفردات ألفاظ القرآن: ص 677 «قطر»).
- 4- في بحار الأنوار: «وبكأس من معين»، وفي الإقبال: «وبكأس من عين». ومعين: أي من خمر يجري من العيون (مجمع البحرين: ج 2 ص 1300 «عين»).
- 5- سلسبيل: اسم عين في الجنة، أي سلسلة ليثة سائغة (مجمع البحرين: ج 2 ص 864 «سلسل»).
- 6- في مصباح المتهجد والمصباح للكفعمي بزيادة: «فارحمنا» بعد «القدر».

قبض روح بنده با ایمانم تردید نکرده ام. او مرگ را ناخوش می دارد و من هم ناخوشی او را ناپسند می دارم. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فرج ولایت را همراه عافیت و پیروزی، زودتر قرار بده و چیزی که مرا و یا یکی از دوستانم را بد آید، پیش میاور" و اگر خواستی، این دوستان را یک به یک نام ببر و اگر خواستی، پراکنده و برخی از آنها را نام ببر و یا به صورت دسته جمعی دعایشان کن».

آن مرد گفت: به خدا سوگند، آن قدر زیستم که دیگر از زندگی خسته شدم.

848. امام صادق علیه السلام: در پی نمازهای واجب، این دعاها را می خوانی: «خدایا! به حق محمد و خاندان محمد، رهایی از آتش را از تو می خواهم. پس رهایی مان را برایمان بنویس و ما را در دوزخ مگذار و در عذاب و خواری ات گرفتارمان مکن و از طعام و شراب تلخ و سوزنده آن به ما مخوران و ما را با شیطان ها در دوزخ، گرد هم میاور و ما را به صورت به آن مینداز و از لباس های آتشین و شلوارهای مس گداخته به ما بپوشان و- ای خدای بی همتا- ما را روز قیامت از هر بدی برهان و به رحمت ما را در زمره صالحان در آور و به جرگه بالانشینان ارتقا بده و جام برگرفته از باده ها و چشمه های بهشتی به ما بنوشان و به رحمت، حوری های بهشتی را به همسری ما در آور و از پسرکان به سان مروارید پنهان، به خدمت ما بگمار و از میوه ها و گوشت پرندگان بهشت به ما بخوران و از جامه ابریشم و پرنیان نازک و دیبای سبتر به ما بپوشان و شب قدر و حج خانه ات را روزی ما بفرما و ما را استوار و جایگاهمان را

ص: 567

وسدّدنا وفرّبنا إليك زلفى (1)، وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا، يا خالقنا اسمع لنا واستجب، وإذا جمعت الأولين والآخرين يوم القيامة فارحمنا، يا ربّ، عزّ جازك وجلّ ثناؤك، ولا إله غيرك. (2)

849. عنه عليه السلام: جاء جبرئيل عليه السلام إلى يوسف عليه السلام وهو في السجن، فقال له: يا يوسف، قل في دبر كلّ صلاة: اللهم اجعل لي فرجاً ومخرجاً، وارزقني من حيث أحسب ومن حيث لا أحسب. (3)

850. معاني الأخبار عن عبد الله بن الفضل الهاشمي: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن عليّ ديناً كثيراً ولي عيال ولا أفدر على الحجّ، فعلمني دعاءً أدعوه به.

فقال: قل في دبر كلّ صلاة مكتوبة: اللهم صلّ على محمد وآل محمد واقض عني دين الدنيا ودين الآخرة. (4)

851. الإمام الصادق عليه السلام: ثلاث اعطيننّ مع الخلائق: الجنة، والنار، والحوار العين، فإذا صلّى العبد وقال: «اللهم اعتقني من النار، وأدخلني الجنة، وزوّجني من الحور العين»، قالت النار: يا ربّ، إن عبدك قد سألك أن تعتقه مني فأعتقه، وقالت الجنة: يا ربّ، إن عبدك قد سألك إيّاي فأسكنه فيّ، وقالت الحور العين: يا ربّ، إن عبدك قد خطبنا إليك فرّوجه منا. 2.

ص: 568

1- الزلفى: القربة والدرجة والمنزلة (لسان العرب: ج 9 ص 138 «زلف»).

2- فلاح السائل: ص 316 ح 213 عن أبي بصير، المصباح للكفعمي: ص 49 عن معاوية بن عمّار، مصباح المتهدّد: ص 62 ح 71، البلد الأمين: ص 14 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 12 ح 10 وراجع الإقبال: ج 1 ص 143.

3- الكافي: ج 2 ص 549 ح 7 عن سيف بن عميرة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 324 ح 950 وفيه «فريضة» بدل «صلاة»، تفسير العياشي: ج 2 ص 176 ح 22 عن ابن سنان، مجمع البيان: ج 5 ص 360، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 33 ح 2073، بحار الأنوار: ج 12 ص 256 ح 20 وراجع الدر المنثور: ج 4 ص 543.

4- معاني الأخبار: ص 175 ح 1 عن عبد الله بن الفضل الهاشمي، بحار الأنوار: ج 95 ص 301 ح 2.

به خود، نزدیک بگردان و دعا و درخواست نیکوی ما را اجابت کن.

ای آفریدگار ما! صدای ما را بشنو و جواب بده، و هنگامی که آدمیان نخستین و فرجامین را روز قیامت گرد آوردی، بر ما رحم کن، ای پروردگار من! پناهنده به تو عزیز و ثنای تو باشکوه است و معبودی غیر تو نیست».

849. امام صادق علیه السلام: جبرئیل علیه السلام نزد یوسف علیه السلام - که در زندان بود - آمد و به او گفت: ای یوسف! در پی هر نماز بگو: «خدایا! برایم گشایش و برون شوی قرار ده و مرا از آن جا که حساب می کنم و آن جا که حساب نمی کنم، روزی برسان».

850. معانی الأخبار - به نقل از عبد الله بن فضل هاشمی - به امام صادق علیه السلام گفتم: من بدهی فراوانی دارم و عیالوارم و نمی توانم به حج بروم. پس دعایی به من بیاموز تا آن را بخوانم.

فرمود: «در پی هر نماز واجب بگو: خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بدهی دنیایی و اخروی مرا ادا کن».

851. امام صادق علیه السلام: به سه چیز، توانایی شنیدن صدای مردمان داده شده است: بهشت، آتش دوزخ و حور العین. هنگامی که بنده نماز می خواند و می گوید: «خدایا! مرا از آتش برهان و به بهشت داخل کن و از حوری های بهشتی به همسری ام در آور»، آتش می گوید: «ای خدا! بنده ات از تو خواست که او را از من برهانی. برهانش» و بهشت می گوید: «ای خداوند! بنده ات از تو مرا خواست. او را در من جای بده» و حور العین می گویند: «ای خدا! بنده ات از ما خواستگاری کرد. او را به همسری ما در آور».

فَإِنْ هُوَ انصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئاً مِنْ هَذِهِ، قُلْنَ الْحَوْرُ الْعَيْنُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدُ فِينَا لَزَاهِدٌ، وَقَالَتِ الْجَنَّةُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدُ فِينِي لَزَاهِدٌ، وَقَالَتِ النَّارُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدُ فِينِي لَجَاهِلٌ. (1)

852. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ يُزَوَّلَ رُكْبَتَيْهِ (2): «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا وَاحِدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» عَشْرَ مَرَّاتٍ، مَحَا اللَّهُ عَنْهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سِتِّينَ، وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَكَانَ مِثْلَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَرَّةً. (3)

853. عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةً قَبْلَ أَنْ يَنْتَبِي رَجُلِيهِ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ، أُعْطِيَ مَا سَأَلَ. (4)

854. عنه عليه السلام: قُلْ بَعْدَ التَّسْلِيمِ: اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ 9.

ص: 570

- 1- الكافي: ج 3 ص 344 ح 22 عن داوود العجلي، بحار الأنوار: ج 86 ص 58 ح 62 وراجع الخصال: ص 202 ح 17 والجعفریات: ص 216 ومسند ابن حنبل: ج 4 ص 236 ح 12171 و المعجم الكبير: ج 8 ص 102 ح 7496.
- 2- قال المجلسي قدس سره: في النسخ: «رُكْبَتَيْهِ» بالنصب، وزال يزول لم يأت متعدياً، ويمكن أن يُقرأ متعدياً على بناء التفعيل؛ قال الجوهري: زال الشيء من مكانه يزول زوالاً وأزاله غيره ورؤله فانزال (بحار الأنوار: ج 86 ص 27).
- 3- المحاسن: ج 1 ص 123 ح 134 عن إسحاق بن عمّار، الكافي: ج 2 ص 519 ح 1 نحوه، المصباح للكفعمي: ص 35 من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، وفيه صدره، بحار الأنوار: ج 86 ص 27 ح 30؛ عمل اليوم والليلة لابن سني: ص 53 ح 136، سنن الترمذي: ج 5 ص 514 ح 3473 كلاهما عن تميم الداري عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.
- 4- الأمالي للصدوق: ص 249 ح 273 عن الحارث بن المغيرة النصري، فلاح السائل: ص 299 ح 198، بحار الأنوار: ج 86 ص 21 ح 19.

اما اگر نمازگزار از نمازش به سراغ کار دیگری رفت و اینها را از خدا نخواست، حوری ها می گویند: «این بنده به ما بی رغبت است» و بهشت می گوید: «این بنده به من بی رغبت است» و آتش می گوید: «این بنده نسبت به من جاهل است».

852. امام صادق علیه السلام: هر کس پس از فراغت از نماز و پیش از حرکت دادن زانوانش ده بار بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست؛ خدایی یکتا و بی نیاز که نه همسری برگرفته و نه فرزندی»، خداوند، چهل هزار هزار بدی [کوچک] او را محو می کند و چهل هزار هزار نیکی برایش می نویسد و مانند کسی است که دوازده بار قرآن را قرائت کرده است.

853. امام صادق علیه السلام: هر کس در پی هر نماز واجب و پیش از گشودن پاهایش، چهل مرتبه تسبیحات اربعه: «منزه است خدا و ستایش، ویژه خداست و خدایی جز خداوند نیست و خدا بزرگ تر است» را بگوید و سپس از خدا درخواست کند، آنچه خواسته، به او عطا می شود.

854. امام صادق علیه السلام: پس از سلام دادن بگو: «خدا بزرگ تر است. معبودی جز خدای یگانه بی همتا نیست. فرمان روایی و ستایش، از آن اوست. زنده می کند و می میراند

قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ؛ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (1)

855. عنه عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ فَقُلْ بِعَقِبِ صَلَاتِكَ: اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَإِيَّاكَ رَجَوْتُ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي صَلَاتِي وَدُعَائِي بَرَكَةً تُكْفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَتَحُطُّ بِهَا عَنِّي وَزْرِي، اللَّهُمَّ احْطُطْ عَنِّي وَزْرِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا. (2)

6/10 الدعاء المأثور عن الإمام أبي الحسن (ع)

856. الكافي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَأَيْتَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبْرِ صَلَوَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ لِي بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقُولُ: أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا. (3) 8.

ص: 572

- 1- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 106 ح 402 عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 67 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 48.
- 2- .دعائم الإسلام: ج 1 ص 169، بحار الأنوار: ج 86 ص 35 ح 41.
- 3- .الكافي: ج 3 ص 346 ح 28، المصباح للكفعمي: ص 28 عن الإمام الصادق عليه السلام، مصباح المتهجد: ص 51 ذيل ح 68، البلد الأمين: ص 9 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 48.

واوست زنده نامیرا. خیره دست اوست و وی بر هر کاری تواناست. معبودی جز خدای یکتا نیست. وعده اش راست بود و بنده اش را یاری کرد و به تنهایی، همه گروه ها را فراری داد. خدایا! در آن جا که اختلاف پیش می آید، مرا به اذن خودت به حق ره بنما، که تو هر که را بخواهی، به راه راست ره می نمایی».

855. امام صادق علیه السلام: هنگامی که نماز خواندی، بعد از نمازت بگو: «خدایا! برای تو نماز گزاردم و به تو ایمان آوردم و تو را خواندم و به تو امید می برم. پس، از تو می خواهم که در نماز و دعایم برکتی قرار دهی که بدی هایم را با آن پوشانی و رویم را با آن سپید کنی و جایگاهم را با آن گرامی بداری و با آن بارم را سبک کنی. خدایا! بار گناهم را از دوشم بردار و آنچه را نزد توست، خیر من قرار بده. ستایش، ویژه خدایی است که نمازی را از من ادا کرد که بر مؤمنان، واجب و معین شده است».

10/6 دعای روایت شده از امام رضا (ع)

10/6 دعای روایت شده از امام رضا (ع) (1)

856. الکافی - به نقل از علی بن مهزیار -: محمد بن ابراهیم به امام رضا علیه السلام نامه نوشت که: ای سرور من! اگر صلاح می بینی، دعایی به من بیاموز که اگر در پی نمازهایم بخوانم، خداوند برای من نیکی دنیا و آخرت را گرد آورد.

امام علیه السلام نوشت: «می گویی: "از بدی دنیا و آخرت و بدی همه دردها، به روی کریمانه ات و عزت زوال ناپذیرت، و قدرت مطلق که هیچ چیز در برابرش ثبات ندارد، پناه می برم"».

ص: 573

1- .کنیه «ابو الحسن» از آن امام کاظم، امام رضا و امام هادی علیهم السلام است؛ اما به اعتبار برخی قرینه ها، این جا امام رضا علیه السلام مراد است. (م)

857. الإمام الجواد عليه السلام: إِذَا انصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَقُلْ: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ أُنْمَةً، اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ فُلَانٌ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَامْدُدْ لَهُ فِي عُمْرِهِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ وَالْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ، وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَفِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَفِي شَيْعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَأَشْفِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ. (1)

858. فلاح السائل عن أحمد بن عبد الله بن خائبَةَ - فِي كِتَابِهِ الَّذِي صَدَّحَهُ الْإِمَامُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الصَّلَاةِ: «اللَّهُمَّ لَكَ صَدَّقْتُ وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَفِي صَلَاتِي وَدُعَائِي مَا عَلِمْتَ مِنَ التَّقْصَانِ وَالْعَجَلَةِ وَالسَّهْوِ وَالْغَفْلَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالنَّسْيَانِ وَالْمُدَافَعَةِ وَالرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةَ وَالرَّيْبَ وَالْفِكْرَةَ وَالشُّكَّ وَالْمَشْغَلَةَ وَالسَّنِيْعَةَ وَاللَّحْظَةَ الْمُلْهِبَةَ عَنِ إِقَامَةِ فَرَائِضِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ مَكَانَ تَقْصَانِهَا تَمَامًا، وَعَجَلَتِي تَثِيْتًا وَتَمَكُّنًا، وَسَهْوِي تَيَقُّظًا، وَغَفْلَتِي تَذَكُّرًا، وَكَسَلِي نَشَاطًا، وَفُتُورِي قُوَّةً، وَنَسْيَانِي مُحَافَظَةً، وَمُدَافَعَتِي مُوَاطَبَةً، وَرِيَائِي إِخْلَاصًا، وَسُمْعَتِي تَسْتِرًا، وَرَيْبِي بَيَانًا، وَفِكْرِي خُشُوعًا، وَشُكِّي يَقِينًا، وَتَشَاغُلِي فَرَاغًا، وَلِحَافِي 2.

ص: 574

1- الكافي: ج 2 ص 548 ح 6، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 327 ح 960 كلاهما عن محمد بن الفرج، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 109 ح 412 عن محمد بن سليمان الديلمي عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه؛ وفيه صدره إلى «وفلان أئمة»، بحار الأنوار: ج 86 ص 42 ح 52.

857. امام جواد علیه السلام: هنگامی که نماز واجبی را به پایان بردی، بگو: «خشنودم که خداوند، پروردگارم و محمد، پیامبرم و اسلام، دینم و قرآن، کتابم و فلان و فلان، امامانم هستند! خدایا ولایت، فلانی، را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ بفرما و بر عمرش بیفزا و او را قیام کننده به امرت و یاری دهنده دینت قرار ده و آنچه را دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود، در حق خودش، فرزندانش، خانواده و دارایی اش و در باره پیروان و دشمنانش، به او بنمای و از او به دشمنانش آن را نشان بده که از آن می هراسند و از آنان چیزی به او بنمای که دوست می دارد و چشمش به آن روشن می شود و سینه های ما و سینه افراد باایمان را شفا بده.

8/10 دعای روایت شده از امام عسکری(ع)

858. فلاح السائل - به نقل از احمد بن عبد الله بن خایه، در نوشته ای که به امام عسکری علیه السلام عرضه شد و ایشان آن را تأیید کردند - در دعای پس از پایان نماز می گویی: «خدایا! برای تو نماز خواندم و از تو درخواست کردم و حال نماز و دعایم را می دانی از: کاستی و شتاب و از یاد بردن و غفلت و کسالت و سستی و فراموشی و حالت جلوگیری [از پیشاب و مدفوع] و ریا و خودنمایی و دودلی و اندیشیدن [به غیر خدا] و شک و دل مشغولی و زشتی و نگاه های غافل کننده از برپایی فریضه هایت.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به جای کاستی هایش، کمال و به جای شتابم، درنگ و آرام گرفتن، و به جای از یاد بردنم، بیداری و به جای غفلتم، تذکر و به جای کسالتم، نشاط و به جای سستی ام، قدرت و به جای فراموشی ام، حفظ و به جای حالت جلوگیری ام، مواظبت و به جای ریایم، اخلاص و به جای خودنمایی ام، پوشیدگی و به جای دودلی ام، روشنی و به جای اشتغال فکری ام، خشوع و به جای

خُشوعاً، فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ، وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَمَا عِنْدَكَ طَلَبْتُ.

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَدُعَائِي رَحْمَةً وَبِرَكَّةً تُكْفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي، وَتُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي، وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَاتِي، وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَتَحُطُّ بِهَا وَزْرِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا يَنْقَطِعُ عَنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَى عَنِّي صَلَاتِي «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا» يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَهُ، اللَّهُمَّ كَمَا أَكْرَمْتَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَدْنَهُ عَنِ الْمَسَاءَةِ إِلَّا مِنْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِنُقْصَانِهَا وَمَا سَهَا عَنْهُ قَلْبِي مِنْهَا فَتَمِّمَهُ لِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ، وَأُولِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِدْقِهِمْ، وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَأَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسَالَتِهِمْ، وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمُؤَالَاتِهِمْ وَمَعْرِفَةِ حَقِّهِمْ، وَأَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ خَالِصاً مُخْلِصاً يُوَافِقُ مِنْكَ رَحْمَةً وَإِجَابَةً، وَافْعَلْ بِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ مِنْ خَيْرٍ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا ذَا الْمَنْنِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا،

شکم، یقین و به جای دل مشغولی ام، فراغت خاطر و به جای نگاه های غفلت زا، خشوع عنایت کن، که من برای تو نماز گزاردم و تو را خواندم و تنها تو را اراده کردم و به تو روی نموده و به تو ایمان آورده و بر تو توکل کرده و آنچه را نزد توست، خواسته ام.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و رحمت و برکتی در نماز و دعایم قرار بده که گناهانم را بپوشاند و نیکی هایم را چند برابر کند و درجه ام را بالا ببرد و جایگاهم را گرمی کند و رویم را سپید گرداند و بارم را از دوشم بردارد و آنچه را نزد خودت نگاه داشته ای، از آنچه از من بریده ای، بهتر قرار بده. ستایش، ویژه خدایی است که نمازم را ادا کرد که «نماز بر مؤمنان، نوشته و معین شده است»، ای مهربان ترین مهربانان.

ستایش، ویژه خدایی است که ما را به این [دین]، هدایت کرد و اگر هدایت الهی نبود، ما هرگز هدایت نمی یافتیم. خدا را ستایش که رویم را با سجده برای تنها او، گرمی داشت. خدایا! همان گونه که رویم را با سجده برای تنها خودت گرمی داشتی، بر محمد و خاندانش درود فرست و او را از درخواست جز از خودت نگاه دار. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و نمازم را به زیباترین وجه بپذیر و مرا به کاستی آن، مؤاخذه مکن و آنچه را در دل، متوجه آن نبوده ام، برایم کامل کن، به رحمتت، ای مهربان ترین مهربانان!

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ همان اختیارداران کار که به اطاعت از آنان فرمان دادی و بستگان و نزدیکانی که به پیوند با آنها فرمان دادی و خویشانی که به دوستی شان فرمان دادی و اهل ذکری که به پرسش از ایشان فرمان دادی و سرپرستانی که به پذیرش سرپرستی و شناخت حششان فرمان دادی و اهل بیته که پلیدی را از ایشان راندی و پاک و پاکیزه شان ساختی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و پاداش نمازم و پاداش گفتارم و پاداش نشستم را رضایت خودت و بهشت قرار بده و همه کارهایم را به دور از ریا و خالصانه قرار بده تا با رحمت و اجابت تو همراه شود و آنچه از نیکی از تو خواستم، انجام ده و از فضلت بر آن بیفزای، که من از مشتاقان تو هستم، ای مهربان ترین

يا ذَا النِّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى أَبَدًا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ آمَنَ بِكَ فَهَدَيْتَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ، وَسَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَرَغِبَ إِلَيْكَ فَأَرْضَيْتَهُ، وَأَخْلَصَ لَكَ فَأَنْجَيْتَهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَحْلِلْنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الدَّلِيلِ الْفَقِيرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي، وَتَقْلِبَنِي بِقَضَائِكَ جَمِيعَ حَوَائِجِي إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَعَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ أَمْرِ تَعَلَّمَ فِيهِ صَدَاحٌ أَمْرٍ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (1).

ص: 578

1- فلاح السائل: ص 327 ح 217، مصباح المتعجب: ص 80 ح 132 وص 241، البلد الامين: ص 22 كلها من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 54 ح 60 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن الإمام علي عليه السلام، وفيه صدره إلى «يا ارحم الراحمين».

مهربانان! ای منت دار نعمت های ناگسستی! ای دارای نیکی های همیشگی! ای صاحب نعمت های ناشمردنی! ای کریم، ای کریم، ای کریم! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از کسانی قرار ده که به تو ایمان آوردند و تو هدایتشان نمودی و بر تو توکل کردند و تو کفایتشان کردی و از تو خواستند و تو عطایشان کردی و به تو رغبت ورزیدند و تو راضی شان کردی و برای تو اخلاص ورزیدند و تو نجاتشان دادی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از فضل و بخشش، ما را در سرای اقامت، منزل بده که رنج و درماندگی در آن به ما نرسد. خدایا! از تو مانند گدایی خوار و فقیر می طلبم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و همه گناهانم را بیامری و مرا حاجت روا باز گردانی، که تو بر هر کاری توانایی. خدایا! آنچه را نطلبیدم و از خواستش ناتوان بودم و اندیشه ام به آن نرسید و از اموری است که می دانی صلاح کار دنیا و آخرت من در آن است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنها را برای من انجام بده. ای خدایی که جز تو معبودی نیست! به حق یگانگی و رحمت، این کارها را با عافیت همراه کن، که آنچه خدا بخواهد، می شود و نیرو و توانی جز از سوی خداوند نیست».

ص: 579

859. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنَ النَّاسِ الْأَمَانَةُ، وَأَخِيرُ مَا يَبْقَى الصَّلَاةُ، وَرُبَّ مُصَلٍّ لَا خَيْرَ فِيهِ. (1)

860. كتاب من لا يحضره الفقيه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: اللَّهُمَّ إِنِّي...

أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ. (2)

861. الإمام الصادق عليه السلام: الصَّلَاةُ وَكُلُّ بِهَا مَلَكٌ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُهَا، فَإِذَا فَرَعَ مِنْهَا قَبَضَهَا.

ص: 580

1- المعجم الصغير: ج 1 ص 138، شعب الإيمان: ج 4 ص 325 ح 5274 عن عمر بن الخطاب، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 118 ح 6603 عن أبي هريرة، تاريخ دمشق: ج 62 ص 377 ح 12879 كلاهما نحوه، سبل الهدى والرشاد: ج 10 ص 126 عن زيد بن ثابت وفيه «لا خلاق له عند الله» بدل «لا خير فيه»، كنز العمال: ج 3 ص 60 ح 5491، وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 549 ح 8538.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 335 ح 981 عن حفص البخترى، الكافي: ج 2 ص 585 ح 24، الأصول الستة عشر: ص 273 ح 388 كلاهما عن محمد بن يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص 321 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 187 ح 49؛ سنن أبي داود: ج 2 ص 92 ح 1548 عن أبي هريرة نحوه.

859. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی که از میان مردم برداشته می شود، امانت است و آخرین چیزی که باقی می ماند، نماز است و بسی نمازگزار که خیری در او نیست.

860. کتاب من لایحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از نماز صبح می گفت: «خدایا! من... از نفسی که سیر نشود و دلی که فروتنی نکند و چشمی که نگرید و دعایی که شنیده نشود و نمازی که سود نبخشد، به تو پناه می برم».

861. امام صادق علیه السلام: فرشته ای به نماز گمارده شده که کاری جز پرداختن به آن ندارد. هنگامی که نمازگزار از نماز فارغ می شود، فرشته آن را می گیرد و به بالا می برد. اگر

ثُمَّ صَدَّ عِدَّ بِهَا، فَإِنْ كَانَتْ مِمَّا تُقْبَلُ قُبِلَتْ، وَإِنْ كَانَتْ مِمَّا لَا تُقْبَلُ قِيلَ لَهُ: رُدَّهَا عَلَى عَبْدِي، فَيَنْزِلُ بِهَا حَتَّى يَضْرِبَ بِهَا وَجْهَهُ، ثُمَّ يَقُولُ: أُمَّ لَكَ! مَا يَزَالُ لَكَ عَمَلٌ يَعْنِينِي. (1)

2/11 مَنْ يُقْبَلُ بَعْضُ صَلَاتِهِ

862. السنن الكبرى للنسائي عن أبي اليسر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنْكُمْ مَنْ يُصَلِّي الصَّلَاةَ كَامِلَةً، وَمِنْكُمْ مَنْ يُصَلِّي النُّصْفَ وَالثُّلُثَ وَالرُّبْعَ وَالْخُمْسَ - حَتَّى بَلَغَ الْعَشْرَ -. (2)

863. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لِيُصَلِّي الصَّلَاةَ، لَا يُكْتَبُ لَهُ سُدُسُهَا (3) وَلَا عَشْرُهَا، وَإِنَّمَا يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا. (4)

864. الإمام الصادق عليه السلام: اشْغَلْ قَلْبَكَ بِصَلَاتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِكَ، حَتَّى إِنَّهُ رُبَّمَا قُبِلَ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ رُبْعُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ نِصْفُهَا. (5)

865. عنه عليه السلام: إِذَا أَحْرَمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَأَقْبَلِ عَلَيْهَا؛ فَإِنَّكَ إِذَا أَقْبَلْتَ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ، 1.

ص: 582

1- الكافي: ج 3 ص 488 ح 10 عن هارون بن خارجة، ثواب الأعمال: ص 274 ح 2 وفيه «يغنيني» بدل «يعنيني»، المحاسن: ج 1 ص 161 ح 231 كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 84 ص 262 ح 62.

2- السنن الكبرى للنسائي: ج 1 ص 212 ح 613، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 286 ح 15522، السنن الكبرى: ج 2 ص 399 ح 3527، سنن أبي داود: ج 1 ص 211 ح 796 عن عمار بن ياسر نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 511 ح 20012.

3- ثلثها (خ ل).

4- عوالي اللآلي: ج 1 ص 325 ح 65، بحار الأنوار: ج 84 ص 249 ح 41؛ تفسير الفخر الرازي: ج 23 ص 80، احياء العلوم: ج 1 ص 242 كلاهما عن معاذ بن جبل.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916، المحاسن: ج 2 ص 33 ح 1105 عن أبي بكر الحضرمي عن الإمام الباقر عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص 742 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 224 ح

از چیزهای قبول شدننی باشد، پذیرفته می گردد و اگر از نمازهای غیر قابل قبول باشد، به او گفته می شود: «آن را به بنده ام باز گردان» و او آن را پایین می آورد تا به صورت صاحبش بزند و سپس می گوید: وای بر تو! همواره عمل تو، مرا به زحمت می اندازد.

2/11 کسانی که بخشی از نمازشان پذیرفته می شود

862. السنن الکبری، نسایی- به نقل از ابو یسر-: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برخی از شما نماز کاملی می خوانند و برخی از شما نیم و یک سوم و یک چهارم و یک پنجم» و تا یک دهم هم رسید.

863. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده نماز می خواند و یک ششم (1) و حتی یک دهم آن را هم نمی نویسند. از نماز بنده، فقط آنچه را که توجّه دارد، می نویسند.

864. امام صادق علیه السلام: دلت را به نماز مشغول بدار که از نماز، جز آنچه با دلت به آن توجّه داشته ای، پذیرفته نمی شود. حتی گاه از نماز نمازگزار، یک چهارم و یک سوم و یک دوم آن پذیرفته می شود.

865. امام صادق علیه السلام: هنگامی که تکبیرة الإحرام نماز را گفتی، به آن توجّه داشته باش؛ زیرا تا هنگامی که به آن توجّه داری، خداوند به تو توجّه دارد و هنگامی که از او روی

ص: 583

1- در یک نسخه، «یک سوم» آمده است.

وَإِذَا أَعْرَضْتَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْكَ، فَزَبْمًا لَمْ يُرْفَعِ مِنَ الصَّلَاةِ إِلَّا النِّصْفُ أَوْ الثَّلَاثُ أَوْ الرَّبْعُ أَوْ السُّدُسُ، عَلَى قَدْرِ إِقْبَالِ الْمُصَلِّي عَلَى صَلَاتِهِ، وَلَا يُعْطِي اللَّهُ الْقَلْبَ الْغَافِلَ شَيْئًا. (1)

866. الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: إِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا، فَإِنْ أَوْهَمَهَا كُلَّهَا أَوْ غَفَلَ عَنْ أَدَائِهَا، لُفَّتْ فَضْرِبَ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا. (2)

راجع: ص 754 (حكمة النوافل).

3/11 موجبات قبول الصلاة

3/11-1 ولاية أهل البيت عليهم السلام

867. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ، وَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ دُعَاءَهُ. (3)

868. كفاية الأثر عن أنس بن مالك: كُنْتُ أَنَا وَأَبُو ذَرٍّ وَسَلَمَانُ وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ وَزَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَدَخَلَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَقَبَّلَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَامَ أَبُو ذَرٍّ.

ص: 584

-
- 1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 158، فقه الرضا: ص 103 عن العالم عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 266 ذيل ح 66.
 - 2- الكافي: ج 3 ص 363 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 342 ح 1417، منتقى الجمان: ج 2 ص 82 كلها عن الفضيل بن يسار، دعائم الإسلام: ج 1 ص 158، بحار الأنوار: ج 84 ص 265 ح 66 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 303 ح 916.
 - 3- بشارة المصطفى: ص 37، فضائل الشيعة: ص 41 ح 1، نهج الحق: ص 260، مئة منقبة: ص 149 كلها عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج 39 ص 277 ح 55؛ المناقب للخوارزمي: ص 72 ح 51 عن ابن عمر.

گرداندی، خداوند از تو روی می گرداند. گاه از نماز، جز نیم و یک سوم و یک چهارم و یک ششم بالا نمی رود، به اندازه توجّه نمازگزار به نمازش، و خداوند به دل غافل، چیزی عطا نمی کند.

866. امام باقر و امام صادق علیهما السلام: بهره ات از نماز، چیزی است که به آن توجّه داری. پس اگر همه آن را به وهم و خیال بگذرانند یا از انجام آن غفلت بورزد، نمازش را در هم می پیچند و به صورتش می زنند.

ر.ک: ص 755 (حکمت نافله ها).

11/3 اسباب پذیرش نماز

1-11/3 ولایت اهل بیت علیهم السلام

867. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس علی را دوست بدارد، خداوند، نماز و روزه و شب زنده داری اش را می پذیرد و دعایش را مستجاب می کند.

868. کفایة الأثر - به نقل از انس بن مالک - من و ابو ذر و سلمان و زید بن ثابت و زید بن ارقم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که حسن و حسین علیهما السلام وارد شدند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آنها را بوسید. ابو ذر برخاست و جلوی آن دو خم شد و دستشان را بوسید و سپس باز

ص: 585

فَانكَبَّ عَلَيْهِمَا وَقَبَّلَ أَيْدِيَهُمَا ثُمَّ رَجَعَ فَقَعَدَ مَعَنَا، فَقُلْنَا لَهُ سِرًّا: رَأَيْتَ رَجُلًا شَيْخًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُومُ إِلَى صَبِيَيْنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَيَنكَبُّ عَلَيْهِمَا وَيُقَبِّلُ أَيْدِيَهُمَا؟!!

فَقَالَ: نَعَمْ، لَوْ سَمِعْتُمْ مَا سَمِعْتُمْ فِيهِمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَفَعَلْتُمْ بِهِمَا أَكْثَرَ مِمَّا فَعَلْتُ. قُلْنَا: وَمَاذَا سَمِعْتَ يَا أَبَا ذَرٍّ؟

قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِعَلِيِّ وَلَهُمَا: يَا عَلِيُّ، وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَلَّى وَصَامَ حَتَّى يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي، إِذَا مَا نَفَعَ صَلَاتُهُ وَصَوْمُهُ إِلَّا جُبِّكُم. (1)

869. رسول الله صلى الله عليه وآله: مفتاح الصلاة الطهور، وتحريمها التكبير، وتحليلها التسليم، ولا يقبل الله صلاة بغير طهور، ولا صدقة من غلول.

وإن أعظم طهور الصلاة-التي لا يقبل الصلاة إلا به- ولا شيء من الطاعات مع فقده- موالاة محمد وأنه سيّد المرسلين، وموالاة عليّ وأنه سيّد الوصيين، وموالاة أوليائهما ومعاداة أعدائهما. (2)

870. المناقب لابن شهر آشوب عن أبي حازم: قَالَ رَجُلٌ لِرَبِّهِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا سَبَّ قَبُولَهَا [أَيَّ الصَّلَاةِ]؟ قَالَ: وَلَا يَتَنَا، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا. (3)

871. ثواب الأعمال عن سعيد بن أبي سعيد البلخي: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فِي كُلِّ وَقْتٍ صَلَاةٍ يُصَلِّيهَا مُصَلِّيًّا أَرْسَلَ رَحْمَةً لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُعْتَقِينَ، وَفِي 5.

ص: 586

1- كفاية الأثر: ص 70، إرشاد القلوب: ص 415، بحار الأنوار: ج 36 ص 301 ح 140.

2- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 521 ح 318، بحار الأنوار: ج 80 ص 316 ح 7.

3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 130، بحار الأنوار: ج 84 ص 244 ح 35.

گشت و با ما نشست. ما پنهانی به او گفتیم: پیرمردی را از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دیدی که به سوی دو پسر بچه هاشمی برخیزد و جلویشان خم شود و دستشان را ببوسد؟!

ابو ذر گفت: آری، اگر شما هم آنچه را من از پیامبر در باره ایندو شنیده ام، می شنیدید، بیشتر از آنچه من کردم، انجام می دادید.

گفتیم: چه شنیده ای، ای ابو ذر؟

گفت: شنیدم به علی و آن دو می فرماید: «ای علی! به خدا سوگند اگر مردی نماز بخواند و روزه بگیرد تا مانند مشک کهنه گردد، نماز و روزه اش برایش سودی ندارد، جز آن که شما را دوست داشته باشد».

869. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کلید نماز، طهارت است و حریم ساختن برای آن با تکبیر و پایان دادن و حلال کردن دیگر کارها، با سلام دادن است. خداوند، نماز بدون طهارت و صدقه از مال حرام را نمی پذیرد و بزرگ ترین طهارت معنوی برای نماز که نماز و طاعت های دیگر بدون آن قبول نمی شوند، ولایت مندی محمد به عنوان سرور فرستادگان الهی و ولایت مداری علی به عنوان سرور اوصیا و دوستی با دوستان این دو و دشمنی با دشمنان آن دو است.

870. المناقب، ابن شهر آشوب- به نقل از ابو حازم-: مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت:

وسيلة قبول نماز چیست؟ فرمود: «ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما».

871. ثواب الأعمال- به نقل از سعید بن ابی سعید بلخی-: شنیدم امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«خداوند عز و جل در هر وقت نماز که نمازگزاران نماز می خوانند، رحمتش را برای بندگان باایمان و معتقدش می فرستد و برای برخی از آنان لعنت می فرستد».

گفتم: فدایت شوم، چرا؟

ص: 587

بَعْضِ هَذَا الْخَلْقِ لَعْنَةً.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَلِمَ؟ قَالَ: بِجُحُودِهِمْ حَقَّنَا وَتَكْذِيبِهِمْ إِيَّانَا. (1)

3/11-2 الْوَرَعُ

872. رسول الله صلى الله عليه وآله: لو صدّ لبيئهم حتى تكونوا كأوتادٍ، وصدّ منكم حتى تكونوا كالحنايا (2)، لم يقبل الله منكم إلا بورعٍ حاجزٍ.

(3)

3/11-3 الصَّلَاةُ خَلْفَ الْوَرَعِ

873. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ خَلْفَ رَجُلٍ وَرَعٍ مَقْبُولَةٌ. (4)

3/11-4 زَكَاةُ الْمَالِ

874. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ. (5) 0.

ص: 588

-
- 1- ثواب الأعمال: ص 248 ح 8، علل الشرائع: ص 602 ح 62 نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 235 ح 49.
 - 2- الحنايا جمع حنيّة أو حنيّ: وهما القوس، فاعيل بمعنى مفعول؛ لأنها محنيّة أي معطوفة (النهاية: ج 1 ص 454 «حنا»).
 - 3- عدّة الداعي: ص 140، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 376 ح 2661، أعلام الدين: ص 199 كلاهما عن أبي ذرّ نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 87 ح 3 وراجع تفسير العيّاشي: ج 1 ص 68 ح 123 وتاريخ دمشق: ج 23 ص 132.
 - 4- الفردوس: ج 2 ص 405 ح 3802 عن البراء بن عازب، كنز العمال: ج 3 ص 427 ح 7283.
 - 5- الكافي: ج 3 ص 497 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 14 ح 1598، منتقى الجمان: ج 2 ص 358 كلّها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 3 ص 113 ح 3، وسائل الشيعة: ج 6 ص 3 ح 11390.

فرمود: «به خاطر انکار حقّ ما و تکذیب کردن ما».

2-11/3 پارسایی

872. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر نماز می خواندید تا چون میخ [، لاغر] می شدید و روزه می گرفتید تا چون کمان [خمیده] می شدید، خداوند از شما نمی پذیرفت جز با پروا از گناه.

3-11/3 نماز گزاردن پشت سر پارسا

873. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز پشت سر مرد پارسا، پذیرفته است.

4-11/3 پرداخت زکات

874. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مسلمانان! زکات دارایی هایتان را بدهید، نمازتان قبول می شود.

ص: 589

875. عنه صلى الله عليه وآله: لا تَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِزَكَاةٍ، وَلَا تُقْبَلُ صَدَقَةٌ مِنْ غُلُولٍ (1)، وَلَا صَلَاةٌ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ، وَلَا زَكَاةٌ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ. (2)

راجع: ص 594 (موانع قبول الصلاة/منع الزكاة).

3/11-5 وَهَذِهِ الْأُمُورُ

876. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا أُنْقَبِلُ الصَّلَاةَ مِنْ مَنْ تَوَاضَعَ لِعَظْمَتِي، وَلَمْ يَتَعَاطَمْ عَلَيَّ خَلْقِي، وَكَفَّتْ نَفْسُهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي، فَقَطَعَ نَهَارَهُ بِذِكْرِي، وَلَمْ يَبْتَ مُصِيراً عَلَى خَطِيئَةٍ، يُطْعِمُ الْجَائِعَ وَيَكْسُو الْعَارِيَّ، وَيَرْحَمُ الضَّعِيفَ وَيَأْوِي الْغَرِيبَ، فَذَلِكَ الَّذِي يُضِيءُ وَجْهَهُ كَمَا يُضِيءُ نَوْرُ الشَّمْسِ، يَدْعُونِي فَأَلْبِي، وَيَسْأَلْنِي فَأُعْطِي، وَيَقْسِمُ عَلَيَّ فَأُبْرِقَسَمَهُ، أَجْعَلُ لَهُ فِي الْجِهَالَةِ عِلْماً، وَفِي الظُّلْمَةِ نُوراً، أَكَلُّهُ (3) بِقُوَّتِي، وَأَسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي، فَمَثَلُهُ عِنْدِي كَمَثَلِ الْفِرْدَوْسِ فِي الْجَنَانِ، لَا تَيْبَسُ ثِمَارُهَا وَلَا يَتَغَيَّرُ حَالُهَا. (4)

877. الإمام الصادق عليه السلام: -فِي بَيَانِ مَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ-: كَانَ فِيمَا نَاجَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا مُوسَى، لَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظْمَتِي، وَالزَّمَ قَلْبَهُ خَوْفِي، وَقَطَعَ 6.

ص: 590

1- الغلول: هو الخيانة في المغنم، والسرقه من الغنيمه قبل القسمة (النهاية: ج 3 ص 380 «غلل»).

2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 247 عن الإمام علي عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 96 ح 212 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه ذيله من «ولا صلاة لمن...»، بحار الأنوار: ج 96 ص 29 ح 56 وراجع المصنّف لعبد الرزاق: ج 4 ص 109 ح 7149.

3- الكلاءة: الحفظ والحراسة (النهاية: ج 4 ص 194 «كلاء»).

4- حلية الأولياء: ج 4 ص 18 عن ابن عباس، التاريخ الكبير: ج 8 ص 15 ح 1981 عن المازني من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 530 ح 20104 نقلاً عن الديلمي عن حارثة بن وهب نحوه، المحاسن: ج 1 ص 79 ح 44 عن ابن القداح، تحف العقول: ص 306 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 391 ح 66.

875. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز جز با پرداخت زکات، کامل نمی شود و صدقه از مال حرام قبول نمی شود، و کسی که زکات نمی دهد، نمازی ندارد و کسی که پارسایی ندارد، زکاتش قبول نمی شود.

ر.ك:ص 595 (موانع قبول نماز/زکات ندادن).

5-11/3 و این چند سبب

876. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند-تبارك و تعالی- می فرماید: «نماز را تنها از کسی می پذیرم که در برابر بزرگی من، سر فرود آورد، بر آفریده های من بزرگی نکند، خود را به خاطر خشنودی من، از شهوت ها نگه دارد و روزش را با یاد من سپری کند و شب را با پافشاری بر گناه نیارامد، گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند، بر ناتوان رحم آورد و غریب را پناه دهد. پس چهره این شخص چون خورشید می درخشد. مرا می خواند و پاسخش می دهد. از من درخواست می کند و [به او] می دهد. به من، سوگند یاد می کند و سوگندش را نیکو می گردانم. برایش در نادانی، علمی قرار می دهد و در تاریکی، نوری. او را با توانم نگاهداری می کنم و با فرشتگانم نگهبانی اش می نمایم.

حکایت او نزد من، حکایت باغ های بهشت است که میوه هایش خشک نمی شوند و حالتشان دگرگون نمی گردد».

877. امام صادق علیه السلام- در بیان آنچه خداوند در مناجات با موسی علیه السلام به او فرمود-: ای موسی! نماز را نمی پذیرم، جز از کسی که در برابر بزرگی من، سر فرود آورده، ترس از مرا

ص: 591

نَهَارُهُ بِذِكْرِي، وَلَمْ يَبْتَ مُصِرًّا عَلَى الْخَطِيئَةِ، وَعَرَفَ حَقَّ أَوْلِيَائِي وَأَحِبَّائِي. (1)

4/11 مَوَانِعُ قَبُولِ الصَّلَاةِ

4/11-1 بُعْضُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

878. الإمام الصادق عليه السلام: لا يُبَالِي النَّاصِبُ صَلَّى أُمُّ زَيْنَى، وَهَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيهِمْ: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً». (2)

879. عنه عليه السلام: النَّاصِبُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُبَالِي صَامَ أُمُّ صَلَّى، زَيْنَى أُمُّ سَرَقٍ، إِنَّهُ فِي النَّارِ، إِنَّهُ فِي النَّارِ! (3)

4/11-2 الرِّبَاءُ

880. الإمام علي عليه السلام: - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يُرَاؤُونَ* وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» -: يُرَاؤُونَ بِصَلَاتِهِمْ. (4) م.

ص: 592

-
- 1- معاني الأخبار: ص 54 ح 1، الأُمالي للصدوق: ص 764 ح 1028، تفسير القمي: ج 1 ص 243 كلَّها عن حفص بن غياث النخعي، التحصين لابن فهد: ص 5 ح 1 نحوه، مشارق أنوار اليقين: ص 149 من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام: وليس فيه «وأحبائي»، بحار الأنوار: ج 13 ص 338 ح 14؛ احياء العلوم: ج 3 ص 495 من دون اسناد إلى أحد من اهل البيت عليهم السلام نحوه.
 - 2- الكافي: ج 8 ص 160 ح 162، بحار الأنوار: ج 8 ص 356 ح 12 وراجع رجال النجاشي: ج 2 ص 224 الرقم 900.
 - 3- ثواب الأعمال: ص 251 ح 18، بحار الأنوار: ج 27 ص 235 ح 51 وراجع رجال النجاشي: ج 2 ص 224 الرقم 900.
 - 4- تفسير الطبري: ج 15 الجزء الثلاثون ص 313، المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 585 ح 3977، السنن الكبرى للبيهقي: ج 4 ص 308 ح 7794 كلاهما عن مجاهد نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 556 ح 4720؛ التبيان في تفسير القرآن: ج 10 ص 415 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

همنشین دلش ساخته، روزش را با یاد من سپری کرده، شبش را با پافشاری بر خطا به روز نبرده و حقّ اولیا و دوستان مرا شناخته است.

4/11 موانع قبول نماز

1-4/11 دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

878. امام صادق علیه السلام: آن که پرچم دشمنی [با اهل بیت علیهم السلام] را بر افراشته است، تفاوت نمی کند که نماز بخواند یا زنا کند، و این آیه در باره این گونه افراد نازل شده است: «کار کرده و رنج [بیهوده] کشیده، در آتشی سوزان وارد می شود».

879. امام صادق علیه السلام: آن که پرچم دشمنی با ما اهل بیت را بر افراشته، فرقی ندارد که نماز بخواند یا زنا کند و یا دزدی نماید. او در آتش است، او در آتش است.

2-4/11 ریا

880. امام علی علیه السلام - در باره سخن خدای متعال: «ریا می کنند و از زکات دریغ می دارند» - در نمازشان ریا می کنند.

ص: 593

881. سنن ابن ماجة عن أبي سعيد عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا- اخبركم بما هو أخوف عليكم عندي من المسيح الدجال؟ قال: قلنا: بلى.

فقال: الشرك الخفي؛ أن يقوم الرجل يصلي، فيزيئ صلاته لما يرى من نظر رجل. (1)

3-4/11 منغ الزكاة

882. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يقبل الله صلاة رجل لا يؤدي الزكاة حتى يجمعهما، فإن الله تعالى قد جمعهما، فلا تفرقوا بينهما. (2)

883. الإمام الباقر عليه السلام: إن الله عز وجل قرن الزكاة بالصلاة فقال: «أقيموا الصلاة وآتوا الزكاة» (3)، فمن أقام الصلاة ولم يؤت الزكاة لم يقيم الصلاة. (4)

884. الكافي عن علي بن حسان عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق عليه السلام: صدالة مكتوبة خير من عشرين حجة، وحجة خير من بيت مملوء ذهباً ينفقه في بر حتى ينفد.

قال: ثم قال: ولا أفلح من صبع عشرين بيتاً من ذهب بخمسة وعشرين درهماً.

فقلت: وما معنى خمسة وعشرين درهماً؟4.

ص: 594

1- .سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1406 ح 4204، تفسير القرطبي: ج 5 ص 181، كنز العمال: ج 3 ص 468 ح 7468 وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 365 ح 7936.

2- .حلية الأولياء: ج 9 ص 250، الفردوس: ج 5 ص 133 ح 7725 كلاهما عن أنس بن مالك، كنز العمال: ج 6 ص 298 ح 15788.

3- .البقرة: 43، وأيضاً في سبعة موارد أخرى من القرآن الكريم.

4- .الكافي: ج 3 ص 506 ح 23، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 10 ح 1584، منتقى الجمان: ج 2 ص 360 كلها عن معروف بن خربوذ، وسائل الشيعة: ج 6 ص 11 ح 11424 وراجع المصنّف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 7 ح 1 والمعجم الكبير: ج 9 ص 199 ح 8974.

881. سنن ابن ماجه - به نقل از ابو سعید - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا از چیزی باخبرتان کنم که از آن بر شما بیمناک تر هستم از مسیح دجال؟».

گفتیم: آری.

فرمود: «شرك پنهان: نمازگزار به نماز می ایستد و چون می بیند کسی او را می نگیرد، نمازش را می آراید».

3-11/4 زکات ندادن

882. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل، نماز کسی را که زکات نپردازد، نمی پذیرد تا آن گاه که میان هر دو جمع کند؛ چرا که خداوند متعال، میان آن دو، جمع کرده است. پس میان آن دو، جدایی میندازید.

883. امام باقر علیه السلام: همانا خداوند عز و جل، نماز را با زکات همراه کرده و گفته است: «نماز بر پا دارید و زکات نپردازید». (1) پس هر کس نماز بر پا دارد و زکات ندهد، نماز هم بر پا نکرده است.

884. الکافی - به نقل از علی بن حسان، از برخی یارانش - : امام صادق علیه السلام فرمود: «یک نماز واجب، بهتر از بیست حج است و یک حج، بهتر از انفاق یک خانه پر از طلا در راه خیر است» و سپس فرمود: «و کسی که بیست خانه طلا را به خاطر بیست و پنج درهم تباه کند، رستگار نمی شود».

گفتم: معنای بیست و پنج درهم (2) چیست؟

ص: 595

1- در هفت جای دیگر قرآن کریم نیز این همراهی به چشم می خورد.

2- بیست و پنج درهم، مقدار زکات واجب در هزار درهم است.

قال: مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ وَقَفَّتْ صَلَاتُهُ حَتَّى يُزَكِّيَ. (1)

885. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الزَّكَاةَ لَيْسَ يُحْمَدُ بِهَا صَاحِبُهَا وَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ ظَاهِرٌ، إِنَّمَا حَقَّنَ بِهَا دَمَهُ وَسَمِّيَ بِهَا مُسْلِمًا، وَلَوْ لَمْ يُؤَدِّهَا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ. (2)

4-11/4 ظَلَمَ النَّاسِ

886. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ أَنْ يَا أَخَا الْمُرْسَلِينَ وَيَا أَخَا الْمُنْذِرِينَ، أَنْذِرْ قَوْمَكَ لَا يَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي وَلَا أَحَدٍ مِنْ عِبَادِي عِنْدَ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَظْلَمَةٌ، فَإِنِّي أَلْعَنُهُ مَا دَامَ قَائِمًا يُصَلِّي بَيْنَ يَدَيَّ، حَتَّى يَرُدَّ تِلْكَ الْمَظْلَمَةَ. (3)

5-11/4 شَرِبُ الْخَمْرِ

الكتاب:

«لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى». (4)

الحديث:

887. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ شَرِبَ خَمْرًا حَتَّى يَسْكُرَ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ 3.

ص: 596

1- الكافي: ج 3 ص 505 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 112 ح 330، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 12 ح 1594، وسائل الشيعة: ج 6 ص 14 ح 11439.

2- الكافي: ج 3 ص 499 ح 9 عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 6 ص 18 ح 11452.

3- عدّة الداعي: ص 129، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 53، أعلام الدين: ص 136 نحوه وكلاهما عن حذيفة بن اليمان، بحار الأنوار: ج 84 ص

257 ح 55؛ تفسير القرطبي: ج 2 ص 115، تفسير الثعلبي: ج 1 ص 272 كلاهما عن حذيفة بن اليمان نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 933

ح 43600 وراجع الأمالي للمفيد: ص 133 ح 1.

4- النساء: 43.

فرمود: «هر کس زکات ندهد، نمازش را نگاه می دارند تا زکاتش را بدهد».⁽¹⁾

885. امام صادق علیه السلام: پرداخت کننده زکات، مدح و ثنا نمی شود؛ زیرا آن حقی آشکار است و تنها با پرداخت آن، خوش محترم شمرده می شود و مسلمانش می نامند و اگر آن را نپردازد، نمازش قبول نمی شود.

4-11/4 ستم به مردم

886. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به من وحی کرد که: «ای از تبار رسولان و بیم دهندگان! قومت را بترسان از این که به خانه ای از خانه های من وارد شوند، در حالی که چیزی از بندگانم به ستم نزد آنها باشد، که تا در پیشگاهم به نماز ایستاده، لعنتش می کنم تا آن که آنچه را به ستم گرفته است، باز گرداند».

4-11/5 باده نوشی

قرآن

«به نماز در حالت ناهشیاری، نزدیک نشوید».

حدیث

887. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نماز کسی را که شراب می نوشد و مست می کند، تا چهل

ص: 597

1- یعنی کسی که زکات واجبش را نپردازد، نمازش قبول نمی شود و چون نماز از بیست حجج برتر است و هر حجی بهتر از انفاق بیست خانه طلاست، امام علیه السلام با این مقایسه بیان نموده کسی که بیست و پنج درهم زکات واجبش را ندهد، نماز را و در نتیجه انفاق بیست خانه پر از طلا را از دست داده است.

888. عنه صلى الله عليه وآله: شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ كَافِرًا. (2)

889. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشَارِبِ الْخَمْرِ صَلَاةً مَا دَامَ فِي جَسَدِهِ مِنْهَا شَيْءٌ. (3)

890. جامع الأخبار: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ! مَنْ شَرِبَ شَرْبَةً مِنْ مُسْكِرٍ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً، وَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَمَنْ شَرِبَ شَرْبَتَيْنِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ ثَمَانِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً، وَمَنْ شَرِبَ مِنْهَا ثَلَاثَ شَرِبَاتٍ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ مِئَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً، وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ رَدْعَةِ الْخَبَالِ.

قيل: وما هي يا رسول الله؟

قال: صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ وَقِيحُهُمْ. (4) 6.

ص: 598

1- .الكافي: ج 6 ص 401 ح 10 عن أبي بصير، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 107 ح 465 عن سماعة وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، معاني الأخبار: ص 164 ح 2 عن سعد الإسكاف عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 79 ص 135 ح 29؛ سنن الترمذي: ج 4 ص 290 ح 1862 عن عبد الله بن عمر، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 589 ح 6655 عن عبد الله بن عمرو وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 5 ص 342 ح 13143.

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 354 ح 5762 عن حماد بن عمرو، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 320 ح 2656 كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص 426 ح 1188، بحار الأنوار: ج 77 ص 47 ح 3؛ السنن الكبرى للنسائي: ج 3 ص 230 ح 5179 عن عبد الله بن عمرو، المعجم الكبير: ج 12 ص 309 ح 13492 عن ابن عمر وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 5 ص 353 ح 13204.

3- .التاريخ الكبير: ج 1 ص 354 ح 1116، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 303 ح 983، المطالب العالية: ج 2 ص 105 ح 1779، الفردوس: ج 5 ص 134 ح 7727 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 5 ص 365 ح 13254.

4- .جامع الأخبار: ص 421 ح 1168، بحار الأنوار: ج 79 ص 147 ح 58؛ سنن الترمذي: ج 4 ص 290 ح 1862 عن عبد الله بن عمر، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1120 ح 3377، سنن الدارمي: ج 1 ص 546 ح 2016 كلاهما عن عبد الله بن عمرو، مسند الشاميين: ج 2 ص 374 ح 1526 عن عائشة وكلها نحوه، كنز العمال: ج 5 ص 354 ح 13206.

888. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نماز شرابخوار را تا چهل روز نمی پذیرد و اگر او در این چهل روز بمیرد، کافر مرده است.

889. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نمازی را از شرابخوار نمی پذیرد تا آن گاه که چیزی از شراب در پیکرش باشد.

890. جامع الأخبار: پیامبر خدا فرمود: «سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت! هر کس يك بار نوشیدنی مست کننده بنوشد، نمازش تا چهل شبانه روز قبول نمی شود؛ ولی اگر به سوی خدا باز گردد، خدا نیز به سوی او باز می گردد، و هر کس دو بار بنوشد، خداوند متعال نمازش را تا هشتاد شبانه روز نمی پذیرد و هر کس سه بار بنوشد، خدای متعال، نمازش را تا صد و بیست روز قبول نمی کند و حق خدای متعال است که از "رَدغَةُ خَبَال" به او بنوشاند».

گفته شد: آن چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «چرکابه زخم دوزخیان».

ص: 599

1- در جامع الأخبار (ص 421 ح 1168) افزوده است: «ولی اگر باز گردد، خدا هم به سوی او باز می گردد».

891. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَجَعَلَهَا فِي بَطْنِهِ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ سَبْعًا؛ إِنْ مَاتَ فِيهِنَّ مَاتَ كَافِرًا، فَإِنْ أَذْهَبَتْ عَقْلَهُ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْفَرَائِضِ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛ إِنْ مَاتَ فِيهِنَّ مَاتَ كَافِرًا. (1)

892. ثواب الأعمال عن أبي الصَّحَّارِيِّ عن الإمام الصادق عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَارِبِ الْخَمْرِ، قَالَ: لَا تُقْبَلُ مِنْهُ صَلَاةٌ مَا دَامَ فِي عُرْوِقِهِ مِنْهَا شَيْءٌ. (2)

893. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛ فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً، وَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ. (3)

894. الكافي عن الحسين بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا رُؤِينَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ تُحْتَسَبْ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا».

قَالَ: فَقَالَ: صَدَقُوا. قُلْتُ: وَكَيْفَ لَا تُحْتَسَبُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَّرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَبْرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَبْرًا عَاقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَبْرًا مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَهُوَ إِذَا شَرِبَ الْخَمْرَ بَقِيَتْ 4.

ص: 600

1- .السنن الكبرى للنسائي: ج 3 ص 229 ح 5179، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 508 ح 2 كلاهما عن عبد الله بن عمرو، المعجم الكبير: ج 12 ص 309 ح 13492 عن ابن عمر وفيه «أذهلت» بدل «أذهبت»، كنز العمال: ج 5 ص 353 ح 13204؛ الكافي: ج 6 ص 401 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 107 ح 466 كلاهما عن عمرو بن شمر عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، وسائل الشيعة: ج 17 ص 262 ح 32023.

2- . ثواب الأعمال: ص 291 ح 7، بحار الأنوار: ج 79 ص 139 ح 44؛ السنن الكبرى للنسائي: ج 3 ص 229 ح 5178 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، الآحاد والمثاني: ج 2 ص 106 ح 810 عن سالم بن عبد الله عن أبيه وكلاهما نحوه.

3- . الكافي: ج 6 ص 400 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 106 ح 459 كلاهما عن داوود بن الحصين، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 57 ح 5089 عن الإمام علي عليه السلام، ثواب الأعمال: ص 292 ح 14 عن عمار بن موسى والثلاثة الأخيرة نحوه، وسائل الشيعة: ج 17 ص 257 ح 32004.

891. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شراب بنوشد و آن را در شکمش قرار دهد، نمازش تا هفت روز قبول نمی شود و اگر در این مدّت بمیرد، کافر مرده است و اگر آن قدر بنوشد که عقلش، ادای فرائض را نفهمد، نمازش تا چهل روز پذیرفته نمی شود و اگر در این مدّت بمیرد، کافر مرده است.

892. ثواب الأعمال - به نقل از ابو صحاری - از ایشان (امام صادق علیه السلام) در باره شرابخوار پرسیدم. فرمود: «تا آن گاه که چیزی از آن در رگ هایش باشد، نمازش قبول نمی شود».

893. امام صادق علیه السلام: هر کس مست کننده ای بنوشد، نمازش تا چهل روز قبول نمی شود و اگر در این چهل روز بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است؛ ولی اگر به سوی خدا باز گردد، خدا نیز به سوی او باز می گردد.

894. الکافی - به نقل از حسین بن خالد - به امام رضا علیه السلام گفتم: از پیامبر صلی الله علیه و آله برایمان روایت شده که فرموده است: «هر کس شراب بنوشد، نمازش تا چهل روز برایش حساب نمی شود».

فرمود: «راست گفته اند».

گفتم: چرا تا چهل روز، و نه کمتر و بیشتر، نمازش به حساب نمی آید؟

فرمود: «خداوند، آفرینش انسان را تقدیر کرد و او را در چهل روز نطفه قرار داد و سپس آن را به حالتی دیگر منتقل نمود و در چهل روز، علقه (خون بسته شده) نمود و پس از آن در چهل روز به حالت مُضغِه (گوشت کوفته شده) در آورد و هنگامی که کسی شراب می نوشد، اثر آن تا چهل روز در سر استخوان هایش

في مُشَاهِدِهِ (1) أَرْبَعِينَ يَوْمًا عَلَى قَدْرِ انْتِقَالِ خَلْقَتِهِ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَكَذَلِكَ جَمِيعُ غِذَائِهِ أَكَلَهُ وَشُرِبَهُ يَبْقَى فِي مُشَاهِدِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. (2)

4/11-6 غِيَّةُ الْمُسْلِمِ

895. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلِيَدَةً، إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ. (3)

4/11-7 أَكَلُ الْحَرَامِ

896. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. (4)

897. عنه صلى الله عليه وآله -لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْعَالِيَةِ-: مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ، فَلَيْسَ جِلْبَابًا- يَعْنِي قَمِيصًا- لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ حَتَّى يُنْحِيَ ذَلِكَ الْجِلْبَابَ عَنْهُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَكْرَمُ وَأَجَلُّ- يَا أَخَا الْعَالِيَةِ- مِنْ أَنْ يَتَقَبَّلَ عَمَلَ رَجُلٍ أَوْ صَلَاتَهُ وَعَلَيْهِ جِلْبَابٌ مِنْ حَرَامٍ. (5) 8.

ص: 602

-
- 1- المشاش: عظيم رؤوس العظام، كالمرفقين والكتفين والركبتين (النهاية: ج 4 ص 333 «مشش»).
 - 2- الكافي: ج 6 ص 402 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 108 ح 468، علل الشرائع: ص 345 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 53 ح 1157 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 60 ص 357 ح 41.
 - 3- جامع الأخبار: ص 412 ح 1141، بحار الأنوار: ج 75 ص 258 ح 53.
 - 4- الفردوس: ج 3 ص 591 ح 5853 عن ابن مسعود، كنز العمال: ج 4 ص 15 ح 9266؛ بحار الأنوار: ج 66 ص 314 ح 7.
 - 5- مسند البزار: ج 3 ص 61 ح 819 عن أبي الجنوب عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 3 ص 678 ح 8438.

می ماند، به اندازه دوره های دگرگونی خلقتش».

سپس فرمود: «و همین گونه همه آنچه می خورد و می نوشد، تا چهل روز [اثرش] در سر استخوان هایش می ماند».

6-4/11 غیبت مسلمان

895. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال، نماز و روزه غیبت کننده از مرد یا زن مسلمان را تا چهل شبانه روز نمی پذیرد، مگر این که غیبت شونده از او در گذرد.

7-4/11 حرامخواری

896. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس يك لقمه حرام بخورد، نمازش تا چهل شب قبول نمی شود و دعایش تا چهل روز مستجاب نمی گردد.

897. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -خطاب به مردی از اهل عالیه-: هر کس از راه حرام به مالی دست یابد و با آن، لباسی -یعنی پیراهنی- برای خود تهیه کند، نمازش قبول نمی شود تا آن که آن لباس را از خود دور کند. خداوند-تبارک و تعالی- گرامی تر و باشکوه تر از این است که-ای برادر اهل عالیه-عمل و یا نماز کسی را قبول کند که لباسی از حرام پوشیده است.

ص: 603

898. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اشْتَرَى ثَوْبًا بِعَشْرَةِ دَرَاهِمٍ وَفِيهِ دِرْهَمٌ حَرَامٌ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً مَا دَامَ عَلَيْهِ. (1)

899. الإمام عليّ عليه السلام: انْظُرْ فِيمَا تُصَلِّيَ وَعَلَى مَا تُصَلِّي، إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَحِلَّهُ فَلَا قَبُولَ. (2)

4/11-8 إِيذَاءُ الزَّوْجِ

900. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَتَرْضِيَهُ، وَإِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ، وَقَامَتِ اللَّيْلَ، وَأَعْتَقَتِ الرَّقَابَ، وَأَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ. (3)

901. الإمام الصادق عليه السلام: أَيَّمَا امْرَأَةٍ بَاتَتْ وَزَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ فِي حَقِّ، لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا. (4)5.

ص: 604

1- .مسند ابن حنبل: ج 2 ص 417 ح 5736، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 267 ح 849، تاريخ بغداد: ج 14 ص 21 الرقم 7352، شعب الإيمان: ج 5 ص 142 ح 6114، تاريخ دمشق: ج 11 ص 242 ح 2798 كلّها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 4 ص 14 ح 9264.

2- .تحف العقول: ص 174، بشارة المصطفى: ص 28 عن كميل بن زياد وليس فيه «و على ما تصلّى»، بحار الأنوار: ج 83 ص 284 ح 7.
3- .ثواب الأعمال: ص 335 ح 1، أعلام الدين: ص 414 كلاهما عن عبد الله بن عباس، بحار الأنوار: ج 76 ص 363 ح 30 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 14 ح 4968.

4- .الكافي: ج 5 ص 507 ح 2 عن سعد بن أبي عمرو والجلاب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 439 ح 4519 عن سعد بن عمر الجلاب، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 465 ح 1583، وسائل الشيعة: ج 2 ص 962 ح 3810 وراجع مسائل علي بن جعفر: ص 185 ح 364 و معاني الأخبار: ص 404 ح 75.

898. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جامه ای به ده درهم بخرد و یک درهمش حرام باشد، خداوند تا هنگامی که در بر اوست، نمازش را نمی پذیرد.

899. امام علی علیه السلام: بنگر در چه [جامه ای] نماز می خوانی و بر چه نماز می گزاری. اگر از راه و روش حلالش نباشد، پذیرفتنی نیست.

8-11/4 آزار دادن همسر

900. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس زنی دارد که آزارش می دهد، خداوند، نماز و هیچ یک از نیکی های آن زن را نمی پذیرد تا آن که به شوهرش کمک کند و او را از خود راضی کند، حتی اگر همیشه روزگار را روزه بگیرد و شب زنده داری کند و بندگان آزاد کند و اموالی را در راه خدا انفاق کند، و او نخستین کسی است که به آتش وارد می شود.

901. امام صادق علیه السلام: هر زنی بیارآمد، در حالی که شوهرش از او در حقی خشمگین است، نمازش پذیرفته نیست، مگر شوهر راضی شود.

ص: 605

902. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظْرَ مَاقِتٍ (1) وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً. (2)

4/11-10 زِينَةُ الْمَرْأَةِ لِغَيْرِ زَوْجِهَا

903. الإمام الصادق عليه السلام: أَيَّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا، لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا. (3)

4/11-11 النَّظَرُ الْمُحَرَّمَةُ

904. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ نَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ مُتَعَمِّدًا، لَمْ يَتَقَبَّلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. (4)

905. عدّة الداعي: فيما أوحى الله تعالى إلى داوود عليه السلام: لَرُبَّمَا صَلَّى الْعَبْدُ فَأَصْرَبُ بِهَا وَجْهَهُ وَأَحْجُبُ عَنِّي صَوْتَهُ، أَتَدْرِي مَنْ ذَلِكَ يَا دَاوُودُ؟ ذَلِكَ الَّذِي يُكْثِرُ الْإِلْتِمَاتِرَ.

ص: 606

1- .المقت: البغض (مجمع البحرين: ج 3 ص 1709 «مقت»).

2- .الكافي: ج 2 ص 349 ح 5، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 208، منتقى الجمان: ج 2 ص 35 كلّها عن سيف بن عميرة، ارشاد القلوب: ج 1 ص 179، مشكاة الأنوار: ص 284 ح 860، بحار الأنوار: ج 74 ص 61 ح 26.

3- .الكافي: ج 5 ص 507 ح 2 عن سعد بن أبي عمرو الجلاب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 440 ح 4521، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 465 ح 1585، وسائل الشيعة: ج 2 ص 962 ح 3810؛ مسند ابن حنبل: ج 3 ص 450 ح 9733، مسند الطيالسي: ص 333 ح 2557 وفيه «للمسجد» بدل «لغير زوجها» وكلاهما عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 392 ح 45067.

4- .تاريخ أصبهان: ج 2 ص 279 ح 1720، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 1326 ح 4002 نحوه، بغية الطلب: ج 3 ص 1118 كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 5 ص 330 ح 13078 نقلاً عن ابن عساكر.

902. امام صادق علیه السلام: کسی که به پدر و مادرش کینه توزانه بنگرد، حتی اگر بر او ستمکار باشند، خداوند، نمازی را از او نمی پذیرد.

10-4/11 خودآرایی زن برای غیر شوهر

903. امام صادق علیه السلام: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوش بو کند، نمازش پذیرفته نمی شود تا آن گاه که از آن بوی خوش، غسل کند، همچون غسل جنابت.

11-4/11 نگاه ناپاک

904. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به عمد به عورت برادرش بنگرد، خداوند، نمازش را تا چهل شب نمی پذیرد.

905. عدّة الداعی - در بیان آنچه خداوند متعال به داوود وحی کرد-: بسا که بنده نماز می گزارد. پس آن را به صورتش می زنم و از شنیدن صدایش، خودداری می کنم. ای داوود! آیا می دانی آن چه کسی است؟ آن کسی است که با چشم ناپاک به حرم

إلى حَرَمِ الْمُؤْمِنِينَ بَعِينِ الْفِسْقِ، وَذَلِكَ الَّذِي حَدَّثْتَهُ نَفْسُهُ لَوْ وَلِيَّ أَمْرًا لَضَرَبَ فِيهِ الْأَعْنَاقَ ظُلْمًا. (1)

4/11-12 وَهَذِهِ الْأُمُورُ

906. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ لَا تَرْتَفِعُ صَدَاتُهُمْ فَوْقَ رُؤُوسِهِمْ شَبْرًا: رَجُلٌ أَمَّ قَوْمًا وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَأَمْرَأَةٌ بَاتَتْ وَرَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ، وَأَخْوَانٌ مُتَّصِرِينَ (2). (3)

907. عدّة الداعي: [قال] النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيَجِيئَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَجِبَالِ تِهَامَةَ فَيُؤَمَّرُونَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، فَقِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَمْضَلُونَ؟

قال: كانوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ وَيَأْخُذُونَ وَهَنَا (4) مِنَ اللَّيْلِ، لَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا لَاحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا وَثَبُوا عَلَيْهِ. (5)

908. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ رَجُلٍ لَا يَتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ. (6) 1.

ص: 608

1- عدّة الداعي: ص: 32، ارشاد القلوب: ج 1 ص 153، بحار الأنوار: ج 14 ص 43 ح 34.

2- الصرم: القطع، يصارمه: أي يهجره ويقطع مكالمته (النهاية: ج 3 ص 26 «صرم»).

3- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 311 ح 971، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 53 ح 1757، المعجم الكبير: ج 11 ص 355 ح 12275 كلّها عن ابن عباس نحوه، كنز العمّال: ج 16 ص 30 ح 43798؛ الكافي: ج 5 ص 507 ح 5 عن الحسن بن منذر عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للمفيد: ص 173 ح 2 عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 144 ح 3.

4- الوهن: نحو من نصف الليل (لسان العرب: ج 13 ص 455 «وهن»).

5- عدّة الداعي: ص: 295، التحصين لابن فهد: ص 29 ح 52، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 131، بحار الأنوار: ج 70 ص 286 ح 8؛ حلية الأولياء: ج 1 ص 178، الإصابة: ج 3 ص 12 الرقم 3059 كلاهما عن سالم مولى أبي حذيفة نحوه، الدر المنثور: ج 6 ص 247.

6- المعجم الصغير: ج 1 ص 253، المعجم الأوسط: ج 5 ص 129 ح 4863 و ج 7 ص 331 ح 7645 كلّها عن أنس بن مالك، كنز العمّال: ج 7 ص 455 ح 19757؛ الجعفریات: ص 36 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار: ص 187 ح 464 وفيهما «لا صلاة لمن لا يتم ركوعها وسجودها»، بحار الأنوار: ج 84 ص 253 ح 51.

مؤمنان، فراوان می نگرند و نیز کسی که با خود گفته باشد که اگر حاکم شد، ستمکارانه [مردم را] گردن می زند.

12-4/11 و این چند کار

906. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز سه نفر، از بالای سرشان، يك و جب هم بالا نمی رود: مردی که امام جماعت گروهی شده است، در حالی که از او ناخشنودند، زنی که شب را به روز می برد؛ ولی شوهرش بر او خشمگین است، و دو برادر با هم قهر کرده.

907. عده الداعی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «گروه هایی روز قیامت می آیند که نیکی هایی مانند رشته کوه تهامه (1) دارند؛ اما فرمان داده می شود که به آتش بروند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا نماز خوان اند؟

فرمود: «آنان نماز می خوانند و روزه می گرفته و حدود نیمی از شب را شب زنده داری می کرده اند؛ اما هنگامی که چیزی از دنیا برایشان پیدا می شد، بر آن می پریدند».

908. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز کسی که رکوع و سجودش را کامل به جا نیاورد، قبول نمی شود.

ص: 609

1- تهامه، منطقه ای است کوهستانی که شهر مکه در آن واقع شده است.

909. عنه صلى الله عليه وآله: لا يقبلُ اللهُ صلاةَ إمامٍ حَكَمَ بِغَيْرِ ما أنزَلَ اللهُ. (1)

910. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَمَثَّلَ بِبَيْتِ شِعْرٍ مِنَ الخَنَا (2) لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ فِي ذَلِكَ اليَوْمِ، وَمَنْ تَمَثَّلَ بِاللَّيْلِ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ تِلْكَ اللَّيْلَةَ. (3)

911. عنه صلى الله عليه وآله: لا يقبلُ اللهُ لِصَاحِبِ بِدْعَةٍ صَوْمًا وَلَا صَلَاةً. (4)

912. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَتَى عَرَّافًا (5) فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ، لَمْ يَقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. (6)

913. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ضَمِنَ وَصِيَّةَ الْمَيِّتِ فِي أَمْرِ الْحَجِّ ثُمَّ فَرَّطَ (7) فِي ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ، لا يقبلُ اللهُ صَلَاتَهُ. (8)

914. الإمام الباقر عليه السلام: ثَلَاثَةٌ لا يقبلُ اللهُ لَهُمْ صَلَاةً: مِنْهُمْ الدَّيُّوثُ الَّذِي يُفَجِّرُ بِامْرَأَتِهِ. (9)

ص: 610

1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 100 ح 7008 عن طلحة بن عبید الله، کنز العمال: ج 6 ص 40 ح 14762.

2- .الخنا: الفحش فی القول (النهاية: ج 2 ص 86 «خنا»).

3- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 240 ح 952 عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الجعفریات: ص 158 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه بزيادة «ولقى الله تعالى يوم يلقاه ولا خلاق له» في آخره، وسائل الشيعة: ج 5 ص 83 ح 9695 وراجع مسند ابن حنبل: ج 6 ص 80 ح 17134.

4- .سنن ابن ماجه: ج 1 ص 19 ح 49، تهذيب الكمال: ج 26 ص 374 الرقم 5583، تهذيب التهذيب: ج 5 ص 257 الرقم 7395 كلها عن حذيفة، كنز العمال: ج 1 ص 220 ح 1108.

5- .قال في النهاية: فيه «من أتى عرّافاً أو كاهناً» أراد بالعرّاف المنجم أو الحازي الذي يدعي علم الغيب وقد استأثر الله تعالى به (النهاية: ج 3 ص 218 «عرف»).

6- .صحيح مسلم: ج 4 ص 1751 ح 125، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 590 ح 16638 نحوه، السنن الكبرى: ج 8 ص 238 ح 16510، التاريخ الصغير: ج 2 ص 56 عن عمر بن الخطاب، تفسير القرطبي: ج 7 ص 3، كنز العمال: ج 6 ص 749 ح 17679.

7- .المفرد: المسرف في العمل، وبالتشديد: المقصر فيه (النهاية: ج 3 ص 435 «فرد»).

8- .جامع الأخبار: ص 449 ح 1261، بحار الأنوار: ج 103 ص 195 ح 10.

9- .المحاسن: ج 1 ص 205 ح 358 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 79 ص 115 ح 9.

909. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نماز فرمان روایی را که به غیر آنچه خدا نازل کرده، حکم کند، قبول نمی کند.

910. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به يك بيت شعر در بر دارنده دشنام، تمثّل کند [و آن را در گفتارش بیاورد]، آن روز، نمازی از او قبول نمی شود و هر کس در شب تمثّل کند، آن شب، نمازی از او پذیرفته نمی شود.

911. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا روزه و نماز بدعت گذار را نمی پذیرد.

912. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نزد پیشگویی برود و در باره چیزی از او بپرسد، تا چهل شب نمازش قبول نمی شود.

913. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وصیّت کسی را در باره حجّ به عهده بگیرد و سپس در آن بدون عذری، کوتاهی کند، خداوند، نمازش را نمی پذیرد.

914. امام باقر علیه السلام: خداوند، نماز سه نفر را قبول نمی کند. از جمله، دیوث است که با زنش زنا می کنند.

الفصل الثاني عشر: سيرة النبي (ص) وأهل البيت: في الصلاة

1/12 صِفَةُ صَلَاةِ النَّبِيِّ 9: 1-1/12 شِدَّةُ مَحَبَّتِهِ لِلصَّلَاةِ

915. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قُوَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبَّبَهَا إِلَيَّ كَمَا حُبَّبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامُ وَإِلَى الظَّمآنِ الْمَاءُ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ. (1)

راجع: ج 1 ص 114 (خصائص الصلاة/آخر ما أوصى به النبي صلى الله عليه وآله).

1/12-2 اهْتِمَامُهُ بِأَوَّلِ الْوَقْتِ

916. الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر بن عبد الله: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُؤَخِّرُ الصَّلَاةَ 5.

ص: 612

1- .الأمالى للطوسى: ص 528 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 366 ح 2661، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 54، أعلام الدين: ص 191
كلها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج 82 ص 233 ح 58 وراجع الكافي: ج 5 ص 321 ح 7 ومسند ابن حنبل: ج 4 ص 256 ح 12295.

فصل دوازدهم: سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) در نماز

1/12 ویژگی نماز پیامبر (ص)

1-12/1 دل بستگی شدید پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز

915. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و آن را محبوب من کرده، چنان که غذا برای گرسنه و آب برای تشنه محبوب است. گرسنه هنگامی که غذا بخورد، سیر می شود و تشنه هنگامی که آب بنوشد، سیراب می شود؛ ولی من از نماز، سیر نمی شوم.

ر.ك: ج 1 ص 115 (ویژگی های نماز/آخرین وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله).

2-12/1 اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به اول وقت

916. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرش علیه السلام، از جابر بن عبد الله - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نماز را برای

ص: 613

لِطَعَامٍ وَلَا لِعَيْرِهِ. (1)

917. الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُؤَثِّرُ عَلَى الصَّلَاةِ عَشَاءً وَلَا غَيْرَهُ، وَكَانَ إِذَا دَخَلَ وَقْتُهَا كَأَنَّهُ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حَمِيمًا. (2)

918. عَدَّةُ الدَّاعِي عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحَدِّثُنَا وَنُحَدِّثُهُ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ نَعْرِفْهُ. (3)

919. سنن الدارقطني عن جابر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُلْهِبُهُ عَنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ طَعَامٌ وَلَا غَيْرُهُ. (4)

920. صحيح البخاري عن الأسود بن يزيد: سَأَلْتُ عَائِشَةَ: مَا كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَصْنَعُ فِي أَهْلِهِ؟

قَالَتْ: كَانَ فِي مِهْنَةٍ (5) أَهْلِهِ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ. (6)

921. المُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ عَائِشَةَ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُخَّرَ صَلَاةً إِلَّا إِلَى 6.

ص: 614

- 1- السنن الكبرى: ج 3 ص 105 ح 5043، سنن أبي داود: ج 3 ص 345 ح 3758، سنن الدارقطني: ج 1 ص 260 ح 12 كلاهما نحوه، عمدة القاري: ج 5 ص 197 من دون الإسناد إلى الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، كنز العمال: ج 7 ص 521 ح 20056.
- 2- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 78، علل الشرائع: ص 350 ح 5 عن ليث عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 66 ح 31.
- 3- عدَّة الداعي: ص 139، عوالي اللآلي: ج 1 ص 324 ح 61 بزيادة «شغلاً بالله عن كلِّ شيء» في آخره، بحار الأنوار: ج 70 ص 400 ح 72؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 10 ص 206 عن أم سلمة، احياء علوم الدين: ج 1 ص 228.
- 4- سنن الدارقطني: ج 1 ص 259 ح 11 كنز العمال: ج 7 ص 56 ح 17932.
- 5- المهنة: الخدمة (الصحاح: ج 6 ص 2209 «مهن»).
- 6- صحيح البخاري: ج 5 ص 2246 ح 5692، سنن الترمذي: ج 4 ص 654 ح 2489 نحوه، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 305 ح 24281، البداية والنهاية: ج 6 ص 44 نحوه، امتاع الأسماع: ج 2 ص 216.

خوراك و يا چیز ديگری به تأخير نمی انداخت.

917. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شام و یا چیز دیگری را بر نماز، مقدم نمی داشت و وقت نماز که می رسید، گویی خانواده و دوستی نمی شناسد. (1)

918. عدّة الداعی - به نقل از عایشه - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ما گفتگو می کرد و ما با او گفتگو می کردیم. هنگام نماز که می شد، گویا نه او ما را می شناخته است و نه ما او را می شناخته ایم.

919. سنن الدارقطنی - به نقل از جابر - : خوراك یا چیز دیگری، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از نماز مغرب به خود مشغول نمی کرد.

920. صحیح البخاری - به نقل از اسود بن یزید - : از عایشه پرسیدم: پیامبر میان خانواده اش چگونه بود؟ گفت: در خدمت آنان بود و هنگامی که وقت نماز فرا می رسید، به نماز می ایستاد.

921. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عایشه - : هیچ گاه ندیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمازی را.

ص: 615

1 - در علل الشرائع چنین آمده است: «پیامبر خدا هر گاه خورشید غروب می کرد، چیزی را بر نماز مغرب مقدم نمی داشت، تا این که آن را بخواند».

الوقتِ الآخرِ حتَّى قَبِضَهُ اللَّهُ. (1)

3-1/12 حُضُورُ قَلْبِهِ فِي الصَّلَاةِ

922. الإمام عليّ عليه السلام - في ذكرِ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: إِنَّهُ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ مَعَ لِصْدَرِهِ وَجُوفِهِ أَزِيزٌ كَأَزِيزِ الْمِرْجَلِ (2) عَلَى الْأَثْفِيِّ (3)؛ مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ. (4)

923. فلاح السائل عن جعفر بن علي القمّي: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَرَبَّدَ (5) وَجْهُهُ؛ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى. (6)

924. فلاح السائل: رُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ ثَوْبٌ مُلْقَى. (7)

4-1/12 بُكَاءُهُ فِي الصَّلَاةِ

925. الإمام عليّ عليه السلام - في وَصْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلَّ مُصَلًّا؛ خَشْيَةً 9.

ص: 616

1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 303 ح 684، سنن الدارقطني: ج 1 ص 249 ح 19، معرفة السنن: ج 1 ص 456 ح 611، السنن الكبرى: ج 1 ص 639 ح 2046 نحوه.

2- .أزیز: قال الجزري: في الحديث: «إنه كان يصلي ولجوفه أزیز كأزیز المِرْجَلِ من البكاء» أي خنين من الخوف وهو صوت البكاء، وقيل: هو أن يجيش جوفه ويغلي بالبكاء (النهاية: ج 1 ص 45 «أزیز»). والمِرْجَل: القدر من الحجارة والنحاس (لسان العرب: ج 11 ص 274 «رجل»).

3- .الأثفي: جمع أثفية؛ وهي الحجارة التي تُتَّصَبُ وتُجْعَلُ القدر عليها (النهاية: ج 1 ص 23 «أثف»).

4- .الاحتجاج: ج 1 ص 519 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص 282 ح 27 عن بعض الصالحين عليهم السلام وفيه «من الهيبة» بدل «من شدة البكاء»، مجمع البيان: ج 6 ص 819 من دون إسنادٍ إلى الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 381 ح 30؛ سنن أبي داود: ج 1 ص 238 ح 904، مسند ابن حنبل ج 5 ص 499 ح 16312 كلاهما عن مطرف بن عبد الله عن أبيه نحوه من دون إسنادٍ إلى الإمام علي عليه السلام.

5- .تربّد وجهه: تعيّر، وقيل: صار كلون الرماد (تاج العروس: ج 4 ص 447 «ربد»).

6- .فلاح السائل: ص 289 ح 182، بحار الأنوار: ج 84 ص 248 ح 39.

7- .فلاح السائل: ص 289 ح 183، بحار الأنوار: ج 84 ص 248 ح 39.

به وقت دیگری اندازد، تا آن که خدای عز و جل قبض روحش کرد.

3-1/12 حضور قلب پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز

922. امام علی علیه السلام - در بیان نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - : هر گاه به نماز می ایستاد، چنان می گریست که از درون سینه اش آوایی مانند آوای جوشش دیگ بر پایه های اجاق شنیده می شد. (1)

923. فلاح السائل - به نقل از جعفر بن علی قمی - : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به نماز می ایستاد، رنگ چهره اش از ترس خدای متعال، تغییر می کرد.

924. فلاح السائل: نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به نماز می ایستاد، گویی جامه ای به کنار افکنده بود.

4-1/12 گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز

925. امام علی علیه السلام - در توصیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - : ایشان از بیم خداوند عز و جل و نه [به خاطر] جرم

ص: 617

1 - الاحتجاج نیز شبیه به این متن را نقل کرده که در پایان آن آمده است: «هر گاه به نماز می ایستاد، از سینه و درونش، آوایی از شدت گریه چون آواز جوشش دیگ بر آتش، شنیده می شد».

مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ. (1)

926. عنه عليه السلام -في ذكرِ لِيْلَةِ بَدْرِ-: لَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا فِينَا إِلَّا نَائِمٌ، إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحْتَ شَجَرَةٍ يُصَلِّي وَيَبْكِي حَتَّى أَصْبَحَ. (2)

927. عنه عليه السلام -في صِفَةِ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ-: لَقَدْ كَانَ يَبْكِي حَتَّى يُغْشَى عَلَيْهِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَفَرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟

قَالَ: بَلَى، أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟! (3)

5-1/12 طول قيامه في الصلاة

928. صحيح البخاري عن المغيرة بن شعبة: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَقُومَ لِيُصَلِّيَ حَتَّى تَرَمَ (4) قَدَمَاهُ أَوْ سَاقَاهُ. (5)

929. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ 9.

ص: 618

- 1- الاحتجاج: ج 1 ص 528 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 45 و ج 17 ص 293.
- 2- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 265 ح 1023، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 53 ح 899، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 32 ح 2257، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 175 ح 275 وفيهما «قائم» بدل «إلا نائم» وكلها عن حارثة بن مضرب، البداية والنهاية: ج 3 ص 267، كنز العمال: ج 10 ص 397 ح 29944 وراجع كنز الفوائد: ج 1 ص 296.
- 3- الاحتجاج: ج 1 ص 520 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 917، مستدرک الوسائل: ج 11 ص 247 ح 12895 نقلاً عن ابن شهر آشوب وكلاهما من دون إسناد إلى الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 40 ح 1.
- 4- في صحيح مسلم: «وَرِمَتْ»، وفي سنن ابن ماجه: «تَوَرَّمَتْ».
- 5- صحيح البخاري: ج 1 ص 380 ح 1078، صحيح مسلم: ج 4 ص 2172 ح 80، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 456 ح 1419 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 180 ح 18581: فتح الأبواب: ص 170 عن الزهري عن الإمام زين العابدين عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 1 ص 326 ح 69 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 57 ح 10 وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 149.

و تقصیری می گریست، تا آن جا که جایگاه نمازش تر می شد.

926. امام علی علیه السلام -در توصیف شب جنگ بدر-: همه را دیدم که خوابیده اند جز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که تا صبح، زیر درختی نماز می خواند و می گریست.

927. امام علی علیه السلام -در توصیف نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله-: آن قدر می گریست تا بیهوش می شد.

به ایشان گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا خداوند، گذشته و آینده تو را نیامرزیده است؟ فرمود: «چرا؛ اما آیا بنده ای سپاس گزار نباشم؟».

5-12/1 طولانی شدن نماز پیامبر صلی الله علیه و آله

928. صحیح البخاری -به نقل از مغیره بن شعبه-: پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر به نماز ایستاد تا پاهایش یا ساق هایش ورم کرد.

929. امام باقر علیه السلام: عایشه در شبی که نوبت ماندن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزدش بود، به ایشان گفت:

ای پیامبر خدا! چرا خود را به زحمت می اندازی، با آن که خداوند، گناه گذشته و

ص: 619

تُتَعَبُ نَفْسَكَ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟

فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ، أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟!

وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يقوم على أطراف أصابع رجله، فأنزل الله سبحانه وتعالى:

«طه* ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى» (1). (2)

930. صحيح مسلم عن عروة بن الزبير عن عائشة: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا صلى قام حتى تقطر رجلاه. قالت عائشة: يا رسول الله! أتصنع هذا وقد غفر لك ما تقدم من ذنبك وما تأخر؟

فقال: يا عائشة، أفلا أكون عبداً شكوراً؟! (3)

6-1/12 كَيْفِيَّةُ صَلَاتِهِ

931. سنن النسائي عن سالم أبي عبد الله عن عقبه بن عمرو، قال: ألا- اصلي لكم كما رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله يصلي؟ فقلنا: بلى، فقام، فلما ركع وضع راحتيه على ركبتيه، وجعل أصابعه من وراء ركبتيه، وجافي (4) إبطيه حتى استقر كل شيء منه، ثم رفع.

ص: 620

1- طه: 1 و 2.

2- الكافي: ج 2 ص 95 ح 6 عن أبي بصير، مشكاة الأنوار: ص 75 ح 147، تفسير القمي: ج 2 ص 58 عن أبي بصير عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام، وفيه ذيله من «وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يقوم»، الاحتجاج: ج 1 ص 520 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 86 ح 3 وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 149.

3- صحيح مسلم: ج 4 ص 2172 ح 81، صحيح البخاري ج 4 ص 1830 ح 4557، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 456 ح 1420 عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 349 ح 18271 عن المغيرة بن شعبة وكلها نحوه، السنن الكبرى: ج 7 ص 63 ح 13274.

4- يجافي عضديه: أي يُباعدهما (النهاية: ج 1 ص 280 «جفا»).

آینده تو را آمرزیده است؟

فرمود: «ای عایشه! آیا بنده ای سپاس گزار نباشم؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر سر انگشتان پایش می ایستاد، تا این که خداوند سبحان و متعال، [این آیه را] «طه، ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا بر خود سخت گیری» فرو فرستاد.

930. صحیح مسلم - به نقل از عروة بن زبیر - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن قدر به نماز ایستاد که پاهایش ترك برداشت. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! آیا چنین می کنی، در حالی گناهان پیشین و پسین تو آمرزیده شده است؟ پیامبر فرمود: «ای عایشه! آیا بنده ای سپاس گزار نباشم؟».

6-12/1 چگونه نماز پیامبر صلی الله علیه و آله

931. سنن النسائی - به نقل از سالم ابی عبد الله - عقبه بن عمرو گفت: آیا آن گونه که دیدم پیامبر نماز می خواند، برایتان نماز نگزارم؟

گفتم: چرا. پس برخاست و نماز گزارد. هنگام رکوع، کف دستانش را بر زانوان و انگشتانش را روی زانوانش نهاد و بازوهایش را از پهلویش فاصله انداخت تا تمام

ص: 621

رَأْسُهُ فَقَامَ حَتَّى اسْتَوَى كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ سَجَدَ فَجَافَى إِبْطِيهِ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ سَجَدَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ سَجَدَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ صَنَعَ كَذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ.

ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي، وَهَكَذَا كَانَ يُصَلِّي بِنَا. (1)

932. سنن النسائي عن عبد الجبار بن وائل عن أبيه: أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَكَادَ إِبْهَامَاهُ تُحَازِي شَحْمَةَ أُذُنَيْهِ. (2)

933. الإمام علي عليه السلام - فِي وَصْفِ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ، وَيَصْنَعُ مِثْلَ ذَلِكَ إِذَا قَضَى قِرَاءَتَهُ وَأَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ، وَيَصْنَعُهُ إِذَا رَفَعَ مِنَ الرَّكْعَةِ، وَلَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ صَلَاتِهِ وَهُوَ قَاعِدٌ، وَإِذَا قَامَ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ رَفَعَ يَدَيْهِ كَذَلِكَ وَكَبَّرَ. (3)

934. عنه عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (4) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا جَبْرِيلُ، مَا هَذِهِ النَّحِيرَةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي؟ قَالَ:

إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَحِيرَةٍ، وَلَكِنَّهُ يَأْمُرُكَ إِذَا تَحَرَّمْتَ لِلصَّلَاةِ أَنْ تَرْفَعَ يَدَيْكَ إِذَا كَبَّرْتَ وَإِذَا رَكَعْتَ وَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكْعَةِ، فَإِنَّهَا صَدَلَاتُنَا وَصَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي 2.

ص: 622

- 1- سنن النسائي: ج 2 ص 186، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 69 ح 17075، السنن الكبرى: ج 2 ص 175 ح 2748، المعجم الكبير: ج 17 ص 241 ح 670 والثلاثة الأخيرة نحوه.
- 2- سنن النسائي: ج 2 ص 123 ح 872، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 474 ح 18871، المعجم الكبير: ج 22 ص 32 ح 72 كلاهما نحوه، تاريخ واسط: ص 246، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 112 نحوه وكلاهما عن البراء بن عازب.
- 3- سنن أبي داود: ج 1 ص 198 ح 744، سنن الترمذي: ج 5 ص 487 ح 3423، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 281 ح 864 نحوه، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 201 ح 717، السنن الكبرى: ج 2 ص 108 ح 2522 كلها عن عبيد الله بن أبي رافع، كنز العمال: ج 8 ص 95 ح 22058.
- 4- الكوثر: 1 و 2.

بدنش آرام گرفت. سپس سر بر داشت و ایستاد تا تنش آرام گرفت. سپس سجده کرد و بازوهایش را از پهلویش فاصله داد تا این که بدنش آرام گرفت. سپس سرش را بلند کرد و نشست تا بدنش آرام گرفت و چهار رکعت این گونه خواند. سپس گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که این گونه نماز می خواند و همین گونه هم برای ما نماز می گزارد.

932. سنن النسائی - به نقل از عبد الجبار بن وائل، در باره پدرش - او دید که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام آغاز نماز، دستانش را آن اندازه بالا آورد که انگشتان شستش تا نزدیکی نرمه گوش هایش رسید.

933. امام علی علیه السلام - در وصف نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که به نماز واجب می ایستاد، تکبیر می گفت و دست هایش را تا روی شانه هایش بالا می آورد و هنگامی که می خواست به رکوع برود و نیز پس از برخاستن، چنین می کرد و هنگام نشستن در نماز، هیچ گاه دست هایش را بالا نمی آورد و هنگامی که از دو سجده بر می خاست، دست هایش را تا شانه هایش بالا می آورد و تکبیر می گفت.

934. امام علی علیه السلام: هنگامی که این آیه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد: «ما به تو کوثر را بخشیدیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و نحر کن»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جبرئیل! این «نحر» که پروردگارم مرا به آن فرمان داده، چیست؟».

جبرئیل گفت: آن، قربانی کردن نیست؛ بلکه دستور می دهد هنگام تکبیر در آغاز نماز و رکوع و سر از رکوع برداشتن، دست های خود را بالا ببری، که نماز ما و

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَفَعَ الْأَيْدِي مِنَ الْإِسْتِكَانَةِ (1) الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» (2). (3)

935. سنن أبي داود عن محمد بن عمرو بن عطاء: سَمِعْتُ أَبَا حُمَيْدٍ السَّاعِدِيَّ فِي عَشْرَةِ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُمْ أَبُو قَتَادَةَ، قَالَ أَبُو حُمَيْدٍ: أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالُوا: فَلِمَ؟ فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ بِأَكْثَرِنَا لَهُ تَبَعًا وَلَا أَقْدَمِنَا لَهُ صُحْبَةً! قَالَ: بَلَى، قَالُوا: فَأَعْرِضْ.

قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِي بِهِمَا مَنْكِبَيْهِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حَتَّى يَقَرَّ كُلُّ عَظْمٍ فِي مَوْضِعِهِ مُعْتَدِلًا، ثُمَّ يَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فَيَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِي بِهِمَا مَنْكِبَيْهِ، ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَضَعُ رَاحَتَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، ثُمَّ يَعْتَدِلُ فَلَا يَصُبُّ (4) رَأْسَهُ وَلَا يَقْنَعُ (5)، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَقُولُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِي [بِهِمَا] مَنْكِبَيْهِ مُعْتَدِلًا، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، ثُمَّ يَهْوِي إِلَى الْأَرْضِ فَيَجَافِي يَدَيْهِ عَنِ جَنْبَيْهِ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَثْنِي رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَيَقْعُدُ عَلَيْهَا، وَيَفْتَحُ أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ إِذَا سَجَدَ، وَيَسْجُدُ ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، وَيَرْفَعُ [رَأْسَهُ] وَيَثْنِي رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَيَقْعُدُ عَلَيْهَا حَتَّى يَرْجِعَ كُلُّ عَظْمٍ إِلَى مَوْضِعِهِ، ثُمَّ يَصْنَعُ فِي الْأُخْرَى مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ.

ص: 624

1- استكان: خضع وذل (مجمع البحرين: ج 2 ص 861 «سكن»).

2- المؤمنون: 76.

3- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 586 ح 3981، السنن الكبرى: ج 2 ص 110 ح 2527، تفسير ابن كثير: ج 8 ص 524 كلها عن الأصبغ بن نباتة، تفسير القرطبي ج 20 ص 219 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 557 ح 4721؛ مجمع البيان: ج 10 ص 837 نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 351 ح 1.

4- في سنن الترمذي: «يُصَوَّبُ» بدل «يَصُبُّ». صَوَّبَ رَأْسَهُ: أَي نَكَّسَهُ (النهاية: ج 3 ص 57 «صوب»).

5- أقع رأسه: إذا نصبه (مجمع البحرين: ج 3 ص 57 «صوب»).

فرشتگان هفت آسمان، چنین است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بالا بردن دست، همان خاکساری ای است که خدای عز و جل فرمود:

«برای پروردگارشان خاکساری و تصرّع نکردند»».

935. سنن أبی داوود - به نقل از محمّد بن عمرو بن عطا - شنیدم ابو حمید ساعدی در میان ده نفر از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - که از جمله آنان ابو قتاده بود - گفت: من از همه شما به نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داناترم.

گفتند: چه طور؟! به خدا سوگند، تو نه بیشتر از ما با پیامبر بوده ای و نه پیش تر!

گفت: آری.

گفتند: عرضه کن.

گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به نماز می ایستاد، دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد و سپس تکبیر می گفت، تا این که هر استخوانی در بدن، جای خودش قرار می گرفت و پس از آن به قرائت می پرداخت. سپس تکبیر می گفت و دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد. سپس رکوع می کرد و کف دستانش را بر زانوانش می نهاد. سپس خود را کشیده و صاف می کرد، بی آن که سرش را پایین اندازد و یا کج کند، و هنگامی که سر از رکوع بر می داشت، می گفت: «خداوند به کسی که او را بستاید، گوش می دهد». سپس دستانش را تا برابر شانه هایش به اعتدال بالا می آورد و تکبیر می گفت. سپس به زمین می افتاد و دستانش را از پهلو هایش فاصله می داد.

سپس سر بر می داشت و پای چپش را خم کرده، بر آن می نشست. در سجده، انگشتان پایش را باز می نمود و پس از سجده تکبیر می گفت و بر می خاست و پای چپش را خم کرده، رویش می نشست، تا این که هر استخوانی از بدن به جای خود

ص: 625

إذا قام من الركعتين كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا مَنْكِبَيْهِ كَمَا كَبَّرَ عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ، ثُمَّ يَصْنَعُ ذَلِكَ فِي بَقِيَّةِ صَلَاتِهِ، حَتَّى إِذَا كَانَتِ السَّجْدَةُ الَّتِي فِيهَا التَّسْلِيمُ آخِرَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَقَعَدَ مُتَوَرِّكًا عَلَى شَقِّهِ الْأَيْسَرِ.

قالوا: صَدَقْتَ، هَكَذَا كَانَ يُصَلِّي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (1)

936. سنن النسائي عن علي بن يحيى بن خالد عن أبيه عن عمه: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ، فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْمُقُهُ (2) فِي صَلَاتِهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ.

فَرَجَعَ فَصَلَّى، ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ.

حَتَّى كَانَ عِنْدَ الثَّالِثَةِ أَوْ الرَّابِعَةِ فَقَالَ: وَالَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لَقَدْ جَهَدْتُ وَحَرَصْتُ فَأَرِنِي وَعَلِّمْنِي.

قال: إذا أردت أن تُصَلِّيَ فَنَوَاضًا فَأَحْسِنِ وُضُوءَكَ، ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ قَاعِدًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ، فَإِذَا أَتَمَمْتَ صَلَاتَكَ عَلَى هَذَا فَقَدْ تَمَّتْ، وَمَا انْتَقَصَتْ مِنْ هَذَا فَإِنَّمَا تَنْتَقِصُهُ مِنْ صَلَاتِكَ. (3)

راجع: ج 1 ص 20 (تشریح الصلاة في الإسلام) و ص 312 (الجهر بالبسملة/اجهار النبي صلى الله عليه وآله بها في الصلاة) و ح، 522، 398، 454، 463، 465، 468، 495، 502، 503، 511، 512-525، 537، 538، 547-549، 564، 577، 578، 589، 594، 626 و 643. .

ص: 626

1- سنن أبي داود: ج 1 ص 194 ح 730، سنن الترمذي ج 2 ص 105 ح 304، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 337 ح 1016، سنن الدارمي: ج 1 ص 333 ح 1330، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 195 ح 1876 كلها نحوه.

2- رُمِقَهُ يَرْمُقُهُ رَمَقًا وَرَامَقَهُ: نَظَرَ إِلَيْهِ. وَرَمَقْتَهُ بِبَصْرِي وَرَامَقْتَهُ: إِذَا أَتْبَعْتَهُ بِبَصْرِكَ تَتَعَهَّدُهُ وَتَنْظُرُ إِلَيْهِ وَتَرْقُبُهُ (لسان العرب: ج 10 ص 126 «رمق»).

3- سنن النسائي: ج 3 ص 60 و ص 59، صحيح البخاري: ج 6 ص 2455 ح 6290 عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 19 ح 19019، سنن الترمذي: ج 2 ص 100 ح 302 عن رفاعه بن رافع؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 116 ح 38 كلها نحوه.

باز گردد. سپس در سجده دیگر نیز چنین می کرد. هنگام برخاستن از هر دو رکعت، تکبیر می گفت و دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد، همان گونه که در آغاز نماز می کرد. در بقیه نماز هم اینها را انجام می داد تا این که در سجده ای که پس از آن سلام نماز بود، پای چپش را عقب می کشید و بر سرین و طرف چپ بدنش می نشست.

[اصحاب] گفتند: راست گفتی. این گونه نماز می خواند.

936. سنن النسائی - به نقل از علی بن یحیی بن خالد، از پدرش، از عمویش - با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم. مردی داخل شد و دو رکعت نماز خواند. سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله که نماز او را زیر نظر داشت، پس از جواب سلام، به وی فرمود: «باز گرد و نماز بخوان، که نماز نخوانده ای». [و این کار تکرار شد] تا این که در نوبت سوم یا چهارم، آن مرد گفت: سوگند به آن که کتاب را بر تو فرو فرستاد، کوشش بسیار کرده و شوقم افزون گشته است. به من نشان ده و آگاهم کن.

فرمود: «هر گاه خواستی نماز بخوانی، وضویی نیکو بگیر. سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو و پس از قرائت، به رکوع برو و چنان درنگ کن که در رکوع، آرام گیری.

سپس چنان بلند شو تا راست بایستی. سپس به سجده برو و در سجده آرام بگیر.

سپس برخیز و آرام بنشین. سپس به سجده برو و در آن آرام بگیر. سپس برخیز.

پس اگر نمازت را این گونه به پایان بردی، تمام است و آنچه از اینها کم گذاشتی، از نمازت کم گذارده ای».

ر.ك: ج 1 ص 21 (تشریح نماز) و ص 313 (بلند گفتن بسم الله/بلند گفتن «بسم الله» در نماز به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله) و ح 398 و 454 و 463 و 465 و 468 و 495 و 502 و 503 و 511 و 522-525 و 537 و 538 و 547-549 و 564 و 577 و 578 و 589 و 594 و 626 و 643.

ص: 627

937. الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يصلي من التطوع مثلي الفريضة. (1)

938. الإمام الباقر عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يصلي من النهار شيئاً حتى تزول الشمس، فإذا زالت صلى ثماني ركعات، وهي صلاة الأوابين (2)، تفتح في تلك الساعة أبواب السماء، ويستجاب الدعاء، وتهب الرياح، وينظر الله إلى خلقه، فإذا فاء الفيء ذراعاً صلى الظهر أربعاً، وصلى بعد الظهر ركعتين، ثم صلى ركعتين آخرتين، ثم صلى العصر أربعاً إذا فاء الفيء ذراعاً، ثم لا يصلي بعد العصر شيئاً حتى توب الشمس، فإذا آبت وهو أن تغيب صلى المغرب ثلاثاً، وبعد المغرب أربعاً، ثم لا يصلي شيئاً حتى يسقط الشفق، فإذا سقط الشفق صلى العشاء.

ثم أوى رسول الله صلى الله عليه وآله إلى فراشه ولم يصل شيئاً حتى يزول نصف الليل، فإذا زال نصف الليل صلى ثماني ركعات، وأوتر في الربع الأخير من الليل بثلاث ركعات، فقرأ فيهن فاتحة الكتاب و«قل هو الله أحد» ويفصل بين الثلاث بتسليم، ويتكلم ويأمر بالحاجة، ولا يخرج من مصلاه حتى يصلي الثالثة التي يوتر فيها، ويعت فيها قبل الركوع، ثم يسلم، ويصلي ركعتي الفجر قبيل الفجر وعنده وبُعده، ثم يصلي ركعتي الصبح وهو الفجر - إذا اعترض الفجر وأضاء حسناً.

فهذه صلاة رسول الله صلى الله عليه وآله التي قبضه الله عز وجل عليها. (3)6.

ص: 628

1- الكافي: ج 3 ص 443 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 3، عوالي اللآلي: ج 3 ص 65 ح 7 كلها عن الفضيل بن يسار، منتقى الجمان: ج 1 ص 384، وسائل الشيعة: ج 3 ص 32 ح 4474.

2- الأوابين: جمع أواب، وهو الكثير الرجوع إلى الله تعالى بالتوبة (النهاية: ج 1 ص 79 «أوب»).

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 227 ح 679، بحار الأنوار: ج 83 ص 136 ذيل ح 106.

937. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نماز واجب، نماز مستحب می خواند.

938. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آغاز روز تا زوال خورشید، هیچ نماز نمی خواند و هنگام زوال، هشت رکعت نماز می خواند که همان نماز «اوابین (توبه کنندگان)» است. در این ساعت، درهای آسمان گشوده می شوند و دعا پذیرفته می شود، نسیم ها [ی رحمت] می وزند و خداوند به آفریده هایش می نگرد. هنگامی که سایه به اندازه يك ذراع دوباره تشکیل می شد، چهار رکعت نماز ظهر می گزارد و پس از ظهر، دو رکعت و سپس دو رکعت دیگر می خواند و هنگامی که سایه به اندازه يك (1) ذراع می گشت، چهار رکعت نماز عصر می گزارد و پس از مغرب، چهار رکعت می خواند و سپس نمازی نمی خواند تا شفق فرورود و هنگامی که شفق فرو می رفت، نماز عشا را می گزارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس به بسترش می رفت و نماز نمی خواند تا نیمی از شب سپری شود. هنگامی که شب از نیمه می گذشت، هشت رکعت نماز می گزارد و در پاره چهارم شب، سه رکعت نماز وتر می گزارد و در آنها «فاتحة الكتاب» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» می خواند و سه رکعت را با يك سلام [در رکعت دوم] از هم جدا می کرد و سخن می گفت و نیازهایش را می طلبید و از نمازگاهش بیرون نمی آمد، تا این که رکعت سوم (نماز وتر) را بخواند و در آن پیش از رکوع، قنوت می خواند. سپس سلام می داد و دو رکعت نماز [نافله] فجر را هنگام دمیدن سپیده یا اندکی پس و پیش، می گزارد. سپس دو رکعت نماز صبح یعنی سپیده دمان را هنگامی می خواند که سپیده گسترش می یافت و خوب روشن می شد. این، نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا هنگام قبض روحش بود.

ص: 629

1- به قرینه سایر روایات و علم فقه، درست آن است که «دو» باشد. (م)

939. الإمام علي عليه السلام: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا قدم من سفر صلى ركعتين. (1)

940. صحيح البخاري عن كعب بن مالك: كان [رسول الله صلى الله عليه وآله] إذا قدم من سفر بدأ بالمسجد فركع فيه ركعتين. (2)

941. سنن الدارمي عن أنس: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا نزل منزلاً لم يرتجل منه حتى يصلي ركعتين، أو يودع المنزل بركعتين.

(3)

942. حلية الأولياء عن عبد الله بن مسعود: كان النبي صلى الله عليه وآله لا يكون ذاكرون إلا كان معهم، ولا مصطلون إلا كان أكثرهم صلاة. (4) 1.

ص: 630

1- المعجم الأوسط: ج 3 ص 242 ح 3038، المعجم الصغير: ج 1 ص 105 كلاهما عن الحارث، كنز العمال: ج 6 ص 740 ح 17646.

2- صحيح البخاري: ج 4 ص 1604 ح 4156، صحيح مسلم: ج 4 ص 2123 ح 53، سنن أبي داود: ج 3 ص 88 ح 2773، سنن النسائي: ج 2 ص 54، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 664 ح 1797 عن أبي ثعلبة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 99 ح 18152.

3- سنن الدارمي: ج 2 ص 743 ح 2581، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 460 ح 1188، صحيح ابن خزيمة: ج 2 ص 216، السنن الكبرى: ج 5 ص 415 ح 10323 كلها نحوه، المعجم الأوسط: ج 3 ص 375 ح 3441، كنز العمال: ج 7 ص 100 ح 18157.

4- حلية الأولياء: ج 7 ص 112، تاريخ بغداد: ج 10 ص 94 الرقم 5213، تاريخ دمشق: ج 4 ص 153، كنز العمال: ج 7 ص 56 ح 17931.

939. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از سفری باز می‌گشت، دو رکعت نماز می‌خواند.

940. صحیح البخاری - به نقل از کعب بن مالک - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از سفری باز می‌گشت، ابتدا به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند.

941. سنن الدارمی - به نقل از انس - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به منزلی فرود می‌آمد، از آن جا نمی‌رفت یا از آن جا وداع نمی‌کرد، مگر آن که دو رکعت نماز در آن جا می‌خواند.

942. حلیة الأولیاء - به نقل از عبد الله بن مسعود - : جایی نبود که دسته‌ای به ذکر خدا مشغول باشند و پیامبر صلی الله علیه و آله با آنها نباشد و نمازگزارانی باشند و پیامبر صلی الله علیه و آله پُر نمازترین آنها نباشد.

ص: 631

اشاره

پژوهشی در باره چگونگی نماز پیامبر (ص) (1)

یکی از پرسش های مهم در باره نماز، این است که: چرا پیروان اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت در شماری از مسائل مربوط به نماز، مانند: چگونگی وضو، اذان و اقامه، تکتف، آمین گفتن بعد از سوره حمد، قنوت و... اختلاف نظر دارند؟

با توجه به این که افزون بر کتاب خدا (قرآن)، سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله معیار بررسی و داوری میان دیدگاه های اختلافی است، اگر مشخص شود که پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه وضو می گرفته و چگونه نماز می گزارده، این اختلافات دیگر جایی نخواهند داشت.

هرچند تبیین چگونگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله با توجه به حوادثی که در این باره، پس از ایشان پدید آمد، نیازمند پژوهش های دامنه دار است، لیکن ما در این جا تنها به مهم ترین نکات در باره چگونگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله و به همین مناسبت، به چگونگی وضو و اذان ایشان اشاره کوتاهی خواهیم کرد.

1. وضو

اشاره

ملاحظه آرای فقهای مذاهب اسلامی، از بروز چندین اختلاف در موضوع وضو حکایت می کند که برای رعایت اصل اختصار، ما تنها به دو مورد از آنها نگاهی

ص: 632

1- این پژوهش، به وسیله فاضل ارجمند، حجة الاسلام و المسلمین مرتضی خوش نصیب نگارش یافته است.

خواهیم داشت: نخست. سمت و سوی شستن دست ها، دوم. مسح یا شستن پاها.

ابتدا شایسته است تنها آیه قرآنی مربوط به وضو، ملاحظه گردد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ. (1)»

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دست ها را تا آرنج بشویید و سر و پاها را تا مفصل ها [یا برآمدگی پشت پا] مسح کنید!.

سمت و سوی شستن دست ها

در حدیثی، از امام باقر علیه السلام وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه نقل شده است:

عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَدَعَا بِطَسْتٍ أَوْ تَوْرٍ فِيهِ مَاءٌ، فَغَمَسَ يَدَهُ الْيُمْنَى، فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً، فَصَدَّ بِهَا عَلَى وَجْهِهِ، فَغَسَلَ بِهَا وَجْهَهُ، ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُسْرَى، فَغَرَفَ بِهَا غُرْفَةً، فَأَفْرَغَ عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُمْنَى، فَغَسَلَ بِهَا ذِرَاعَهُ مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْكَفِّ لَا يَرُدُّهَا إِلَى الْمِرْفَقِ، ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى، فَأَفْرَغَ بِهَا عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى مِنَ الْمِرْفَقِ وَصَدَّ نَعْبَهَا مِثْلَ مَا صَدَّ نَعْبَ الْيُمْنَى، ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ وَقَدَمَيْهِ بِبَلَلِ كَفِّهِ لَمْ يُحْدِثْ لِهَمَّا مَاءً جَدِيدًا. (2)

عمر بن اذینه، از زراره و بکیر- که از امام باقر علیه السلام در باره وضوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند-، نقل کرده است که ایشان کاسه آبی خواست. پس دست راست خود را در آن فرو برد و مشتی آب برگرفت و بر صورت خود ریخت و با آن صورتش را شست. سپس دست چپ خود را در آن فرو برد و مشتی آب برداشت و بر دست راست خود ریخت و با آن از آرنج تا کف دستش را شست، در حالی که دست خود را به سوی آرنج نمی کشید. آن گاه دست راستش را در آن فرو برد و مشتی آب برداشت و بر دست چپ خود از آرنج ریخت و با آن چنان کرد که با دست راستش

ص: 633

1- مانده: آیه 6.

2- الکافی: ج 3 ص 25 ح 5.

کرده بود. سپس سر و پاهایش را با رطوبت کف دستش مسح کرد و آب دیگری را برای آن به کار نگرفت.

بر پایه این روایت و نظایر آن، (1) پیروان اهل بیت علیهم السلام معتقدند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وضو، دستان مبارک خود را از بالا به پایین یعنی از آرنج تا نوک انگشتان می شست و این، بدان معناست که آیه وضو به دست پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر شده است. ضمناً این نکته در باره آیه وضو قابل توجه است که اصولاً مخاطبان از ظاهر عباراتی نظیر آیه وضو، محدوده انجام عمل مورد نظر را برداشت می نمایند. آن گاه در مقام عملی کردن آن خواسته، معمولاً از بالا به پایین اقدام می کنند. مثلاً اگر پزشک بگوید: پایت را تا زانو با آب سرد بشوی، یا صاحب خانه بگوید: دیوارهای این اتاق را تا سقف رنگ آمیزی کن، به طور طبیعی، هر یک از بیمار و رنگ کار، سخن گوینده را بر تعیین محدوده مورد نظر او حمل می کند و در نتیجه آنچه را که به دلیل آسان تر بودن یا عوامل دیگر، به صورت ناخودآگاه در میان مردم معمول است، انجام می دهد، یعنی شستن پاها و رنگ آمیزی کردن دیوارها از بالا به پایین. و چه بسا هرگز این مطلب به ذهنشان خطور نکند که پزشک و صاحب خانه با گفتن «تا زانو» و «تا سقف» در صدد تعیین سمت و سوی عمل خواسته شده و نقطه انتهایی انجام آن بوده است.

اما به هر تقدیر، آنچه در نزد پیروان اهل بیت علیهم السلام این برداشت قرآنی را قطعیت می بخشد، احادیث معتبری هستند که بر انجام دادن وضو از آرنج به سوی سر انگشتان دلالت می کنند. در مقابل، تمام مذاهب اهل سنت، شستن دست ها در وضو را به هر صورتی که باشد، کافی دانسته، هر چند به نظر آنان، شروع از سر انگشتان به سوی آرنج، افضل است. (2) 0.

ص: 634

1- ر.ک: الکافی: ج 3 ص 24 (باب صفة الوضوء).

2- ر.ک: الفقه علی المذاهب الخمسة: ص 80.

بر پایه حدیثی که از امام باقر علیه السلام در توصیف وضوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد، ایشان پاهای خود را مسح می فرمود. این مطلب در حدیث زیر که منابع حدیثی اهل سنت آن را نقل کرده اند نیز تأیید شده است:

عَبَادُ بْنُ تَمِيمٍ عَنْ أَبِيهِ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَوَضَّأُ وَيَمْسَحُ بِالْمَاءِ عَلَى رِجْلَيْهِ. (1)

عَبَادُ بْنُ تَمِيمٍ، به نقل از پدرش می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که وضو می گرفت و با آب، پاهایش را مسح می کرد.

همچنین در حدیث عبد الله بن عمرو بن العاص که به زعم اهل سنت، مستند شستن پا در وضوست و ما به زودی به نقل و نقد آن خواهیم پرداخت، با عبارت «فَجَعَلْنَا مَسْحَ عَلِيٍّ أَرْجُلِنَا» اعتراف شده که روش معمول پیش از آن، مسح پاها بوده است.

بر این اساس، اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنان به پیروی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، مسح پاها را از واجبات وضو دانسته و شستن آنها را ناروا می شمارند. پژوهش دقیق متون و دوره های تاریخی نشان داده است که شستن پاها در وضو، تا سالیانی پس از رحلت پیامبر گرامی و لااقل تا پایان دوران دو خلیفه نخست و اندکی از دوره خلیفه سوم مطرح نبوده؛ اما عثمان، تلاش ویژه ای جهت جایگزین ساختن روش جدید وضو نموده که در آن، پاها باید به جای مسح شدن شسته شوند. شاهد این سخن، فقدان کمترین گزارش از بروز اختلاف میان مسلمانان در باره مسح پا در وضو در دوره دو خلیفه نخست است، به گونه ای که حتی يك روایت نیز از خلیفه اول و دوم با انگیزه انجام وظیفه حاکم اسلامی در دفاع از سنت نبوی و تبیین چگونگی وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله و نکوهش پایه گذاران روش جدید در وضو، صادر نشده است. چنین روایتی، نه

ص: 635

تنها از دو خلیفه، بلکه از راویان پُرروایتی همچون ابو هریره که در هر خُرد و کلانی روایاتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند نیز حکایت نشده است، چنان که عبد الله بن عمر، ابو سعید خدری، جابر بن عبد الله، عبد الله بن مسعود و ده ها صحابی نام آشنا و پُرروایت دیگر نیز مطلقاً روایتی را در باره «وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله با شستن پا» نقل نکرده و کمترین هشدار نسبت به التزام به روش اصیل نبوی در وضو، از خود بروز نداده اند. این، خود به خوبی نشان می دهد که در میان معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله، به خاطر مشاهده وضوی چندین و چند ساله ایشان - که به گواهی روایات پیشین، مسح پاها بخشی از آن بوده -، در موضوع وضو، اختلافی پدید نیامده است.

در این میان، تنها عثمان بن عفان، عبد الله بن عمرو بن عاص و دو سه تن دیگر - که روایت هایشان با تعارض یا موانع دیگری مواجه است - هستند که برای نخستین بار از وضوی مشتمل بر «شستن پا» سخن گفته و آن را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حکایت کرده اند، و البته شمار روایات عثمان که روایت زیر نیز از جمله آنهاست، بسیار بیشتر از دیگر افراد است:

عن ابن شهاب أن عطاء بن يزيد أخبره أن حمران مولى عثمان أخبره أنه رأى عثمان بن عفان دعا بإناء، فأفرغ على كفيه ثلاث مرار، فغسله، ثم أدخل يمينه في الإناء، فمضمض واستشق، ثم غسل وجهه ثلاثاً و يديه إلى المرفقين ثلاث مرار، ثم مسح برأسه، ثم غسل رجله ثلاث مرار إلى الكعبين، ثم قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وَضُوءِي هَذَا، ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (1)

ابن شهاب می گوید: عطاء بن یزید به او خبر داده که حمران وابسته عثمان به او خبر داده که وی عثمان بن عفان را دیده که کاسه آبی خواست و سه بار بر کف دستان خود آب ریخت و آنها را شست. سپس دست راست خود را درون کاسه برد و 8.

ص: 636

مضمضه و استنشاق کرد. آن گاه سه بار صورت خود و دستانش را تا آرنج شست.

سپس سر خود را مسح کرد و سه بار پاهایش را تا غوزک شست و گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس همانند این وضویم وضو بسازد و سپس دو رکعت نماز بخواند و در آن با خود سخن نگوید، گناهان پیشین او بخشیده می شوند.

نگاهی به روایت عبد الله بن عمرو

روایت صحیح البخاری از عبد الله فرزند عمرو بن العاص در باره شستن پاها در وضو، این چنین است:

[تخلف]

[عتاً]

النبي صلى الله عليه وآله في سفره سافرها، فأدركنا وقد أرهقتنا الصلاة ونحن نتوضأ، فجعلنا نمسح على أرجلنا، فنأدى بأعلى صوته: وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ! مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا. (1)

در سفری بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله از ما عقب ماند و سپس به ما رسید، در حالی که زمان نماز فرا رسیده بود و ما وضو می گرفتیم و پاهایمان را مسح می کردیم. پس با صدای کاملاً بلند، دو یا سه بار ندا داد: وای از آتش بر پاشنه های پا!

این روایت با فرض صحّت، دلالتی بر شستن پا در وضو ندارد و به نظر می رسد که ناظر به وضعیت اعراب تازه مسلمان شده ای باشد که به دلیل انس با فرهنگ جاهلی، چه بسا به استفاده از پاپوش های مناسب خو نکرده بودند، علاوه بر این که شاید به حسب عادات جاهلی، ایستاده نیز بول می کردند و طبعاً دچار آلودگی و نجس شدن پاها می شدند. از سوی دیگر، به هیچ وجه بعید نیست که در آن شرایط فرهنگی، آنان با همان آلودگی پاهای خود، به نماز می ایستادند؛ کاری که می توانست نقد هدایتگرانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را متوجه خود سازد.

بر این اساس، فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله را باید تلاشی در راستای اصلاح این عادت ناپسند و تشویق به سمت تطهیر پاهای آلوده، در آستانه نماز ارزیابی کرد. اما این که

ص: 637

«مسح پا» که به تصریح راوی تا آن روز، جزئی از وضو بوده، با این سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جای خود را به «شستن پا» داده باشد، ادعایی است که بیش از پندار راوی، مؤید دیگری ندارد و دلالتی در روایت فوق نسبت به آن، به چشم نمی خورد.

گفتنی است در تأکید بر سنت نبوی در مسح کردن پاها در وضو، آیه وضو- که در ابتدای این پژوهش آوردیم- نیز آشکارا به مسح پاها و نه شستن آنها فرمان می دهد.

این، در حالی است که اهل سنت، افزون بر روایات عثمان و برخی افراد دیگر که ادعا کرده اند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وضو، پاهای خود را می شسته، اعراب نصب واژه «أرجلكم (پاهایتان)» در آیه وضو را مستند قرآنی خود قرار داده و آن را نشانه عطف این کلمه بر واژه منصوب «وَجوهکم (صورت هایتان)» دانسته اند. طبعاً در این فرض، حکم شستن صورت به معطوف علیه یعنی پاها نیز سرایت می کند.

نقد استدلال به اعراب نصب «أرجلكم»

از نظر مفسران و فقیهان شیعی، اعراب نصب کلمه «أرجلكم»، دلالتی بر شستن پاها در وضو ندارد؛ زیرا:

اولاً: کلمه «أرجلكم» توسط قاریان متعددی همچون: ابن کثیر، حمزه، ابو عمرو و عاصم در روایت ابو بکر از او، مجرور خوانده شده است. در این صورت، بی تردید، «أرجلكم»، معطوف بر «رؤوسکم (سرهایتان)» بوده و حکم مسح سر به پاها سرایت داده می شود.

ثانیاً: در قرائت هایی که «أرجلكم» منصوب است مانند قرائت نافع، ابن عامر و عاصم در روایت حفص از او، نیز همچنان حکم پاها مسح است؛ زیرا «أرجلكم»، عطف بر محلّ نصب «رؤوسکم» است.

توضیح، این که: واژه «امسحوا» به خودی خود، متعدی است و برای منصوب ساختن مفعول خود، نیازمند حرف جر نیست. بر این اساس، «با»ی افزوده شده به واژه «رؤوسکم»، به اصطلاح، «با»ی تبعیضیه است که نشان می دهد مسح بخشی از سر، کافی است، چنان که پیروان اهل بیت علیهم السلام به تبعیت از خاندان رسالت، مسح سر را

چنین انجام می دهند. بنا بر این، کلمه «رؤوسکم» در محلّ نصب است و منصوب شدن «أرجلكم»، ناشی از عطف آن بر محلّ یاد شده است. فخر رازی در تفسیر خود، ذیل آیه وضو، این ترکیب را پذیرفته و آن را مذهب مشهور نحویان خوانده است. (1)

از سوی دیگر، حسب قواعد دانش نحو، با وجود عامل اعرابی نزدیک تر، تا قرینه ای نباشد، روا نیست اعراب کلمه ای را تحت تأثیر عامل دورتر بدانیم. از این رو در آیه وضو، کلمه «فَامَسَّ حُجُوًا» که به «بِرُؤُسِكُمْ» نزدیک تر است، مجالی را برای تأثیرگذاری عامل دورتر یعنی «فَاغْسِلُوا» باقی نمی گذارد. از این رو، از ابن عباس چنین نقل شده است که:

إِنَّ النَّاسَ أَبَوَا إِلَّا الْغَسْلَ وَلَا أُحْدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا الْمَسْحَ. (2)

مردم [در اثر تبلیغات صورت گرفته] جز شستن [پاها] را نپذیرفتند، در حالی که در کتاب خدا، جز مسح [پاها] را نمی یابم.

همچنان که در باره وی، گفته شده است که:

كَانَ يَقُولُ: الْوُضُوءُ غَسْلَتَانِ وَمَسْحَتَانِ. (3)

همواره می گفت: وضو، دو شستن و دو مسح دارد.

2. اذان

اشاره

2. اذان (4)

اذان، علاوه بر یادآوری وظیفه فردی، یک شعار سیاسی-اجتماعی نیز هست. از این رو شایسته است که در جوامع اسلامی، هر شب و روز، شعار توحید و نفی شرک و

ص: 639

1- ر.ك: تفسیر الفخر الرازی: ج 11 ص 161. گفتنی است فخر رازی با وجود اعتراف به این که آیه وضو بر مسح پاها دلالت دارد، همچنان به شستن پاها معتقد است. وی دلیل خود را روایاتی می داند که اهل سنت در این باره، نقل کرده اند.

2- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 156 ح 458.

3- كنز العمال: ج 9 ص 433 ح 26840.

4- گفتنی است احادیث و مباحث مربوط به «اذان»، به تفصیل، پیش از این در دانش نامه قرآن و حدیث (ج 2/مدخل «اذان») و نیز به صورت مستقل در کتاب فرهنگ نامه اذان آمده است.

دعوت به ارزش های دینی با صدای بلند تکرار شود. با این همه و با وجود اهتمام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، متأسفانه پس از رحلت ایشان، اذان در معرض تغییراتی قرار گرفت و برخی بندهای آن به اتکای برداشت های فردی، کاسته یا افزوده شد.

گفتنی است بر پایه آموزه هایی که از امامان اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، در شبی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به معراج برده شد، همزمان با رسیدن به بیت المعمور و فرارسیدن وقت نماز، جبرئیل، اذان و اقامه گفت و فرشتگان و پیامبران، به امامت پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستادند. امام باقر علیه السلام نیز بندهای اذان جبرئیل را به همان گونه و ترتیب، به شیعیان خود آموخته است.

از آن پس، پیامبر خدا بلال را برای گفتن اذان، با همان بندهای مشخص، مأمور ساخت و او نیز تا پایان حیات ایشان، آن اذان را ندا می داد.

(1)

گفتن «الصلاة خیر من النوم» در اذان صبح

آیا گفتن عبارت «الصلاة خیر من النوم» که از آن با عنوان «تثویب» یاد می شود، در اذان نماز صبح در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله سابقه داشته است؟

در پاسخ باید گفت: هر چند شماری از روایات اهل سنت، آن را آموزش پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی دیگر، آن را اقدام بلال دانسته اند که به تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و از اجزای اذان گردیده است، لیکن هیچ یک از روایات مورد اشاره، از سند صحیح و قابل اعتمادی برخوردار نیستند تا بتوانند اثبات کنند که این عبارت، جزء اذان دوران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (2)

در مقابل، شماری از احادیث اهل بیت علیهم السلام، گویای آن اند که این جمله پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به اذان افزوده شده است. همسو با این روایات، برخی روایات اهل سنت نیز

ص: 640

1- ر.ك: تهذیب الأحكام: ج 2 ص 60 ح 210.

2- ر.ك: دانش نامه قرآن و حدیث: ج 2 ص 366 (پژوهشی در باره بندهای اذان).

بند یاد شده را به دستور و یا تأیید خلیفه دوم، مستند کرده اند. از جمله، دارقطنی در کتاب سنن خود با دو سند، چنین نقل کرده است:

عن ابن عمر، عن عمر أنه قال لمؤذنه: إذا بلغت «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» فِي الْفَجْرِ، فَقُلْ:

الصلاة خير من النوم، الصلاة خير من النوم. (1)

ابن عمر نقل می کند که عمر به مؤذن خود گفت: در اذان صبح، هر گاه به «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» رسیدی، بگو: «الصلاة خير من النوم، الصلاة خير من النوم».

در الموطأ مالك نیز آمده است:

إِنَّ الْمُؤذِّنَ جَاءَ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ يُؤَذِّنُهُ لَصَلَاةِ الصُّبْحِ فَوَجَدَهُ نَائِمًا. فَقَالَ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، فَأَمَرَهُ عُمَرَ أَنْ يَجْعَلَهَا فِي نِدَاءِ الصُّبْحِ. (2)

مؤذن، نزد عمر بن خطاب آمد تا او را برای نماز صبح، خبر کند. دید که خوابیده است. گفت: «الصلاة خير من النوم؛ نماز، از خواب، بهتر است». عمر به او دستور داد که از آن پس، این جمله را در اذان صبح بگوید.

در المصنّف عبد الرزّاق آمده است:

ابن جرير قال: أخبرني عمر بن حفص أنّ سعداً أوّل من قال: الصلاة خير من النوم في خلافة عمر... فقال: بدعة ثم تركه وإنّ بلالاً لم يؤذن لعمر. (3)

ابن جرير گفت: عمر بن حفص به من خبر داد که سعد [مؤذن]، نخستین کسی بود که گفت: «الصلاة خير من النوم» و این، در خلافت عمر بود.... [عمر] گفت: بدعت است؛ اما بعدها آن را آزاد گذاشت. بلال برای عمر، اذان نگفت.

در جامع المسانيد نیز که در بر گیرنده روایات ابو حنیفه است، چنین آمده است:

عن إبراهيم، قال: سألته عن التثويب فقال: هو ممّا أحدثه الناس و هو حسن ممّا9.

ص: 641

1- سنن الدارقطنی: ج 1 ص 243.

2- الموطأ، مالك: ج 1 ص 72 ح 8.

3- المصنّف، عبد الرزّاق: ج 1 ص 474 ح 1829.

أحدثوا و ذكر أنّ تثويهم كان حين يفرغ المؤذن من أذانه «الصلاة خير من النوم» مرتين.

از ابراهیم روایت شده که گفت: از او (ابو حنیفه) در باره «الصلاة خير من النوم» پرسیدم. گفت: این، از چیزهایی است که مردم، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله [بدعت نهاده اند و در میان چیزهایی که پدید آورده اند، چیز خوبی است. او گفته است: چنین بوده که مؤذن، پس از اتمام اذان، دو بار می گفت: «الصلاة خير من النوم؛ نماز از خواب، بهتر است». (1)

هرچند گزارش های متعددی حاکی از این است که منشأ تثویب، فرمان و یا تقریر و تأیید خلیفه دوم بوده، لیکن در حدیثی از ابو الحسن علیه السلام، آغاز تثویب، به بنی امیه نسبت داده شده است. متن حدیث، چنین است:

الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، بِدَعَا بَنِي أُمَيَّةَ وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ أَصْلِ الْأَذَانِ وَ لَا بَأْسَ إِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يُنَبِّهَ النَّاسَ لِلصَّلَاةِ أَنْ يُنَادِيَ بِذَلِكَ، وَ لَا تَجْعَلُهُ مِنْ أَصْلِ الْأَذَانِ، فَإِنَّا لَا نَرَاهُ أَذَانًا. (2)

جمله «الصلاة خير من النوم»، بدعت بنی امیه است و جزء اذان نیست. البته اشکالی ندارد که شخص، هر گاه که می خواهد مردم را به نماز متوجه سازد، آن را بگوید؛ ولی آن را جزء اذان قرار مده؛ چون ما آن را جزء اذان نمی دانیم.

می توان گفت که این احادیث، با گزارش هایی که آغاز تثویب را عصر خلیفه دوم می دانند، قابل جمع اند، بدین سان که پایه گذاری این کار که جمله «الصلاة خير من النوم» در وسط اذان یا پس از آن گفته شود، به صورت غیر رسمی و محدود، در عصر خلافت عمر صورت گرفته، تا این که در دوران حکومت معاویه، به طور رسمی و فراگیر، جزئی از اذان صبح قرار داده شد. 4.

ص: 642

1- .جامع المسانيد: ج 1 ص 296.

2- .مستدرک الوسائل: ج 4 ص 44.

پیروان اهل بیت علیهم السلام بر اساس ره نموده‌های آن بزرگواران، بر این باورند که جمله «حیّ علی خیر العمل»، در عصر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از اجزای اذان و اقامه بوده و جزئیّت آن، از طریق وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ شده است. شماری از روایات و آثار موجود در منابع حدیثی اهل سنت، (1) این جزئیّت را تأیید کرده اند.

اینک، این سؤال پیش می آید که: اگر جمله «حیّ علی خیر العمل» در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله جزء اذان بوده، چه کسی و با چه انگیزه ای این جمله را حذف کرده است؟

پاسخ این سؤال، در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام (2)، این گونه آمده که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و دوران حکومت ابوبکر و آغاز خلافت عمر، «حیّ علی خیر العمل» جزء اذان و اقامه بوده است؛ ولی عمر، با این استدلال که این جمله، موجب اهمّیت دادن بیش از اندازه مسلمانان به «نماز» و سستی کردن آنان نسبت به «جهاد» می شود، آن را از اذان و اقامه حذف کرده است.

عدم هماهنگی این استدلال با فرهنگ اصیل اسلامی، بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا نماز، عالی ترین جلوه یاد خداست و هیچ عملی در نزد خدای متعال، محبوب تر از یاد او نیست و برای رهایی بنده از هر بدی در دنیا و آخرت نیز عملی سودمندتر از آن وجود ندارد. از این رو، جهاد یا هر عمل پسندیده دیگر، باید بر این اساس، مورد ارزیابی قرار گیرد. در حدیثی در این باره آمده است:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس عمَلٌ أَحَبَّ إلى الله تعالى ولا أنجى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. قِيلَ: وَلَا الْقِتَالُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَوْلَا ذِكْرُ اللَّهِ لَمْ يُؤْمَرْ بِالْقِتَالِ. (3)

ص: 643

1- ر.ك: المعجم الكبير: ج 1 ص 352 ح 1071، المصنّف، عبد الرزّاق: ج 1 ص 464 ح 1797، المصنّف، ابن ابی شیبّه: ج 1 ص 244 ح 3، كنز العمّال: ج 8 ص 342 ح 23174.

2- ر.ك: علل الشرائع: ص 368 ح 4، دعائم الإسلام: ج 1 ص 145.

3- كنز العمّال: ج 2 ص 243 ح 3931.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نزد خدا، کاری دوست داشتنی تر از یاد خدا نیست و [نیز] نجاتبخش تر برای بنده از بدی های دنیا و آخرت. گفته شد: حتی جنگیدن در راه خدا؟ فرمود: اگر یاد خدا نبود، به جنگیدن، فرمان داده نمی شد.

3. تکتّف (دست روی دست گذاشتن در حال قیام)

اشاره

گذاردن دست راست بر روی دست چپ در حال قیام نماز- که از آن با تعبیرهای:

«تکتّف»، «قبض» و «تکفیر» یاد می شود- در نزد غالب اهل سنت، سنت است. تنها مذهب مالکی، آویختن دست را بر روی هم نهادن یکی بر روی دیگری ترجیح داده است. از سوی دیگر، از نظر فقیهان شیعه، نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاقد تکتّف بوده، و از این رو، این عمل، بدعت، حرام و موجب بطلان نماز است.

نویدید بودن تکتّف

دست روی دست نهادن در نماز، پدیده ای است که پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به وجود آمده است. در این باره، دو روایت زیر، شایان توجه اند:

نخست، روایت ابو حُمَید ساعدی (1) است که شماری از محدثان اهل سنت، آن را نقل کرده اند. راوی (ابو حمید) در حضور جمعی از صحابه، چگونگی نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را توصیف کرده است. وی با آن که در صدد بیان ویژگی های نماز ایشان بوده، به این که پیامبر صلی الله علیه و آله دستان خود را بر یکدیگر می نهاده، هیچ اشاره ای نکرده است و در عین حال، حاضران، همگی، کیفیت حکایت شده توسط وی را تصدیق کرده اند و هیچ یک از آنان، با آن که در ابتدا دانایانتر بودن او نسبت به سایر صحابه را مورد اعتراض قرار داده بودند، در باره عدم اشاره به موضوع «تکتّف» معترض نشده است.

دوم، روایت حمّاد بن عیسی (2) که در آن، راوی (حمّاد) در پی انتقاد امام صادق علیه السلام

ص: 644

1- ر.ک: ح 935.

2- ر.ک: ج 1/ح 653.

از نحوه نماز گزاردن شخصی که در طول عمر خود، نماز کاملی با رعایت همه حدود به جا نمی آورد، از ایشان درخواست می کند چگونگی نماز را مجدداً به وی بیاموزد.

امام علیه السلام رو به قبله می ایستد و نمازی را با حدود و سنن، به صورت عملی به او آموزش می دهد؛ لیکن همچون حدیث پیشین، با آن که در مقام بیان بوده، هیچ اشاره ای به نهادن دستان بر یکدیگر نمی کند.

منشأ پیدایش تکتف در نماز

بر پایه آنچه در شماری از روایات شیعی آمده، پدیده «تکتف» با الگوبرداری از اهل کتاب و مشخصاً مجوس، به نماز گروهی از مسلمانان راه یافته است. از جمله، شیخ صدوق از امیر مؤمنان امام علی علیه السلام چنین آورده است:

لَا يَجْمَعُ الْمُسْلِمُ يَدَيْهِ فِي صَلَاتِهِ وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَتَشَبَّهُ بِأَهْلِ الْكُفْرِ يَعْنِي الْمَجُوسَ. (1)

مسلمان در نمازش، در حالی که در برابر خداوند متعال ایستاده، دستان خود را بر هم نمی نهد تا شبیه کافران - یعنی مجوس - شود.

از امام باقر علیه السلام نیز نقل است که فرمود:

عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ... وَلَا تُكْفِّرْ، فَإِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ. (2)

بر تو باد که به نمازت روی آوری... و دستانت را بر هم منه، که تنها مجوس چنین می کنند.

به همین جهت، برخی از فقها، پیشینه دست روی دست نهادن در نماز را این گونه نقل کرده اند:

ص: 645

-
- 1- الخصال: ص 622 ح 10. گفتنی است چنان که از برخی آثار باستانی و تصاویر به جا مانده در کتیبه ها و مینیاتورها پیداست، این سنت، علاوه بر ایرانیان پیرو آیین زردشت، در حوزه فرهنگ چینی و آیین بودا نیز رواج داشته است.
 - 2- علل الشرائع: ص 358 ح 1.

فإنه حُكي عن عمر لمّا جيء بأسارى العجم كَفّروا أمامه، فسأل عن ذلك، فأجابوه بأننا نستعمله خضوعاً و تواضعاً لملوكنا، فاستحسن هو فعله مع الله تعالى فى الصلاة. (1)

از عمر، حکایت شده است که چون اسیران عجم را به نزدش آوردند، آنان در برابر او دستانشان را بر هم نهادند. وی در باره این کارشان پرسید. آنان پاسخ دادند: ما از سر تواضع و فروتنی برای پادشاهانمان، چنین می کنیم و او نیز انجام دادن چنین کاری را در نماز، در برابر خداوند متعال، نیکو شمرد.

ضعف دلیل معتقدان به سنت بودن تکتف

اهل سنت برای اثبات سنت بودن تکتف، به روایاتی از جمله روایت زیر از سهل بن سعد استدلال کرده اند:

عن أبى حازم عن سهل بن سعد أنه قال: كان الناس يؤمرون أن يضع الرجل يده اليمنى على ذراعه اليسرى فى الصلاة. قال أبو حازم: ولا أعلم إلا أنه ينمى ذلك. (2)

ابو حازم از سهل بن سعد، نقل می کند که وی گفت: به مردم فرمان داده می شد که هر يك در نماز، دست راست خود را بر دست چپ خود قرار دهد.

ابو حازم می گوید: من جز این نمی دانم که [سهل بن سعد] آن را [به پیامبر صلی الله علیه و آله] نسبت می داد.

این روایت، صرف نظر از پاره ای اشکالات سندى، از جهت دلالت نیز محلّ تأمل است:

اولاً: مقصود از این سخن سهل بن سعد که گفته است: «به مردم دستور داده می شد که در نماز، دست راست خود را بر دست چپ خود بگذارند» چیست؟ و چه کسی

ص: 646

1- .جواهر الكلام: ج 11 ص 19.

2- .السنن الكبرى: ج 2 ص 28.

چنین دستوری را صادر کرده بود؟ اگر منظور از صادر کننده دستور، پیامبر صلی الله علیه و آله بود، چه دلیلی داشت که نام ایشان ذکر نشود، با آن که تبرک جویی به نام ایشان و نیز قوت سخن نقل شده را در پی داشت؟ آیا جز این است که این دستور، پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صادر شده است؟

ثانیاً: سخن ابو حازم که گفته است: «مطلب نقل شده را جز این نمی دانم که [سهل بن سعد به پیامبر صلی الله علیه و آله] نسبت می داد» یا «جز این نمی دانم که [به پیامبر صلی الله علیه و آله] نسبت داده می شد»، علی رغم ظاهر عبارت، خود، حکایت از تردید ابو حازم از انتساب آن به پیامبر خدا دارد؛ زیرا اگر در این باره دچار تردید نبود، اساساً نیازی نداشت تا چنین سخنی بر زبان آورد. (1)

4. بلند خواندن بسم الله

اشاره

یکی از ویژگی های «بسم الله الرحمن الرحيم»، تأکید بر بلند خواندن آن در نمازهاست که در اصطلاح از آن به «جهر به بسمله» یاد می شود. در این باره چند نکته، قابل توجه است:

«جهر به بسمله» در سنت نبوی صلی الله علیه و آله

بر اساس احادیث مستفیض (2) که در منابع روایی شیعی و اهل سنت آمده، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، در همه نمازها حتی نمازهایی که آهسته خواندن آنها واجب است، «بسم الله الرحمن الرحيم» را با صدای بلند قرائت می کردند.

از این رو، فقیهان امامیه بر وجوب جهر به بسمله در نمازهای صبح و مغرب و

ص: 647

1- این نقد محتوایی را فقیه بزرگ مالکی اندلس، ابن رشد (450-520 م) نیز مطرح کرده و به استناد آن، گزارش سهل بن سعد را بی اعتبار شمرده و «تکتف» را رد کرده است (ر.ک: بداية المجتهد: ج 1 ص 131).

2- مستفیض، به حدیثی گفته می شود که در هر طبقه، چند راوی آن را نقل کرده اند. البته اگر این تعداد زیادتر باشند، اصطلاحاً به حدیث، «متواتر» گفته می شود.

عشا و جمعه و بر مطلوبیت آن در سایر نمازها، اجماع دارند.

سنت «جهر به بسمله»، در عمل صحابه

علاوه بر امیر مؤمنان علیه السلام، دیگر صحابه و حتی خلفای سه گانه نیز سنت جهر به بسمله را رعایت می کرده اند. در نقل های معتبر از جمعی از صحابه که پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام، ابو بکر و عمر و عثمان، نماز گزارده اند، چنین آمده که همگی بسمله را به جهر می خوانده اند. عمار، انس، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عمر، عبد الله بن زبیر و عایشه از این جمله اند. فخر رازی می گوید:

آشکار کردن ذکر خدا، نشانه آن است که شخص به آن ذکر افتخار می کند و به انکار کسی که منکر آن است، اهمیتی نمی دهد. بی تردید، چنین چیزی از نظر عقل، پسندیده است. طبعاً از نظر شرع نیز این گونه است... با این وصف، مخفی داشتن چنین چیزی چگونه برای خردمندی سزاوار است؟! از این رو نقل شده که روش علی علیه السلام، بلند خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» در همه نمازها بود.

می گویم: این استدلال نزد من، قوی و در اندیشه ام، استوار است و مسلماً با سخن مخالفان از بین نمی رود. (1)

فخر رازی در ادامه چنین می افزاید:

بیهقی در السنن الکبری از ابو هریره حکایت کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می خواند. پس از آن، شیخ بیهقی از عمر بن خطاب، ابن عباس، ابن عمر و ابن زبیر، بلند خواندن بسمله را نقل کرده است؛ اما این که علی بن ابی طالب، بسمله را بلند می خوانده، به تواتر ثابت شده است. و هر کس در دینش، از علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کند، بی تردید، ره یافته است.

دلیل این سخن، فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که: «بار الها! همواره بر گرد علی

ص: 648

بر این اساس، شماری از نقل‌های منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی صحابه که اینان نماز را با صدای آهسته (به اخفات) می‌خواندند، (2) تلاشی برای توجیه بدعت بنی امیه ارزیابی می‌شود.

در این میان، علاوه بر تعدد و قوت چشمگیر روایات دسته نخست، اعتراض عمومی اهل مدینه به معاویه در عدم پابندی به سنت رایج در بسمله، شاهد گویایی بر استمرار سیره نبوی در خصوص قرائت بسمله، آن هم با صدای بلند تا آن روزگار بود.

سیوطی در کتاب تفسیری اش، شافعی در کتاب الأم و دارقطنی و بیهقی در کتاب‌های السنن خود، اقدام بدعت آمیز معاویه و اعتراض عمومی به وی را چنان که در ادامه آورده ایم، حکایت کرده‌اند. پیشاپیش، این نکته شایان توجه است که دو موضوع: یکی، ترك بسمله در نماز، با این بهانه واهی که «بسم الله» جزئی از سوره‌ها نیست، و دیگری، موضوع به جهر نخواندن «بسم الله»، موضوعات به هم تنیده‌ای هستند که از دو زاویه، نتیجه واحد (یعنی از رونق انداختن این قطع و حیانی در نماز) را دنبال می‌کنند. سیوطی آورده است:

او (معاویه) به مدینه آمد و با آنان به نماز ایستاد و «بسم الله الرحمن الرحيم» را نخواند و در هنگام فرود آمدن و برخاستن، تکبیر نگفت. چون سلام داد، مهاجران و انصار ندایش دادند که: ای معاویه! آیا از نمازت دزدیدی؟ «بسم الله الرحمن الرحيم» کجاست؟ و تکبیر کجاست؟ او پس از آن، هر گاه نماز می‌گزارد، «بسم الله الرحمن الرحيم» را برای ام القرآن (سوره حمد) و برای سوره بعد از آن می‌خواند و چون به سجده می‌رفت، تکبیر می‌گفت. (3) 1.

ص: 649

1- تفسیر الفخر الرازی: ج 1 ص 210.

2- ر.ك: الدرّ المنثور: ج 1 ص 29.

3- الدرّ المنثور: ج 1 ص 21.

واضح است که فریاد برآوردن صحابیان و تابعیان، نشانه آن است که جزئیّت بسمله برای سوره حمد و دیگر سوره ها و نیز بلند خواندن آن در نماز، نزدشان از مسلمات به شمار می آمده؛ زیرا در غیر این صورت، مسلماً مستندی از سوی معاویه یا وابستگان فکری وی در توجیه اقدام انجام شده، ارائه می شد.

دگرگون کردن «سنت جهر به بسمله»

مطابق نقل محدثان شیعه و اهل سنت، التزام به جهر به بسمله، تا اوایل حکومت بنی امیه ادامه داشت. هر چند معاویه به دلیل اعتراض مردمی نسبت به تغییر سیره جاری در بسمله، ناگزیر به عقب نشینی گردید، لیکن مقصود تثبیت نشده وی، در فرصت مناسب دیگری توسط وابستگان حکومت او دنبال گردید. در این عرصه، نخستین کسی که سنت جهر به بسمله را به اخفات تغییر داد، عمرو بن سعید بن العاص، والی اموی مدینه بود. سیوطی به نقل از بیهقی از زهری، چنین آورده است:

از سنت نماز، این بود که «بسم الله الرحمن الرحيم» قرائت شود و نخستین کسی که «بسم الله الرحمن الرحيم» را آهسته خواند، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مدینه، بود. (1)

علامه امینی، پس از نقل این گزارش، می نویسد:

این روایات، گویای آن اند که بسمله، از زمان نزول قرآن، همواره بخشی از سوره بوده است و همین بوده که امت بدان خو کرده و در نهان خانه جان ها جا گرفته و در باورها استقرار یافته است. از این رو، هنگامی که معاویه آن را ترك کرد، مهاجران و انصار گفتند: «او [از نماز] دزدیده است» و معاویه نیز نتوانست جزء نبودن آن را برای آنان عذر بیاورد، چندان که ناگزیر شد نماز را با سوره ای که در بر دارنده بسمله باشد، تکرار کند و در نمازهای بعد، بدان پایبند شود. اگر در آن جا، نظریه ای مبنی بر جدا بودن سوره از بسمله وجود داشت، بی تردید، معاویه آن را دلیل می آورد؛ لیکن آن، سخن نوی است که آنان برای توجیه کار معاویه و

ص: 650

همانندان اموی او؛ همانها که پس از آشکار شدن راه هدایت از گم راهی، از وی پیروی کردند، آن را بنیان نهاده اند. (1)

ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعت

از احادیث اهل بیت علیهم السلام به روشنی بر می آید که آن بزرگواران با هدف ادای تکلیف در تبیین احکام الهی و حراست از سنت نبوی صلی الله علیه و آله و ستیز با بدعت، بر بیان حکم اصیل قرائت بسمله، تأکید مضاعف داشته اند، تا جایی که «جهر به بسمله» به عنوان یکی از شعارهای اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان به شمار آمده، به طوری که این حکم، در ردیف مواردی چون حکم حرمت شرابخواری، غیر قابل تقیّه اعلام شده است. (2)

5. آمین گفتن

اشاره

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و فقیهان شیعی به هیچ دلیل قابل اعتنایی که دلالت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز خود، در پی قرائت سوره حمد، «آمین» می گفته، دست نیافته اند، از این رو آمین گفتن در آخر سوره حمد را سخنی زاید و التزام به آن را بدعت و به زبان آوردن آن را موجب بطلان نماز می دانند. این در حالی است که بجز مذهب مالکی - که به استحباب آن معتقد است -، دیگر مذاهب اهل سنت، پا را فراتر نهاده و به سنت بودن آن، فتوا داده اند. (3)

مستند رأی شیعی

فقهای شیعه با توجه به توقیفی بودن اجزای نماز و فقدان مستندی شرعی برای گفتن

ص: 651

1- الغدير: ج 10 ص 202.

2- امام صادق علیه السلام می فرماید: «التقيّة ديني و دين آبائي، إلفي ثلاث: في شرب المسكر، و المسح على الخفين، و ترك الجهر ب«بسم الله الرحمن الرحيم»؛ تقیّه کردن، آیین من و آیین پدرانم است، مگر در سه چیز: در نوشیدن شراب، مسح کردن [هنگام وضو] بر کفش ها، و ترك بلند خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» [در نماز]» (دعائم الإسلام: ج 1 ص 110).

3- ر.ك: الفقه على المذاهب الأربعة: ج 1 ص 250.

«آمین» در پی سوره حمد، حکم به حرمت آن داده اند. ملاحظه دو روایت ابو حمید ساعدی (1) از طریق اهل سنت و حماد بن عیسی از طریق شیعه (2) - که پیش از این در موضوع تکتف (دست روی دست گذاردن در حال قیام نماز) به آنها اشاره شد -، علاوه بر تکتف، از فقدان آمین گفتن در شیوه اصیل نماز خبر می دهد. این، در حالی است که در احادیث متعددی از امامان اهل بیت علیهم السلام، از افزودن چنین جزئی به نماز، نهی شده است. سه روایت زیر، از آن جمله اند:

عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَقَرَأَ الْحَمْدَ وَفَرَعَ مِنْ قِرَاءَتِهَا فَقُلْ أَنْتَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» وَلَا تَقُلْ «آمِينَ». (3)

از جمیل نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه [در نماز جماعت] پشت سر امامی ایستادی و او حمد را خواند و آن را به آخر رساند، تو بگو: "الحمد لله رب العالمين" و "آمین" نگو».

وَعَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقُولُ إِذَا فَرَعْتُ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ:

آمِينَ؟ قَالَ: لَا. (4)

محمد حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: هنگامی که فاتحه کتاب را به پایان بردم، آمین بگویم؟ فرمود: خیر.

وَعَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقُولُ آمِينَ إِذَا قَالَ الْإِمَامُ: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»؟ قَالَ: هُمُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى وَ لَمْ يُجِبْ فِي هَذَا. (5)

معاویه بن وهب می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آن گاه که امام [جماعت]، «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را خواند، آمین بگویم؟ فرمود: «آنان یهود و نصاریند»؛ لیکن به این سؤال پاسخ نداد. 6.

ص: 652

1- ر.ك: ح 936.

2- ر.ك: ج 1/ح 653.

3- الكافي: ج 3 ص 313 ح 5.

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 74 ح 44.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 75 ح 46.

بر پایه احادیث متواتر، امامان اهل بیت علیهم السلام پاسدار، مبلغ و تبیینگر سنت نبوی اند. بر این اساس، چنانچه در مواردی، سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به ما نرسیده باشد، می توان از سیره آن بزرگواران، سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را کشف کرد.

بر این اساس، فقهای شیعه، قنوت را از جمله مستحبات مؤکدی بر می شمردند که انجام آن، در همه نمازها مشروع بوده و اختصاص به نماز خاصی ندارد و محل انجام آن نیز پس از قرائت رکعت دوم و پیش از رکوع است، مگر در نماز جمعه که حکم آن، قدری متفاوت با دیگر نمازهاست. (1) مستند این رأی، روایات متعددی هستند که از اهل بیت علیهم السلام صادر شده اند، مانند: آنچه شیخ کلینی در الکافی و شیخ طوسی در دو کتاب تهذیب الأحکام و الاستبصار خود، از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند:

القنوت فی کُلِّ صَلَاةٍ فِی الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ. (2)

قنوت در نمازها، پیش از رکوع رکعت دوم است.

اهل سنت نیز، با نقل روایاتی از براء بن عازب، تمام نمازهای واجب پیامبر خدا را دارای قنوت گزارش کرده اند. (3) با این حال، در باره انجام قنوت، آرای متفاوتی در بین فقیهانشان به چشم می خورد: شافعی، قنوت را تنها در نماز صبح، مستحب می داند.

ابو حنیفه جز در نماز وتر، قنوت را مکروه دانسته (4) و ابن حنبل نیز آن را برای امام در صورتی مُجاز می داند که گروهی برای جهاد اعزام شده باشند و ضرورت داشته باشد برایشان دعا کرد. (5)

ص: 653

1- ر.ك: العروة الوثقى: ج 2 ص 607.

2- ر.ك: ج 1/ح 611.

3- ر.ك: ج 1/ح 604.

4- ر.ك: بداية المجتهد: ج 1 ص 108.

5- المجموع: ج 3 ص 504.

7. نشستن پس از سجده دوم

فقهای شیعه در رکعاتی که فاقد تشهّدند، نشستن پس از سر برداشتن از سجده دوم را، که اصطلاحاً «جلسه استراحت» می نامند، به استناد روایاتی از امامان اهل بیت علیهم السلام، واجب و یا لازم الاحتیاط می دانند. (1) چنان که در مبحث پیشین بیان گردید، آموزه ها و سنت های اهل بیت علیهم السلام، از مطمئن ترین راه های کشف آموزه ها و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. بنا بر این، با توجه به تأکید امامان اهل بیت علیهم السلام بر جلسه استراحت، می توان نماز پیامبر صلی الله علیه و آله را مشتمل بر این جزء به شمار آورد. جالب، این که اهل سنت، خود روایت کرده اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نمازش، جلسه استراحت را رعایت می کرده؛ (2) لیکن در عین حال، غالب فقیهانشان بدان فتوا نداده، و در نتیجه بعد از سجده دوم، بدون مکث بر می خیزند.

8. قصر نماز در سفر

اشاره

اهل سنت و شیعه، روایاتی نقل کرده اند که بیانگر آن اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفر نمازهای چهاررکعتی را به قصر می خوانده است. دو روایت زیر، از آن جمله اند.

نخست، از سلمان نقل شده که می گوید:

فُرِضَتِ الصَّلَاةُ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ، فَصَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَكَّةَ حَتَّى قَدِمَ الْمَدِينَةَ وَصَلَّاهَا بِالْمَدِينَةِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَزَيْدًا فِي صَلَاةِ الْحَضَرِ رَكَعَتَيْنِ وَتُرِكَتِ الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ عَلَى حَالِهَا. (3)

نماز به صورت دو رکعت دو رکعت واجب شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مکه چنین نماز خواند تا آن که به مدینه آمد و در مدینه، آن گونه که خدا خواست، نماز گزارد، به این شکل که به نماز در وطن، دو رکعت افزود و نماز در سفر را به حال خود، رها کرد.

ص: 654

1- ر.ك: العروة الوثقى: ج 2 ص 576.

2- ر.ك: ج 1/ح 594.

3- مجمع الزوائد: ج 2 ص 360.

حدیث دیگر از امام باقر علیه السلام است که فرمود:

قَدْ سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى ذِي خَشَبٍ وَ هِيَ مَسِيرَةٌ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بِرِيدَانِ أَرْبَعَةً وَعِشْرُونَ مِيلاً فَقَصَرَ وَأَفْطَرَ فَصَارَتْ سُنَّةً. وَقَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ: الْعُصَاةَ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَهُمُ الْعُصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ذی خشب- که یک روز تا مدینه فاصله داشت- سفر کرد. نماز خود را شکسته خواند و روزه اش را افطار کرد و این سنت شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گروهی را که زمان افطار کردن خود، روزه گرفته بودند، «نافرمانان» نامید.

امام علیه السلام فرمود: آنان تا روز رستاخیز، نافرمان اند.

بر این اساس، تمام مذاهب، در این موضوع، اتفاق نظر دارند که در شریعت اسلامی، به قصر خواندن نماز مسافر، امری مشروع است. جزیری در کتاب خود در این باره می نویسد:

وقد أجمعت الأمة على مشروعية القصر. (2)

امت بر مشروع بودن قصر [نماز مسافر]، اجماع دارند.

با این حال، ملاحظه کتب فقهی، گویای آن است که احکام و چگونگی نماز قصر، مورد اختلاف قرار گرفته است. امامیه و حنفیه، قصر خواندن نمازهای چهاررکعتی را واجب تعیینی دانسته اند؛ لیکن دیگر فرقه های اهل سنت، قصر را تنها مجاز می دانند، هر چند همینان، خود، در افضلیت قصر یا اتمام، هم داستان نیستند. (3)

نماز قصر در قرآن

قرآن کریم در سوره نساء به مسئله قصر نماز پرداخته، چنین می فرماید:

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ

ص: 655

1- کتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 435 ح 1265.

2- الفقه على المذاهب الأربعة: ج 1 ص 608.

3- ر.ك: بداية المجتهد: ج 1 ص 134.

و چون در زمین سفر می کنید، اگر بیم آن داشتید که کافران به شما زیان رسانند، بر شما گناهی نیست که نماز را کوتاه کنید. همانا کافران، دشمن آشکار شمایند».

هر چند به حکم ذیل آیه چنین به نظر می رسد که به قصر خواندن نماز، مربوط به سفرهای جهادی است، لیکن مراجعه به آرای تفسیری و فتاوی فقهی، نشان می دهد که عالمان اسلامی، جز اندکی از آنان، سفرهای مختلف را مشمول این حکم می دانند.

قصر نماز، رخصت یا عزیمت؟

پرسشی که به صورت جدی در میان صاحب نظران مذاهب اسلامی مطرح بوده و هست، این است که: آیا حکم قصر نماز، صرفاً رخصت است- که در این صورت، نمازگزار حق دارد در ایام سفر، میان شکسته یا تمام خواندن نماز، انتخاب کند- یا آن که عزیمت است- که ناگزیر به رعایت قصر نماز باشد-؟

منشأ این پرسش، تعبیر «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا» است که از جهت لغوی بدین معناست که شکسته خواندن نماز، منعی ندارد و پیداست که لازمه ممنوع نبودن قصر نماز، واجب بودن آن نیست. از سوی دیگر، ملاحظه موارد کاربرد این تعبیر در قرآن کریم، حاکی از آن است که لااقل برخی موارد آن (آیه سعی میان صفا و مروه)، بی تردید به معنای عزیمت است، هر چند از دیگر نمونه های قرآنی، رخصت و جواز فهمیده می شود. بر این اساس، نمی توان از آیه قصر نماز، چیزی بیش از اصل تشریح قصر نماز مسافر را دریافت و باید با مراجعه به سنت نبوی، احکام و جزئیات قصر نماز را شناخت.

در این میان، ملاحظه روایات نبوی موجود در منابع حدیثی شیعی و اهل سنت، تردیدی را در این که حکم نماز قصر، عزیمت و نه رخصت است، باقی نمی نهد.

ص: 656

احادیثی که ما اندکی قبل تنها دو مورد آن را بازگو کرده ایم. در این باره، سخن دو تن از صحابه سرشناس نیز جالب توجه است. ابن عباس می گوید:

فرض الله الصلاة على لسان نبيكم في الحضر أربعا وفي السفر ركعتين وفي الخوف ركعة. (1)

خداوند از زبان پیامبرتان، نماز را در وطن، چهار رکعت و در سفر، دو رکعت و در حال هراس [از دشمن]، یک رکعت واجب کرد.

همچنین از موثق، حکایت شده است که:

سألت ابن عمر عن الصلاة في السفر، فقال: ركعتين ركعتين، من خالف السنة فقد كفر. (2)

از ابن عمر در باره نماز در سفر پرسیدم. گفت: دو رکعت دو رکعت. هر کس با سنت مخالفت ورزد، کافر است.

ادله معتقدان به رخصت

واقعیت، این است که مستندات فقیهان اهل سنت معتقد به رخصت، دچار ضعف فاحشی هستند. شافعی در کتاب الامم خود، تعبیر «لیس علیکم جناح أن تقصروا» را دلیل عقیده خود قرار داده است؛ سخنی که ماوردی در کتاب الحاوی الکبیر و فخر رازی در التفسیر الکبیر و ابن قدامه در المغنی، همان را دنبال کرده اند. این در حالی است که برخی کاربردهای واژه مزبور در قرآن کریم، یعنی آیه سعی میان صفا و مروه - چنان که پیش از این گفتیم - ناتمام بودن استدلال امام شافعی و پیروانش را آشکار می سازد.

دلیل دیگر معتقدان به رخصت، حدیث یعلی بن امیه است که در آن، قصر نماز به

ص: 657

1- .مسند ابن حنبل: ج 1 ص 547 ح 2293.

2- .مجمع الزوائد: ج 2 ص 357 ح 2936.

منزله صدقه الهی دانسته شده است. استدلال گران با ضمیمه کردن این اصل که:

«پذیرش صدقه، واجب نیست» چنین نتیجه گرفته اند که قصر نماز، رخصتی بیش نیست. متن روایت یعلی بن امیه چنین است:

سألت عمر بن الخطاب قلت: «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا»

وقد أمن الله الناس؟ فقال لي عمر: عجبتم مما عجبتم منه فسألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن ذلك فقال: صدقة تصدق الله بها عليكم فاقبلوا صدقته. (1)

از عمر بن خطاب در باره [آیه] «اگر بیم آن داشتید که کافران به شما زیان رسانند، بر شما گناهی نیست که نماز را کوتاه کنید» پرسیدم و گفتم: بی تردید، خداوند به مردم امنیتی داده است. عمر گفت: از آنچه شگفت زده شده ای، شگفت زده شده بودم! در باره آن از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم. فرمود: «صدقه ای است که خداوند به شما ارزانی کرده است. صدقه اش را بپذیرید».

آنچه در این استدلال از آن غفلت شده، این است که صدقاتی که دریافت آنها واجب نیست، صدقات از دست مردم است که ممکن است با عزت نفس دریافت کننده، منافات پیدا کند. این، در حالی است که دریافت صدقات الهی، عین عزت است. در نتیجه مبنای این استدلال که مقایسه صدقه مردم و خداست، قیاسی مع الفارق به شمار می آید.

شاهد این سخن، تعبیر موجود در متن حدیث یعنی «فاقبلوا صدقته» است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ شگفت زدگی عمر که: «چرا باید در عصر امنیتی و عدم ترس از دشمن» همچنان نماز به قصر خوانده شود؟، پذیرش صدقه الهی را به عنوان يك تکلیف، دلیل آن دانسته است. 4.

ص: 658

بر اساس سنت نبوی، امامان اهل بیت علیهم السلام بر قصر خواندن نماز در ایام سفر تأکید کرده و فقیهان شیعی، پیرو فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، به اتفاق، به قصر نماز فتوا داده اند. زراره و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده اند:

قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ كَيْفَ هِيَ وَكَمْ هِيَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» فَصَارَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِبًا كَوُجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ، قَالَا: قُلْنَا: إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» وَلَمْ يَقُلْ: «فَعَلُوا»، فَكَيْفَ أَوْجَبَ ذَلِكَ كَمَا أَوْجَبَ التَّمَامُ فِي الْحَضَرِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْ لَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الصَّفَا وَ الْمَرَّةِ: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا»؟ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الطَّوْفَ بِهِمَا وَاجِبٌ مَقْرُوضٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ وَصَدَّقَهُ نَبِيُّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَذَلِكَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ شَيْءٌ صَنَعَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِي كِتَابِهِ؟

(1)

به امام باقر علیه السلام گفتیم: در باره نماز در سفر چه می گوئید؟ چگونه و چند رکعت است؟ فرمود: «خداوند عز و جل می فرماید:» و چون در زمین سفر می کنید، بر شما گناهی نیست که نماز را کوتاه کنید». پس شکسته خواندن نماز در سفر، واجب است، همان گونه که تمام خواندن آن در وطن، واجب است». گفتیم: خداوند می فرماید: «بر شما گناهی نیست» و فرمود: چنین کنید. پس چگونه شکسته خواندن نماز را در سفر همانند تمام خواندن نماز در وطن، واجب کرده است؟ فرمود: «مگر خداوند عز و جل در سعی میان صفا و مروه فرمود:» پس هر کس حج و عمره خانه خدا به جا آورد، بر او گناهی نیست که میان آن دو، سعی به جا آورد؟ آیا نمی بینید که سعی میان صفا و مروه واجب است؛ زیرا خداوند عز و جل در کتاب خود، آن را ذکر فرموده و پیامبرش آن را انجام داده است؟ این گونه، شکسته خواندن

ص: 659

نماز در سفر، کاری است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجام داده و خداوند در کتاب خود آن را بیان فرموده است.

پایه گذار اتمام نماز در سفر

شواهد تاریخی، گویای آن اند که خلیفه سوم، عثمان، پس از گذشت سال های آغازین خلافت خود، نخستین کسی بود که به اتمام نماز در سفر اقدام کرد. شماری از گزارش های تاریخی در این باره به قرار زیرند:

در تاریخ الطبری آمده است:

در این سال (سال 29) عثمان با مردم حج گزارد. او در منا چادر زد و آن، نخستین چادری بود که عثمان در منا بر پا می کرد. او نماز را در آن جا و در عرفه کامل خواند. واقدی به نقل از عمر بن صالح بن نافع، از صالح وابسته توأمه می گوید: از ابن عباس شنیدم که می گفت: نخستین بار که مردم، آشکارا علیه عثمان سخن گفتند، زمانی بود که وی پس از خواندن نماز دو رکعتی در منا در دوران حکومتش، در سال ششم، نماز را به صورت چهار رکعتی به جا آورد. در نتیجه بسیاری از صحابه بر او خرده گرفتند و نیز کسانی که او را بسیار ملامت می کردند، تا آن که علی علیه السلام در جمع کسانی که نزدش می آمدند، نزد وی آمد و گفت: نه اتّفاقی رخ داده و نه دین جدیدی آمده است. هر آینه پیامبرت را دیدم که [در منا] نماز را دو رکعتی می خواند و سپس ابو بکر و عمر و خود تو در آغاز حکومتت. پس نمی دانم مرجع [کار تو] چیست؟! گفت: نظری است که بدان رسیده ام. (1)

همچنین مسلم در کتاب خود از ابن عمر گزارش کرده است:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در منا دو رکعت نماز گزارد و پس از ایشان، ابو بکر و پس از ابو بکر، عمر و عثمان در آغاز خلافتش، چنین کردند. پس از آن، عثمان نماز را

ص: 660

چهاررکعتی خواند. ابن عمر هر گاه با امام [به جماعت] نماز می گزارد، چهاررکعتی نماز می خواند و هر گاه به تنهایی به نماز می ایستاد، دورکعتی می خواند. (1)

و نیز در کتاب المحلی آمده:

از طریق سفیان بن عیینه از امام صادق علیه السلام از پدرش نقل است که: عثمان در منا بیمار شد. علی علیه السلام آمد و به ایشان گفته شد: برای مردم نماز بگزار. فرمود: «اگر می خواهید، همچون پیامبر خدا- یعنی دورکعتی- نماز می گزارم». گفتند: نه، فقط نماز امیر المؤمنین عثمان! او (علی علیه السلام) نیز سر باز زد. (2)

اکنون این فقیهان اهل سنت اند که باید از عهده پاسخ این پرسش بر آیند که:

چگونه رفتار غیر مستند خلیفه سوم، بر قول و فعل پیامبر خدا و اهل بیت و اصحاب ایشان و نیز دو خلیفه نخست، رجحان یافته است؟!

9. جمع میان دو نماز

اشاره

اهل سنت، نمازهای «ظهر و عصر» و «مغرب و عشا» را جدا از یکدیگر اقامه می کنند و پیوسته بر پیروان اهل بیت علیهم السلام به جهت جمع میان آنها خرده می گیرند. البته فقیهان اهل سنت در موارد خاصی همچون وقوف در مزدلفه و عرفات و مسافرت و پدید آمدن عذر، با اختلاف در چگونگی سفر و عذر، جمع میان دو نماز را جایز می دانند؛ لیکن جواز جمع دو نماز در حصر به صورت اختیاری و بدون عذر را جز اقلیتی نپذیرفته اند.

از سوی دیگر، محدثان آنان، روایات متعددی نقل کرده اند که گویای آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در غیر مواردی هم که اهل سنت معترف اند، با هدف رفع مشقت از امت،

ص: 661

1- صحیح مسلم: ج 1 ص 482 ح 17.

2- المحلی: ج 4 ص 270.

دو نماز را به جمع خوانده است. همین امر سبب شده که آنان خود را ناگزیر از توجیه و تأویل این احادیث بینند.

اما امامیه معتقدند که با زوال خورشید، وقت نماز ظهر و نماز عصر فرا می رسد، هر چند که نماز ظهر باید قبل از نماز عصر، خوانده شود. در این نظریه، از هنگام ظهر تا غروب آفتاب، به استثنای اندازه چهار رکعت از ابتدای آن - که مخصوص نماز ظهر است - و اندازه چهار رکعت از آخر آن - که مخصوص نماز عصر است -، وقت مشترك نماز ظهر و عصر است. از این رو اگر کسی در هر پاره ای از این وقت (وقت مشترك) به خواندن نماز ظهر و عصر اقدام کند، نماز ظهر و عصر را در وقت خودش خوانده است.

با توجه به این توضیحات، چگونگی وقت نماز مغرب و عشا هم روشن می شود، بدین گونه که از غروب خورشید تا نیمه شب - به استثنای سه رکعت از ابتدا و چهار رکعت از انتها که به ترتیب، زمان های اختصاصی برای نمازهای مغرب و عشا - وقت مشترك نماز مغرب و عشا است.

ناگفته نماند اگر چه میان ظهر تا مغرب، وقت مشترك دو نماز ظهر و عصر و میان مغرب تا نیمه شب، وقت مشترك دو نماز مغرب و عشا است، لیکن هر يك از نمازها، وقت فضیلتی هم دارند. فضیلت نماز ظهر، تا زمانی است که سایه شاخص با طول شاخص برابر شود و فضیلت نماز عصر، تا هنگامی است که سایه شاخص دو برابر آن گردد. فضیلت مغرب، تا محو شدن شفق (سرخی طرف مغرب) و فضیلت عشا، تا سپری شدن ثلث شب است.

روشن است که در چارچوب این نظریه، با جمع بین دو نماز، تنها وقت فضیلت یکی از دو نماز از بین می رود، نه این که نمازی در غیر وقت آن خوانده شود. البته به منظور پیشگیری از فوت شدن فضیلت مورد اشاره، از امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده که جدا خواندن دو نماز، بهتر از با هم خواندن آنهاست.

اینک و در پی طرح موضوع، نوبت آن است تا گستره جواز جمع بین دو نماز را که میان شیعیان و اهل سنت مورد مناقشه قرار گرفته، با تأکید بر سنت نبوی، به اختصار، بحث و بررسی نماییم.

با هم خواندن دو نماز در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله در صحاح، سنن و مسانید به چشم می‌خورند که بر جواز با هم خواندن دو نماز (ظهر و عصر، مغرب و عشا) در غیر سفر و از روی اختیار دلالت دارند. اینک تنها به نقل گوشه ای از آنها می‌پردازیم:

ابن عباس می‌گوید:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِالْمَدِينَةِ وَهُوَ مُقِيمٌ عَلَى غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا شَيْءٍ اضْطُرَّهُ إِلَى ذَلِكَ، فَقَالُوا: فَلِمَ يَا أبا عَبَّاسٍ؟ قَالَ:

أَرَادَ أَنْ لَا يُحْرِجَ أُمَّتَهُ. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مدینه در غیر سفر و ترس و چیزی که او را ناگزیر به آن کار کند، میان ظهر و عصر، جمع کرد. به ابن عباس گفتند: چرا، ای ابو عباس؟ گفت:

می‌خواست تا امتش به دشواری نیفتند.

عبد الله بن شقیق نیز چنین آورده است:

خَطَبَنَا ابْنُ عَبَّاسٍ يَوْمًا بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَبَدَتْ النُّجُومُ وَجَعَلَ النَّاسُ يَقُولُونَ: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، قَالَ: فَجَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ لَا يَفْتُرُ وَلَا يَنْشِي: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: أَتَعَلَّمَنِي بِالسُّنَّةِ لَا أُمَّ لَكَ؟! ثُمَّ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ.

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَقِيقٍ: فَحَاكَ فِي صَدْرِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَأَتَيْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ فَسَأَلْتُهُ فَصَدَّقَ مَقَالَتَهُ. (2)

ص: 663

1- المعجم الكبير: ج 12 ص 58.

2- صحيح مسلم: ج 1 ص 491 ح 57.

روزی ابن عباس بعد از نماز عصر، خطبه ای برای ما ایراد کرد، تا این که خورشید غروب کرد و ستاره ها پدیدار شدند. مردم شروع کردند به گفتن «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ!». راوی می گوید: مردی از بنی تمیم نزد ابن عباس آمد، در حالی که بی وقفه می گفت: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ!». ابن عباس گفت: ... آیا به من سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد می دهی؟! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که نماز ظهر و عصر و همچنین نماز مغرب و عشا را با هم خواند.

عبد الله بن شقیق می گوید: این واقعه تردیدی در قلب من ایجاد کرد. نزد ابو هریره آمدم و قضیّه را از او سؤال کردم و او گفته ابن عباس را تصدیق کرد.

از ابن شقیق نیز، سخن زیر در باره پی در پی خواندن دو نماز، حکایت شده است:

قَالَ رَجُلٌ لَابْنِ عَبَّاسٍ: الصَّلَاةُ فَسَدَ كَتِّ، ثُمَّ قَالَ: الصَّلَاةُ فَسَدَ كَتِّ، ثُمَّ قَالَ: لا اُمَّ لَكَ! اَتَعَلَّمْنَا بِالصَّلَاةِ وَكُنَّا نَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟! (1)

مردی به ابن عباس گفت: الصَّلَاةُ! ابن عباس سخنی نگفت. او دوباره گفت:

الصَّلَاةُ! باز هم ابن عباس سکوت کرد. او بار سوم گفت: الصَّلَاةُ! ابن عباس سکوت کرد. سپس ابن عباس گفت: آیا به ما نماز خواندن را یاد می دهی، در حالی که ما در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو نماز را با هم می خواندیم؟!

چنان که ملاحظه شد، این روایات صراحت دارند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بدون این که ترس، باران و یا دلیل دیگری وجود داشته باشد، در مدینه بین دو نماز جمع می نمود، تا بیان کند با هم خواندن دو نماز، جایز و مشروع است و کسی نپندارد که چون ایشان دو نماز را جدا از هم و هر يك را در وقت فضیلت خود به جا می آورد، واجب است دو نماز از هم جدا خوانده شوند. به عبارت دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با این عمل، ثابت 8.

ص: 664

کرد که هر چند خواندن دو نماز در وقت خود بهتر است، اما با هم خواندن آنها نیز جایز است؛ اما چون این روایات با مذاهب اهل سنت مخالف بوده، آنان تلاش کرده اند با تأویلاتی، روایات نبوی را با فتاوی خود هماهنگ سازند. برخی از این تأویلات، عبارت اند از:

1. جمع بین دو نماز در حَصْر که در احادیث آمده، به این معناست که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر را تا چهار رکعت به پایان وقت آن به تأخیر انداخت، تا با خواندن نماز ظهر، وقت نماز عصر فرا رسد و پس از خواندن نماز ظهر، نماز عصر را به جا آورد. بر این اساس، هر يك از نمازها را در وقت خود انجام داده و هم آنها را به صورت جمع، ادا کرده است.

در نقد این نظریه باید گفت: این تأویل، به وضوح با ظاهر حدیث، مخالف است، علاوه بر این که عمل ابن عباس به هنگام ایراد خطبه و استدلالش به این حدیث برای توجیه عملش و تصدیق ابو هریره، در مردود بودن این تأویل، صراحت دارد.

2. روایات جمع بین دو نماز، مربوط به روزهای بارانی اند.

نوی در مقام نقد این نظریه، پس از آن که آن را به گروهی از بزرگان متقدم نسبت می دهد، این تأویل را با روایات دیگری که حاکی اند که پیامبر صلی الله علیه و آله، بدون این که ترسی یا بارانی وجود داشته باشد، دو نماز را با هم خوانده، تضعیف کرده است. (1)

3. جمع بین دو نماز، به سبب بیماری انجام شده است.

این توجیه نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا در برخی از روایات، قید «من غیر خوف و لا علة» و در برخی دیگر، قید «من غیر مرض و لا علة» وجود دارد که نشان می دهد عمل پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع کردن بین دو نماز، در شرایط بیماری یا عذرهای دیگر نبوده است. علاوه بر این، با هم خواندن نماز مغرب و عشا توسط ابن عباس، بی آن که بیمار 8.

ص: 665

باشد، قلم بطلان بر این توجیه می‌کشد. همچنین اگر تأخیر نماز به خاطر بیماری بوده، جمع بین دو نماز می‌باید تنها برای بیمار جایز باشد نه برای کسی که بیمار نیست، در صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله - چنان که از ظاهر حدیث بر می‌آید - با همه حاضران، نماز را به صورت جمع خواند، و این احتمال که در آن هنگام، همه صحابه بیمار بوده‌اند، بسیار بعید است. ابن عباس هم در روایتش به این مطلب تصریح کرده است.

بر این اساس، خطابی در معالم السنن از ابن منذر، چنین نقل کرده است:

معنا ندارد که مسئله با هم خواندن دو نماز توسط پیامبر صلی الله علیه و آله را حمل بر عذری بکنیم؛ زیرا ابن عباس علت جمع را در حدیث آورده است و آن، این است که:

«پیامبر خواسته تا امتش به مشقت نیفتد». از ابن سیرین نقل شده که وی معتقد بوده انسان می‌تواند در صورت نیاز یا به هر دلیلی، دو نماز را به صورت جمع بخواند، البته در صورتی که این کار به عادت تبدیل نشود. (1)

احمد محمد شاکر، محقق کتاب سنن الترمذی، پس از نقل کلام خطابی، گفته است:

این سخن، صحیح است و از حدیث استنباط می‌شود؛ اما توجیه عمل پیامبر صلی الله علیه و آله به بیماری یا غیر آن، سخنی بی‌دلیل است. جواز این عمل موجب می‌شود که مشقت‌های زیادی از کسانی که تحت شرایط سختی به خواندن نماز به صورت جمع مجبور می‌شوند، برداشته شود. جواز این عمل، نوعی ایجاد راحتی برای مردم و کمک به آنها در جهت اطاعت و بندگی خداست. البته همچنان که ابن سیرین گفته، در صورتی که این عمل به شکل عادت در نیاید. (2)

آنچه این محقق گفته، اگر چه حق است، اما تزییق چیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را توسعه داده است. محقق یاد شده، جواز جمع بین دو نماز را در کسی منحصر دانسته 8.

ص: 666

1- معالم السنن: ج 1 ص 229.

2- سنن الترمذی: ج 1 ص 358.

که نیازی داشته باشد، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله به اذن خداوند، این کار را در هر شرایطی جایز دانسته است، چه علتی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. بدون شك، خواندن دو نماز در وقت فضیلت، از خواندن آنها در وقت مشترك، برتر است؛ اما برای این که مشقتی بر امت تحمیل نشود، دامنه وقت نماز در شریعت، وسیع تر از وقت فضیلت است. باید دانست که به مشقت افتادن مردم، به شرایط عذر و نیاز منحصر نیست؛ بلکه شامل تکلیف کردن مردم به این که همیشه باید دو نمازشان را جدا بخوانند نیز می شود.

خلاصه سخن، این که: تشریحی که از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر جواز خواندن دو نماز به صورت جمع، انجام گرفت، به فرمان خداوند بوده است و به شریعت، چنان انعطافی بخشید که بتواند خود را در طی زمان و در تمام زمینه های زندگی رو به رشد بشری، تطبیق دهد. نگاهی دقیق به زندگی صنعتی جهان امروز، نشان می دهد که جدا خواندن دو نماز (مخصوصاً نماز ظهر و عصر) بویژه برای کارگران و کارمندان، به قدری دشوار است که موجب تحمّل سختی زیاد و یا سبب ترك اصل نماز و روی گردانی از آن می شود. شایسته است همه عالمان امت اسلامی، در اجتهاد دینی خود، حکمت گشایشی را که در سنت نبوی آمده، دریافته، به دیده احترام بنگرند و به صراحت اعلام کنند که اگر چه خواندن دو نماز ظهر و عصر در وقت خود بهتر است، اما خواندن آن دو به صورت جمع نیز جایز و موافق شریعت است و هر کس آنها را پی در پی بخواند، وظیفه واجب خود را انجام داده است.

943. صحيح البخاري عن مطرف بن عبد الله: صَلَّىتُ خَلْفَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَا وَعِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ، فَكَانَ إِذَا سَجَدَ كَبَّرَ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ كَبَّرَ، وَإِذَا نَهَضَ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ كَبَّرَ، فَلَمَّا قَضَى الصَّلَاةَ، أَخَذَ بِيَدِي عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ فَقَالَ: قَدْ ذَكَرَنِي هَذَا صَلَاةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَوْ قَالَ: لَقَدْ صَلَّى بِنَا صَلَاةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (1)

944. مسند ابن حنبل عن مُطَرِّفِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: صَلَّىتُ أَنَا وَعِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ بِالْكَوْفَةِ خَلْفَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَكَبَّرَ بِنَا هَذَا التَّكْبِيرَ حِينَ يَرْكَعُ وَحِينَ يَسْجُدُ فَكَبَّرَهُ كُلَّهُ، فَلَمَّا انْصَرَفْنَا قَالَ لِي عِمْرَانُ: مَا صَلَّىتُ مُنْذُ حِينَ- أَوْ قَالَ: مُنْذُ كَذَا وَكَذَا- أَشْبَهَ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ، يَعْنِي صَلَاةَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (2)

945. كشف اليقين -في ذكرِ صَلَاةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ-: كَانَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] يَوْمًا فِي حَرْبِ صِفِّينَ مُسْتَعِلاً بِالْحَرْبِ وَالْقِتَالِ، وَكَانَ مَعَ ذَلِكَ بَيْنَ الصَّفِّينِ يُرَاقِبُ الشَّمْسَ، فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا هَذَا الْفِعْلُ؟ 8.

1- . صحيح البخاري: ج 1 ص 272 ح 753، صحيح مسلم: ج 1 ص 295 ح 33، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 220 ح 19972 كلاهما نحوه، سنن النسائي: ج 2 ص 204، سنن أبي داود: ج 1 ص 221 ح 835 كلها عن مطرف.

2- . مسند ابن حنبل: ج 7 ص 200 ح 19881، المعجم الكبير: ج 18 ص 117 ح 229 نحوه، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 63 ح 2498.

1-2/12 نمازش، نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود

943. صحیح البخاری - به نقل از مطرف بن عبد الله - من و عمران بن حصین، پشت سر علی بن ابی طالب علیه السلام نماز به جا آوردیم. او هر گاه سجده می کرد، تکبیر می گفت و هر گاه سر بلند می کرد، تکبیر می گفت و هر گاه بر می خاست، تکبیر می گفت.

هنگام پایان نماز، عمران بن حصین دست مرا گرفت و گفت: این نماز، نماز محمد صلی الله علیه و آله را به یاد من آورد. و یا گفت: با ما نماز محمد صلی الله علیه و آله را به جا آورد.

944. مسند ابن حنبل - به نقل از مطرف بن عبد الله - من و عمران بن حصین، در کوفه پشت سر علی بن ابی طالب علیه السلام نماز گزاردیم. هر گاه رکوع می کرد یا به سجده می رفت، برای ما تکبیر می گفت. و در همه تکبیر گفت.

هنگامی که از نماز فارغ شدیم، عمران به من گفت: از مدت ها پیش - یا گفت: از فلان وقت - نمازی شبیه تر از این (نماز علی علیه السلام) به نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جا نیاورده بودم.

2-2/12 اهتمامش به اول وقت

945. کشف الیقین - در توصیف نماز امام علی علیه السلام - ایشان روزی در جنگ صفین، سرگرم پیکار و جنگ بود و با این همه میان دو صف، مراقب خورشید بود. ابن عباس به ایشان گفت: ای امیر مؤمنان! این چه کاری است؟

فَقَالَ [عليه السلام]: أَنْظِرْ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نُصَلِّيَ.

فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: هَلْ هَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ؟! إِنَّ عِنْدَنَا لَشُغْلًا بِالْقِتَالِ عَنِ الصَّلَاةِ.

فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعَلَى مَا تُقَاتِلُهُمْ؟! إِنَّمَا تُقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ. (1)

راجع: ج 1 ص 144 (المحافظة على حدود الصلاة وأوقاتها) و ص 240 (ما ينبغي في أداء الصلاة/أداء المكتوبات في أول الوقت) و ص 706 (تأخير الصلاة).

2/12-3 حاله وقت الصلاة

946. تنبيه الغافلين: عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ إِذَا حَصَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ ارْتَعَدَتْ فَرَائِضُهُ (2)، وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ، فَسَدَّ بِلَ عَنِ ذَلِكَ فَقَالَ: جَاءَ وَقْتُ الْأَمَانَةِ الَّتِي عَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ، فَلَيِّبَنَّ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقَنَّ مِنْهَا، وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ، فَلَا أُدْرِي أَحْسِنُ أَدَاءَ مَا حَمَلْتُ أَمْ لَا؟! (3)

2/12-4 حُضُورُ قَلْبِهِ فِي الصَّلَاةِ

947. المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس: اهْدِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَاقَتَانِ عَظِيمَتَانِ سَمِيَتَانِ، فَقَالَ لِلصَّحَابَةِ: هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ بِقِيَامِهِمَا وَرُكُوعِهِمَا وَسُجُودِهِمَا وَوُضُوءِهِمَا وَخُشُوعِهِمَا، لَا يَهْتَمُّ فِيهِمَا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ، وَلَا يُحَدِّثُ 0.

ص: 670

1- . كشف اليقين: ص 144 ح 140، نهج الحق: ص 247 نحوه، إرشاد القلوب: ص 217، بحار الأنوار: ج 83 ص 23 ح 43.

2- . فرائض: جمع فريضة؛ وهي عصب الرقبة وعروقها (النهاية: ج 3 ص 431 «فرص»).

3- . تنبيه الغافلين: ص 539 ح 872، إحياء العلوم: ج 1 ص 229 وليس فيه ذيله، تفسير الألوسي: ج 22 ص 97 كلاهما نحوه؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 124، مجمع البحرين: ج 1 ص 78، عوالي اللآلي: ج 1 ص 324 ح 62 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 60 ص 280.

فرمود: «به زوال خورشید می نگرم تا نماز بگزاریم».

ابن عباس گفت: آیا اکنون، هنگام نماز است؟! جنگ، ما را از نماز به خود مشغول داشته است.

فرمود: «برای چه با اینها می جنگیم؟! ما فقط برای نماز با اینها می جنگیم».

ر.ك: ج 1 ص 145 (پاسداری از حدود و وقت های نماز) و ص 241 (انجام نمازهای واجب در اول وقت) و ص 707 (به تأخیر انداختن نماز).

3-2/12 حالتش در وقت نماز

946. تنبیه الغافلین: امام علی علیه السلام هر گاه وقت نماز می شد، می لرزید و رنگش تغییر می کرد.

از ایشان علت را جویا شدند. فرمود: «وقت نماز فرا رسیده است؛ وقت امانتی که خداوند، آن را بر آسمان ها و زمین عرضه کرد و آنها از قبولش خودداری ورزیدند و از آن ترسیدند، و من نمی دانم از عهده آن بر می آیم یا نه؟».

4-2/12 حضور قلبش در نماز

947. المناقب، ابن شهر آشوب- به نقل از ابن عباس-: دو شتر ماده بزرگ و فربه را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند. به اصحاب فرمود: «آیا کسی در میان شما هست که دو رکعت نماز با قیام و رکوع و سجود و وضو و خشوع آن بگزارد، بی آن که به هیچ کار دنیایی بیندیشد و در دل به فکر دنیا باشد، تا یکی از این دو شتر را به او بدهم؟»

و این را يك بار و دو بار و سه بار فرمود؛ ولی هیچ يك از اصحاب پاسخ نداد.

ص: 671

قَلْبُهُ بِفِكْرِ الدُّنْيَا، أَهْدَى إِلَيْهِ إِحْدَى هَاتَيْنِ النَّاقَتَيْنِ؟ فَقَالَهَا مَرَّةً وَمَرَّتَيْنِ وَثَلَاثَةً لَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ.

فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، أَكْبَرُ تَكْبِيرَةَ الْأُولَى وَإِلَى أَنْ اسَلَّمَ مِنْهُمَا لَا أَحَدٌ نَفْسِي بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا.

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، صَلِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ.

فَكَبَّرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَدَخَلَ فِي الصَّلَاةِ، فَلَمَّا سَلَّمَ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ هَبَطَ جَبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: أَعْطِهِ إِحْدَى النَّاقَتَيْنِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنِّي شَارَطْتُهُ أَنْ يُصَلِّيَ لِي رَكَعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أَعْطَاهُ إِحْدَى النَّاقَتَيْنِ إِنْ صَدَّ لَاهُمَا، وَإِنَّهُ جَلَسَ فِي التَّشَهُدِ فَتَفَكَّرَ فِي نَفْسِهِ أَيُّهُمَا يَأْخُذُ!

فَقَالَ جَبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: تَفَكَّرَ أَيُّهُمَا يَأْخُذُهَا أَسْمَهُمَا وَأَعْظَمَهُمَا فَيَنْحَرُهَا وَيَتَّصَدَّقُ بِهَا لُجْجَةَ اللَّهِ، فَكَانَ تَفَكَّرَهُ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ لَا لِنَفْسِهِ وَلَا لِلدُّنْيَا. فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ وَأَعْطَاهُ كِلْتَيْهِمَا. (1)

وَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا» لِعِظَةِ «لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ» عَقْلٌ «أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ» يَعْنِي يَسْتَمِعُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِأُذُنَيْهِ إِلَى مَنْ تَلَاهُ بِلِسَانِهِ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ «وَهُوَ شَهِيدٌ» (2) يَعْنِي وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدُ الْقَلْبِ لِلَّهِ فِي صَلَاتِهِ، لَا يَتَفَكَّرُ فِيهَا بِشَيْءٍ مِنَ أَمْرِ الدُّنْيَا. (3) هـ.

ص: 672

1- في المصدر: «كليهما»، والتصويب من بحار الأنوار.

2- ق: 37.

3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 20، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 612 ح 8، بحار الأنوار: ج 36 ص 161 ح 142؛ شواهد التنزيل: ج 2 ص 267 ح 900 نحوه.

امیر مؤمنان برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! من دو رکعت نماز می خوانم و از تکبیر نخستین تا سلام پایان آن، در دل به هیچ کار دنیایی نمی اندیشم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! بخوان. درود خدا بر تو باد!».

امیر مؤمنان تکبیر گفت و به نماز ایستاد و هنگامی که در پایان دو رکعت، سلام داد، جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و گفت: ای محمد! خدا به تو سلام می رساند و می فرماید: یکی از دو شتر را به او ببخش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: من با او شرط کرده بودم که اگر در دو رکعت نمازی که می خواند، به هیچ کار دنیایی نیندیشد، یکی از دو شتر را به او بدهم، در حالی که هنگام نشستن در تشهد، با خود اندیشید کدام را بگیرد.

جبرئیل گفت: خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: او اندیشید کدام فربه تر و بزرگ ترند تا آن را بگیرد و قربانی کند و در راه خدا صدقه دهد. پس اندیشه اش برای خدای عز و جل است و نه دنیا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گریست و هر دو را به او بخشید.

خداوند در باره او این آیه را نازل کرد: «قطعاً در این، یادآوری ای است»، یعنی پندی است «برای هر صاحب دلی» یعنی صاحب خردی «و گوش فرا دهنده ای»، یعنی امیر مؤمنان، به کسی که از زبان او کلام خدا را تلاوت کرد، گوش فرا می دهد. «در حالی که گواه است»، یعنی امیر مؤمنان در نمازش گواه بر دلی بود که از آن خداوند بود، و در نمازش به هیچ کاری از کارهای دنیا نمی اندیشید.

948. إرشاد القلوب - في ذكر حالات علي عليه السلام: - لقد كان يُفرش له بين الصَّفِينِ وَالسَّهَامِ تَسَاقُطُ حَوْلَهُ، وَهُوَ لَا يَلْتَفِتُ عَنْ رَبِّهِ وَلَا يُغَيِّرُ عَادَتَهُ، وَلَا يَفْتُرُ عَنْ عِبَادَتِهِ، وَكَانَ إِذَا تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى تَوَجَّهَ بِكُلِّيَّتِهِ، وَانْقَطَعَ نَظَرُهُ عَنِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، حَتَّى إِنَّهُ يَبْقَى لَا يُدْرِكُ الأَلَمَ؛ لِأَنَّ نَهْمَ كَانُوا إِذَا أَرَادُوا إِخْرَاجَ الحَدِيدِ وَالتُّشَابَ مِنْ جَسَدِهِ الشَّرِيفِ تَرَكُوهُ حَتَّى يُصَلِّيَ؛ فَإِذَا اشْتَغَلَ بِالصَّلَاةِ وَأَقْبَلَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَخْرَجُوا الحَدِيدَ مِنْ جَسَدِهِ وَلَمْ يُحَسِّنْ، فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ يَرَى ذَلِكَ، فَيَقُولُ لَوْلَدِهِ الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ هِيَ إِلَّا فَعَلَّتْكَ يَا حَسَنُ. (1)

2/12-5 حاله إذا قام إلى الصلاة

949. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقَالَ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ» تَغَيَّرَ لَوْنُهُ حَتَّى يُعْرَفَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ. (2)

2/12-6 حاله عند الركوع

950. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْكَعُ فَيَسِيلُ عَرْقُهُ حَتَّى يَطَأَ فِي عَرَقِهِ مِنْ طَوْلِ قِيَامِهِ. (3) 0.

ص: 674

1- إرشاد القلوب: ص 217.

2- فلاح السائل: ص 202 ح 115، بحار الأنوار: ج 84 ص 366 ح 21؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 4 ص 110 عن زرارة.

3- فلاح السائل: ص 213 ح 123 عن أبي الصباح، بحار الأنوار: ج 85 ص 110 ح 20.

948. إرشاد القلوب - در باره امام علی علیه السلام - برای او در میان دو سپاه، برای نماز فرش پهن کردند، در حالی که در اطرافش تیرها فرود می آمدند، و او از خداوند، غافل نبود و حالتش تغییر نمی کرد و در عبادتش کوتاهی نمی ورزید. هنگامی که رو به خداوند متعال می نمود، با تمام وجود، توجه می کرد و نظرش از دنیا و هر چه دنیایی است، بریده می شد، تا جایی که درد را حس نمی کرد؛ چون وقتی می خواستند آهن پاره ها و تیرها را از بدن شریفش بیورند، می گذاشتند تا مشغول نماز شود، وقتی مشغول نماز می شد و رو به خداوند متعال می آورد، آهن پاره ها را از تنش بیرون می آوردند و متوجه نمی شد. هنگامی که از نمازش فارغ می شد، می دید آنها را در آورده اند. پس به پسرش حسن علیه السلام می فرمود: «این فقط کار توست، ای حسن!».

5-12/2 حالتش در آستانه نماز

949. امام صادق علیه السلام: هر گاه علی علیه السلام به نماز می ایستاد و می گفت: «رو به سوی کسی آوردم که آسمان ها و زمین را آفریده است»، رنگش تغییر می کرد، به گونه ای که در چهره اش هویدا می شد.

6-12/2 حالتش در رکوع

950. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام، چنان رکوع به جا می آورد که عرقش جاری می شد، به گونه ای که از طولانی شدن نماز، غرق در عرق می شد.

ص: 675

951. الإمام الصادق عليه السلام: إن علياً عليه السلام كان يُصَلِّي في اليوم والليلة ألف ركعة. (1)

952. عنه عليه السلام: إن علياً عليه السلام في آخر عمره كان يُصَلِّي في كل يوم وليلة ألف ركعة. (2)

3/12 صفة صلاة فاطمة الزهراء (عليها السلام)

953. رسول الله صلى الله عليه وآله: أمّا ابنتي فاطمة فإنها سيّدة نساء العالمين من الأولين والآخرين، وهي بضعة مني، وهي نور عيني، وهي ثمرة فؤادي، وهي روجي التي بين جنبي، وهي الحوراء الأنسية، متى قامت في محرابها بين يدي ربها جلّ جلاله زهر نورها لِملائكة السماء كما يزهر نور الكواكب لأهل الأرض، ويقول الله عز وجل لِملائكته: يا ملائكتي، أنظروا إلى أمتي فاطمة سيدة إماني فاطمة بين يدي ترتعد فرائضها من خيفتي، وقد أقبلت بقلبها على عبادتي، أشهدكم أنني قد آمنت شيعتها من النار. (3)

954. عدّة الداعي: كانت فاطمة عليها السلام تنهج (4) في الصلاة من خيفة الله تعالى. (5) 2.

ص: 676

1- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 61 ح 209 عن جميل بن صالح، الأمالي للصدوق: ص 356 ح 437، مجمع البيان: ج 9 ص 133، الدر النظيم: ص 244 كلّها عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، روضة الواعظين: ص 131 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 41 ص 23 ح 16.

2- الكافي: ج 4 ص 154 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 64 ح 215 كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 44 ص 24 ح 16.

3- الأمالي للصدوق: ص 175 ح 178، بشارة المصطفى: ص 198، الفضائل: ص 8 كلّها عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 28 ص 38 ح 1.

4- النهج والنهج: الرّبو وتواتر النفس من شدة الحركة أو فعل متعب (النهاية: ج 5 ص 134 «نهج»).

5- عدّة الداعي: ص 139، إرشاد القلوب: ص 105 كلاهما من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 70 ص 400 ح 72.

951. امام صادق علیه السلام: همانا علی علیه السلام، در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می گزارد.

952. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام در آخر عمر خود، در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می گزارد.

12/3 چگونه نماز فاطمه زهرا (علیها السلام)

953. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اما دخترم، فاطمه، همانا سرور زنان جهان از آغاز تا پایان است. او پاره تنم، نور چشمم، میوه دلم، روح و جانم و حوریه ای به صورت انسان است. هر گاه در محرابش در پیشگاه پروردگار بزرگ و شکوهمندش می ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان، جلوه می نماید، همان گونه که نور ستارگان برای ساکنان زمین جلوه می کند و خداوند عز و جل به فرشتگانش می گوید: «ای فرشتگان من! به کنیز من، فاطمه سرور کنیزانم، بنگرید که در پیشگاه من ایستاده و از ترس من گوشت تنش می لرزد و با دلش به عبادت من روی آورده است. شما را گواه می گیرم که پیروانش را از آتش، ایمن ساختم».

954. عده الداعی: فاطمه علیها السلام در نماز، از ترس خداوند متعال، نفس نفس می زد.

955. الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ... كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطَرَبَ السَّلِيمِ (1)، وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ. (2)

956. عنه عليه السلام: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي، فَمَرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ رَجُلٌ فَنَهَاهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ لَهُ: لِمَ نَهَيْتَ الرَّجُلَ؟ قَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَظَرَ (3) فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْمِحْرَابِ.

فَقَالَ: وَيْحَكَ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يَحْظَرَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ أَحَدٌ. (4)

راجع: ج 1/ح 325.

957. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم -في ذكر وقعة عاشوراء-: فَلَا يَزَالُ الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ قَدَّ قُتِلَ، فَإِذَا قُتِلَ مِنْهُمْ الرَّجُلُ وَالرَّجُلَانِ تَبَيَّنَ فِيهِمْ، وَأَوْلِيَّتِكَ كَثِيرٌ لَا يَتَّبِعُونَ فِيهِمْ مَا يَقْتُلُ مِنْهُمْ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ أَبُو ثَمَامَةَ عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّائِدِيُّ قَالَ لِلْحُسَيْنِ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، نَفْسِي لَكَ الْفِدَاءُ، إِنِّي أَرَى هُوَ لَاءٌ قَدْ اقْتَرَبُوا مِنْكَ، وَلَا وَاللَّهِ 0.

ص: 678

1- السليم: اللديغ، سَلَمَتُهُ الْحَيَّةُ: أَي لَدَغَتَهُ (النهاية: ج 2 ص 396 «سلم»).

2- الأماشي للصدوق: ص 244 ح 262، فلاح السائل: ص 469 ح 318، عدّة الداعي: ص 139 كلها عن المفصّل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 43 ص 331 ح 1.

3- حَظَرَ: مَنَعَ (النهاية: ج 1 ص 405 «حظر»).

4- التوحيد: ص 184 ح 22 عن منيف عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 3 ص 329 ح 30.

955. امام زین العابدین علیه السلام: همانا حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام... هر گاه در پیشگاه پروردگار عز و جل به نماز می ایستاد، وجودش می لرزید و هر گاه بهشت و آتش را یاد می کرد، چون مارگزیده به خود می پیچید و بهشت را از خدا می طلبید و از آتش به خداوند، پناه می برد.

956. امام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام نماز می خواند که مردی از پیش روی ایشان گذشت و یکی از همشینیانش، او را باز داشت. هنگامی که نمازش را به پایان برد، فرمود: «چرا آن مرد را باز داشتی؟».

گفت: ای پسر پیامبر خدا! میان شما و محراب، جدایی انداخت!

فرمود: «وای بر تو! همانا خداوند عز و جل به من نزدیک تر از آن است که کسی میان من و او فاصله شود».

ر.ک: ج 1/ح 325.

5/12 چگونگی نماز امام حسین (ع) در روز عاشورا

957. تاریخ الطبری - به نقل از حمید بن مسلم، در بیان واقعه عاشورا - پیوسته یاران حسین علیه السلام کشته می شدند و هنگامی که از آنان يك یا دو نفر کشته می شد، معلوم می گشت؛ ولی آنان (یزیدیان) فراوان بودند و هر چه از آنان کشته می شد، معلوم نمی گشت. چون ابو ثمامه عمرو بن عبد الله صاندی، این را دید، به حسین علیه السلام گفت:

ای ابا عبد الله! جانم فدایت! من می بینم اینان به تو نزدیک می شوند. سوگند به خدا، کشته نمی شوی تا این که من پیش از تو کشته گردم، این شاء الله. دوست دارم پروردگارم را دیدار کنم، در حالی که این نماز را که وقتش نزدیک شده، بگذارم.

ص: 679

لا تُقْتَلُ حَتَّى اقْتَلَ دُونَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَحِبُّ أَنْ أَلْقَى رَبِّي وَقَدْ صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ الَّتِي دَنَا وَقْتُهَا.

قَالَ: فَرَفَعَ الْحُسَيْنُ بَيْنَ رَأْسِهِ ثُمَّ قَالَ: ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ، نَعَمْ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا. ثُمَّ قَالَ: سَدَّ لَوْهَمٌ أَنْ يَكْفُوا عَنَّا حَتَّى نُصَلِّيَ.

فَقَالَ لَهُمُ الْحُصَيْنُ بْنُ بَنِي تَمِيمٍ: إِنَّهَا لَا تُقْبَلُ، فَقَالَ لَهُ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ: لَا تُقْبَلُ زَعَمْتَ! الصَّلَاةُ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تُقْبَلُ وَتُقْبَلُ مِنْكَ...؟! (1)

958. الملهوف: حَضَرَتْ صَلَاةَ الظُّهْرِ فَأَمَرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زُهَيْرَ بْنَ الْقَيْنِ وَسَعِيدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيَّ أَنْ يَتَقَدَّمَا أَمَامَهُ بِنِصْفِ مَنْ تَخَلَّفَ مَعَهُ، ثُمَّ صَدَّ لِي بِهِمْ صَلَاةَ الخَوْفِ، فَوَصَلَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَقَدَّمَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيَّ وَوَقَفَ يَتَقَبَّلُ بِنَفْسِهِ، مَا زَالَ وَلَا تَخْطَى حَتَّى سَقَطَ إِلَى الْأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنَةَ عَادٍ وَثَمُودَ، اللَّهُمَّ أبلغ نبيك عني السلام وأبلغه ما لقيت من ألم الجراح، فإني أردت ثوابك في نصر ذرية نبيك. ثم قضى نحبهُ رضوانُ الله عليه، فوجد به ثلاثة عشر سهمًا سوى ما به من ضرب السيف وطعن الرماح. (2)

6/12 صِفَةُ صَلَاةِ الإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع)

6/12-1 حاله عند الوضوء

959. الإرشاد: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ أَصْفَرَ لَوْنَهُ، فَيَقُولُ لَهُ أَهْلُهُ: مَا هَذَا الَّذِي 1.

ص: 680

1- تاريخ الطبري: ج 5 ص 439، الكامل في التاريخ: ج 2 ص 567، مقتل الحسين للخوارزمي: ج 2 ص 16 كلاهما نحوه؛ بحار الأنوار: ج 45 ص 21 وراجع البداية والنهاية: ج 8 ص 184.

2- الملهوف: ص 165، مشير الأحرار: ص 65 وفيه صدره إلى «صلاة الخوف»، بحار الأنوار: ج 45 ص 21.

حسین علیه السلام سرش را بلند کرد و فرمود: «نماز را یاد کردی؛ خداوند، تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد! آری، اکنون اول وقت آن است». سپس فرمود: «از آنان بخواهید که دست از ما بردارند تا نماز بگزاریم».

حصین بن تمیم (از فرماندهان سپاه عمر سعد) به آنان گفت: آن (نماز) پذیرفته نمی شود.

حیب بن مظاهر گفت: پذیرفته نمی شود؟! می پنداری نماز از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پذیرفته نمی شود و از تو پذیرفته می گردد؟!

958. الملهوف: وقت نماز ظهر که فرا رسید، حسین علیه السلام به زهیر بن قین و سعید بن عبد الله حنفی فرمان داد که با نیمی از افراد، جلو بایستند. سپس نماز خوف را با بقیه گزارد.

تیری به حسین علیه السلام رسید. سعید بن عبد الله حنفی، پیش رفت و با پیکرش به نگاهی از امام علیه السلام پرداخت و گام از گام بر نداشت تا این که به زمین افتاد، در حالی که می گفت:

«خدایا! آنان را همچون عاد و ثمود، لعنت کن. خدایا! سلامم را به پیامبرت برسان و آنچه درد زخم کشیده ام، به او خبر ده، که من پاداش تو را در یاری دادن به فرزندان پیامبرت خواستارم». پس عهدش را به سر آورد و شهید گشت. رضوان خدا بر او باد! پس جز آنچه از ضربت شمشیرها و نیزه ها بر او بود، سیزده تیر در تنش یافت شد.

6/12 چگونگی نماز امام زین العابدین (ع)

6/12-1 حالتش هنگام وضو

959. الإرشاد: هر گاه علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) وضو می گرفت، رنگش زرد می شد. خانواده اش به ایشان می گفتند: این چیست که شما را فرا می گیرد؟ و ایشان

960. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ -صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا- إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ، فَإِذَا سَجَدَ لَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّى يَرْفُضَ عَرَقًا (2). (3)

961. عنه عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَخَذَ كِتَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَظَرَ فِيهِ قَالَ: مَنْ يُطِيقُ هَذَا؟! مَنْ يُطِيقُ ذَا؟! قَالَ: ثُمَّ يَعْمَلُ بِهِ. وَكَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ حَتَّى يُعْرِفَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ، وَمَا أَطَاقَ أَحَدٌ عَمَلَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ بَعْدِهِ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

962. علل الشرائع عن أبان بن تغلب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ غَشِيَ لَوْنُهُ لَوْنًا آخَرَ. فَقَالَ لِي: وَاللَّهِ، إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَعْرِفُ الَّذِي يَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ. (5)

963. الطبقات الكبرى عن عبد الله بن أبي سُلَيْمَانَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... إِذَا قَامَ 0.

ص: 682

1- الإرشاد: ج 2 ص 142، كشف الغمّة: ج 2 ص 298 كلاهما عن عبد الله بن محمد القرشي، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 97 ح 2277، بحار الأنوار: ج 46 ص 74 ح 61؛ تهذيب الكمال: ج 20 ص 390 عن عبد الرحمن بن حفص القرشي، تاريخ دمشق: ج 41 ص 378 عن عبد الرحمن بن جعفر الهاشمي وكلاهما نحوه.

2- إرفض عرقاً: أي جرى عرقه وسال (النهاية: ج 2 ص 243 «رفض»).

3- الكافي: ج 3 ص 300 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 286 ح 1145، فلاح السائل: ص 222 ح 124 كلّها عن الفضيل بن يسار، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 150 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، مجمع البحرين: ج 2 ص 717 وفيه ذيله، بحار الأنوار: ج 46 ص 64 ح 23.

4- الكافي: ج 8 ص 163 ح 172، منتقى الجمان: ج 2 ص 353 كلاهما عن عبد الرحمن بن الحجّاج، وسائل الشيعة: ج 1 ص 63 ح 200.

5- علل الشرائع: ج 1 ص 231 ح 7، بحار الأنوار: ج 46 ص 66 ح 30.

می فرمود: «آیا می دانید برای ایستادن در پیشگاه چه کسی آماده می شوم؟».

2-6/12 حالتش در نماز

960. امام صادق علیه السلام: زین العابدین علیه السلام هر گاه در نماز می ایستاد، رنگش تغییر می کرد و هنگامی که به سجده می رفت، سر بر نمی داشت، تا این که عرق از ایشان جاری می شد.

961. امام صادق علیه السلام: زین العابدین علیه السلام هنگامی که کتاب علی علیه السلام را گرفت و در آن نگریست، گفت: «چه کسی طاقت این را دارد؟ چه کسی تاب این را دارد؟» و سپس به آن عمل می کرد، و هنگامی که به نماز می ایستاد، رنگش دگرگون می شد تا آن جا که از صورتش فهمیده می شد و هیچ کس از فرزندان علی علیه السلام، پس از او (علی علیه السلام) طاقت عبادت او را نداشتند، جز زین العابدین علیه السلام.

962. علل الشرائع - به نقل از ابان بن تغلب - : به امام صادق علیه السلام گفتم: زین العابدین علیه السلام را دیدم که چون به نماز می ایستاد، به جای رنگ طبیعی، رنگی دیگر، صورتش را فرا می گرفت.

امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به خدا سوگند! زین العابدین، آن کسی را که در برابر او به نماز می ایستاد، می شناخت!».

963. الطبقات الكبرى - به نقل از عبد الله بن ابی سلیمان - : هر گاه زین العابدین علیه السلام... به نماز می ایستاد، ایشان را لرزه می گرفت. پس گفته شد: شما را چه می شود؟ فرمود:

ص: 683

إِلَى الصَّلَاةِ أَخَذَتْهُ رِعْدَةٌ، فَقِيلَ لَهُ: مَا لَكَ؟ فَقَالَ: مَا تَدْرُونَ بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ أَقُومُ، وَمَنْ أَنَا جِي؟ (1)

964. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ غَشِيَ لَوْنَهُ لَوْنٌ آخَرَ، وَكَانَ قِيَامُهُ فِي صَلَاتِهِ قِيَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيِ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ، كَانَتْ أَعْضَاؤُهُ تَرْتَعِدُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ يُصَلِّي صَلَاةً مُوَدَّعٍ يَرَى أَنَّهُ لَا يُصَلِّي بَعْدَهَا أَبَدًا. (2)

3-6/12 حُضُورُ قَلْبِهِ فِي الصَّلَاةِ

965. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ -صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا- إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقٌ شَدَّ جَرَّةً لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَهُ الرِّيحُ مِنْهُ. (3)

966. تهذيب الأحكام عن أبي حمزة الثمالي: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي، فَسَقَطَ رِدَاؤُهُ عَنْ مَنْكَبَيْهِ، قَالَ: فَلَمْ يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، قَالَ: فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ:

وَيَحِكُ! أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كُنْتُ؟ إِنَّ الْعَبْدَ لَا تُقْبَلُ مِنْهُ صَلَاةٌ إِلَّا مَا أَقْبَلَ مِنْهَا. (4)

967. دلالات الإمامة -في وصف صلاة الإمام زين العابدين عليه السلام-: كَانَ قَائِمًا فِي صَلَاتِهِ 9.

ص: 684

- 1- الطبقات الكبرى: ج 5 ص 216، تهذيب الكمال: ج 20 ص 390، سير أعلام النبلاء: ج 4 ص 392؛ شرح الأخبار: ج 3 ص 258 ح 1158، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 150 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 78 ح 75.
- 2- الخصال: ص 517 ح 4 عن حمران بن أعين، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 150، بحار الأنوار: ج 46 ص 61 ح 19.
- 3- الكافي: ج 3 ص 300 ح 4، فلاح السائل: ص 290 ح 185 كلاهما عن جهم بن حميد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 46 ص 64 ح 22 وراجع الإرشاد: ج 2 ص 143 والخرائج والجرائح: ج 2 ص 890 وروضة الواعظين: ص 218.
- 4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 342 ح 1415، الخصال: ص 517 ح 4 عن حمران بن أعين عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، علل الشرائع: ص 232 ح 8، دعائم الإسلام: ج 1 ص 158 نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 61 ح 19.

«نمی دانید در پیشگاه چه کسی می ایستم و با که مناجات می کنم؟!».

964. امام باقر علیه السلام: هر گاه زین العابدین علیه السلام... به نماز می ایستاد، رنگش دگرگون می شد و ایستادنش در نماز، ایستادن بنده ای خوار در برابر سلطانی بزرگ بود. اندامش از ترس خدای عز و جل می لرزید و همچون کسی نماز می گزارد که آخرین نمازش را می خواند و چنین می بیند که پس از آن، هرگز نماز نمی خواند.

3-12/6 حضور قلب امام علیه السلام در نماز

965. امام باقر علیه السلام: زین العابدین علیه السلام هر گاه به نماز می ایستاد، گویی ساقه گیاهی است که هیچ حرکتی ندارد، جز حرکتی که باد به آن می دهد.

966. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو حمزه ثمالی - : دیدم بالا پوش زین العابدین علیه السلام در نماز، از [یک] دوشش افتاد. آن را مرتب نکرد تا این که نمازش را به پایان برد. علتش را از ایشان پرسیدم. فرمود: «وای بر تو! آیا می دانی در پیشگاه چه کسی بودم؟! همانا از نماز بنده، جز آنچه با دلش به خدا رو آورده باشد، پذیرفته نیست».

967. دلائل الإمامة - در توصیف نماز امام زین العابدین علیه السلام - : به نماز ایستاده بود که پسر خردسالش، محمد، به بالای چاه عمیق خانه اش در مدینه آمد و در آن افتاد.

ص: 685

حَتَّى زَحَفَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ - وَهُوَ طِفْلٌ - إِلَى بَيْتِ كَانَتْ فِي دَارِهِ بَعِيدَةَ الْقَعْرِ، فَسَقَطَ فِيهَا، فَنَظَرَتْ إِلَيْهِ أُمُّهُ فَصَرَخَتْ، وَأَقْبَلَتْ تَضْرِبُ نَفْسَهَا مِنْ حَوَالِي الْبَيْتِ، وَتَسْتَعِيْثُ بِهِ وَتَقُوْلُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، غَرِقَ وَاللَّهِ ابْنُكَ مُحَمَّدٌ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَسْمَعُ قَوْلَهَا، وَلَا يَنْتَبِهُ عَنْ صَدَلَاتِهِ، وَهِيَ تَسْمَعُ اضْطِرَابَ ابْنِهَا فِي قَعْرِ الْبَيْتِ فِي الْمَاءِ.

فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهَا ذَلِكَ قَالَتْ لَهُ جَزَعًا عَلَى ابْنِهَا: مَا أَقْسَى قُلُوبَكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ!

فَأَقْبَلَ عَلَى صَدَلَاتِهِ وَلَمْ يَخْرُجْ عَنْهَا إِلَّا بَعْدَ كَمَالِهَا وَتَمَامِهَا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهَا فَجَلَسَ عَلَى رَأْسِ الْبَيْتِ، وَمَدَّ يَدَهُ إِلَى قَعْرِهَا، وَكَانَتْ لَا تُنَالُ إِلَّا بِرِشَاءٍ (1) طَوِيلٍ، فَأَخْرَجَ ابْنَهُ مُحَمَّدًا بِيَدِهِ وَهُوَ يُنَاغِيهِ وَيَضْحَكُ، وَلَمْ يُبَلِّ لَهُ ثَوْبٌ وَلَا جَسَدٌ بِالْمَاءِ.

فَقَالَ لَهَا: هَاكَ هُوَ يَا قَلِيْدَةَ الْيَقِيْنِ بِاللَّهِ، فَصَدَّحَكَتْ لِسَدَ لَامَةٍ ابْنِهَا، وَبَكَتْ لِقَوْلِهَا. فَقَالَ لَهَا: لَا تَثْرِيْبَ (2) عَلَيْكَ، لَوْ عَلِمْتَ أَنِّي كُنْتُ بَيْنَ يَدَيِ جَبَّارٍ، لَوْ مِلْتُ بِوَجْهِهِ عَنْهُ لَمَالَ بِوَجْهِهِ عَنِّي، فَمَنْ تَرِيْنَ أَرْحَمَ بَعْدَهُ مِنْهُ؟! (3)

4-6/12 كثرة صلواته

968. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ. (4)

969. عنه عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ كَمَا كَانِي.

ص: 686

1- الرشاء: الحبل (المصباح المنير: ص 228 «رشاء»).

2- التثريب: كالتأنيب والتعيير والاستقصاء في اللوم، يقال: لا تثريب عليك (الصحاح: ج 1 ص 92 «ثرب»).

3- دلائل الإمامة: ص 197، عيون المعجزات: ص 73، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 135، الدر النظيم: ص 582 عن أبي نوح الأنصاري وكلها نحوه، العدد القوية: ص 63 ح 85 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 46 ص 34 ح 29.

4- الإرشاد: ج 2 ص 143 عن جابر الجعفي، معاني الأخبار: ص 65 ح 17 عن عمر بن علي عن الإمام علي عليه السلام، دلائل الإمامة: ص 198 ح 111، بحار الأنوار: ج 41 ص 15 ح 6؛ تهذيب الكمال: ج 20 ص 390 عن مالك، سير أعلام النبلاء: ج 4 ص 392 عن جابر الجعفي.

مادرش او را دید. فریاد برآورد و به سوی چاه دوید. خود را در کنار چاه می زد و کمک می خواست و می گفت: ای پسر پیامبر خدا! به خدا سوگند، فرزندت محمد غرق شد. ولی امام به او گوش نمی داد و از نمازش دست نمی کشید، در حالی که صدای دست و پا زدن پسرش را در ته چاه می شنید.

این کار بر مادر، گران آمد و از غم فرزند گفت: ای خاندان تبت! چه قدر سنگ دل هستید!

امام علیه السلام به نمازش توجه داشت و جز با اتمام و تکمیل آن، بیرون نیامد. سپس به سوی مادر فرزند روی آورد و بر کناره چاه نشست و دستش را تا ته چاه برد، در حالی که جز با ریسمانی دراز به آن نمی رسید. پس پسرش محمد را با دستش بیرون آورد، در حالی که با او خوش می گفت و می خندید و نه جامه کودک تر شده بود و نه تش. پس فرمود: «بگیر، ای سست یقین به خدا!».

پس مادر از سلامت فرزندش خندان و از گفته خویشتن گریان شد. امام علیه السلام به او فرمود: «اکنون سرزنشی بر تو نیست! اگر می دانستی که من در پیشگاه خداوند جبار بودم و اگر روی بر می گرداندم، او نیز از من روی می گرداند [چنان نمی گفتی]. چه کسی را مهربان تر از او به بنده اش می یابی؟».

4-12/6 فراوانی نماز امام علیه السلام

968. امام باقر علیه السلام: زین العابدین علیه السلام در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می گزارد.

969. امام باقر علیه السلام: زین العابدین علیه السلام در شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند، همان گونه که

يَقَعْلُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَتْ لَهُ خَمْسُمِئَةَ نَخْلَةٍ، وَكَانَ يُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ نَخْلَةٍ رَكَعَتَيْنِ. (1)

970. تَنبِيهِ الْخَوَاطِرِ: قِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَقَلُّ وُلْدَ أَبِيكَ!

قَالَ: الْعَجَبُ لِي كَيْفَ وُلِدْتُ! كَانَ أَبِي يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ، فَأَيُّ وَقْتٍ يَمْرُغُ لِلدُّنْيَا؟ (2)

971. عِلَلُ الشَّرَائِعِ عَنْ أَبِي حَازِمٍ - فِي ذِكْرِ صَلَاةِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ، حَتَّى خَرَجَ بِجَبْهَتِهِ وَأَثَارِ سُجُودِهِ مِثْلَ كِرْكِرَةِ (3) الْبَعِيرِ. (4)

972. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَشْبَهَهُ (أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ وُلْدِهِ وَلَا أَهْلِ بَيْتِهِ أَحَدٌ أَقْرَبُ شَبَهًا بِهِ فِي لِبَاسِهِ وَفَقْهِهِ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَلَقَدْ دَخَلَ أَبُو جَعْفَرٍ -ابْنُهُ- عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْعِبَادَةِ مَا لَمْ يَبْلُغْهُ أَحَدٌ، فَرَأَهُ قَدْ اصْفَرَ لَوْنُهُ مِنَ السَّهْرِ، وَرَمِصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ، وَدَبَّرَتْ جَبْهَتُهُ وَانْخَرَمَ أَنْفُهُ مِنَ السُّجُودِ، وَوَرِمَتْ سَاقَاهُ وَقَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمْ أَمْلِكْ حِينَ رَأَيْتُهُ بِتِلْكَ الْحَالِ الْبُكَاءِ، فَبَكَيتُ رَحْمَةً لَهُ، وَإِذَا هُوَ يُفَكِّرُ، فَالْتَمَعْتُ إِلَيْهِ بَعْدَ هُنَيْهَةٍ مِنْ دُخُولِي فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، أَعْطِنِي بَعْضَ تِلْكَ الصُّحُفِ الَّتِي فِيهَا عِبَادَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَعْطَيْتُهُ، فَقَرَأَ فِيهَا شَيْئًا يَسِيرًا ثُمَّ تَرَكَهَا مِنْ يَدِهِ تَضَعًا جُرًّا وَقَالَ: مَنْ يَقْوَى عَلَى عِبَادَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟! (5)

ص: 688

- 1- الخصال: ص 517 ح 4 عن حمزان بن أعين، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 150 نحوه، بحار الأنوار: ج 41 ص 15 ح 6.
- 2- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 201، الملهوف: ص 154 وفي النسخة التي بأيدينا في هامش المتن وفي طبعة «جهان» في المتن: العقد الفريد: ج 2 ص 343، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 247 كلاهما نحوه.
- 3- الكركرة: هي إحدى الثغفات الخمس للبعير (لسان العرب: ج 5 ص 137 «كرر»).
- 4- عِلَلُ الشَّرَائِعِ: ص 232 ح 10، بحار الأنوار: ج 46 ص 67 ح 35 وراجع معاني الأخبار: ص 65 ح 17.
- 5- الإرشاد: ج 2 ص 142، إعلام الوري: ج 1 ص 487، كشف الغمّة: ج 2 ص 297 كلها عن سعيد بن كلثوم، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 97 ح 2276 وفيه صدره من: «و لقد دخل أبو جعفر»، المستجد: ص 166 من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 46 ص 75 ح 65.

امیر مؤمنان انجام می داد. او پانصد نخل خرما داشت و نزد هر درخت، دو رکعت نماز می خواند.

970. تنبيه الخواطر: به امام باقر علیه السلام گفته شد: چه قدر فرزندان پدرت، کم هستند! فرمود:

«شگفت، این است که من چگونه زاده شدم! پدرم در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می گزارد. پس کی به دنیا می پرداخت؟».

971. علل الشرائع - به نقل از ابو حازم، در توصیف نماز امام زین العابدین علیه السلام - در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می گزارد، تا این که پیشانی و جای های سجده اش همچون سینه شتر، برآمده گشت.

972. امام صادق علیه السلام: در پوشش و دانش، شباهت هیچ يك از فرزندان و خانواده امیر مؤمنان علیه السلام به او، بیشتر از شباهت زین العابدین علیه السلام نبود.

ابو جعفر (باقر علیه السلام) فرزند او، بر او وارد شد، در حالی که به مرتبه ای از عبادت رسیده بود که هیچ کس بدان دست نیافته بود. او را دید که رنگش از شب زنده داری، زرد گشته و چشمش از گریه، آب مروارید آورده است و پیشانی و بینی اش از سجده، زخم و شکاف برداشته و ساق ها و کف پاهایش از ایستادن در نماز، ورم کرده اند.

ابو جعفر علیه السلام گفت: هنگامی که او را این گونه دیدم، نتوانستم از گریه خودداری کنم. دلم سوخت و گریستم و او نیز به فکر فرو رفته بود. پس از اندکی که از ورودم سپری شد، متوجه من شد و فرمود: «ای پسرکم! برخی از آن برگه ها را که عبادت علی بن ابی طالب در آن نوشته شده، به من بده».

به او دادم و اندکی خواند و سپس نومیدانه آن را از دستش رها کرد و فرمود: «چه کسی توان عبادت علی علیه السلام را دارد؟!».

973. الأُصولُ السُّتَّةُ عَشْرَ: صَلَّى أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ فَوَقَعَ عَلَى رَأْسِهِ شَيْءٌ، فَلَمْ يَنْزِعْهُ مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى قَامَ إِلَيْهِ جَعْفَرٌ فَنَزَعَهُ مِنْ رَأْسِهِ؛ تَعْظِيمًا لِلَّهِ وَإِقْبَالَ عَلَى صَلَاتِهِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (1). (2)

974. فلاح السائل عن أبي أيوب: كان أبو جعفر وأبو عبد الله عليهما السلام إذا قاما إلى الصلاة تغيّرت ألوانهما حمرةً ومرةً صفرةً، وكانتهما يُناجيان شيئاً يريانه. (3)

975. الإمام الصادق عليه السلام: كان أبي يصلي بعد عشاء الآخرة ركعتين وهو جالس، يقرأ فيهما مئة آية، وكان يقول: من صلاهما وقرأ بمئة آية لم يكتب من الغافلين. (4)

976. عنه عليه السلام: كان أبي عليه السلام يصلي في جوف الليل، فيسجد السجدة فيطيل حتى تقول: إنه راقد. (5)

977. فلاح السائل: روي أن مولانا جعفر بن محمد الصادق عليه السلام كان يتلو القرآن في صلاته فغشي عليه، فلما أفاق سئل: ما الذي أوجب ما انتهت حالك إليه؟ 4.

ص: 690

1- يونس: 105.

2- الأُصولُ السُّتَّةُ عَشْرَ: ص 232 ح 263 عن جابر، بحار الأنوار: ج 84 ص 253 ح 48.

3- فلاح السائل: ص 290 ح 186، دعائم الإسلام: ج 1 ص 159، بحار الأنوار: ج 84 ص 248 ح 39.

4- فلاح السائل: ص 455 ح 310 عن إسماعيل بن عبد الخالق بن عبد ربه، بحار الأنوار: ج 87 ص 108 ح 5 وراجع مصباح المتهجد: ص 114.

5- قرب الإسناد: ص 5 ح 15 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 87 ص 197 ح 4.

973.الأصول الستة عشر: ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) روزی در نماز بود که چیزی بر سرش افتاد.

آن را بر نداشت، تا این که جعفر برخاست و آن را از سر ایشان برداشت، و این به خاطر بزرگداشت خداوند و توجه به نمازش بود که همان سخن خداست: «و پاک دلانه روی به دین داشته باش».

974.فلاح السائل -به نقل از ابو ایوب-: ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) و ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) به نماز که می ایستادند، رنگشان سرخ و زرد می شد. گویی کسی را که با او مناجات می کنند، می بینند.

975. امام صادق علیه السلام: پدرم پس از نماز عشا، دو رکعت نماز در حالت نشسته می گزارد و در آن، صد آیه می خواند و می فرمود: «هر کس این دو رکعت را بگزارد و صد آیه بخواند، جزو غافلان نوشته نمی شود».

976. امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام در دل شب، نماز می گزارد و سجده اش را چنان طول می داد که می گفتیم: خفته است.

977.فلاح السائل: روایت شده است که مولایمان امام صادق علیه السلام در نماز، قرآن می خواند تا مدهوش می شد. هنگامی که به هوش می آمد، پرسیده می شد: چه چیز، حال شما را به این حال کشاند؟

فَقَالَ مَا مَعْنَاهُ: مَا زِلْتُ أَكْرَرُ آيَاتِ الْقُرْآنِ حَتَّى بَلَغْتُ إِلَى حَالٍ كَأَنِّي سَمِعْتُهَا مُشَافَهَةً مِمَّنْ أَنْزَلَهَا عَلَى الْمُكَاشَفَةِ وَالْعَيَانِ، فَلَمْ تَقْمِ الْقُوَّةُ
الْبَشَرِيَّةُ بِمُكَاشَفَةِ الْجَلَالَةِ الْإِلَهِيَّةِ. (1)

978. تهذيب الأحكام عن سفيان بن خالد - في ذكر صلاة الإمام الصادق عليه السلام -: إِنَّهُ كَانَ يُصَلِّي ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ مَرَّ رَجُلٌ قُدَّامَهُ وَابْنُهُ
مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسٌ، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ لَهُ ابْنُهُ:

يَا أَبَاهُ، مَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَرَّ قُدَّامَكَ؟ فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، إِنَّ الَّذِي أَصَلَّى لَهُ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الَّذِي مَرَّ قُدَّامِي. (2)

979. الكافي عن حمزة بن حرمان والحسن بن زياد: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ قَوْمٌ فَصَلَّى بِهِمُ الْعَصْرَ وَقَدْ كُنَّا صَلَّيْنَا، فَعَدَدْنَا
لَهُ فِي رُكُوعِهِ «سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ» أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً. وَقَالَ أَحَدُهُمَا فِي حَدِيثِهِ: «وَبِحَمْدِهِ» فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سِوَاءً. (3)

980. الكافي عن أبان بن تغلب: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُصَلِّي، فَعَدَدْتُ لَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سِتِّينَ تَسْبِيحَةً. (4)

راجع: ج 1/ ح 458 و 464 و 509 و 553.0.

ص: 692

1- فلاح السائل: ص 210 ح 121، بحار الأنوار: ج 47 ص 58 ح 108.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 323 ح 1321، الاستبصار: ج 1 ص 407 ح 1554، وسائل الشيعة: ج 3 ص 434 ح 6133.

3- الكافي: ج 3 ص 329 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 300 ح 1210، الاستبصار: ج 1 ص 325 ح 1214 وليس
فيهما «سواء»، مستطرفات السرائر: ص 26 ح 5، بحار الأنوار: ج 47 ص 50 ح 81.

4- الكافي: ج 3 ص 329 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 299 ح 1205، عوالي اللآلي: ج 3 ص 93 ح 99، منتقى الجمان: ج 2 ص
43، بحار الأنوار: ج 47 ص 50 ح 80.

سخنانی به این مضمون فرمود: «پیوسته آیه های قرآن را تکرار می کردم، تا حالم به گونه ای شد که گویا آن را از دهان همان کس می شنوم که بی پرده و عیان فرو فرستاده است. پس توان بشری در برابر پرده بر گرفتن از شکوه الهی، تاب نیاورد».

978. تهذیب الأحکام - به نقل از سفیان بن خالد، در توصیف نماز امام صادق علیه السلام - روزی نماز می خواند که مردی از پیش روی ایشان گذشت و پسرش موسی علیه السلام هم نشسته بود. هنگامی که نماز را به پایان برد، پسرش (موسی) به ایشان گفت: ای پدر! آیا ندیدی که آن مرد از پیش رویت گذشت؟

فرمود: «ای پسرکم! آن کس که برایش نماز می گزارم، از آن که از پیش رویم گذشت، به من نزدیک تر است».

979. الکافی - به نقل از حمزة بن حمران و حسن بن زیاد - بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، در حالی که نزدش گروهی بودند که با آنها نماز عصر را [به جماعت] می گزارد؛ ولی ما نماز خوانده بودیم. در رکوعش سی و چهار یا سی و سه بار «سبحان ربی العظیم» را شمردیم.

یکی از این دو راوی در روایتش چنین افزود: «و بحمده» به تعداد یکسان در رکوع و سجود.

980. الکافی - به نقل از ابان بن تغلب - بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. نماز می خواند. پس در رکوع و سجودش شصت تسبیح شمردم.

ر.ك: ج 1/ح 458 و 464 و 509 و 553.

ص: 693

981. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد الله الغروي: دَخَلْتُ عَلَى الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى سَطْحٍ، فَقَالَ لِي: اُدْنُ، فَدَنَوْتُ حَتَّى حَازَيْتُهُ، ثُمَّ قَالَ لِي: أَشْرَفَ - إِلَى بَيْتٍ فِي الدَّارِ - فَأَشْرَفْتُ، فَقَالَ: مَا تَرَى فِي الْبَيْتِ؟ فَقُلْتُ: نُوبًا مَطْرُوحًا، فَقَالَ: أَنْظِرْ حَسَنًا، فَتَأَمَّلْتُ وَنَظَرْتُ فَتَيَقَّنْتُ فَقُلْتُ: رَجُلٌ سَاجِدٌ! فَقَالَ لِي: تَعْرِفُهُ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: هَذَا مَوْلَاكَ، قُلْتُ: وَمَنْ مَوْلَايَ؟ فَقَالَ: تَتَجَاهَلُ عَلَيَّ؟ فَقُلْتُ: مَا أَتَجَاهَلُ، وَلَكِنِّي لَا أَعْرِفُ لِي مَوْلَى!

فَقَالَ: هَذَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِنِّي أَتَقَدَّدُهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ فَلَا أُجِدُّهُ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ إِلَّا عَلَيَّ الْحَالِ الَّذِي أَخْبَرْتُكَ بِهَا، إِنَّهُ يُصَلِّي الْفَجْرَ فَيَعْتَقِبُ سَاعَةً فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، وَقَدْ وَكَّلَ مَنْ يَتَرَصَّدُ لَهُ الرِّزَالَ، فَلَسْتُ أُدْرِي مَتَى يَقُولُ الْغُلَامُ: قَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ! إِذْ يَثْبُتُ فَيَبْدَأُ الصَّلَاةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحَدِّثَ (1)، فَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَنْمِ فِي سَجُودِهِ وَلَا أَغْفَى.

وَلَا يَزَالُ إِلَى أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَإِذَا صَلَّى سَجَدَ سَجْدَةً فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا إِلَى أَنْ تَغِيْبَ الشَّمْسُ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ وَثَبَ مِنْ سَجْدَتِهِ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحَدِّثَ حَدَثًا (2)، وَلَا يَزَالُ فِي صَلَاتِهِ وَتَعَقُّبِهِ إِلَى أَنْ يُصَلِّيَ الْعَتَمَةَ، فَإِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ أَفْطَرَ عَلَى شَيْءٍ (3) يُؤْتِي بِهِ، ثُمَّ يُجَدِّدُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَسْجُدُ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَنَامُ).

ص: 694

1- في الأماشي للصدوق: «يجدد وضوءاً» بدل «يحدث».

2- في روضة الواعظين: «يجدد وضوءاً» بدل «يحدث حدثاً».

3- مشوي (خ ل).

981. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از عبد الله غروی - بر فضل بن ربیع (1) که بر پشت بام نشسته بود، وارد شدم. به من گفت: نزدیک بیا. نزدیک شدم تا در کنارش قرار گرفتم. سپس به من گفت: از این بالا به [فلان] اتاق خانه بنگر.

پس از بالا نگرستم. گفت: در اتاق، چه می بینی؟

گفتم: جامه ای به کنار افکنده شده.

گفت: نیک بنگر. با تأمل و دقت نگرستم. برایم آشکار شد و گفتم: مردی در سجده است.

گفت: او را می شناسی؟

گفتم: نه.

گفت: این، مولای توست.

گفتم: چه کسی مولای من است؟

گفت: خود را پیش من به نادانی می زنی؟

گفتم: خود را به نادانی نمی زنم؛ بلکه برای خود، مولایی نمی شناسم.

گفت: این، ابو الحسن موسی بن جعفر است. من او را شب و روز، نیک می نگرم و در هیچ وقتی از اوقات، او را جز بر همین حالت که به تو گفتم، نمی یابم. او نماز صبح را می گزارد و ساعتی نیز پس از آن، ذکر و دعا می خواند تا خورشید طلوع کند. سپس سجده می کند و تا نیم روز در سجده است و کسی را گمارده تا زوال را انتظار کشد. من نمی دانم کی غلام می گوید: «خورشید زوال یافت» که یکباره بر می خیزد و نماز را آغاز می کند، بی آن که [وضویش] را نو کند. پس می فهمم که در سجده اش نخوابیده و چرت نزده است.

پیوسته [این گونه است] تا نماز عصر را به پایان برد و پس از آن، سجده می کند و پیوسته در سجده است تا خورشید، ناپدید شود. در این هنگام، از سجده بر می خیزد و بی آن که [وضویش را] نو کند، نماز مغرب را می خواند، و پیوسته در نماز و ذکر و دعای

ص: 695

نَوْمَتُهُ (1) خَفِيَّةٌ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَجِدُّدُ الوُضُوءَ، ثُمَّ يَقُومُ فَلَا يَزَالُ يُصَلِّي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ حَتَّى يَطْلُعَ الفَجْرُ، فَلَسْتُ أُدْرِي مَتَى يَقُولُ الغُلامُ: إِنَّ الفَجْرَ قَدْ طَلَعَ؟! إِذْ قَدْ وَتَبَ هُوَ لِصَلَاةِ الفَجْرِ.

فَهَذَا دَابُّهُ مُنْذُ حَوْلِ إِلَيَّ. (2)

982. الكافي عن محمد بن مسلم: دَخَلَ أَبُو حَنِيفَةَ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: رَأَيْتُ ابْنَكَ مُوسَى يُصَلِّي وَالنَّاسُ يَمُرُّونَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَنْهَاهُمْ، وَفِيهِ مَا فِيهِ!

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُوا لِي مُوسَى، فَادْعِي، فَقَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ، إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ يَذْكُرُ أَنَّكَ كُنْتَ تُصَلِّي وَالنَّاسُ يَمُرُّونَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَلَمْ تَنْهَهُمْ، فَقَالَ: نَعَمْ يَا أَبُ، إِنَّ الَّذِي كُنْتُ أَصَلِّي لَهُ كَانَ أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْهُمْ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الوَرِيدِ». (3)

قَالَ: فَضَمَّهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى نَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ: (يَا بُنَيَّ)، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا مُودِعَ الأَسْرَارِ. (4)

10/12 صِفَةُ صَلَاةِ الإِمَامِ الرِّضَا (ع)

983. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك - في وَصْفِ صَلَاةِ الإِمَامِ 8.

ص: 696

1- في الأُمالي للصدوق: «نومة» بدل «نومته»، وهو الأنسب.

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 106 ح 10، الأُمالي للصدوق: ص 210 ح 235، روضة الواعظين: ص 238، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 318 نحوه، بحار الأنوار: ج 48 ص 210 ح 9.

3- ق: 16.

4- الكافي: ج 3 ص 297 ح 4، الاختصاص: ص 189، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 311 نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 204 ح 8.

پس از آن است تا نماز عشا را بخواند. پس از آن، با گوشتی بریان که برایش می آورند، افطار می کند و سپس از نو وضو می گیرد و سجده می کند و سپس سر بر می دارد و اندکی می خوابد. سپس بر می خیزد و از نو وضو می گیرد و در دل شب به نماز می ایستد، تا سپیده بدمد. من نمی دانم کی غلام می گوید: «سپیده دمید» که یکبار برای نماز صبح بر می خیزد. این، روش اوست از آن هنگام که به من تحویل داده شده است.

982. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - ابو حنیفه بر امام صادق علیه السلام وارد شد و به ایشان گفت: پسر (موسی) را دیدم که نماز می خواند و مردم هم از پیش رویش می گذشتند، بی آن که آنان را باز دارد، با این که این کار اشکال دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «موسی را نزد من بخوانید».

هنگامی که آمد، به او فرمود: «پسر عزیزم! ابو حنیفه می گوید که نماز می خواندی و مردم هم از پیش رویت می گذشتند، بی آن که آنان را باز داری».

گفت: بلی، پدر! آن که برایش نماز می خوانم، از آنان به من نزدیک تر است. خدا می فرماید: «و ما از رگ گردن به او نزدیک تریم».

امام صادق علیه السلام او را به خود چسباند و فرمود: «پسرکم! پدر و مادرم فدایت باد! ای کسی که رازها به او سپرده شده است!».

10/12 چگونه نماز امام رضا (ع)

983. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از رجاء بن ابی ضحاک، در توصیف نماز امام رضا علیه السلام -:

سپیده دم، نماز صبح را می خواند و پس از سلام دادن تا طلوع خورشید، در

ص: 697

الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ-: كَانَ إِذَا أَصْبَحَ صَلَّى الْغَدَاةَ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً يَبْقَى فِيهَا حَتَّى يَتَعَالَى النَّهَارُ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ يُحَدِّثُهُمْ وَيَعْظُمُهُمْ إِلَى قُرْبِ الزَّوَالِ.

ثُمَّ جَدَّدَ وَضُوءَهُ وَعَادَ إِلَى مُصَلَّاهُ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ قَامَ فَصَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ، يَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ وَ«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ»، وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْبَعِ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَيُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِيهِمَا فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، ثُمَّ يُؤْذَنُ وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقِيمُ وَيُصَلِّي الظُّهْرَ، فَإِذَا سَلَّمَ سَبَّحَ اللَّهَ وَحَمَدَهُ وَكَبَّرَهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ يَقُولُ فِيهَا مِئَةَ مَرَّةٍ: «شُكْرًا لِلَّهِ»، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَامَ فَصَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، وَيُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِي ثَانِيَةِ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، ثُمَّ يُؤْذَنُ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِي الثَّانِيَةِ.

فَإِذَا سَلَّمَ قَامَ وَصَلَّى الْعَصْرَ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِئَةَ مَرَّةٍ: «حَمْدًا لِلَّهِ».

فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ تَوَضَّأَ وَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ، وَقْنَتَ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَلَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يَقُومَ وَيُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِتَسْلِيمَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، وَكَانَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعِ الْحَمْدَ وَ«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» وَفِي

نمازگاهش به تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل گویی می نشست و بر پیامبر، صلوات می فرستاد. سپس به سجده می رفت و در سجده می ماند تا روز بالا بیاید. سپس به مردم رو می آورد و تا نزدیک زوال خورشید (ظهر) با آنان گفتگو می کرد و ایشان را اندرز (1) می داد.

سپس از نو وضو می گرفت و به نمازگاهش باز می گشت. هنگام زوال خورشید بر می خاست و شش رکعت نماز می گزارد که در رکعت نخست، سوره های حمد و کافرون و در رکعت دوم، سوره های حمد و توحید و در هر یک از چهار رکعت دیگر نیز سوره های حمد و توحید را می خواند و در پایان هر دو رکعت، سلام می داد و در رکعت دوم آنها، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. سپس اذان می گفت و دو رکعت نماز می گزارد و پس از آن، اقامه می گفت و نماز ظهر را می خواند. پس از سلام نماز، هر اندازه که خدا می خواست، به تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل گویی می پرداخت و سپس سجده شکر می گزارد و در آن، صد بار «شکراً لله» می گفت و هنگامی که سر بر می داشت، بر می خاست و شش رکعت نماز می گزارد که در هر رکعت آن، حمد و توحید می خواند و در پایان هر دو رکعت، سلام می داد و در رکعت دوم هر دو رکعت، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. سپس اذان می گفت و پس از آن، دو رکعت نماز می گزارد و در رکعت دوم آن، قنوت می خواند. هنگامی که سلام می داد، بر می خاست و نماز عصر را می خواند و پس از سلام دادن، در نمازگاهش، آن اندازه که خدا می خواست، به تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل گویی می پرداخت. سپس سجده می کرد و در آن، صد بار «حمداً لله» می گفت.

هنگامی که خورشید ناپدید می شد، وضو می گرفت و سه رکعت نماز مغرب را با اذان و اقامه می گزارد و در رکعت دوم آن، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند و پس از سلام دادن، در نمازگاهش می نشست و آن اندازه که خدا می خواست، به تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل گویی می پرداخت. سپس سجده شکر می گزارد و پس از آن سر بر می داشت و با کسی سخن نمی گفت تا بر می خاست و چهار رکعت نماز با دو سلام می گزارد و در رکعت دوم هر یک، پیش از رکوع و پس از قرائت قنوت می خواند و در رکعت نخست این چهار رکعت، سوره های حمد و کافرون و در رکعت دوم، «حمد» و ت.

ص: 699

1- .نسخة بحار الأنوار، «بعضهم» دارد و نه «يعطهم» که صحیح تر می نماید و مطابق همان نیز ترجمه شده است.

الثانية الحمد و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، ويقرأ في الركعتين الباقيتين الحمد و«قُلْ هُوَ اللَّهُ»، ثم يجلس بعد التسليم في التعقيب ما شاء الله، ثم يفطر، ثم يلبث حتى يمضي من الليل قريب من الثلث.

ثم يقوم فيصلي العشاء الآخرة أربع ركعات، ويقنت في الثانية قبل الركوع وبعد القراءة، فإذا سلم جلس في صلاة يذكر الله عز وجل ويسبحه ويحمده ويكبره ويهلله ما شاء الله، ويسجد بعد التعقيب سجدة الشكر.

ثم يأتي إلى فراشه، فإذا كان الثلث الأخير من الليل قام من فراشه بالتسبيح والتحميد والتكبير والتهليل والاستغفار فاستاك، ثم توضأ، ثم قام إلى صلاة الليل فيصلي ثمان ركعات ويسلم في كل ركعتين، يقرأ في الأولى منها في كل ركعة الحمد مرة و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثلاثين مرة، ثم يصلي صلاة جعفر بن أبي طالب عليه السلام أربع ركعات، يسلم في كل ركعتين، ويقنت في كل ركعتين في الثانية قبل الركوع وبعد التسبيح، ويحتسب بها من صلاة الليل، ثم يقوم فيصلي ركعتين الباقيتين، يقرأ في الأولى الحمد وسورة الملك، وفي الثانية الحمد لله و«هل أتى على الإنسان»، ثم يقوم فيصلي ركعتي الشفع، يقرأ في كل ركعة منهما الحمد لله مرة و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثلاث مرات، ويقنت في الثانية قبل الركوع وبعد القراءة، فإذا سلم قام فصلى ركعة الوتر يتوجه فيها، ويقرأ فيها الحمد مرة و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثلاث مرات و«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» مرة واحدة و«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الدَّاسِ» مرة واحدة، ويقنت فيها قبل الركوع وبعد القراءة ويقول في قنوته: «اللهم صل على محمد وآل محمد، اللهم اهدنا فيمن هديت، وعافنا فيمن عافيت، وتولنا فيمن توليت، وبارك لنا فيما

«توحید» و در دو رکعت دیگر، «حمد» و «توحید» می خوانند. پس از سلام دادن، آن اندازه که خدا می خواست، به ذکر و دعا می نشست و سپس افطار می کرد.

سپس اندکی درنگ می کرد تا نزدیک به یک سوم شب، سپری شود. پس بر می خاست و چهار رکعت نماز عشاء آخر را می گزارد و در رکعت دوم آن، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. پس از سلام دادن، آن اندازه که خدا می خواست، در نماز گاهش به ذکر خداوند عز و جل و تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل گویی او می پرداخت و پس از ذکر و دعا، سجده شکر می گزارد.

سپس به بسترش می رفت و در پاره سوم شب، از بسترش با تسبیح و حمد و تکبیر و «لا-إله إلا الله» و «أستغفر الله» گفتن بر می خاست، مسواک می زد، وضو می گرفت و سپس به نماز شب می ایستاد و هشت رکعت نماز با سلام دادن در پایان هر دو رکعت، می گزارد که در هر رکعت از دو رکعت نخست آن، یک بار «حمد» و سی بار «توحید» می خواند.

سپس چهار رکعت نماز جعفر بن ابی طالب با سلام دادن در پایان هر دو رکعت می گزارد و در رکعت دوم هر یک از آنها، پیش از رکوع و پس از تسبیح، (1) قنوت می خواند و آن را جزو نماز شب به حساب می آورد. سپس بر می خاست و دو رکعت باقی مانده را می گزارد. در رکعت نخست، سوره حمد و سوره مَلِك و در رکعت دوم، سوره های حمد و انسان را می خواند. سپس بر می خاست و دو رکعت [نماز] شفع می گزارد و در هر رکعت آن، یک بار سوره حمد و سه بار «توحید» می خواند و در رکعت دوم، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. هنگامی که سلام می داد، بر می خاست و یک رکعت نماز وتر با توجهی تمام می گزارد و در آن، یک بار «حمد»، سه بار «توحید»، یک بار سوره «فلق» و یک بار سوره «ناس» می خواند و پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند و در آن می گفت: «خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست. خدایا! ما را جزو آنان که ره نمودی، ره بنما و جزو آنان که سلامت دادی، سلامت ده و جزو آنان که سرپرستی شان کردی، ت.

ص: 701

1- در نماز جعفر، سیصد تسبیح گفته می شود که از جمله آنها، پانزده بار (تسبیح) در هر رکعت پس از قرائت و پیش از رکوع است.

أَعْطَيْتَ، وَقَنَا شَرًّا مَا فَضَّيْتِ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا تَقْضِي عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَدُلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ»، ثُمَّ يَقُولُ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» سَبْعِينَ مَرَّةً. فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ مَا شَاءَ اللَّهُ.

فَإِذَا قَرَّبَ مِنَ الْفَجْرِ قَامَ فَصَلَّى رَكَعَتِي الْفَجْرِ، يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ أَذَّنَ وَأَقَامَ وَصَلَّى الْعِدَاةَ رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ حَتَّى يَتَعَالَى النَّهَارُ. (1)

984. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الصِّحَّاح عن الإمام الرضا عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ فِي السَّفَرِ يُصَلِّي فَرَائِضَهُ رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ، إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهُ كَانَ يُصَلِّي لَهَا ثَلَاثًا وَلَا يَدْعُ نَافِلَتَهَا، وَلَا يَدْعُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ وَرَكَعَتِي الْفَجْرِ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضَرٍ، وَكَانَ لَا يُصَلِّي مِنَ نَوَافِلِ النَّهَارِ فِي السَّفَرِ شَيْئًا. (2)

985. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروي: جِئْتُ إِلَى بَابِ الدَّارِ الَّتِي حُبِسَ فِيهَا الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسَرِّهِ حَسْرَةً (3) وَقَدْ قِيدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ السَّجَانَ، فَقَالَ: لَا سَبِيلَ لَكَ إِلَيْهِ، قُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ رُبَّمَا صَلَّى فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ أَلْفَ رَكَعَةٍ، وَإِنَّمَا يَنْفَتِلُ مِنْ صَلَاتِهِ سَاعَةً فِي صَدْرِ النَّهَارِ وَقَبْلَ الزَّوَالِ وَعِنْدَ اصْفِرَارِ الشَّمْسِ، فَهُوَ فِي هَذِهِ الْأَوْقَاتِ قَاعِدٌ فِي مُصَلَّاهُ وَيُنَاجِي رَبَّهُ. (4) 0.

ص: 702

- 1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 180 ح 5، بحار الأنوار: ج 49 ص 92 ح 7.
- 2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 182 ح 5، بحار الأنوار: ج 85 ص 33 ح 23.
- 3- سرخس: مدينة قديمة من نواحي خراسان وهي بين نيسابور ومرو (معجم البلدان: ج 2 ص 208).
- 4- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 183 ح 6، بحار الأنوار: ج 82 ص 309 ح 10.

سرپرستی کن و در آنچه به ما داده ای، برکت ده و ما را از آسیب حُکمت، نگاه دار، که تو حکم می رانی و بر تو حکم نمی رود. بی گمان، هر که را تو دوست داری، خوار نمی شود و هر که را تو دشمن داری، سربلند نمی گردد. پروردگار ما! مبارك و والایی».

سپس هفتاد بار می گفت: «از خدا آمرزش و بازگشت به او را می خواهم» و هنگامی که سلام می داد، آن اندازه که خدا می خواست، به ذکر و دعا می نشست و هنگامی که نزدیک سپیده دم می شد، بر می خاست و دو رکعت نماز فجر می گزارد و در رکعت نخست آن، «حمد» و «کافرون» و در رکعت دوم، «حمد» و «توحید» می خواند.

هنگامی که سپیده می دمید، اذان و اقامه می گفت و دو رکعت نماز صبح می گزارد. پس از سلام دادن، تا طلوع خورشید به ذکر و دعا می نشست و سپس سجده شکر می گزارد [و در سجده می ماند] تا روز بالا بیاید.

984. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از رجاء بن ابی الضحاک -: امام رضا علیه السلام در سفر، نمازهای واجبش را دو رکعت دو رکعت می خواند، جز نماز مغرب را که سه رکعت می خواند و نافله آن را هم به جا می آورد. نماز شب و شفع و وتر و دو رکعت نافله فجر را در سفر و حضر ترك نمی کرد. ایشان هیچ يك نافله های روز را در سفر نمی خواند.

985. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از عبد السلام بن صالح هروی -: به در خانه ای که امام رضا علیه السلام را در سرخس در آن زندانی کرده و به بند کشیده بودند، آمدم و از زندانبان اجازه ورود خواستم. او گفت: راهی به او نداری.

گفتم: چرا؟

گفت: چون او گاه هزار رکعت نماز در يك شبانه روز می خواند و تنها ساعتی در آغاز روز، پیش از زوال (نیم روز) و هنگام زرد شدن خورشید (غروب) از نماز باز می ایستد و در این وقت ها نیز در جایگاه نمازش نشسته و با خدایش مناجات می کند.

ص: 703

986. رجال النجاشي عن أبي الحسن علي بن علي: خَلَعَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَخِي دَعْبِلِ قَمِيصاً خَزْراً أَخْضَرَ، وَأَعْطَاهُ خَاتِماً فَصَّهُ عَقِيْقٌ، وَدَفَعَ إِلَيْهِ دَرَاهِمَ رَضْوِيَّةً، وَقَالَ لَهُ: يَا دَعْبِلُ، مُرَّ عَلَى قُمَّ فَإِنَّكَ سَدَّ تُفَيْدُهَا (1)، وَقَالَ لَهُ: احْتَفِظْ بِهَذَا الْقَمِيصِ فَقَدْ صَدَّ لَيْتُ فِيهِ أَلْفَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ، وَخَتَمْتُ فِيهِ الْقُرْآنَ أَلْفَ خَتْمَةٍ. (2)

راجع: ج 1/ح 501.3.

ص: 704

1- في الأماي للطوسي: «تفيد بها» بدل «ستفيدها».

2- رجال النجاشي: ج 2 ص 114 الرقم 725، الأماي للطوسي: ص 359 ح 749 نحوه، بحار الأنوار: ج 1 ص 53.

986. رجال النجاشی - به نقل از ابو الحسن علی بن علی -: سَرورم ابو الحسن رضا علیه السلام به برادرم دعبل، پیراهنی سبزرنگ از پشمی لطیف و نازک، و انگشتری با نگینی از عقیق، خلعت داد و به او درهم هایی رضوی بخشید و فرمود: «ای دعبل! به قم برو که از آنها بهره مند می گردی» و سپس فرمود: «این پیراهن را نگاه دار که در آن، هزار شب و هر شب، هزار رکعت نماز گزارده و هزار بار قرآن را ختم کرده ام».

ر.ك: ج 1/ح 501.

ص: 705

الكتاب:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ». (1)

الحديث:

987. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ دَهَمَ دِينَهُ، وَمَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ، وَالْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ «أَزَيْتَ»: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ». (2)

988. السنن الكبرى عن سعد بن أبي وقاص: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَوْلِهِ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (3)، قَالَ: هُمْ الَّذِينَ يُؤَخِّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا. (4) 6.

ص: 706

1- الماعون: 4 و5.

2- جامع الأخبار: ص 185 ح 455، بحار الأنوار: ج 82 ص 202 ح 1.

3- الماعون: 5.

4- السنن الكبرى: ج 2 ص 304 ح 3163، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 378 ح 818، تفسير الطبري: ج 15 الجزء 30 ص 313، تفسير ابن كثير: ج 8 ص 516؛ مجمع الزوائد: ج 2 ص 80 ح 1823؛ مجمع البيان: ج 10 ص 834، فقه القرآن: ج 1 ص 118 كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 6.

قرآن

«پس وای بر نمازگزاران؛ آنان که از نمازشان غافل اند!».

حدیث

987. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازش را عمداً ترک کند، دینش را نابود کرده است، و هر کس در وقتش نخواند، در «ویل» داخل می شود. ویل، دَرّه ای در جهنّم است؛ همان گونه که خداوند متعال در سوره ماعون فرمود: «پس ویل برای نمازگزاران است؛ آنان که از نمازشان غافل اند».

988. السنن الکبری - به نقل از سعد بن ابی وقاص - از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره آیه «انان که از نمازشان غافل اند» پرسیدم. فرمود: «انان، کسانی اند که نماز را از وقتش به تأخیر می اندازند».

ص: 707

989. الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَا يَشْغَلُنَا عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ دَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا. (1)

990. الإمام الباقر عليه السلام - في قول الله عز وجل: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (2) - : هَذِهِ الْفَرِيضَةُ مِنْ صَلَاتِهَا لَوَقْتِهَا، عَارِفًا بِحَقِّهَا لَا - يُؤَثِّرُ عَلَيْهَا غَيْرَهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا بَرَاءَةً لَا يُعَذِّبُهُ، وَمَنْ صَدَّهَا لِغَيْرِ وَقْتِهَا مُؤَثِّرًا عَلَيْهَا غَيْرَهَا، فَإِنَّ ذَلِكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ. (3)

991. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» - : تَأْخِيرُ الصَّلَاةِ عَنِ أَوَّلِ وَقْتِهَا لِغَيْرِ عُدْرٍ. (4)

992. مجمع البيان عن يونس بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (5) أَهِيَ وَسُوسَةُ الشَّيْطَانِ؟ فَقَالَ: لَا، كُلُّ أَحَدٍ يُصِيبُهُ هَذَا، وَلَكِنْ أَنْ يَغْفُلَهَا وَيَدَّعَى أَنْ يُصَلِّيَ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا. (6)

993. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يَا عَلِيُّ لَا تُؤَخِّرُهُنَّ: الصَّلَاةُ إِذَا آتَتْ، وَالْجَنَازَةُ إِذَا حَضَرْتَ، 6.

ص: 708

1- الخصال: ص 621 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 112، عيون الحكم والمواعظ: ص 412 ح 7007، بحار الأنوار: ج 83 ص 13 ح 21.

2- المؤمنون: 9.

3- مجمع البيان: ج 10 ص 536 عن زرارة، دعائم الإسلام: ج 1 ص 135 نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 5 وراجع المقنع للصدوق: ص 74.

4- تفسير القمي: ج 2 ص 444، بحار الأنوار: ج 83 ص 6.

5- الماعون: 5.

6- مجمع البيان: ج 10 ص 834، فقه القرآن: ج 1 ص 117، مجمع البحرين: ج 2 ص 899، بحار الأنوار: ج 83 ص 6.

989. امام علی علیه السلام: هیچ عملی نزد خداوند، محبوب تر از نماز نیست. پس هیچ کار دنیایی، شما را در وقت نماز، به خود مشغول ندارد؛ چرا که خداوند، گروه هایی را سرزنش کرد و فرمود: «آنان که از نمازشان غافل اند»، یعنی آنان غافل بوده اند و به وقت نمازهایی اعتنایی می کردند.

990. امام باقر علیه السلام - در باره سخن خداوند عز و جل: «و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند» - مقصود، همین نماز واجب است. هر کس آن را در وقتش بخواند و حقیقتش را بداند و کاری را بر آن مقدم ندارد، خداوند، بی گناهی اش را می نویسد و عذابش نمی کند و هر کس آن را در غیر وقتش بخواند و کارهای دیگر را بر آن مقدم کند، فرجامش با خداست.

اگر خواست، او را می آمرزد و اگر خواست، او را عذاب می کند.

991. امام صادق علیه السلام - در باره آیه «آنان که از نمازشان غافل اند» - منظور، به تأخیر انداختن نماز از اول وقتش، بدون عذر است.

992. مجمع البیان - به نقل از یونس بن عمار - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا آیه «آنان که از نمازشان غافل اند» ناظر به وسوسه شیطان است؟

فرمود: «نه؛ همه به این مصیبت گرفتارند؛ بلکه منظور، این است که غافل شود و نماز اول وقت را از دست بدهد».

993. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! سه چیز را به تأخیر مینداز: نماز، هنگامی که وقتش می رسد؛

994. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي تَأْخِيرُهُمُ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا، وَتَعْجِيلُهُمُ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا. (3)

995. كتاب من لا يحضره الفقيه: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَسْجِدَ وَفِيهِ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَقَالَ:

تَدْرُونَ مَا قَالَ رَبُّكُمْ؟ قَالَوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

قَالَ: إِنَّ رَبُّكُمْ يَقُولُ: إِنَّ هَذِهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ الْمَفْرُوضَاتِ مِنْ صِدْقِ لَاهِنٍ لِقُوتِهِنَّ وَحَافِظَ عَلَيْهِنَّ لِقِيَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ عِنْدِي عَهْدٌ ادْخَلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَمَنْ لَمْ يُصَلِّهِنَّ لِقُوتِهِنَّ وَلَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَاكَ إِلَيَّ؛ إِنْ شِئْتَ عَذَّبْتُهُ وَإِنْ شِئْتَ غَفَرْتُ لَهُ. (4)

996. السنن الكبرى عن عبد الرحمن بن عبد الله بن مسعود عن أبيه عن رسول الله صلى الله عليه وآله:

سَتَكُونُ بَعْدِي أَمْرَاءٌ يُؤَخِّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ مَوَاقِيتِهَا، وَيُحَدِّثُونَ الْبِدْعَةَ.

فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: وَكَيْفَ أَصْنَعُ إِنْ أَدْرَكْتُهُمْ؟

قَالَ: تَسْأَلُنِي ابْنُ أُمَّ عَبْدِ كَيْفَ تَصْنَعُ؟! لَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ. (5) 4.

ص: 710

1- الأيْم: التي لا زوج لها، بكرًا كانت أو ثيبًا، مطلقة كانت أو متوفى عنها (النهاية: ج 1 ص 85 «أيْم»).

2- تهذيب الكمال: ج 10 ص 519 الرقم 2303، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 225 ح 828، السنن الكبرى: ج 7 ص 214 ح 13757، تاريخ بغداد: ج 8 ص 170 الرقم 4282 كلها عن عمر بن علي عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 3 ص 513 ح 7668؛ تنبيه الخواطر: ج 2 ص 122 نحوه.

3- السنن الكبرى: ج 2 ص 305 ح 3167، التاريخ الكبير: ج 5 ص 372 الرقم 1180 نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 424 ح 19623.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 208 ح 625، ثواب الأعمال: ص 48 ح 2، الأربعون حديثاً: ص 45 ح 17 كلاهما عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 83 ص 18 ح 29 نقلاً عن ثواب الأعمال عن الإمام الصادق عليه السلام؛ مسند ابن حنبل: ج 6 ص 325 ح 18155، المعجم الكبير: ج 19 ص 142 ح 312 كلاهما عن كعب بن عجرة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 311 ح 19030.

5- السنن الكبرى: ج 3 ص 177 ح 5314، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 956 ح 2865، المعجم الكبير: ج 10 ص 173 ح 10361، دلائل النبوة للبيهقي: ج 6 ص 396، تاريخ دمشق: ج 63 ص 240 ح 12975 كلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 640 ح 20674.

جنازه، هنگامی که برای تشییع آماده می شود؛ و زن بی شوهر، هنگامی که همسری هم شأن می یابد.

994. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین چیزی که بر ائمتّم از آن ترسانم، پس و پیش کردن نماز از وقت آن است.

995. کتاب من لا یحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داخل مسجد شد و گروهی از اصحابش هم در آن بودند. فرمود: «می دانید پروردگارتان به شما چه گفت؟».

گفتند: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: «پروردگارتان می گوید: هر کس این نمازهای پنجگانه واجب را در وقتش بخواند و بر آنها مواظبت ورزد، مرا در روز قیامت می بیند و عهدی پیش من دارد که به خاطرش، او را به بهشت می برم، و هر کس آنها را در وقتشان نخوانده و بر آنها مواظبت نورزیده باشد، سرانجامش با من است. اگر خواستم، عذابش می کنم و اگر خواستم، او را می آمرزم».

996. السنن الکبری - به نقل از عبد الرحمان بن عبد الله بن مسعود، از پدرش - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از من، فرمان روایانی می آیند که نماز را از وقتش به تأخیر می اندازند و بدعت می نهند».

گفت [م]: اگر آنان را درك کردم، چه کنم؟

فرمود: «ابن امّ عبد! از من می پرسی چه کنی؟! کسی که خدا را نافرمانی کند، اطاعتی ندارد».

997. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ سَتَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرًا يُؤَخَّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ مِيقَاتِهَا، وَيَخْتُونَهَا إِلَى شَرْقِ الْمَوْتَى (1)، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمْ قَدْ فَعَلُوا ذَلِكَ، فَصَلُّوا الصَّلَاةَ لِمِيقَاتِهَا، وَاجْعَلُوا صَلَاتَكُمْ مَعَهُمْ سُبْحَةً (2). (3)

998. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُؤْمِنٌ فَقَبِيرٌ شَدِيدُ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، وَكَانَ مُلَازِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كُلِّهَا لَا يَفْقِدُهُ فِي شَيْءٍ مِنْهَا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرِقُّ لَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى حَاجَتِهِ وَغُرْبَتِهِ فَيَقُولُ: يَا سَعْدُ، لَوْ قَدْ جَاءَنِي شَيْءٌ لِأَغْنِيَتِكَ. قَالَ: فَأَبْطَأَ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاشْتَدَّ غَمُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِسَعْدٍ، فَعَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْ غَمِّهِ لِسَعْدٍ، فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ دِرْهَمَانِ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ مَا قَدْ دَخَلَكَ مِنَ الْغَمِّ لِسَعْدٍ، أَفْتَجِبُّ أَنْ تُغْنِيَهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ لَهُ: فَهَآكَ هَذَيْنِ الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطِهِمَا إِيَّاهُ وَمُرَّهُ أَنْ يَتَّجِرَ بِهِمَا.

قَالَ: فَأَخَذَ [هُمَا] (4) رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الظُّهْرِ وَسَعَدٌ قَائِمٌ عَلَى بَابِ حُجْرَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْتَظِرُهُ، فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَا سَعْدُ، أَتُحْسِنُ التَّجَارَةَ؟ فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ: وَاللَّهِ مَا أَصْبَحْتُ أَمْلِكُ مَا لَأَنَّ أَتَّجِرَ بِهِ! فَأَعْطَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرْهَمَيْنِ وَقَالَ لَهُ: اتَّجِرْ بِهِمَا وَتَصَرَّفْ لِرِزْقِ اللَّهِ. فَأَخَذَهُمَا سَعْدٌ وَمَضَى مَعْر.

ص: 712

- 1- شَرَقِ الْمَوْتَى: لَهُ مَعْنَيَانِ: أَحَدُهُمَا أَنَّهُ أَرَادَ بِهِ آخِرَ النَّهَارِ، لِأَنَّ الشَّمْسَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ إِثْمًا تَلْبَثُ قَلِيلًا ثُمَّ تَغِيبُ... وَالْآخَرُ مِنْ قَوْلِهِمْ: شَرَقِ الْمَيْتَ بِرِيقِهِ؛ إِذَا غَصَّ بِهِ، فَشَبَّهَ قِلَّةَ مَا بَقِيَ مِنَ [الوقت] بِمَا بَقِيَ مِنْ حَيَاةِ الشَّرِيقِ بِرِيقِهِ إِلَى أَنْ تَخْرُجَ نَفْسُهُ (النهاية: ج 2 ص 465 «شرق»).
- 2- سُبْحَةً: أَي نَافِلَةً (النهاية: ج 2 ص 331 «سبح»).
- 3- صحيح مسلم: ج 1 ص 379 ح 26، سنن أبي داود: ج 1 ص 117 ح 432، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 236 ح 22081 كُلُّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، صَحِيحُ ابْنِ حَزِيمَةَ: ج 2 ص 262 ذَيْلُ ح 1279 كُلُّهَا نَحْوَهُ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج 7 ص 361 ح 19269؛ مسند زيد: ص 99 عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَحْوَهُ.
- 4- فِي الْمَصْدَرِ: «فَأَخَذَ»، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

997. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی، فرمان روایانی خواهید داشت که نماز را از اول وقت به تأخیر می اندازند و آن را در آخرین فرصتش به جای می آورند. پس هر گاه ایشان را دیدید که چنین می کنند، نماز را در وقتش بخوانید و نمازتان را با آنان، نافله قرار دهید.

998. امام باقر علیه السلام: در دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، مؤمنی فقیر و به شدت نیازمند از اهل صُفّه بود که در همه وقت های نماز، همراه پیامبر خدا بود و هیچ يك از نمازها را از دست نمی داد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز برای او دل می سوزاند و به نیازمندی و به بی کسی اش می نگریست و می فرمود: «ای سعد! اگر چیزی به دستم برسد، تو را بی نیاز می کنم».

مدتی به درازا کشید و چیزی به دست ایشان نرسید و اندوه پیامبر خدا برای سعد فزونی گرفت و خداوند سبحان، اندوه دل پیامبر صلی الله علیه و آله را برای سعد می دانست. پس جبرئیل را با دو درهم بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرو فرستاد و جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای محمد! خدا اندوه تو را برای سعد می داند. آیا دوست داری که او را بی نیاز کنی؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری.

جبرئیل به او گفت: این دو درهم را بگیر و به او بده و به او امر کن که با آن دو، تجارت کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو درهم ها را گرفت و برای نماز ظهر بیرون آمد. سعد بر در حجره های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به انتظار ایشان ایستاده بود. هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را دید، فرمود: «ای سعد! آیا تجارت بلدی؟».

سعد گفت: به خدا سوگند، تا کنون چیزی نداشته ام که بتوانم با آن تجارت کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو درهم را به او داد و به او فرمود: «با این دو درهم، تجارت و برای کسب روزی خدا، داد و ستد کن».

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى صَدَّ لِي مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَمَ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ؛ فَقَدْتُ كُنْتُ بِحَالِكَ مُغْتَمًّا يَا سَعْدُ.

قَالَ: فَأَقْبَلَ سَعْدٌ لَا يَشْتَرِي بِدِرْهَمٍ شَيْئًا إِلَّا بَاعَهُ بِدِرْهَمَيْنِ، وَلَا يَشْتَرِي شَيْئًا بِدِرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ، فَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ؛ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَمَالُهُ وَعَظُمَتِ تِجَارَتُهُ، فَاتَّخَذَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ مَوْضِعًا وَجَلَسَ فِيهِ فَجَمَعَ تِجَارَتَهُ إِلَيْهِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَقَامَ بِأَلَّا لِلصَّلَاةِ يَخْرُجُ وَسَعْدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا؛ لَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ كَمَا كَانَ يَفْعَلُ قَبْلَ أَنْ يَتَشَاغَلَ بِالدُّنْيَا، فَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَا سَعْدُ، شَدَّ غَلَّتِكَ الدُّنْيَا عَنِ الصَّلَاةِ! فَكَانَ يَقُولُ: مَا أَصْنَعُ؟! اضْئِيعْ مَالِي؟! هَذَا رَجُلٌ قَدْ بَعَثَهُ فَأُرِيدُ أَنْ أُسْتَوْفِيَ مِنْهُ، وَهَذَا رَجُلٌ قَدْ اشْتَرَيْتُ مِنْهُ فَأُرِيدُ أَنْ أُوفِيَهُ.

قَالَ: فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَمْرِ سَعْدٍ غَمٌّ أَشَدُّ مِنْ غَمِّهِ بِفَقْرِهِ، فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ غَمَّكَ بِسَعْدٍ، فَإِنَّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ: حَالُهُ الْأُولَى أَوْ حَالُهُ هَذِهِ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جَبْرَائِيلُ، بَلْ حَالُهُ الْأُولَى، قَدْ أَذْهَبَتْ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ. فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالَ فِتْنَةٌ وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ، قُلْ لِسَعْدٍ يَرُدُّ عَلَيْكَ الدَّرَاهِمِينَ اللَّذِينَ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ؛ فَإِنَّ أَمْرَهُ سَيَصِيرُ إِلَى الْحَالَةِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا أَوْلًا.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَعْدٍ، فَقَالَ لَهُ: يَا سَعْدُ، أَمَا تُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ الدَّرَاهِمِينَ اللَّذِينَ أُعْطَيْتُكُهُمَا؟ فَقَالَ سَعْدٌ: بَلَى وَمِمَّتَيْنِ! فَقَالَ لَهُ: لَسْتُ أُرِيدُ مِنْكَ يَا سَعْدُ إِلَّا الدَّرَاهِمِينَ. فَأَعْطَاهُ سَعْدٌ دِرْهَمَيْنِ.

قَالَ: فَأَدْبَرَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ مَا كَانَ جَمَعَ، وَعَادَ إِلَى حَالِهِ الَّتِي

سعد، آن دورا گرفت و با پیامبر رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برخیز و در پی روزی شو، که من بر حال تو اندوهگینم، ای سعد!».

سعد به تجارت پرداخت و چیزی را به يك درهم نمی خرید، جز آن که به دو درهم می فروخت و به دو درهم نمی خرید، جز آن که به چهار درهم می فروخت. دنیا به سعد روی آورد و کالا و دارایی اش فراوان شد و تجارتش بالا گرفت و بر درگاه مسجد جایی گرفت و در آن جا نشست و تجارتش را در آن جا گرد آورد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که بلال اقامه نماز را می گفت، برای نماز بیرون می آمد، در حالی که سعد به دنیا مشغول بود و نه وضو گرفته بود و نه مانند گذشته پیش از سرگرم شدن به دنیا آماده نماز شده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به او می فرمود: «ای سعد! دنیا تو را از نماز، به خود مشغول داشته است!». و او می گفت: چه کنم؟! دارایی ام را تباه کنم؟! این مردی است که چیزی را به او فروخته ام و می خواهم بهایش را از او بستانم و این مردی است که چیزی از او خریده ام و می خواهم بهایش را به او بدهم.

این وضعیت سعد، اندوهی سخت تر از اندوه قبلی و به خاطر فقر او، بر دل پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود آورد. جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای پیامبر! خدا اندوه تو را به خاطر سعد می داند. کدام حالت را دوست تر می داری؟ حالت اول یا دوم را؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «حالت اول را. در حالت دوم، دنیایش آخرتش را می برد».

جبرئیل به ایشان گفت: محبت دنیا و اموال، فتنه و دل مشغولی از آخرت است. به سعد بگو دو درمی که به او داده ای، به تو باز گرداند؛ حالش به همان وضعیت اول باز می گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و بر سعد گذشت و به او فرمود: «ای سعد! آیا نمی خواهی که دو درمی را که به تو داده بودم، به من باز گردانی؟».

سعد گفت: چرا و به جایش دو صد درهم می دهم!

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای سعد! من از تو جز همان دو درهم را نمی خواهم» و سعد، دو درهم به پیامبر صلی الله علیه و آله داد.

راجع: ج 1 ص 144 (المحافظة على حدود الصلاة وأوقاتها) وص 240 (ما ينبغي في أداء الصلاة/أداء المكتوبات في أول الوقت) وص 612 (صفة صلاة النبي صلى الله عليه وآله/اهتمامه بأول الوقت) وص 668 (صفة صلاة الإمام علي عليه السلام/اهتمامه بأول الوقت).

2/13 تَضْيِيعُ الصَّلَاةِ

الكتاب:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا». (2)

الحديث:

999. رسول الله صلى الله عليه وآله: أمّتي على أربعة أصنافٍ: صِيءٌ نَفٌ يُصَلُّونَ وَلَكِنَّهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، فَكَانَ لَهُمُ الْوَيْلُ، وَالْوَيْلُ اسْمٌ دَرَكَةٌ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»، وَصِنْفٌ يُصَلُّونَ أَحْيَانًا، وَلَا يُصَلُّونَ أَحْيَانًا، فَكَانَ لَهُمُ الْغِيُّ، وَالْغِيُّ اسْمٌ دَرَكَةٌ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»، وَصِيءٌ نَفٌ لَا يُصَلُّونَ أَبَدًا فَكَانَ لَهُمْ سَقَرٌ، وَسَقَرٌ اسْمٌ دَرَكَةٌ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (3)، وَصِيءٌ نَفٌ يُصَلُّونَ أَبَدًا وَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (4). (5) 1.

ص: 716

- 1- الكافي: ج 5 ص 312 ح 38 عن أبي بصير، مشكاة الأنوار: ص 473 ح 1583 نحوه، بحار الأنوار: ج 22 ص 122 ح 92.
- 2- مريم: 59.
- 3- المدثر: 42 و 43.
- 4- المؤمنون: 1 و 2.
- 5- المواعظ العديدة: ص 211.

دنیا به سعد پشت کرد و هر چه را گرد آورده بود، برد و سعد به حالت اولش باز گشت.

ر.ك: ج 1 ص 145 (پاسداری از حدود و وقت های نماز) و ص 241 (آداب خواندن نماز/ انجام نمازهای واجب در اول وقت) و ص 613 (ویژگی نماز پیامبر صلی الله علیه و آله/اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به اول وقت) و ص 669 (ویژگی نماز امام علی علیه السلام/اهتمامش به اول وقت).

2/13 تباہ کردن نماز

قرآن

«آن گاه، پس از آنان، جانشینانی به جایشان نشستند که نماز را تباہ ساختند و از هوس ها پیروی کردند. پس به زودی [سزای] گم راهی [خود] را خواهند دید».

حدیث

999. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امت من، چهار دسته اند: دسته ای نماز می گزارند؛ ولی در نمازشان غافل اند. برای اینان، «ویل» است و ویل، نام درکه ای از درکات دوزخ است.

خداوند متعال فرموده است: «پس ویل برای نمازگزاران است؛ آنان که از نمازشان غافل اند».

دسته ای گاه نماز می خوانند و گاه نمی خوانند. برای اینان، «غی» است و غی، نام درکه ای از درکات دوزخ است. خداوند متعال فرموده است: «آن گاه، پس از آنان، جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباہ ساختند و از هوس ها پیروی کردند. پس به زودی [سزای] گم راهی [خود] را خواهند دید». دسته ای هیچ گاه نماز نمی خوانند. برای اینان، «سَقَر» است و سَقَر، نام درکه ای از درکات دوزخ است. خداوند متعال فرموده است: «چه چیزی شما را به سقر در آورد؟ گفتند: از نمازگزاران نبودیم». و دسته ای همیشه نماز می خوانند و در نمازشان نیز فروتن اند. خداوند-تبارک و تعالی- فرموده است: «بی گمان، مؤمنان، رستگار شدند؛ آنان که در نمازشان فروتن اند».

ص: 717

1000. الإمام الصادق عليه السلام: -في قوله تعالى: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (1) -:

كِتَابًا ثَابِتًا، وَلَيْسَ إِنْ عَجَلْتَ قَلِيلًا أَوْ أَخَّرْتَ قَلِيلًا بِالَّذِي يَضُرُّكَ مَا لَمْ تُضَيِّعْ تِلْكَ الْإِضَاعَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِقَوْمٍ: «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا». (2)

1001. الكافي عن محمد بن الفضيل: سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»، قَالَ: هُوَ التَّضْيِيعُ. (3)

1002. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا- يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، فَإِذَا ضَعَّ يَعْهَنُ تَجَرًّا عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ. (4)

1003. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتَ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا، صَعِدَتْ وَلَهَا نُورٌ شَعَشَعَانِيٌّ تَفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى الْعَرْشِ، فَتَسْفَعُ لِصَاحِبِهَا وَتَقُولُ: «حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي»، وَإِذَا ضَعَّ لَمِيتَ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا صَعِدَتْ مُظْلِمَةً تُغْلِقُ دُونَهَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ، ثُمَّ تُلْفُ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ، وَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهُ صَاحِبِهَا، فَتَقُولُ: «صَيَّعَكَ اللَّهُ كَمَا صَيَّعْتَنِي». (5) 1.

ص: 718

1- النساء: 103.

2- الكافي: ج 3 ص 270 ح 13، منتقى الجمان: ج 1 ص 371 كلاهما عن داوود بن فرقد، بحار الأنوار: ج 82 ص 315.

3- الكافي: ج 3 ص 268 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 239 ح 947، مجمع البيان: ج 10 ص 834، مجمع البحرين: ج 2 ص 899، بحار الأنوار: ج 83 ص 6 نقلاً عن العياشي وليس في النسخة التي بأيدينا.

4- الكافي: ج 3 ص 269 ح 8 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 236 ح 933 عن يحيى الكاهلي نحوه، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 28 ح 21 عن داوود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، صحيفة الإمام الرضا: ص 84 ح 9 عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 14 ح 22؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 10 ص 206 من دون الإسناد إليه صلى الله عليه وآله وليس فيه «الصلوات»، كنز العمال: ج 7 ص 319 ح 19061.

5- إرشاد القلوب: ص 190 عن ابن عباس؛ تفسير الفخر الرازي: ج 23 ص 84 نحوه وراجع المحلّي: ج 2 ص 241.

1000. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خدای متعال: «نماز بر مؤمنان، نوشته (واجب) شده است» - یعنی نوشته ای حتمی [و نه تنگ و مضیق] و این گونه نیست که اگر اندکی جلو و عقب کردی، ضرری به تو بزند تا آن جا که به حد ضایع کردن نرسد، که خدای عز و جل در باره این قوم می فرماید: «نماز را تباه کردند و از شهوت ها پیروی نمودند. به همین زودی به گم راهی می رسند».

1001. الکافی - به نقل از محمد بن فضیل - از عبد صالح (امام کاظم علیه السلام) در باره سخن خدای عز و جل: «کسانی که از نمازشان غافل اند» پرسیدم، فرمود: «مقصود، تباه کردن است».

1002. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همواره شیطان از انسان باایمان، هراسان است تا هنگامی که بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد. پس هر گاه آنها را تباه کند، بر او جرئت می یابد و او را در گناهان بزرگ وارد می کند.

1003. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که نماز در وقتش خوانده شود، درخشان و کامل بالا می رود و درهای آسمان به رویش گشوده می شوند تا به عرش می رسد و برای صاحبش شفاعت می کند و می گوید: «خدا حفظت کند، آن گونه که مرا حفظ کردی!» و هنگامی که نماز در غیر وقتش خوانده شود، تاریک بالا می رود و درهای آسمان به رویش بسته می شوند و سپس مانند پارچه کهنه در هم پیچیده می شود و به صورت صاحبش زده می شود و می گوید: «خدا تو را ضایع کند، آن گونه که مرا ضایع کردی!».

1004. عنه صلى الله عليه وآله: لا تُصَدِّعُوا صَدِّ لَاتِكُمْ، فَإِنَّ مَنْ صَيَّعَ صَلَاتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَهَامَانَ، وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُتَنَافِقِينَ، فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ وَأَدَاءِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ. (1)

1005. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِضَاعَةَ الصَّلَوَاتِ. (2)

1006. الإمام عليّ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تُكْتَبُ الصَّلَاةُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَسْهُمٍ: سَهْمٌ مِنْهَا إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ، وَسَهْمٌ مِنْهَا الرُّكُوعُ، وَسَهْمٌ مِنْهَا السُّجُودُ، وَسَهْمٌ مِنْهَا الْحُشُوعُ». قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْحُشُوعُ؟ قَالَ: «التَّوَاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ، وَأَنْ يَقْبَلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ عِزًّا وَجَلًّا، فَإِذَا هُوَ أَتَمَّ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَأَتَمَّ سِدِّهَا مَهْمًا صَدَّعَتْ إِلَى السَّمَاءِ لَهَا نُورٌ يَتَلَأَلُّ، وَفُتِحَتْ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ تَقُولُ: حَافِظْتَ عَلَيَّ حَفِظَكَ اللَّهُ، وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ:

صَلَّى اللَّهُ عَلَى صَاحِبِ هَذِهِ الصَّلَاةِ. وَإِذَا لَمْ يُتَمَّ سِدِّهَا مَهْمًا صَدَّعَتْ وَلَهَا ظُلْمَةٌ، وَغُلِّقَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ دُونَهَا وَتَقُولُ: صَيَّعْتَنِي صَيَّعَكَ اللَّهُ، وَضُرِبَ بِهَا وَجْهُهُ». (3)

1007. المحاسن عن أبي سلام العبدِيّ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ يُؤَخِّرُ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ لِي: يَأْتِي هَذَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَوْتورًا أَهْلُهُ وَمَالُهُ.

قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟! قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَمَا مَنَزِلَتُهُ فِي الْجَنَّةِ مَوْتورًا أَهْلُهُ وَمَالُهُ؟ قَالَ: يَتَصَيَّفُ أَهْلَهَا لَيْسَ لَهُ.

ص: 720

1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 31 ح 46، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 152 ح 91 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائفي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص 186 ح 459 وفيهما «وفرعون» بعد «وهامان»، بحار الأنوار: ج 83 ص 14 ح 23.

2- تفسير القمّي: ج 2 ص 304 عن عبد الله بن عباس، مستدرک الوسائل: ج 11 ص 372 ح 13294 نقلًا عن الفضل بن شاذان في كتاب الغيبة، بحار الأنوار: ج 6 ص 306 ح 6.

3- الجعفریات: ص 37 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 158 من دون إسناد إلى الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 264 ح 66.

1004. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازتان را تباہ مکنید، که هر کس نمازش را تباہ کند، با قارون و هامان محشور می شود و سزاوار است که خداوند، او را همراه با منافقان وارد آتش کند.

پس وای بر کسی که بر نمازش و انجام سنت پیامبرش مواظبت نورزیده است!

1005. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشانه های نزدیکی قیامت، تباہ کردن نمازهاست.

1006. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نماز به چهار بخش، نوشته می شود: پاره ای برای نیکو وضو گرفتن است، پاره ای برای رکوع، پاره ای برای سجود، و پاره ای برای خشوع».

گفته شد: ای پیامبر خدا! خشوع چیست؟

فرمود: «فروتی در نماز و این که بنده با همه دل به خدای عز و جل رو کند. پس هنگامی که رکوع و سجودش را تمام آورد و دیگر بخش ها را هم کامل کرد، نماز با نوری درخشنده به سوی آسمان اوج می گیرد، درهای آسمان برای آن گشوده می شوند و [خطاب به نمازگزار] می گوید: "مرا حفظ کردی. خدا تو را حفظ کند!" و فرشتگان می گویند: "خدا بر صاحب این نماز درود فرستد!" و هنگامی که بخش های نماز را تمام نیاورد، نماز تاریک بالا می رود و درهای آسمان بر روی آن بسته می شود و [خطاب به نمازگزار] می گوید: "مرا تباہ کردی. خدا تو را تباہ گرداند!" و نماز را به صورتش می کوبند».

1007. المحاسن - به نقل از ابو سلام عبدی -: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به او گفتم: چه می گویی در باره فردی که نماز را عمداً به تأخیر می اندازد؟

به من فرمود: «این شخص روز قیامت، جدا از خانواده و دارایی اش می آید».

گفتم: فدایت شوم! حتی اگر از بهشتیان باشد؟

فرمود: «آری».

گفتم: منزلتش در حالت جدایی از خانواده و دارایی اش، چگونه است؟

ص: 721

1008. علل الشرائع عن عبيد الله بن عليّ الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «الْمَوْتُورُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ مَنْ صَبَّحَ صَلَاةَ الْعَصْرِ»، قُلْتُ: مَا الْمَوْتُورُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ؟

قَالَ: لَا يَكُونُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ أَهْلٌ وَلَا مَالٌ، يُصَبِّعُهَا فَيَدْعُهَا مُتَعَمِّدًا حَتَّى تَصْفَرَ الشَّمْسُ وَتَغِيبَ. (2)

1009. الإمام الصادق عليه السلام: -في ذِكْرِ جُنُودِ الْعَقْلِ-: الصَّلَاةُ، وَضِدَّهَا الْإِضَاعَةُ. (3)

1010. عنه عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى الصَّلَاةَ فِي وَقْتِهَا وَحَافِظَ عَلَيْهَا، ارْتَفَعَتْ بَيضاءَ بَقِيَّةً تَقُولُ:

«حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ»، وَإِذَا لَمْ يُصَلِّهَا لَوْقَتِهَا وَلَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا، ارْتَفَعَتْ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً تَقُولُ: «صَبَّعْتَنِي صَبَّعَكَ اللَّهُ». (4) ن.

ص: 722

-
- 1- المحاسن: ج 1 ص 163 ح 238، ثواب الأعمال: ص 275 ح 2، روضة الواعظين: ص 350 نحوه وليس فيه ذيله من «قلت: فما»، بحار الأنوار: ج 83 ص 29 ح 9.
 - 2- علل الشرائع: ص 356 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 256 ح 1018 عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 218 ح 654 عن الإمام الباقر عليه السلام، معاني الأخبار: ص 171 ح 1، ثواب الأعمال: ص 275 ح 3 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام وكلّهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 28 ح 6 وراجع الأصول الستة عشر: ص 174 ح 129 والدرّ المنتور: ج 1 ص 725.
 - 3- الكافي: ج 1 ص 22 ح 14، الخصال: ص 590 ح 13، علل الشرائع: ص 115 ح 10، المحاسن: ج 1 ص 313 ح 620، مشكاة الأنوار: ص 442 ح 1485 كلّها عن سماعة بن مهران، بحار الأنوار: ج 1 ص 111 ح 7.
 - 4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 209 ح 627، الأصول الستة عشر: ص 322 ح 513، بحار الأنوار: ج 83 ص 9 ح 2 نقلاً عن كتاب حسين بن عثمان.

فرمود: «مهمان بهشتیان است. در آن جا منزلی ندارد».

1008. علل الشرائع - به نقل از عبید اللہ بن علی حلی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جدا افتاده از خانواده و دارایی اش، کسی است که نماز عصر را تباه کند».

گفتم: معنای جدا افتاده از خانواده و دارایی چیست؟

فرمود: «در بهشت، خانواده و مالی ندارد. معنای تباه کردن نماز عصر، به تأخیر انداختن عمدی آن تا هنگام زرد شدن و غروب خورشید است».

1009. امام صادق علیه السلام - در یادکرد از سربازان عقل - : نماز، و ضد آن، تباه کردن آن است.

1010. امام صادق علیه السلام: بنده هنگامی که نماز را در وقتش می خواند و بر آن مواظبت می ورزد، نمازش سپید و پاکیزه بالا می رود و می گوید: «مرا حفظ کردی. خدا حفظ کند!» و هنگامی که آن را در وقتش نخواند و بر آن مواظبت نرزد، سیاه و تاریک بالا می رود و می گوید: «مرا تباه کردی. خدا تباهت کند!».

ص: 723

پژوهشی در باره تضييع نماز (1)

توضیحی قرآن کریم در آیه شریف: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا؛ (2) آن گاه پس از آنان، جانشینانی به جایشان نشستند که نماز را تباه ساختند و از هوس ها پیروی کردند. پس به زودی [سزای] گم راهی [خود] را خواهند دید»، تباه کنندگان نماز را به تندی، نکوهیده و وعده عذاب به آنها داده است.

افزون بر این، دو آیه شریف: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ (3) ویل برای نمازگزاران است؛ آنان که از نمازشان غافل اند» با توجه به روایت ناظر به آن (4) - که «سهو» را به «تضييع» تفسیر کرده - نیز تهدیدی از سوی خداوند نسبت به ضایع کنندگان نماز و بیان عواقب سوء این پدیده ناپسند است.

همچنین احادیث متعدّد این باب، همسو و همصدا با آیات پیش گفته، تضييع (تباه کردن) نماز را کاری زشت دانسته و زیان های آن را بیان کرده اند. برخی از این احادیث، تضييع نماز را نقطه مقابل محافظت از نماز بر شمرده اند. (5) از این رو برای بررسی مفهوم و آثار آن، می توان از مفهوم شناسی و شناخت آثار محافظت از نماز نیز مدد گرفت.

ص: 724

1- این بیان توسط استاد ارجمند آقای عبدالهادی مسعودی نگارش یافته است.

2- مریم: آیه 59.

3- ماعون: آیه 4-5.

4- ر.ك: ح 1001.

5- ر.ك: ح 1002 و 1003 و 1010.

ابن فارس، واژه شناس عرب، می گوید:

ض، ی، ع، أصل صحیح یدلّ علی فوت الشیء و ذهابه و هلاکه. (1)

ضییع، اصلی صحیح است که بر فوت چیزی و از میان رفتن و نابودی آن دلالت می کند.

دیگر واژه شناس، ابن منظور نیز آن را به معنای «هلاک» دانسته و در باره آیه 59 از سوره مریم، دو تفسیر را نقل می کند:

یکی خواندن نماز در خارج از وقت آن و دیگر، ترك کلی و به جا نیاموردن همیشگی آن، و تفسیر دوم را با سیاق آیه، متناسب تر می داند؛ زیرا مقصود آیه، کافران و تارکان نماز هستند و دلیل آن، استثنای توبه کنندگان و ایمان آوردگان در آیه بعد است. (2)

افزون بر اینان، ابن اثیر، غریب نگار مشهور، در باره «اضاعه» چنین نگاشته است:

إنّه نهی عن إضاعة المال، یعنی إنفاقه فی غیر طاعة الله تعالی و الإسراف و التبذیر. (3)

او از تضییع مال، نهی کرد، یعنی: از این که در غیر اطاعت خدای متعال هزینه شود و یا در مصرف آن، زیاده روی و ولخرجی گردد، نهی کرد.

روشن است که هر يك از این موارد اخیر، به اتلاف و بی ثمر کردن مال می انجامد.

نتیجه این که: این واژه در لغت و نیز در کاربردهایش در متون دینی، به معنای ترك و تلف کردن و هلاک نمودن و در يك کلام، تباه کردن چیزی است، خواه با ترك کلی باشد و یا با به جا آوردن نادرست و بدون لحاظ شرایط و ملزومات آن، به گونه ای که

ص: 725

1- معجم مقاییس اللغة: ج 3 ص 380 ماده «ضییع».

2- ر.ك: لسان العرب: ج 8 ص 231 ماده «ضییع».

3- النهایة: ج 3 ص 108 ماده «ضییع».

نتیجه و فایده آن، حاصل نشود، که در این صورت با ترك آن، تفاوتی ندارد و می توان آن را هلاك شده و از میان رفته دانست.

تضییع نماز از دیدگاه مفسران

بنا به گفته امین الإسلام طبرسی، (1) بسیاری از مفسران کهن، آیه سوره مریم را ناظر به تأخیر نماز و به جا آوردن آن در غیر وقت و گروه اندکی نیز آیه را مربوط به ترك نماز دانسته اند. طبرسی، بدون ذکر مستند خود، معنای نخست را منقول از امام صادق علیه السلام می داند، که به نظر می رسد سخن وی اشاره به این حدیث از امام صادق علیه السلام باشد:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى الصَّلَاةَ فِي وَقْتِهَا وَحَافِظَ عَلَيْهَا ارْتَعَتْ يِضَاءَ نَقِيَّةٍ، تَقُولُ:

حَفِظْتَنِي حَفْظَكَ اللَّهُ، وَإِذَا لَمْ يُصَلِّهَا لَوْقَتِهَا وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا ارْتَعَتْ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةٍ، تَقُولُ: ضَيَّعْتَنِي ضَيِّعَكَ اللَّهُ. (2)

هنگامی که بنده نماز را در وقتش و با حدودش بخواند، سپید و نورانی بالا می رود و می گوید: «مرا حفظ کردی. خدا تو را حفظ کند!» و هنگامی که در غیر وقتش و بدون حدودش بخواند، سیاه و تاریک بالا می رود و می گوید: «مرا تباه کردی، خدا تو را تباه کند!».

بیشتر تفسیرهای دیگر نیز به همین دو معنا اشاره کرده اند، هر چند به حلّ این اختلاف ظاهری پرداخته اند. شاید بتوان این گونه گفت که مفسران، هر دو قول را با هم سازگار و آنها را دو فرد از يك معنای کلی دانسته اند، بدین معنا که نمایان ترین فرد «تضییع»، همان ترك کلی نماز است و فرد دیگرش، عدم رعایت حدود و شرایط و اجزای اصلی آن (مانند وقت) است.

به سخن دیگر، کسی که نماز را آن اندازه به تأخیر می اندازد که وقت ادای آن به پایان می رسد و باید در خارج از وقت، قضا کند، مقصود حقیقی نماز را- که همان ذکر

ص: 726

1- ر.ك: مجمع البیان: ج 6 ص 803.

2- ر.ك: ح 1010.

مستمر و مداوم خداوند است-، تحصیل نکرده و آن را تباه نموده است، بویژه اگر این کار به صورت عادت در آید و مکرر صورت بگیرد. با این بیان می توان روایت امام صادق علیه السلام را ناظر به مصداق اخیر تضييع، یعنی در غیر وقت خواندن دانست، بی آن که مصداق اول را نفی کرده باشد؛ زیرا مصداق اول، یعنی ترك کلى نماز، به روشنی، مصداق تضييع شمرده می شود و بی تردید، زیان های آن مانند دچار شدن به غمی و فرجام بد را در پی دارد. به جهت این آشکاری، امام علیه السلام نیز از ذکر آن، صرف نظر کرده و به بیان مصداق های دیگر، پرداخته است.

سخن پایانی، این که: چه بسا بتوان دو تفسیر یاد شده را نه ناظر به مصادیق انحصاری، بلکه در صدد بیان دو مصداق بارزتر تضييع (تباه کردن) نماز دانست. بر این اساس، تضييع می تواند مصداق های نازل تری از قبیل عدم اهتمام غیر موجه به اموری چون اول وقت، جماعت خواندن و... داشته باشد، همچنان که در مقابل، از اهتمام به این امور به عنوان نشانه های محافظت از نماز، یاد شده است.

الكتاب:

«وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (1)

الحديث:

1011. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يتألم شفاعتي من استخف بصلاته، ولا يرد علي الحوض لا والله. (2)

1012. عنه صلى الله عليه وآله: عشرون خصلة تورث الفقر... والإستخفاف بالصلاة. (3)

1013. عنه صلى الله عليه وآله: خمس صلوات كتبهن الله على العباد، فمن أتى بهن لم ينقص منهن شيئاً استحقاقاً بحقهن، كان حقاً على الله أن يدخله الجنة، ومن لم يأت بهن ليس له عند الله عهد؛ إن شاء غفر له، وإن شاء عذبه. (4)

1014. عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبد إلا بينه وبين الله تعالى عهد ما أقام الصلاة لوقتها أو أثرها على غيرها معرفة بحقها، فإن هو تركها استخفافاً بحقها وأثر عليها غيرها برى الله إليه من عهده ذلك، ثم مشيئته إلى الله عز وجل، إما أن يعذبه وإما أن يغفر له. (5)0.

ص: 728

1- المائدة: 58.

2- الكافي: ج 6 ص 400 ح 19، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 106 ح 457 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 159 ح 223 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص 349، بحار الأنوار: ج 84 ص 241 ح 27.

3- جامع الأخبار: ص 343 ح 951، بحار الأنوار: ج 76 ص 315 ح 2.

4- المصنّف لعبد الرزاق: ج 3 ص 5 ح 4575، مسند الشاميين: ج 3 ص 248 ح 2185، مسند الحميدي: ج 1 ص 192 ح 388، طبقات المحدثين: ج 4 ص 308 الرقم 549 كلها عن عبادة بن الصامت نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 313 ح 19037 نقلاً عن ابن نصر عن أبي هريرة نحوه.

5- الجعفریات: ص 36 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 45 ح 2980.

قرآن

«و هنگامی که مردم را به نماز می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ زیرا آنان مردمی نابخردند».

حدیث

1011. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند، شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد و در کنار حوض [کوثر]، نزد من نمی آید.

1012. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیست خصلت فقر می آورد:... و سبک شمردن نماز.

1013. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج نماز است که خدا بر بندگانش واجب کرده است. هر کس آنها را بیاورد، بی آن که از سر کوچک شمردن آنها، از آنها کم گذاشته باشد، بر عهده خداوند است که او را به بهشت وارد کند و هر کس آنها را نیاورد، خدا نسبت به او تعهدی ندارد. اگر خواست، او را می آمرزد و اگر خواست، عذابش می کند.

1014. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست، جز آن که میان او و خدای متعال، پیمانی است تا آن گاه که نماز را در وقتش بخواند و یا آن را از سر شناخت حَقّش بر غیر آن، مقدم بدارد. اما اگر آن را از سر سبک شمردن حَقّش ترک کند و یا غیر آن را بر آن مقدم بدارد، خداوند، نسبت به آن پیمان، تعهدی ندارد و اگر بخواهد، عذابش می کند و یا او را می آمرزد.

ص: 729

1015. عنه صلى الله عليه وآله - لا بنته فاطمة عليها السلام لما قالت له: يا أبتاه، ما لي من تهاون بصلاتي من الرجال والنساء؟ - يا فاطمة، من تهاون بصلاتي من الرجال والنساء ابتلاه الله بخمس عشرة خصلة: سبت منها في دار الدنيا، وثلاث عند موته، وثلاث في قبره، وثلاث في القيامة إذا خرج من قبره.

فَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا: فَأَلْوَى يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ عُمْرِهِ، وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ رِزْقِهِ، وَيَمْحُو اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ سِيَمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ، وَكُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُوجِرُ عَلَيْهِ، وَلَا يَرْتَفِعُ دَعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَالسَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ عِنْدَ مَوْتِهِ: فَأَوْلُهُنَّ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا، وَالثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَائِعًا، وَالثَّالِثَةُ يَمُوتُ عَطْشَانًا؛ فَلَوْ سُقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْا عَطْشُهُ.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي قَبْرِهِ: فَأَوْلُهُنَّ يُوكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُزِعِجُهُ فِي قَبْرِهِ، وَالثَّانِيَةُ يُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ، وَالثَّالِثَةُ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ: فَأَوْلُهُنَّ أَنْ يُوكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَالْحَلَّاقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، وَالثَّانِيَةُ يُحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا، وَالثَّالِثَةُ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُزَكِّيهِ وَلَهُ عَذَابُ أَلِيمٍ. (1)

1016. الإمام الباقر عليه السلام: لا تتهاون بصلاتك، فإن النبي صلى الله عليه وآله قال عند موته: «ليس مني من استخف بصلاته». (2)

1017. الإمام الصادق عليه السلام: والله! إنَّه ليأتي على الرجل خمسون سنة وما قبل الله منه صلاةً. 2.

ص: 730

1- فلاح السائل: ص 61 ح 1 عن فاطمة الزهراء عليها السلام، بحار الأنوار: ج 83 ص 21 ح 39.

2- الكافي: ج 3 ص 269 ح 7، علل الشرائع: ص 356 ح 1، منتقى الجمان: ج 1 ص 378 كلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 79 ص 136 ح

1015. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ دخترش فاطمه که پرسیده بود: ای پدر! مردان و زنانی که نمازشان را سبک می شمردند، چه [جزایی] دارند؟-: ای فاطمه! هر کس از مردان یا زنان، نمازش را سبک بشمرد، خداوند، او را به پانزده خصلت مبتلا می کند: شش خصلت در دنیا، سه خصلت هنگام مرگش، سه خصلت در گورش و سه خصلت در قیامت، هنگامی که از گورش بیرون می آید.

اما آنچه در دنیا به او می رسد: خداوند، برکت را از عمر و روزی اش بر می دارد، نشان صالحان را از چهره اش می زداید، به هر عملی که انجام می دهد، پاداشی داده نمی شود، دعایش به آسمان نمی رود و ششم این که برای او در دعای صالحان نصیبی نیست.

اما آنچه هنگام مرگش به او می رسد: نخست، خوار، دوم گرسنه و سوم، تشنه می میرد. و اگر از نهادهای دنیا به او بنوشانند، سیراب نمی شود.

اما آنچه در گورش به او می رسد: نخست، آن که خداوند، فرشته ای می گمارد تا او را در گورش بیازارد، دوم این که گورش را بر او تنگ می کند و سوم این که گورش تاریک است.

اما آنچه روز قیامت هنگام بیرون آمدن از گورش به او می رسد: نخست، آن که خداوند، فرشته ای می گمارد تا او را با صورت [روی زمین] بکشد، در حالی که مردم به او می نگرند، دوم این که بازخواست سختی می شود و سوم این که خداوند به او نمی نگرد، و پاکش نمی سازد و عذابی دردناک دارد.

1016. امام باقر علیه السلام: نمازت را سبک مشمار، که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رحلتش فرمود: «هر کس نماز را سبک بشمارد، از من نیست».

1017. امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند بر شخص، پنجاه سال می گذرد، حال آن که خداوند،

وَاحِدَةً، فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؟! وَاللَّهِ! إِنَّكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَأَصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يُصَلِّي لِبَعْضِكُمْ مَا قَبِلَهَا مِنْهُ لِاسْتِخْفَافِهِ بِهَا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ، فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُسْتَخْفَى بِهِ؟! (1)

1018. ثواب الأعمال عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ اعْزَيْهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَبَكَتُ وَبَكَتُ لِبُكَائِهَا، ثُمَّ قَالَتْ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا! فَدَحَّ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: اجْمَعُوا لِي كُلَّ مَنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرَابَةً، قَالَتْ: فَلَمْ نَتْرُكْ أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ، قَالَتْ: فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ. (2)

4/13 السَّرِقَةُ مِنَ الصَّلَاةِ

1019. دعائم الإسلام عن الإمام علي عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَسْرَقَ السُّرَّاقِ مَنْ سَرَقَ مِنْ صَلَاتِهِ - يَعْنِي لَا يُتِمُّ فَرَائِضَهَا -. (3)

1020. سنن الدارمي عن أبي قتادة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَسْوَأُ النَّاسِ سَرِقَةً الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ (4). قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ يَسْرِقُ صَلَاتَهُ؟ قَالَ: لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا.

ص: 732

- 1- الكافي: ج 3 ص 269 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 240 ح 949، فلاح السائل: ص 287 ح 180، منتقى الجمان: ج 1 ص 375 كلها عن العيص بن القاسم، بحار الأنوار: ج 84 ص 261 ح 59 نقلاً عن كتاب أسرار الصلاة.
- 2- ثواب الأعمال: ص 272 ح 1، الأصول الستة عشر: ص 310 ح 471 نحوه، المحاسن: ج 1 ص 159 ح 225، فلاح السائل: ص 235 ح 133، الأمالي للصدوق: ص 572 ح 779، بحار الأنوار: ج 47 ص 2 ح 5.
- 3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 135، المحاسن: ج 1 ص 162 ح 232 عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، روضة الواعظين: ص 350 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 263 ح 66.
- 4- في مسند ابن حنبل: «يسرق من صلاته» بدل «يسرق صلاته» في الموضوعين.

يك نماز از او نپذیرفته است. چه چیزی از این سخت تر است؟ به خدا سوگند، شما کسانی را از همسایگان و همراهانتان می شناسید که اگر برای برخی از شما نماز گزارده بود، آن را به خاطر سبک شمردنش نمی پذیرفت. همانا خدای عز و جل جز نیکو نمی پذیرد. پس چگونه آنچه را که سبک شمرده شده است، بپذیرد؟!

1018. ثواب الأعمال - به نقل از ابو بصیر - : بر امّ حمیده (همسر امام صادق علیه السلام) وارد شدم تا او را در رحلت ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) تسلیت دهم. پس او گریست و من نیز از گریه او گریستم. سپس گفت: ای ابو محمد! [\(1\)](#) اگر ابو عبد الله را هنگام مرگ می دیدی، به شگفت می آمدی. چشمانش را باز کرد و سپس فرمود: «هر کس را میان من و او پیوند خویشاوندی است، گرد آورید».

[امّ حمیده] گفت: هیچ کس را رها نکردیم، مگر این که او را گرد آوردیم. امام علیه السلام به آنها نگریست و سپس فرمود: «همانا شفاعت ما به سبک شمارنده نماز نمی رسد».

4/13 دزدی از نماز

1019. دعائم الإسلام - به نقل از امام علی علیه السلام - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دزدترین دزدها، کسی است که از نمازش بدزدد»، یعنی واجبات آن را کامل به جای نیاورد.

1020. سنن الدارمی - به نقل از ابو قتاده - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بدترین دزد، آن است که از نمازش می دزدد».

گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه از نمازش می دزدد؟

ص: 733

1- . کنیه دیگر ابو بصیر بوده است.

1021. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا صلاة لمن لا يَتِمُّ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا. (2)

1022. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يُتِمَّ وُضُوءَهُ وَرُكُوعَهُ وَسُجُودَهُ وَخُشُوعَهُ، فَصَلَاتُهُ خِدَاجٌ (3). (4)

1023. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّى [أَحَدُكُمْ] (5) الْمَكْتُوبَةَ فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَتَكْبِيرَهَا وَالتَّصَدُّعَ فِيهَا، كَانَ كَمَثَلِ التَّاجِرِ لَا شِفَاءَ لَهُ (6) حَتَّى يَبْعِيَ رَأْسَ الْمَالِ. (7)

1024. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ مُصَلٍّ إِلَّا وَمَلَكَ عَنْ يَمِينِهِ وَمَلَكَ عَنْ يَسَارِهِ، فَإِنْ أَتَمَّهَا عَرَجًا بِهَا، وَإِنْ لَمْ يُتِمَّهَا ضَرْبًا بِهَا وَجْهَهُ. (8)

1025. عنه صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الَّذِي لَا يُتِمُّ صَلَاتَهُ كَمَثَلِ الْحُبْلَى حَمَلَتْ حَتَّى إِذَا دَنَا نَفْسُهَا أُسْقِطَتْ. ر.

ص: 734

1- سنن الدارمي: ج 1 ص 324 ح 1302، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 386 ح 22705، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 209 ح 1888 عن أبي هريرة، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 353 ح 835، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 332 ح 663، كنز العمال: ج 7 ص 450 ح 19733 وراجع جامع الأخبار: ص 187 ح 465.

2- الجعفریات: ص 36، النوادر للراوندي: ص 91 ح 27 وفيه «لا- يقيم» بدل «لا- يتم» وكلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص 187 ح 464، بحار الأنوار: ج 72 ص 198 ح 26؛ المعجم الأوسط: ج 5 ص 129 ح 4863 و ج 7 ص 331 ح 7645 كلاهما عن أنس وفيهما «لا تقبل صلاة رجل» بدل «لا صلاة لمن»، كنز العمال: ج 7 ص 455 ح 19757.

3- الخداج: النقصان، وأصل ذلك من خداج الناقة إذا ولدت ولداً ناقص الخلق أو لغير تمام (لسان العرب: ج 2 ص 248 «خدج»).

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 100 عن الإمام علي عليه السلام وص 136، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 358 ح 846 نقلاً عن لب اللباب للراوندي، بحار الأنوار: ج 80 ص 311.

5- ما بين المعقوفين لا يوجد في المصدر، وأضفناه من مسند إسحاق بن راهويه لاقتضاء السياق.

6- الشَّفُّ: الريح والزيادة (النهاية: ج 2 ص 486 «شف»).

7- مسند الشاميين: ج 3 ص 307 ح 2345، مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 374 ح 390 عن أبي هريرة، الفائق في غريب الحديث: ج 2 ص 254 كلاهما نحوه.

8- الجامع الصغير: ج 2 ص 525 ح 8111 نقلاً عن الدارقطني في الأفراد، الترغيب والترهيب: ج 1 ص 338 ح 15 نقلاً عن الأصبهاني وكلاهما عن عمر.

فرمود: «رکوع و سجودش را کامل به جا نمی آورد».

1021. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که رکوع و سجودش را کامل به جا نمی آورد، نمازی درست ندارد.

1022. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وضو و رکوع و سجود و خشوعش را کامل به جا نیاورد، نمازش ناقص است.

1023. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما نماز واجبش را بخواند، ولی رکوع و سجود و تکبیر و دعای آن را کامل به جا نیاورد، همچون بازرگانی است که سود نمی برد تا این که تنها سرمایه اش باقی می ماند.

1024. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ نمازگزاری نیست، جز این که فرشته ای بر سمت راست او و فرشته ای بر سمت چپش قرار دارد. پس اگر نماز را تمام بیاورد، آن دو، آن را بالا می برند و اگر تمام نیاورده باشد، آن را به صورتش می زنند.

1025. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که نمازش را تمام به جا نمی آورد، همچون زن بارداری است که

فَلَا حَمَلَ وَلَا هِيَ ذَاتُ وَكَلِدٍ. (1)

1026. عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا- أَذُلُّكُمْ عَلَى أَكْسَلِ النَّاسِ وَأَسْرَقِ النَّاسِ وَأَبْخَلِ النَّاسِ... وَأَمَّا أَسْرَقِ النَّاسِ فَالَّذِي يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ، تُلَفُّ كَمَا يُلَفُّ الثَّوْبُ الْحَلَقُ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهَهُ. (2)

1027. الإمام الباقر عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي، فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَلَا سُجُودَهُ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَقَرُ كَنْقَرِ الْغُرَابِ، لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَهَكَذَا صَلَاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي. (3)

1028. الإمام الصادق عليه السلام: أَبْصَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَنْقُرُ بِصَلَاتِهِ، فَقَالَ: مُنْذُ كَمْ صَلَّيْتَ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: مُنْذُ كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ: مِثْلُكَ عِنْدَ اللَّهِ كَمِثْلِ الْغُرَابِ إِذَا مَا نَقَرَ، لَوْ مِتَّ مِتَّ عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسِ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ. (4)

5/13 تَرْكُ الصَّلَاةِ

1029. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ جَهَارًا. (5)3.

ص: 736

1- السنن الكبرى: ج 2 ص 542 ح 4005 عن صالح بن سويد عن الإمام علي عليه السلام، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 189 ح 310 وفيه «لا يقيم صلته في» بدل «لا يتم»، شعب الإيمان: ج 3 ص 182 ح 3285 كلاهما عن عبد الله بن حنين عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، أمثال الحديث للرامهرمزي: ص 89 ح 55، كنز العمال: ج 7 ص 510 ح 20007؛ دعائم الإسلام: ج 1 ص 136 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 264 ح 66.

2- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 237، عدة الداعي: ص 34، إرشاد القلوب: ص 80، بحار الأنوار: ج 84 ص 257 ح 55.

3- الكافي: ج 3 ص 268 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 239 ح 948، ثواب الأعمال: ص 273، المحاسن: ج 1 ص 159 ح 222، روضة الواعظين: ص 349 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 85 ص 100 ح 1.

4- المحاسن: ج 1 ص 162 ح 232 عن عبد الله بن ميمون القداح، روضة الواعظين: ص 349، بحار الأنوار: ج 84 ص 242 ح 27.

5- المعجم الأوسط: ج 3 ص 343 ح 3348 عن أنس، كنز العمال: ج 7 ص 280 ح 18876؛ تفسير جوامع الجامع: ج 1 ص 192، عوالي اللآلي: ج 2 ص 224 ح 36 وليس فيهما «جهاراً»، بحار الأنوار: ج 30 ص 673.

در نزدیکی زایدن، بچه اش می افتد. پس نه بچه ای مانده و نه وی مادر شده است.

1026. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را از بخیل ترین، کسل ترین و دزدترین مردم، آگاه نکنم؟...

دزدترین مردم، کسی است که از نمازش می دزدد. نمازش را مانند پارچه کهنه در هم می پیچند و به صورتش می زنند.

1027. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که مردی داخل شد و به نماز ایستاد؛ ولی رکوع و سجودش را تمام به جا نیاورد. فرمود: «همچون نوك زدن كلاغ، [تند و شتابان] نوك زد. اگر این مرد بمیرد و نمازش این گونه باشد، بر غیر آیین من مرده است».

1028. امام صادق علیه السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام مردی را دید که در نمازش نوك می زند [یعنی تند و شتابان خم می شود و بر می خیزد]. پس فرمود: «چه مدّت است که این گونه نماز می خوانی؟».

مرد گفت: از فلان زمان.

فرمود: «مثال تو نزد خداوند، مثال نوك زدن كلاغ است. اگر تو مرده بودی، بر غیر دین ابو القاسم محمد صلی الله علیه و آله می مردی».

علی علیه السلام سپس فرمود: «دزدترین مردم، کسی است که از نمازش می دزدد».

5/13 ترك نماز

1029. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز را عمداً ترك کند، آشکارا کفر ورزیده است. (1)

ص: 737

1030. عنه صلى الله عليه وآله: الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ. (1)

1031. عنه صلى الله عليه وآله: لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ. (2)

1032. عنه صلى الله عليه وآله: لَا سَهَمَ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ. (3)

1033. عنه صلى الله عليه وآله: مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ. (4)

1034. عنه صلى الله عليه وآله: بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ. (5)

1035. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ لَا يَرْجُو ثَوَابَهَا وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا، فَلَا ابَالِي أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا. (6)

1036. عنه صلى الله عليه وآله: مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا. (7) 2.

ص: 738

-
- 1- سنن الترمذي: ج 5 ص 14 ح 2621، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 342 ح 1079، سنن النسائي: ج 1 ص 231، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 6 ح 22998، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 305 ح 1454 كلها عن بريدة، كنز العمال: ج 7 ص 279 ح 18871.
 - 2- المعجم الأوسط: ج 2 ص 383 ح 2292، المعجم الصغير: ج 1 ص 61 كلاهما عن ابن عمر، تفسير القرطبي: ج 11 ص 123، الاستذكار: ج 1 ص 49، التمهيد: ج 23 ص 300 والثلاثة الاخيرة من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، كنز العمال: ج 3 ص 61 ح 5497.
 - 3- مجمع الزوائد: ج 2 ص 21 ح 1612 نقلًا عن البرّار عن أبي هريرة، المصنف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 581 ح 19 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، كنز العمال: ج 7 ص 327 ح 19098.
 - 4- ثواب الأعمال: ص 275 ح 2 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر، بحار الأنوار: ج 82 ص 217 ح 33؛ سنن الترمذي: ج 5 ص 13 ح 2619، سنن الدارمي: ج 1 ص 297 ح 1213 عن جابر نحوه.
 - 5- سنن أبي داود: ج 4 ص 219 ح 4678، سنن الترمذي: ج 5 ص 13 ح 2620، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 342 ح 1078، السنن الكبرى: ج 3 ص 510 ح 6496 كلها عن جابر، كنز العمال: ج 7 ص 326 ح 19093؛ جامع الأخبار: ص 186 ح 457، بحار الأنوار: ج 82 ص 202 ح 2.
 - 6- جامع الأخبار: ص 186 ح 462، بحار الأنوار: ج 82 ص 202 ح 2.
 - 7- ثواب الأعمال: ص 275 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 160 ح 228 كلاهما عن بريد بن معاوية العجلي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 216 ح 32.

1030. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیمان میان ما و آنان، نماز است. پس هر کس آن را ترك کند، کافر شده است.

1031. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که نماز نمی گزارد، دین ندارد.

1032. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که نماز نمی گزارد، بهره ای از دین ندارد.

1033. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [مرز] میان کفر و ایمان، جز ترك نماز نیست.

1034. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [مرز] میان بنده و کفر، ترك نماز است.

1035. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز را ترك کند و به پاداش آن امید نرزد و از عذابش نهراسد، اهمّیت نمی دهم که یهودی، مسیحی و یا مجوس بمیرد.

1036. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان مسلمان و کفر، جز این نیست که نماز واجب را به عمد ترك کند و یا آن را از سر سبک شمردن نخواند.

ص: 739

1037. الإمام الصادق عليه السلام: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، أوصني. فقال: لا تدع الصلاة متعمداً، فإن من تركها متعمداً فقد برئت منه ملّة الإسلام. (1)

1038. الأمامي للطوسي عن جابر بن عبد الله الأنصاري: لما أوقع -وَرُبَّمَا قَالَ: فَرَعٌ- رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ هَوَازِنَ، سَارَ حَتَّى نَزَلَ بِالطَّائِفِ فَحَصَرَ أَهْلَ وَجِّ أَيَّاماً، فَسَأَلَهُ الْقَوْمُ أَنْ يَنْتَزِحَ عَنْهُمْ لِيَقْدَمَ عَلَيْهِ وَقَدْ هُمُ فَيَشْتَرِطُ لَهُ وَيَشْتَرِطُونَ لِأَنْفُسِهِمْ، فَسَارَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى نَزَلَ مَكَّةَ فَقَدِمَ عَلَيْهِ نَفَرٌ مِنْهُمْ بِإِسْلَامِ قَوْمِهِمْ وَلَمْ يَبْخَعْ الْقَوْمُ لَهُ بِالصَّلَاةِ وَلَا الزَّكَاةِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا رُكُوعَ فِيهِ وَلَا سُجُودَ. (2)

1039. الكامل في التاريخ -في ذكر قديم وفد تقيف-: وكان فيما سألوا رسول الله صلى الله عليه وآله أن يدع الطاغية -وهي الالاث- لا يهدئها ثلاث سنين، فأبى عليهم... وسألوه أن يعفيهم من الصلاة، فقال صلى الله عليه وآله: لا خير في دين لا صلاة فيه. (3)

1040. رسول الله صلى الله عليه وآله -في وصيته لمعاذ-: لا تترك صلاة مكتوبة متعمداً؛ فإن من ترك صلاة مكتوبة متعمداً فقد برئت منه ذمّة الله. (4) 6.

ص: 740

1- الكافي: ج 3 ص 488 ح 11 عن القداح، وسائل الشيعة: ج 3 ص 29 ح 4464؛ البداية والنهاية: ج 5 ص 325، السيرة النبوية لابن كثير: ج 4 ص 641 كلاهما عن اميمة مولاة رسول الله صلى الله عليه وآله وفيهما «ذمّة الله وذمّة رسوله» بدل «ملّة الإسلام»، المعجم الكبير: ج 12 ص 196 ح 13023 عن ابن عباس عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 16 ص 95 ح 44050.

2- الأمامي للطوسي: ص 504 ح 1106 عن جابر بن عبد الله الأنصاري، بحار الأنوار: ج 21 ص 153 ح 3؛ مسند ابن حنبل: ج 6 ص 271 ح 17934، تاريخ المدينة، ج 2 ص 510 عن عثمان بن أبي العاص وليس فيهما «و لا سجود»، تفسير القرطبي: ج 19 ص 168، تفسير الثعلبي: ج 6 ص 118 عن ابن عباس.

3- الكامل في التاريخ: ج 1 ص 640، البداية والنهاية: ج 5 ص 30، السيرة النبوية لابن هشام: ج 4 ص 185 كلاهما نحوه، سبل الهدى والرشاد: ج 6 ص 297.

4- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 250 ح 22136، البداية والنهاية: ج 5 ص 101 كلاهما عن معاذ، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 44 ح 6830 عن اميمة وفي آخره «وذمّة رسوله»، السنن الكبرى: ج 7 ص 497 ح 14777، تاريخ دمشق: ج 62 ص 224 ح 12794 كلاهما عن أم أيمن، كنز العمال: ج 7 ص 326 ح 19096.

1037. امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا سفارش کن.

فرمود: «نماز را عمداً و مگذار، که هر کس آن را به عمد ترك کند، دین اسلام از او کنار کشیده است (مسلمان نیست)». (1)

1038. الأمالی، طوسی- به نقل از جابر بن عبد الله انصاری- هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جنگ با قبیلۀ هوازن به پیروزی رسید- و یا از آن فراغت یافت- حرکت کرد تا در طائف فرود آمد و اهل و ج را چند روزی محاصره کرد و سپس آن جماعت از او خواستند از آنان دور شود تا نمایندگانشان بر او وارد شوند و با هم شرطهایشان را در میان بگذارند [و به توافقی برسند]. پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت و حرکت کرد تا در مکه فرود آمد و برخی از آنان، خبر پذیرش اسلام آنان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، در عین حال که آن جماعت به نماز و زکات، گردن نهاده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در دینی که رکوع و سجود ندارد، خیری نیست».

1039. الکامل فی التاریخ- در یادکرد از آمدن نمایندگان قبیلۀ ثقیف-: و از جمله آنچه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواسته بودند، این بود که طاغوت آنان- یعنی بت لایت- را و نهد و تا سه سال منهدمش نکند؛ اما ایشان پذیرفت... و نیز از ایشان خواستند که آنان را از نماز، معاف بدارد؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در دینی که نماز ندارد، خیری نیست».

1040. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به معاذ-: هرگز نماز واجب را به عمد ترك مکن، که هر کس نماز واجب را عمداً ترك کند، خداوند، تعهدی در برابر او ندارد. (2).

ص: 741

1- در الترغیب و الترهیب چنین آمده است: «از روی قصد، نماز را ترك مکنید، که هر کس آن را از روی قصد ترك کند، از دین خارج شده است».

2- در المستدرک علی الصحیحین در انتهای حدیث افزوده است: «و پیامبرش نیز تعهدی ندارد».

1041. الإمام الصادق عليه السلام: -لِمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الْكِبَائِرِ-: تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرَى مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (1)

1042. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ صَلَاةً لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ. (2)

1043. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ. (3)

1044. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَفُوتَهُ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ، فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ. (4)

1045. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ سَكْرًا مَرَّةً وَاحِدَةً، فَكَأَنَّمَا كَانَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا فَسَلْبَهَا. وَمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ سَكْرًا أَرْبَعَ مَرَّاتٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ طِينَةِ الْخَبَالِ.

قِيلَ: وَمَا طِينَةُ الْخَبَالِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: عُصَارَةُ أَهْلِ جَهَنَّمَ. (5) 6.

ص: 742

1- الكافي: ج 2 ص 287 ح 24، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 564 ح 4932، علل الشرائع: ص 392 ح 1، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 287 ح 33 كلُّها عن عبد العظيم الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 79 ص 8 ح 7.

2- المعجم الكبير: ج 11 ص 234 ح 11782، السنن الكبرى: ج 2 ص 438 ح 3684 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، مسند ابن الجعد: ص 340 ح 2336 كلاهما نحوه، ذخائر العقبى: ص 388 كلُّها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 7 ص 280 ح 18875؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 126 ح 64 عن ابن عباس.

3- الترغيب والترهيب: ج 1 ص 385 ح 18 نقلاً عن الاصبهاني عن عمر، صحيح البخاري: ج 1 ص 203 ح 528، سنن النسائي: ج 1 ص 236، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 12 ح 23020، المصنف لعبد الرزاق: ج 3 ص 124 ح 5005 كلُّها عن بريدة نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 381 ح 19389.

4- جامع الأخبار: ص 185 ح 456، بحار الأنوار: ج 82 ص 202 ح 2؛ كنز العمال: ج 7 ص 325 ح 19088 نقلاً عن ابن أبي شيبه عن أبي الدرداء وعن الحسن.

5- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 593 ح 6671، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 162 ح 7233، السنن الكبرى: ج 1 ص 573 ح 1829، شعب الإيمان: ج 5 ص 9 ح 5582، المعجم الأوسط: ج 6 ص 266 ح 6371، تفسير ابن كثير: ج 3 ص 178، كنز العمال: ج 5 ص 361 ح 13236.

1041. امام صادق علیه السلام - به کسی که از گناهان بزرگ پرسیده بود - ترك کردن عمدی نماز یا چیز دیگری که خدای عز و جل واجب کرده است؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس نماز را به عمد ترك کند، از پیمان خداوند و پیمان پیامبرش، بیرون رفته است.»

1042. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازی را نخواند، خداوند را خواهد دید در حالی که بر او خشمناک است.

1043. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز را عمداً ترك کند، خداوند، عملش را تباه می کند.

1044. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازش را بدون عذر رها کند تا فوت شود، عملش را نابود کرده است.

1045. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمرو - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس نماز را در حالت مستی، يك بار ترك کند، گویی همه دنیا و آنچه در آن است، برای او بوده و از دستش گرفته اند و هر کس نماز را در حالت مستی، چهار مرتبه ترك کند، حق خداوند است که از "طینة الخَبال" به او بنوشاند.»

گفته شد: ای پیامبر خدا! «طینة الخَبال» چیست؟

فرمود: «شیره (چرکابه زخم) دوزخیان.»

1046. الكافي عن عقيل الخزاعي: إن أمير المؤمنين عليه السلام كان إذا حضر الحرب يوصي للمسلمين بكلمات فيقول: تعاهدوا الصلاة وحافظوا عليها، واستكثروا منها وتقرّبوا بها، فإنّها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً، وقد علم ذلك الكفار حين سئلوا: «ما سلككم في سقر» (1)؟ «قالوا لم نك من المصلين» (2). (3)

1047. الإمام علي عليه السلام - في الحكيم المنسوبة إليه -: الفرق بين المؤمن والكافر الصلاة، فمن تركها ودعى الإيمان كذبه فعله، وكان عليه شاهد من نفسه. (4)

1048. الإمام الصادق عليه السلام - وقد سئل: ما بال الزاني لا تسميه كافراً، وتارك الصلاة قد سمّيته كافراً، وما الحجة في ذلك؟ -: لأن الزاني وما أشبهه إنما يفعل ذلك لِمكان الشهوة لأنّها تغلبه، وتارك الصلاة لا يتركها إلا استخفافاً بها، وذلك لأنك لا تجد الزاني يأتي المرأة إلا وهو مُستلذّ لإتيانها قاصداً إليها، وكلُّ من ترك الصلاة قاصداً لتركها فليس يكون قصده لتركها اللذّة، فإذا نُفيت اللذّة وقع الاستخفاف، وإذا وقع الاستخفاف وقع الكفر. (5)

1049. الكافي عن عبيد بن زرارة: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الكبائر، فقال: هنّ في كتاب علي عليه السلام سبع: الكفر بالله، وقتل النفس، وعقوق الوالدين، وأكل الربا بعد البيّنة، وأكل مال اليتيم ظلماً، والفرار من الزحف، والتعرّب بعد الهجرة.

قال: فقلت: فهذا أكبر المعاصي؟ قال: نعم، قلت: فأكل درهم من مال اليتيم 7.

ص: 744

1- المدّثر: 42.

2- المدّثر: 43.

3- الكافي: ج 5 ص 36 ح 1، نهج البلاغة: الخطبة 199 نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 447 ح 659.

4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 295 ح 380.

5- الكافي: ج 2 ص 386 ح 9، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 206 ح 616، علل الشرائع: ص 339 ح 1، قرب الإسناد: ص 47 ح

154 كلّها عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 82 ص 214 ح 27.

1046. الکافی - به نقل از عقیل خُزاعی - :امیر مؤمنان، هر گاه برای جنگ آماده می شد، چند کلمه ای به مسلمانان سفارش می نمود و می فرمود: «به نماز پایبند باشید و بر آن مواظبت کنید. آن را زیاد به جا آورید و بدان تقرب جوئید، که آن بر مؤمنان، نوشته ای زماندار است. این را کافران هم می دانند، آن گاه که پرسیده می شوند: «چه چیزی شما را به دوزخ وارد کرد؟ می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم»».

1047. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - :تفاوت میان مؤمن و کافر، نماز است.

پس هر کس آن را ترک کند و ادعای ایمان کند، عملش او را تکذیب می کند و گواهی از خودش بر ضد اوست.

1048. امام صادق علیه السلام - در پاسخ این پرسش: چگونه زناکار را کافر نمی نامید و ترک کننده نماز را کافر می نامید؟ دلیل آن چیست؟ - :چون زناکار و مانند آن، به جهت غلبه شهوت، آن کار را انجام می دهد و ترک کننده نماز، آن را فقط از روی سبک شمردنش ترک می کند. دلیلش آن است که تو زناکاری را نمی یابی که سراغ زنی برود، جز به قصد آن که از آمیزش با او لذت ببرد؛ ولی هر کس که نماز را عامدانه ترک کند، قصدش از ترک آن، لذت بردن نیست، و چون لذت بردن نفی شود، سبک شمردن واقع می شود، و چون سبک شمردن واقع شود، کفر واقع می شود.

1049. الکافی - به نقل از عبید بن زراره - :از امام صادق علیه السلام در باره گناهان کبیره پرسیدم.

فرمود: «آنها در کتاب علی علیه السلام هفت گناه اند: کفر به خداوند، کشتن انسان، نافرمانی پدر و مادر، رباخواری بعد از روشن شدن حکم آن، خوردن مال یتیم به ستم، گریز از جنگ، از یاد بردن احکام [و فرهنگ دینی] پس از یادگیری آنها».

گفتم: اینها بزرگ ترین گناهان اند؟

فرمود: «آری».

ص: 745

ظُلماً أَكْبَرُ أَمْ تَرَكَ الصَّلَاةَ؟ قَالَ: تَرَكَ الصَّلَاةَ، قُلْتُ: فَمَا عَدَدَتْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فِي الْكِبَائِرِ؟

فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَوَّلُ مَا قُلْتُ لَكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: الْكُفْرُ، قَالَ: فَإِنْ تَارَكَ الصَّلَاةَ كَافِرٌ - يَعْنِي مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ - . (1)

1050. الكافي عن زرارة: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» (2)، قَالَ: تَرَكَ الْعَمَلَ الَّذِي أَقْرَبَهُ، مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَتْرَكَ الصَّلَاةَ مِنْ غَيْرِ سَقَمٍ وَلَا شُغْلٍ. (3)

6/13 عِقَابُ تَارِكِ الصَّلَاةِ

الكتاب:

«فِي جَنَاتٍ يَسَاءَلُونَ* عَنِ الْمُجْرِمِينَ* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ». (4)

«فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى* وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى* ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى* أَوْلَى لَكَ فَأُولَى* ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأُولَى». (5)

«وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ازْكِعُوا لَا يَرْكِعُونَ». (6)

الحديث:

1051. رسول الله صلى الله عليه وآله: أمّتي على أربعة أصنافٍ: ...صنفٌ لا يُصَلُّونَ أبداً، فكانَ لَهُمْ سَقَرٌ، 8.

ص: 746

1- الكافي: ج 2 ص 278 ح 8، منتقى الجمان: ج 2 ص 352، وسائل الشيعة: ج 11 ص 254 ح 20631.

2- المائدة: 5.

3- الكافي: ج 2 ص 384 ح 5، المحاسن: ج 1 ص 158 ح 221 نحوه، تفسير العياشي: ج 1 ص 296 ح 41 كلاهما عن عبيد بن زرارة، بحار الأنوار: ج 72 ص 97 ح 15.

4- المدثر: 40-43.

5- القيامة: 31-35.

6- المرسلات: 47 و48.

گفتم: خوردن درهمی از مال یتیم به ستم، بزرگ تر است یا ترك نماز؟

فرمود: «ترك نماز».

گفتم: پس چرا ترك نماز را در شمار گناهان کبیره نیاوردید؟

فرمود: «نخستین گناه کبیره ای که برای ت شمردم، چه بود؟».

گفتم: کفر.

فرمود: «بی گمان، ترك کننده نماز - بدون عذر شرعی -، کافر است».

1050. الکافی - به نقل از زراره - از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل پرسیدم: «هر کس به [ارکان] ایمان کفر ورزد، بی گمان، عملش تباه است». فرمود: «ترك کردن کاری که بدان اقرار دارد و از آن جمله است ترك نماز بی هیچ بیماری و گرفتاری ای».

6/13 مجازات اخروی ترك کننده نماز

قرآن

«در میان باغ ها از یکدیگر می پرسند، در باره مجرمان: چه چیزی شما را به آتش وارد کرد؟ می گویند: از نماز گزاران نبودیم».

«او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند؛ بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد. سپس به سوی خانواده خود باز گشت در حالی که متکبرانه قدم بر می داشت. [با این اعمال، عذاب الهی] برای تو شایسته تر است، شایسته تر! سپس [عذاب الهی] برای تو شایسته تر است، شایسته تر!»

«ویل برای تکذیب کنندگان است در آن روز، و چون به آنان گفته شود: رکوع کنید، به رکوع نمی روند».

حدیث

1051. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اُمَّت من، چهار دسته اند: ...دسته ای هیچ گاه نماز نمی خوانند. پس

ص: 747

وَسَقَرُ اسْمٌ دَرَكَةٌ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ». (1)

1052. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ صَلَاةً (2) مُتَعَمِّدًا كَتَبَ اسْمُهُ عَلَى بَابِ النَّارِ فَيَمَنُ يَدْخُلُهَا. (3)

1053. عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى فِي بَعْضِ كُتُبِهِ: إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا ذُو بَكَّةَ (4)، مُفَقِّرُ الزَّانَةِ، وَتَارِكُ تَارِكِي الصَّلَاةِ عُرَاءً.

(5)

1054. عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ الْخَنْزِيرُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي خَنْزِيرًا وَلَمْ يَخْلُقْنِي كَافِرًا، وَيَقُولُ الْكَافِرُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي كَافِرًا وَلَمْ يَجْعَلْنِي مُنَافِقًا، وَالْمُنَافِقُ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي مُنَافِقًا وَلَمْ يَخْلُقْنِي تَارِكُ الصَّلَاةِ. (6)

1055. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَعَانَ تَارِكُ الصَّلَاةِ بِلِقْمَةٍ أَوْ كِسْوَةٍ، فَكَأَنَّمَا قَتَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا؛ أَوْلَهُمْ آدَمُ وَآخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ. (7)

1056. عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا اسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَضَيْتُ فَإِذَا أَنَا بِأَقْوَامٍ تُرَضِّحُ رُؤُوسَهُمْ بِالصَّخْرِ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرَيْلُ؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَنَامُونَ عَنِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ. (8) 1.

ص: 748

- 1- اثنا عشرية في المواعظ العددية: ص 158.
- 2- في كنز العمال: «الصلوة» بدل «صلاة».
- 3- حلية الأولياء: ج 7 ص 254 عن أبي سعيد، كنز العمال: ج 7 ص 325 ح 19090.
- 4- بكَّة: اسم من أسماء مكة؛ لأنها تبك أعناق الجبابرة؛ أي تدققها (النهاية: ج 1 ص 150 «بكك»).
- 5- أعلام الدين: ص 152، كنز الفوائد: ج 2 ص 162 عن الإمام علي عليه السلام وفيه بدل «بكَّة» فراغ، بحار الأنوار: ج 78 ص 457 ح 26.
- 6- جامع الأخبار: ص 187 ح 467.
- 7- جامع الأخبار: ص 186 ح 463؛ الاصابة: ج 2 ص 437 عن رتن الهندي نحوه.
- 8- تفسير القمي: ج 2 ص 7 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 82 ص 213 ح 26؛ تاريخ دمشق: ج 19 ص 452 عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 14 ص 670 ح 39801.

برای اینان، «سَقَر» است و سَقَر، نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند-تبارک و تعالی- فرموده است: «چه چیزی شما را به سَقَر وارد کرد؟ گفتند: از نماز گزاران نبودیم».

1052. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازی را عمداً ترك کند، نامش را بر سر در دوزخ جزو وارد شونده‌گان به آن، می نویسند.

1053. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال در برخی از کتاب هایش فرموده است: «من بی گمان، خداوندم و جز من معبودی نیست. من صاحب بگّه (1) (خُردکننده جباران)، بیچاره کننده زناکاران و لخت گذارنده ترك کنندگان نماز هستم».

1054. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوک می گوید: سپاس، خدا را که مرا خوک آفرید و کافر نیافرید و کافر می گوید: سپاس، خدا را که مرا کافر آفرید و منافق نیافرید و منافق می گوید: سپاس، خدا را که مرا منافق آفرید و تارك نماز نیافرید.

1055. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ترك کننده نماز را با لقمه ای یا پوشاکی [در ترك نمازش] یاری رساند، گویی هفتاد پیامبر را کشته است که اولین آنها آدم و آخرین آنها محمد است.

1056. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که مرا به آسمان بردند، رفتم تا به گروه هایی رسیدم که سرهایشان را به صخره می کوبیدند. گفتم: ای جبرئیل! اینها کیان اند؟ گفت: اینها کسانی اند که برای نماز عشا خواب می ماندند. ت.

ص: 749

1- بگّه، از نام های مگّه است و از این رو «بگّه» نامیده شده که کوبنده گردن های جباران است.

1057. دعائم الإسلام: عن أبي جعفر صلوات الله عليه أن رجلاً ذكر له رجلاً قال: إن هتك ستره، وأرتكب المحارم، واستخف بالفرائض حتى إنّه ترك الصلاة المكتوبة! وكان متكناً فاستوى جالساً وقال: سبحان الله! ترك الصلاة المكتوبة؟! إن ترك الصلاة المكتوبة عند الله عظيم. (1)

1058. الإمام الصادق عليه السلام: من ترك صلاة العصر غير ناس لها حتى تقوته، وتره (2) الله أهله وماله يوم القيامة. (3)

1059. عنه عليه السلام: إن الله ليدفع بمن يصلّي من شيعتنا عمّن لا يصلّي من شيعتنا، ولو أجمعوا على ترك الصلاة لهلكوا. وإن الله ليدفع بمن يزكي من شيعتنا عمّن لا يزكي، ولو أجمعوا على ترك الزكاة لهلكوا. (4) 6.

ص: 750

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 63، مستدرک الوسائل: ج 3 ص 29 ح 2936.

2- وتر: أي نقص (النهاية: ج 5 ص 148 «وتر»).

3- ثواب الأعمال: ص 275 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 163 ح 237 كلاهما عن محمد بن هارون، بحار الأنوار: ج 83 ص 30 ح 10، وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 218 ح 654 وعوالي اللآلي: ج 1 ص 129 ح 5.

4- الكافي: ج 2 ص 451 ح 1، تفسير العياشي: ج 1 ص 135 ح 446، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 94 ح 84 كلاهما عن يونس بن ظبيان، تفسير القمي: ج 1 ص 83، مجمع البيان: ج 2 ص 621 كلاهما عن جميل، بحار الأنوار: ج 73 ص 382 ح 6.

1057. دعائم الإسلام: نزد ایشان (امام باقر علیه السلام) سخن از مردی به میان آمد و گفته شد: پرده دری کرده، مرتکب محرمات گشته، واجبات را سبک شمرده و حتی نماز واجب را ترك کرده است.

امام علیه السلام که تکیه داده بود، راست نشست و فرمود: «سبحان الله! نماز واجب را ترك کرده است؟ همانا ترك نماز واجب، نزد خداوند، بزرگ و گران است».

1058. امام صادق علیه السلام: هر کس نماز عصر را، نه از سر فراموشی، رها کند تا فوت شود، خداوند، خانواده و دارایی اش را روز قیامت از او می گیرد.

1059. امام صادق علیه السلام: خداوند به سبب شیعیان نمازگزار ما، [عذاب را] از شیعیان نمازنخوان ما دور می کند و اگر همه نماز نمی خواندند، هلاک می شدند، و خداوند به سبب شیعیان زکات دهنده ما، [عذاب را] از کسانی که زکات نمی دهند، دور می کند و اگر همه زکات نمی دادند، هلاک می شدند.

ص: 751

الكتاب:

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ». (1)

«وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ». (2)

الحديث:

1060. الكافي عن الفضيل: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (3)، قَالَ: هِيَ الْفَرِيضَةُ، قُلْتُ: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»؟ قَالَ: هِيَ النَّافِلَةُ. (4)

1061. الكافي عن زُرَّارَةَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا شَابٌّ فَوَصَفَ لِي التَّطَوُّعَ وَالصَّوْمَ، 9.

ص: 752

1- المعارج: 23.

2- البقرة: 158.

3- المؤمنون: 9.

4- الكافي: ج 3 ص 269 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 240 ح 951، منتقى الجمان: ج 1 ص 370، بحار الأنوار: ج 69 ص 269.

قرآن

«کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند».

«و هر کس افزون بر فریضه، کار نیکی کند، خدا قدردان و داناست».

حدیث

1060. الکافی - به نقل از فضیل - از امام باقر علیه السلام در باره سخن خدای عز و جل: «و کسانی که بر نمازهایشان مواظبت می ورزند» پرسیدم.

فرمود: «مقصود، نمازهای فریضه است».

گفتم: «کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند»؟

فرمود: «مقصود، نافله (نماز مستحبی) است».

1061. الکافی - به نقل از زراره - خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و من جوان بودم. پس برایم از فضیلت مستحب و روزه فرمود. سنگینی حرف هایش را که در چهره ام دید، به من

ص: 753

فَرَأَى تَقَلَّ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ، فَقَالَ لِي: إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَالْفَرِيضَةِ مَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ، إِنَّمَا هُوَ التَّطَوُّعُ؛ إِنْ شِئْتَ غَلَّتْ عَنْهُ أَوْ تَرَكَتَهُ فَصَيِّتُهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا يَكْرَهُونَ أَنْ تُرْفَعَ أَعْمَالُهُمْ يَوْمًا تَامًا وَيَوْمًا نَاقِصًا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ». (1)

1062. الإمام الصادق عليه السلام: صَلَاةُ التَّطَوُّعِ بِمَنْزِلَةِ الْهَدْيَةِ، مَتَى مَا أَتَيْتَ بِهَا قُبِلَتْ، فَقَدِمَ مِنْهَا مَا شِئْتَ وَأَخَّرَ مِنْهَا مَا شِئْتَ. (2)

1063. الإمام الكاظم عليه السلام: صَلَاةُ النَّوَافِلِ قُرْبَانُ (3) كُلِّ مُؤْمِنٍ. (4)

2/14 حِكْمَةُ النَّوَافِلِ

1064. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ أَكْمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ نَافِلَةٌ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَكْمَلَهَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَ لِمَلائِكَتِهِ: أَنْظِرُوهُ، هَلْ تَجِدُونَ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ، فَأَكْمَلُوا بِهَا مَا ضَيَّعَ مِنْ فَرِيضَتِهِ. ثُمَّ تَوَخَّذُوا الْأَعْمَالَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ. (5)

1065. عنه صلى الله عليه وآله: أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسُ، وَأَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ، وَأَوَّلُ مَا يُسْأَلُونَ عَنْهُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ، فَمَنْ كَانَ ضَيَّعَ شَيْئًا 5.

ص: 754

1- الكافي: ج 3 ص 442 ح 1، وسائل الشيعة: ج 3 ص 56 ح 4553.

2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 267 ح 1066، منتقى الجمال: ج 1 ص 431 كلاهما عن محمد بن عذافر، ووسائل الشيعة: ج 3 ص 170 ح 5010.

3- قربان: مثل قربية، أي أن الأتقياء من الناس يتقربون بها إلى الله تعالى (مجمع البحرين: ج 3 ص 1460 «قرب»).

4- ثواب الأعمال: ص 49 ح 1 عن موسى بن بكر، تحف العقول: ص 403 وفيه «إلى الله لكل» بدل «كل»، بحار الأنوار: ج 78 ص 326 ح 4.

5- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 458 ح 1426، السنن الكبرى: ج 2 ص 541 ح 4002 كلاهما عن تميم الداري، سنن النسائي: ج 1 ص 233 عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 35 ح 16946، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 356 ح 276 كلّها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 282 ح 18885.

فرمود: «اینها مثل واجب نیستند که هر که ترکش کند، هلاک شود؛ بلکه مستحب (نافله) است. اگر به کاری مشغول شدی و آن را رها کردی، یا اصلاً ترکش نمودی، از آن گذشته ای. مؤمنان خوش ندارند که کارهایشان روزی کامل و روزی ناقص بالا برده شود. خداوند عز و جل می فرماید: «کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند»».

1062. امام صادق علیه السلام: نماز مستحبی به منزله هدیه است. هر گاه آورده شود، قبول می شود. هر کدام را خواستی، پیش بینداز و هر کدام را که خواستی، به تأخیر بینداز.

1063. امام کاظم علیه السلام: نمازهای نافله، وسیله تقرب هر مؤمن اند.

2/14 حکمت نافله ها

1064. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی که بنده را روز قیامت با آن محاسبه می کنند، نماز اوست.

اگر آن را کامل گزارده باشد، برایش کامل (1) نوشته می شود و اگر آن را کامل به جا نیاورده باشد، خداوند سبحان به فرشتگانش می فرماید: «ببینید آیا برای بنده ام، نماز مستحبی ای (نافله ای) می یابید تا با آن، آنچه را که از نماز واجبش تباه کرده است، جبران و کامل کنید» و سپس بقیه اعمال به همین گونه محاسبه می شود.

1065. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین واجب الهی بر امتم، نمازهای پنجگانه است و نخستین چیزی که از اعمالشان بالا می رود، نمازهای پنجگانه است و نخستین چیزی که از آن سؤال می شوند، نمازهای پنجگانه است. پس هر کس چیزی از آن را تباه کرده باشد،

ص: 755

1- در متن عربی، «نافله» آمده است؛ اما با توجه به منابع دیگر حدیث و سیاق آن، ترجمه را این گونه آوردیم.

مِنْهَا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنْظِرُوا هَلْ تَجِدُونَ لِعِبْدِي نَافِلَةً مِنْ صَلَاةٍ تُتِمُّونَ بِهَا مَا نَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ؟...

فَإِنْ وُجِدَ فَضْلًا وُضِعَ فِي مِيزَانِهِ، وَقِيلَ لَهُ: أَدْخُلِ الْجَنَّةَ مَسْرُورًا، فَإِنْ لَمْ يَوْجَدْ لَهُ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ أَمَرَتْ بِهِ الزَّبَانِيَةُ فَأَخَذُوا بِيَدَيْهِ وَرَجَلَيْهِ، ثُمَّ قُذِفَ بِهِ فِي النَّارِ. (1)

1066. تهذيب الأحكام عن أبي حمزة الثمالي: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فَسَقَطَ رِدَاؤُهُ عَنْ مَنْكِبَيْهِ، قَالَ: فَلَمْ يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، قَالَ: فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ:

وَيَحْكُ! أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كُنْتُ؟ إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ صَلَاةٌ إِلَّا مَا أَقْبَلَ مِنْهَا.

فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! هَلْ كُنَّا. فَقَالَ: كَلَّا، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُتِمُّ ذَلِكَ بِالتَّوَابِلِ. (2)

1067. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا مَا أَدَّى الرَّجُلُ صَلَاةً وَاحِدَةً تَامَّةً قُبِلَتْ جَمِيعُ صَلَاتِهِ وَإِنْ كُنَّ غَيْرَ تَامَاتٍ، وَإِنْ أَفْسَدَهَا كُلَّهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ شَيْءٌ مِنْهَا، وَلَمْ يُحَسَبْ لَهُ نَافِلَةٌ وَلَا فَرِيضَةٌ، وَإِنَّمَا يُقْبَلُ النَّافِلَةُ بَعْدَ قَبُولِ الْفَرِيضَةِ، وَإِذَا لَمْ يُؤَدِّ الرَّجُلُ الْفَرِيضَةَ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ النَّافِلَةَ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ النَّافِلَةُ لِيَتِمَّ بِهَا مَا أَفْسَدَ مِنَ الْفَرِيضَةِ. (3)

1068. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى فَأَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ لَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ فِيهَا أَوْ لَمْ يَسْأَلْ فِيهَا، أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهَا، فَرَبَّمَا رُفِعَ نَصْفُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ خُمُسُهَا. وَإِنَّمَا أَمَرْنَا بِالسُّنَّةِ (4) لِيَكْمُلَ بِهَا مَا ذَهَبَ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ. (5) 6.

ص: 756

- 1- الجامع الصغير: ج 1 ص 435 ح 2843 نقلًا عن الحاكم في الكنى عن ابن عمر، كنز العمال: ج 7 ص 276 ح 18859 وراجع شعب الإيمان: ج 3 ص 181 ح 3283.
- 2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 342 ح 1415، الخصال: ص 517 ح 4 عن حمزان بن أعين عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام نحوه، علل الشرائع: ص 232 ح 8 وفيه صدره إلى «أقبل منها»، بحار الأنوار: ج 46 ص 61 ح 19.
- 3- الكافي: ج 3 ص 269 ح 11، علل الشرائع: ص 329 ح 4 وفيه ذيله من «وإنما جعلت...»، منتقى الجمان: ج 1 ص 370 كلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 87 ص 28 ح 6.
- 4- أي النافلة.
- 5- الكافي: ج 3 ص 363 ح 1، منتقى الجمان: ج 2 ص 81 كلاهما عن محمد بن مسلم، المحاسن: ج 1 ص 97 ح 65 عن هشام بن سالم، دعائم الإسلام: ج 1 ص 208 عن عمارة الساباطي وليس فيه «أو لم يسه فيها»، بحار الأنوار: ج 82 ص 298 ح 26.

خداوند متعال می فرماید: «بینید آیا نماز نافله ای برای بنده ام می یابید تا کاستی نمازهای واجبش را با آن کامل کنید؟»... اگر نافله ای پیدا شد، در ترازویش می گذارند و به او گفته می شود: با شادمانی به بهشت وارد شو. و اگر چیزی از اینها برایش یافت نشود، به گماردگان بر دوزخ، فرمان داده می شود که دستان و پاهایش را بگیرند و به آتش دوزخش بیندازند.

1066. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو حمزة ثمالی - علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) را دیدم که نماز می خواند و ردایش از شانه هایش افتاد؛ ولی آن را صاف نکرد تا از نمازش فارغ شد. علت را از ایشان جویا شدم. فرمود: «وای بر تو! آیا می دانی جلوی چه کسی بودم؟ از نماز بنده، جز آنچه را به آن توجه داشته، نمی پذیرند».

گفتم: فدایت شوم! هلاک شدیم!

فرمود: «هرگز! خدای متعال، آن نمازها را با نافله ها کامل می کند».

1067. امام باقر علیه السلام: اگر انسان يك نماز كامل بخواند، همه نمازهایش قبول می شود، حتی اگر آنها کامل نباشند و اگر همه نماز را تباه کند، هیچ چیزی از آن قبول نمی شود و نافله و فریضه او محسوب نمی گردد. نافله (نماز مستحبی) تنها در صورت قبولی فریضه، قبول می شود و هنگامی که انسان، نماز واجبش را ادا نکند، نافله او قبول نمی شود و نافله تنها برای این قرار داده شده که آنچه از فریضه تباه شده است، با آن تکمیل شود.

1068. امام صادق علیه السلام: هر کس نماز بگذارد و به نمازش توجه داشته باشد و در آن با خود سخن نگوید و از آن غافل نشود، خداوند تا هنگامی که او توجه دارد، به او توجه می کند.

پس گاه، نیم یا يك چهارم و يك سوم و يك پنجم نماز بالا - می رود و از این رو به نماز نافله فرمان یافته ایم تا آنچه از نماز واجب رفته است، کامل شود.

1069. الإمام الباقر عليه السلام: كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلَاةِ يُطْرَحُ مِنْهَا، غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُتِمُّ بِالنَّوَافِلِ. (1)

1070. عنه عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نِصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ خُمْسُهَا، فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ، وَإِنَّمَا أَمْرُنَا بِالتَّافِلَةِ لِيُتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ. (2)

1071. علل الشرائع عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قُلْتُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ أَوْجَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةَ الزَّوَالِ ثَمَانٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَثَمَانٍ قَبْلَ العَصْرِ؟ وَلَا أَيَّ عِلَّةٍ رَغَبَ فِي وُضُوءِ المَغْرِبِ كَدَلِّ الرَّغْبَةِ؟ وَلَا أَيَّ عِلَّةٍ أَوْجَبَ الأَرْبَعَ رَكَعَاتِ مِنْ بَعْدِ المَغْرِبِ؟ وَلَا أَيَّ عِلَّةٍ كَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَلَا يُصَلِّي فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ؟

قال: لِتَأْكِيدِ الفَرَائِضِ؛ لِأَنَّ النَّاسَ لَوْ لَمْ تَكُنْ صَدَّ لَاتُهُمْ إِلَّا الأَرْبَعُ رَكَعَاتِ الظُّهْرِ، لَكَانُوا مُسْتَخْفِينَ بِهَا حَتَّى كَادَ يَفُوتُهُمُ الوَقْتُ، فَلَمَّا كَانَ شَيْئاً غَيْرَ الفَرِيضَةِ أَسْرَعُوا إِلَى ذَلِكَ لِكَثْرَتِهِ، وَكَذَلِكَ الَّتِي مِنْ قَبْلِ العَصْرِ لِيُسْرِعُوا إِلَى ذَلِكَ لِكَثْرَتِهِ، وَذَلِكَ لِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنْ سَوَّفْنَا وَنُرِيدُ أَنْ نُصَلِّيَ الزَّوَالِ يَفُوتَنَا الوَقْتُ، وَكَذَلِكَ الوُضُوءُ فِي المَغْرِبِ، يَقُولُونَ:

حَتَّى نَتَوَضَّأَ يَفُوتَنَا الوَقْتُ فَيُسْرِعُوا إِلَى القِيَامِ، وَكَذَلِكَ الأَرْبَعُ رَكَعَاتِ الَّتِي مِنْ بَعْدِ المَغْرِبِ، وَكَذَلِكَ صَدَّ لَاهُ اللَّيْلِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ، لِيُسْرِعُوا القِيَامَ إِلَى صَلَاةِ الفَجْرِ، فَلَيْتَكَ العِلَّةُ وَجَبَ هَذَا هَكَذَا. (3)

1072. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَتَمَّ صَلَاةَ الفَرِيضَةِ بِصَلَاةِ النَّافِلَةِ. (4)

راجع: ص 582 (من يقبل بعض صلواته) وج 1/ح 20.4.

ص: 758

1- الكافي: ج 3 ص 268 ح 4 عن أبي بصير، وسائل الشيعة: ج 3 ص 53 ح 4544.

2- الكافي: ج 3 ص 363 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 341 ح 1413، منتقى الجمان: ج 2 ص 81 كلها عن محمد بن مسلم، علل الشرائع: ص 328 ح 2 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 238 ح 18.

3- علل الشرائع: ص 328 ح 3، بحار الأنوار: ج 82 ص 264 ح 13.

4- الكافي: ج 3 ص 42 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 1 ص 111 ح 293، علل الشرائع: ص 285 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 28 ح 1101 كلها عن الحسين بن خالد، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 112 ح 231 عن المعصوم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 81 ص 123 ح 4.

1069. امام باقر علیه السلام: هر بی توجهی در نماز، چیزی از آن را به دور می اندازد؛ اما خدای متعال، آن را با نافله ها تکمیل می کند.

1070. امام باقر علیه السلام: از نماز انسان، نیم یا يك سوم و يك چهارم و يك پنجم بالا می رود و جز آنچه را با دل و جان به آن توجه دارد، بالا نمی رود و به نافله ها فرمان داده شده تا همین کاستی های نماز واجب را جبران و کامل کنند.

1071. علل الشرائع - به نقل از عبد الله بن سنان - گفتیم: چرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز نیم روز را هشت رکعت پیش از ظهر و هشت رکعت پیش از عصر قرار داد؟ و به چه علت، به وضوی نماز مغرب زیاد ترغیب کرد؟ و به چه علت، چهار رکعت نماز پس از مغرب را لازم کرد؟ و به چه علت، نماز شب در پایان شب خوانده می شود و نه در آغاز آن؟

امام [صادق علیه السلام] فرمود: «برای استوار کردن نمازهای فریضه؛ زیرا مردم اگر تنها چهار رکعت نماز ظهر به گردنشان بود، آن را سبک می گرفتند، تا آن جا که وقت [فضیلت] نماز را از دست می دادند؛ اما چون افزون بر فریضه ظهر هم وظیفه ای دارند، به دلیل همین فراوانی، به آن شتاب می ورزند.

همین دلیل برای نافله های پیش از عصر نیز جاری است؛ زیرا مردم می گویند: اگر سستی کنیم و به تأخیر اندازیم و سپس بخواهیم نماز نیم روز را بخوانیم، وقت [فضیلت] را از دست می دهیم. همین گونه در باره وضوی نماز مغرب می گویند: اگر دیر وضو بگیریم، وقت [فضیلت] نماز از دست می رود. پس با شتاب بر می خیزند، و نیز چهار رکعت نماز پس از مغرب و همین گونه، [چند رکعت] نماز در پایان شب برای شتاب کردن به نماز صبح است. به این علت ها، این نافله ها بدین گونه واجب شده اند».

1072. امام کاظم علیه السلام: خداوند -تبارک و تعالی- نماز فریضه را با نماز نافله کامل کرده است.

ر.ک: ص 583 (کسانی که بخشی از نمازشان قبول می شود) و ج 1/ح 20.

ص: 759

1073. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ، وَيَصُومُ مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ. (1)

1074. عنه عليه السلام: سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ رَكْعَةً مِثْلِي الْفَرِيضَةَ، فَأَجَارَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ، وَالْفَرِيضَةَ وَالنَّافِلَةَ إِحْدَى وَخَمْسُونَ رَكْعَةً. (2)

1075. الكافي عن حنان: سَأَلَ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا جَالِسٌ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي ثَمَانِي رَكَعَاتِ الزَّوَالِ وَأَرْبَعًا الْأُولَى، وَثَمَانِي بَعْدَهَا، وَأَرْبَعًا الْعَصْرَ، وَثَلَاثًا الْمَغْرِبَ وَأَرْبَعًا بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَرْبَعًا، وَثَمَانِي صَلَاةَ اللَّيْلِ، وَثَلَاثًا الْوُتْرَ، وَرَكَعَتِي الْفَجْرِ، وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ رَكَعَتَيْنِ.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، وَإِنْ كُنْتُ أَقْوَى عَلَى أَكْثَرٍ مِنْ هَذَا يُعَذِّبُنِي اللَّهُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلَاةِ؟

فَقَالَ: لَا، وَلَكِنْ يُعَذِّبُ عَلَى تَرْكِ السُّنَّةِ. (3)

1076. تهذيب الأحكام عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ 9.

ص: 760

1- الكافي: ج 3 ص 443 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 3، عوالي اللآلي: ج 3 ص 65 ح 7، منتقى الجمان: ج 1 ص 384 كلُّها عن الفضل بن يسار والفضل بن عبد الملك وبكير، وسائل الشيعة: ج 3 ص 32 ح 4474.

2- الكافي: ج 1 ص 266 ح 4، منتقى الجمان: ج 1 ص 384 كلاهما عن الفضيل بن يسار، بحار الأنوار: ج 17 ص 5 ح 3.

3- الكافي: ج 3 ص 443 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 4، عوالي اللآلي: ج 3 ص 68 ح 16، بحار الأنوار: ج 82 ص 339.

1073. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نمازهای واجب، نماز نافله می خواند و دو برابر روزه واجب، روزه مستحبی می گرفت.

1074. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نافله ها را بر سی و چهار رکعت، دو برابر نمازهای فریضه، بنیان نهاد و خداوند نیز آن را تأیید کرد و مجموع فریضه و نافله، پنجاه و یک رکعت شد.

1075. الکافی - به نقل از حنّان - : من نشسته بودم که عمرو بن حرث از امام صادق علیه السلام پرسید:

فدایت شوم! مرا از نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آگاه کن.

فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هشت رکعت نافله های ظهر و چهار رکعت فریضه اول ظهر و هشت رکعت نافله بعد از آن و چهار رکعت فریضه عصر و سه رکعت نماز مغرب و چهار رکعت نافله بعد از مغرب و چهار رکعت نماز عشا و هشت رکعت نافله شب و سه رکعت وتر و دو رکعت نافله صبح و دو رکعت نماز صبح می خواند».

گفتم: فدایت گردم! اگر من توان داشته باشم که بیش از اینها بخوانم، و بخوانم، خداوند به خاطر زیاد نماز خواندن عذابم می کند؟

فرمود: «نه؛ ولی خداوند بر ترك سنت، عذاب می کند».

1076. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن ابی عمیر، از حمّاد بن عثمان - : از امام صادق علیه السلام در باره نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز پرسیدم.

ص: 761

عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّهَارِ، فَقَالَ: وَمَنْ يُطِيقُ ذَلِكَ؟ ثُمَّ قَالَ: وَلَكِنْ أَلَا أَخْبِرُكَ كَيْفَ أَصْنَعُ أَنَا؟ فَقُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: ثَمَانِي رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَثَمَانٍ بَعْدَهَا. قُلْتُ: فَالْمَغْرِبُ؟ قَالَ: أَرْبَعٌ بَعْدَهَا.

قُلْتُ: فَالْعَتَمَةُ؟ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي الْعَتَمَةَ ثُمَّ يَنَامُ - وَقَالَ بِيَدِهِ هَكَذَا فَحَرَّكَهَا - قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: ثُمَّ وَصَفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا ذَكَرَ أَصْحَابُنَا. (1)

1077. الكافي عن الحارث بن المغيرة التصري: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَلَاةُ النَّهَارِ سِتُّ عَشْرَةَ رَكَعَةً؛ ثَمَانٌ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ، وَثَمَانٌ بَعْدَ الظُّهْرِ، وَأَرْبَعٌ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، يَا حَارِثُ! لَا تَدْعُهُنَّ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضْرٍ، وَرَكَعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، كَانَ أَبِي يُصَلِّيهِمَا وَهُوَ قَاعِدٌ، وَأَنَا أَصَلِّيهِمَا وَأَنَا قَائِمٌ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكَعَةً مِنَ اللَّيْلِ. (2)

1078. الإمام الصادق عليه السلام: صَلَاةُ النَّافِلَةِ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَسِتُّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الظُّهْرِ، وَرَكَعَتَانِ قَبْلَ الْعَصْرِ، وَأَرْبَعٌ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكَعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، تَقْرَأُ فِيهِمَا مِدَّةَ آيَةٍ قَائِمًا أَوْ قَاعِدًا وَالْقِيَامُ أَفْضَلُ، وَلَا تَعُدُّهُمَا مِنَ الْخَمْسِينَ، وَثَمَانُ رَكَعَاتٍ مِنَ آخِرِ اللَّيْلِ، تَقْرَأُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ: ب «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ، وَتَقْرَأُ فِي سَائِرِهَا مَا أَحَبَبْتَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ الْوَتْرُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِيهَا جَمِيعًا: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَتَقْضِلُ بَيْنَهُنَّ بِسَلِيمٍ، ثُمَّ الرَّكَعَتَانِ اللَّتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى مِنْهُمَا: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» وَفِي الثَّانِيَةِ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». (3) 6.

ص: 762

- 1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 5 ح 7، منتقى الجمال: ج 1 ص 379، وسائل الشيعة: ج 3 ص 35 ح 4485.
- 2- الكافي: ج 3 ص 446 ح 15، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 5، عوالي اللآلي: ج 3 ص 66 ح 10، منتقى الجمال: ج 1 ص 378، وسائل الشيعة: ج 3 ص 33 ح 4479 وراجع مسند ابن حنبل: ج 1 ص 694 ح 2987.
- 3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 5 ح 8، عوالي اللآلي: ج 3 ص 66 كلاهما عن سليمان بن خالد، وسائل الشيعة: ج 3 ص 36 ح 4486.

فرمود: «چه کسی طاقت آن را دارد؟» و سپس فرمود: «اما تو را از کار خود آگاه نکنم؟».

گفتم: چرا فرمود: «هشت رکعت پیش از [نماز] ظهر و هشت رکعت پس از آن».

گفتم: مغرب چه؟ فرمود: «چهار رکعت پس از آن».

گفتم: عشا چه؟ فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز عشا را می خواند و سپس می خوابید» و با دستش اشاره کرد و آن را حرکت داد.

ابن ابی عمیر گفت: سپس امام علیه السلام بقیه نمازها را بیان کرد، همان گونه که اصحاب ما روایت کرده اند.

1077. الکافی - به نقل از حارث بن مغیره نصری - شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید: «نماز روز، شانزده رکعت است: هشت رکعت هنگام زوال خورشید و هشت رکعت پس از [نماز] ظهر، و چهار رکعت هم پس از مغرب است. ای حارث! این چهار رکعت را در سفر و حضر و مگذار و دو رکعت بعد از عشا که پدرم آن را نشسته می خواند و من ایستاده می خوانم، (1) و پیامبر خدا سیزده رکعت نماز شب می خواند (2)».

1078. امام صادق علیه السلام: نماز نافله، هشت رکعت هنگام زوال خورشید و قبل از ظهر است و شش رکعت بعد از ظهر و دو رکعت قبل از عصر است و چهار رکعت پس از مغرب و دو رکعت پس از عشا که صد آیه در آن دو رکعت می خوانی، ایستاده یا نشسته و ایستاده بهتر است و آن را جزو پنجاه رکعت [مجموع نافله و فریضه های هر شبانه روز] به شمار نیاور، و هشت رکعت در آخر شب که «توحید» و «کافرون» را در دو رکعت اول آن می خوانی و در رکعات دیگر، هر چه را از قرآن دوست داشتی، و سپس نماز وتر را - که سه رکعت است - و در هر سه رکعت سوره «توحید» را می خوانی و میان دو رکعت اول و رکعت سوم با يك سلام، فاصله می دهی. سپس دو رکعت را قبل از سپیده دم می گزاری و در رکعت اولش سوره «کافرون» و در رکعت دوم، «توحید» می خوانی. ت.

ص: 763

1- رفتار متفاوت دو امام گویای آن است که ایستاده و نشسته خواندن آن نماز، هر دو مشروع است.

2- منظور، یازده رکعت نوافل شبانه و دو رکعت نافله صبح است.

1079. الكافي عن الفضل بن أبي قرة رفعه عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سئل عن الخمسين والواحد ركعة؟ فقال: إن ساعات النهار اثنتا عشرة ساعة، وساعات الليل اثنتا عشرة ساعة، ومن طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ساعة، ومن غروب الشمس إلى غروب الشفق غسق (1)، ولكل ساعة ركعتان وللغسق ركعة. (2)

1080. علل الشرائع عن أبي هاشم: قلت لأبي الحسن الماضي عليه السلام: لِمَ جُعِلَتِ الصَّلَاةُ الْفَرِيضَةُ وَالسُّنَّةُ خَمْسِينَ رَكْعَةً لَا يَزَادُ فِيهَا وَلَا يُنْقَصُ مِنْهَا؟

قال: لأنَّ ساعات الليل اثنتا عشرة ساعة، فجعل لكل ساعة ركعتين، وما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ساعة، وساعات النهار اثنتا عشرة ساعة فجعل الله لكل ساعة ركعتين، وما بين غروب الشمس إلى سقوط الشفق غسق فجعل للغسق ركعة. (3)

1081. الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قلت لأبي الحسن عليه السلام: إن أصحابنا يختلفون في صلاة التطوع: بعضهم يصلي أربعاً وأربعين، وبعضهم يصلي خمسين، فأخبرني بالذي تعمل به أنت كيف هو حتى أعمل بمثله؟

فقال: أصلي واحدة وخمسين. ثم قال: أمسك - وعقد يديه - الزوال ثمانية، وأربعاً بعد الظهر، وأربعاً قبل العصر، وركعتين بعد المغرب، وركعتين قبل عشاء الآخرة، وركعتين بعد العشاء من قعود تعدان بركعة من قيام، وثمانية صلاة الليل، والوتر ثلاثاً، وركعتي الفجر، والفرائض سبع عشرة، فذلك إحدى وخمسون. (4) 7.

ص: 764

1- الغسق: أول ظلمة الليل (مجمع البحرين: ج 2 ص 1319 «غسق»).

2- الكافي: ج 3 ص 487 ح 5، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 201 ذيل ح 604 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه.

3- علل الشرائع: ص 327 ح 1، الخصال: ص 488 ح 66، بحار الأنوار: ج 59 ص 1 ح 2.

4- الكافي: ج 3 ص 444 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 8 ح 14، عوالي اللآلي: ج 3 ص 66 ح 12، وسائل الشيعة: ج 3 ص 33 ح 4477.

1079. الكافی - به نقل از فضل بن ابی قُرّه که حدیث را به امام صادق علیه السلام می‌رساند - از امام علیه السلام در باره پنجاه و یک رکعت سؤال شد؟

فرمود: «ساعت های روز، دوازده ساعت و ساعت های شب، دوازده ساعت، و از سپیده دم تا طلوع آفتاب، یک ساعت و از غروب خورشید تا ناپدید شدن سرخی غروب، غَسَق (آغاز سیاهی شب) است و برای هر ساعت، دو رکعت و برای غَسَق هم یک رکعت است.»

1080. علل الشرائع - به نقل از ابو هاشم - به امام کاظم علیه السلام گفتم: چرا نماز واجب و مستحب، پنجاه رکعت است و کم و زیاد نمی‌شود؟

امام علیه السلام فرمود: ساعت های شب، دوازده ساعت و میان سپیده دم تا طلوع خورشید، یک ساعت و ساعت های روز دوازده ساعت است، پس خداوند برای هر ساعت، دو رکعت قرار داد و میان غروب خورشید تا ناپیدا شدن قرص آن، غَسَق (آغاز سیاهی شب) است و یک رکعت هم برای غَسَق قرار داد.

1081. الكافی - به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر - به امام رضا علیه السلام گفتم: یاران ما در باره نماز نافله اختلاف دارند. برخی از آنها چهل و چهار رکعت و برخی پنجاه رکعت می‌خوانند. به من بگوئید که خود چه می‌کنید تا من هم مانند آن عمل کنم.

فرمود: «من پنجاه و یک رکعت نماز می‌خوانم» و سپس فرمود: «شماره را نگاه دار» و با دستش شمرد: «ظهر، هشت رکعت و چهار رکعت پس از ظهر و چهار رکعت پیش از عصر و دو رکعت پس از مغرب و دو رکعت پیش از عشا و دو رکعت پس از عشا به حالت نشسته که برابر یک رکعت ایستاده به شمار می‌آید و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت هنگام سپیده دم و هفده رکعت هم نمازهای فریضه که در مجموع، پنجاه و یک رکعت می‌شود.»

1082. الإمام الصادق عليه السلام: شيعتنا أهل الورع والاجتهاد، وأهل الوفاء والأمانة، وأهل الزهد والعبادة، أصحاب إحدى وخمسين ركعة في اليوم والليلة، الفائمون بالليل. (1)

1083. عنه عليه السلام: الفريضة والتافلة إحدى وخمسون ركعة، منها ركعتان بعد العتمة جالسا تعدان بركعة وهو قائم، الفريضة منها سبع عشرة ركعة، والتافلة أربع وثلاثون ركعة. (2)

1084. الكافي عن محمد بن أبي عمير: سألت أبا عبد الله عليه السلام، عن أفضل ما جرت به السنة من الصلاة؟ فقال: تمام الخمسين. (3)

1085. الكافي عن إسماعيل بن سعد الأحمص: قلت لرضا عليه السلام: كم الصلاة من ركعة؟ فقال:

إحدى وخمسون ركعة. (4)

1086. الإمام العسكري عليه السلام: علامات المؤمن خمس: صلاة الإحدى والخمسين، وزيارة الأربعين، والتختم في اليمين، وتعفير الجبين، والجهز بيسم الله الرحمن الرحيم. (5)

4/14 ما يؤكد استحبابه من التوافل

1087. رسول الله صلى الله عليه وآله -في الركعتين قبل صلاة الفجر-: هما أحب إلي من الدنيا.7.

ص: 766

-
- 1- صفات الشيعة: ص 81 ح 1 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 68 ص 167 ح 23.
 - 2- الكافي: ج 3 ص 443 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 2، عوالي اللآلي: ج 3 ص 65 ح 9، منتقى الجمان: ج 1 ص 384 كلها عن الفضيل بن يسار، بحار الأنوار: ج 17 ص 5 ح 3.
 - 3- الكافي: ج 3 ص 443 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 5 ح 6، وسائل الشيعة: ج 3 ص 32 ح 4475.
 - 4- الكافي: ج 3 ص 446 ح 16، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 3 ح 1، عوالي اللآلي: ج 3 ص 65 ح 8، وسائل الشيعة: ج 3 ص 34 ح 4481 وراجع الأمالي للصدوق: ص 740.
 - 5- المزار للمفيد: ص 53 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 52 ح 122 وفيه «صلاة الخمسين» بدل «صلاة الإحدى والخمسين»، مصباح المتهجد: ص 788، المزار الكبير: ص 352 ح 1 عن أبي هاشم الجعفري، الإقبال: ج 3 ص 100، بحار الأنوار: ج 85 ص 75 ح 7.

1082. امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، اهل پارسایی و تلاش فراوان، اهل وفاداری و امانتداری، اهل زهد و عبادت، اهل پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز و شب زنده دارند.

1083. امام صادق علیه السلام: فریضه و نافله در مجموع، پنجاه و یک رکعت است. دو رکعت پس از نماز عشا- که نشسته خوانده می شود-، برابر یک رکعت ایستاده حساب می شود، هفده رکعت از این پنجاه و یک رکعت، نمازهای فریضه و سی و چهار رکعت نافله اند.

1084. الکافی - به نقل از محمد بن ابی عمیر-: از امام صادق علیه السلام، بهترین شیوه و سنت در نماز را پرسیدم. فرمود: «خواندن کامل پنجاه رکعت».

1085. الکافی - به نقل از اسماعیل بن سعد احوص-: به امام رضا علیه السلام گفتم: چند رکعت نماز [در شبانه روز] داریم؟ فرمود: «پنجاه و یک رکعت».

1086. امام عسکری علیه السلام: نشانه های مؤمن، پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز [در هر شبانه روز]، زیارت [امام حسین علیه السلام] در اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن، و آشکارا «بسم الله الرحمن الرحيم» گفتن.

14/4 نافله هایی که مستحب مؤگدند

1087. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در باره دو رکعت نافله صبح-: آن دو رکعت برایم از همه دنیا محبوب تر است.

1088. عنه صلى الله عليه وآله: اوصيك بركعتي الفجر لا تدعهما وإن صليت الليل كله، فإن فيهما الرغائب، قالها ثلاثاً. (3)

1089. عنه صلى الله عليه وآله: لا تدعوا ركعتي الفجر وإن طردتكم الخيل. (4)

1090. عنه صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل زادكم صلاة إلى صلاتكم، هي خير لكم من حمر النعم (5)؛ ألا وهي الركعتان قبل صلاة الفجر. (6)

1091. صحيح مسلم عن عائشة: إن النبي صلى الله عليه وآله لم يكن على شيء من التوافل أشدّ معاهدة منه على ركعتين (7) قبل الصبح. (8) 5.

ص: 768

-
- 1- في المصادر الأخرى: «وما فيها» بدل «جميعاً».
 - 2- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 307 ح 24296، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 211 ح 2458، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 416 ح 4830، تاريخ بغداد: ج 11 ص 273 الرقم 6041 كلها عن عائشة، كنز العمال: ج 7 ص 374 ح 19346 وراجع علل الشرائع: ص 363 ح 6.
 - 3- مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 50 عن أبي هريرة، النهاية: ج 2 ص 238، المعجم الكبير: ج 12 ص 311 ح 13502 كلاهما عن ابن عمر نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 858 ح 43412؛ الخصال: ص 616 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 106 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 94 ح 1.
 - 4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 372 ح 9264، سنن أبي داود: ج 2 ص 20 ح 1258، السنن الكبرى: ج 2 ص 662 ذيل ح 4473، تفسير ابن كثير: ج 7 ص 416، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 144 ح 2 وفيه «طرتك» بدل «طردتكم» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 373 ح 19342.
 - 5- حمر النعم: الإبل الحمر، وهي أنفس أموال النعم وأقواها وأجلدها، فجعلت كناية عن خير الدنيا كله (مجمع البحرين: ج 1 ص 453 «حمر»).
 - 6- السنن الكبرى: ج 2 ص 659 ح 4463، سير أعلام النبلاء: ج 14 ص 403، تاريخ الإسلام للذهبي: ج 23 ص 420، تاريخ دمشق: ج 45 ص 318 ح 9896، نصب الراية: ج 2 ص 112 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 7 ص 373 ح 19341.
 - 7- في المصادر الأخرى: «الركعتين» بدل «ركعتين».
 - 8- صحيح مسلم: ج 1 ص 501 ح 94، سنن أبي داود: ج 2 ص 19 ح 1254، السنن الكبرى للنسائي: ج 1 ص 175 ح 456، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 314 ح 24325، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 209 ح 2456، كنز العمال: ج 8 ص 90 ح 22035.

1088. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نافله صبح را وا مگذار، که [برآورده شدن] آرزوها و خواسته ها در آن دو رکعت است. حضرت آن را سه بار فرمود.

1089. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو رکعت نافله صبح را وا مگذارید، حتی اگر یگه سوارانی در تعقیبتان باشند.

1090. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نمازی به نمازهایتان افزود که برایتان از شتران سرخ مو (1) ارزنده تر است -هان- و آن، همان دو رکعت نافله پیش از نماز صبح است.

1091. صحیح مسلم -به نقل از عایشه-: پیامبر صلی الله علیه و آله به هیچ يك از نافله ها بیشتر از دو رکعت نافله صبح پایبند نبود. ت.

ص: 769

1- . شتران سرخ مو، از نفیس ترین دارایی های عرب بود و در این جا کنایه از دنیا و ارزش های آن است.

1092. تاريخ بغداد عن عائشة: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يدع ركعتي الفجر في السفر ولا في الحضر، ولا في الصحّة ولا في الشّقْم. (1)

1093. رسول الله صلى الله عليه وآله -في وصيّة عليّ عليه السلام-: عليك بصلاة (2) الزّوال، وعليك بصلاة الزّوال، وعليك بصلاة الزّوال. (3)

1094. تهذيب الأحكام عن زرارة: قلت لأبي جعفر عليه السلام: إنني رجلٌ تاجرٌ أختلف وأتجر، فكيف لي بالزّوال والمحافظة على صلاة الزّوال وكم تُصلّي؟

قال: تصلّي ثمانين ركعة إذا زالت الشمس، وركعتين بعد الظهر وركعتين قبل العصر، فهذه اثنتا عشرة ركعة، وتصلّي بعد المغرب ركعتين وبعدما ينتصف الليل ثلاث عشرة ركعة؛ منها الوتر ومنها ركعتا الفجر، فتلك سبع وعشرون ركعة سوى الفريضة، وإنما هذا كله تطوع وليس بمفروض، إن تارك الفريضة كافر وإن تارك هذا ليس بكافر ولكنها معصية، لأنه يستحب إذا عمل الرجل عملاً من الخير أن يدوم عليه. (4)

1095. تهذيب الأحكام عن أبي بصير: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن التطوع بالليل والنهار، 0.

ص: 770

- 1- تاريخ بغداد: ج 6 ص 284 الرقم 3318، كنز العمال: ج 7 ص 53 ح 17919.
- 2- المراد من صلاة الزوال هي نافلة الظهر كما صرح به في بعض الروايات، فراجع بحار الأنوار: ج 82 ص 298 ح 26 و مرآة العقول: ج 25 ص 180 ح 33.
- 3- الكافي: ج 8 ص 79 ح 33، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 176 ح 173 كلاهما عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 189 ح 5432 عن عمرو بن ثابت عن الإمام الباقر عليه السلام، الزهد للحسين بن سعيد: ص 82 ح 48 عن عثمان بن ثابت عن جعفر عن الإمام الباقر عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 82 ح 48 عن الإمام الصادق عنه صلى الله عليه وآله وفي الثلاثة الأخيرة «عليك بصلاة الزوال» مرّة واحدة، بحار الأنوار: ج 77 ص 69 ح 8.
- 4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 7 ح 13، عوالي اللآلي: ج 3 ص 67 ح 15 وفي صدره إلى «سوى الفريضة»، منتقى الجمال: ج 1 ص 380، وسائل الشيعة: ج 3 ص 42 ح 4500.

1092. تاریخ بغداد - به نقل از عایشه - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو رکعت نافله صبح را در سفر و حضر و در سلامت و بیماری و نمی نهاد.

1093. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصیت به امام علی علیه السلام - : همواره نماز نیم روز را بخوان. همواره نماز نیم روز را بخوان. همواره نماز نیم روز را بخوان. [\(1\)](#)

1094. تهذیب الأحکام - به نقل از زراره - : به امام باقر علیه السلام گفتم: من مردی تاجر و رفت و آمد و داد و ستد می کنم. چگونه در نیم روز بر نماز آن مواظبت کنم و چند رکعت نماز بخوانم؟

فرمود: «هنگامی که خورشید زوالش آغاز شد، هشت رکعت نماز می خوانی و دو رکعت پس از ظهر و دو رکعت پیش از عصر که این دوازده رکعت می شود و پس از مغرب دو رکعت و پس از نیمه شب، سیزده رکعت که نماز وتر و دو رکعت نافله صبح، جزو آن است و این بیست و هفت رکعت بجز فریضه می شود و همه اینها نماز مستحبی است، نه واجب. همانا ترك کننده فریضه کافر است و تارك این نمازها، کافر نیست؛ اما نافرمانی است؛ زیرا مستحب است هنگامی که کسی عملی از [اعمال] خیر انجام می دهد، بر آن مداومت ورزد».

1095. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو بصیر - : از امام صادق علیه السلام نماز مستحبی شب و روز را پرسیدم. فرمود: «آنچه مستحب است که از آن کمتر نمی شود، هشت رکعت هنگام».

ص: 771

1- . چنان که در برخی احادیث تصریح شده، مقصود از «نماز نیم روز»، نافله ظهر است (ر.ک: بحار الأنوار: ج 82 ص 298).

فَقَالَ: الَّذِي يُسْتَحَبُّ أَنْ لَا يُقْصَرَ عَنْهُ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَبَعْدَ الظُّهْرِ رَكَعَتَانِ، وَقَبْلَ العَصْرِ رَكَعَتَانِ، وَبَعْدَ المَغْرِبِ رَكَعَتَانِ، وَقَبْلَ العَتَمَةِ رَكَعَتَانِ، وَمِنَ السَّحْرِ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ يَوْتَرُ؛ وَالْوَتْرُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ مَفْصُولَةً، ثُمَّ رَكَعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الفَجْرِ، وَأَحَبُّ صَلَاةِ اللَّيْلِ إِلَيْهِمْ آخِرُ اللَّيْلِ. (1)

1096. الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ المَغْرِبِ، لَا تَدْعُهُنَّ فِي حَضَرٍ وَلَا سَفَرٍ. (2)

1097. الإمام الرضا عليه السلام: «أَذْبَارُ السُّجُودِ» (3) أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ المَغْرِبِ، «وَإِذْبَارُ النُّجُومِ» (4) رَكَعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ. (5)

1098. الكافي عن الحلبي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ قَبْلَ العِشَاءِ الآخِرَةِ وَبَعْدَهَا شَيْءٌ؟ قَالَ:

لَا، غَيْرَ أَنِّي أَصَلِّي بَعْدَهَا رَكَعَتَيْنِ وَلَسْتُ أَحْسِبُهُمَا مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ. (6)

1099. علل الشرائع عن أبي بصير: قَالَ [أَبُو عَبْدِ اللَّهِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلَا يَبِيْتَنَّ إِلَّا بِوَتْرٍ. قَالَ: قُلْتُ: تَعْنِي الرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ العِشَاءِ الآخِرَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُمَا بِرَكَعَةٍ؛ فَمَنْ صَلَّاهُمَا ثُمَّ حَدَّثَ بِهِ حَدَّثَ مَا تَعَلَى وَتَرٍ، فَإِنْ لَمْ يَحْدُثْ بِهِ حَدَّثَ 6.

ص: 772

- 1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 6 ح 11، عوالي اللآلي: ج 3 ص 67 ح 14، وسائل الشيعة: ج 3 ص 42 ح 4501.
- 2- الكافي: ج 3 ص 439 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 5، عوالي اللآلي: ج 3 ص 66 ح 10 كلها عن الحارث بن المغيرة، النخصال: ص 603 ح 9 عن الأعمش وفيه «لا تقصير فيها» بدل «لا تدعهن في»، دعائم الإسلام: ج 1 ص 209 عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 87 ص 87 ح 1.
- 3- ق: 40. وهو قوله تعالى: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَذْبَارَ السُّجُودِ».
- 4- الطور: 49. وهو قوله تعالى: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِذْبَارَ النُّجُومِ».
- 5- تفسير القمّي: ج 2 ص 333 و ص 327 عن أبي بصير والصحيح ما أثبتناه في المتن وليس فيه ذيله من «وَ إِذْبَارَ النُّجُومِ»، قرب الإسناد: ص 129 ح 451 عن إسماعيل بن عبد الخالق عن الإمام الصادق عليه السلام، التبيان في تفسير القرآن: ج 9 ص 375 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 87 ص 88 ح 5.
- 6- الكافي: ج 3 ص 443 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 10 ح 19، منتقى الجمال: ج 1 ص 385، وسائل الشيعة: ج 3 ص 68 ح 4596.

زوال خورشید است و پس از ظهر، دو رکعت و پیش از عصر دو رکعت و پس از مغرب دو رکعت و پیش از عشا دو رکعت و سحر، هشت رکعت و سپس نماز وتر را بخواند- که نماز وتر سه رکعت جدا از هم [دو رکعت و یک رکعت] است-، سپس دو رکعت قبل از نماز صبح، و بهترین وقت نماز شب نزد ایشان، پایان شب است».

1096. امام صادق علیه السلام: چهار رکعت پس از مغرب را در حضر و سفر و مگذار.

1097. امام رضا علیه السلام: [مقصود از] «پس از سجده ها»، چهار رکعت پس از مغرب و [مقصود از] «پشت کردن و ناپدید شدن ستارگان»، دو رکعت پیش از نماز صبح است. (1)

1098. الکافی - به نقل از حلبی - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا پیش از عشا و پس از آن، نمازی هست؟

فرمود: «نه، جز آن که من دو رکعت پس از آن می خوانم؛ ولی جزو نماز شب حسابش نمی کنم».

1099. علل الشرائع - به نقل از ابو بصیر - [امام صادق علیه السلام] فرمود: «هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، جز با [خواندن نماز] وتر نخواهد».

گفتم: مقصودتان دو رکعت پس از نماز عشا است؟

فرمود: «آری، آن دو، یک رکعت حساب می شوند. هر کس آن دو رکعت را بخواند و سپس برایش پیشامدی مرگبار رخ دهد. نماز وتر خوانده می میرد و اگر»

ص: 773

1- حدیث، به دو آیه «مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ السُّجُودِ» و «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ النُّجُومِ» اشاره دارد که خداوند در پاره ای از شب، دستور تسبیح داده است و امام علی علیه السلام یکی از مصداق های آیه نخست را اول شب و پس از مغرب و یکی از مصداق های آیه دوم را آخر شب و قبل از فجر دانسته است. (م)

المَوْتِ يُصَلِّي الوَتْرَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ. (1)

1100. تهذيب الأحكام عن يعقوب البزاز: قُلْتُ لَهُ [للإمام الصادق عليه السلام]: أَقُومُ قَبْلَ الْفَجْرِ بِقَلِيلٍ، فَأُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ أَتَخَوَّفُ أَنْ يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ، أبدأ بِالْوَتْرِ أَوْ أتمُّ الرَكَعَاتِ؟

قال: لا، بَلْ أوتر وأخِّر الرَكَعَاتِ حَتَّى تَقْضِيهَا فِي صَدْرِ النَّهَارِ. (2)

5/14 استحباب إقامة التَّوَابِلِ فِي الْبَيْتِ

1101. رسول الله صلى الله عليه وآله: صَلُّوا- أَيُّهَا النَّاسُ -فِي بُيُوتِكُمْ، وَلَا تَتْرَكُوا التَّوَابِلَ فِيهَا. (3)

1102. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةَ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ. (4)

1103. عنه صلى الله عليه وآله: فَضَّلَ صَلَاةَ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ عَلَى صَلَاتِهِ حَيْثُ يَرَاهُ النَّاسُ، كَفَضَّلَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى التَّافِلَةِ. (5)

1104. عنه صلى الله عليه وآله: صَلَاةَ الرَّجُلِ تَطَوُّعًا حَيْثُ لَا يَرَاهُ النَّاسُ، تَعْدِلُ صَلَاتَهُ عَلَى أُعْيُنِ النَّاسِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ. (6)6.

ص: 774

-
- 1- علل الشرائع: ص 331 ح 1 و ص 330 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 341 ح 1412 كلاهما عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 200 ح 604 عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 87 ص 105 ح 1.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 125 ح 244، الاستبصار: ج 1 ص 283 ح 2، بحار الأنوار: ج 87 ح 218.
 - 3- الجامع الصغير: ج 2 ص 96 ح 5015، كنز العمال: ج 7 ص 772 ح 21338.
 - 4- صحيح البخاري: ج 1 ص 256 ح 698، سنن النسائي: ج 3 ص 198، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 238 ح 2491، السنن الكبرى: ج 2 ص 696 ح 4607، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 148 ح 1 كلّها عن زيد بن ثابت، كنز العمال: ج 7 ص 772 ح 21337؛ بحار الأنوار: ج 31 ص 10.
 - 5- المعجم الكبير: ج 8 ص 46 ح 7322، الإصابة: ج 3 ص 366 الرقم 4125، الإستيعاب: ج 2 ص 287 الرقم 1232، اسد الغابة: ج 3 ص 41 الرقم 2539 كلّها عن صهيب بن النعمان، شعب الإيمان: ج 3 ص 173 ح 3259، كنز العمال: ج 7 ص 771 ح 21333.
 - 6- الجامع الصغير: ج 2 ص 106 ح 5082، كنز العمال: ج 3 ص 24 ح 5266.

پیشامد مرگباری برایش رخ نداد، نماز وتر را در آخر شب بخواند».

1100. تهذیب الأحكام: یعقوب بزّاز می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اندکی پیش از دمیدن سپیده بر می خیزم و چهار رکعت نماز [شب] می خوانم و سپس می ترسم که سپیده بدمد. آیا نماز وتر را آغاز کنم یا همان رکعات نماز شب را کامل کنم؟

امام علیه السلام فرمود: «نه! نماز وتر را بخوان و آن رکعت ها [ی باقی مانده] را به تأخیر بینداز تا در میانه روز، قضایشان را به جا آوری».

5/14 استحباب خواندن نافله در خانه

1101. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! در خانه هایتان نماز بخوانید و نافله ها را در آنها ترك نکنید.

1102. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین نماز، نماز انسان در خانه اش است جز نماز واجب.

1103. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برتری نماز انسان در خانه اش بر نماز در جایی که مردم او را می بینند، مانند برتری نماز واجب بر نافله است.

1104. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز مستحبی انسان در جایی که مردم او را نمی بینند، بیست و پنج برابر نماز وی جلوی چشم مردم می ارزد.

ص: 775

1105. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ صَلَاةَ النَّافِلَةِ فِي السَّرِّ تَفْضُلٌ عَلَى الْعَلَانِيَةِ، كَفَضْلِ الْفَرِيضَةِ عَلَى النَّافِلَةِ. (1)

1106. عنه صلى الله عليه وآله: مَا يَتَقَرَّبُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ السُّجُودِ الْخَفِيِّ. (2)

6/14 أَدَبُ التَّنْقِيلِ

1107. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنْفَلُوا، وَإِذَا أُدْبِرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ. (3)

1108. الكافي عن علي بن أسباط عن عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا اهْتَمَّ تَرَكَ النَّافِلَةَ. (4)

1109. الإمام الصادق عليه السلام -لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ-: إِذَا لَقِيتَ اللَّهَ بِالصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ، لَمْ يَسْأَلْكَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ. (5)

1110. دعائم الإسلام: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَحِبُّ الْمُصَدِّقِينَ وَلَا أَصَلِّي، وَأَحِبُّ الصَّائِمِينَ وَلَا أَصُومُ! قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يَعْنِي 9.

ص: 776

1- الأُمالي للطوسي: ص 530 ح 1162، أعلام الدين: ص 193، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 55 كلاهما نحوه وكلها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج 83 ص 369 ح 30.

2- أعلام الدين: ص 193، الأُمالي للطوسي: ص 530 ح 1162 وليس فيه «الخفي»، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 55 كلها عن أبي ذر، وسائل الشيعة: ج 3 ص 556 ح 6590.

3- الكافي: ج 3 ص 454 ح 16 عن أحدهما عليهما السلام، نهج البلاغة: الحكمة 312، مشكاة الأنوار: ص 447 ح 1497، روضة الواعظين: ص 454 كلها عن الإمام علي عليه السلام نحوه، أعلام الدين: ص 99 عن الإمام العسكري عليه السلام، بحار الأنوار: ج 87 ص 30 ح 12.

4- الكافي: ج 3 ص 454 ح 15، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 11 ح 24، بحار الأنوار: ج 48 ص 114 ح 24.

5- الكافي: ج 3 ص 487 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 205 ح 615، الأُمالي للطوسي: ص 228 ح 401، كشف الغمّة: ج 2 ص 404 كلها عن عائد الأحمسي، بحار الأنوار: ج 82 ص 288 ح 9.

1105. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برتری نماز نافله در نهران بر نماز آشکار، مانند برتری نماز واجب بر نافله است.

1106. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده به چیزی برتر از سجده پنهان، به خدا نزدیکی نجسته است.

14/6 آداب نافله خواندن

1107. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل ها اقبال و ادبار دارند. هنگامی که اقبال دارند، به نافله پردازید و هنگامی که ادبار دارند، فقط به فریضه پردازید.

1108. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از چند تن از اصحاب ما - امام کاظم علیه السلام هنگامی که اندوهگین می شد، نافله را ترک می کرد.

1109. امام صادق علیه السلام - به برخی از یارانش - اگر به هنگام دیدار خدا، نمازهای پنجگانه واجبیت را ادا کرده باشی، خدا نماز دیگری را از شما جويا نمی شود.

1110. دعائم الإسلام - به نقل از امام باقر علیه السلام - عربی بادیه نشین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من نمازگزاران را دوست دارم؛ ولی نماز نمی خوانم، و روزه داران را

ص: 777

لا اصَلِّي ولا أصومُ النَّطْوَعُ لَيْسَ الْفَرِيضَةُ-.

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَّيْتَ. (1)

1111. الإمام الباقر عليه السلام: لا يسألُ اللهُ عبداً عن صلاةٍ بعدَ الخمسِ، ولا عن صومٍ بعدَ رمضانَ. (2) ي.

ص: 778

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 72.

2- تهذيب الأحكام: ج 4 ص 154 ح 11 عن معمر بن يحيى، بحار الأنوار: ج 82 ص 294 ح 25 نقلاً عن أمالي الطوسي.

دوست دارم؛ ولی روزه نمی گیرم! منظور او، نخواندن و نگرفتن نماز و روزه مستحبی و نه فریضه بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «تو با کسی که دوست داری، [محشور] خواهی بود».

1111. امام باقر علیه السلام: خداوند، پس از ادای پنج نماز فریضه و روزه رمضان، نماز و روزه دیگری را از بنده اش جویا نمی شود.

ص: 779

1112. جمال الأسبوع عن هشام عن الإمام الرضا عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ جَعْفَرٍ، فَقَالَ:

أَيْنَ أَنْتَ عَنْ صَلَاةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَعَسَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ جَعْفَرٍ قَطُّ، وَلَعَلَّ جَعْفَرًا لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَطُّ. فَقُلْتُ: عَلَّمْنِيهَا، قَالَ:

تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرَكَعُ فَتَقْرَأُهَا خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، وَخَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً إِذَا اسْتَوَيْتَ قَائِمًا، وَخَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً إِذَا سَجَدْتَ، وَخَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ، وَخَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً فِي السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ، وَخَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً قَبْلَ أَنْ تَنْهَضَ إِلَى الرَّكَعَةِ الْأُخْرَى.

ثُمَّ تَقُومُ إِلَى الثَّانِيَةِ فَتَفْعَلُ كَمَا فَعَلْتَ فِي الرَّكَعَةِ الْأُولَى، ثُمَّ تَنْصَرِفُ وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى ذَنْبٌ إِلَّا وَقَدْ غَفَرَ لَكَ، وَتُعْطَى جَمِيعَ مَا سَأَلْتَ.

وَالدُّعَاءُ بَعْدَهَا:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ،

1112. جمال الأسبوع - به نقل از هشام - از ایشان (امام رضا علیه السلام) در باره نماز جعفر [طیار] پرسیدم. فرمود: «چرا از نماز پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌پرسی؟ شاید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه نماز جعفر و جعفر نیز نماز پیامبر صلی الله علیه و آله را نخوانده باشد».

گفتم: آن را به من بیاموز.

فرمود: «دو رکعت نماز می‌خوانی و در هر رکعت، سوره حمد و پانزده مرتبه سوره قدر را می‌خوانی. سپس رکوع می‌کنی و آن را پانزده بار می‌خوانی و پانزده بار نیز هنگامی که از رکوع بر می‌خیزی و می‌ایستی. پانزده بار در سجده و پانزده بار نیز هنگامی که سرت را از سجده بر می‌داری و پانزده بار در سجده دوم و پانزده بار پیش از برخاستن برای رکعت دیگر».

آن‌گاه برای رکعت دوم بر می‌خیزی و همان‌گونه می‌کنی که در رکعت اول کردی و سپس از نماز فارغ می‌شوی، در حالی که هیچ‌گناهی میان تو و خدای متعال نیست، مگر آن که آن را برایت آمرزیده است و همه خواسته‌هایت داده شده است.

دعای پس از آن، چنین است: "معبودی نیست جز خدایی که پروردگار ما و

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ أَنْتَ نَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ قَيَّامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَإِنْجَارُكَ الْحَقُّ وَالْجَنَّةُ الْحَقُّ وَالنَّارُ الْحَقُّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (1)

2/15 صلاة أمير المؤمنين (ع)

1113. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ صَلَاةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَقُضِيَتْ حَوَائِجُهُ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ «الْحَمْدَ» مَرَّةً، وَخَمْسِينَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَهُوَ تَسْبِيحُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ 1.

ص: 782

1- .جمال الأسبوع: ص 162، مصباح المتهجد: ص 290، البلد الأمين: ص 149، المصباح للكفعمي: ص 538، الدعوات: ص 87 وليس فيه ذيله من «والدعاء» وكلها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 169 ح 1.

پروردگار نیاکان ماست، معبودی نیست جز خدایی که معبود است و یگانه، و ما تسلیم اویم. معبودی نیست جز خدا. تنها او را بندگی می کنیم و دین را یکسره از او می دانیم، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. معبودی نیست جز خدا که یگانه است، یگانه است، یگانه. وعده اش را تحقق بخشید، بنده اش را یاری داد، سپاهش را نیرومند ساخت و یک تنه، گروه ها [ی مشرک] را در هم شکست. پس او راست پادشاهی و او راست ستایش، و او بر هر چیزی تواناست.

بار خدایا! تو نور آسمان ها و زمین و همه آسمانیان و زمینانی. پس تو راست ستایش. تو برپا دارنده آسمان ها و زمین و همه آسمانیان و زمینانی. پس تو راست ستایش. تو حق هستی و وعده ات حق و سخت نیز حق است و وفا به وعده ات هم حق است و بهشت و دوزخ نیز حق است. خدایا! برای تو اسلام آوردم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و به پشت گرمی تو دادخواهی نمودم و دعوا نزد تو آوردم، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! آنچه را پیش فرستاده و آنچه خواهم فرستاد، و آنچه را پنهان داشته و آنچه را آشکار کرده ام، بر من بیامرزد و تویی معبود من معبودی جز تو نیست. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرزد و به من رحم آور و توبه ام را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی".

2/15 نماز امیر مؤمنان (ع)

1113. امام صادق علیه السلام: هر يك از شما که چهار رکعت نماز امیر مؤمنان علیه السلام را بخواند، از گناهانش بیرون می رود، مانند روزی که مادرش او را زاده است، و حاجت هایش برآورده می شود. در هر رکعت، حمد را يك مرتبه و سوره توحید را پنجاه مرتبه می خواند و چون از آن فارغ شد، این دعا را می خواند که تسبیح علی علیه السلام است: «پاکا خدایی که نشانه هایش نابود نمی شوند! پاکا خدایی که گنجینه هایش کاستی نمی گیرند! پاکا خدایی که سر بلندی اش از میان نمی رود! پاکا خدایی که آنچه نزد اوست، پایان نمی پذیرد! پاکا خدایی که عمرش به سر نمی آید! پاکا خدایی که هیچ

مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ».... (1)

3/15 صَلَاةُ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)

1114. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَقَرَأَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِخَمْسِينَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، كَانَتْ صَلَاةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَهِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ (2). (3)

1115. عنه عليه السلام: كَانَتْ لِأُمِّي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَكَعَتَانِ تُصَلِّيهِمَا، عَلَّمَهَا جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِذَا سَلَّمْتَ سَبَّحْتَ التَّسْبِيحَ، وَهُوَ:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَيْفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ (4) الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالتُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ التَّمَلُّ فِي الصَّفَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ (5). (6)

1116. مصباح المتهجد: صَلَاةُ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: هُمَا رَكَعَتَانِ، تَقْرَأُ فِي الْأُولَى «الْحَمْدُ» وَمِئَةً مَرَّةً «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، وَفِي الثَّانِيَةِ «الْحَمْدُ» وَمِئَةً مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ».

ص: 784

- 1- .مصباح المتهجد: ص 292، جمال الأسبوع: ص 163، البلد الأمين: ص 149، المصباح للكفعمي: ص 539 وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 172 ح 5.
- 2- .الأوابين: جمع أواب؛ وهو الكثير الرجوع إلى الله تعالى بالتوبة (النهاية: ج 1 ص 79 «أوب»).
- 3- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 564 ح 1557، تفسير العياشي: ج 2 ص 286 ح 44، مجمع البيان: ج 6 ص 632 نحوه وكلها عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج 91 ص 171 ح 4 وراجع الكافي: ج 3 ص 468 ح 1.
- 4- .الباذخ: العالي (النهاية: ج 1 ص 110 «بذخ»).
- 5- .جمال الأسبوع: ص 171 عن المفضل بن عمر، مصباح المتهجد: ص 671 نحوه وراجع كامل الزيارات: ص 384 ح 631.
- 6- .زاد في المصدر: وقد روي أنه يقول تسيبها المنقول بعقب كل فريضة، ثم صلى على النبي وآله مئة مرة.

کس را در کار خود، انباز نمی سازد! پاکی خدایی که جز او معبودی نیست!»،

3/15 نماز فاطمه (علیها السلام)

1114. امام صادق علیه السلام: هر کس چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت، پنجاه مرتبه سوره توحید را بخواند، نماز فاطمه علیها السلام را خوانده که همان نماز اوابان (بسیار بازگشت کنندگان به خدا) است.

1115. امام صادق علیه السلام: مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل علیه السلام آن را به او یاد داده بود و چون سلام می داد، تسبیح را این گونه می گفت: «پاکی خداوندگار شُکوه و بلندمرتبه و باعظمت! پاکی خداوندگار عزّت و والا مقام و بارفعت! پاکی پادشاه سرفراز دیرین! پاکی خداوندگار بهجت و زیبایی! پاکی آن که ردای روشنایی و وقار پوشیده است! پاکی آن که رد پای موران بر تخته سنگ و جایگاه فرود آمدن پرندگان هوا را می بیند! پاکی آن که این گونه است و جز او این گونه نیست!».

1116. مصباح المتهجد: نماز فاطمه طاهره علیها السلام دو رکعت است که در رکعت اول، حمد و صد مرتبه سوره قدر را می خوانی و در رکعت دوم، حمد و صد مرتبه سوره توحید را می خوانی و چون سلام دادی، تسبیح زهرا علیها السلام را می گویی و سپس می گویی: «پاکی

أَحَدٌ»، فَإِذَا سَلَّمْتَ سَبَّحْتَ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامَ، ثُمَّ تَقُولُ:

«سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُئِنِّفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا (و) لَا هَكَذَا غَيْرُهُ».

وَيَنْبَغِي لِمَنْ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَفَرَّغَ مِنَ التَّسْبِيحِ، أَنْ يَكْشِفَ رُكْبَتَيْهِ وَذِرَاعَيْهِ وَيُثَابِرَ بِجَمِيعِ مَسَاجِدِهِ الْأَرْضِ بِغَيْرِ حَاجِزٍ يَحْجُزُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا، وَيَدْعُو وَيَسْأَلُ حَاجَتَهُ وَمَا شَاءَ مِنَ الدُّعَاءِ، وَيَقُولُ وَهُوَ سَاجِدٌ:

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبُّ يَدْعِي، يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى، يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلَكٌ يَتَّقَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتِي، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى، يَا مَنْ لَا يَزِيدُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا، وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَصَدْفًا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. (1)

1117. الإمام الصادق عليه السلام: لِلأَمْرِ الْمَخُوفِ الْعَظِيمِ، تُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَهِيَ الَّتِي كَانَتْ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تُصَلِّي عَلَيْهَا، تَقْرَأُ فِي الْأُولَى «الْحَمْدَ» وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خَمْسِينَ مَرَّةً، وَفِي الثَّانِيَةِ مِثْلَ ذَلِكَ، فَإِذَا سَلَّمْتَ صَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (2)، ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ وَتَقُولُ:.

ص: 786

1- .مصباح المتهجّد: ص 301، البلد الأمين: ص 149، المصباح للكفعمي: ص 539، إقبال الأعمال: ج 2 ص 44 كلّها نحوه، وليس فيهما ذيله من «وينبغي»، بحار الأنوار: ج 91 ص 180 ح 7.

2- .أورد هذه الرواية في جمال الأسبوع عن إبراهيم بن عمر الصنعاني عن أبي عبد الله عليه السلام إلى قوله: فإذا سلّمت صلّيت على النبيّ صلى الله عليه وآله مئة مرة؛ (ولم يذكر بقية الرواية). ثمّ قال: صلاة أخرى لها صلوات الله عليها: حدّث عليّ بن محمّد العلوي الرازي... عن المفضّل بن عمر عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: كان لأُمِّي فاطمة عليها السلام صلاة تصليها علّمها جبرئيل عليه السلام ركعتان، تقرأ في الأولى «الحمد» مرّة و«إنا أنزلناه في ليلة القدر» مئة مرّة، وفي الثانية «الحمد» مرّة، ومئة مرّة «قل هو الله»، فإذا سلّمت سبّحت تسبيح الطاهرة عليها السلام وهو التسبيح الذي تقدّم، وتكشف عن ركبتيك وذراعيك على المصلّي وتدعو بهذا الدعاء وتسال حاجتك، تُعْطَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ. الدعاء: ترفع يديك بعد الصلاة على النبيّ صلى الله عليه وآله وتقول: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنَوِّجُكَ إِلَيْكَ بِهِمْ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَ سِوَاكَ...» إلى آخر الدعاء (جمال الأسبوع: ص 173 و 174).

خداوندگارِ شَکوه و بلندمرتبه و باعظمت! پاکا خداوندگارِ عزّت و والا مقام و بازفعت! پاکا پادشاه سرفراز دیرین! پاکا خداوندگار بهجت و زیبایی! پاکا آن که ردای روشنایی و وقار پوشیده است! پاکا آن که ردّ پای موران بر تخته سنگ و جایگاه فرود آمدن پرندگان هوا را می بیند! پاکا آن که این گونه است و جز او این گونه نیست!».

و رواست کسی که این نماز را خواند و از تسبیح آن فارغ شد، لباس از زانوان و ساعدان خود کنار زند و همه هفت عضو را بدون حائل و حاجبی بر زمین نهد و دعا کند و درخواستش را بطلبد و هر دعایی خواست، بکند و در حال سجده بگوید:

«ای که با او پروردگاری نیست که او را بخواند! ای که فراتر از او آفریدگاری نیست که از او بترسند! ای که فروتر از او معبودی نیست که از او پروا کنند! ای که وزیری ندارد تا به سراغش بروند! ای که واسطه ای ندارد تا رشوه اش دهند! ای که دربانی ندارد که صدایش کنند! ای که عطای بسیار، جز بر کرم و جودش نمی افزاید و بر گناهان پیوسته، جز آمرزش و گذشتش، افزون نمی گردد! بر محمّد و خاندانش درود فرست و برای من، چنین و چنان کن».

1117. امام صادق علیه السلام: برای کار بزرگ و ترسناک، دو رکعت نمازی را می خوانی که زهرا علیها السلام می خواند. در رکعت اوّل، حمد و پنجاه بار سوره توحید، و در رکعت دوم، مانند آن را می خوانی و چون سلام دادی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می فرستی و سپس دستانت را بالا می ببری و می گویی: خدایا! با [یاری] ایشان به توری می آورم، و با حقّ بزرگ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِحَقِّهِمُ الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ، وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَاتِ الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلذَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ، وَبِأَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ، وَأَعْظَمِهَا لَدَيْكَ، وَأَسْرَعِهَا إِجَابَةً، وَأَنْجَحِهَا طَلِبَةً، وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَأَرْغُبُ إِلَيْكَ، وَأَتَصَدَّقُ مِنْكَ، وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَسْتَمْنِحُكَ وَأَتَصَدَّقُ بِرَحْمَتِكَ، وَأَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَخْشَعُ لَكَ، وَأَقْرَأُ لَكَ بِسُوءِ صَنِيعَتِي، وَأَتَمَلِّقُكَ وَأُلِحُّ عَلَيْكَ.

وَأَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَرُسُلِكَ صَدِّقَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، مِنْ أَوْلِيَّهَا إِلَى آخِرِهَا، فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعَظِيمَى أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ.

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي عَنْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ فَرَجِي مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ، وَتَبْدَأَ بِهِمْ فِيهِ وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَتَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَهَذِهِ اللَّيْلَةَ بِفَرَجِي وَإِعْطَاءِ سُؤْلِي وَأَمَلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَقَدْ مَسَّنِيَ الْفَقْرُ، وَنَالَنِي الضَّرُّ، وَسَدَّ لِمَتْنِي الْخِصَاصَةَ (1)، وَالْجَاتَنِي الْحَاجَةُ، وَتَوَسَّمتُ بِالذَّلَّةِ، وَغَلَبَتْنِي الْمَسْكِنَةُ، وَحَفَّتْ عَلَيَّ الْكَلِمَةُ، وَأَحَاطَتْ بِي الْخَطِيئَةُ.

وَهَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتِ أَوْلِيَاءَكَ فِيهِ الْإِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْسَحْ مَا بِي بِيَمِينِكَ الشَّافِيَةَ، وَانظُرْ إِلَيَّ بِعَيْنِكَ الرَّاحِمَةَ، وَأَدْخِلْنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ).

ص: 788

1- الخِصَاصَةُ: الْفَقْرُ وَالْحَاجَةُ (المصباح المنير: ص 171 «خصص»).

ایشان- که حقیقت آن را جز تو نمی داند- به تو توسّل می جویم و نیز به حقّ کسی که حقّش نزد تو بزرگ است، و به نام های زیبا و کلمه های کاملت که مرا فرمان داده ای تو را با آنها بخوانم، و تو را با آن نام بزرگت می خوانم که ابراهیم علیه السلام را فرمان دادی پرنده را با آن بخواند و [او خواند و] پرنده اجابت کرد، و به آن نام بزرگت که به آتش گفتی:

"بر ابراهیم، سرد و سلامت باش" و آن، چنان شد، و به محبوب ترین و شریف ترین نام هایت نزد خودت و بزرگ ترین آنها پیش خودت و نامی که سریع ترین پاسخ را در پی دارد و برای درخواست، کارآمدترین است و به آنچه تو شایسته و سزاوار و مستحقّ آنی، و به تو توسّل می جویم و رغبت می ورزم و از تو صدقه می جویم و از تو آمرزش می طلبم و از تو بخشش می خواهم و به سوی تو زاری و خواری می کنم و پیش روی تو خضوع و برای تو خشوع می کنم و زشتی رفتارم را برایت اقرار می کنم و تو را می ستایم و به تو اصرار می کنم، و به [حقّ] کتاب هایی که بر پیامبران و فرستادگانت- که درود هایت بر همه ایشان باد- فرو فرستادی، از تورات و انجیل تا قرآن بزرگ، از آغاز تا پایان آن، که در آن، اسم اعظم توست و نیز به نام های بزرگت که در آن است، به تو تقربّ می جویم.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش، درود فرستی و گره از کار محمّد و خاندانش بگشایی و گشایش کارم را قرین گشایش آنان گردانی و فرج آنان را مقلّم بداری و درهای آسمان را به خاطر دعایم در این روز بگشایی و در این روز و در این شب، اجازه گشایش کار من و دادن خواسته و آرزویم را در دنیا و آخرت بدهی، که فقر و آسیب به من رسیده و ناداری، مرا تسلیم کرده و نیاز، مرا به پناه آوردن [به تو] کشانده و مَهر خواری خورده ام و بینوایی بر من چیره گشته و کارم تمام شده و خطا گرداگرد مرا فرا گرفته است، و این، وقتی است که به اولیایت در آن، وعده اجابت داده ای. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و با دست راست شفا دهنده ات، آنچه را در من است، مسح کن و با دیده رحمتت به من بنگر، و مرا در رحمت گسترده ات

وَأَقْبِلْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الَّذِي إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَيَّ أَسِيرَ فَكَكَتَهُ، وَعَلَى ضَالِّ هَدْيَتَهُ، وَعَلَى جَائِزِ أَدْبِيَّتِهِ، وَعَلَى فَقِيرِ أَعْنِيَّتِهِ، وَعَلَى صَدِّعِيْفِ قَوِّيَّتِهِ، وَعَلَى خَائِفِ أَمْنَتِهِ، وَلَا تُخْلِنِي لِقَاءَ لِعَدُوِّكَ وَعَدُوِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ وَحَيْثُ هُوَ وَقُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ تُقْضَى حَاجَةٌ كُلِّ طَالِبٍ يَدْعُوهُ بِهِ، وَأَسَأَلَ لَكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ فَلَا شَيْءَ أَقْوَى لِي مِنْهُ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتُسَمِّعَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ صَدِّ لِمَوْتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَبِرَكَاتِهِ وَرَحْمَتِهِ صَوْتِي؛ لِيَشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ، وَتُشَفِّعَهُمْ فِيَّ، وَلَا تُرَدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا يَا كَرِيمٌ. (1)

4/15 صلاة الإمام الحسن (ع)

1118. جمال الأسبوع: ذَكَرَ صَلَاةَ لِمَوْلَانَا الْحَسَنِ بْنِ مَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ مِثْلُ صَلَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

صَلَاةٌ أُخْرَى لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: وَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ، كُلُّ رَكَعَةٍ بِالْحَمْدِ مَرَّةً

ص: 790

1- . مصباح المتهجد: ص 302، بحار الأنوار: ج 91 ص 183 ح 9 وراجع الإقبال: ج 3 ص 166 وجمال الأسبوع: ص 173.

در آور و با آن رویت به من روی آور که چون با آن به اسیر رو کنی، رهایش می نمایی و چون به گم راه رو کنی، هدایتش می کنی و چون به سرگشته رو کنی، مأوایش می دهی، و چون به فقیر رو کنی، توانگرش می کنی و چون به ناتوان رو کنی، پرتوانش می کنی و چون به ترسان رو کنی، ایمنش می کنی، و مرا در رویارویی دشمنت و دشمنم (شیطان) تنها مگذار، ای صاحب شکوه و اکرام!

ای که جز او، نمی داند او چگونه است و کجاست و توانایی اش چیست! ای که هوا را با آسمان، جلو گرفت و زمین را درون آب نمود و نیکوترین نام ها را برای خود برگزید! ای که خود را به آن نامی نامید که هر خواهانی او را با آن بخواند، حاجتش روا می شود! تو را به آن نام می خوانم، که من شفیع قوی تر از آن ندارم، و به حقّ محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندانش درود فرست و حاجت های مرا روا کن و صدایم را به محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجّت - که دروهای خدا و برکات و رحمتش بر ایشان باد - برسان، تا شفاعت مرا نزد تو بکنند و تو نیز ایشان را شفیع من بگردانی و مرا ناکام باز نگردانی، و به حقّ یگانگی خودت و به حقّ محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برایم فلان و فلان کن، ای کریم!».

4/15 نماز امام حسن (ع)

4/15 نماز امام حسن (ع) (1)

1118. جمال الأسبوع: ذکر نماز مولایمان حسن علیه السلام، فرزند مولایمان علی بن ابی طالب علیه السلام، در روز جمعه، و آن، چهار رکعت است مانند نماز امیر مؤمنان علیه السلام.

نماز دیگری برای امام حسن علیه السلام در روز جمعه است و آن نیز چهار رکعت است و هر رکعتی، یک بار حمد و بیست و پنج بار سوره اخلاص دارد.

ص: 791

1- همان گونه که در متن مشاهده می شود، نماز امام حسن مجتبی علیه السلام و نماز امامان پسین تا امام حسن عسکری علیه السلام تنها از جناب سید ابن طاووس رحمه الله گزارش شده اند؛ ولی ایشان نمازها را به معصوم علیه السلام استناد نکرده است. مدرك دیگری بر انتساب این نمازها به امامان علیهم السلام نیز یافت نشد.

وَالْإِخْلَاصِ خَمْسٌ وَعِشْرُونَ مَرَّةً.

دُعَاءُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَتَغْفِرَهَا لِي، وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ كَانٍ مِنِّي، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَجُودَكَ يَسْعُنِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (1)

5/15 صلاة الإمام الحسين (ع)

1119. جمال الأسبوع: صلاة الحسين بن علي عليه السلام: أربع ركعات، تقرأ في كل ركعة الفاتحة خمسين مرة والإخلاص خمسين مرة، وإذا ركعت في كل ركعة تقرأ الفاتحة عشراً والإخلاص عشراً، وكذلك إذا رفعت رأسك من الركوع، وكذلك في كل سجدة وبين كل سجدتين، فإذا سلمت فادع بهذا الدعاء:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوَّاءَ إِذْ «قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (2)، وَنَادَاكَ نُوحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَأَطْفَاءُ نَارِ نُمْرُودَ عَنْ خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ فَجَعَلْتَهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبًّا «مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (3)، 3.

ص: 792

1- .جمال الأسبوع:ص 175، بحار الأنوار: ج 91 ص 185 ح 11 وراجع فلاح السائل:ص 256.

2- .الأعراف:23.

3- .الأنبياء:83.

دعای امام حسن علیه السلام: «خدایا! با جود و کرمت به تو تقرب می جویم، و با محمد، بنده و فرستاده ات، به تو تقرب می جویم، و با فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگانت به تو تقرب می جویم. بر محمد، بنده و فرستاده ات، و خاندان محمد، درود فرست، و خطایم را نادیده بگیر و گناهانم را بر من ببوشان و آنها را برایم بیامرز و حاجت هایم را روا کن و به زشتی های سرزده از من، عذابم مکن، که گذشت و بخشش تو، مرا فرا می گیرد و تو بر هر کاری توانایی».

15/5 نماز امام حسین (ع)

1119. جمال الأسبوع: نماز حسین بن علی علیه السلام، چهار رکعت [در دو نماز] است که در هر رکعت، پنجاه مرتبه «حمد» و پنجاه مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» می خوانی و این دو سوره را در رکوع، ده مرتبه می خوانی و نیز هنگامی که از رکوع برخاستی، همین گونه، و در هر دو سجده و میان آنها نیز همین کار را می کنی، مانند آنچه در نماز تسبیح (نماز جعفر طیار) انجام می دهی و پس از آن دو [نماز دورکعتی]، دعا می خوانی و می گویی: «تو، خدایی هستی که دعای آدم و حوّا را مستجاب کردی، هنگامی که «گفتند: پروردگارا! ما به خود، ظلم کردیم و اگر تو ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، ما از زیانکاران خواهیم بود»، و نوح، تو را ندا داد و تو، پاسخش را دادی و او و خاندانش را از گرفتاری بزرگ، نجات دادی و آتش نمرود را بر خلیلت، ابراهیم، خاموش کردی و آن را بر او سرد و سلامت کردی.

تو کسی هستی که به ندای ایوب، پاسخ دادی، هنگامی که ندایت داد: «بی تردید، من، گرفتار شده ام و تو مهربان ترین مهربانان هستی». پس گرفتاری او را برطرف کردی و از

فَكَشَفَتْ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَأَتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذَكَرَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ.

وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي النَّوْنِ حِينَ نَادَاكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (1)، فَجَبَّتْهُ مِنَ الْغَمِّ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسَى وَهَارُونَ دَعْوَتَهُمَا حِينَ قُلْتَ: «قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَجِيبَا» (2)، وَغَرَّقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِدَاوُودَ ذَنْبَهُ وَتُبَّتْ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ مِنْكَ وَذَكَرَى، وَفَدَيْتَ إِسْمَاعِيلَ بِذَبِيحٍ عَظِيمٍ بَعْدَ مَا أَسْلَمَ وَتَلَّ (3) لِلجَبِينِ، فَنَادَيْتَهُ بِالْفَرْجِ وَالرَّوْحِ.

وَأَنْتَ الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا نِدَاءً خَفِيًّا فَقَالَ: «رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (4)، وَقُلْتَ: «يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشِدِينَ» (5)، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَتَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْوَنِ الدَّاعِينَ لَكَ وَالرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، فَطَهِّرْني بِتَطْهِيرِكَ وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي وَدُعَائِي بِقَبُولِ حَسَنِ، وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَيَاتِي وَطَيِّبْ وَفَاتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ اخْلُفْ، وَاحْفَظْنِي يَا رَبِّ بِدُعَائِي، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً تَحُوطُهَا بِحَيَاتِكَ، بِكُلِّ مَا حُطَّتْ بِهِ ذُرِّيَّةٌ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَلِكُلِّ دَاعٍ مِنْ خَلْقِكَ مُجِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سَائِلٍ 0.

ص: 794

1- الأنبياء: 87.

2- يونس: 89.

3- تله: أسقطه على التل (مفردات ألفاظ القرآن: ص 167 «تل»).

4- مريم: 4.

5- الأنبياء: 90.

سرِ رحمت و یادآوری برای خردمندان، خانواده اش را و مانند آنچه را که با خود داشتند، به آنان باز گرداندی.

تو کسی هستی که به ذوالنون (یونس) پاسخ دادی، هنگامی که در دل تاریکی ها ندایت داد: «جز تو، خدایی نیست. تو منزه‌ی! من، از ستمکاران بودم»، و او را از غم، نجات دادی.

تو همویی که دعای موسی و هارون را مستجاب کردی، هنگامی که فرمودی:

«دعای شما دو نفر، مستجاب شد»، و فرعون و گروهش را غرق کردی و از سرِ رحمت و تذکر، گناه داوود را آمرزیدی و توبه اش را پذیرفتی.

تو کسی هستی که ذبحی بزرگ را جان فدای اسماعیل کردی، هنگامی که هر دو (ابراهیم و اسماعیل) تسلیم فرمان تو شدند و ابراهیم، پیشانی اسماعیل را بر خاک نهاد و تو، به او ندای گشایش و آسودگی دادی.

تو کسی هستی که زکریا آهسته ندایت کرد و چون گفت: «پروردگارا! استخوان هایم سست شده و برف پیری بر سرم نشسته و تا کنون- پروردگارا- در دعاهایم از تویی بهره نمانده ام»، تو فرمودی: «به بیم و امید، ما را می خوانند و در برابر ما، خاشع هستند».

تو کسی هستی که مؤمنانِ درستکار را اجابت کردی تا از فضلت بر آنها بیفزایی.

پروردگارا! مرا از فروترین مشتاقانت، قرار مده و همان گونه که آنها را اجابت کردی، به حقشان بر تو، مرا نیز اجابت کن و مرا پاك كن و نماز و نیکی هایم را بپذیر و باقی مانده زندگی ام را پاکیزه بگردان و مُردنم را نیز پاکیزه قرار ده و جانشین من در میان کسانی باش که بر جای می گذارم، و به دعایم- پروردگارا- آنان را محافظت کن و نسلِ مرا نسلی پاکیزه قرار ده و از همه آنچه نسل اولیا و مطیعانت را از آنها مراقبت کردی، نسل مرا نیز از آنها مراقبت کن، به رحمتت، ای مهربان ترین مهربانان!

ای که بر همه چیز، مراقبی، و اجابتگر هر خواننده از خلقش، و نزدیک به هر

قَرِيبُ، أَسَأَلَكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَبِكُلِّ اسْمٍ رَفَعْتَ بِهِ سَمَاءَكَ، وَفَرَشْتَ بِهِ أَرْضَكَ، وَأَرَسَيْتَ بِهِ الْجِبَالَ، وَأَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ، وَسَخَّرْتَ بِهِ السَّحَابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَخَلَقْتَ الْخَلَائِقَ كُلَّهَا.

أَسَأَلَكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، فَأَضَاءَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، إِلَّا صَدَّيْتُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعَاشِي وَمَعَادِي، وَأَصْلَحْتَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَمْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلَحْتَ أَمْرِي وَأَمْرَ عِيَالِي وَكَفَيْتَنِي هَمَّهُمْ، وَأَغْنَيْتَنِي وَإِيَّاهُمْ مِنْ كَنْزِكَ وَخَزَائِنِكَ وَسَعَةِ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا، وَأَثَبْتَ فِي قَلْبِي يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ الَّتِي تَنْفَعُنِي بِهَا وَتَنْفَعُ بِهَا مَنْ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِمَامًا كَمَا جَعَلْتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ إِمَامًا، فَإِنَّ بَتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْفَائِزُونَ وَيَتُوبُ التَّائِبُونَ وَيَعْبُدُكَ الْعَابِدُونَ، وَيَسُدِّدُكَ يَصْلُحُ الصَّالِحُونَ الْمُحْسِنُونَ الْمُخْبِتُونَ الْعَابِدُونَ لَكَ الْخَائِفُونَ مِنْكَ، وَيُرْشِدُكَ نَجَا التَّاجِرُونَ مِنْ نَارِكَ وَأَشْفَقْ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِخِذْلَانِكَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ وَهَلَكَ الظَّالِمُونَ وَغَفَلَ الْغَافِلُونَ.

اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، فَأَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، وَأَنْتَ خَيْرٌ مَنْ زَكَّاهَا، اللَّهُمَّ بَيْنَ لَهَا هُدَاهَا، وَالْهَمُّهَا تَقْوَاهَا، وَبَشَّرَهَا بِرَحْمَتِكَ حِينَ تَتَوَقَّأَهَا، وَنَزَّلَهَا مِنَ الْجَنَانِ عَلَيْهَا، وَطَيَّبَ وَفَاتَهَا وَمَحْيَاهَا، وَأَكْرَمَ مُنْقَلَبَهَا وَمَثْوَاهَا، وَمُسْتَقَرَّهَا وَمَأْوَاهَا، فَأَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا. (1)1.

ص: 796

خواهنده ای! از تو درخواست می‌کنم- ای معبودی که جز تو، خدایی نیست و زنده و بر پا دارنده ای و یکتا و بی‌نیازی؛ همو که نه زاده و نه زائیده شده و نه مانندی دارد-، به آن نامت که آسمانت را به آن بر افراشته ای و زمینت را گسترانده ای و کوه هایت را استوار داشته ای و آب را روان کرده ای و ابر و خورشید و ماه و ستارگان و شب و روز را تسخیر نموده ای و همهٔ خلایق را آفریده ای.

به عظمت سیمای بزرگواریت که با آن، آسمان‌ها و زمین نور می‌گیرند و تاریکی‌ها روشن می‌شوند، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی، و کار معاد و معاشم را خودت به عهده‌گیری و کارم را به سامان کنی و لحظه‌ای مرا به خودم وا نگذاری و کار خود و عیالم را به سامان آوری و خودت هم و غمشان را برایم به فرجام برسانی، و مرا و ایشان را از گنج‌خانه هایت و روزی‌گسترده و فضل تمام ناشدنی‌ات، بی‌نیاز گردانی و چشمه‌های حکمت را- که برای من و هر کسی از بندگانت که خود می‌پسندی، سودی دارد-، در دلم استوار سازی، و مرا پیشوای پرهیزگاران آخر الزمان قرار دهی، همان‌گونه که ابراهیم خلیل را قرار دادی؛ چرا که به توفیق تو، پرهیزگاران، رستگار می‌شوند و توبه‌کنندگان، توبه می‌کنند و عابدان، عبادت می‌کنند و با استوار کردن و راه‌نمایی تو، صالحان، نجات می‌یابند و با نظر موافق تو، شایستگان نیکوکار خاضع عابد ترسا از تو، شایسته می‌شوند و با هدایت تو، نجات‌یافتگان از آشت، نجات‌یافتند، و بندگانت از آن دور گردیدند، و با بی‌پناه‌گذاشتن تو، باطل‌گرایان، زیان‌دیدند و ستمگران نابود شدند و غفلت‌پیشگان در غفلت ماندند.

خدایا! به نفس من، پرهیزگاری بده، که تو، ولی آن و مولای آن و بهترین تزکیه‌کننده آن هستی. خدایا! رشد و پروایش را برایش آشکار کن و تقوایش را به آن الهام نما و هنگامی که آن را می‌گیری، به رحمت خودت بشارتش بده و در بالاترین جای بهشت، جایش بده و مرگ و زندگی‌اش را پاکیزه ساز و بازگشتگاه و جایگاه و سرای اقامت و خانه‌اش را گرامی بدار، که تو ولی و مولای آنی».

1120. جمال الأسبوع: صلاة زين العابدين عليه السلام: أربع ركعات، كل ركعة بالفاتحة مرة والإخلاص مئة مرة.

دعاء سيدنا زين العابدين عليه السلام:

يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يا عَظِيمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ اليَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، يا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يا كَرِيمَ الصَّفْحِ يا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يا مُبْتَدئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها، يا رَبَّنَا وَسَيِّدَنَا وَمَوْلانا، يا غايَةَ رَغْبَتِنَا، أَسأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (1)

1121. جمال الأسبوع: صلاة الباقر عليه السلام: ركعتان، كل ركعة بالحمد مرة و«سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» مئة مرة.

دعاء الباقر عليه السلام:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ يا حَلِيمُ، ذُو أناةٍ عَفورٍ وَدودٍ، أَنْ تَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي وما عِنْدِي بِحُسْنِ ما عِنْدَكَ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ عَطائِكَ ما يَسْعُنِي، وتُلْهِمَنِي فيما أَعْطَيْتَنِي العَمَلَ فِيهِ بِطاعَتِكَ وطاعةِ رَسولِكَ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ عَفْوِكَ ما أَسْتَوْجِبُ بِهِ كَرامَتَكَ.0.

ص: 798

1120. جمال الأسبوع: نماز امام زین العابدین علیه السلام چهار رکعت است و هر رکعت، یک حمد و صد مرتبه سوره توحید دارد.

دعای سرورمان، امام زین العابدین علیه السلام: «ای آن که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشاند! ای آن که بندگان را به گناه نگرفت و پرده را ندرید! ای بزرگ بخشایش! ای نیکوگذشت! ای گسترده آمرزش! ای که دستت به رحمت گشوده! ای همراه هر راز نهران! ای نهایت هر شکوه! ای که گذشتت بزرگوارانه است! ای که امید فراوان به تو دارند! ای آغازگر نعمت، بی آن که استحقاقی پیش از آن باشد! ای پروردگار ما و سرور و مولای ما! ای نهایت آرزوی ما! از تو می خواهیم که بر محمد و خاندانش درود فرستی».

15/7 نماز امام باقر (ع)

1121. جمال الأسبوع: نماز امام باقر علیه السلام دو رکعت است که در هر رکعت، یک بار حمد و صد بار تسبیحات اربعه (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر) است.

دعای امام باقر علیه السلام: «خدایا! من از تو می خواهم-ای بردبار، دارای شکیب و درنگ، آمرزنده و مهرورز- که از بدی های من و آنچه نزد من است، با خوبی آنچه نزد خودت است، در گذری، و از عطایات آن به من بدهی که مرا فرا گیرد و در آنچه به من عطا می کنی، الهام عمل به فرمان برداری از تو و فرستاده ات باشد، و از عفو، آن به من عطا کنی که سزایمند کرامت شوم».

اللَّهُمَّ اعْطِنِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ وَلَمْ اصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، يَا أَبْصَرَ الْأَبْصَرِينَ، وَيَا أَسْمَعَ السَّمِيعِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَيَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (1)

8/15 صلاة الإمام الصادق (ع)

1122. جمال الأسبوع: صلاة الصادق عليه السلام: ركعتين، كلُّ ركعةٍ بالفاتحة مرةً و«شهد الله» مئةً مرةً.

دُعَاءُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، وَيَا حَاضِرَ كُلِّ مَلَأٍ، وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا شَاهِدَ غَيْرِ غَائِبٍ، وَغَالِبَ غَيْرِ مَغْلُوبٍ، وَيَا قَرِيبَ غَيْرِ بَعِيدٍ، وَيَا مُؤَنِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ، وَيَا حَيِّ مُحْيِي الْمَوْتَى وَمُؤَمِّتُ الْأَحْيَاءِ، الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، وَيَا حَيِّ حِينَ لَا حَيَّ إِلَّا إِلَهُ الْإِنْتِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (2)

9/15 صلاة الإمام الكاظم (ع)

1123. جمال الأسبوع: صلاة الكاظم عليه السلام: ركعتين، كلُّ ركعةٍ بالفاتحة مرةً والإخلاص اثنتي 1.

ص: 800

1- . جمال الأسبوع: ص 178، بحار الأنوار: ج 91 ص 188 ح 11.

2- . جمال الأسبوع: ص 178، المزار الكبير: ص 176، المزار للشهيد الأول: ص 251 نحوه وفي كلاهما «الصلاة والدعاء على ذكاة الصادق عليه السلام تصلي ركعتين» بدل «صلاة الصادق» إلى «مئة مرة»، بحار الأنوار: ج 91 ص 188 ح 11.

خدایا! آنچه خود شایسته‌آنی، به من عطا کن و آنچه را من سزایندم، با من نکن، که من تنها به تو [قیام دارم] (1) و به هیچ خیری دست نیافته‌ام، جز از تو، ای بیناترین بینندگان و ای شنواترین شنوندگان و ای حکیم‌ترین حاکمان و ای پناه پناهجویان و ای پاسخگوی دعوت گرفتاران! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست».

8/15 نماز امام صادق (ع)

1122. جمال الأسبوع: نماز امام صادق علیه السلام دو رکعت است که در هر رکعت آن، يك حمد و صد مرتبه «شَهِدَ اللَّهُ» (2) است.

دعای امام صادق علیه السلام: «ای آفریننده هر آفریده! ای به هم آورنده هر شکسته! ای حاضر در هر گروه! ای گواه هر نجوا! ای آگاه به هر نهان! ای حاضر غیر غایب! ای چیره غیر مغلوب! ای نزدیکی که دور نیست! ای مونس هر تنها! ای زنده، زنده کننده مردگان و میراننده زندگان، ایستاده بر هر شخص و دستاورده! ای زنده، آن گاه که زنده ای جز تو خدای یگانه نیست! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست».

9/15 نماز امام کاظم (ع)

1123. جمال الأسبوع: نماز امام کاظم علیه السلام، دو رکعت است که در هر رکعت، يك سورة حمد و دوازده مرتبه سورة اخلاص است.

ص: 801

1- یعنی: وجودم وابسته به توست.

2- مقصود، آیه 18 از سورة آل عمران است.

دُعَاءُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِلَهِي! خَشِدْ عَتِ الْأَصْوَاتُ لَكَ، وَصَدَلَّتِ الْأَحْلَامُ فِيكَ، وَوَجَلَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ، وَهَرَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكَ، وَضَاقَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَكَ، وَمَلَأَ كُلُّ شَيْءٍ نُوْرَكَ، فَأَنْتَ الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ، وَأَنْتَ الْبَهِيُّ فِي جَمَالِكَ، وَأَنْتَ الْعَظِيمُ فِي قُدْرَتِكَ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُوْودُكَ شَيْءٌ، يَا مُنْزِلَ نِعْمَتِي، يَا مُفْرَجَ كُرْبَتِي، وَيَا قَاضِيَ حَاجَتِي، أَعْطِنِي مَسْأَلَتِي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، آمَنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ دِينِي، أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعَدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَأَبَوْتُ لَكَ بِالنُّعْمَةِ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانٌ، وَفِي دُنُوِّهِ عَالٍ، وَفِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ، وَفِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (1)

10/15 صَلَاةُ الْإِمَامِ الرُّضَا (ع)

1124. جمال الأسبوع: صَلَاةُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِتُّ رَكَعَاتٍ، كُلُّ رَكَعَةٍ بِالْفَاتِحَةِ مَرَّةً وَ«هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ.

دُعَاءُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا إِلَهِي وَإِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، يَا رَبَّ كَهَيْعِصِ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِيٍّ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ 1.

ص: 802

دعای موسی بن جعفر علیه السلام: «خدای من! صداها برای تو خاضع اند و عقل ها در تو سرگشته شده اند، و همه چیز از تو ترسان شده و هر چیز به سوی تو شتاب گرفته و همه چیز در برابر تو، تنگ شده و نورت همه چیز را پر کرده است. تو، بلندبالا در شد کوهت هستی، و تو، ظریف در زیبایی ات هستی، و تو، بزرگ در قدرتت هستی و تو کسی هستی که چیزی تو را خسته نمی کند.

ای فرودآور نعمت من! ای گشاینده گرفتاری من، و ای برآورنده نیاز من! درخواستم را به حقّ یکتایی ات به من ببخش. به تو ایمان آوردم و اطاعتم را تنها برای تو قرار دادم. تا آن جا که توان دارم، بر پیمان و وعده ات برخاستم و به نعمت اقرار دارم و آمرزش گناهانی را از تو می خواهم که جز تو، آنها را نمی آمرزد، ای کسی که در والایی اش، نزدیک و در نزدیکی اش، والا، و در طلوعش، نورانی و در چیرگی اش، پرتوان است، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست.».

10/15 نماز امام رضا (ع)

1124. جمال الأسبوع: نماز امام رضا علیه السلام شش رکعت است و هر رکعتی يك حمد و ده بار سورة انسان (دَهر) دارد.

دعای امام علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ای همراه من در سختی ام و ای ولیّ نعمتم، و ای خدای من و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب! ای پروردگار» کاف.

ها. یا. عین. صاد» و «یا. سین * سوگند به قرآن حکیم»،!، از تو می خواهم، ای بهترین درخواست شدگان، و ای بهترین خواننده شدگان و ای بخشنده ترین عطا کنندگان، و

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (1)

11/15 صَلَاةُ الْإِمَامِ الْجَوَادِ (ع)

1125. جمال الأسبوع: صَلَاةُ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَكَعَتَيْنِ، كُلُّ رَكَعَةٍ بِالْفَاتِحَةِ مَرَّةً وَالْإِخْلَاصِ سَبْعِينَ مَرَّةً.

دُعَاءُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى أَجْسَادِهَا، وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُتَلْتِمَةِ بِعُرُوقِهَا، وَبِكَلِمَتِكَ النَّافِذَةِ بَيْنَهُمْ، وَأَخَذِكَ الْحَقِّ مِنْهُمْ، وَالْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْتَظِرُونَ فَصَلَ قَضَائِكَ، وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَيَخَافُونَ عِقَابَكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ التَّوْرَ فِي بَصْرِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، وَعَمَلًا صَالِحًا فَارْزُقْنِي. (2)

12/15 صَلَاةُ الْإِمَامِ الْهَادِي (ع)

1126. جمال الأسبوع: صَلَاةُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْفَاتِحَةَ وَيُسِّ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَالرَّحْمَنَ.

دُعَاءُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا بَارُ يَا وَصُولُ، يَا شَاهِدَ كُلِّ غَائِبٍ، وَيَا قَرِيبَ غَيْرِ بَعِيدٍ، وَيَا غَالِبَ غَيْرِ 1.

ص: 804

1- .جمال الأسبوع: ص 179، بحار الأنوار: ج 91 ص 189 ح 11.

2- .جمال الأسبوع: ص 179، بحار الأنوار: ج 91 ص 189 ح 11.

ای بهترین امید بسته شدگان! از تو می خواهیم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی».

11/15 نماز امام جواد(ع)

1125. جمال الأسبوع: نماز امام جواد علیه السلام دو رکعت است که هر رکعت، يك بار سورة حمد و هفتاد بار سورة اخلاص دارد.

دعای امام جواد علیه السلام: «بار خدایا! ای پروردگار روح های فانی و جسدهای متلاشی! از تو درخواست می کنم به فرمانبری روح های بازگشته به بدن ها، و نیز فرمانبری بدن های به هم آمده بارگ هایشان، و به کلمه نافذ تو در بین آنان، و گرفتن حق از آنان، هنگامی که آفریدگان نزد تو منتظر داوری تو هستند و به رحمت امید دارند و از کیفیت می هراسند. بر محمد و خاندانش درود فرست و نور را در دیده ام و یقین را در قلبم و یادت را در شب و روز، بر زبانم قرار ده، و کار شایسته را روزی من کن».

12/15 نماز امام هادی(ع)

1126. جمال الأسبوع: نماز امام هادی علیه السلام، دو رکعت است که در رکعت اول، سورة حمد و یس و در رکعت دوم، حمد و الرحمان را می خوانی.

دعای امام علی بن محمد هادی علیه السلام: «ای نیکی کننده! ای بسیار پیوند دهنده! ای گواه هر نهان و ای نزدیک نادور دست و ای چیره شکست ناپذیر، و ای که جز او نمی داند که او چگونه است! ای که کسی به قدرت او نمی رسد! به نام نهفته اندوخته

مَغْلُوبٍ، وَيَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ قُدْرَتُهُ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَكْتُومِ عَمَّنْ شِئْتَ، الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، النُّورِ الدَّامِّ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْعَظِيمِ، نُورِ السَّمَاوَاتِ وَنُورِ الْأَرْضِينَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الْعَظِيمِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (1)

13/15 صلاة الإمام العسكري (ع)

1127. جمال الأسبوع: صلاة الحسن بن علي عليه السلام: أربع ركعات، الركعتين الأولىين بالحمد مرة و«إذا زلزلت» خمس عشرة مرة، وفي الأخيرتين كل ركعة بالحمد مرة والإخلاص خمس عشرة مرة.

دعاء الحسن بن علي عليه السلام:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْبَدِيءُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي لَا يُدْرِكُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، الْعَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، أَسْأَلُكَ بِأَلَانِكَ وَنِعْمَانِكَ، يَا نَتَّكَ اللَّهُ الرَّبُّ الْوَاحِدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَأَسْأَلُكَ يَا نَتَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْوَتْرُ الْفَرْدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

وَأَسْأَلُكَ يَا نَتَّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، 1.

ص: 806

1- جمال الأسبوع: ص 180، بحار الأنوار: ج 91 ص 189 ح 11.

پوشیده ات از هر که بخواهی، و نام پاك پاكيزه مقدّس، و نور كامل زنده برپا و بزرگ، و نور آسمان ها و نور زمين ها، و دانای آشكار و نهان، و بزرگِ متعالی و سترگ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی».

13/15 نماز امام عسکری (ع)

1127. جمال الأسبوع: نماز امام عسکری علیه السلام چهار رکعت است و دو رکعت اول، يك بار حمد و پانزده بار سورة زلزال، و رکعت های سوم و چهارم، هر کدام يك حمد و پانزده بار سورة توحيد دارد.

دعای امام عسکری علیه السلام: «بار خدايا! از تو درخواست می کنم، که ستایش، تو راست و معبودی نیست جز تویی که آغازین و پیش از هر چیزی، و تو زنده پایدار، و معبودی نیست جز تویی که هیچ چیزی خوارت نمی سازد و تو هر روزی در کاری هستی، و معبودی نیست جز تویی که آفریننده دیدنی ها و نادیدنی هایی و به هر چیز، دانایی، بی آن که تعلیم گرفته باشی.

از تو درخواست می کنم به حقّ نواخت ها و نعمت هایت، که تو خدایی، پروردگار یکتایی، و معبودی نیست جز تویی که مهرگستر و مهربانی. از تو درخواست می کنم، که تو، خدایی و معبودی نیست جز تو تک تنهای یکتای بی نیاز که نه زاده ای دارد و نه زاده کسی است و نه هیچ کس همتای اوست.

از تو درخواست می کنم، که تو خدایی و معبودی نیست جز تو ریزبین آگاه که مراقب هر شخص و کردارهای او هستی و ناظر و نگهبانی. از تو درخواست می کنم، که تو خدایی، پیش از هر چیز بوده ای و پس از هر چیز خواهی بود، و از هر چیزی [پوشیده و] نهانی، و زیان زننده و سودرسان، و حکیم و دانایی.

از تو درخواست می‌کنم، که تو، خدایی و معبودی نیست جز تو زنده پاینده بر انگیزاننده [ای مردگان] و تویی ارث بر، مهرورز بنده پرور، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین، پروردگار شکوه و ارج، و خداوند دهش و خداوند عزت و خداوند سلطه.

معبودی نیست جز تو که به هر چیزی علم داری و شمار هر چیز را می‌دانی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست.»

14/15 نماز امام مهدی (ع)

1128. جمال الأسبوع: نماز حجت قائم علیه السلام، دو رکعت است که در هر رکعت، سوره حمد را می‌خوانی تا به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسی. سپس آن را صد مرتبه می‌گویی و سپس سوره حمد را تا پایان قرائت می‌کنی و پس از آن، سوره توحید را یک مرتبه می‌خوانی و پس از نماز می‌گویی: «خدایا! بلا، بزرگ شده و نهان، آشکار شده و پرده، کنار رفته و زمین با همه گستردگی و فراگیری اش، تنگ شده است و ای خدای من، شکوه‌ها و دردها را نزد تو می‌آورند و تکیه‌گاه در سختی و راحتی، تویی.»

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ کسانی که ما را به اطاعتشان فرمان دادی. خدایا! در گشایش امرشان به دست قائم ایشان، تعجیل فرما و عزتت را آشکار بفرما. ای محمد، ای علی! ای علی، ای محمد! مرا کفایت کنید، که شما کفایت کننده من هستید. ای محمد، ای علی! ای علی، ای محمد! مرا یاری کنید، که شما یاوران من هستید. ای محمد، ای علی! ای علی، ای محمد! مرا حفظ کنید، که شما حافظان من هستید.

ای مولای من، ای صاحب الزمان! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس.

مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب. امان، امان، امان.»

1129. مهج الدعوات عن الحسين بن محمد البرزقري: خَرَجَ عَنِ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ: مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ، وَيَأْتِي مُصَلِّاهُ، وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، يَقْرَأُ فِي الرِّكَعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ، فَإِذَا بَلَغَ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» يُكْرِرُهَا مِئَةَ مَرَّةٍ، وَيُتِمُّ فِي الْمِئَةِ إِلَى آخِرِهَا، وَيَقْرَأُ سُورَةَ التَّوْحِيدِ مَرَّةً وَاحِدَةً، ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ وَيُسَبِّحُ فِيهَا سَبْعَةَ سَبْعَةٍ، وَيُصَلِّي الرِّكَعَةَ الثَّانِيَةَ عَلَى هَيْئَتِهِ، وَيَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْضِي حَاجَتَهُ الْبَتَّةَ كَأَنَّ مَا كَانَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي قَطِيعَةِ الرَّحِمِ. وَالدُّعَاءُ:

«اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ؛ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا؛ مَتَى مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَتَى مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ.

وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِدُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ - حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ».

ثُمَّ يَقُولُ: «يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسَأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

1129. مهج الدعوات - به نقل از حسین بن محمد بزوفری - از سوی ناحیه مقدسه آمده که: هر کس درخواستی از خدا دارد، شب جمعه، پس از نیمه شب غسل کند و به نمازگاهش بیاید و دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول، سوره حمد را بخواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، صد مرتبه آن را تکرار کند و سپس بقیه سوره را تا پایان بخواند و سوره توحید را نیز یک مرتبه بخواند و به رکوع و سجود برود و ذکر تسبیح هر یک [از رکوع و سجود] را هفت مرتبه بگویند و رکعت دوم را نیز به همین گونه بخواند و این دعا را بخواند، که خدای متعال، حاجت او را، هر چه باشد، بی تردید روا می کند، مگر آن که درخواست قطع رحم داشته باشد.

دعا این است: «خدایا! اگر اطاعتت کردم، ستایش و سپاس، از آن توست و اگر تو را نافرمانی کردم، دلیل و حجت، از آن توست. آسودگی، از تو و گشایش، از توست.

تسبیح می گویم آن کس را که نعمت داد و خود قدر نهاد. تسبیح می گویم آن که قدرت یافت و بخشید.

خدایا! اگر تو را نافرمانی کرده ام، در محبوب ترین چیزها نزد تو، یعنی ایمان به تو، فرمانت را برده ام، بی آن که فرزندی برایت بگیرم و یا شریکی برایت قرار دهم و این هم منت تو بر من است، نه منت من بر تو.

ای خدای من! تو را نافرمانی کردم، نه از سر انکار و مخالفت و یا بیرون رفتن از بندگی و عبودیت و یا نپذیرفتن ربوبیت تو؛ بلکه هوسم را پیروی کردم و شیطان مرا لغزاند؛ ولی حجت تو بر من تمام است و آن را به من بیان نموده ای. اگر عذابم کنی، به خاطر گناهانم است و ستمکار نیستی و اگر مرا بیامرزی و بر من رحم کنی، تو بخشنده و کریمی، ای کریم! ای کریم!...» بگوید تا نفسش بریده شود.

سپس بگوید: «ای که از هر چیز، ایمنی و هر چیزی از تو در هراس و بر حذر است! به ایمنی ات از هر چیز و هراس هر چیز، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و برای خودم، خانواده ام، فرزندانم و دیگر نعمت هایی که به من داده ای، امانم دهی تا آن جا که هرگز از کسی نترسم و از هیچ چیزی نهراسم، که تو بر هر کاری توانایی، و خداوند، ما را کافی است و او بهترین وکیل است.

يا كافي إبراهيم نمرود، يا كافي موسى فرعون، أسألك أن تصد لي على محمد وآل محمد، وأن تكفيني شر فلان بن فلان، فيستكفي شر من يخاف شره إن شاء الله تعالى.

ثم يسجد ويسأل حاجته ويتضرع إلى الله تعالى، فإنه ما من مؤمن ولا مؤمنة صلى هذه الصلاة ودعا بهذا الدعاء خالصاً إلا فتحت له أبواب السماء للإجابة، ويجاب في وقته وليلته كائناً ما كان، وذلك من فضل الله علينا وعلى الناس. (1)

15/15 صلاة جعفر بن أبي طالب (الطيار)

1130. الكافي عن الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لجعفر: يا جعفر، ألا أمنحك؟ ألا أعطيك؟ ألا أحبك؟ فقال له جعفر: بلى يا رسول الله. قال: فظن الناس أنه يعطيه ذهباً أو فضة؛ فتشرف الناس لذلك. فقال له: إنني أعطيك شيئاً إن أنت صنعته في كل يوم كان خيراً لك من الدنيا وما فيها، وإن صنعته بين يومين غفر لك ما بينهما، أو كل جمعة أو كل شهر أو كل سنة غفر لك ما بينهما:

تصلي أربع ركعات؛ تبتدئ فتقرأ، وتقول إذا فرغت: «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر»، تقول ذلك خمس عشرة مرة بعد القراءة، فإذا ركعت قلته عشر مرات، فإذا رفعت رأسك من الركوع قلته عشر مرات، فإذا سجدت قلته عشر مرات، فإذا رفعت رأسك من السجود قل بين السجدين عشر مرات، فإذا سجدت 0.

ص: 812

1- . مهج الدعوات: ص 294، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 135 ح 2346، المصباح للكفعمي: ص 522، بحار الأنوار: ج 89 ص 323 ح 30.

ای کفایت کننده ابراهیم از نمرود! ای کفایت کننده موسی از فرعون! از تو می خواهیم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از شرّ فلانی پسر فلانی آسوده کنی» که اگر خدای متعال بخواهد، او را از شرّ کسی که از او بیم دارد، آسوده می کند.

سپس به سجده رود و حاجتش را بخواهد و به پیشگاه خدای متعال، گریه و زاری کند، که هیچ مرد و زن باایمانی این نماز را نخواند، و خالصانه این دعا را نکرد جز آن که درهای اجابت آسمان به رویش گشوده شد و در همان وقت و شب، جواب گرفت؛ هر حاجتی که بود و این از فضل خدا بر ما و بر مردم است.

15/15 نماز جعفر بن ابی طالب (طیار)

1130. الکافی - به نقل از امام صادق علیه السلام: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جعفر [بن ابی طالب] فرمود: «ای جعفر! آیا به تو چیزی نبخشم؟ آیا به تو چیزی ندهم؟ آیا به تو هدیه ای ندهم؟»

جعفر به ایشان گفت: چرا، ای پیامبر خدا!

مردم گمان بردند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جعفر، زر و یا سیمی می بخشد. از این رو سر بر کشیدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جعفر فرمود: «من به تو چیزی می دهم که اگر آن را هر روز انجام دهی، برایت از دنیا و همه آنچه در آن است، بهتر است و اگر يك روز در میان انجام دهی، گناهان میان آن دو روز برایت بخشیده می شوند، یا اگر هر هفته و یا هر ماه و یا هر سال يك بار انجام دهی، گناهان فاصله میان روزهای آن مدت برایت بخشیده می شوند، چهار رکعت نماز می گذاری و پس از پایان یافتن قرائت، پانزده بار»

سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» می گویی. زمانی که به رکوع

الثَّانِيَةَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ قُلْتَ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَأَنْتَ قَاعِدٌ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ؛ فَذَلِكَ حَمْسٌ وَسَبْعُونَ تَسْبِيحَةً، فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ثَلَاثُمِئَةَ تَسْبِيحَةٍ، فِي أَرْبَعِ رَكْعَاتٍ أَلْفٌ وَمِئَتَا تَسْبِيحَةٍ وَتَهْلِيلَةٍ وَتَكْبِيرَةٍ وَتَحْمِيدَةٍ، إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَهَا بِالنَّهَارِ وَإِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَهَا بِاللَّيْلِ. (1)

1131. الكافي عن أبي سعيد المدائني: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا أَعْلَمُكَ شَيْئًا تَقُولُهُ فِي صَلَاةِ جَعْفَرٍ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ الْأَرْبَعِ فَقُلْ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ تَسْبِيحِكَ:

سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ، سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكْرَّمَ بِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، سُبْحَانَ ذِي الْمَنْ وَالنَّعَمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالكَرَمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. (2)

1132. الإمام الصادق عليه السلام: صُمُّ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَالْخَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ، فَإِذَا كَانَ عَشِيَّةَ يَوْمِ الْخَمِيسِ تَصَدَّقْتَ عَلَى عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مُدًّا مُدًّا مِنْ طَعَامٍ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ 9.

ص: 814

1- الكافي: ج 3 ص 465 ح 1 عن أبي بصير، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 186 ح 420 عن بسطام بزيادة «وتقرأ في كل ركعة بقل هو الله أحد وقل يا أيها الكافرون»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 552 ح 1533 عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه الذكر قبل القراءة وفي الذكر «الله أكبر» قبل «سبحان الله»، بحار الأنوار: ج 91 ص 211 ح 14.

2- الكافي: ج 3 ص 467 ح 6 وص 466 ح 5 وفيه «آخر ركعة» بدل «آخر سجدة»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 554 ح 1541 كلاهما عن الحسن بن محبوب من دون اسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 187 ح 425، مصباح المتعبد: ص 305 ح 415 نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 91 ص 205 ح 8 و 9.

رفتگی، ده بار و با سر برداشتن از رکوع، ده بار، و زمانی که به سجده رفتگی، ده بار، و با سر برداشتن از سجده و میان دو سجده، ده بار، و در سجده دوم، ده بار و پس از سجده دوم و پیش از برخاستن هم ده بار، این را می‌گویی، که جمعاً می‌شود هفتاد و پنج تسبیح در هر رکعت و جمع همه تسبیح‌ها در چهار رکعت، سیصد بار می‌شود، و [این، روی هم]، هزار و دویست تسبیح و تهلیل و تکبیر و تحمید می‌شود. اگر خواستی آن را در روز می‌خوانی و اگر خواستی، در شب می‌خوانی».

1131. الکافی - به نقل از ابو سعید مدائنی - امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا تو را چیزی نیاموزم که آن را در نماز جعفر [طیار] بگویی؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «هر گاه در سجده آخر رکعت چهارم قرار گرفتی، چون تسبیح را تمام کردی، بگو: "پاکا خدایی که جامه عزت و وقار، پوشیده است! پاکا خدایی که ردای شکوه و بزرگی بر تن کرده و پیدان آراسته است! پاکا خدایی که تسبیح، جز او را نسزد! پاکا خدایی که دانش او، هر چیزی را شماره کرده است [و بر همه چیز، احاطه علمی دارد]! پاکا خداوندگار نواخت و نعمت‌ها! پاکا خداوندگار توانایی و بزرگواری!»

بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم، به حق عرش که مظهر عزت و قدرت توست، و به حق کتابت که منتهای رحمت توست، و به حق بزرگ‌ترین نامت و به حق کلمات تامه ات که به راستی و داد و برابری کامل گشته‌اند. بر محمد و خاندان او درود فرست و فلان و بهمان حاجت مرا برآورده ساز».

1132. امام صادق علیه السلام: روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر، و چون شامگاه روز پنجشنبه رسید، به ده بینوا، ده مد، به هر کدام يك مد گندم، صدقه بده و چون روز

ص: 815

اغْتَسَلَتْ وَبَرَزَتْ إِلَى الصَّحْرَاءِ، فَصَلَّ صَلَاةَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَشَفَ رُكْبَتَيْكَ وَالزَّمَهُمَا الْأَرْضَ وَقُلْ:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، وَمُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ-عَشْرًا-يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ-عَشْرًا-يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ-عَشْرًا-يَا مَوْلَاهُ يَا مَوْلَاهُ-عَشْرًا-يَا رَجَائَاهُ-عَشْرًا-يَا غِيَاثَاهُ-عَشْرًا-يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ-عَشْرًا-يَا رَحْمَانُ-عَشْرًا-يَا رَحِيمُ-عَشْرًا-يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ-عَشْرًا-صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَثِيرًا طَيِّبًا كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ-عَشْرًا-وَتَسَأَلُ حَاجَتَكَ. (1)

1133. مصباح المتهجد عن المفصل بن عمر: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى صَلَاةَ جَعْفَرٍ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ: «يَا رَبِّ يَا رَبِّ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «رَبِّ رَبِّ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «يَا حَيُّ يَا حَيُّ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ» حَتَّى انْقَطَعَ النَّفْسُ، «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قَالَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْطِقُ بِالشَّانِ عَلَيْكَ، وَأُجَدِّدُكَ (2) وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ، وَأُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ، وَأُجَدِّدُكَ (3) وَإِنِّي لِخَلِيقَتِكَ كُنُهُ مَعْرِفَةً».

ص: 816

1- . مصباح المتهجد: ص 330 ح 439 عن عبد الملك بن عمرو، البلد الأمين: ص 152 عن عبد الملك بن عمير، بحار الأنوار: ج 90 ص 37 ح 5.

2- . في فتح الأبواب: «أحمدك» بدل «أمجّدك».

3- . في جمال الأسبوع والبلد الأمين وبحار الأنوار: «أمد مجدك» بدل «أمجّدك».

جمعه شد، غسل کن و به صحرا برو و نماز جعفر بن ابی طالب را بخوان و زانوانت را برهنه کن و آنها را به زمین بچسبان و بگو: «ای آن که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشاند! ای آن که [بندگان را] به گناه نگرفت و پرده را ندرید! ای بزرگ بخشایش! ای نیکو درگذرنده! ای گسترده آمرزش! ای دستت به رحمت گشوده! ای همراه هر راز نهان، و نهایت هر شکایت! ای نادیده گیرنده لغزش ها! ای که گذشتت بزرگوارانه است! ای که نعمت بخشی ات سترگ است! ای آغازگر نعمت ها پیش از استحقاق آنها! ای پروردگار! ای پروردگار! (ده بار)، ای خدای یکتا! ای خدای یکتا! (ده بار) ای سرور! ای سرور! (ده بار) ای مولا! ای مولا! (ده بار) ای امید من! ای امید من! (ده بار) ای فریاد رس! ای فریاد رس! (ده بار) ای نهایت آرزو! ای نهایت آرزو! (ده بار) ای گسترده مهر! ای گسترده مهر! (ده بار) ای مهربان! ای مهربان! (ده بار) ای عطا کننده نیکی ها! ای عطا کننده نیکی ها (ده بار) بر محمد و خاندان محمد، درودی فراوان و پاکیزه بفرست، مانند بهترین درودی که بر هر يك از آفریدگان فرستاده ای (ده بار)» و حاجت را می طلبی.

1133. مصباح المتهجد - به نقل از مُفَصَّل بن عُمَر - : امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز جعفر [طیار] خواند. سپس دستانش را بلند کرد و این دعا را خواند: «ای پروردگارم! ای پروردگارم! تا نفس قطع شد. «پروردگار! پروردگار! تا نفس قطع شد.

«پروردگارم! پروردگارم! تا نفس قطع شد. «ای خدای یکتا! ای خدای یکتا! تا نفس قطع شد. «ای زنده! ای زنده! تا نفس قطع شد. «ای گسترده مهر! ای گسترده مهر! تا نفس قطع شد. «ای مهربان! ای مهربان! تا نفس قطع شد. «ای مهربان ترین مهربان ها! هفت بار گفت.

سپس گفت: «سخن را با ستایش تو می آغازم، ثنای تو را بر زبان می آورم و تو را تمجید می کنم، در حالی که ستایش تو را نهایتی نیست. تو را ثنا می گویم، و کیست

مَجْدِكَ، وَأَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ، مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ، عَوَادًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ، تَخَلَّفَ سَدَّكَ أَرْضِيكَ عَنِ طَاعَتِكَ، فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ، جَوَادًا بِفَضْلِكَ، عَوَادًا بِكَرَمِكَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

وقال لي: يا مُفَضَّلُ، إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ مُهِمَّةٌ، فَصَلِّ هَذِهِ الصَّلَاةَ، وَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَسَلِّ حَاجَتَكَ، يَقْبِضُ اللَّهُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَبِهِ التَّقِيَّةُ.

(1)

1134. الاحتجاج عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري - فيما كتبه إلى صاحب الزمان عليه السلام سألته فيه عن مسائل - وسأل عن صلاة جعفر بن أبي طالب عليهما السلام، في أي أوقاتها أفضل أن تصلي فيه؟ وهل فيها فتوت؟ وإن كان ففي أي ركعة منها؟ فأجاب عليه السلام:

أَفْضَلُ أَوْقَاتِهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، ثُمَّ فِي أَيِّ الْأَيَّامِ شِئْتُمْ، وَأَيَّ وَقْتٍ صَلَّيْتُمْ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ فَهُوَ جَائِزٌ، وَالْقُنُوتُ فِيهَا مَرَّتَانِ، فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَفِي الرَّابِعَةِ. (2)

1135. الكافي عن إسحاق بن عمار: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: من صلى صلاة جعفر كتب الله عز وجل له من الأجر مثل ما قال رسول الله صلى الله عليه وآله ليجعفر؟ قال: إي والله. (3)

1136. الإمام الصادق عليه السلام: صل صلاة جعفر في أي وقت شئت من ليل أو نهار، وإن شئت حسبت بها من نوافل الليل، وإن شئت حسبت بها من نوافل النهار؛ تحسب لك من 2.

ص: 818

-
- 1- .مصباح المتهجد: ص 311 ح 419 و 420، فتح الأبواب: ص 276، جمال الأسبوع: ص 188، البلد الأمين: ص 150، المصباح للكفعمي: ص 537 نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 91 ص 200 ح 4.
 - 2- .الاحتجاج: ج 2 ص 587 ح 357، بحار الأنوار: ج 91 ص 205 ح 10.
 - 3- .الكافي: ج 3 ص 467 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 188 ح 426، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 554 ح 1537 نحوه، وسائل الشيعة: ج 5 ص 195 ح 10072.

که به منتهای ثنای تو رسد؟! تو را تمجید می کنم، و کجا مخلوق تو می تواند به عمق شناخت مجد و عظمت تو نایل آید؟! کی بوده است که تو به فضلت ستوده نشده باشی، و به مجد و بزرگی موصوف نباشی، و از سر بردباری ات، به جانب گنهکاران باز نگشته باشی؟! ساکنان زمینت از اطاعت تو سر باز زدند؛ ولی تو به جود خود، آنان را نواختی و به فضلت بر ایشان سخاوت نمودی و به کرمیت سودشان رساندی.

ای آن که معبودی جز تو نیست و بنده پرور و شکوهمند و صاحب ارجمندی هستی!..

و به من فرمود: «ای مفضّل! هنگامی که حاجت مهمّی داری، این نماز را بخوان و این دعا را بکن و حاجتت را بخواه، که خداوند، حاجتت را روا می کند- إن شاء الله- و اعتماد بر اوست».

1134. الاحتجاج - به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، در نامه ای که به امام زمان علیه السلام نوشت و در آن، مسئله هایی را پرسید: - و از نماز جعفر [طیار] پرسید [م] که: چه وقتی بهتر است خوانده شود؟ و آیا در آن، قنوت هست؟ و اگر هست، در کدام رکعت آن هست؟

امام علیه السلام پاسخ داد: «بهترین وقت آن، اول روز جمعه است و سپس در هر روز و هر وقتی که از شب و روز خواندی، جایز است و دو قنوت دارد: در رکعت دوم، قبل از رکوع و در رکعت چهارم».

1135. الکافی - به نقل از اسحاق بن عمّار - به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا هر کس نماز جعفر بخواند، خداوند عز و جل برایش به همان مقدار که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جعفر فرمود، ثواب می نویسد؟ فرمود: «آری، به خدا سوگند».

1136. امام صادق علیه السلام: نماز جعفر [طیار] را در هر زمانی از اوقات شبانه روز که خواستی، بخوان و اگر خواستی، آن را از نمازهای نافله شب و اگر خواستی از نافله های روز

نَوَافِلِكَ وَتَحَسَّبُ لَكَ مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

1137. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ مُسْتَعَجِلاً يُصَلِّي صَلَاةَ جَعْفَرٍ مُجَرَّدَةً، ثُمَّ يَقْضِي التَّسْبِيحَ وَهُوَ ذَاهِبٌ فِي حَوَائِجِهِ. (2)

1138. كتاب من لا يحضره الفقيه عن عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ: كَتَبْتُ إِلَى الْمَاضِي الْأَخِيرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ تَعَجَّلَهُ عَنِ الرَّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ حَاجَةً أَوْ يَقْطَعُ ذَلِكَ لِحَادِثٍ يَحْدُثُ؛ أَيْجُوزُ لَهُ أَنْ يُتِمَّهَا إِذَا فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِ وَإِنْ قَامَ عَنْ مَجْلِسِهِ، أَمْ لَا يَحْتَسِبُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَسْتَأْنِفَ الصَّلَاةَ وَيُصَلِّيَ الْأَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كُلَّهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ؟

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَى؛ إِنْ قَطَعَهُ عَنِ ذَلِكَ أَمْرٌ لِأَبْدَلِهِ مِنْهُ فَلْيَقْطَعْ، ثُمَّ لِيَرْجِعْ فَلْيَبِينِ عَلَيَّ مَا بَقِيَ مِنْهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (3)

16/15 صَلَاةُ الْأَعْرَابِيِّ

1139. مصباح المتهجد عن زيد بن ثابت: أتى رَجُلٌ مِنَ الْأَعْرَابِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ:

يَأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا نَكُونُ فِي هَذِهِ الْبَادِيَةِ بَعِيداً مِنَ الْمَدِينَةِ وَ لَا نَقْدِرُ أَنْ نَأْتِيكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، فَذَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ فِيهِ فَضْلٌ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ إِذَا مَضَيْتُ إِلَى أَهْلِي خَبَّرْتُهُمْ بِهِ. 4.

ص: 820

1- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 554 ح 1539، وسائل الشيعة: ج 5 ص 201 ح 10090.

2- . الكافي: ج 3 ص 466 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 187 ح 424 كلاهما عن أبان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 554 ح 1540 عن أبي بصير نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 207 ح 11.

3- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 554 ح 1538، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 309 ح 957 نحوه، منتقى الجمال: ج 2 ص 273، بحار الأنوار: ج 91 ص 213 ذيل ح 14.

حساب کن که برایت هم از نافله هایت حساب می شود و هم نماز جعفر.

1137. امام صادق علیه السلام: هر کس عجله دارد، نماز جعفر [طیار] را جدا بخواند و سپس تسیحات آن را در همان حالی بگوید که در پی کار خود می رود.

1138. کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از علی بن ریّان - به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و از ایشان پرسیدم: مردی دو رکعت از نماز جعفر را خوانده و برای رفع حاجتی عجله داشته و یا به سبب پیشامدی، ادامه نماز [و خواندن دو رکعت دیگر] را گسسته است. آیا برایش جایز است که چون از حاجتش فارغ شد، همان نماز را با آن که از جایش برخاسته است [ادامه بدهد و] به اتمام برساند، یا آن که دو رکعت اول را حساب نکند و نماز را از سر بگیرد و چهار رکعت را یک جا [و پشت سر هم] بخواند؟

امام علیه السلام در پاسخ نگاشت: «آری [می تواند ادامه دهد]. اگر کاری که از انجامش ناگزیر است، او را از نمازش جدا کرد، آن را قطع کند [و به کارش پردازد] و سپس بازگردد و دو رکعت باقی مانده را به جا آورد، این شاء الله.

16/15 نماز اعرابی

1139. مصباح المتهجد - به نقل از زید بن ثابت -: عربی صحرائشین نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر و مادرم فدایت باد، ای پیامبر خدا! ما در این صحرا از مدینه دور هستیم و نمی توانیم هر جمعه نزد شما بیاییم. مرا به عملی راه نمایی کن که در آن، فضیلت نماز جمعه باشد و چون به نزد خاندانم باز گشتم، آنها را از آن باخبر کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که روز بالا آمد، دو رکعت نماز می گزاری که در رکعت اول، یک بار حمد و هفت بار سوره فلق را می خوانی و در رکعت دوم، یک

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ ارْتِفَاعُ النَّهَارِ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكَعَةِ الْحَمْدِ مَرَّةً وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، وَ تَقْرَأُ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ مَرَّةً وَ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا سَلَّمْتَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ ثَمَانِ رَكَعَاتٍ بِتَسْلِيمَتَيْنِ، وَاقْرَأْ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ مِنْهَا الْحَمْدَ مَرَّةً وَ «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» مَرَّةً وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خَمْسًا وَ عَشْرِينَ مَرَّةً، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَقُلْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» سَبْعِينَ مَرَّةً. (1)

17/15 صَلَاةُ الْإِسْتِسْقَاءِ

1140. الكافي: قَالَ مَرَّةً مَوْلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ: صَاحَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ، فَقَالَ لِي: انْطَلِقْ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّهُ مَا رَأَيْكَ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ صَاحُوا إِلَيَّ.

فَأْتَيْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ، فَقَالَ لِي: قُلْ لَهُ: فَلْيَخْرُجْ. قُلْتُ لَهُ: مَتَى يَخْرُجُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ. قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ:

يُخْرِجُ الْمِنْبَرَ، ثُمَّ يَخْرُجُ يَمْشِي كَمَا يَمْشِي يَوْمَ الْعِيدَيْنِ، وَبَيْنَ يَدَيْهِ الْمُؤَدُّونَ فِي أَيْدِيهِمْ عَنزُهُمْ (2)، حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى الْمُصَلِّي يَصَلِّي بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَ لَا إِقَامَةٍ، ثُمَّ يَصْعَدُ الْمِنْبَرَ فَيَقْلِبُ رِدَاءَهُ فَيَجْعَلُ الَّذِي عَلَى يَمِينِهِ عَلَى يَسَارِهِ، وَالَّذِي عَلَى يَسَارِهِ عَلَى يَمِينِهِ، ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيَكْبِرُ اللَّهُ مَنَّةً تَكْبِيرَةً رَافِعًا بِهِ صَوْتَهُ، ثُمَّ.

ص: 822

- 1- . مصباح المتهجد: ص 317، جمال الأسبوع: ص 202، بحار الأنوار: ج 89 ص 383 ح 68.
- 2- . العنزة: عصاً أقصر من الرمح ولها زُجج [حديدية] من أسفلها (المصباح المنير: ص 432 «عنز»).

بار حمد و هفت بار سوره ناس را می خوانی و چون سلام دادی، هفت بار آیه الکرسی را می خوانی. سپس برخیز و هشت رکعت نماز با دو سلام بخوان و در هر رکعت آن، یک بار حمد و یک بار سوره نصر و بیست و پنج بار سوره توحید را می خوانی و چون از نماز فارغ شدی، هفتاد بار بگو: "پاک است خداوند یکتا، پروردگار عرش کریم! و هیچ نیرو و قدرتی جز از سوی خدای والای بزرگ نیست".

17/15 نماز طلب باران

1140. الکافی: مرّه، غلام آزاد شده محمد بن خالد، گفت: اهالی مدینه، محمد بن خالد را برای خواندن نماز باران فرا خواندند. او به من گفت: نزد امام صادق علیه السلام برو و از او بپرس:

نظرتان چیست، که اینان مرا فرا خوانده اند؟

من نزد امام علیه السلام رفتم و به ایشان گفتم. به من فرمود: «به او بگو: بیرون برو [و نماز را بخواند]»

به ایشان گفتم: فدایت شوم! کی بیرون رود؟

فرمود: «روز دوشنبه».

گفتم: چگونه؟

فرمود: «منبر را بیرون می فرستد و سپس خود بیرون می آید و پیاده می رود، همان گونه که در دو روز عید [قربان و فطر برای نماز] پیاده می رود، و پیش رویش، اذان گویان می روند، در حالی که عصاهایشان را به دست دارند، تا آن که به جایگاه نماز می رسد و دو رکعت نماز بدون اذان و اقامه با مردم به جماعت می خواند و آن گاه بر بالای منبر می رود و ردایش را پشت و رو می کند و سمت راستش را بر [دوش] چپش و آن گوشه را که بر سمت چپش است، روی [دوش] راستش می اندازد. سپس رو به قبله می کند و خداوند را بزرگ می دارد و با صدای بلند، صد بار "الله اکبر" می گوید.

سپس از سمت راست به مردم توجه می کند و خداوند را تسبیح می کند و با صدای بلند، صد بار "سبحان الله" می گوید. آن گاه از سمت چپش به مردم روی می کند و

يَلْتَفِتُ إِلَى النَّاسِ عَنِ يَمِينِهِ فَيَسَبِّحُ اللَّهَ مَدَّةً تَسْبِيحَةً رَافِعاً بِهِ صَوْتَهُ، ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى النَّاسِ عَنِ يَسَارِهِ فَيَهْلِلُ اللَّهَ مَدَّةً تَهْلِيلَةً رَافِعاً بِهِ صَوْتَهُ، ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ النَّاسَ فَيَحْمَدُ اللَّهَ مَدَّةً تَحْمِيدَةً، ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فَيَدْعُو ثُمَّ يَدْعُونَ؛ فَأَنِّي لَأَرْجُو أَنْ لَا يَخِيَّبُوا.

قَالَ: فَفَعَلَ، فَلَمَّا رَجَعْنَا جَاءَ الْمَطَرُ، قَالُوا: هَذَا مِنْ تَعْلِيمِ جَعْفَرٍ.

وَفِي رِوَايَةٍ يُؤَنَسُ: فَمَا رَجَعْنَا حَتَّى أَهَمَّتْنَا أَنْفُسُنَا. (1)

1141. الكافي عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ، فَقَالَ: مِثْلُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ؛ يَقْرَأُ فِيهَا وَيُكَبِّرُ فِيهَا كَمَا يَقْرَأُ وَيُكَبِّرُ فِيهَا، يَخْرُجُ الْإِمَامُ وَيَبْرُزُ إِلَى مَكَانٍ نَظِيفٍ فِي سَكِينَةٍ وَوَقَارٍ وَخُشُوعٍ وَمَسْكَنَةٍ، وَيَبْرُزُ مَعَهُ النَّاسُ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ وَيُؤَمِّجُهُ وَيُثْنِي عَلَيْهِ وَيَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ، وَيُكَثِّرُ مِنَ التَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ، وَيُصَلِّي لِي مِثْلَ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ رَكَعَتَيْنِ فِي دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ وَاجْتِهَادٍ، فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَلْبَ تَوْبِهِ وَجَعَلَ الْجَانِبَ الَّذِي عَلَى الْمَنْكِبِ الْأَيْمَنِ عَلَى الْأَيْسَرِ وَالَّذِي عَلَى الْأَيْسَرِ عَلَى الْأَيْمَنِ؛ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَذَلِكَ صَنَعَ. (2)

18/15 صَلَاةُ الْحَاجَةِ

1142. الكافي عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي ذُو عِيَالٍ، وَعَلَيَّ دَيْنٌ، وَقَدْ اشْتَدَّتْ حَالِي، فَعَلَّمْنِي دُعَاءً أَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ، لِيَرْزُقَنِي مَا أَقْضِي بِهِ دَيْنِي، وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي. 3.

ص: 824

1- الكافي: ج 3 ص 462 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 149 ح 322، بحار الأنوار: ج 47 ص 232 ح 20، وراجع مصباح المتهجد: ص 526.

2- الكافي: ج 3 ص 463 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 149 ح 323، منتقى الجمان: ج 2 ص 275، بحار الأنوار: ج 91 ص 292 ح 1 وراجع دعائم الإسلام: ج 1 ص 203.

خداوند را یگانه می شمرد و با صدای بلند و صد بار "لا إله إلا الله" می گوید و سپس رو به مردم می کند و خدا را می ستاید و صد بار "الحمد لله" می گوید و سپس دستاش را بالا می برد و دعا می کند و سپس مردم دعا می کنند، و من امید دارم که ناکام نشوند».

محمد بن خالد چنین کرد و هنگامی که باز می گشتیم، باران آمد. آنها گفتند: این از آن آموزش جعفر [صادق علیه السلام] بود.

در روایت یونس [راوی دیگر این حدیث] آمده است: و باز نگشتیم تا آن که اندیشناك [خیس شدن] خود شدیم.

1141. الکافی - به نقل از هشام بن حکم - از ایشان (امام صادق علیه السلام) در باره نماز باران پرسیدم. فرمود: «مانند نماز دو عید [فطر و قربان] است. در آن، قرائت [قرآن] می کند و تکبیر می گوید، همان گونه که [در نماز عید] قرائت می کند و تکبیر می گوید. امام جماعت بیرون می آید و به جایگاهی تمیز و همراه با آرامش و وقار و فروتنی و افتادگی می رود و مردم نیز همراه او بیرون می آیند، و او خدا را می ستاید و بزرگ می شمارد و ثنایش می گوید و در دعا می کوشد و تسبیح و تهلیل و تکبیر فراوان می گوید و دو رکعت نماز، مانند نماز عید فطر و قربان، با دعا و درخواست و کوشش می خواند و چون امام سلام داد، لباسش را بر می گرداند و آن سویش را که بر دوش راستش است، روی دوش چپ و آن را که روی دوش چپ است، روی دوش راست می اندازد، که پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه کرد».

18/15 نماز حاجت

1142. امام باقر علیه السلام: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من عیالوار و بدهکارم و وضعیتم سخت شده است. دعایی به من بیاموز که خداوند عز و جل را با آن بخوانم تا به من روزی دهد و با آن، بدهی ام را بپردازم و به خانواده ام یاری برسانم.

ص: 825

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، تَوَضَّأْ وَأَسْبِغْ وَضُوءَكَ، ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ تُتِمُّمُ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، ثُمَّ قُلْ:

يَا مَاجِدُ، يَا وَاحِدُ، يَا كَرِيمُ، يَا دَائِمُ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ، أَنْ تَصَدَّقَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةً كَرِيمَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ، وَفَتْحاً يَسِيراً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، اللَّهُمَّ بِهِ شَدَّ عَثِي (1)، وَأَقْضِي بِهِ دِينِي، وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي. (2)

1143. المعجم الصغير عن عثمان بن حنيف عن رسول الله صلى الله عليه وآله - لِقَضَاءِ الْحَوَائِجِ -: إِيَّتِ الْمِيضَانَةُ فَتَوَضَّأْتُ، ثُمَّ أَنْتِ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي»، وَتَذَكَّرُ حَاجَتَكَ. (3)

1144. الدعوات: رُوِيَ أَنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ بِرَجُلٍ وَهُوَ قَاعِدٌ عَلَى بَابِ رَجُلٍ، فَقَالَ لَهُ: مَا يَقْعِدُكَ عَلَى بَابِ هَذَا الْمُتَرَفِّ الْجَبَّارِ؟ فَقَالَ: الْبَلَاءُ. قَالَ: قُمْ فَأَرِشِدْكَ إِلَى بَابِ خَيْرٍ مِنْ بَابِهِ، وَإِلَى رَبِّ خَيْرٍ لَكَ مِنْهُ.

فَأَخَذَ يَبْدُوهُ حَتَّى انْتَهَى بِهِ إِلَى الْمَسْجِدِ - مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - ثُمَّ قَالَ: اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأْتِنِ عَلَى اللَّهِ، وَصَلِّ عَلَى 8.

ص: 826

- 1- .تُلْمُّ بِهَا شَعْبِي: أَي تَجْمَعُ بِهَا مَا تَفَرَّقَ مِنْ أَمْرِي (النهاية: ج 2 ص 478 «شعث»).
- 2- .الكافي: ج 2 ص 552 ح 6 و ج 3 ص 473 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 311 ح 966 عن ابن أبي حمزة وفيه «الرضا» بدل «النبي» و«يا ابن رسول الله» بدل «يا رسول الله»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 129 ح 2337، بحار الأنوار: ج 91 ص 360.
- 3- .المعجم الصغير: ج 1 ص 183، المعجم الكبير: ج 9 ص 31 ح 8311، الدعاء للطبراني: ص 320 ح 1050، عمل اليوم والليلة للنسائي: ص 429 ح 658 نحوه، سبل الهدى والرشاد: ج 12 ص 407، المجمع الزوائد: ج 2 ص 565 ح 3668.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای بنده خدا! وضو بگیر و کامل و شاداب هم وضو بگیر».

سپس دو رکعت نماز بخوان که در آن رکوع و سجود را کامل به جا می آوری و آن گاه بگو: «ای بشکوه، ای یگانه، ای بزرگوار، ای جاوید! با محمد، پیامبرت، پیامبر رحمت، به تو روی آورده ام. ای محمد، ای فرستاده خدا! با همراهی تو، به خدایت روی آورده ام؛ خدای تو و خدای من و خدای هر چیز، که بر محمد و خاندانش درود فرستی و نسیمی از نسیم های رحمتت را از تو می خواهم و گشایشی آسان و روزی گسترده تا پریشانی ام را با آن سامان دهم و بدهی ام را با آن پردازم و خانواده ام را با آن یاری دهم».

1143. المعجم الصغیر - به نقل از عثمان بن حنیف از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای برآورده شدن حاجت ها - به وضو خانه برو و وضو بگیر و سپس به مسجد برو و دو رکعت نماز در آن بخوان و آن گاه بگو: «خدایا! من از تو می خواهم و با همراهی پیامبر مان، پیامبر رحمت، به تو روی کرده ام. ای محمد! من به همراهی تو، به خدای عز و جل روی می آورم تا حاجتم را برآورده کند»، و حاجتت را ذکر می کنی.

1144. الدعوات: روایت شده که امام زین العابدین علیه السلام بر مردی گذشت که بر در خانه مردی نشسته بود. به او فرمود: «چه چیزی تورا بر در خانه این ثروتمند خوش گذران متکبر نشانده است؟».

مرد گفت: گرفتاری.

امام علیه السلام فرمود: «برخیز تا تورا به درگاهی بهتر از درگاه او و صاحبی که برایت بهتر از اوست، راه نمایی کنم».

امام علیه السلام دست او را گرفت و به مسجد (مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) آورد و سپس فرمود: «رو به قبله، دو رکعت نماز بخوان و آن گاه دستانت را به سوی خدای عز و جل بالا ببر و خدا را بستای و بر فرستاده اش صلی الله علیه و آله درود فرست و سپس آخر [سوره] حشر و

ص: 827

رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ ادْعُ بِأَخْرِ الْحَشْرِ، وَسِتِّ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْحَدِيدِ، وَبِالْآيَتَيْنِ اللَّتَيْنِ فِي آلِ عِمْرَانَ (1)، ثُمَّ سَلِ اللَّهَ سُبْحَانَهُ؛ فَإِنَّكَ لَا تَسْأَلُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاكَ. (2)

1145. الإمام الباقر عليه السلام: إذا أردتَ أمراً تسألهُ ربُّكَ فتوصَّ وأحسِّنِ الوضوءَ، ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَعَظِّمِ اللَّهَ، وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقُلْ بَعْدَ التَّسْلِيمِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ، وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ، وَبِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي، اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ».

ثُمَّ سَلِ حَاجَتَكَ. (3)

1146. الإمام الصادق عليه السلام -في صلاة الحاجة-: إذا مضى ثلث الليل فقم وصل ركعتين بسورة الملك وتنزيل السجدة، ثم ادعُ وقُل: «يا رَبِّ! قَدْ نَامَتِ الْعُيُونُ، وَغَارَتِ النُّجُومُ، وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَنْ يُوَارِيَ عَنْكَ لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ، وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ، وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، يَا صَرِيحَ (4) الْأَبْرَارِ وَغِيَاثِ الْمُسْتَغِيثِينَ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ لِي حَاجَةً كَذَا وَكَذَا، وَلَا تَرُدَّنِي خَائِباً وَلَا مَحْرُوماً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»، فَإِنَّهَا فِي قَضَاءِ الْحَاجَاتِ كَالْأَخْذِ بِالْيَدِ (5). (6)0.

ص: 828

1- قال الراوندي رحمه الله: لعل المراد بالآيتين آية الملك [«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ...»]. أقول: لأنهما آيتان يقال لهما آية على إرادة الجنس. ويحتمل أن يكون المراد هي وآية «شَهِدَ اللَّهُ...» (بحار الأنوار: ج 91 ص 375).

2- الدعوات: ص 55 ح 138، بحار الأنوار: ج 91 ص 375 ح 32.

3- الكافي: ج 3 ص 478 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 971 كلاهما عن شرحبيل الكندي وراجع اقبال الاعمال: ج 3 ص 174.

4- الصريح: المغيث (الصحاح: ج 1 ص 426 «صرخ»).

5- كالأخذ باليد: أي في سرعة الإجابة كأن تمد يدك إلى شيء فتأخذه.

6- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 130 ح 2338، بحار الأنوار: ج 91 ص 361 ح 20.

شش آیه اول [سوره] حدید را بخوان و نیز دو آیه ای که در سوره آل عمران است. (1)

آن گاه از خدای سبحان بخواه، که تو چیزی نمی خواهی، جز آن که به تو می دهد».

1145. امام باقر علیه السلام: هنگامی که خواستی، چیزی را از خدایت بخواهی، وضو بگیر و خوب وضو بگیر و سپس دو رکعت نماز بخوان و خدا را بزرگ بشمار و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و پس از سلام دادن، بگو: «خدایا! از تو می خواهم به خاطر این که تو فرمان روایی و بر همه کارها توانا و نیرومندی و هر چه بخواهی، می شود. خدایا! با همراهی پیامبرت، پیامبر رحمت، به تو روی آورده ام. ای محمد، ای فرستاده خدا! من با تو، به خداوند، پروردگار تو و پروردگار من، روی آورده ام تا خواستم را بر آورد. خدایا! به پیامبرت، به محمد، خواسته مرا بر آورده کن». سپس حاجت را درخواست کن.

1146. امام صادق علیه السلام - در بیان نماز حاجت - هنگامی که يك سوم شب سپری شد، برخیز و دو رکعت نماز با سوره های «مُلک» و «سجده» بگزار. سپس خدا را بخوان و بگو:

«ای پروردگار من! چشم ها خوابیده و ستارگان، ناپیدا شده اند و تو زنده و برپایی. نه چُرت، تو را فرا می گیرد و نه خواب، نه شب تار از تو پوشیده می ماند و نه آسمان بُرجدار و نه زمین هموار و نه دریای ژرف و نه تاریکی های تو در تو.

ای فریادرس نیکان و یاری رسان یاری خواهان! از رحمت یاری می خواهم. بر محمد و خاندانش درود فرست و فلان حاجتم را بر آورده کن و مرا ناکام و محروم، باز نگردان، ای مهربان ترین مهربانان!».

این نماز و دعا برای بر آورده شدن حاجت ها، مانند گرفتن با دست [نقد و فوری] است. د.

ص: 829

1- راوندی می گوید: شاید، مراد از دو آیه، آیه ملک (آیه 26-27 سوره آل عمران) باشد. علامه مجلسی این سخن را تأیید کرده و احتمال داده که آن آیه و آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...» یعنی آیه هجدهم سوره، مقصود باشد.

1147. المصباح للكفعمي: صَلَاةُ هَدِيَّةِ الْمَيِّتِ لَيْلَةَ الدَّفْنِ رَكَعَتَانِ؛ فِي الْأُولَى الْحَمْدُ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَالْقَدْرُ عَشْرًا، فَإِذَا سَلَّمَ قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ.

وفي رواية اخرى:

بَعْدَ الْحَمْدِ التَّوْحِيدُ مَرَّتَيْنِ فِي الْأُولَى وَفِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ الْحَمْدِ التَّكَاثُرُ عَشْرًا. (1)

20/15 الصَّلَاةُ الَّتِي تُهْدَى إِلَى النَّبِيِّ 9 وَأَهْلِ الْبَيْتِ:

1148. جمال الأسبوع عن أحمد بن عبد الله البجلي بإسناد رفعه إليهم صلوات الله عليهم، قال: مَنْ جَعَلَ ثَوَابَ صَلَاتِهِ لِرَسُولِ اللَّهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّاهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ، أضعَفَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ صَلَاتِهِ أَضعَافاً مُضَاعَافَةً حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ، وَيُقَالُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ رُوحُهُ عَنْ جَسَدِهِ: يَا فُلَانُ، هَذِهِ دِيَّتُكَ إِلَيْنَا وَالطَّافُكُ لَنَا، فَهَذَا يَوْمٌ مُجَازَاتِكَ وَمُكَافَاتِكَ، فَطَبِّبْ نَفْسًا وَقَرِّ عَيْنًا بِمَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ، وَهَنِيئًا لَكَ بِمَا صَبَرْتَ إِلَيْهِ.

قال: قُلْتُ: كَيْفَ يُهْدَى صَلَاتُهُ وَيَقُولُ؟ قال: يَنْوِي ثَوَابَ صَلَاتِهِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَوْ (2) أَمَكَّنَهُ أَنْ يَزِيدَ عَلَى صَلَاةِ الْخَمْسِينَ شَيْئًا وَلَوْ رَكَعَتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَيُهْدِيهَا إِلَيْهِ.

ص: 830

1- المصباح للكفعمي: ص 541، البلد الأمين: ص 164، بحار الأنوار: ج 91 ص 219 ح 5 نقلاً عن الموجز لابن فهد.

2- في بحار الأنوار: «وإن».

1147. المصباح، کفعمی: نماز هدیه به مرده در شب خاک سپاری، دو رکعت است. در رکعت اول، حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم، حمد و ده مرتبه [سوره] قدر را می خواند، و چون سلام می دهد، می گوید: «خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و پاداش آن را به قبر فلانی روانه کن».

و در نقلی دیگر: پس از حمد، دو بار سوره توحید را در رکعت اول [می خوانی] و در رکعت دوم، پس از حمد، ده بار سوره تکاثر را.

20/15 نمازهای هدیه به پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام)

1148. جمال الأسبوع - به نقل از احمد بن عبد الله بجلی که حدیث را با سندش به امامان علیهم السلام می رساند - فرمود: «هر کس پاداش نمازش را برای فرستاده خدا و امیر مؤمنان و اوصیای پس از او - که درودها و سلام خداوند بر همه ایشان باد - قرار دهد، خداوند، پاداش نمازش را چندین و چند برابر و تا هنگامی که جان دارد، به او می دهد و پیش از آن که جان از بدنش بیرون رود، به او گفته می شود: "ای فلان! هدیه ات و لطف هایت به ما رسیده است، و امروز روز جبران و پاداش ما به توست».

آسوده خاطر باش و چشمت به آنچه خداوند برایت آماده کرده است، روشن باشد و آنچه را به سوی آن ره سپاری، گوارایت باشد».

گفتم: نمازش را چگونه هدیه بدهد و چه بگوید؟

فرمود: «نیت می کند پاداش نمازش برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باشد و اگر برایش ممکن بود، هر روز، چیزی حتی دو رکعت بر پنجاه رکعت نمازش [که اعم از واجب و نافله هر شبانه روز می خواند] بیفزاید و آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام هدیه دهد».

وَاحِدٍ مِنْهُمْ، يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى مِثْلَ افْتِتَاحِ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ بِسَبْعِ تَكْبِيرَاتٍ أَوْ ثَلَاثِ مَرَّاتٍ أَوْ مَرَّةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ، وَيَقُولُ بَعْدَ تَسْبِيحِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ» فِي كُلِّ رَكْعَةٍ، فَإِذَا شَهِدَ وَسَلَّمَ قَالَ:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَبْلِغْهُمْ مِنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَأَبْلِغْهُ إِيَّاهَا عَنِّي، وَأَثْبِنِي عَلَيْهَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ صَدِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَأَوْلِيَاءِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

مَا يُهْدِيهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُدْعَى بِالِدُّعَاءِ إِلَى قَوْلِكَ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَوَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي، وَأَبْلِغْهُ إِيَّاهُمَا عَنِّي، وَأَثْبِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَأَوْلِيَاءِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

مَا يُهْدِيهِ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّكِيَّةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَأَبْلِغْهَا إِيَّاهُمَا عَنِّي، وَأَثْبِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي

نماز را در رکعت اول، مانند آغاز نمازهای واجب با هفت یا سه یا یک تکبیر در هر رکعت آغاز می کند و در هر رکعت، پس از تسبیح رکوع و سجود، سه مرتبه می گوید: "خداوند بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش درود فرستد".

و چون تشهد گفت و سلام داد، بگوید: "خدایا! تو سلامی و سلامت از توست.

ای باشکوه و گرامی! بر محمد و خاندان پاک، پاکیزه و برگزیده اش درود فرست و بهترین درود و سلام را از سوی من به ایشان برسان. خدایا! این رکعات، هدیه ای از من به بنده و پیامبر و فرستاده ات، محمد بن عبد الله، است؛ خاتم پیامبران و سرور فرستادگان. خدایا! آن را از من بپذیر و از طرف من به او برسان و در برابرش، به من پاداش بده به برترین امید و آرزویم به تو و به پیامبرت- که درودهایت بر او و خاندانش باد- و [به] وصی پیامبرت، و فاطمه زهرا، دختر پیامبرت، و حسن و حسین، نوه های پیامبرت، و اولیای از نسل حسین علیه السلام، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!".

آنچه را به امیر مؤمنان علیه السلام هدیه می دهد، دعا خوانده می شود تا این که می گویی:

"خدایا! این دو رکعت هدیه من به بنده ات و ولایت، و پسرعموی پیامبرت، و وصی او، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام است. خدایا! آن را از من بپذیر و از طرف من به او برسان و در برابرش به من پاداش بده به برترین امید و آرزویم به تو و به پیامبرت- که درودهایت بر او و خاندانش باد- و [به] وصی پیامبرت، و فاطمه زهرا، دختر پیامبرت، و حسن و حسین، نوه های پیامبرت، و اولیای از نسل حسین علیه السلام، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!".

آنچه را به فاطمه علیها السلام هدیه می دهد، می گوید: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به طاهره مطهره، پاک پاکیزه، فاطمه، دختر پیامبرت، است. خدایا! آن را از من بپذیر و از طرف من به او برسان و در برابرش به من پاداش بده به برترین امید و آرزویم به

وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ صَ لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَصِيِّي نَبِيِّكَ، وَالطَّيِّبَةَ الطَّاهِرَةَ فَاطِمَةَ بِنْتَ نَبِيِّكَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سِ بَطِي نَبِيِّكَ، يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

ما يُهْدِيهِ إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَأَبْلِغْهُ
إِيَّاهُمَا، وَأَثْبِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

ما يُهْدِيهِ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سِ بَطِ نَبِيِّكَ، الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ، الزَّكِيِّ الرَّضِيِّ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
الْمُجْتَبِيِّ»، وَيَأْتِي بِالذُّعَاءِ إِلَى آخِرِهِ: «يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

ما يُهْدِيهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سِ بَطِ نَبِيِّكَ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلَيْهِمَا
السَّلَامِ»، وَيَأْتِي بِالذُّعَاءِ إِلَى آخِرِهِ: «يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ» ثَلَاثًا.

ما يُهْدِيهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سِ بَطِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَمِكَ»، وَيَأْتِي بِالذُّعَاءِ إِلَى
آخِرِهِ: «يَا وَلِيَّ»

تو و به پیامبرت-که درودهایت بر او و خاندانش باد-و [به] وصی پیامبرت، و فاطمه زهرا، دختر پیامبرت، و حسن و حسین، نوه های پیامبرت، و اولیایت از نسل حسین علیه السلام، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!".

آنچه به [امام] حسن علیه السلام هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده و فرزند بنده ات، و ولی و فرزند ولایت، حسن پسر علی پسندیده است. خدایا! آن را از من بپذیر و از طرف من به آن دو برسان و در برابرشان به من پاداش بده به برترین امید و آرزویم به تو و به پیامبرت و [به] ولایت و پسر ولایت، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!".

آنچه به حسین علیه السلام هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده و فرزند بنده ات، و ولی و فرزند ولایت، نوه پیامبرت، طیب و طاهر، پاک و پسندیده، حسین بن علی برگزیده است" و دعا را تا آخرش: "ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!" می خواند.

آنچه به زین العابدین هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده و فرزند بنده ات، و ولی و فرزند ولایت، نواده پیامبرت، زین العابدین علی بن الحسین، است" و دعا را تا آخرش: "ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!" می خواند.

آنچه به امام باقر علیه السلام هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده و فرزند بنده ات، و ولی و فرزند ولایت، نواده پیامبرت، محمد بن علی، شکافنده علمت، است"، و دعا را تا آخرش: "ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان، ای ولی مؤمنان!" می خواند.

المؤمنين» ثلاثاً.

ما يُهديه إلى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سَيِّدِ بَطْنِ نَبِيِّكَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»، وَيَقُولُ الدُّعَاءَ إِلَى آخِرِهِ: «يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ» ثلاثاً.

ما يُهديه إلى موسى بن جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سَيِّدِ بَطْنِ نَبِيِّكَ موسى بن جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَاِرِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ»، وَالدُّعَاءَ إِلَى آخِرِهِ: «يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ» ثلاثاً.

ما يُهديه إلى الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ موسى عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سَيِّدِ بَطْنِ نَبِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ موسى الرِّضَا ابْنِ المَرَضِيِّينَ»، وَالدُّعَاءَ إِلَى آخِرِهِ: «يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ» ثلاثاً.

ما يُهديه إلى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يَصِلَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَادْعُ بِالدُّعَاءِ إِلَى قَوْلِكَ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ، وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، سَيِّدِ بَطْنِ نَبِيِّكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ - ثلاثاً -». (1)

1149. مصباح المتهجد: صلاة الهدية ثمان ركعات؛ روي عنهم عليهم السلام أنه يصلي العبد في يوم 1.

ص: 836

1- . جمال الأسبوع: ص 29، بحار الأنوار: ج 91 ص 215 ح 1.

آنچه به صادق علیه السلام هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده ات و فرزند بنده ات، و ولایت و پسر ولایت، نوه پیامبرت، جعفر بن محمد صادق، است" و دعا را تا آخرش، سه بار: "ای ولی مؤمنان!" می خواند.

آنچه به موسی بن جعفر علیه السلام هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده و فرزند بنده ات، و ولایت و فرزند ولایت، نواده پیامبرت، موسی بن جعفر، وارث علم پیامبران، است" و دعا را تا آخرش: سه بار "ای ولی مؤمنان!" می خواند.

آنچه به علی بن موسی الرضا علیه السلام هدیه می دهد: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من است به بنده و فرزند بنده ات، و ولایت و فرزند ولایت، نواده پیامبرت، علی بن موسی الرضا علیه السلام، فرزند انسان های پسندیده" و دعا را تا آخرش: سه بار "ای ولی مؤمنان!" می خواند.

آنچه به محمد بن علی (امام جواد علیه السلام) و علی بن محمد (امام هادی علیه السلام) و حسن بن علی (امام عسکری علیه السلام) هدیه می دهد، همین گونه است تا به صاحب الزمان علیه السلام می رسد. پس همان دعا را تا این جا می خوانی: "خدایا! این دو رکعت، هدیه من به بنده و فرزند بنده ات، و ولایت و فرزند ولایت، نواده پیامبرت در زمین و حجت تو بر آفریدگانت است، "ای ولی مؤمنان!" (سه بار)».

1149. مصباح المتهجد: نماز هدیه، هشت رکعت است که از ایشان (اهل بیت علیهم السلام) روایت

الْجُمُعَةِ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، أَرْبَعًا تُهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَرْبَعًا تُهْدَى إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَيَوْمَ السَّبْتِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ تُهْدَى إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ كَذَلِكَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى وَاحِدٍ مِنَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْخَمِيسِ، أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ تُهْدَى إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَيْضًا ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، أَرْبَعًا تُهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ تُهْدَى إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، ثُمَّ يَوْمَ السَّبْتِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ تُهْدَى إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ كَذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْخَمِيسِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ تُهْدَى إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

الدُّعَاءُ بَيْنَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ مِنْهَا:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى وِلِيِّكَ فُلَانٍ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْهُ إِيَّاهَا، وَأَعْظِمِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِيهِ».

وَتَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (1)7.

ص: 838

1- . مصباح المتهجد: ص 322 ح 430، جمال الأسبوع: ص 34، الدعوات: ص 108 ح 243 نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 217.

شده است. بنده روز جمعه هشت رکعت نماز می خواند. چهار رکعت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدیه می شود و چهار رکعت به فاطمه علیها السلام، و روز شنبه، چهار رکعت نماز به امیر مؤمنان علیه السلام هدیه می شود و سپس همین گونه هر روز، [چهار رکعت] به هر يك از امامان علیهم السلام تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می شود.

سپس روز جمعه، دوباره هشت رکعت نماز می خواند. چهار رکعت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت به فاطمه علیها السلام هدیه می شود. سپس روز شنبه، چهار رکعت به موسی بن جعفر (امام کاظم) علیه السلام هدیه می شود و سپس همین گونه تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به صاحب الزمان علیه السلام هدیه می شود.

دعا میان هر دو رکعت از این نمازها [این گونه است]: خدایا! تو [خود] سلامی و سلام از توست و سلام به تو باز می گردد. تحیت گویی خودت را به ما- پروردگارا- سلام قرار بده. خدایا! این رکعات، هدیه من به فلان ولایت است. بر محمد و خاندانش درود فرست و اینها را به او برسان و برترین امید و آرزویم را در باره خودت و پیامبرت- که درودهایت بر او و خاندانش باد- و نیز صاحب الزمان، به من عطا کن».

و هر دعایی دوست داری بکن، إن شاء الله.

فهرست آیات 843

فهرست اعلام 853

فهرست جمعیت ها و قبیله ها 859

فهرست شهرها و مکان ها 863

فهرست زمان ها 865

فهرست غریب الحدیث 867

فهرست منابع و مأخذ 869

ص: 841

(1) فهرست آيات

حمد

-- آيه -- شماره آيه -- صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -- 1 -- 310,308,46,42----,316,314,312----,336,320,318----

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ -- 2 -- 210,46,42----,336,310,308----

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ -- 3 -- 336,212,42--

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ -- 4 -- 336,212--

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ -- 5 -- 810,808,212--

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ -- 6 -- 212--

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ -- 7 -- 212--

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ -- 7 -- 652,212,42--

بقرة

هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ -- 2 -- 180--

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ -- 3 -- 180,168--

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ -- 43 -- 594,252,138--

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ -- 45 -- 216--

ص: 843

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ -- 83 -- 20

فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ -- 152 -- 178

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ -- 153 -- 214

فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا -- 158 -- 659

وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ -- 158 -- 752

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ -- 186 -- 546

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى -- 238 -- 144,86,74

وَقَوْمُوا لِلَّهِ فَانْتَبِهَنَّ -- 238 -- 144

آل عمران

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ -- 39 -- 22

الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ -- 135 -- 198

اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ -- 200 -- 520

نساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ -- 43 -- 444

لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى -- 43 -- 596

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ -- 48 -- 198

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ -- 101 -- 659,655

فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ -- 101 -- 658,656

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا -- 103 -- 718,576,64

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ -- 110 -- 192

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ -- 142 -- 446

وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى -- 142 -- 446

مآئده

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ -- 5 -- 746

ص: 844

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ -- 6 -- 633

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَعَلْبًا -- 58 -- 728

انعام

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ -- 72 -- 138

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ -- 92 -- 144

اعراف

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا -- 23 -- 792

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ -- 31 -- 230، 232

وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ -- 170 -- 168

توبه

وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ -- 54 -- 446

يونس

وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمِ كَمَا -- 87 -- 20

قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَجِبَا -- 89 -- 794

أَقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا -- 105 -- 690

هود

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ -- 114 -- 74، 85، 96، 182، 184، 194، 198

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ -- 114 -- 182

يوسف

وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ -- 76 -- 544

ابراهيم

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ -- 37 -- 164،20

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي -- 40 -- 138

اسرا

اقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ -- 78 -- 76،85،74

وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا -- 78 -- 244،80،50

وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا -- 110 -- 304،302

وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا -- 110 -- 304

كهف

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ -- 28 -- 168

مريم

رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا -- 4 -- 794

وَاجْعَلْنِي مُبَارَكًا آتِينَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ -- 31 -- 20

وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا -- 31 -- 92

وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ -- 54 -- 164

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا -- 55 -- 164

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ -- 59 -- 716،724

أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا -- 59 -- 718

طه

طه -- 1 -- 620

ما أنزلنا عليك القرآن لِتَشْقَى -- 2 -- 620

وَحَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا-- 108 --284

وَأُمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا-- 132 --162,164,216

انبيا

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ-- 73 --20

مَسِّيَ الضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ-- 83 --792

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ-- 87 --794

يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ-- 90 --794

مؤمنون

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ-- 1 --282,268,716

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ-- 2 --282,268,716

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ-- 9 --752,708,144

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ-- 10 --144

فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ-- 76 --624

نور

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ-- 37 --168,146

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ-- 56 --138

عنكبوت

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ-- 45 --126,124

وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ-- 45 --178

روم

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ-- 17 --78

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا-- 30 --440

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ-- 31 --140

ص: 847

لقمان

يا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ -- 17 -- 164

صافات

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ -- 180 -- 528

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ -- 181 -- 528

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ -- 182 -- 528

زمر

يا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ -- 53 -- 546، 198

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً -- 53 -- 548

غافر

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ -- 60 -- 546

فاطر

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ -- 29 -- 168

فتح

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ -- 29 -- 168

ق

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ -- 16 -- 696

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ.... -- 37 -- 672

وَأَذْبَارِ السُّجُودِ -- 40 -- 772

طور

وَإِذَا رَأَى النُّجُومَ -- 49 -- 772

حديد

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ -- 16 -- 283

حشر

مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا -- 7 -- 62

قلم

إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ -- 4 -- 62

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ -- 43 -- 284

معارج

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ -- 23 -- 752، 754

جن

وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا -- 18 -- 410

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ -- 41 -- 138

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا -- 77 -- 138، 370

مزمل

فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ -- 20 -- 368

مدثر

فِي جَنَاتٍ يَسَاءَلُونَ -- 40 -- 746

عَنِ الْمُجْرِمِينَ -- 41 -- 746

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ -- 42 -- 716، 744، 746، ---- 748

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ -- 43 -- 716، 744، 748، 746----

قيامت

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى -- 31 -- 746

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى -- 32 -- 746

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى -- 33 -- 746

أَوْلَى لَكَ فَأُولَى -- 34 -- 746

ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأُولَى -- 35 -- 746

مرسلات

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ -- 47 -- 746

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ازْكُرُوا لَا يَرْكَعُونَ -- 48 -- 746

اعلى

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى -- 14 -- 398

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى -- 15 -- 398

غاشيه

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ -- 3 -- 592

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً -- 4 -- 592

فجر

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ -- 14 -- 142

شرح

فَإِذَا فَرَعْتَ فَانصَبْ -- 7 -- 502، 500

وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ -- 8 -- 502، 500

قدر

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ-- 1-- 44

معاون

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ-- 4-- 724,716,706

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ-- 5-- 724,718----,716,708,706

يُرَاؤْنَ-- 6-- 592

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ-- 7-- 592

كوثر

إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكُوثَرَ-- 1-- 622

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ-- 2-- 622

اخلاص

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ-- 1-- 46,44,42

اللَّهُ الصَّمَدُ-- 2-- 46,42

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ-- 3-- 46,42

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ-- 4-- 46,42

ص: 851

(2) فهرست اعلام

آدم عليه السلام 792،76،32،22

إبراهيم عليه السلام 812،796،792،788،530،396،394،318،316،66،56،48،33،24

إبراهيم بن عبد الحميد 512

إبراهيم (راوی) 641

إبليس 370،208،152،28،26

ابن أبي عمير 762

ابن اثير 725

ابن ادريس 495

ابن أمّ عبد 710

ابن براج 495

ابن جريج 641

ابن جنيد 497

ابن حنبل 653

ابن شهاب 636

ابن شهر آشوب 59،58،57

ابن عامر 638

ابن عباس 670،668،666،665،664،663،660،657،639،424

ابن عمر 661،660،657،641

ابن فارس 725،283

ابن قدامه 657

ابن كثير 638

ابن مسعود 710،254

ابن منذر 666

ابن منظور 725

أبو بصير 114

أبو بكر 660،648،638

أبو ثمامة عمرو بن عبد الله الصّاندي 678

أبو جعفر الباقر عليه السلام 68،70،74،158،242،322،338،360،368،382،392،633،659،688،690،750،776،

770،752

أبو حازم 647،646

أبو الحسن عليه السلام 642

أبو الحسن علي بن محمد الهادي عليه السلام 466،324

أبو الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام 764،600،396

أبو الحسن موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام 48،46،506،518،586،694،764،776

ص: 853

أبو حميد الساعدي 652،644،624

أبو حنيفة 696، 653،642،641،292،204

أبو داود 499

أبو الدرداء 256

أبو ذر الغفاري 586،584،520،274، 208،180،172،142

أبو سعيد خدرى 636

أبو سليمان مالك بن الحويرث 374

أبو طالب عليه السلام 38

أبو العالية 424

أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام 62،60،72،80،92،102،122،144،146، 158،204،234،238،244،292،
490،476،454،444، ، 400،388،386،382،372،362 ، 350،338،332،330،328،324 ، 316،314،310،308،302،300
822،818، ، 770،766،762،760،746،744 ، 732،720،696،692،690،682 ، 652،568،564،562،516،502 ، 430،408
816،814،772

أبو عبد الله الحسين عليه السلام 678

أبو عمرو 638

أبو القاسم محمد صلى الله عليه وآله 736

أبو قتادة 624

أبو محمد (راوي) 732

أبو هارون المكفوف 484

أبو هريرة 665، 664،663،648،636،484

أبي بن كعب 530

أحمد صلى الله عليه وآله 100

احمد محمّد شاکر 666

إدریس علیه السلام 280,32,22

إسحاق علیه السلام 530,33

إسرافیل علیه السلام 530

إسماعیل علیه السلام 794,56,33

إسماعیل صادق الوعد (ابن حزقیل) 35

اعمی، سیّد علی اکبر 16

الإمام الباقر علیه السلام 798,659,655,653,645,640,635,633,285,33,10

الإمام الجواد علیه السلام 804

الإمام الرضا علیه السلام 802,766,704,702,698,466,246

الإمام زین العابدین علیه السلام 834,826,798,684,586,59,58

الإمام الصادق علیه السلام 800,774,726,692,661,652,644,498,432,292,287,284,278,111,72,34,32,18,12

727

الإمام العسکری علیه السلام 806,574

الإمام علیّ علیه السلام 790,744,661,660,645,392,378,376,342,298,285,284,256,248,228,114,110,57

770

الإمام الكاظم علیه السلام 800

الإمام المهدي علیه السلام 808

الإمام الهادي علیه السلام 804

أمّ أنس الإنصاریّة 140

أمّ حمیدة 732

أمير المؤمنين عليه السلام 13، 17، 40، 264، 266، 288، 376، 412، 414، 426، 428،

ص: 854

838.790.782.744.688.672 .648.548.546.544.516.430

أنس بن مالك 648.272.262.260

اويس قرن 16

أيوب عليه السلام 792

بحراني 496

بخاري 499

براء بن عازب 653

بكير 633

بلال 640

بهجت، محمدتقي 290.289.288 ،18.17.16.15.13

بيهقي 650.649.648

بيامبر خدا صلى الله عليه و آله 7.8.17.18.31.32.56.57.58.59.85.86.110.110.111.112.284.286.286.287.633،

660.654.653.648.647، ،646.644.643.642.640.640 ،638.637.637.636.635.634 ،632.494.385.356.345

667.666.665.664.663.661 ،647

جابر 178

جابر بن عبد الله 636

جبرئيل عليه السلام 22.38.57.59.60.62.75، ،96.100.102.170.236.240، ،254.312.396.480.530.560، ،712.714،

784.748 .672.640.622.568

جعفر بن أبي طالب (الطيار) عليه السلام 700.812، ،816.818.820.824،

جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام 316.450.468، ،690.690.790.836.838،

جميل 652

الحارث بن المغيرة النَّصْرِي 762

حبيب بن مظاهر 680

الحجّة القائم عليه السلام 808،790

الحسن بن عليّ بن أبي طالب عليهما السلام 834،832،792،790،678،674،584،544،230،154

الحسن بن عليّ العسكري عليهما السلام 836،806،790

الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليهما السلام 834،832،792،790،680،678،584،544

الحصين بن تميم 680

حفص 638

حلبى، محمد 652

حمّاد بن عيسى 652،644،410،408

حمران بن أعين 62،60

حمران مولى عثمان 636

حمزه 638

حواء 792

الحوراء الإنسيّة 676

الحوار العين 570،568،566،482،480،212،120

خديجة كبرا عليها السلام 57،38

الخضر النبي عليه السلام 544

خطّابى 666

خليل بن احمد 282

خليل تهرانى، ميرزا حسين 16

خمينى، احمد 14

خمينی، روح الله 12، 14، 290

خوش نصیب، مرتضی 19

دارقطنی 641، 649

ص: 855

داوود النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام 794،606،35،26،24

دعبل 704

ذو التَّوْن 794

رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله 38،42،46،48،50،52،60،62،66،74،90،96،98،102،111،114،116،126،132،136،
146،148،152،162،164،170،184،190،196،198،206،214،234،236،240،242،252،254،276،298،308،310،
312،314،318،322،326،328،332،336،342،348،350،358،360،366،370،372،380،386،442،456،
390،400،424،434،462،484،490،502،516،520،522،524،530،532،534،536،538،542،544،552،554،558،
562،564،568،572،574،578،582،584،588،592،594،598،602،604،608،612،614،616،618،620،622،624،626،628،630،633،635،636،643،651،654،655،668،670،710،712،
714،720،722،732،736،740،742،758،760،762،770،778،780،812،818،820،822،826،838

روح القدس 62

زرارة 60،62،134،633،659

زكريّا عَلَيْهِ السَّلَام 35،36،92،794

زهري 650

زهير بن القين 680

زيد بن أرقم 584

زيد بن بن عليّ بن الحسين عليهما السلام 256

زيد بن ثابت 584

سالم بن عبد الله 484

سعد بن أبي وقاص 532

سعد [مؤدّن] 641

سعيد بن جبير 424

سعيد بن عبد الله الحنفي 680

سفيان بن عيينه 661

سَلَّار 495

سلمان الفارسي 654,584,184

سليمان بن داوود عليهما السلام 34

سهل بن سعد 647,646

سيوطي 650,649

شافعي 653,649

شاه آبادي 290

شبية الهذيل 528

شيخ بهايي 498,496

شيخ صدوق 645,497,113

شيخ طوسي 653,497,495

شيخ كليني 653

شيخ مفيد 495

الشيطان 810,718,708,550, 442,440,438,316,308,306, 290,289,266,258,252,202, 146,120,78,14,13,8

458

صاحب الزمان عليه السلام 838,836,818,506

طبرسي 726

عائشة 648,620,618,614,488

عاصم 638

عباد بن تميم 635

عبد الله بن زبير 648

عبد الله بن شقيق 663

عبد الله بن عمر 648،636

عبد الله بن عمرو بن العاص 637،636،635

عبد الله بن مسعود 648،636

عبد الرزاق 641

عثمان بن عفان 660،648،638،636،635

عثمان بن مظعون 522

عطاء بن يزيد 636

عكرمة 424

علامة اميني 650

علامة حلي 497،495

علي بن ابي طالب عليه السلام 832،736،682،674،670،668،648،586،544،538،522،414،412،314،216،194،100،688

علي بن الحسين زين العابدين عليهما السلام 790،756،688،686،684،682،680،554،234

علي بن محمد الهادي عليهما السلام 836،804،790

علي بن موسى الرضا عليهما السلام 836،802،790،316

علي بن مهزيار 466

عمار 648

عمار الساباطي 466

عمران بن حصين 668

عمر بن اذينة 633

عمر بن حفص 641

عمر بن الخطّاب 114، 641، 643، 646، 648، 658، 660

عمر بن صالح بن نافع 660

عمر بن مسلم 146

عمرو بن حريث 760

عمرو بن سعيد بن العاص 650

عيسى بن مريم عليهما السلام 12، 35، 36، 66، 92، 250

فاطمة الزهراء عليها السلام 484، 486، 488، 490، 492، 494، 497، 676، 730، 784، 786، 790، 832، 834، 838

فخر رازي 639، 648، 657

فرعون 794، 812

الفضل بن الربيع 694

الفضل بن شاذان 52، 396، 400

فضيل 142

فهري، سيّد احمد 16

فيض كاشاني 497

قارون 720

قاضي، سيد علي 15، 16، 289

قثم بن عبد الرحمن الثَّقفي 424

كعب الإخبار 114

كليني 31

لقمان 28، 35، 94

مالك 641

المأمون 316

محدث بحراني 498

محمد بن أبي بكر 118،74

محمد بن خالد 822

محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله 38،40،42،44،46،48،50،60،62،64،66،68،98،102،111،124،152،156،170،
172،236،254،264،266،316،338،366،392،394،396،414

ص: 857

714,700,672,668, ,576,574,568,566,564,562 ,554,546,542,534,532,530 ,510,488,426,424,422,418
838 ,832,830,828,826,816,812 ,808,806,804,802,800,798 ,796,792,790,788,786,748 ,586,578

محمّد بن عبد الله الحميريّ 506,266

محمّد بن عذافر 498

محمّد بن عليّ الباقر عليهما السلام 834,790 ,688,686,166

محمّد بن عليّ الجواد عليهما السلام 836,804,790

محمّد بن الفرّج 324

محمّد بن مسلم 659

محمّد بن ريّ شهريّ، محمّد 19

مرّة مولى محمّد بن خالد 822

مريم بنت عمران عليها السلام 36

مسعودي، عبد الهادي 19

مسلم 660

مسلم نيشابوري 499

المسيح عليه السلام 594

معاذ 740

معاذ بن جبل 68

معاوية بن أبو سفيان 650,642

معاوية بن وهب 652

ملك الموت 202,152,120

منصور بن يونس 292

موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام 838.836.802، 790.696.692

موسى بن عمران عليه السلام 812.794، 590.510.508.292، 156.66، 35.34.33.24، 11

ميكائيل عليه السلام 530، 396

نافع 638

النبي صلى الله عليه وآله 310، 252.248.214.184.182.170، 162.150.140.126.122.114، 90.76.50.48.44.42.38،
452.450.448.402.398، 378.374.366.364.362.358، 346.342.338.336.322.314، 308.300.296.260.254
712.706.698، 626.624.622.618.616.614، 608.600.584.540.536.528، 524.514.512.488.482.476، 390
828.824.786.780، 776.768.760.740.730.714، 672.637.630

نجفى، محمد حسن 496

نمرود 812، 792

نوح عليه السلام 792، 558.66.32.24

واقدي 660

هارون 794

هامان 720

هشام بن الحكم 364.296

يحيى بن زكريّا عليه السلام 438.36.35.28.26

يعقوب النبي عليه السلام 530.33

يعلى بن امية 658.657

يوسف بن يعقوب عليه السلام 568.33

يونس (راوي) 824

(3) فهرست جمعيت ها و قبيله ها

آل إبراهيم عليه السلام 398,396,394,48

آل داوود عليه السلام 24

آل محمد صلى الله عليه وآله 12,48,264,316,366,392,510,530,542,546,564,566,568,574,576,578,

680,700,786,790,792,796,798,800,802,804,806,808,812,816,830,832

الأئمة عليهم السلام 564,838

اسيران عجم 646

أصحاب تجارة 146

أصحاب الحسين عليه السلام 678

أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله 586,624

أصحاب الشمال 44

أصحاب اليمين 44

الأعراب 637,820

اعراب جاهلي 56

امامان اهل بيت عليهم السلام 652,653,654

أمة محمد صلى الله عليه وآله 64,68,414

الأنبياء عليهم السلام 8,15,92,118,170,318,396

الأنصار 649,126,90,650

الأوصياء 830

اوليائى خاصّ الهى 286

اهل ايمان 8

اهل بيت عليهم السلام 7،18،85،86،110،111 ، 112،178،282،284،287،388 ، 554،592،634،635،640،643 ، ، 686،
662،659،653،651

اهل سنّت 87،494،495،632،634 ، 635،638،640،643،644،646 ، 647،650،651،652،653،654 ، ، 661،663،665
656،655

أهل الصّفّة 712

أهل العالّية 602

أهل علّين 224

أهل الكتاب 104،388،472،645

أهل المدينة 558،649،822

بني آدم 14

بني إسرائيل 34،36،438

ص: 859

بني امية 642،649

بني تميم 663،664

بني سعد 486

بني هاشم 586

پارسی زبانان 19

پیامبران 31،33

پیروان آیین های الهی 37

پیروان اهل بیت علیهم السلام 632،634،638،643،651،661

تابعیان 650

ثمود 680

جن 9

الحافظون لأوقات الصلوات 150

حملة القرآن 150

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله 345،638

خلفای سه گانه 648

رعاة الشمس 150

زوار الله 526

الشیاطین 566

شیعة علي بن أبي طالب 318

شیعیان 86،640،663

صحایبان 650

عاد 680

عالمان اسلامي 667،656،32

عالمان شيعه 499

العرب 725،430

العلماء 258

عمّار المساجد 150

فرزندان ابراهيم عليه السلام 33

فرزندان اسماعيل عليه السلام 56

فرشتگان الهی 13

فقهای شيعه 659،653،651،644،638،495

فقهای مذاهب اسلامي 632

فقیهان 645،498،497

فقیهان امامیه 647

فقیهان اهل سنت 661،657

کارگران 667

کارمندان 667

الکافرون 725،656،645،536،110

محدّثان اهل سنت 644،499

محدّثان شيعه 650

مدّرّسان 32

المرسلون 832،596،586،418،78،44

مساكين 814

المسلمون 780,744 ,645,643,635,588,522,420 ,374,285,266,262,206,198 ,134,86,59,58,50,35

مسيحيان 36,31

المشركون 782 ,418,388,266,264,262

المطّفون 118

معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله 636

معاویه 649

المفسرون 726,638,304

مکّیان 57

الملائكة 504,466,450,418,396,366 ,238,236,226,208,206,172 ,170,142,118,92,90,44

ص: 860

754,720,522

ملائكة الليل 244,80,78,50

ملائكة النهار 244,80,78,50

الملحدون 428

ملة إبراهيم عليه السلام 266,264

ملة محمد صلى الله عليه وآله 150

المنافقون 720,446

المؤذنون 822

مهاجران 650,649

المؤمنات 388

المؤمنون 836,744,608, 586,572,564,456,446,444, 338,278,224,200,60

النبيون عليهم السلام 836, 832,418,236,44,24

نسل إبراهيم عليه السلام 56

الوصيون 586

ولد الحسين عليه السلام 832

يهوديان 35,34,33,31

ص: 861

(4) فهرست شهرها و مكان ها

بصره 316

بيت إدريس عليه السلام 22

بيت الله الحرام 412،156

البيت المعمور 640،236

پژوهشكده علوم و معارف حديث 19

جزيرة العرب 56

حجاز 56

حرم الهى 33

ذى خشب 655

سرخس 702

الشام 146

صفا 659،657،656

صفين 668

الطائف 740،424

عربستان 56

عرفات 661

غار حرا 57

الكعبة 312،210،17

كليسا 57

كنيسه 57

الكوفة 22،32،668

محراب داوود عليه السلام 35

المدينة 40،50،58،316،558،649،650،655،820،822

مروه 656،657،659

مزدلفه 661

مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله 826

مسجد السهلة 22،32

مكة 38،40،56،57،58،476،654،740

منا 660

نجف 15

اليمن 68،104

ص: 863

(5) فهرست زمان ها

آخر الزّمان 796

اوايل حكومت بنى اميه 650

اوقات نماز 58

الثّانية من الهجرة في شعبان 40

جاهليّة 600

خلافت عمر 643,641

دوران حكومت ابو بكر 643

دوران حكومت معاويه 642

دوره خليفه سوم 635

روز عرفه 660,32

روز قيامت 111,7

روزگار ائمه عليهم السلام 497

روزگار ابراهيم عليه السلام 33

روزگار ادريس عليه السلام 32

روزگار پيامبر صلى الله عليه وآله 640

روزگار پيامبران بنى اسرائيل 35

روزگار عيسى عليه السلام 36

روزگار فرزندان ابراهيم عليه السلام 33

روزگار موسى عليه السلام 33

روزگار نوح عليه السلام 32

زمان آدم ابو البشر عليه السلام 32

زمن عمر 114

شب جمعه 307

شهر رمضان 40،102،154،156،172،220،778

صبح جمعه 307

عاشوراء 678

عصر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله 643

عصر خليفه دوم 642

عصر روز جمعه 307

عهد رسول الله صلى الله عليه وآله 664،712

عيد فطر 384

عيد قربان 384

ليلة اسري به 236

ليلة الجمعة 330،332،334،810

ليلة القدر 566،780،784

ليلة المعراج 40

ليلة بدر 618

مواقيت الصلاة 152،156،158،216،240،250

ص: 865

وقت الظَّهر 87،82،80

وقت العشاء 226

وقت العصر 224،82،80،76

وقت المغرب 226،82

وقت نافله صبح 87

وقت نماز عشا 87

وقت نماز عصر 87

وقت نماز عصر و عشا 86

وقت نماز مغرب 86

وقت نماز نافله مغرب 87

يوم الإثنين 822،332،330

يوم الأربعاء 814

يوم الجمعة 838،820،818 ،814،790،386،384،334،332 ،330،314،186،82،66،40

يوم الخميس 838،814،332،330

يوم السبت 838

يوم العيدين 822

يوم القيامة 710،655،608، ،480،430،428،424،330،320 ،318،294،226،222،174،150 ،116،113،106،78،76،44

754،750،730،720 ،568،566،530

ص: 866

(6) فهرست غريب الحديث

آراب 346

أثافي 616،136

أدينك 562

أزيز 616

أسبغ الموضوع 100

الأطناب 132

الأعبل 550

اعزب 160

أغلس 76

أكلؤه 590

الاستكانة 624

الأنداد 24

انفة 294

الأوابين 784،628

الأيّم 710

الباذخ 784

البتّة 212

بخ 292

بكّة 748

بلّع 406

بلق 218

تبشش 174

تثريب 686

تجاف 346

تجدع 148

تجنح 406

تحات 184

تحتفز 468

تذرع 380

تربد 616

تقع 468,372

تقع يدك 380

تكفر 468

تلثم 468

تله 794

تنهج 676

جافى 620

الجبروت 558

جحد 200

الجدد 538

الجزع 234

الجواد 464

جؤجؤه 506

حاقن 452

حبواً 256

حدّاثا 488

حرّ 488

حزبه 214

حسيبي 26

الحظر 678،40

حمر النعم 768

الحمّة 198

الحنايا 588

خداج 734،320

خرص 232

الخصاصة 788

الخنّا 610

الدّرن 196

دكنت 488

دلوك 76

ذروة سنامه 550،132

الرّباط 524

رشاء 686

رواح 174

الروح 218

زجّ 260

زحّ 150،106

زلفى 568

سابغ 72

الساريتين 448

السارية 148

سبحتك 80

سبحة 712

السبرات 522،256

سلسيل 566

السليم 678

سنامه 88

سني 422

السنين 216

شامة 22

شظية 176

شعب 176

شعني 826

صَاد 46
صَرِيخ 828
الصِّفَا 26
صَفْوَة 296
ضَبْعِيك 346
الصُّرِيح 566
الطَّائِف 424
الطُّول 532
العْتَمَة 190
العْدَم 562
عَرَّافَا 610
العَزَائِم 334
عَشَّار 24
عَطْلًا 232
عَنْزَهَم 822
عَسَق 764
غَلُول 590
فَرَائِصُه 670,364
فَرَط 610
فَرْقَعَة 452
الْفَسْطَاط 132

فيء 236
القاصية 252
القانت 520
قربان 754
قطّ 560
القطران 566
قمن 364
قيّم 132
الكاهل 550
كركرة 688
كسحت 486
كنف 210
لاطنة 352
لجلجها 114
لحاء 248
ماقت 606
متصارمان 608
المجزرة 462
مجلت 486
مجنّح 348
مدر 152

المرجل 616

مسانّ 462

مشاشه 602

معاطن 462

معين 566

الملة 92

الموتى 712

مهنة 614

نازع 72

نجائب 318

نزق 550

نكاله 422

وبر 152

وتره 750

وضح 348

وهنا 608

يتخوى 350

يجنح 350

يحدقن 214

يرفضّ عرقا 682

يرمقه 626

يصبّ 624

يعجن 378

يقنع 624

يندرس 124

ينفتل 508

ينقض 452

ص: 868

1. إثبات الوصيّة للإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، المنسوب إلى علي بن الحسين المسعودي (م 346 ق)، بيروت: دار الأضواء، 1409 ق، دوم.
2. الآحاد و المثاني، أحمد بن عمر ابن أبي عاصم (م 287 ق)، تحقيق: باسم فيصل الجوابرة، الرياض: دار الراجعية، 1411 ق.
3. احكام القرآن للجصاص، ابو بكر احمد بن علي الرازي الجصاص (م 370 ق)، تحقيق: عبد السلام محمد بن شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية، 1415 ق، أول.
4. إحياء علوم الدين، محمد بن محمد الغزالي (م 505 ق)، بيروت: دار الهادي، 1412 ق، أول.
5. أخبار مكة في قديم الدهر و حديثه، محمد بن إسحاق الفاكهي (م 3 ق)، تحقيق: عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، بيروت: دار خضر، 1414 ق، دوم.
6. الأدب المفرد، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (م 256 ق)، تحقيق: محمد بن عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة.
7. الأربعون حديثاً، محمد بن مكي (شهيد أول) 734-786 ق)، قم: مكتبة مدينة العلم.
8. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1413 ق، أول.
9. إرشاد القلوب، الحسن بن أبي الحسن الديلمي (م 711 ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمي، 1398 ق، چهارم.
10. أسباب نزول القرآن، علي بن أحمد الواحدى النيسابورى (م 468 ق)، تحقيق: كمال بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلميّة.
11. أسد الغابة في معرفة الصحابة، علي بن أبي الكرم محمد الشيباني (ابن الأثير الجزري) (م 630 ق)، تحقيق: علي محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1415 ق، أول.

12. الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م 852 ق)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1415 ق، أوّل.
13. إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قطب الدين البيهقي الكيدري (م 776 ق)، تصحيح: إبراهيم البهادري، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، 1325 ق.
14. الأصول الستّة عشر، عدّة من الرواة، قم: دار الشبستري، 1405 ق، دوم.
15. الأصول الستّة عشر، عدّة من الرواة، تحقيق: أبو الفضل المحمودي، قم: دار الحديث: 1425 ق.
16. أعلام الدين في صفات المؤمنين، الحسن بن محمّد الديلمي (م 711 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت، 1414 ق، دوم.
17. إلام الوري بأعلام الهدى، الفضل بن الحسن الطّبرسي (م 548 ق)، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، 1417 ق، أوّل.
18. الإفصاح في إمامة أمير المؤمنين عليه السلام، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، قم: مؤسسة البعثة، 1412 ق، أوّل.
19. الإقبال بالأعمال الحسنة في ما يعمل مرّة في السنة: على بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: جواد القيومي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1414 ق، أوّل.
20. الاحتجاج على أهل اللجاج، أحمد بن علي الطّبرسي (م 620 ق)، تحقيق: إبراهيم البهادري ومحمّد هادي به، تهران: دار الأسوة، 1413 ق، أوّل.
21. الاختبار لابن الباقي (اختيار مصباح المتهدّد)، السيد علي بن الحسين بن باقر القرشي (قرن 7 ق)، تحقيق: مكتبة العلامّة المجلسي، قم: مكتبة العلامّة المجلسي.
22. الاختصاص، المنسوب إلى محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، چهارم.
23. الاستبصار في ما اختلف من الأخبار، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: حسن الموسوي الخراسان، تهران: دار الكتب الإسلاميّة، أوّل.
24. الاستذكار، يوسف بن عبد البرّ القرطبي المالكي (ابن عبد البرّ) (م 363 ق)، تحقيق: محمّد علي معوض و سالم محمّد عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة، 2000 م.

25. الاستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبد البرّ القرطبي المالكي (ابن عبد البرّ) (م 363 ق)، تحقيق:

علي محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1415 ق، أول.

ص: 870

26. الاشراف، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413ق)، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، 1413 ق.
27. الاعتقادات، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: عاصم عبد السيد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، 1413 ق، أول.
28. الاقتصاد، ابو جعفر محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تهران: مكتبة جامع چهلستون، 1400ق.
29. الأمالى، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: مؤسّسة البعثة، قم: دار الثقافة، 1414 ق، أول.
30. الأمالى، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: حسين استاد ولى وعلى أكبر الغفارى، قم: مؤسّسة النشر الإسلامى، 1404 ق، دوم.
31. الأمالى، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسّسة البعثة، قم: مؤسّسة البعثة، 1407 ق، أول.
32. الأمالى (غور الفرائد و درر القلائد)، على بن الحسين الموسوى (السيد المرتضى) (م 426 ق)، تحقيق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء الكتب العربية.
33. امتاع الاسماع بما للنبي صلى الله عليه وآله من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع، تقى الدين احمد بن علي بن عبد القادر بن محمّد المقرئى (م 845ق)، تحقيق: محمّد عبد الحميد النمسي، بيروت: دار الكتب العلمية (محمّد على بيضون)، 1420ق، أول.
34. امثال الحديث المرويه عن النبي صلى الله عليه وآله، الحسن بن عبد الرحمن الرامهرمزي (م 360ق)، بيروت، مؤسّسة الكتب الثقافية، 1409، أول.
35. إنجيل متى، آر. تي. فرانس، مترجم: ادبيه شكرى، قاهره: دار الثقافة، 1990م
36. الأوائل للطبراني، سليمان بن احمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: محمد شكور بن محمود الحاجى امير، بيروت: مؤسّسة الرسالة، 1403 ق، أول.
37. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار:، محمّد دباقر بن محمّد دتقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م 1111 ق)، بيروت: مؤسّسة الوفاء، 1403 ق، دوم.
38. بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ابن رشد محمد بن احمد (م 595 ق)، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، بيروت: دارالجيل، 1409 ق.

39. البداية و النهاية، إسماعيل بن عمر الدمشقي (ابن كثير) (م 774 ق)، تحقيق: مكتبة المعارف، بيروت:

مكتبة المعارف، 1410 ق، سوم.

40. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، محمد بن محمد الطبري (م 525 ق)، نجف: المطبعة الحيدريّة، 1383 ق، دوم.

41. بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، علي بن ابي بكر الهيثمي (م 282 ق)، تحقيق: مسعد عبد الحميد محمد السعدني، القاهرة: دار
الطلائع للنشر و التوزيع و التصدير.

42. بغية الطلب في تاريخ حلب، كمال الدين عمر بن أحمد الحلبي (ابن العديم) (م 660 ق)، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر.

43. بلاغات النساء، أحمد بن أبي طاهر (ابن طيفور) (م 280 ق)، قم: الشريف الرضي.

44. البلد الأمين و الدرع الحصين، إبراهيم بن علي الحارثي العاملي (الكفعمي) (م 905 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، تهران: مكتبة
الصدوق.

45. تاج العروس من جواهر القاموس، السيد محمد المرتضى بن محمد الحسيني الزبيدي (م 1205 ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار
الفكر، 1414 ق، أول.

46. تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، محمد بن أحمد الذهبي (م 748 ق)، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، بيروت: دار الكتاب
العربي، 1409 ق، أول.

47. تاريخ أصبهان، أحمد بن عبد الله الأصفهاني (أبو نعيم) (م 430 ق)، تحقيق: سيد كسروي حسن، بيروت: دار الكتب العلميّة.

48. تاريخ بغداد أو مدينة السلام، أحمد بن علي الخطيب البغدادي (م 463 ق)، مدينة: المكتبة السلفية.

49. تاريخ جرجان، ابو القاسم حمزة بن يوسف السهمي القرشي (م 428 ق)، بيروت: عالم الكتب، 1407 ق، چهارم.

50. تاريخ دمشق (تاريخ مدينة دمشق)، علي بن الحسن بن هبة الله الدمشقي (ابن عساكر) (م 571 ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار
الفكر، 1415 ق، أول.

51. تاريخ الطبري (تاريخ الأمم و الملوك)، محمد بن جرير الطبري (م 310 ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، القاهرة: دار المعارف،
1972 م، دوم.

52. التاريخ الكبير، محمد بن إسماعيل البخاري (م 256 ق)، بيروت: دار الفكر.

53. تاريخ المدينة المنورة، عمر بن شبة النميري البصري (م 262 ق)، تحقيق: فهيم محمد شلتوت، بيروت: دار التراث، 1410 ق، أول.

54. تاريخ واسط، أسلم بن سهل الواسطي (م 293 ق)، تحقيق: كوركيس عواد، بيروت: عالم الكتب.
55. تاريخ اليعقوبي، أحمد بن أبي يعقوب (ابن واضح اليعقوبي) (م 284 ق)، بيروت: دار صادر، 1390 ق.
56. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة (كنز جامع الفوائد)، شرف الدين علي الحسيني الإسترآبادي (م 940 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، 1407 ق، أول.
57. التبيان في تفسير القرآن، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، نجف: مكتبة الأمين، 1381 ق.
58. تحرير الوسيلة، السيد روح الله الموسوي الخميني (الإمام الخميني)، قم: جماعة المدرسين، 1405 ق.
59. التحصين، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، قم: مؤسسة دار الكتاب، 1413 ق.
60. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله، الحسن بن علي الحرّاني (ابن شعبة) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1404 ق، دوم.
61. ترتيب كتاب العين، خليل بن احمد الفراهيدي (م 175 ق)، تحقيق: محمد حسن البكائي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، أول.
62. الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، عبدالعظيم بن عبد القوي المنذري الشامي (م 656 ق)، تحقيق: مصطفى محمد عمارة، بيروت: دار إحياء التراث، 1388 ق، سوم.
- تفسير ابن ابي حاتم (تفسير القرآن العظيم مسندا عن الرسول).
63. تفسير ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصرويّ الدمشقيّ (م 774 ق)، تحقيق: عبدالعظيم غنيم ومحمد أحمد عاشور و محمد إبراهيم البنا، القاهرة: دار الشعب.
64. تفسير البغوي (معالم التنزيل في تفسير القرآن)، حسين بن مسعود بغوي (436-510 ق)، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك، بيروت: دار المعرفة، 1413 ق.
65. تفسير الثعالبي (الجواهر الحسان في تفسير القرآن)، عبد الرحمن بن محمد الثعالبي (م 875 ق)، تحقيق: محمد معوض، احمد عبد الموجود، عبد الفتاح ابو سنّة، بيروت: دار احياء التراث العربي، مؤسسة التاريخ العربي، 1418 ق، أول.
66. تفسير الثعلبي (الكشف والبيان في تفسير القرآن)، أبو إسحاق الثعلبي (م 427 ق)، تحقيق: أبو محمد بن عاشور ونظير الساعدي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1422 ق، أول.
67. تفسير الطبري (جامع البيان عن تأويل آي القرآن)، محمد بن جرير الطبري (م 310 ق)، بيروت: دار الفكر، 1408 ق، أول.

68. تفسير العياشي، محمد بن مسعود السلمى السمرقندى (العياشى) (م 320 ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولى المحلّاتى، تهران: المكتبة العلمية، 1380 ق، أول.
69. تفسير الفخر الرازى (التفسير الكبير ومفاتيح الغيب)، أبو عبد الله محمد بن عمر المعروف بفخر الرازى (م 604 ق)، بيروت: دار الفكر، 1410 ق.
70. تفسير فرات الكوفى، فرات الكوفى (م 3 ق)، تحقيق: محمد الكاظم، تهران: وزارت ارشاد، 1410 ق، أول.
71. تفسير القرآن العظيم مسنداً عن الرسول (تفسير ابن أبى حاتم)، عبد الرحمان بن أبى حاتم الرازى (م 327 ق)، تحقيق: أحمد عبد الله عمّار زهرانى، مدينة: مكتبة الدار، 1408 ق، أول.
72. تفسير القرطبى (الجامع لأحكام القرآن)، محمد بن أحمد الأنصارى القرطبى (م 671 ق)، تحقيق: محمد عبد الرحمان المرعشلى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1405 ق، دوم.
73. تفسير القمى، على بن إبراهيم القمى (م 307 ق)، به كوشش: السيد الطيّب الموسوى الجزائرى، نجف: مطبعة النجف الأشرف.
74. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، 1409 ق، أول.
75. التمهيد ابن عبد البر (التمهيد لما فى الموطأ من المعانى والأسانيد)، يوسف بن عبد الله القرطبى (ابن عبد البر) (م 463 ق)، تحقيق: مصطفى العلوى و محمد عبد الكبير البكرى، جدّه: مكتبة السوادى، 1387 ق.
76. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعة ورام)، ورام بن أبى فراس الحمدان (م 605 ق)، بيروت: دار التعارف و دار صعب.
77. تنبيه الغافلين، نصر بن محمد السمرقندى (م 372 ق)، تحقيق: يوسف على بديوى، بيروت: دار ابن كثير، 1413 ق، أول.
78. التوحيد، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: السيد هاشم الحسينى الطهرانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1398 ق، أول.
79. تهذيب الآثار (مسند على بن أبى طالب)، محمد بن جرير الطبرى (م 310 ق)، تحقيق: محمود محمد شاکر، قاهره: مطبعة المدنى، 1375 ق.
80. تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق)، بيروت:

دار التعارف، 1401 ق، اول.

ص: 874

81. تهذيب التهذيب، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م 852 ق)، تحقيق: خليل مأمون شيحا وعمر السلاحى وعلي بن مسعود، بيروت: دار المعرفة، 1417 ق، أول.
82. تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، يونس بن عبد الرحمان المزي (م 742 ق)، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1409 ق، أول.
83. الثاقب فى المناقب، محمد بن علي الطوسى (ابن حمزة) (م 560 ق)، تحقيق: نبيل رضا علوان، قم: مؤسسة أنصاريان، 1412 ق، دوم.
84. الثقات، محمد بن حبان البستي (م 354 ق)، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، 1408 ق، أول.
85. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفارى، تهران: مكتبة الصدوق، 1402 ق.
86. جامع الأحاديث، جعفر بن أحمد القمي (ابن الرازي) (ق 4 ق)، تحقيق: السيد محمد الحسينى النيسابورى، مشهد: مؤسسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضوية المقدسة، 1413 ق، أول.
87. جامع الأخبار أو معارج اليقين فى اصول الدين، محمد بن محمد الشعيرى السبزواري (ق 7 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1414 ق، أول.
88. الجامع الصغير فى احاديث البشير النذير، جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر السيوطى (م 911 ق)، بيروت: دار الفكر، 1401 ق، أول.
89. جامع المسانيد، محمد بن محمود الخوارزمى (م 665 ق)، بيروت: دار الكتب العلمية، 1403، أول.
90. الجعفریات (الأشعثيات)، محمد بن محمد بن الأشعث الكوفى (ق 4 ق)، تهران: مكتبة نينوى (طبع شده به ضميمه: قرب الإسناد).
91. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، على بن موسى الحللى (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: السيد جواد القيومى، قم: مؤسسة الآفاق، 1371 ش، أول.
92. جوامع الجامع، الفضل بن حسن الطبرسى (م 548 ق)، تحقيق: ابوالقاسم جرجى، تهران: دانشگاه تهران، 1412 ق، سوم.
93. جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، محمد حسن النجفى الإصفهانى (م 1266 ق)، تحقيق: عباس القوجانى و آخرون، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1392 ق.
94. الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، شيخ يوسف بن احمد البحرانى (م 1186 ق)، تحقيق: محمد تقى الايروانى، نجف: دار

95. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الإصفهاني (أبو نعيم) (م 430 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، 1387 ق، دوم.
96. حياة الحيوان الكبرى، محمد بن موسى الدميري (م 808 ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
97. الخرائج و الجرائح، ابو الحسين سعيد بن هبة الله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (م 573 ق)، تحقيق: مؤسسة الامام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الامام المهدي (عج)، 1409 ق، أول.
98. الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، چهارم.
99. دانش نامه قرآن و حديث، محمد محمدي ري شهري، به كوشش: جمعي از پژوهشگران، ترجمه: حميد رضا شينخي، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحديث، 1390 ش، أول.
100. الدر المنثور في التفسير المأثور، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (م 911 ق)، بيروت: دار الفكر، 1414 ق، أول.
101. الدر النظيم في مناقب الأئمة اللّهاميم، جمال الدين يوسف بن حاتم الشامي (ق 7 ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1420 ق، أول.
102. الدروس الشرعية في فقه الإمامية، محمد بن مكي العاملي (الشهيد الأول) (م 786 ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
103. دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم، محمد بن سلامة القضاعي (القاضي القضاعي) (م 454 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، 1401 ق، أول.
104. دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، النعمان بن محمد التميمي المغربي (القاضي أبو حنيفة) (م 363 ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دار المعارف، 1389 ق، سوم.
105. الدعاء، سليمان بن أحمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، 1413 ق، أول.
106. الدعوات، سعيد بن عبد الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م 573 ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، 1407 ق، أول.
107. دلائل الامامة، ابو جعفر محمد بن جرير الطبري الامامي (القرن الخامس الهجري)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1413 ق، أول.
108. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، أحمد بن الحسين البيهقي (م 458 ق)، تحقيق: عبد المعطي أمين قلجعي، بيروت: دار الكتب العلمية، 1405 ق، أول.

109. ذيل تاريخ بغداد، الحافظ محب الدين ابى عبد الله محمد بن محمود بن الحسن المعروف بابن النجار البغدادي، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، 1417 ق، أول.
110. ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، محمود بن عمر الزمخشري (م 538 ق)، تحقيق: سليم النعيمي، قم: منشورات الشريف الرضي، 1410 ق، أول.
- رجال الكشي اختيار معرفة الرجال.
111. رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال)، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (م 460 ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1404 ق، أول.
112. رجال النجاشي (فهرس أسماء مصنفى الشيعة)، أحمد بن على النجاشي (م 450 ق)، بيروت: دار الأضواء، 1408 ق، أول.
113. رسالة الاثنا عشرية، محمد بن حسن الحر العاملي (1032-1104 ق)، تحقيق: السيد مهدي اللازوردي الحسيني، و محمد درودي، قم: دار الكتب العلمية.
114. روح المعاني فى تفسير القرآن (تفسير الأوسى)، محمود بن عبد الله الأوسى (م 1270 ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
115. روض الجنان و روح الجنان (تفسير ابو الفتوح رازى)، حسين بن على رازى (ابو الفتوح) (ق 6 ق)، مشهد: آستان قدس رضوى، 1371 ش، أول.
116. الروضة فى فضائل امير المؤمنين عليه السلام، شاذان بن جبرئيل القمى (م 660 ق)، تحقيق: على الشكرجى، قم: مكتبة الامين، 1423، أول.
117. روضة الواعظين، محمد بن الحسن القتال النيسابورى (م 508 ق)، تحقيق: حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى، 1406 ق، أول.
118. رياض الصالحين، ابو زكريا يحيى بن شرف النووى دمشقى، تحقيق: مصطفى محمد عماره، حلب: دارالقلم العربى، 1413 ق.
119. زمزم عرفان، محمد محمدى رى شهرى، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحديث، 1389 ش، أول.
120. الزهد، حسين بن سعيد الأهوازى (م 250 ق)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، قم: انتشارات حسينيان، 1402 ق، دوم.

121. الزهد، عبد الله بن المبارك الحنظلي المروزي (ابن المبارك) (م 181 ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، بيروت: دار الكتب العلمية.

ص: 877

122. سبل الهدى و الرشاد، محمد بن يوسف الصالحى الشامى (م 942 ق)، تحقيق: احمد عبد الموجود، محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمىة، 1414، اول.
123. السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، محمد بن منصور الحلى (ابن إدريس) (م 598 ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1410 ق، دوم.
124. سر الصلاة، امام خمينى (ره)، تهران: مؤسسة تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره)، 1369 ش.
125. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى (ابن ماجه) (م 275 ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث، 1395 ق، اول.
126. سنن ابى داود، ابو داود سليمان بن أشعث السجستانى الأزديّ (م 275 ق)، تحقيق: محمد محبى الدين عبدالحميد، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
127. سنن الترمذى (الجامع الصحيح)، محمد بن عيسى الترمذى (م 297 ق)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: دار إحياء التراث.
128. سنن الدارقطنى، على بن عمر البغدادى (الدارقطنى) (م 285 ق)، تحقيق: أبو الطيب محمد آبادى، بيروت: عالم الكتب، 1406 ق، چهارم.
129. سنن الدارمى، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمى (م 255 ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار القلم، 1412 ق، اول.
130. السنن الكبرى، ابوبكر احمد بن الحسين بن على البيهقى (م 458 ق)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمىة، 1414 ق، اول.
131. السنن الكبرى (سنن النسائى)، أحمد بن شعيب النسائى (م 303 ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى، بيروت: دار الكتب العلمىة، 1411 ق، اول.
132. سنن النسائى، (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى و حاشية الامام السندى)، ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب النسائى (م 303 ق)، بيروت: دار الجيل، 1407 ق، اول.
133. سير أعلام النبلاء، محمد بن أحمد الذهبى (م 748 ق)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1414 ق، دهم.
134. السيرة النبوىة، عبد الملك بن هشام الحميرى (ابن هشام) (م 218 ق)، تحقيق: مصطفى السقا و إبراهيم الأبيارى، قم: مكتبة المصطفى، 1355 ق، اول.

135. السيرة النبوية، إسماعيل بن عمر البصريّ الدمشقيّ (ابن كثير) (م 747 ق)، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، بيروت: دار إحياء التراث العربيّ.
136. السيرة النبوية، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصريّ الدمشقيّ (م 747 ق)، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، بيروت: دار إحياء التراث العربيّ.
137. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، النعمان بن محمّد المصريّ (القاضي أبو حنيفة) (م 363 ق)، تحقيق: السيّد محمّد الحسيني الجلالى، قم: مؤسّسة النشر الإسلامى، 1412 ق، أوّل.
138. شرح نهج البلاغة، ميثم بن على البحرانيّ (ابن ميثم) (م 689 ق)، بيروت: دار الآثار للنشر، 1402 ق.
139. شرح نهج البلاغة، لعزّ الدين عبد الحميد بن محمّد بن أبى الحديد المعتزلى المعروف بابن أبى الحديد (م 656 ق)، تحقيق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، 1387 ق، دوم.
140. شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقيّ (م 458 ق)، تحقيق: محمّد السعيد بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1410 ق، أوّل.
141. الشكر، عبد الله بن محمّد القرشىّ (ابن أبى الدنيا) (م 281 ق)، تحقيق: طارق الطنطاوى، قاهره: مكتبة القرآن.
142. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبید الله بن عبد الله النيسابورى (الحاكم الحسكاني) (ق 5 ق)، تحقيق: محمّد باقر المحمودى، تهران: مؤسّسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، 1411 ق، أوّل.
143. الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربيّة)، إسماعيل بن حماد الجوهريّ (م 398 ق)، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، 1410 ق، چهارم.
144. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محمّد بن أحمد بن حبان (ابن حبان) (م 354 ق)، ترتيب: على بن بلبان الفارسى (م 739 ق)، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، بيروت: مؤسّسة الرسالة، 1414 ق، دوم.
145. صحيح ابن خزيمة، محمّد بن إسحاق السلمى النيسابورى (ابن خزيمة) (م 311 ق)، تحقيق: محمّد مصطفى الأعظمى، بيروت: المكتب الإسلامى، 1412 ق، سوم.
146. صحيح البخارى، محمّد بن إسماعيل البخارى (م 256 ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار إبن كثير، 1410 ق، چهارم.
147. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج القشيريّ النيسابورى (م 261 ق)، تحقيق: محمّد فؤاد عبد الباقي، قاهره: دار الحديث، 1412 ق، أوّل.

148. الصحيح من سيرة النبي الأعظم، جعفر مرتضى العاملي (معاصر)، بيروت: دار السيرة، 1415 ق، چهارم.
149. صحيفة الامام الخميني، السيد روح الله الموسوي الخميني (1368ش)، تهران: مؤسسة التنظيم و نشر آثار الامام الخميني، 1378ش.
150. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، 1408 ق، أول.
151. الصحيفة السجادية، الإمام زين العابدين عليه السلام، تحقيق: علي أنصاريان، دمشق: المستشارية الثقافية.
152. الصراط المستقيم إلى مستحقّي التقديم، علي بن يونس النباطي البياضي (م 877 ق)، به كوشش: محمّد باقر البهبودي، تهران: المكتبة المرتضوية، 1384 ق، أول.
153. صفات الشيعة، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، 1410 ق، أول.
154. طب الأنمة عليهم السلام، ابنا بسطام النيسابوريان، تحقيق: محسن عقيل، بيروت: دار المحجة البيضاء و دار الرسول الأكرم.
155. الطبقات الكبرى، محمّد بن سعد (كاتب الواقدي) (م 230 ق)، بيروت: دار صادر.
156. طبقات المحدثين بأصبهان و الواردين عليها، عبد الله بن محمّد بن جعفر الأنصاري (أبو الشيخ) (م 369 ق)، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1412 ق، أول.
157. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، رضی الدين عبد الكريم علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، قم: مطبعة الخيام، 1400 ق، أول.
158. العدد القويّة لدفع المخاوف اليومية، الحسن بن يوسف الحلّي (العلامة الحلّي) (م 726 ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله المرعشي، 1408 ق، أول.
159. عدّة الداعي و نجاح الساعي، أحمد بن محمّد الحلّي الأسدي (ابن فهد) (م 841 ق)، تحقيق: أحمد الموحّدي، تهران: مكتبة وجداني.
160. العروة الوثقى، السيد محمّد كاظم الطباطبائي اليزدي (م 1337 ق)، بيروت: مكتب وكلاء الإمام الخميني، 1410 ق، أول.
161. العقد الفريد، أحمد بن محمّد الأندلسي (ابن عبد ربّه) (م 328 ق)، تحقيق: أحمد الزين و إبراهيم الأبياري، بيروت: دار الأندلس، 1408 ق، أول.
162. علل الشرائع، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، بيروت: دار إحياء التراث، 1408 ق، أول.

163. العمدة (عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار)، يحيى بن الحسن الأسدي الحلبي (ابن البطريق) (م 600 ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1407 ق، أول.
164. عمدة القاري في شرح صحيح البخاري، بدر الدين محمد محمود بن أحمد العيني (م 855 ق)، بيروت: دار احياء التراث العربي، [بى تا].
165. عمل اليوم والليلة، أحمد بن شعيب النسائي (م 303 ق)، تحقيق: فاروق حمادة، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1407 ق، سوم.
166. عمل اليوم والليلة لابن السني، ابن السني الدينوري (م 364 ق)، تحقيق: سالم بن أحمد السلفي، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، 1408 ق، أول.
167. عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، محمد بن علي الأحسائي (ابن أبي جمهور) (م 940 ق)، تحقيق: مجتبي العراقي، قم: مطبعة سيد الشهداء عليه السلام، 1403 ق، أول.
168. عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: السيد مهدي الحسيني اللاجوردي، تهران: جهان.
169. عيون الحكم والمواعظ، علي بن محمد الليثي الواسطي (م 6 ق)، تحقيق: حسين الحسن البيرجندي، قم: دار الحديث، 1376 ش، أول.
170. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب (م 5 ق)، قم: الشريف الرضي، 1414 ق، أول.
171. الغدير في الكتاب والسنة والأدب، عبد الحسين بن أحمد الأميني (م 1390 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، 1387 ق، سوم.
172. غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد الأمدي التميمي (م 550 ق)، تحقيق: مير جلال الدين محدث رموي، تهران: دانشگاه تهران، 1360 ش، سوم.
173. الغيبة، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: عباد الله الطهراني وعلي أحمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، 1411 ق، أول.
174. الفائق في غريب الحديث، محمود بن عمر الزمخشري (م 583 ق)، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار الفكر، 1414 ق.
175. فتاوى السبكي، أبو الحسن علي بن عبد الكافي السبكي (م 756 ق)، تحقيق: حسام الدين القدسي، بيروت: دارالجيل، 1412 ق.

- 176.فتح الأبواب بين ذوى الألباب، رضى الدين عبد الكريم على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس)(م 664 ق)، تحقيق: حامد الخفّاف، قم: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، 1409 ق، أوّل.
- 177.فتح البارى شرح صحيح البخارى، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق)، تحقيق: عبد العزيز بن عبد الله بن باز و محمّد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار الفكر، 1379 ق، أوّل.
- 178.الفردوس بمأثور الخطاب، شيروية بن شهردار الديلمى الهَمَدانى (م 509 ق)، تحقيق: محمّد السعيد بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1406 ق، أوّل.
- 179.الفصول المهمّة فى اصول الأئمّة، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق)، تحقيق: محمّد بن محمّد الحسين القانىنى، قم: مؤسّسة معارف اسلامى.
- 180.الفضائل، أبو الفضل سديد الدين شاذان بن جبرئيل بن إسماعيل بن أبى طالب القمّى (م 660 ق)، نجف: المطبعة الحيدريّة، 1338 ق.
- 181.فضائل الأشهر الثلاثة، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: غلامرضا عرفانيان، قم: مكتبة الداورى، 1396 ق، أوّل.
- 182.فضائل الشيعة، ابو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (م 381 ق)، تحقيق: مؤسّسة الامام المهدي (عج)، قم: مؤسّسة الامام المهدي (عج)، 1410 ق، أوّل.
- 183.فقه الرضا عليه السلام، تحقيق: مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، مشهد: المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام، 1406 ق.
- فقه الرضا عليه السلام الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام.
- 184.الفقه على المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيرى، بيروت: دار احياء التراث العربى، 1406 ق.
- 185.الفقه على المذاهب الخمسة، محمد جواد مغنية (م 1979 م)، تحقيق: سامى الغريرى، قم: دار الكتاب الاسلامى، 1386.
- 186.فقه القرآن، سعيد بن هبة الله الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق)، تحقيق: أحمد الحسينى، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، 1397 ق، أوّل.
- 187.فلاح السائل ونجاح المسائل فى عمل اليوم و الليلة، على بن موسى الحلّى (السيد ابن طاووس)(م 664 ق)، تحقيق: غلامحسين المجيدى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، 1419 ق، أوّل.
- 188.قاموس الكتاب المقدّس، تأليف: عدّة من الأساتيد، قاهره: دار الثقافة، 1991، هفتم.
- 189.القاموس المحيط، محمّد بن يعقوب الفيروزآبادى (م 817 ق)، بيروت: دار الفكر، 1403 ق، أوّل.

190. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الحَمِيرِي القَمِّي (م بعد از 304 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم:

مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1413 ق، أول.

ص: 882

191. قصص الأنبياء، سعيد بن عبد الله (قطب الدين الراوندى) (م 573 ق) تحقيق: غلامرضا عرفانيان، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع لمؤسسة الأستانة الرضوية، 1409 ق، أول.
192. الكافي، محمد بن يعقوب الكليني الرازي (ت 329 ه.ق)، تحقيق: على أكبر الغفاري، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1389 ق، دوم.
193. الكامل فى التاريخ، على بن محمد الشيبانى الموصلى (ابن الأثير) (م 630 ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1408 ق، أول.
194. كتاب سليم بن قيس، سليم بن قيس الهلالي العامري (م ح 90 ق)، تحقيق: محمد باقر الأنصاري، قم: الهادى، 1415 ق، أول.
195. الكتاب المقدس (العهد القديم و العهد الجديد)، بيروت: دار المشرق، 1991 م، دوم.
196. كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: على أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1404 ق، دوم.
197. الكشاف، محمود بن عمر الزمخشري (م 538 ق)، بيروت: دار المعرفة.
198. كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة، على بن عيسى الإربلى (م 687 ق)، تصحيح: السيد هاشم الرسولى المحلاتى، بيروت: دار الكتاب، 1401 ق، أول.
199. كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، الحسن بن يوسف الحللى (العلامة) (م 726 ق)، تحقيق: على آل كوثر، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، 1411 ق، أول.
200. كفاية الأثر فى النصّ على الأئمّة الاثنى عشر، على بن محمد الخزاز القمى (ق 4 ق)، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى، قم: بيدار، 1401 ق.
201. كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: على أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1405 ق، أول.
202. كنز العمّال فى سنن الأقوال و الأفعال، على المتمى بن حسام الدين الهندى (م 975 ق)، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مكتبة التراث الإسلامى، 1397 ق، أول.
203. كنز الفوائد، محمد بن على الكراجكى الطرابلسى (م 449 ق)، به كوشش: عبد الله نعمة، قم: دار الذخائر، 1410 ق، أول.

204. لسان العرب، محمد بن مكرم المصري الأنصاري (ابن منظور) (م 711 ق)، بيروت: دار صادر، 1410 ق، أول.

ص: 883

205. مئة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و الأئمة من ولده عليهم السلام، محمّد بن أحمد القمّي (ابن شاذان) (ق 5 ق)، تحقيق: نبيل رضا علوان، قم: أنصاريان، 1413 ق، دوم.
206. المبسوط في فقه الإماميّة، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: محمّد علي الكشفي، تهران: المكتبة المرتضوية، 1387 ق، سوم.
207. المجازات النبوية، السيّد الرضي (م 404 ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، 1412 ق، أول.
208. المجتبي من الدعاء المجتبي، علي بن موسى الحلّي (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: صفاء الدين البصري، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، 1413 ق.
209. مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي (م 1085 ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسيني، تهران: مكتبة نشر الثقافة الإسلامية، 1408 ق، دوم.
210. مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، الفضل بن الحسن الطبرسي (أمين الإسلام) (م 548 ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي والسيّد فضل الله اليزدي الطباطبائي، بيروت: دار المعرفة، 1408 ق، دوم.
211. مجمع الزوائد، علي بن أبي بكر الهيثمي (م 807 ق)، تحقيق: عبد الله محمّد الرويش، بيروت: دار الفكر، 1412 ق.
212. المجموع (شرح المهذب)، أبو زكريا محيي الدين شرف النووي (م 776 ق)، بيروت: دار الفكر.
213. المحاسن، أحمد بن محمّد البرقي (م 280 ق)، تحقيق: السيّد مهدي الرجائي، قم: المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام، 1413 ق، أول.
214. المُحلّي، علي بن أحمد الأندلسي (ابن الحزم) (م 456 ق)، بيروت: دار الجيل.
215. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، حسن بن يوسف الحلّي (م 726 ق)، تهران: مكتبة نينوى الحديثة، 1323 ق.
216. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمّدباقر بن محمّد تقّي المجلسي (العلامة المجلسي) (م 1111 ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1370 ش، سوم.
217. المراسم العلوية في الاحكام النبوية، الشيخ حمزة بن عبد العزيز الديلمي (م 448 ق)، قم: امير، 1414 ق.
218. المزار، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: محمّدباقر الأبطحي، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، 1413 ق، أول.

219. المزار ، محمّد بن مكّي العاملي (الشهيد الأول) (م 786 ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم:

مدرسة الإمام المهدي (عج)، 1410 ق، أوّل.

220. المزار الكبير ، محمّد بن جعفر المشهدي (ق 6 ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، قم: فيّوم، 1419 ق، أوّل.

221. المسائل الصاغانية ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق:

احمد القاضي، بيروت: دار المعرفة، 1414 ق.

222. مسائل علي بن جعفر و مستدركاتهما ، علي بن جعفر الحسيني العلوي الهاشمي العريضي (م 210 ق) تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام، 1409 ق، أوّل.

223. المستدرك على الصحيحين ، محمّد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (م 405 ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1411 ق، أوّل.

224. مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل ، ميرزا حسين النوري الطّبرسي (م 1320 ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1407 ق، أوّل.

225. مستطرفات السرائر ، أبو جعفر محمد بن منصور الحلّي (م 598 ق).

226. مسكّن الفؤاد عند فقد الأحبّة و الأولاد ، زين الدين بن عليّ الجعبي العاملي (الشهيد الثاني) (م 965 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1412 ق، دوم.

227. مسند ابن جعد ، علي بن الجعد الجوهري (م 230 ق)، بيروت: مؤسسة ناور، 1410 ق.

228. مسند أبي يعلى الموصلي ، أحمد بن علي التميمي الموصلي (أبو يعلى) (م 307 ق)، تحقيق: إرشاد الحقّ الأثري، جدّه: دار القبلة، 1408 ق، أوّل.

229. مسند أحمد بن حنبل ، أحمد بن محمّد الشيباني (ابن حنبل) (م 241 ق)، تحقيق: عبد الله محمّد الدرويش، بيروت: دار الفكر، 1414 ق، دوم.

230. مسند إسحاق بن راهويه ، إسحاق بن إبراهيم الحنظلي المروزي (ابن راهويه) (م 238 ق)، تحقيق: عبد الغفور عبد الحق حسين البلوشي، مدينه: مكتبة الإيمان، 1412 ق، أوّل.

231. مسند البزار (البحر الزخّار) ، أحمد بن عمرو العتكي البزار (م 292 ق)، تحقيق: محفوظ الرحمان زين الله، بيروت: مؤسسة علوم القرآن، 1409 ق، أوّل.

232. مسند الحميدي ، عبد الله بن الزبير الحميدي (م 219 ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، مدينه:

233. مسند الرضا عليه السلام، داود بن سليمان الغازي (م 203ق)، تحقيق: محمد جواد الحسيني الجلالى، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، 1418 ق.
234. مسند الرويانى، محمد بن هارون الرويانى (م 307 ق)، تحقيق: أيمن على أبويمانى، مصر: مؤسسة قرطبة، 1416 ق، أول.
235. مسند زيد (مسند الإمام زيد)، المنسوب إلى زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام (م 122 ق)، بيروت: منشورات دار مكتبة الحياة، 1966، أول.
236. مسند الشاميين، سليمان بن احمد الطبراني (م 360 ق)، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1409 ق، أول.
237. مسند الشَّهاب، محمد بن سلامة القُضاعى (القاضى) (م 454 ق)، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1405 ق، أول.
238. مسند الطيالسى (مسند أبى داوود الطيالسى)، سليمان بن داوود البصرى (أبو داوود الطيالسى) (م 204 ق)، بيروت: دار المعرفة.
239. مشارق أنوار اليقين فى أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، رجب البُرسى (ق 8 ق)، قم: الشريف الرضى، 1415 ق، أول.
240. مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، على بن الحسن الطُّبرسى (ق 7 ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، 1418 ق، أول.
241. مشكاة المصابيح، محمد بن عبد الله العمري الخطيب التبريزى (ق 8 ق)، تحقيق: محمد ناصر الدين الألبانى، دمشق: المكتب الإسلامى.
242. مصادقة الاخوان، الشيخ الصدوق (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة الامام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الامام المهدي (عج)، 1410 ق، أول.
243. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام، شرح: عبد الرزاق گيلانى (م 1089 ق)، تصحيح: جلال الدين محدث ارموى، تهران: نشر صدوق، 1407 ق، سوم.
244. المصباح فى الأدعية و الصلوات و الزيارات (المصباح للكفعمى)، إبراهيم بن على الحارثى العاملى (الكفعمى) (م 900 ق)، قم: الشريف الرضى.
245. مصباح المتهدِّد، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق)، تحقيق: على أصغر مرواريد، بيروت: مؤسسه فقه الشيعة، 1411 ق، أول.

246. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، أحمد بن محمد الفيومي (م 770 ق)، قم: مؤسّسة دار الهجرة، 1414 ق، دوم.

247. المصنّف، عبد الرزّاق بن همّام الصنعاني (م 211 ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، بيروت:

منشورات المجلس العلمي.

248. المصنّف لابن أبي شيبة، عبد الله بن محمد العبسي الكوفي (ابن أبي شيبة) (م 235 ق)، تحقيق: سعيد محمّد اللّحّام، بيروت: دار الفكر، 1409 ق، أوّل.

249. المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م 852 ق)، تحقيق:

حبيب الرحمان الأعظمي، بيروت: دار المعرفة، 1414 ق، أوّل.

250. معالم السنن، أبو سليمان محمّد بن محمّد الخطّابي (م 388 ق)، تحقيق: عبد السلام عبد الشافي محمّد، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1411 ق.

251. معاني الأخبار، محمّد بن علي ابن بابويه القميّ (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي، 1361 ش، أوّل.

252. المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد اللّخمي الطّبراني (م 360 ق)، تحقيق: طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، قاهره: دار الحرمين، 1415 ق.

253. معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله الحَمَوِي الرومي (م 626 ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1399 ق، أوّل.

254. المعجم الصغير، سليمان بن أحمد اللّخمي الطّبراني (م 360 ق)، تحقيق: محمّد عثمان، بيروت:

دار الفكر، 1401 ق، دوم.

255. المعجم الكبير، سليمان بن أحمد اللّخمي الطّبراني (م 360 ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1404 ق، دوم.

256. معدن الجواهر ورياضة الخواطر، محمّد بن علي الكراچكي (م 449 ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، تهران: المكتبة المرتضوية، 1394 ق، دوم.

257. معرفة السنن والآثار، أحمد بن حسين البيهقي (م 458 ق)، تحقيق: كسروي حسن، بيروت: دار الكتب العلميّة، 1412، أوّل.

258. المغني، عبد الله بن أحمد الدمشقي (ابن قدامة) (م 620 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي.

259. مفتاح الفلاح في عمل اليوم والليلة، محمّد بن حسين العاملي (الشيخ البهائي) (م 1030 ق)، تحقيق: السيّد مهدي

الرجائي، قم: مؤسّسة النشر الإسلامي، 1415 ق.

ص: 887

260. مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد الراغب الإصفهاني (م 425 ق)، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، بيروت: دار القلم، 1412 ق، أول.

261. المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، جواد علي، بغداد: جامعة بغداد، 1413 ق.

262. مقارنة اديان، صديق عمر يعقوب، قاهره: المكتبة الأزهرية للتراث، [بى تا].

263. مقتل الحسين للخوارزمي، أبو المؤيد الموفق بن أحمد المكي أخطب خوارزم (م 568 ق)، تحقيق: الشيخ محمد السماوي، قم: مكتبة المفيد.

264. المقنع، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، 1415 ق.

265. المقنعة، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1410 ق، دوم.

266. مكارم الأخلاق، الفضل بن الحسن الطبرسي (م 548 ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، أول.

267. الملهوف على قتلى الطفوف (اللّهوف)، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق:

فارس الحسنون (تبريزيان)، تهران: دار الأسوة، 1414 ق، أول.

268. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م 588 ق)، قم: المطبعة العلمية.

269. مناقب أبي حنيفة، موقّ بن أحمد الخطيب الخوارزمي (م 568 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، 1401 ق، أول.

270. المنتخب من مسند عبد بن حميد، عبد بن حميد (م 249 ق)، تحقيق: السيد صبحي البدرى السامرائي ومحمود محمد خليل الصعيدي، قاهره: مكتبة السنة، 1408 ق، أول.

271. منتقى الجمان، حسن بن زين الدين العاملي، تصحيح علي اكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1362 ش، أول.

272. منتهى المطلب في تحقيق المذهب، الحسن بن يوسف الحلّي (م 726 ق)، مشهد: مركز البحوث والدراسات الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدّسة.

273. منهاج الصالحين، سيد أبو القاسم الخوئي (م 1371 ش)، قم: [بى نا]، 1395 ق.

274. موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي (م 807 ق)، تحقيق: عبدالرزاق حمزة، بيروت: دارالكتب العلمية.

275. المواعظ العددية، محمد بن محمد بن الحسن الحسيني العاملي (ابن القاسم) (ق 11 ق)، ترتيب و تصحيح: علي المشكيني الأردبيلي، تحقيق: علي الأحمدى الميانجي، قم: الهادي، 1406 ق، چهارم.
276. الموطأ، مالك بن أنس (م 158 ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1406 ق، أول.
277. مهج الدعوات ومنهج العبادات، علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق) تحقيق: حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي، 1414 ق، أول.
278. المهذب، عبد العزيز بن البرّاج الطرابلسي (ابن البرّاج) (م 481 ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، 1406 ق.
279. ميزان الحكمة با ترجمة فارسي، محمد محمّدي ري شهري، ترجمه: حميدرضا شينخي، قم: دار الحديث، 1377 ش.
280. الميزان في تفسير القرآن، السيد محمد حسين الطباطبائي (م 1402 ق)، قم: إسماعيليان، 1394 ق، سوم.
281. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حسين بن محمد بن الحسن بن نصر الحلواني (م ق 5 ق)، تحقيق: مدرسة الامام المهدي (عج)، قم: مدرسة الامام المهدي (عج)، 1408 ق، أول.
282. نصب الراية، عبد الله بن يوسف الحنفي الزيلعي (م 762 ق)، قاهره: دار الحديث، 1415 ق.
283. نوادر الأصول في معرفة أحاديث الرسول، محمد بن علي الترمذى (الحكيم الترمذى) (م 320 ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، 1413 ق، أول.
284. نوادر الراوندى، فضل الله بن علي الحسينى الراوندى (م 573 ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، 1370 ق، أول.
285. النهاية في غريب الحديث و الأثر، مجد الدين مبارك بن محمد الجزرى (ابن الأثير) (م 606 ق)، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى و محمود محمد الطناحي، قم: مؤسسة إسماعيليان، 1367 ش، چهارم.
286. نهج البلاغة، ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضوي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (م 406 ق)، تحقيق: السيد محمد كاظم المحمّدي و محمد الدشتي، قم: منشورات الإمام علي عليه السلام، 1369 ش.
287. نهج الحق وكشف الصدق، الحسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م 726 ق)، تحقيق: عين الله الحسنى الأرموى، قم: دار الهجرة، 1407 ق، أول.

288. نهج الذكر ، محمد محمّدى رى شهرى، به كوشش: رسول افقى، قم: دار الحديث، 1428، أول.

289. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (م 1104 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1409 ق، أول.

290. الهداية، ابو جعفر الصادق محمّد بن على بن الحسين بن بابويه القمى، تحقيق: مؤسسة امام هادى عليه السلام، قم: مؤسسة امام هادى عليه السلام، 1418 هـ، أول.

291. الهداية الكبرى، حسين بن حمدان الحصيبي (م 334ق)، بيروت: مؤسسة البلاغ، 1406ق.

ص: 890

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

